

نایبیان کاشان

(بر اساس اسناد)





به کوشش:
دکتر عبد الحسین نوایی
محمد بقایی شیرجینی

سازمان اسناد ملی ایران
پژوهشکده اسناد
۱۳۷۹

شابک: ۹۶۴-۶۱۸۹-۳۸-۵
ISBN: 964-6189-38-5



Publication of
Iran National Archives Organization

Kashan's Nayebian On The Basis Of Records

Iran National Archives Organization
Records Research Center

by: Dr. A.H. Navaii & M. baghaii Shirehjini

2001

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

نایبیان کاشان

به کوشش:
دکتر عبد الحسین نوایی
محمد بقایی شیرجینی

انتشارات
سازمان اسناد ملی ایران



۱ | ۱۷
۱۰۰ | ۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

نایبیان کاشان

(براساس اسناد)

سازمان اسناد ملی ایران

پژوهشکدهٔ اسناد

به کوشش:

دکتر عبدالحسین نوایی ـ محمد بقایی شیره جینی

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

تهران ـ ۱۳۷۹

نوایی، عبدالحسین
نابیبان کاشان / عبدالحسین نوایی، محمد بقایی شیره‌جینی. ـ تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۹.
۵۹۲ ص.
۱. نابیبان (خاندان). ۲. کاشان ـ جنبش‌ها و قیام‌ها. الف. بقایی شیره‌جینی، محمد، نویسنده همکار. ب. سازمان اسناد ملی ایران. پژوهشکده اسناد. ج. عنوان.
۹ ن ۲ ک / DSR ۱۴۳۴ ۹۵۵/۰۷۵۰۴۵

۵۰۶۰



نام کتاب: **نایبیان کاشان** (براساس اسناد)

به‌کوشش: **دکتر عبدالحسین نوایی ـ محمد بقایی شیره‌جینی**

ناشر: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

نشانی ناشر: تهران، میدان ولی‌عصر، خیابان کریمخان‌زند، خیابان‌به‌آفرین، پلاک ۶۶، کدپستی ۱۵۹۳۶ تلفن: ۶۴۹۱۹۴۶ـ۶۴۶۹۰۱۰

تاریخ نشر: **۱۳۷۹**

چاپ: **سهند**

نوبت چاپ: **اوّل**

تعداد: **۳۰۰۰ جلد**

شابک: ۹۶۴ـ۶۱۸۹ـ۳۸ـ۵ ISBN 964 - 6189 - 38 - 5

کلیه حقوق برای «سازمان اسناد ملی ایران» محفوظ است.

فهرست مطالب

مطالب	صفحه

پیشگفتار

از اواخر سلطنت قاجاریه یا بهتر بگوییم از روزگار مظفرالدین شاه رشته امور کشوری و لشکری دچار تزلزل و گسستگی گردید. زیرا همراهان مظفرالدین میرزا که عمری در انتظار مرگ ناصرالدین شاه قاجار نشسته بودند و مرگ شاه را آرزو می‌کردند تا خود بتوانند در پناه شاه جدید به‌مقامات مختلف و مناصب مهم و مزایای آن! وقتی که ناصرالدین شاه درگذشت این افراد به‌شرحی که در تواریخ آمده به‌تهران روی آوردند و با عوامل عصر ناصری درگیر شدند و به‌هرنحو که بود آنان را وادار به‌ترک صحنه سیاست کردند و در این تکاپو فارغ از اندیشه به‌حال مردم ایران و سرنوشت این سرزمین به‌جان یکدیگر افتادند و از حال شهرستانها بی‌خبر ماندند و عمال آنها نیز در شهرستانها آتشی از ستم و استبداد برافروختند که برنا و پیر را سراسر در این آتش سوختند و همین امر موجب اعتراض مردم و پدید آمدن عناصری یاغی و سرکش شد که جور و ستم حکام را برنتافتند و در مقابل آنها هسته‌های مقاومتی تشکیل دادند.

یکی از این هسته‌های مقاومت در کاشان پایه و مایه گرفت و مردی به‌نام نایب حسین از میانه برخاست و در مقابل حکام دستگاه مرکزی ایستاد و چون دستگاه دولت ضعیف‌تر از آن بود که بتواند این کانون سرکشی و یاغی‌گری را ـ که روزهای نخستین صرفاً قیام برضد دستگاه جور و فساد دولت بود ـ درهم کوبد به‌خصوص که با پیش آمدن مشروطیت و شکستن هیبت و صولت شاه و بروز اختلافات فرقه‌ای و سیاسی زعمای مرکز این عدم توجه به‌سرنوشت مردم شهرستانها بیشتر شد و درنتیجه قیام نایب حسین بیشتر از پیش قدرت گرفت و ظهور جنگ بین‌الملل هم موجب شد که سرگردانی و بهت‌زدگی زعمای سیاسی افزونتر و توجه آنها به‌معضلات ملت و مملکت در شهرستانها

کمتر گردد و همین امر باعث شد که یاغی‌گری نایبیان گسترده‌تر و ریشه‌دارتر گردد.

البته این بساط پس از چند سال برچیده شد و ماشاءالله خان و پدرش نایب حسین به‌هرصورت که بود دستگیر شدند و برسر دار رفتند. اما تاریخ دقیق این اقدام و شخصیت گردانندگان این بساط به‌صورت ابهام درآمد چنان‌که «هرکس حکایتی به‌تصور همی کند.»

در روزگار ما نیز جمعی برآنند که نایب حسین و فرزندانش در قیام خود نظر به‌صلاح مردم داشته‌اند و برای سعادت و رفاه مردم قدم برداشته‌اند و آثار خیری از خود برجای گذاشته‌اند و جمعی دیگر آنان را غارتگر و آدم‌کش و راهزن و شریر خوانده‌اند که هرچه کرده‌اند برای نفع شخصی بود و آنان با استقبال از هرج و مرج اوضاع سیاسی خواسته‌اند اموال مردم را به‌زور یا به‌زر از آن خود کنند و دست تجاوز برزنان و دختران بگشایند و برای حفظ قدرت و سیطره و تسلط خود خانه و کاشانه مردم را به‌جاروب ظلم و تعدی بروبند و برصغیر و کبیر رحم نکنند.

در چنین شرایطی به‌نظر می‌آید که بهترین شاهد و برترین حکم، اسناد همان روزگار باشد و این سنت پژوهشی سازمان و نیز مؤلفان این کتاب است که دور از غوغای سیاسی و جانبداری‌های جناحی کلیه اسناد و مدارک موجود در این زمینه را در معرض داوری قرار دهند.

در خزانه آرشیو سازمان اسناد ملی ایران اسناد گرانبهایی در این زمینه وجود داشت که همگی آنان در اختیار مؤلفان این مجموعه قرار گرفت که حاصل آن کتابی است که اکنون به‌دوستداران تاریخ ایران تقدیم می‌گردد. با این امید که این مجموعه بتواند مورد استفاده پژوهشگران، مورخان و دیگر علاقه‌مندانی قرار گیرد که همواره مایلند به‌کشف نکات مبهم و مکتوم تاریخ معاصر ایران بپردازند.

در پایان از زحمات محقق ارجمند جناب آقای دکتر عبدالحسین نوایی و نیز همکار گرامی آقای محمد بقایی به‌خاطر تدوین این اثر سپاسگزاری می‌کنم.

سید حسن شهرستانی

رئیس سازمان اسناد ملی ایران

مقدمه

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از اسناد رسمی درباره نایب حسین کاشی ملقب به سالاراسلام و فرزند رشید و ارشدش ماشاءالله خان، ملقب به سردار جنگ؛ من بنا بر رسم معمول می‌باید مقدمه‌ای در تاریخ حیات و شرح روزگار نایب و پسرانش بنویسم و آن‌گاه به ذکر اسناد بپردازم. اما به دلایلی چند از این «رسم زمانه» که اتفاقاً بسیار بجا و پسندیده است می‌گذرم و مختصراً به ذکر اسناد می‌پردازم:

داستان نایب حسین، مطلب ابهام آمیز و اسرارگونه‌ای نیست که کسی از آن بی‌اطلاع باشد. خاصه آن که چندان کهنه و کهن نیست که دست روزگار بر آن راه یافته و فصلی یا فصولی از آن را محو یا مغشوش کرده و برگی یا برگهایی از آن را بر باد داده باشد. همه می‌دانند که تبار نایب حسین از طایفه لر بیرانوند است که بر اثر بازی روزگار جمعی از آنان درکاشان مقیم شده‌اند و از میان آنان مردی دلیر و بزن بهادر و نترس و نستوه، با استفاده از ضعف دولت قاجاری، درکاشان سواری چند فراهم آورده و به‌کمک آنان و احیاناً یاری چند تن از امثال خود، قدرتی یافته و خود را از تحکم و تشّدد عمال دولتی رهاکرده و به تدریج جانشین آنان گردیده و از مردم ابتدا مطالبه مالیات کرده و سپس خواهان نقد و جنس شده، حتی به پست دولتی هم دست تجاوز درازکرده و به مرور زمان نفوذ خود را تا یزد و خور و بیابانک توسعه بخشیده تا جایی که دولت از روی ضعف، قراسورانی قم تا یزد را به پسرش ماشاءالله خان سپرده و حوادث روزگار آنان را به سیاست کشانده و در چهار چوب قضیهٔ مهاجرت، به جلای وطن و سفر به غرب ایران وا داشته و پس از پایان جنگ

بین‌المللی اول، باز به خاستگاه خود کاشان رفته و سرانجام رئیس‌الوزرایی به‌نام میرزا حسن خان وثوق‌الدوله نخست، ماشاءالله خان را به تمهید و تزویر و قسم و وعده و وعید به‌تهران فراخوانده و به نیرنگ بر او دست یافته و اول او و سپس پدرش نایب، را از پای در آورده و به یکه تازی آنان خاتمه داده است.

چو خرما بنان در زمانها برستند   چو تره به اندک زمانی درودند

و این جمله در کتابهای مختلف آمده فی المثل حسن اعظام قدسی در کتاب خود به نام "خاطرات من" یا "روشن شدن تاریخ صد ساله" به تفصیل از نحوه شرکت نایب در قضیه «مهاجرت» یاد کرده و میرزا حسن نراقی، در کتاب تاریخ اجتماعی کاشان، بدان مطلب پرداخته و ایرج افشار شرحی در این باره تحت عنوان واقعه نایب حسین کاشی نوشته و یکی از روحانیون محترم کاشان به نام ملا عبدالرسول مدنی، کتاب تاریخ اشرار کاشان را نوشته که در این کتابها و مقالات از عمل کرد نایبیان به بدی یاد شده و این مؤلفین کم و بیش نایبیان را شرور و غارتگر و آدم کش و سنگدل شمرده‌اند.

اما در سال ۱۳۶۸ هـ ش، دو کتاب پی در پی به علاقه‌مندان به تاریخ، عرضه شد. نخست کتابی منظوم به نام «حماسهٔ فتح نامهٔ نایبی» اثر طبع منتخب السادات یغمایی - پدر شادروان حبیب یغمایی - و دیگر کتابی ظاهراً تحقیقی به نام «طغیان نایبیان در جریان انقلاب مشروطیت ایران» از آقای محمد رضا خسروی و هر دو به سعی آقای علی دهباشی، که شادروان اقبال یغمایی و آقای کاوه بیات مقالاتی[1] در رد و اعتراض به دو کتاب مذکور نوشتند و علت آن این بود که ناشر و مؤلف کتب مزبور، برخلاف کتب قبلی، نایبیان را از زمرهٔ عیاران شمرده و نایب حسین و سردار جنگ را به عرش رسانده بودند. امری که بیش از همه باعث تأسف علاقه‌مندان به تاریخ ایران بود، این که هم در مقدمه حماسهٔ فتح نامه و هم در مقدمه طغیان نایبیان همه کسانی راکه نایب حسین و فرزندش را در چنین پایگاه رفیعی ندیده و او را آن طورکه اینان می‌خواستند ترسیم نکرده بودند، مورد توهین و تحقیر قرار داده

۱. نشر دانش - سال دهم - شمارهٔ سوم - فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۹

بودند که من از تکرار آن شرم دارم و خوانندگان را به صفحات ۱۵، ۱۶، ۲۱ تا ۲۵ طغیان نایبیان ارجاع می‌دهم و صفحات آغازینِ حماسه فتح نامه، که دشنام و تهمت و افترا و تحقیر و توهین از هر که باشد زشت است و هیچ وقت دشنام و بدگویی جای حقیقت را نگرفته است. آنجاکه حقیقتی وجود دارد نیازی به فحش و تهمت و تحقیر نیست. زیرا ممکن است درکوتاه مدت، حقیقت راکتمان کرد ولی سر انجام ماه از زیر ابر بیرون خواهد آمد و به نور خود پرده‌های ظلمت و جهل را می‌شکافد.

آنچه مرا از نوشتن مقدمه مانع آمد، وجود همین جو سنگین و فضای جنجالی بود. زیرا ممکن بود که دیگران مرا نیز موافق یا مخالف تشخیص دهند، در صورتی که من به این قضیهٔ تاریخی مثل دهها قضیهٔ دیگر تاریخی می‌نگرم و آن را جزء کوچکی از ماجراها و حوادثی می‌شمرم که برای ایران و ایرانی رخ داده و آرزوی من روشن شدن مطلب است نه اثبات حقانیت عمرو یا زید. من درین بحث نه ناقه‌ای دارم نه جملی، نه قصد انتقام جویی دارم نه نظر به تکاثر و تفاخر خانوادگی. بدین جهت بود که خواستم در این زد و خوردها و صف آرائی‌ها و جو سازیها فقط به بیان حقیقت پردازم و چه حقیقتی بالاتر از اسناد رسمی‌که فارغ از منافست‌ها و مناقشه‌های امروزین، سالها پیش نوشته شده و امروز شاهد عادلی است بر کنه وقایع و حقایق تاریخی و حتی مسائل پشت پرده که دور از دسترس همگانی بوده و هست. انگیزه من در جمع این اسناد، آن بوده که نسل امروزه راکه در این جنجال و هیاهوی بسیار برای هیچ مبهوت و سرگردان شده‌اند و در تشخیص درست از نادرست و حق و نا حق حیران مانده‌اند، از طریق ارائه اسناد رسمی معتبر آگاه کنم و آنان را متوجه اهمیت اسناد سازم تا بدانند که ممکن است درکتابها دروغ و جعل و تزویر، برای ارضای تمایلات زود گذر این و آن وجود داشته باشد ولی در اسناد رسمی‌که هر ورق آن به دست کسی و در زمان خاص، آن هم برای رفع مشکل یا گردش کاری نوشته شده‌است، احتمال شک‌وتردید و تزویر بسیار بعید و نادر است.

سراسر اسنادی که در این مجموعه آمده است از آن سازمان اسناد ملی ایران

است که ما شماره و نشان تک تک آنها را به دست داده‌ایم، اما نباید چنین پنداشت که اسناد مربوط به نایب حسین و فرزندانش منحصر به همین اسنادی است که ما فراهم آورده‌ایم بلکه اطمینان داریم که هنوز اسنادی در این مورد وجود دارد که به دست ما نرسیده و یا اگر رسیده نتوانسته‌ایم در این مجموعه بیاوریم. از این روی از همه مراجعی که اسنادی از این دست در اختیار دارند و از همه بزرگوارانی که با خاندان نایب حسین و فرزندانش پیوندهای نسبی و حسبی دارند و احیاناً سند یا اسنادی در این زمینه دارند، به عنوان یک خادم پیر و مشتاق آستان تاریخ و ادب ایران، صادقانه و مشتاقانه و خالصاً مخلصاً تقاضا می‌کنم که یا خود به انتشار آن مبادرت ورزند یا ما را رهین منت خود گردانند و سوادی از آن اسناد در اختیار سازمان اسناد ملی ایران قرار دهند که احتمالاً در چاپ بعد یا در کتاب و مجموعه‌ای دیگر منتشر سازیم. تا اهل تحقیق با اطمینان خاطر بیشتر و بهتری بتوانند در این موضوع و هر موضوع دیگری، فارغ از بایدها و نبایدها و شایدها و نشایدها تحقیق کنند. زیرا تحقیق تاریخی وقتی درست و ارزنده و خواندنی است که صرفاً برای بیان حقیقت شروع شده و پایان پذیرفته باشد. تحقیقاتی که در راستای غرض‌ها و مرض‌ها و نظرات فردی و ملاحظات گروهی صورت گیرد، هرگز برای همیشه نمی‌تواند مورد پسند اهل نظر قرار گیرد که حقیقت از جانب حق است و ما عندالله باق و ما عندکم ینفد.

آنچه در پایان این مقال ذکرش لازم به نظر می‌رسد این که تنها نایب حسین و ماشاءالله خان و دیگر فرزندان وی متجاوز و غاصب و تاراجگر نبوده‌اند زین میان حافظ دل سوخته بدنام افتاد. بلکه همه کسانی که به نحوی در این اسناد نامشان آمده هر یک در حد قدرت و مقام و موقعیت خود، در این کشتار و تاراج شرکت داشته‌اند چه از سران بختیاری که به عنوان سرکوب اشرار در کاشان دست به تفنگ برده‌اند، چه مأمورین مالیه که آن گونه ظالمانه بر سر مردم مصیبت زده کاشان و روستاهایش ریخته و مطالبهٔ مالیات کرده‌اند، چه ژاندارم‌هایی که به عنوان حفظ مال و جان مردم با پول همین مردم و به اصطلاح ا مروزین با استفاده از بیت‌المال

عمومی برای سرکوبی نایب و پسرانش به‌کاشان و مضافاتش رفته‌اند، حتی همان «لیوتنانت کلنل» فضل‌الله خان رئیس ژاندارمری اصفهان که کالسکه نایب را هم به غارت برد همه از یک قماش بودند و همه سودجو و دزد و تاراجگر و نادرست و سر و ته یک کرباس. آنچه در این ماجری فراموش شده بود، وضع ناگوار مردم سیه روزگاری بود که از بخت بدگرفتار نایب حسین و پسرانش شده بودند، آنچه هرگز مورد توجه وزرا و وکلا و امنا و امرا قرار نگرفت بدبختی و سیه‌روزی مردم مصیبت زده بود گویی ولی‌شناسان رفتند از این ولایت. نه تنها هیچ کس به‌کمک آن مردم ستمدیده نیامد بلکه هر که آمد، بازخواست از این بدبختان فلک‌زده زهر چشم بگیرد و از آنان به عناوین مختلف مالیات و سیورسات و جریمه و فعل بها و دندان بها بگیرد. و نکتهٔ دیگر آن که مسلماً نایب و فرزندانش به اتکاء بعضی از رجال این مملکت که متناوباً وکیل و وزیر و سفیر و امیر می‌شدند، سالهای سال به ارعاب و تخویف و بالنتیجه دوشیدن مردم می‌پرداختند. ورنه چگونه فردی می‌توانست با این همه شاکی و متظلم و عارض، چندین سال آنچه می‌خواهد و می‌تواند بر سر مردم بیاورد و کسی دم برنیاورد.

آنچه از همهٔ اینها دل خراش‌تر و تأثرانگیزتر است رفتاری است که مسئولان دستگاه ایرانی از وزیر گرفته تا کارمند با ورثهٔ نایب و پسرانش کردند. این جماعت بدبخت که مشتی زن و بچه بودند و به هیچ وجه درکارهای زشت و خونین شوهران و پدرانشان شرکتی نداشتند سالیان دراز در فقر و بدبختی و بیماری و دربدری به سر بردند و هیچ کس از دیدن این همه بدبختی متأثر نشد. اینان بارها و بارها و بارها از وضع ناگوار و پر از رنج و مصیبت خود شکایت کردند و خواستار شدند که یا کاری بدانان داده شود یا سرمایه مختصری که کار آزاد کنند یا قسمتی از اموال توقیفی را بدیشان مسترد دارند که سرپناهی داشته باشند و اطفال خود را سرپرستی کنند اما اموال و املاک را رندان خورده و برده بودند و دیگر چیزی نبود که بتوانند پس بدهند لاجرم باز سخن از اقدامات نایب حسین گفتند و این که اموال وی و پسرانش در ازاء خساراتی که به دولت وارد شده فروخته شده یا تعویض گردیده لذا ورثه

حقی برای تظلم ندارند و این یک مشت زن و بچه چه گناهی کرده بودند. تنها در این میان میرزاحسن خان مستوفی‌الممالک متوجه بدبختی آنان شد و در هنگام تصدی ریاست وزرائی خود در سال ۱۳۰۵ تصویب‌نامه‌ای صادر کرد و طبق آن تصویب نامه وزارت دارایی ـ یا به اصطلاح آن روز مالیه ـ موظف شد که املاک را که برای دولت بلااستفاده مانده بود بدیشان مسترد دارد و مسلماً نظر آن مرد بلندنظر آن بود که مبادا آن اطفال نیز براثر فقر و بدبختی خود و ظلم و تعدی اولیای امور مانند پدران و نیاکان خود، افراد ستیزه‌جو و سرکش و یاغی و نافرمان بار آیند و بار دیگر این تعزیهٔ شیر و فضه را تجدید کنند و این همه کشتارها و غارت‌ها و تجاوزها و بی‌اعتدالی‌ها را یک بار دیگر از سرگیرند. اما تغییر کابینه فرصت برای اجرای تصویب‌نامه هیأت وزرا باقی نگذاشت و مستوفی رفت و نخست وزیران دیگر هم بدین امر توجهی نکردند و حتی بعضی از آنان جوابهای تند و غیرمنطقی به ورثه دادند که به دنبال کار آزاد بروند و ظاهراً نمی‌دانستند که کار آزاد، سرمایهٔ آزاد می‌طلبد و آن اطفال خردسال یا بیمار سرمایه‌ای نداشتند. غیر از مستوفی‌الممالک، یکی دیگر از رجال گذشته نیز به حق بر این جماعت بی‌گناه بی‌پناه دل سوزانده و آن میرزاحسن‌خان محتشم‌السلطنه است. هر چند که بزرگواری این دو تن در سرنوشت آن جماعت اثری نبخشید ولی مراتب انسانیت و همدردی آنان مورد تمجید و مایهٔ تحسین است. روانشان شاد باد.

باری این قصهٔ پرغصه که سراسر از جهل و فقر سرچشمه گرفته بود، در همان گرداب جهل و فقر مادی و معنوی فرو رفت و به تاریخ مشحون به درد و رنج و اشک و خون ایران پیوست و از آن حدیث مفصل چند سطری بیش نماند که بر صفحهٔ دفتر و کتاب گذشت و می‌گذرد.

روش ما در آوردن اسناد و تنظیم آن‌ها آن بود که کلیهٔ اسناد هر چه بوده و هست ـ در این مجموعه بیاید تا محققان را وسیلهٔ تحقیق بیشتر فراهم گردد و مراجعان و حقیقت‌جویان نیز همه اسناد لازم را در اختیار داشته باشند و ضمناً بی‌طرفی و بی‌نظری کامل رعایت شده باشد و چنین کردیم حتی مطالبی که در سندی آمده و

در سندی دیگر بدان اشاره‌ای شده بود، همه را آوردیم و از تکرار اندیشه نکردیم.

اسنادی که در این مجموعه آمده کلاً متعلق به سازمان اسناد ملی ایران است همراه مقداری از اسناد متعلق به مجلس شورای ملی سابق. اما کل اسناد مربوط به نایب حسین بدین اسناد منحصر نیست. مقادیر عظیمی از این اسناد هم در مؤسسه تاریخ معاصر منتسب به بنیاد مستضعفان و جان بازان موجود است که آن‌ها را نیز خوانده و به‌کمک یکی از دانشجویانم ـ که مرا در حکم فرزند است ـ تنظیم کرده‌ام و امیدوارم که آن مجموعه نیز به زیور طبع آراسته گردد.

در ادامهٔ سخن بر خود فرض می‌دانم که از همه عزیزانی که ما را در این کار به قلمی یا قدمی یاری بخشیده‌اند سپاسگزاری کنم که ادای سپاس خلق، عرض سپاس به پیشگاه حق و حقیقت است. اولیای محترم سازمان اسناد ملی ایران، از جناب مهندس سیدحسن شهرستانی رئیس، دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ معاون آرشیو و سرپرست پژوهشکده اسناد گرفته تا آقای خوش بیان مدیر اطلاع‌رسانی اسنادی و همکاران ایشان و نیز سرکار خانم الهام ملک‌زاده که در مراحل مختلف این کار ما را یاری داده‌اند؛ همچنین از جناب آقای میرانصاری مدیر محترم انتشارات و آقای نصرت‌الله امیرآبادی کارشناس انتشارات که امکانات چاپ این مجموعه را فراهم نمودند و همه کسانی که این بار سنگین تهیه اسناد را کلاً یا جزئاً بر دوش داشته‌اند و من بنا بر ضعف پیری و ناسازگاری حافظه، نام آنان را به خاطر نمی‌آورم، در تهیه این مجموعه به من کمک کرده‌اند و من از همه آنان صمیمانه و از ته دل و بن دندان تشکر می‌کنم و امیدوارم که در این کار خطیر فرهنگی که بر عهده گرفته‌اند هر روز موفقیتی بیشتر و پیشرفتی گسترده‌تر داشته باشند و گاهی از من به «دعا» یاد کنند.

وقتی این اسناد را تنظیم کردم و این کتاب یا مجموعهٔ اسناد فراهم آمد، این اندیشه در خاطرم خلجان کرد که دریغ است که از مردم کاشان در این داستان یاد نکنم. زیرا اولاً از نایب حسین و فرزندانش می‌توان گذشت اما هرگز از کاشان و کاشانیان نمی‌توان گذشت. کاشان قرن‌ها و قرن‌ها مهد علم و فرهنگ و هنر و صنعت

تجارت بود و کاشیان در طی قرون و اعصار نمایندگان مسلم و مشخص هنر و صنعت و تجارت و فلاحت این سرزمین دیرپای اهورایی، ثانیاً در این حادثه کاشان بیش از همه ضرر و زیان دید و کاشانی بیش از هرکس مورد ستم و تجاوز و تطاول قرار گرفته است. از این‌روی برآن شدم که شرحی دربارهٔ مردم کاشان در روزگار نایبیان براین اوراق بیافزایم و نظرات مردم فرهیخته این خطه هنرپرور را دربارهٔ نایب حسین و فرزندانش بیان دارم از این‌روی از دوست عزیز خود جناب مهدی صدری که از مردم کاشان و از سلاله سادات حسینی کاشی و از اعقاب ملامحسن فیض هستند و به‌من لطف و حسن ظنی بیش از شایستگی من دارند خواهش کردم که آنچه از اجداد و آباء خود در این موردشنیده‌اند، به‌صورت جامع و مستندی مرقوم فرمایند و ایشان این خواهش مرا با همان سماحت همیشگی و لطف و محبت دیرین پذیرا شدند و شرحی دقیق، شیرین در این باره نوشته‌اند که بلافاصله بعد از این سطور تحت عنوان **نایب حسین کاشی از دید یکی از معمرین کاشان** به‌نظر اصحاب فضل و ارباب هنر می‌رسد و من نمی‌توانم مراتب تشکر خود را از ایشان بیان دارم و همین قدر می‌توانم بگویم که دوش من زیر بار منت اوست.

در اواخر دورهٔ قاجاریه به علت ضعف زمامداران وقت، ادارهٔ حکومت در کل کشور دچار خلل و سستی شده بود. درگوشه و کنار ایران و شهرهای مملکت هر کس شاهد قدرت طلبی و قدرت نمایی بعضی از افراد ذی نفوذ محلی بود که هر یک به نوعی داعیهٔ حکومت منطقهٔ خود را داشتند تا جایی که بعضی از داعیان حکومتهای محلی با دسته‌های مشابه خود در نقاط دیگر این سرزمین ارتباطی مشترک و پنهانی داشتند تا بتوانند بهتر به مقاصد خود نایل شوند. قضیه‌ای که در آن ایام در بین این قضایا از همه بارزتر و از همه معروف‌تر بود قضیهٔ بروز و شکل گیری قدرتی به نام نایب حسین کاشی و دار و دسته‌اش درکاشان بود که در انتها به صورت یک حکومت خودکامه درآمد.

نایب حسین اصلاً از طایفهٔ بیرانوند لرستان بود. پدر بزرگش از خرم آباد لرستان به‌کاشان آمد و درکاشان توطن دائمی گزید. نایب حسین قبل ازگرفتن عنوان

«نایب» درکاشان به نام حسین کاشی معروف بود. حیات او و شخصیت او درکاشان در محلهٔ «پشت مشهد» ـ که بقعهٔ امامزاده حبیب بن موسی (ع) در این محله قرار دارد - شکل گرفت.

وی در تمام مدت عمرش مردی شجاع و دلیر بود و لیاقتهای فردی فراوان داشت و در فصل نزاع‌ها و حل اختلافات محلی از نبوغ خاصی بر خوردار بود.

در آن هنگام سهام‌السلطنه عرب عامری حاکم کاشان بود و درکاشان نیز منزل مجللی که شبیه به قصر است داشت که محل زندگی و حکومتش بود و اکنون هم آن منزل در دست تعمیر اولیای امور سازمان میراث فرهنگی کاشان است. همچنان که پیش‌تر هم گفته شده بود، حکومت وقت قاجار از قدرت و اقتدار لازم در انجام امور مملکتی بر خوردار نبود. در این زمان حاکم کاشان اضافه بر مسئولیتهایی که داشت مسئولیت چاپار یا به اصطلاح امروزی ادارهٔ پست و مراسلات دولتی از کاشان تا شهر یزد نیز بر عهدهٔ وی بود. در این ایام مرتباً مراسلات و محمولات پستی در منطقه‌ای در نزدیکی نطنز که کوهستانی است، به وسیلهٔ دزدان چپاول می‌شد و به غارت می‌رفت و حاکم مذکور با توجه به این که، در منطقهٔ کاشان و اطراف از نفوذ زیادی بر خوردار بود، در مهار این امر نتوانست کاری از پیش ببرد.

از آنجا که این امر به دفعات و مکرّر پیش آمده بود، سهام‌السلطنه از طرف حکومت مرکزی سخت تحت فشار قرار گرفت تا بلکه سر و سامانی به این آشفتگی و ناامنی دهد. ولی با این که خان حاکم، نیرو و قوای مسلحی هم که برای برقراری امنیت کافی بود در اختیار داشت هرگز نمی‌توانست امنیتی را که مدنظر بود برقرار کند.

تا این زمان حسین کاشی هیچگونه در امور حکومتی دخالتی نداشت بلکه او نیز مانند یک نفر از افراد معمولی دیگر کاشی بود که به زندگی روزمرهٔ خود ادامه می‌داد.

حسین کاشی از کی به نایب حسین شهرت یافت

امروز شمار کسانی از نسل پیش که زمان حیات نایب حسین را درک کرده باشند درکاشان خیلی کم است. البته عدهٔ انگشت شماری از نسل پیشین درکاشان در قید

حیاتند که این عده اخبار و اطلاعاتی را به نقل از پدران و نزدیکانشان که همزمان با ظهور نایب حسین کاشی بوده‌اند، شنیده‌اند؛ و هنوز هم گاه و بیگاه در بعضی از محافل به مناسبتی از اوضاع آن روزگاران نقل می‌کنند. نگارنده که مبادرت به نوشتن این خلاصه شرح حال آن ایام می‌کند، حدود دو نسل با آن زمان فاصله دارد. اما مطالبی‌که در اینجا در باب ظهور نایب حسین و اتفاقات زمانش به دست می‌دهد، مبتنی بر شنیده‌هایی است که از زبان اشخاصی نقل شده که: اولاً، خود همزمان این وقایع در شهر کاشان بوده‌اند. ثانیاً، این اشخاص همه افراد شناخته شده و از خانواده‌های قدیمی‌شهر کاشان بوده‌اند. نکتهٔ دیگر در نقل این مطالب، وثوق و صحت قول راویان داستان است که ناقلان آن که از خویشان بزرگ بنده بوده‌اند و همه را به ذکر نام یاد خواهم کرد، بدون هیچ عنادی و غرضی و در کمال بی‌طرفی آنچه خود دیده‌اند و نگارنده حدود سی سال پیش گاه نقل آنها را شنیده‌ام و گاه به سبب کنجکاوی خود در این زمینه سؤالی را طرح کرده‌ام و پاسخ آن را شنیده‌ام.

از چه زمانی حسین کاشی، صاحب عنوان نایب حکومت شد و به نایب حسین معروف شد؟ این مطلب مهم تاریخی است که کسی در این باب تحقیقی نکرده و تاکنون در این زمینه چیزی نگفته یا ننوشته است. نقل این موضوع را بارها از زبان مرحوم آقا میرزاولی‌الله فیضی، که از احفاد ملا محسن فیض کاشانی است و به ۸۳ سالگی رسیده بود، شنیده‌ام. مرحوم مشارالیه به سال ۱۲۵۹ شمسی در کاشان متولد گردید و به سال ۱۳۴۲ شمسی در کاشان درگذشت. وی آخرین فرزند ذکور مرحوم میرزا حسین نایب صدر فیضی است. نسبت مشارالیه با نگارنده چنین است که ایشان از یک طرف عموی والده‌ام بوده‌اند و از سوی دیگر پدربزرگ همسر بنده. روانش شاد باد. مرحوم مشارالیه به سبب عنوان خانوادگی و شخصیت ذاتی خود از یک طرف و از طرف دیگر هم محل بودن ایشان با سهام‌السلطنه در محلهٔ سلطان امیر احمد، رفت و آمد و حشر و نشر نزدیک با او داشتند. بدین سبب مشارالیه همیشه اطلاعات دقیقی از وضعیت رفت و آمد اشخاص و حشر و نشر مردم با سهام‌السلطنه داشت. آقا میرزاولی‌الله مرحوم، که اخبار ناامنی و چپاول پست کاشان

تا یزد را در منزل سهام‌السلطنه بارها شنیده بود، نقل می‌کرد که روزی از این روزها در منزل سهام‌السلطنه بودم که حسین کاشی وارد شد. همین حسین کاشی که بعدها یا بهتر بگویم در همان جلسه به نایب حسین کاشی تغییر نام یافت. می‌گفت ابتدا فکر کردم آمدن و حضور حسین کاشی پشت مشهدی در اینجا که او از محلهٔ پشت مشهد در شرق کاشان است و منزل سهام‌السلطنه در غرب کاشان، چه صورتی دارد؟ پیش خود پنداشتم که وی نیز شاید مانند مردم عادی دیگر به خانهٔ خان و حاکم متمول کاشان می‌آیند که معمولاً نیاز مادّی و تقاضای کمک از سوی خان دارند. ولی پس از مدتی کنجکاوی و سپس پرسش پرسش از نوکرها و خدمه خان که هر یک مأمور انجام وظیفه‌ای در این منزل بودند، برایم معلوم شد که خان کس به دنبال حسین کاشی فرستاده و او را طلبیده است و حسین کاشی هم به حضورش آمده، بدون این که اطلاعی از خواستهٔ خان داشته باشد. خان ظاهراً پس از چندین و چند روز تفکر و اندیشیدن برای حل معضل چپاول و غارت چاپار مسیر کاشان - یزد، به این نتیجه رسیده بوده است که اگر بتواند با حسین کاشی در انجام این مأموریت - که ارتباط مستقیم با حیثیت و آبرو و بقای خان داشت ـ کنار بیاید و به تفاهم برسند، تا شاید بتواند کاری از پیش ببرد و از عهدهٔ وعده‌هایی که به حکومت مرکزی در این باب داده است سر بلند بیرون آید. حسین کاشی به واسطهٔ شجاعت و دلیری و نداشتن ترس و هراس از نزاع و درگیری و به ویژه تیراندازی او که در عصر خود بدیل نداشت، در بین مردم از شهرت خاصی برخوردار بود. همین ویژگیهای شخصی که خود نیز آنها را باور داشت، سبب گردید که در مقابل طرح خواستهٔ خان امتیازاتی بگیرد و از آنجا که خان در قبال تعهداتش به حکومت مرکزی مستأصل بود، حسین کاشی خواسته‌های خود را به چانه زدن و در نهایت قبولاندن به خان به کرسی نشاند و به آنچه در سر می‌پروراند و بعدها به آن نائل آمد، رسید. شرح گفتگوی حسین کاشی با خان که مرحوم آقا میرزاولی‌الله فیضی شاهد به وجود آمدن نایب حسین کاشی شد، شنیدنی است که نگارنده عین این گفتگوها را که بارها از زبان آن مرحوم شنیده بودم به نقل می‌آورم:

همان طوری که پیشتر گفته شد، پس از ورود حسین کاشی به منزل خان، حسین کاشی سعی کرد تا هر چه بیشتر نزدیک به جایگاه او بنشیند ضمن این که افرادی دیگر از بزرگترها و کوچکترهای شهر در مجلس بودند که هر یک از این افراد به نسبت موقعیت خانوادگی و شخصیتی خود می‌بایست در جای معینی بنشینند و امر کیفیت نشستن افراد در مکانی مناسب بیشتر به دست خدمه و کارکنان منزل خان بود که افراد بنا به موقعیتشان به جای مناسبی هدایت می‌شدند و در جای خود قرار می‌گرفتند. آن طوری که آن مرحوم نقل می‌کرد در آن روز مثل همیشه، منزل خان از رفت و آمد زیادی برخوردار نبود و تعداد کمی‌افراد خاص و خیلی نزدیک به خان در منزل حضور داشتند و قاعدتا" می‌بایست خان بدین منظور که در رابطه با مسائل حکومتیش با حسین کاشی گفتگو و مذاکره‌ای خواهد داشت از پذیرفتن خیلی از اشخاص خودداری کرده باشد. آن روز نیز حضور من (= آقا میرزا ولی‌الله) در منزل خان بدان سبب اتفاق افتاده بود که قبلا" خان به من پیغام فرستاده بود که مقداری گلاب و جوزقند و آلوچه می‌خواهد و از آنجاکه بهترین این محصولات در قمصر تهیه و تولید می‌شد و من هم بواسطهٔ علاقهٔ اجدادی در قمصر، ایام تابستان و بخشی از فصل بهار را با خانواده به قمصر می‌رفتیم و در آنجا اقامت می‌کردیم بدین واسطه دسترسی و تهیه به این گونه محصولات برای من آسان بود و من می‌توانستم بهترینش را تهیه کنم و این امری بود سالیانه که به سفارش همیشگیش انجام می‌شد.

آنچه در آن روز اتفاق افتاد و من هم ناظر بر آن جلسهٔ تاریخی بودم این بود که خان ابتدا صحبت را آغاز کرد و شرح ماجرای ناامنی و راهزنی راه کاشان تا به یزد را برای حسین کاشی گفت و مانند یک مشاور عالی حکومتی و همچنین نظامی‌از حسین کاشی چاره و اندیشهٔ معضل به وجود آمده را جستجو می‌کرد. خان گفت به نظر شما چه باید کرد؟ چقدر نیروی تفنگدار می‌خواهد؟ و چقدر زمان می‌خواهد؟ و چقدر هزینه این کار خواهد بود؟ و چه کسی می‌تواند این امنیت را به منطقه بازگرداند؟ بدون این که مستقیما" حسین کاشی را مورد خطاب قرار دهد. در حین این صحبتها، بنا به اشارات خان، خدمهٔ مربوط پذیرایی لازم را که معمولی

ترین آن در آن زمان چای و نان قندی بود از حسین کاشی به عمل می‌آوردند. ضمن این که تعارفات خان هم در این پذیرایی از حسین کاشی مشهود بود. در این هنگام حسین کاشی لب به سخن گشود و خطاب به خان این مطالب را اظهار کرد: این کار، کار مهمی نیست و خیلی راحت و آسان می‌توان راه کاشان - یزد را امن کرد. در بین این صحبت خان گفت که من می‌توانم تعداد دویست نفر تفنگدار زبده در اختیار هر کس که مصلحت بدانی قرار دهم و جیره و مواجبی هم برای شما (= حسین کاشی) مقرر می‌دارم که فرماندهی عملیات را با تفنگداران من که در اختیار شما قرار می‌گیرند، برعهده گیری و نظم و امنیت راه مذکور را برقرار کنی. حسین کاشی که حرف و صحبتش را خان قطع کرده و بلافاصله قبل از این که از شرایط حسین کاشی برای انجام کار آگاهی یابد پیشنهاد مذکور را ارائه داده بود، گفت، من به تفنگداران شما نیاز ندارم و خودم یک تنه می‌توانم از عهده برآیم. خان از گفته حسین کاشی برآشفت و تعجب کرد و ادامه داد که در چندین مرحله همین دویست نفر تفنگداران زبدهٔ خود را برای امنیت راه مذکور به منطقه فرستاده‌ام ولی نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند. شما چطور می‌توانید به تنهایی چنین امر خطیری را انجام دهید؟! او در جواب گفت من می‌توانم و این مسئله مشروط به شرایطی است که اگر با هم به توافق برسیم من (= حسین کاشی) تمام تضمینهایی که شما لازم داشته باشید می‌دهم تا خاطرتان جمع باشد و هیچگونه نگرانی نداشته باشید. هنوز خان او را دست کم می‌گرفت و به فکر خود تصور می‌نمود که حسین کاشی شرایطش در حد مثلا" پول، ادوات جنگی از قبیل تفنگ و همچنین آذوقه‌ای است که برای خود و خانواده‌اش لازم خواهد بود. غافل از این که، خواست حسین کاشی فراتر از آن بود که در آن لحظه و شاید هیچ وقت، یک آن به ذهن خان خطور نکرده باشد.

خان گفت شرایط شما برای انجام این امر چیست تا ما درباب آن بیندیشیم و فکر چاره کنیم و آیا با شرایطی که ابراز خواهید کرد ما به خواسته‌های خود که همانا امنیت راه کاشان به یزد است می‌رسیم یا نه؟ حسین کاشی گفت شرایط من این است، اولا" باید حکم و فرمان نایبی حکومت کاشان را به خط و مهر خودتان به نام

من صادر فرمایید که این اولین خواسته و شرط من است. خان شروع به چانه زدن کرد و گفت که حکومت من نایبش معین است و نایب حکومت باید کسی از خانواده‌های برجسته شهر باشد و هم صاحب خط و ربط و شهرت و احترام در بین مردم شهر باشد. شما در چنین مرتبه‌ای نیستی و چنین شرایطی را هم نداری. من چطور می‌توانم شما را به عنوان نایب خودم به حکومت مرکزی و بعد هم به مردم کاشان معرفی کنم. این ازکارهای نشدنی است. سپس خان ادامه داد که شروط دیگر شما چیست که بلکه با آن شرایط شما بتوانیم توافقی حاصل کنیم. حسین کاشی در جواب گفت چون شرط اول من که از شرایط اصلی در انجام این امر خطیر است و برای شما قابل قبول نیست و شرایط دیگر من در مرتبهٔ بعدی از اهمیت است؛ من هم کاری دیگر در اینجا ندارم. اگر خان اجازه بفرمایند مرخص شوم ضمن این که از پذیرایی شما هم متشکرم.

خان بدون این که از شرایط بعدی حسین کاشی مطلع شود اجازهٔ مرخصی بدو نداد؛ و از وی خواهش کرد که بفرمایید و بنشینید با هم بیشتر صحبت کنیم تا بلکه به راه حل مورد قبولی که هم باعث رضایت شما و هم رضایت ما باشد برسیم. حسین کاشی که از جا برخاسته بود دوباره نشست و گفت حرفی و مطلبی غیر از این که در شرط اول بیان کردم ندارم که نه چیزی می‌توان از آن کاست و نه چیزی می‌توان به آن اضافه کرد و این همان صدور حکم نیابت حکومت کاشان است که باید جناب خان به نام من صادر و امضا و مهر کنند و من بعد از این ملقب به نایب حسین کاشی شوم. به دنبال این چانه زدن مجدد، حسین کاشی ادامه داد و گفت که افرادی مانند من به درد حکومت می‌خورد که قدرت و توانایی ادارهٔ شهر و مقابله با ناامنی را داشته باشند. خان که از اصرار و پافشاری حسین کاشی در قبول شرط اول، چاره‌ای نمی‌دید، به حسین کاشی گفت اگر ما چنین کاری را بکنیم خواسته‌های بعدی شما چیست؟ گفت خواسته‌های دیگر من در مورد خواص همین حکم است. وقتی من نایب حکومت شدم، طبیعی است که باید در طرف دست راست خان بر روی همان تشک بنشینم و همان ظرفها و قاشق و چنگالها و دیگر لوازم

مربوط به پذیرایی و انجام تشریفات که برای خان منظور می‌دارند، برای من هم به همان شکل عمل کنند. خان در جواب ابراز کرد که این خواسته‌ها خیلی اسباب کسرخان و خانوادهٔ اوست و یکباره نمی‌توانم همهٔ این امتیازات را یکجا به شما واگذار کنم. حسین کاشی گفت اگر این خواسته‌ها عملی شد من هم حرفهایی را که در مورد خواستهٔ شما گفته‌ام عملی می‌کنم و آن وقت خواهید دید که چقدر وجهه و حیثیت و آبرو و اقتدار شما در حکومت مرکزی افزایش خواهد یافت. در همین گفتگوها بود که منشی خان، از دارالحکومهٔ کاشان آمد و به حضور خان رسید. خان از او اخبار روز حکومت کاشان را خواست. منشی در جواب گفت، برای خبر خاصی غیر اخبار روزانهٔ متداول که به عرض می‌رسد آمده‌ام، خبر مهم است! خان گفت خبر چیست، گفت، خبر مربوط به چاپاری است که محمولهٔ دولتی داشت و همان طوری که مستحضر هستید این چاپار دیروز در کاشان اطراق کرده بود، غروب هنگام دیروز کاشان را ترک کرد و به سمت یزد حرکت کرد در حوالی نزدیک به نطنز راهزنان اموال دولتی چاپار و اسبان و قاطرانی را که محمولات را حمل می‌کرده‌اند، چپاول کرده‌اند و برده‌اند و یکی از مأمورین همراه چاپار که قصد مقابله و مقاومت داشته زخمی شده و بقیهٔ مأمورین چاپار از بیم جان خود فرار کرده به کاشان آمده‌اند.

خان از شنیدن این خبر که نظایر آن را نیز جلوتر دیده و شنیده بود، آشفته گردید و همین امر سبب شد تا برای رهایی از مشکلات موجود ناامنی به خواسته‌های حسین کاشی تن در دهد و از این زمان به بعد براساس فرمان صادره از سوی خان، حسین کاشی به سمت نیابت حکومت منصوب گردید و تا زمان از بین رفتنش، نامش با این منصبی که برایش به وجود آمد، همراه گردید و از آن به بعد به نایب حسین کاشی مشهور و به همین نام نامیده می‌شد. بگذریم، پس از احراز این منصب و قبول شرایط وی از سوی خان، همان روز که ظاهرا" وقت ناهار بود، ناهار را در حضور جمع اندک حاضر در منزل خان صرف کرد، اما به شکلی ناهار را صرف کرد که می‌خواست؛ یعنی نایب حسین بر روی تشک خان در دست راستش نشست و عین همان ظروفی که برای صرف غذای خان در سر سفره گذاشته می‌شد برای

نایب حسین نیز چیده شد. بعد از صرف غذا نایب حسین به خان گفت همین الان باید به سمت نطنز حرکت کرد. این منطقه حوالی «عباس آباد» آنجاست یا حتی کمی جلوتر که این منطقه دارای دره و گردنه و کوه و کمر است و راهزنان اینجا را برای چپاول اموال مردم و غیره انتخاب کرده بودند زیرا دشت همواری نیست که بتوان مهاجم را به آسانی دید و یا با او ستیزکرد و این مکان، مکان خوبی برای جنگ وگریز است. نایب حسین سرانجام خان حاکم کاشان را وادار به حرکت کرد، ضمن این که خان هیچگاه خود در چنین گیر و دارهایی شرکت نکرده بود و زیاد هم مایل به رفتن نبود و هرچه خواست نایب حسین را با دویست سوار تفنگدار خود روانه کند و خودش همراه با نایب حسین به این مأموریت نرود، نشد و نایب حسین اصرار تمام داشت که خان باید در عملیاتی که او برای قلع و قمع اشرار و دزدان سرگردنه و نهایتا" دستگیر کردن آنها انجام خواهد داد شرکت داشته باشد. تا شجاعتها و لیاقتهای فردی او را در این کارزار از نزدیک ببیند.

خان با چادر و لوازم و اسباب خانی، با تفنگدارانش و نایب حسین هم به همراه پانزده نفر از افراد خودش به راه افتادند. ظاهرا" در روز بعد به محلی که مدّ نظر نایب بود، رسیدند. آرایش اطراق کردن وگماردن افراد به دستور نایب بود. چادر خان را به دور از محل دزدان که مکانشان شناخته شده بود، مستقر کرد و هر دویست تفنگدار حکومتی را برای حفاظت از خان در مکان تعیین شده در اطراف محل مذکور گمارد. چون معمول راهزنان برای چپاول چاپار و کاروانها این بود که در آنجا در حوالی نیمه شب به راهزنی بپردازند، نایب حسین شامی را که برای خان و همچنین برای افراد تحت امر خود تهیه شده بود، در چادر خان با وی صرف کرد و به خان اطمینان خاطر داد که هیچ گزندی به وی نخواهد رسید و بدو گفت من در نیمه شب برای دستگیری و به بند کشیدن اشرار یورش خواهم برد و یک یک این اشرار را فردا صبح کت بسته و کت کشیده در جلو چادر خان خواهم آورد تا مفهوم ایجاد امنیت و آسایش در مقابل خاطر مردم و حکومت معنای خود را پیدا کند.

شرح اولین پیروزی حسین کاشی در روزهای اول و دوم شغل دولتی که دیگر او

را نایب حسینش می‌خوانند، بدین گونه است. نایب حسین در وقت موعودی که خود برای این جنگ با اشرار معلوم کرده بود، یعنی حوالی نیمه شب پانزده سوار خود را نیز برای حفاظت تفنگداران خان گماشت نایب حسین برخلاف باور خان که این نظامیان را وفادار به خود می‌دانست که همچنان خان را تحت حمایت خود دارند، چنین باوری نداشت و به همین دلیل که می‌دانست اینها کاری نمی‌توانند از پیش ببرند حتی افراد خود را نیز برای حفاظت آنها گمارد. نایب حسین بر اسب خود سوار شد و چند حلقه طناب و تفنگ خود را نیز به همراه برداشت و وارد کارزار شد ناگفته نماند که اردوی خان و اطرافیانش درجایی مستقر شده بودند که هم از استقرار راهزنان دور بود و هم این استقرار به شکلی بود که راهزنان از حضور این عدهٔ زیاد آگاه نشدند.

نایب به تاخت و تاز در اطراف محل استقرار راهزنان پرداخت تا آنها را متوجه حضور کاروانی بکند که در حال عبور از این راه هستند. ابتدا تیری شلیک کرد شیوهٔ جنگ و گریز نایب به شکلی بود که در زیر اسب می‌خوابید و از بین دو دست اسب تیراندازی می‌کرد و این که اسب بدون سوار می‌نمود مهاجم یا مهاجمین را گمراه می‌کرد، به همین شیوه تک تک راهزنان را اسیر کرد و هر یک از آنان را که اسیر می‌نمود با حلقه‌های طنابی که همراه داشت کت و دست و پای دستگیر شده را می‌بست تا آن که پس از حدود دو ساعت جنگ و گریز تعداد شانزده نفر راهزن را بدون این که به خود نایب آسیبی برسد همه راکت کشیده و دست و پا بسته، اسیر کرده و آنها را در یک جا جمع کرد و به سرعت به سراغ افراد خودش آمد و پانزده نفر افراد تحت امر خود را دستور داد تا به سرعت به مکان دستگیر شدگان بروند و آنها را با اسبان و وسایلشان بیاورند و افراد تحت امرش چنین کردند و اشرار دستگیر شده را به جلو چادر خان آوردند و حال زمانی است که سحر هنگام است. جالب توجه این که در این وقت تمام دویست تفنگدار خان و همچنین خود خان و چند نفر همراهان نزدیکش همه در خواب ناز بودند. در اینجا بود که نایب از لابه‌لای محافظین به خواب رفته به جلو در چادر خان رفت و خان را صدا کرد تا از خواب

بیدار شد و به خان گفت از چادر بیرون بیایید هم کار من را ببینید که تمام شانزده نفر راهزن راکت کشیده در جلو چادر شما افتاده‌اند، هم محافظین خود را ببینید که همه در خوابند. خان از دیدن این وضع هم خوشحال شد و هم متحیر که چنین فردی با این لیاقت و شجاعت چنین کار بزرگی را یک تنه انجام داده و این همه افراد نظامی تحت امرش هیچ نقش و عملی در این کارزار نداشته‌اند. نایب شرح جنگ و گریزش را با این اشرار برای خان تعریف کرد و اعجاب خان را بر انگیخت چنان که خان نبوغ و جنگ‌آوری نایب حسین را تحسین کرد. از آن زمان تا حدود دو سال نایب حسین کاشی، نایب حکومت کاشان بود و در این ایام مردم شهر و راهها از امنیت برخوردار شدند و هیچکس چه در محدودهٔ حکومت کاشان و چه از خارج از این محدوده جرأت این که ناامنی در کاشان و اطراف آن ایجاد کند پیدا نکرد.

این مدت دو سالهٔ نیابت حکومت نایب حسین در کاشان، هم کسب اعتباری برای سهام‌السلطنه کرد و هم نایب حسین خود را در متن حکومت کاشان به کوچک و بزرگ منطقهٔ کاشان شناساند، و به موازات آن حکومت مرکزی نیز از شایستگی‌ها و لیاقتهای او آگاه شد. پس از این دو سال که گردش کار و نبض حکومت کاشان در دستش بود کم کم افراد و تفنگدارانی را استخدام کرد و تحت فرمان خود گرفت. چنان که مرحوم آقا میرزاولی‌الله نقل می‌کرد در این زمان از خان تقاضای وظیفه و مواجب بیشتری کرد که با توجه به وضعیت مالی ضعیف حکومت مرکزی، حاکم کاشان نمی‌توانست خواستهٔ نایب را برآورده کند؛ ضمن این که خود نیز در باطن موافق با این عمل نبود زیرا خان احساس می‌کرد که اگر نایب از جهت مالی تقویت شود، کم کم خود او نیز در زیر دست نایب قرار خواهد گرفت و به اصطلاح امروز سایه‌اش در حکومت کمرنگ بلکه بی‌رنگ خواهد شد. از این زمان بود که نایب حسین از حقوق بگیری دولت و معاونت حاکم کاشان کناره گیری کرد و از این زمان بود که به فکر افتاد دارو دسته‌اش را جمع و جور کند و از آنجا که حکومت مرکزی نیز ضعیف بود، خود را به صورتی خود خوانده حاکم کاشان بداند.

اکنون به ذکر چند نکته دیگر از وضعیت اجتماعی کاشان که در زمان حکومت

نایب حسین بر مردم حاکم شده بود می‌پردازم. نکتهٔ اوّل ناامنی است که این مطلب را نیز مانند بحث پیشین از زبان مادر بزرگ نگارنده که بارها به تکرار نقل می‌کرد و شنیده بودم به نقل آن می‌پردازم. لازم است که ابتدا این بانوی مرحومهٔ محترمه را معرفی نمایم. نام این مرحومه فاطمه بود و شهرت شناسنامه‌ای وی به نام فیضی بود و علت این شهرت به سبب آن بوده است که در هنگام اخذ شناسنامه شهرتش را به نام شهرت شوهرش مرحوم آقا مهدی نایب‌الصدر فیضی کاشانی (این مرحوم نیز یکی دیگر از برادران مرحوم آقا میرزا ولی‌الله فیضی است که در ابتدای این مقال معرفی شده بود) ثبت شده بود. این مرحومه فرزند یکی از روحانیون فاضل و خوشنویس معروف کاشان در آن زمان، به نام آقا میرزا سید محمد صدر الاسلام کاشانی بود. وی به سال ۱۲۵۹ شمسی در کاشان چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۴۵ شمسی در ۸۶ سالگی در کاشان درگذشت. وی تحت تربیت پدر بزرگوارش به آموختن دانش و خط پرداخت. ناگفته نماند که والدهٔ این مرحومه خانم سلطان تنها همشیرهٔ برادران معروف حبل‌المتین کاشانی بود. وی که شاهد و ناظر بر اتفاقات و واقعات روزگارش بود، گاه و بیگاه به مناسبتی که پیش می‌آمد خاطراتی از داییش مرحوم سید جلال الدین حسینی کاشانی ملقب به مؤید الاسلام و مشهور به حبل‌المتین که روزنامهٔ حبل‌المتین را در کلکتهٔ هند منتشر می‌نمود نقل می‌کرد و از هدایایی که داییش برای این مرحوم از هند می‌فرستاد و همچنین از دایی دیگرش مرحوم سید حسن حسینی کاشانی معروف به حبل المتین تهران خاطراتی نقل می‌کرد. در ضمن نقل این خاطرات گاهی هم خاطراتی از اوضاع ناامن زمان نایب حسین را نقل می‌کرد. نگارنده در اوان کودکی به همراه بقیهٔ اعضای خانواده نزد همین مادر بزرگ در منزلش که در محلهٔ «سلطان امیر احمد» و نزدیک «قلعهٔ جلالی» معروف کاشان بود زندگی می‌کردیم. این منزل بسیار بزرگ بود و مساحت آن به اندازه‌های امروزی قریب به چهار هزار متر بود که بخشی از آن حیاط و باغ و بخش کمتر آن منزلی چهار طرفه بود که در وسط چهار طرف بنا یک آب نما (= حوض بزرگ) وجود داشت. همهٔ افراد منزل از این آب نما برای شست و شوی

دست و صورت، وضو گرفتن، شستن لباس و ظروف استفاده می‌کردند و آب جاری دایم از یک طرف آب نما وارد آن می‌شد و از طرف دیگر آن خارج و به منزلی دیگر جریان داشت. نکته‌ای دیگر در باب آشپزخانه‌های منازل در کاشان آن روز است که البته کم و بیش از این آشپزخانه که شرح آن را می‌دهم، وجود دارد. در این آشپزخانه‌ها که در و دیوار سیاه از دود حاصل از اجاقی که با هیزم و تپالهٔ گاو (= به اصطلاح عام تاپاله، که در کاشان چنین تلفظ می‌کنند TAPPALE) برای طبخ غذا می‌پختند داشت. معمولاً در طرفی از آشپزخانه تختگاهی به طول یا عرض موجود آن ساخته شده بود که زیر این تختگاه با دیواره‌هایی قسمت‌بندی شده بود ضمن این که کف این قسمتها از کف آشپزخانه گودتر بود و دیواره‌ای تیغه‌ای با پوشش کاه گلی در جلو آن قرار داشت که معمولاً در یکی از این قسمتها محل نگهداری تپاله و هیزم بود. یکی از آنها برای نگهداری ذغال و همین طور بقیه جاهای باقیمانده برای نگهداری و انبارکردن این گونه چیزها که در آشپزخانه مورد لزوم است. حتی ظروف مسی مثل دیگ، کماجدان، تاوه، طشت، آبگردان و دیگر ظروف و در گویش کاشان به تقسیمات فوق، تختگاه آشپزخانه که شرح آن داده شد پرگه (= PARGE) می‌گویند.

این مرحومه می‌گفت: هر وقت دار و دستهٔ نایبی‌ها در محلات شهر می‌آمدند همسایه‌ها به سرعت به یکدیگر خبر می‌دادند که همین الآن ممکن است نایبی‌ها به خانهٔ شما بریزند و مثلاً نیم ساعت پیش منزل فلانی رفته‌اند. دارو دستهٔ نایبی همیشه ابتدا تقاضای جواهر آلات و بعد ظروف مسی و احیاناً شیئی قیمتی دیگری که به درد آنها بخورد داشتند و اگر دختری که به سن بلوغ رسیده بود و بر و رویی هم داشت بدون جلب رضایت خانواده به زور می‌بردند و می‌گفتند ما او را عقد می‌کنیم اما برای چه کسی، معلوم نبود. برای مصون ماندن از مال و ناموس، هر خانواده تدابیری از پیش اندیشیده و به حالت آماده باش بودند که به محض اطلاع چنین اخباری ظرف و ظروف طلا آلات خود را به داخل این آب نماها می‌ریختند و معمولاً در ته این آب نماها حدود نیم متر خرّه (= لجن، XARRE) وجود داشت که

این اشیا لا به لای این لجنها پنهان می‌شد تا ازگزند سرقت و چپاول در امان بماند و دیگر، آن خانواده‌ای که دختر داشت به ویژه که آن خانواده از شهرت جمال هم برخوردار بودند، روی و دست و پای دختر را با دوده و خاکهٔ ذغال سیاه می‌کردند تا جمال او پوشیده شود و تقریباً به شکل کنیز در آید و او را در پرگهٔ ذغال آشپزخانه پنهان می‌ساختند تا در وقت هجوم این دار و دسته و بازرسیهایی که می‌کردند کمتر معلوم شود و به چشم آید. حال اگر این اتفاق در زمستان می‌افتاد می‌بایست تا بهار بعد صبر کنند تا آب آب نما را در دهند و خرّه‌های آن را بیرون کشند و در بین خرّه‌های بیرون آمده به جستجوی اشیایی که قبلاً به داخل آب نما ریخته شده، بپردازند. در همان ایام به غیر از نقل این نمونه‌ها که ذکر آن گذشت، دسته‌های نایبی از چپاول و فروش اموال عمومی‌نیز، که نیازشان را بر آورده کند ابایی نداشتند. نگارنده به یک نمونه از این چپاول و فروش آن با واسطه‌گری یهودیهای کهنه خر کاشان در آن زمان که منجر به خروج دو اثر نفیس و بی‌نظیر که بر آن نمی‌توان ارزش گذاشت، اشاره می‌کنم: مسجد میرعمادالدین شیروانی که به مسجد میرعماد در کاشان معروف است و حالیه هم از ابنیهٔ معتبر قدیمی کاشان است، محرابی داشت متشکل از شش قطعه، از کارهای خاندان معروف ابی‌طاهر کاشانی، مورخ ۶۲۳ هـ‌ق، عمل حسن بن عربشاه که شرح این اثر ممتاز و بی‌نظیر را نگارنده در مقاله‌ای در فصلنامهٔ هنر شماره پانزدهم بهار ۱۳۷۶ معرفی کرده‌ام و در آن مقال نوشته‌ام که این اثر را دو نفر قبل از سرقتش دیده‌اند و شرحش را در کتاب خود آورده‌اند. یکی نجم‌الدوله در سفرنامهٔ خوزستان و دیگری لرد کرزن در کتاب ایران و قضیهٔ ایران. و در آنجا نوشته‌ام: «آثار و میراث دیگر این شهر(=کاشان) بیشتر در غائلهٔ نایب حسین و ناامنی و هرج و مرج ناشی از آن... به یغما رفت». و دیگر ساعت چوبی سر در همین مسجد که سازندهٔ آن از صنعتگران کاشی بوده و قریب به دو سده یا بیشتر با خروسی که از دریچهٔ آن بیرون می‌آمده وقت ظهر را اعلام می‌کرده همزمان با محراب مذکور به سرقت رفت و اکنون این دو اثر نفیس و گرانبها در بخش اسلامی موزه برلن شرقی در آلمان موجود است. تنها اثری که از این ساعت در کاشان

موجود است به اصطلاح امروز ماکت آن است که به صورت گچبری بر پیشانی نمای شاه نشین خانهٔ معروف بروجردیها که هم اکنون محل ادارهٔ میراث فرهنگی کاشان است به چشم می‌خورد و این نکته دلیل بر اهمیت این ساعت بوده که سازندهٔ این بنای مجلل، به سال ۱۲۸۴ هـ ق، نمادی از این ساعت را به شکل گچی آن در مرکز پیشانی نمای شاه نشین آن، جاودان ساخت.

عبدالحسین نوایی

تهران، پاییز ۱۳۷۹

۱

سواد تلگراف واصله ازکاشان نمره ۱۰۰ - مورخه شانزدهم جمیدی (جمادی) الاولی - (۱۳۲۷) نمره ۵۶۳۴

توسط شیبانی، مقام منیع وزارت داخله، جمعی تجار متظلمند. هشت ماه قبل حسب الحکم تلگرافی وزارت جنگ هفتصد تومان به غیاث[1] لشکر پرداخته، برات حواله وزارت جنگ گرفته تهران فرستاده‌اند. تا حال سیصد تومان باقی است. استدعای بقیه طلب تجار را از وزارت مالیه گرفته عاید فرمائید.

انجمن ولایتی کاشان.

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ف۱ الف الف ۱]

۲

وزارت داخله سواد تلگراف واصله ازکاشان - مورخه ۲۲ سرطان- نمره ۷۰۹۷

مقام منیع وزارت داخله و جنگ دامت شوکتهما

حالت کنونی ملت مظلوم کاشان که با آن همه خسارات جانی و مالی و ناموسی که در موقع تاخت و تاز اشرار کشیده شهر فعلاً طاعیاً راغباً مالیات عوارض جدیده را که چند برابر اصل مالیات معمولی است می‌پردازند. خدا شاهد است فوق‌العاده رقت‌آمیز حالت توجه است. به علاوه کار اشرار امروز به درجه‌ای کسب اهمیت نموده که دقیقه[ای] غفلت مولد انواع نتایج موحشه است. معذلک بدبختانه هنوز استعداد کافی نرسیده، هر چه هم رسیده بلاتکلیف، مخصوصاً برای مخارج لازمه

---

۱. غیاث لشکر: حاکم قم در ۱۳۲۸ هق.

که بالاترین مهمات این اردو است هیچ ترتیب صحیحی صادر نشده پیشکار مالیه که بدون امر مرکز دیناری نمی‌دهد از دولت هم اصلا" حواله نمی‌رسد. از یک طرف حرکت اردو بی پول غیر ممکن است. از طرف دیگر اطراف شهر از تعدیات فوق‌الطاقت اشرار مانند یکپارچه آتش می‌سوزد در همچه موقع باریکی، انجمن ولایتی ناچار شده هزار تومان برای خرید اسب جهه (جهت) مجاهدین و دو هزار تومان جهه (جهت) مصارف فوری ضروری سواره و پیاده بختیاری و تفنگچی دهات را تصویب نمود. برای این وجه عاجلاً از وزارت مالیه حواله مرحمت فرمایند و از این به بعد هم اذن بدهند که پیشکار مالیه به اطلاع خود و تصویب انجمن از دادن مصارف لازمه اردو مضایقه ننماید. هرگاه غیر از این ترتیب باشد که به جهت هر گونه فوق‌العاده که روز به روز پیدا می‌شود مدتی انتظار حواله مرکز را داشته باشد، هرگز اسباب قلع و قمع اشرار نخواهد شد. استدعا است مخصوصاً در این موضوعات بذل توجهی نموده تکلیف را معجلاً معلوم فرمایند.

(انجمن ولایتی کاشان) مهر وزارت داخله

سواد مطابق اصل است. بنان‌الدوله[1]

شعبه تحریرات جنوب ۱۳۲۷

[شماره‌سند۲۴۰۰۱۲۰۳۸-۱۰۵ف۱الف‌الف۱]

۳

وزارت داخله ـ اداره غرب مورخه ۱۹ شعبان ۱۳۲۷ - نمره ۱۰۶۸۲

وزارت جلیله مالیه

سواد تلگراف واصله از کاشان رالفاً ارسال نمود این سوارها موقتاً برای دستگیری بعضی اشرار کاشان مأمور شده‌اند و باید حقوق آنها داده شود و بعد از انجام مأموریت معاودت خواهند نمود. باید حکم فرمائید حقوق آنها داده شود

---

۱. میرزا کریم خان بنان‌الدوله پسر میرزا فضل الله خان نوری مستوفی خراسان بود. وی بعدها به استیفای کرمان منصوب شد. (این نام در برخی اسناد بنان‌الدوله و در برخی دیگر بیان‌الدوله ذکر شده است). بامداد، [illegible]

ولی در باب مأمورین ذخیره نمی‌دانم از وزارت مالیه حکم شده است یـا وزارت جنگ مستقیماً حکم نموده‌اند. تکلیف آن را خود حضرت عالی معلوم خـواهـید فرمود که هـرطور مـقتضی است جـواب بـه حکـومت داده شـود. زیـاده زحـمت نمی‌دهم.

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۴

وزارت مالیه ـ اداره کابینه – نمره کتاب ثبت ۴۴۲ – تاریخ خروج سلخ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۷

تلگراف کاشان

حکومت کاشان – حقوق یک ماهه سواره بختیاری مأمور کـاشان را از قـراری دوازده تومان از صاحب منصب و تابین[1] که کلیه آن سیصدو شصت تومان می‌شود بپردازید، قبض بگیرید از بابت مالیات آنجا محسوب خواهد شد و اطلاعاً زحمت می‌دهم که بر حسب اظهار وزارت جلیله داخله مدت مأموریت این سوار بیشتر از یک ماه نخواهد بود و عبارت از سی روز است. حسن ابن یوسف[2]

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۵

وزارت داخله، دایره جنوب، نمره ۱۰۸۶- ۴۵۷۰ - مورخه ۵ شهر محرم ۱۳۲۸

وزارت جلیله مالیه

از قبل بر طبق مرقومه که از وزارت جلیله جنگ راجع به پرداخت جیره و علیق پانزده نفر سواره بغدادی ساخلو کاشان رسیده بود شرحی زحـمت داد. چـون از حکومت کاشان اصراری در این خصوص مـی‌شود مـجدداً زحـمت مـی‌دهد کـه

۱. تابین به معنای سرباز ساده و بی‌درجه است.

۲. حسن بن یوسف: میرزا حسن آشتیانی مستوفی الممالک (حسن بن یوسف ـ) سوم پسر مـیرزا یـوسف مستوفی الممالک متولد ۱۲۹۲ ق در ۶ یا ۷ سالگی به لقب پدرش مفتخر شد.

غدغن فرمائید مطابق صورتی که از وزارت جلیله جنگ به آن وزارت جلیله فرستاده شده است، زودتر حواله آن را مرقوم دارند که حکومت کاشان هم از مطالبه سوار آسوده شود. امضا ماشاءالله[1] مهر وزارت داخله

[شماره سند ۱۰۵ ف الف الف ۱-۲۴۰۰۱۲۹۳۸]

۶

حکومت کاشان

مورخه ۲۰ شهر محرم الحرام ۱۳۲۸ - نمره ۶۵

در باب نایب حسین شرحی که در جواب عریضه بنده مرقوم فرموده بودند، زیارت گردید. مقصود بنده توسط از مشارالیه نبود بلکه محض استحضار خاطر مبارک بود که اهالی امامقلی خان مشکل است این خدمت را به انجام برسانند و دفع مشارالیه از جمله و اجبات و جز به قوه جبریه به ترتیب دیگر ممکن نخواهد بود. زیرا بنده بعضی اقدامات کردم. به هیچ وجه متقاعد نشد. زیاده جسارت است.

[شماره میکرو فیلم ۲۹۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۷

وزارت داخله ـ تلگراف از تهران به کاشان ـ تاریخ ۲۱ محرم ۱۳۲۸ ـ نمره کتاب ثبت ۲۰۵۳ - ۸۳۱۴ ـ کارتن ۳ دوسیه ۲ ـ شعبه تحریرات

ارسال در ساعت سه بعدازظهر بیان الدوله

از قرار معلوم ابراهیم[2] نام وسایر ریش سفیدان نیاسر که از نایب حسین کاشی حمایت و در خانه آقا میرزا حسن منزل کرده واز طرف آقا میرزا حسن حمایت از آنها می‌شود. این مسئله خیلی اسباب تعجب شد که چگونه با چنین مقصر دولت همراهی کرده ملاحظه مسئولیت آن را قبول کند.اولاً معلوم دارید آقا میرزا حسن

---

۱. ماشاءالله خان پسر ارشد نایب حسین کاشی بود که لقب سردارجنگ داشت

۲. از ریش سفیدان نیاسر کاشان که با جمعی دیگر از نیاسری ها از نایب حسین کاشی حمایت می‌کرد.

چه سمت دارد ثانیاً او را ملتفت نموده جداً از حمایت ممنوع داشته ابراهیم و غیره هم در صورتی که با نایب حسین [مربوط؟] بوده‌اند حتماً از او خواسته نتیجه را اطلاع دهید. شکوه الملک[1]

[حاشیه:] فوری **[شماره میکرو فیلم ۳۷۶-۴-۱۱-۲۹۳]**

۸

مجلس شورای ملی

سواد عریضه نایب حسین ـ نمره ۱۵۳۳ ـ مورخه ۲۱ شهر محرم ۱۳۲۸ ـ استغفرالله ربی و اتوب الیه

حضور مبارک حجج اسلامیه و اعضاء محترم و رئیس محترم معظم مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانهم: به عرض می‌رسانم اگر چه خاطر مقدس آن اعضاء از این جانبان مکدر است لاکن (لیکن) امید عفو است. در دورهٔ سابق مبالغی خسارات از طرف اهالی شهر کاشان به ماوارد آورده و جمعی از کسان ما را مقتول نموده‌اند. به اندازه‌ای که به لقمه نانی محتاج شده ذره‌ای اثر نگرفته، عریضه خدمت سپهدار اعظم[2] و وزیر داخله دامت اجلالهما کردیم و استدعا نموده خدمتی رجوع شود که هم خدمتی به دولت و ملت کرده باشیم و هم لقمه نانی ببریم. آن هم خدمتی رجوع نشد تالابد در صدد بعضی کارها برآمد. باز درصدد توبه و انابه برآمدیم. کماهوالمقررفی شرع النور (الانور) یتوب الیه من جمیع الذنوب و المعاصی، خدا را شاهد و گواه می‌گیریم که از این به بعد خدمات خود را به ملت و دولت معلوم، برخلاف ماضی هر گاه توبه این جان نثاران مقبول آن حجج اسلامیه است، مقرر فرمائید در جراید و روزنامه ها مطبوع شود، والاّ خدمتی رجوع شود به جان مطیع و منقاد هستیم و منتظر جواب از آن حجج اسلامیه داریم. اقل نایب

---

۱. میرزا حسین خان شکوه‌الملک از نوادگان میرزا محسن آشتیانی، وی سال‌ها رئیس دفتر رضا شاه پهلوی بود. مشاهیر رجال قاجار به اهتمام: عاقلی، باقر - نشر گفتار - ۱۳۷۰

۲. سپهداراعظم: منظور محمد ولی خان تنکابنی است که در این زمان سمت وزارت جنگ را بر عهده داشت.

حسین کاشانی و ماشاءالله و نایب علی[1]

[شماره میکرو فیلم ۲۷۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

ازکاشان به تهران تاریخ ۲۳ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۸ جواب نمره ۱۳۱۱

مقام منیع وزیر داخله روحی فداه

ازغره محرم حضرات نیاسری که پنج هزار جمعیت دارد نایب حسین را پنهان و نگاهداری کرده و حمایت از او دارند. شبانه سوار شده دور اردو را گرفتم تمام نیاسری کمک به او می‌دهند دو روز و دو شب است مشغول جنگ هستم تا مرز نیاسر را سنگرکرده دو نفر از ما، یک عموزاده قربان خان و یک نفر هم از نوکرها کشته و دو نفر از آدم های نایب حسین کشته شده و یک نفر تیر خورده است. مشغول جنگ هستیم، هر چه شد عرض خواهد شد. هرگاه حکم سخت درباره نیاسری‌ها نشود کار پیشرفت ندارد. امامقلی[2]

[حاشیه:] خیلی فوری

تلگراف فوری در جواب امامقلی خان و حکومت مبنی بر تهدید هر کس که به نایب حسین راه و پناه بدهد، هرکس آذوقه وکمک به او برساند و با امامقلی خان همراهی نکند مقصر دولت است، کشته می‌شود.

[شماره میکرو فیلم ۲۸۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۰

وزارت داخله ـ تهران به تاریخ ۲۷ محرم ۱۳۲۸ ـ نمره کتاب ثبت ۱۹۵۸-۸۰۶۷ ـ شعبه تحریرات جنوب ـ ارسال در ساعت ۵ بعدازظهر

۱. نایب علی یا علی شجاع لشکر نایب ـ پسر نایب حسین کاشی از بطن زن نشلجی‌اش. (خسروی محمدرضا- طغیان نایبیان - به اهتمام علی دهباشی)

۲. امامقلی خان: از بزرگان بختیاری مأمور درکاشان بوده است.

حکومت کاشان

مراسله شما مورخه ۲۰ محرم مصحوب پست رسید و از شرحی که در انتظام امور مالیات وکمال مراقبت خودتان در حفظ نظم و آسایش اهالی اظهار داشته‌اید اطلاع کامل به حصول پیوست از مثل شما کسی معلوم است در انتظامات لازمه در حوزه حکومتی خودتان هیچ وقت مسامحه و غفلتی نخواهد شد. در باب نایب حسین هم از قرار تلگرافات داخله در نیاسر محصور شده. امامقلی خان هم جداً به‌گرفتاری او پرداخته در این موقع لازم است که شما هم روسا و کدخدایان آن محل را بخواهید از هر یک از آنها التزام بگیرید که در حق نایب حسین به هیچ وجه به هیچ عنوان همراهی نکرده، بلکه اسباب گرفتاری او را به وسایل مقتضیه فراهم بدارند و خودتان هم ضمناً هر قدر بتوانید از پیاده و تفنگچی محلی به معیت امامقلی خان روانه دارید و اهتمام نمایید که مأموریت خودش را به انجام برساند و همواره راپورت کارها و مهمات خودتان را اطلاع بدهید. مشکوةالدوله؟

[سند شماره ۲۸۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۱

وزارت داخله ـ تهران ۲۹ (محرم) ۱۳۲۸ ـ نمره کتاب ثبت ۲۰۵۴-۸۴۶۹
کارتن ۳ دوسیه ۲ ـ شعبه تحریرات جنوب ـ ارسال در ساعت ۳ بعدازظهر
بیان‌الدوله

مقام منیع رئیس الوزراء و وزارت جلیله جنگ دامت شوکته

امامقلی خان در نیاسر کاشان نایب حسین کاشی را محاصره کرده به واسطه نداشتن فشنگ کار آنها ناقص مانده و برای انجام کار دو هزار فشنگ سه تیر و چهار هزار فشنگ مکنز و ورندل خواسته که بایست به‌کاشان مقرر قبول فرمود عاجلاً این فشنگ را به آنها برسانند که بابت فشنگ معطل نشده خدمت خود را انجام دهند. شکوه الملک

[شماره میکرو فیلم ۳۷۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۲

دولت علیه ایران ـ نمره کتاب ثبت ۲۰۵۵-۸۴۷۰ ـ کارتن ۳ دوسیه ۲ ـ شعبه تحریرات جنوب ـ تهران به تاریخ ۲۹ محرم ۱۳۲۸ ـ صادره تلگراف کاشان توسط امامقلی خان ـ کسان مرحوم نایب حسین نراقی[۱].

در این موقع که نایب حسین کاشی در نیاسر محصور است شما هم هر قدر ممکن است تفنگچی فوراً حاضر کنید و در گرفتاری اوبا امامقلی خان موافقت نمائید که در ضمن احقاق حق شما هم به عمل آید.

ارسال در ساعت سه و نیم بعدازظهر به ضمیمه شد ـ بنان‌الدوله

[شماره میکروفیلم ۲۹۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۳

حکومت تهران

سواد صورت حساب غیاث لشکر - به تاریخ ۲۹ شهر محرم سنه ۱۳۲۸

مخارجات مأموریت کاشان در جنگ نایب حسین و وجهی که از بابت قیمه (قیمت) جووغیره دریافت شده:

سه هزار و نهصد و نودوشش تومان و نه هزار ـ

هزار و سیصد و پنج تومان و هشت هزار: سوار از تاریخ ۹ رمضان به قم آمده یا بعد از فتح مسلح ۲ شهر شوال ـ ۹۰۰ نفر بیست وسه روزه - فی: سه قران: سوار شخصی ۵۰ نفر ـ سوارکریم خان ۱۰ نفر - سوار خلیل خان ۵ نفر - سوار راهجردی و رنانی ۱۰ نفر - صاحبمنصبان فوج خلج ۱۵ نفر = ۶۲۱ تومان.

سوار از تاریخ ۱۷ رمضان ملحق شده ۴۴ نفر - ۱۵ روزه ـ فی: سه قران

سوار نایب حسین نراقی ۲۰ نفر - میرزا صدر الدین ۴ نفر - ابوالقاسم خان خراسانی ۱۰ نفر

[خوانده نشد] و خشت گذاری ۱۰ نفر = ۱۹۸ تومان.

---

۱. نایب حسین نراقی از خوانین نراق بود که همراه با قوای دولتی به مقابله با نایبیان پرداخت.

پیاده خلج وزاوه ۳۸ نفر - ۲۳ روزه - فی ۲ قران.

خلجستانی ۳۰ نفر - زاوه ۸ نفر = ۱۷۴ تومان و هشت هزار ایضاً از ۱۷ رمضان الی ۲ شهر شوال - ۲۲۰ نفر ۱۵ روزه فی ۲ قران ـ نراقی ۵۰ نفر - بلوک ۷۰ نفر - چرمه ۱۰ نفر - بی بی (لی لی؟) ۱۰ نفر، پشت گذاری محلاتی ۵۰ نفر - دلیجانی وری ۳۰ نفر = ۶۶۰ تومان.

سواره بعد از جنگ مسلح همراه به‌کاشان برده شده: ۶۰ نفر - ۳۱ روزه فی ۳ قران، سوار شخصی ۵۰ نفر - سوار نایب حسین ۱۰ نفر = ۵۵۸ تومان.

پیاده‌نراقی وخلج‌که همراه‌بستگان‌برده‌شده: ۲۰نفر ۳۱روزه-۲قران=۱۲۴تومان.

انعامات:

انعام قزاق ۵۰ تومان - انعام تفنگچیان کوه ۱۶۵ تومان - انعام توپچی ۲۰ تومان - انعام تیر خورده ها ۵۰ تومان - انعام سواره و پیاده متفرقه ۵۰ تومان کرایه و غیره ۱۳۱۱ تومان و یک قران.

سوار قاطر ۳۵ راس - ۴۷ روزه سه هزار - هفتصدو نودو سه تومان و پنجهزار - جیره علیق اصطبل توپخانه به موجب قبض نایب اصطبل ۲۷ تومان - سرتیپ توپخانه به موجب قبض، صد و شش تومان - سوار شاهسون به موجب قبض سیصدو پنجاه و سه تومان؛ یک دفعه دویست و هجده تومان یک دفعه صدوسی و پنج تومان. کرایه حمل قورخانه که از مسلح گرفته شده: ۳۳ راس قاطر - ۶ روزه روزی سه قران - ۵۹ تومان و ۴ قران. کرایه تفنگ و فشنگ به توسط حاج علی قلی خان که از عقب فرستاده: ۶ روزه - روزی ۳ قران = ۲۲۱ تومان و ۲ هزار. تلگرافات از قم و کاشان ۶۰ تومان ـ در وجه معتضد نظام جهت مخارج ۱۳۰ تومان ـ حقوق دکتر و مصارف دواجات ۶۰ تومان = ۱۷۳۴ تومان و پنجهزار.

قیمت جو که از محل شمس آباد به مصرف فروش رسانده: ۴۱۰ خروار فی ۳ تومان و سی شاهی - بعد از حمل کرایه از شمس آباد ۱۴۱۷ تومان و پنجهزار. سوار قراسوران شاهسون ۳۸۳ تومان = ۱۰۰۷ تومان (؟) به علاوه ازکاشان دریافت شده ۴۰۰ تومان، که قرض نموده به مصرف رسانیده: ۱۱۰۲۶۲ تومان و هشت هزار

مطابق این صورت سابقه هم فرستاده شده بود. محل مهر غیاث لشکر ـ
سواد مطابق اصل است.
[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۲۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۱۴

وزارت جنگ ـ وزارت مالیه ـ اداره کابینه - شعبه جنوب - نمره ۸۹۰۹ - تاریخ ۱۲ شهر صفر ۱۳۲۸

سواد مراسله آقای میرزا احمد خان شیبانی[1] نمایندهٔ محترم کاشان را راجع به هفتصد تومان وجهی که چهار ماه قبل برای گرفتاری حسین کاشانی مأمورین دولت از تجار کاشان گرفته، لفاً ملاحظه خواهند فرمود. وزارت جلیله مالیه از سابقه این عمل کاملاً مستحضر است. این فقره به قدری اسباب و هن برای دولت شده که حد یقفی بر آن متصور نیست. رعایت این نکات را آن وزارت جلیله همواره باید منظور دارند. اگر ترتیب از این قرار باشد به‌کلی اعتبارات دولت سلب خواهد شد و در مواقع باریک دیگر به قدر یک شاهی ازکسی نمی‌توان قرض خواست، به علاوه وقر و عظم دولت از میان خواهد رفت. خوب است مقرر دارید به جبران گذشته قرار ایصال این تنخواه را به هر طور مقتضی است، زود بدهند که تجار بی چاره بیش از این برای وصول طلب حقه خودشان تظلم نکرده و بنده را هم از این انفعال مستخلص فرمایند. گویا تجار کارشان در آن موقع تنگ اگر اعانتی به دولت کرده‌اند جزو معاصی کبیره برای آنها شمرده نشود. بعد از این توبه و استغفار خواهند کرد.
مهر سپهدار اعظم

[حاشیه ۱:] ورودبه کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۲۱ شهرصفر ۱۳۲۸ - نمره ۹۱۸۰
[حاشیه ۲:] تمام فرمایشات مقدسه حضرت عالی را بیشتر از هرکس بنده تصدیق دارم و می‌دانم که لارجال الاّ بالمال مسلم است که پیشرفت کلیه مهمات مملکتی از

---

۱. میرزا احمد خان شیبانی وکیل کاشان و نطنز در دوره دوم مجلس شورای ملی (فهرست اسامی و مشخصات ۲۴ دوره نمایندگان مجلس شورای ملی - نشریه شماره ۵ دفتر انتخابات وزارت کشور - زمستان ۱۳۶۸)

تنخواه است و اگر این مسئله که علت غایی تمام علل می‌باشد، رعایت نشود، هیچ کاری پیشرفت ندارد و احدی به مقصود نایل نمی‌شود. در این که بیچاره تجار هم در آن موقع به قوه فشار این کارگشایی را برای دولت کرده‌اند ابداً محل حرف نیست ولی این که [معاند] اگر گناهی کرده‌اند باید استغفار کنند گمان میکنم تقصیری نیز نشده [ایراد هم ندارد؟] و همچو استنباط می‌شود که پول موجودی در صندوق مالیه دولت است، وزارت مالیه به مصرف شخصی رسانده و ادای حق بی‌گناهان را نکرده است. آثم وگناهکار کسی است که در این مواقع طرف هزارگونه اعتراضات و ناملایمات داخلی می‌شود و باید تحمل همه قسم صواعب و ناکردنیها را بکند و بی‌جهت ملوم و محصور (محسور)[1] باشد و بنده گمان نمی‌کنم این جمله جز وزرا را شمول به دیگر نمود صدق کند که همه درد بی‌درمان را می‌دانیم و چاره نمی‌توانیم و طرف اعتراضات آن وزارتخانه هم هستیم. اگر از وزارت مالیه بشخصه ازعهده این جواب برآید و چاره جویی منحصر به تمکن شخصی است بنده و امثال بنده بلکه بالاتر و والاتر از بنده هم نمی‌تواند بشخصه تحمل این تکالیف و تحمیلات را بکند.اگر از منابع و عواید مملکت است این به واسطه عسرت مالیه همگی منتظر فرج آسمانی و افتتاح ابواب خز این غیبیه هستیم، فقط اگر در این موردبخصوص استفاده منحصر به تصدیق بنده است، تصدیق دارم که تجارکاشان حق دارند و باید بحقشان برسند ولی ازکجا وکدام پول وکدام محل، جواب را ازعلم و فضلیت و حکمت وجود مبارک استعلام می‌کنم که لامحاله تقصیر و خبط و اهمال خود را بفهمم و اقرار به ذنوب و آثام خود بکنم.

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۸۸ - ۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۱۵

مقام منیع وزارت جلیله داخله روحی فداه

اول استدعا می‌کنم با این که مطول است تا آخر با دقت ملاحظه فرمایید. البته از

۱. به معنای حسرت زده.

شدت تجری و تجدید حرکات سابقه اشرار کاشی خاطر مبارک به خوبی مستحضر است که پس از تحصیل تأمین از حضرت اقدس والا شاهزاده ظل السلطان[1] تا چه اندازه بر جسارت و پرروئی به شرارت افزوده و چه اقدامات می‌کنند. از یک طرف با حکم مالیات اصفهان برای بدست آوردن اسب و تفنگچی که در این مدت یازده سال در جنگ ها و اردو کشی‌ها از اینها تفریط شده به اطراف سوار فرستاده هر بیچاره را به بهانه این که در جنگ ابوالقاسم خان[2] یا چراغعلی‌خان[3] و غیره اسب و تفنگ از در خانه تو عبور کرده، گرفتار و جریمه میکنند. حتی در قم هم برای اجرای این مقصود مأمور فرستاده و معلوم نیست منتها درجه چپاول به این اسم تا چه میزان و به چند میلیون خواهد رسید. از یک طرف به این عناوین جریمه و غارت می‌کند ازطرف دیگر بلوک قم را بصور مختلفه دستخوش نهب و غارت نمود. عده قراسوران فقط سی‌نفر است، شش نفر در جاسب[4] است که اگر غفلت کنند، هزار عیب پیدا می‌کند. بیست وچهار نفر دیگر را هم اگر همه را به بلوک بفرستیم به هر آبادی یک نفر تقسیم می‌شود. باز از عهده یک جمعیّت مسلحی که از اشرار برای سرقت می‌آید، جلوگیری ممکن نیست. مدد فرستادن قراسوران قراسوران هم به یکدیگر در این موقع منتج نتیجه نیست. زیرا سارقین از خاک کاشان به بلوک می‌آیند، منتهای مسافت آنها تا محل خودشان دو سه فرسخ است به فوریت مراجعت می‌نمایند و قراسوران بعد از دو روز هم به همدیگر ملحق نمی‌شوند، وقتی ملحق شدند این اشرار را تعقیب نمیتوانند نمود، زیرا ترتیب استعداد و جمعیت اشرار بیان علیحده لازم ندارد. فرضاً هم در مقام فداکاری برآمده از آنها تعاقب کنند یاکشته شوند یا این که به اشرار آسیبی برسانند، همین مطلب را بهانه نموده بر شدت عمل می‌افزاید و

---

۱. ظل السلطان، سلطان مسعود میرزا پسر پرنفوذ ناصرالدین شاه قاجار.

۲. ابوالقاسم خان، پسر ضرغام السلطنه از سران بختیاری که همراه قوای دولتی بر ضد نایب حسین کاشی به جنگ پرداخت (طغیان نایبیان)

۳. چراغعلی خان سردار بختیاری پسر ضیغم السلطنه حاکم کاشان و داماد حسین خان سهام السلطنه عرب عامری بود. وی ریاست سواران پدرش را بر عهده داشت

۴. جاسب، از قراء کاشان (فرهنگ آبادی‌ها و اماکن مذهبی)

می‌گوید مرا در حال تامین هم آسوده نمیگذارند و بـه بـعضی اقـدامـات مـجبورم می‌کنند. وانگهی اداره قراسورانی یک اختیار و اقتداری ندارد و تکـلیفش مـعلوم نیست که با دزد عموماً و با اشرارکاشی خصوصاً در موقع غلبه چه باید بکند. در صورتی که این محظورات مرتفع شود با همین عده قلیل حـتی‌المـقدور در مـقام مجاهده و مدافعه و حفظ انتظامات خودداری ندارد و اگر طول کلام باعث جسارت و تصدیع خاطر مبارک نیست عرض میکنم که فلان دزد که نسبتاً به فلان متنفذ و فلان متنفذ هم با آقایان کثرالله امثالهم و بزرگواران حاکم معزول کن و رئیس تراش رشته ارتباطش مستحکم است. همین که گرفتار شد نوکردولت و خواست نـمک به حرامی ننموده به وظیفه مسلمه خود رفتار نماید به واسـطه و وسـیله اعـتنایی نکند، فوری آقایان به اسامی دیگر بنای اسباب چینی و شکایت گذاشتند. آیاکثرت شکایت آن مستخدم امین بیچاره را داغ باطله و بدنام زده منفصل و منعزل خواهد کرد، یا این که بدون تحقیق و تدقیق اثری به اغراض مردم مترقب نمی‌شود و در صورت تحقیق مفتری مورد مجازات و ملامت خواهد شد.

شهدالله اگر مأمورین دولت اطمینان به تحقیق و غوررسی داشته باشند، هرگز امور جمهور دچار عائقه و مصادف با حوادث ناگوار نمی‌گردد.

باز فضولی و جسارت نموده، عرض میکنم، یک اداره سور[1] فعال که به وظیفه مسلمه خود عمل نماید، در این شهر نیست. همه مسامحه و مداهنه و ملاحظه در کار است. در هر موقع مردمان بی کس و بی‌حامی مورد مجازات واقع شده هر دزد بستگی یا حامی دارد، از همه حیث محفوظ است وکسی هم تقصیر ندارد. علتش همان نکته و قضیه دقیقه است که عرض کردم که باید مستخدمین دولت مطمئن باشند که شکایت صرف، بدون مدرک و اساس، باعث تزلزل ارکان حـیثیت آنـها نمی‌شود. به هر حال این مختصر را عرض نموده، حکم صریحی هـم لازم است، مرحمت فرمایید که قراسوران در صورتی که مطمئن باشد، تا ممکنش باشد، در قلع همین اشرارکاشی دامن خدمت و همت بالا زده بلکه بتواند به مرحمت اولیای امور

۱. سِوِر: sever

این حدود را کاملاً نظم دهد و البته فکر اساسی و صحیحی از طرف دولت علیه به هر نوع اقتضا نماید خواهند فرمود.

چاکر صمصام السلطان[۱] - رئیس قراسوران خط قم

[حاشیه:] اداره جنوب ۲۱ صفر ۱۳۲۸ ق

[شماره میکرو فیلم ۴۱۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۶

وزارت داخله، اداره جنوب، ساوه با تلفن گفته شود، خیلی فوری است - [تاریخ ۱۳۲۸ ق]

آقای سالار شجاع[۲]

البته از شرارت رجبعلی[۳] دزد معروف در حدود محلات و غارت گری او مستحضر شده‌اید: مطابق خبری که امروز رسیده است قوای ژاندارمری با مشارالیه در نراق مشغول جنگ هستند. چون عده ژاندامری در نراق کم است، محتاج به مساعدت هستند. نظربه امتحانی که شما در مواقع مهم در خدمتگزاری داده‌اید، به صدور این تلگراف به شما امر می‌شود که بلادرنگ با هر قدر سوار که مستعد و حاضر دارید، فوراً به قم حرکت کرده و از آنجا خودتان را به نراق رسانده، با قوای ژاندارمری به قلع و قمع مشارالیه اقدام نمایید. می‌دانید رجوع این خدمت به شما واسطه اعتماد و اطمینانی است که دولت به‌کفایت و رشادت شخص شما دارد. البته باکمال عجله و شتاب باید شخصاً با سوارهای خودتان حرکت نموده و ورود خودتان را در قم تلگرافاً اطلاع بدهید. شهر ربیع الثانی

[شماره میکرو فیلم ۱۲۰-۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. صمصام السلطان: رئیس قراسوران خط قم.

۲. سالار شجاع: از خوانین ایلات شاهسون که در جریان تشکیل کمیته دفاع ملی و ملحق شدن نایب حسین به ملیون در برابر قوای روس به یاری دیگر خوانین شتافت و در ایجاد استحکامات بدانها یاری رساند. (طغیان نایبیان)

۳. رجبعلی: از دزدهای معروف حدود محلات (مدنی، ملاعبدالرسول - تاریخ اشرار کاشان)

۱۷

[عریضه چهارده نفر از علمای نراقی ساکن کاشان]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

متجاوز از شش ماه است رجبعلی معلوم الحال در اطراف کاشان متوقف می‌باشد و همه روز بر شرارت و طغیان خود افزوده از راهزنی و سرقت قوافل به اندازه‌ای بی‌باکی نموده که تقریباً ایاب و ذهاب و عبور مال التجاره به‌کلی متروک و بزرگترین راه تجارتی جنوبی مملکت مسدود گشته و در مقابل این همه تمرد وخودسری و زحمات و خساراتی که به قراء و رعایای اطراف کاشان و قم وارد آورده و شکایات و فریادهای صاحبان اموال مسروقه تجّار بی چاره که عموماً با چشمانی پر حسرت و انتظار تصمیمات جدّی و اقدامات عملی دولت را در دفع اشرار وارجاع امنیّت و اثبات اقتدار دولت مترصد بودند. متاسفانه تسامح و تهاون مرکز به حدّی بر تهور و خودسری آنها افزوده که شغل خود را از راهزنی به غارتگری ترفیع داده از توقف در بیابان وکوهستان منصرف و متوجه دهات و قصبات گردیده، با این اوضاع باید منتظر قتل وغارت بلاد بود. مگر این مناظر وحشت‌آور این وضعیات اسفناک داستان سرایی و قصه بافی هم بوده، باید اندک دقت و حرکتی به قلب تهران داده باشد که آیا حس تاثیر و عاطفه [انسانی] نیست. می‌شنوید اشرار متجاسرانه بدون ذره‌ای بیم و وحشت از انتقام به نراق، قمصر، قهرود[1] حمله ور شده از تحمیل سیورسات و اخذ مبالغ هنگفتی جریمه نقدی گذشته اهالی را بدواً در زیر شکنجه و عذاب انواع صدمات کشیده، کلیه اشیاء منقوله را غارت و چندین نفر زن و مرد بی‌گناه را به قتل رسانیده، دخترانی که برای حفظ ناموس خود مانند آهوی رمیده و مرغ از تیر پریده فرار می‌کنند، هدف گلوله شقاوت و خونخواری گشته، پدران را ضرب و شتم خون‌آلوده، مادران را سرودست شکسته و بیرحمانه در حضورشان نوامیس مطهر آنان را به [تمکین؟] و زندگانی را تلخ و دردناک و مادام الحیات یک خانواده را قرین رنج و محنت ساختند. فقط در مدت بیست و چهار

---

۱. قهرود: از محال کاشان. (فرهنگ آبادی‌ها)

ساعت یک صدوسی پرده عصمت را مهتوک و گلزار آرزوهـای درخشـان آنـان را گلخن سیه بختی و شور طالعی نمودند. خانه‌ای نیست که فریاد و ضجه بلند نباشد. هر مادری سرتازه جوان سرافکنده خود را در دامن خفت گـرفته از دسـتگیری و استرحام سکنه زمـین مـایوس، نـاله‌های سـوزناک و شکـایات جـانگداز خـود را به مسامع ذوات ملکوتی و مراکز جبروتی برده و از سـاحت مـنتقم قـهار حـقیقی مظلومیت و بیداد رسی را عرضه و از کیفر مراجع واقـعی، مـظالم خـون آشـام را مسئلت می‌دارند. این است که بعضی از محترمین و اهـالی هسـتی بـر بـاد رفـته به‌کاشان آمده از مشاهده احوال و استماع اوضاع و اعیان را به وحشت و اضطراب برانگیخته و به واسطه اختصاص و انتساب تام این سلسله به مصائب نراق، حیات و افکار ما را به جراحت و پریشانی افکنده، بدواً باکمال امیدواری و انتظار از مقامات عالیه مملکتی و درگاه مسئولین مقدرات اهالی به نام مظلومیت، سئوال مینمائیم که این داستان فجیع و نمایشات اشک بار با چه حس تاثیری تلقی و باکدام تصمیم و سیاست جدی موجبات عدم نظائر آن فراهم می‌شود. سپس متذکر می‌شویم کـه سلسله علمای نراقی کاشان در این مرحله ممکن نیست به نصایح و مواعـید بـی اصل منصرف و دست از تعقیب بردارند و متحد و هم آواز شده که هرگاه بوسیله عرایض و تلگرافات نتیجه قـاطعی نگـرفتند، عـموماً رهسـپار مـرکز شـده ودست برادران و خواهران محنت دیده نراقی را گـرفته و صـدای مـظلومیت را بـه‌گـوش عالمیان برسانند.

امضاهای مختلف من جمله عبدالمومن النراقی زاده، العبد ابوالقاسم النراقی و مهر العبد حاجی حسین بن محمد، علی نراقی، جعفر نراقی، حسن نراقی

[حاشیه:] (۱)

عریضه از چهارده نفر حجج اسلامیه و عـلمای اعـلام نـراقـی سـاکـن کـاشان می‌باشد، نمی‌داند کی میل اولیای امور تعلق به نظم وامنیت خط قریب [جنوب؟] می‌گیرد که خاطر خود و مردم را ازاین گونه وقایع فجیعه آسوده و خاتمه به تظلم مظلومین کاشان خواهند داد. جواب نزد حقیر فرستاده شود تا ارسال دارد. الجانی

می‌باشد، نمی‌داند کی میل اولیای امور تعلق به نظم وامنیت خط قریب [جنوب؟] می‌گیرد که خاطر خود و مردم را ازاین گونه وقایع فجیعه آسوده و خاتمه به تظلم مظلومین کاشان خواهند داد. جواب نزد حقیر فرستاده شود تا ارسال دارد. الجانی عبده‌الخلیل الکاشانی

[حاشیه (۲):] اداره جنوب ۲۴ ربیع الثانی [۱۳۲۸ ق]

[شماره میکرو فیلم ۳۰۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۸

صورت اسامی محبوسین انبار مطابق صورتی که در دفاتر حکومتی ثبت و ضبط است.

طلب نایب حسین از بابت اخراجات شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۸

نمره‌از قرارنمرات دفتر محبوسین	اسم	اسم پدر	مخارج یک‌ماهه		نمره	اسم	اسم پدر	مخارج یک‌ماهه	
			دینار	قران				دینار	قران
۲	مشهدی‌محمد	حاجی	–	۱۵	۲۸	حسین‌علی‌خان	کربلایی‌هرمز	–	۱۵
۵	حبل‌المتین	آقاسیدرضا	–	۱۵۰	۲۹	میرحسین	میرصالح	–	۱۵
۶	ابراهیم‌خمیرگیر	رستم‌بیک	–	۱۵	۳۰	رشیدخان	مشهدی‌هاشم	–	۱۵
۸	سیداحمد	آقاسیدمحمد	–	۲۵	۳۱		شاه‌میرزاهاشم	–	۱۵
۹	میرزارضا	حاجی‌علی‌اکبر	–	۱۵	۳۲	مشهدی‌یوسف	حسین‌علی‌خان	–	۱۵
۱۱	سیدپناه	سیدقربان	۵۰۰	–	۳۳	ابوالحسن	فتح‌علی	۵۰۰	۱۲
۱۸	حسن	قربان‌علی	۵۰۰	۱۲	۳۶	شمسعلی	حاجی‌الله‌قلی‌خان	–	۱۵
۱۹	محمدباقر	عبدالحسین	۵۰۰	۱۲	۳۷	الله‌بخش	خداداد	–	۱۵
۲۱	قنبرعلی	قادر	۵۰۰	۱۲	۳۸	اسدالله	عبدالله	–	۱۵

۳۹	علی‌خان	پیران‌علی	–	۱۵	۵۲	مشهدی‌رضا	حاجی‌اسدالله	۵۰۰	۱۲
۴۰	نصرالله	اسدالله‌بیک	–	۱۵	۵۳	میرجبار	برادر میر	۵۰	۱۲
۴۱	عزیز	علی‌محمد	–	۱۵	۵۵	احمد	آقاعلی	۵۰۰	۱۲
۴۲	علی	حسن	–	۱۵	۵۶	مشهدی		–	۱۵
						محمددرشتی			
۴۳	اسد آقا	نایب‌علی	–	۱۵	۵۸	حسن‌خلیفه		۵۰۰	۱۲
۴۴	عبدالله	مؤمن‌شاه	–	۱۵		مخارج‌حمام		–	۱۰۰
۴۵	محمدعلی	علی‌اکبر	–	۱۵		روشنایی مجلس،		–	۳۹
						انبار			
۴۶	ابراهیم	میرزااسدالله	۵۰۰	۱۲		تعمیرحمام		–	۲۰
						و زیرآب ایضاً			
۴۷	یدالله	مشهدی‌علیقلی	–	۱۵		قیمت‌جاروب		–	۵
۴۸	ابوطالب	میرزاابوالقاسم	–	۱۵		لوله‌لامپا		–	۱
۴۹	اکبر	میرزاحسن	۵۰۰	۱۲		قیمت‌دوای		۸۰۰	۱۳۷
۵۰	نورالله	فیض‌الله	–	۱۵		محبوسین			
							جمع‌کل	۳۰۰	۹۱۳

مبلغ نودویک تومان و سه‌هزاروسیصد دینار مخارج یک ماههٔ شهر ربیع‌الاول محبوسین انبار دولتی مطابق دفاتر محبوسین که در ادارهٔ حکومتی ثبت و ضبط است به تاریخ فوق ۱۳۲۸

[شماره سند ۱۱/۴/۲۵۶ ـ ۲۹۳]

۱۹

وزارت داخله ـ دایره جنوب - نمره ۴۴۱۷ مورخه ۲۹ شهر حمل ۱۳۲۸ - نمره ۵۱۷

وزارت جلیله مالیه

حکومت کاشان اظهار کرده است که در کاشان عمارت دولتی برای سکونت حکومت نیست و حکام سابق در عمارت آقای معاون‌الدوله[1] [میرزا ابراهیم خان] سکنا می‌کرده‌اند. ولی در آنجا مخروبه ومحتاج به تعمیر شده است. حکومت لاعلاج موقةً در عمارت قایم مقام سکنا کرده و نوشته‌اند، اگر عمارت آقای معاون الدوله که مطابق تصدیق انجمن ولایتی چهار صد تومان برآورد تعمیرات دارد مرحمت شود، محل صحیحی برای حکومت خواهد بود. لازم شد در این باب از آن وزارت جلیله استیذان شود. اگر این ترتیب را تصویب می‌فرمایند به آقای معاون الدوله نوشته شود اجازه تعمیر بدهند و چهار ساله از قرار سالی یکصد تومان، این مبلغ مصارف تعمیر از بابت مال الاجاره چهار ساله آنجا محسوب شود.

وزیر[2] داخله

مهر وزارت داخله

[حاشیه:] ورود به کابینه وزارت مالیه در تاریخ ۱۶ شهر (ربیع) الثانی ۱۳۲۸ ـ نمره ۲۵۵۰ **[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف ۱الف الف ۱]**

۲۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ ازکاشان به تهران - نمره ۳۴ عدد کلمات ۱۹۰ - روز ۱۰

مقام منیع وزارت جلیله داخله ـ پس ازاین واقعه وحشتناک بالمره امنیت کاشان

---

۱. میرزا ابراهیم خان غفاری معاون الدوله پسر فرخ خان امین الدوله در ۱۲۷۷ ق متولد شد وی که علاوه بر سفارت در ممالک خارجی چند بار نیز وزیر شد، به سال ۱۳۳۶ ق درگذشت. (شرح حال رجال ایران - ج ۱ ـ)

۲. وزیر داخله: منظور علی قلی خان سردار اسعد می‌باشد.

سلب، عموم طبقات متزلزل، ادارات در عهده تعطیل افتاده و در حقیقت متدرجاً این واقعه کسب یک اهمیت فوق‌العاده نمود است که جداً به اساس مملکت و مقتضیات پلتیک امروز لطمه می‌زند و مسلماً قلع این ماده فساد و بدون دقیقه‌ای فوت وقت، استعداد کافی و سوار و توپ فرستادن و سنگرهای اشرار را عاجلاً محاصره کردن، یکی از اولین مقتضیات پلتیک امروزه دولت است. از طرف دیگر تنگی مالیه و اهمیت موقع را نیز صرف نظر نمی‌توان کرد. این است که با تصویب اعضاء انجمن ولایتی که نتیجه احساسات اهالی را عرض می‌کنم که برای دفع اشرار، ملت کاشان محض جان و مال حاضر است که هرقدر مخارج اردوکشی علاوه گردد به قرار تومان شمار بر مالیات افزوده با طیب خاطر می‌پردازند. دیگر فرستادن استعداد مکفی و حفظ این ملت و قلع اشرار به عهدهٔ اولیای دولت است. امر مقرر فرمایند تلگرافاً سوار موگوئی[۱] فوراً حاضر شود و تلگرافی به جمعیت نراقی و محلاتی و سرباز ملایری به توسط حکومت لازم، کمک از اطراف کوه‌ها بدهند که بالمره قلع و قمع بشود. مکرم الدوله[۲] انجمن ولایتی، مهر تلگرافخانه مبارکه دولتی کاشان ـ به تاریخ ۱۱ ثور، ایت ئیل سنه ۱۳۲۸

[حاشیه:] جنوب - استعداد مکفی روانه شد.

[شماره میکروفیلم ۴۴۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۱

دولت علیه ایران، وزارت داخله، تهران، شهری، تاریخ ۶ جمادی الاولی ۱۳۲۸ ق، صادره جنوب، نمره کتاب ثبت ۵۲۶۷-۱۱۹۹۵، کارتن ۴ دوسیه ۲، شعبه تحریرات جنوب، ضمیمه ۲، ارسال در ساعت ۵ بعداز ظهر بیان‌الدوله، خروج ۱۸ شهریور ۱۳۲۸

---

۱. موگوئی: از طوایف بختیاری (مکبن روز، الیزابت - با من به سرزمین بختیاری بیائید - مهراب امیری - انتشارات آنزان - چ اول - ۱۳۷۰

۲. پسر میرزا رفیع نظام العلماء تبریزی بود.

وزارت جلیله جنگ - در خصوص لزوم مأموریت سوار گلپایگانی برای دستگیری نایب حسین کاشی، چند روز قبل شرحی زحمت داده، حضوراً نیز در این باب مذاکره نمود وعدهٔ مأموریت آنها را فرمودید. چون در این باب تأخیر شده و تا عمل نایب حسین به جایی منتهی نشود، از حکومت کاشان کاری پیشرفت نخواهد کرد و تأخیر آن اسباب تجرّی نایب حسین، تزلزل خاطر اهالی و موجب تأخیر وصول مالیات خواهد شد. لازم است از طرف وزارت جلیله جنگ بذل مساعدت مخصوص در این باب بشود، که زیاده بر این تأخیر در قلع و قمع اشرار نشود. اسباب انتظامات در کاشان فراهم گردیده سرباز و مأمورین فارس در کاشان معطل نشوند. مصطفی

[شماره میکروفیلم ۴۲۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۲

اداره تلگرافی دولت علیه‌ایران، از کاشان به تهران، نمره ۱۰۲ عدد کلمات ۸۶، روز ۳۱ ثور [اردی بهشت] ۱۳۲۸ ق

به توسط آقایان امنای مجلس شیدالله ارکانه حضور آقای... وزیر داخله عرض می‌شود به موجب دستخط امانی به چاکر مرحمت فرمودید و شبانه مجاهدین به زیارت گاه که منزل چاکر بوده به تحریک حکومت و چند نفر مفسد ریخته از ضرب نارنجک و گلوله چند نفر را مقتول ساخته، در قانون مشروطیت، بعد از عفو چه تقصیری کرده بودیم. چند عریضه عرض شده معاندین نگذاشتند به حضور مبارک برسد. خدا شاهد است به ریختن خون مسلمانان راضی نیستیم ـ مهر اداره تلگرافخانه تهران

تکلیف چاکر را معین فرمائید.نایب حسین کاشانی

[حاشیه:] به تاریخ ۳۰ ثور (اردی بهشت) ایت ئیل سنه ۱۳۲۸[۱]

[شماره میکروفیلم ۲۷۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۱. [نامه در دوره دوم ریاست وزرایی محمد ولی خان تنکابنی سپهسالار نوشته شده و وزیر داخله (کشور) در آن کابینه هم شخص محمد ولی خان بوده]

۲۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از کاشان بـه تـهران، نـمره ۱۱۰ مـجانی عـدد کلمات ۳۲۶، روز ۳۱ ثور ۱۳۲۸ [ق]

مقام منیع وزارت جلیله داخله - نایب حسین با چهارصد نفر سوار و پیاده مسلح از دهات بعیده، بعد از چپاول پاره‌ای صفحات ییلاقی به چهار فرسخی کاشان، قریه قمصر وارد، قاصد به شهر فرستاده‌اند کـه یـا مـجاهدین، کـاشان را تـخلیه نـموده به اشرار واگذار کنند یا به شهر حمله نموده تمام ادارات را تعطیل و براحدی ابقا نخواهند کرد. این فقره صد درجه بر وحشت اهالی افزوده. آقایان عـلماء بـعضی فراراً از کاشان بیرون رفته بعضی با کمال وحشت درصدد فرارند. سایر طبقات ابداً آسایش ندارند. معلوم نیست عاقبت کار به کجا می‌رسد و مبادی امور برای این شهر خراب شده چه خیالی دارند با این ترتیب کلیه ادارات در عهده تـعطیل، مـالیات معوق، اشرار با کمال جسارت در کار چپاول دهات اطرافند. تکلیف چیست. در تهران هم به وعده و وعید می‌گذرد: استعداد مطلقاً، اداره نظمیه در همچو مـوقع باریکی از بی‌اعتنایی ادارات مرکزی و نرسیدن وجه و اسلحه امروز و فـردا قـهراً تعطیل می‌شود. پیشکار مالیه هم بدون هیچ مـلاحظه و احـتیاط مشـغول گـرفتن عوارض و ملزومات و دایرۀ تحدید به شرح ایضاً. به نحوی پیشکار مالیه و مـدیر تحدید و رسومات عرصه را بر مردم تنگ کرده و جلب انزجار و نفرت طباع اهالی را نموده که احتمال هیجان عمومی جداً می‌رود. جلوگیری انجمن ولایتی هم فایده نمی‌دهد. مثلاً تفاوت عمل را وزارت مالیه حـواله مـی‌دهد کـه حکـومت جـهت مخارجات لازمه دریافت دارد. پیشکار مالیه جداًمانع است. غرض از تلگراف آن که برای مخارج لازمه ادارات، اگر چه بطور علی‌الحساب هم هست، یک وجهی حواله پیشکار مالیه بدهند کـه عـجالتاً ادارات حکـومتی و نـظمیه تـعطیل نشـود و یک استعداد کافی هم برای دفع اشرار مأمور دارند که مردم کاشان خواب و آرام ندارند. برای آتیه امورات هم یک ترتیب صحیحی بدهند که از پاره‌ای انقلابات که علانیه با اوضاع امروزه مخالف است، بتواند جلوگیری نمود.

انجمن ولایتی کاشان ـ [محل مهر] تلگرافخانه مبارکه

[شماره میکروفیلم ۳۹۷ و ۳۹۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ از کاشان به تهران

حضوری

اولاً در خصوص نایب حسین که اولیای دولت او را سهل شمرده و الان یک ماه است مجاهدین در کاشان معطل و گرسنه و نایب حسین بر عده و جمعیت خود افزوده و تمام دهات کاشانی را چاپیده، حالا دیگر دهات جوشقان[۱] را به معرض چپاول درآورده جمعیت رعیت از اطراف شهر به فریاد آمده‌اند. آقایان مثل آقای میرزامحمد حسن مجتهد از ترس متواری و آقای ملا حبیب الله حجة الاسلام هم می‌خواستند هجرت کنند، مردم به هیجان آمده و صریح می‌گویند، مالیات نمی‌دهیم امنیت نداریم. شب‌ها کلیه مردم در وحشت، باید باقوه نظامی شهر را مرتب کنم. دو ماه است به هزار زحمت پلیس تهیه کرده‌ایم. رئیس مالیه پول نمی‌دهد، پلیس بی‌پول نمی‌ماند. دو روز است نظمیه را تعطیل کرده‌اند. از آن طرف اداره حکومتی بکلی خوابیده، ادارات دولتی تمکین احکامات قانونی حکومت را ندارند. الساعه رئیس نظمیه و رییس محترم انجمن ولایتی در تلگراف خانه حاضر، پلیس اسلحه ندارد. مجاهدین هم که می‌خواهند حرکت کنند، مردم از ترس نایب حسین می‌خواهند تعطیل عمومی باشد. سوار و استعداد هم نرسیده. خود فدوی هم برای مخارج یومیه معطل. تکلیف را معین فرمایند. اگر باید صرف نظر از کاشان نمود، فدوی چرا بی‌جهت خود را معطل کرده و اطلاع مرحمت شود که جان خود را سلامت دربرد. نایب حسین پیغام داده صریح که امروز فردا وارد شهر می‌شود و شهر را به محل غارت درمی‌آورد. تکلیف مردم و فدوی را معین فرمایید. پول تلگرافات فدوی تا به حال هر چه مخابره شده چه حال دارد. مکرم الدوله

---

۱. جوشقان: ازدهات کاشان (فرهنگ آبادی ها)

مهر تلگرافخانه مبارکه تهران

به تاریخ ۳۱ شهر ثور [اردی بهشت] ایت ئیل سنه ۱۳۲۸

[شماره میکروفیلم ۳۱۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۵

مجلس شورای ملی

سواد عریضه میرزا محمد علی [۱] از کاشان ـ نمره ۵۴۴۰ ـ مورخه جمادی الاول ۱۳۲۸

انقلاب باطنی کاشان به اندازه‌ای است که قابل تحریر نیست. امروز یک ماه است که مجاهدین با نایب حسین و اشرار تبعه او طرف شده پنج نفر مجاهد مقتول، پنج نفر مجروح، اشرار در کمال سلامت فرار، روز به روز بر قوهٔ خود افزوده‌اند. جمیع دهات اطراف را از نیاسر، نشلج، مرق، سرده، کاموبزرگ، [۲] فراآن و قمصر و غیرها را یک سره غارت کردند. جمع کوه‌ها را سنگربندی کرده تفنگ و فشنگ زیاد هم به واسطه بردن قورخانه دارند. در نقاط مهمه با آذوقه خاک کرده، فعلاً عده آنها یک صدوسی نفر است. گارد ملی به واسطه نداشتن اسب و آذوقه و پول در شهر معطل، از تهران همه روزها وعدهٔ فرستادن سوار و استعداد وافی رسیده، تاکنون که یک ماه است هیچ چیزی نرسیده. اشرار مالیات دهات را برده. هر قدر هم ممکن بوده باشد گرفته، مکرر به روسای ادارات، مخصوصاً حکومت، پیغام‌های تهدید آمیز داده که شبانه حمله می‌کنم و شما را به قتل می‌رسانم. به کلی راحت و خواب و آرام ازروسای ادارات سلب شده، رئیس نظمیه هم مدتی است آمده جمعیت زیاد از پلیس و اجزا جمع کرده هر قدر توانسته قرض کرده، حقوق برای آنها از تهران معین نشده، رئیس مالیه هم که حواله نمی‌دهد، جواب تلگرافات تهران هم نرسیده،

---

۱. میرزا محمد علی از اهالی کاشان که طی عریضه‌ای به مجلس شورای ملی از آن مجلس تقاضای کمک نموده بود.

۲. نیاسر، نشلج، مَرَق، سرده، کاموبزرگ همگی از دهات کاشان.

غالب اجزاء نظمیه رفته. مکرر خواستند تعطیل کند بعضی‌ها مانع شده‌اند. اهالی شهر بعضی از شدت استبداد و جهل بعضی از خوف، کمال حمایت از اشرار دارند. چند نفری که به مشروطه خواهی و ضدیت با آنها معروف هستند از ترس جان بعضی فراری بعضی متواری هستند. عمده علت جسارت و تجری اشرار کوچک شمردن مصادر امور بود امر آنها را، سه چهار کرور تا به حال خسارت به دولت و ملت رسیده و هیچ کاری نشده جز این که شرارتشان زیادتر شده، هر وقت سوار مأمور شده پول نداشت، آذوقه نداشت، رؤسای آنها خود را مسئول نمی‌دانستند، ناچار باطناً با اشرار سازش کردند و قدری اموال مسروقه را به آنهادادندکه ما و شما هم مسلک هستیم جنگ ما ظاهری است. گارد ملی هم تاکنون مساعدتی به آنها ظاهراً نشده، اهالی هم به واسطه تحمیلات عدیدهٔ رئیس مالیه بی‌اندازه متضرر شده، ریاست مالیه علاوه بر مالیات پیش کش حکام و پولی که برای چوب و فلک دادند و مرافعات و قلّق فراش و غیرها هر چه بود مطالبه می‌کند در باندرول کردن مسکرات و برملا فروختن اداره رسومات اقداماتی که مضر به حال امروزه است، می‌نماید. این است مختصری از حال کاشان.

چند روز است اشرار به قمصر که چهار فرسخی شهر است آمده، همه روزه قاصد و پیغام می‌فرستند که همین دو روزه به شهر حمله می‌کنیم، هیچ کس خواب و آرام ندارد. برای بنده صاحب این عریضه خطرجانی حتمی است. محمد علی

سواد مطابق اصل است

[شماره میکروفیلم ۳۷۲-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۶

وزارت داخله ـ از تهران به‌کاشان به تاریخ ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۲۸ ـ صادره تلگراف ـ نمره کتاب ثبت ۵۵۰۵ ـ کارتن ۳ دوسیه ۲ شعبه تحریرات جنوب

نایب حسین کاشی!

فرط شرارت وهرزگی درکاشان، مرا مجبورکرده است که یک استعداد صحیحی

از اشخاص که خودم می‌دانم به‌کاشان بفرستم و تو را و اولاد و خانواده تو را به‌کلی تمام‌کرده و ریشه ات را بر باد بدهم. زیراکه هر قدر دراین مدت به مجلس مقدس و اولیای دولت از شرارت خودت از ندامت و پشیمانی و تعهد خدمتگذاری کرده‌اید، معلوم می‌شود تمام بی‌اصل و تأمل دولت موجب تجری شما شده است. حالا محض اتمام حجت می‌نویسم، خودت مرا می‌شناسی و قول مرا می‌دانی. اگر به وصول این تلگراف اشرار و الواط را از دور خودت متفرق کرده سوار شده یکسره نزد من آمدی همه قسم در امان بوده وکمال محبت در حق تو خواهم کرد و هرگاه باز در خیال هرزگی و شرارت باقی مانده نادم نشدی، منتظر باش تا خیال خودم را در تمامی وکندن ریشه تو و خانواده تو مجری داشته طوری اقدام کنند که عبرت دیگران شود.

فتح‌الله[۱]

[شماره میکروفیلم ۲۷۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۷

وزارت داخله ـ تهران ـ سرّی ـ به تاریخ ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۲۸ صادره تلگراف ـ نمره کتاب ثبت ۵۵۵۱-۱۳۶۲۵ کارتن ۳ دوسیه ۲ شعبه تحریرات جنوب ارسال در ساعت ۵ بعدازظهر ـ بیان الدوله ـ خروج ۱۵ جوزا ۱۳۲۸ آقای سپهدار ملی (؟)

تلگراف نایب حسین کاشی را لف رقیمهٔ محترمه فرستاده بودید ملاحظه نموده، جواب مشعر بر تامین مشارالیه داده شد که اگر اشرار والواط را از اطراف خودش متفرق کرده سوار شده مستقیماً به تهران آمده به وزارت داخله پناهنده شود، همه قسم در امان خواهد بود و محبت در حق او خواهد شد والاخلاصی نخواهد داشت.

فتح‌الله

[شماره میکروفیلم ۲۶۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۱. فتح‌الله خان ضیغم‌السلطنه بختیاری حاکم کاشان و پدر چراغعلی خان سردار صولت بود. (طغیان نایبیان)

۲۸

تهران ـ کاشان به تاریخ ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۲۸ صادره تلگراف ـ نمره کتاب ثبت ۱۳۶۲۵-۵۵۵۱ ـ کارتن ۳ دوسیه ۲ ـ شعبه تحریرات جنوب ـ ارسال در ساعت ۵ بعدازظهر

نایب حسین کاشی!

تلگراف شما به توسط آقای سپهدار ملی ملاحظه شد. دو روز قبل به شما تلگراف کردم. اگرفوراً اشرار و الواط را از دور خود متفرق کرده، سوار شده، مستقیماً به تهران آمده در وزارت داخله پناهنده شوی (شوید) همه قسم در امان خواهی بود و محبت و رجوع خدمت به شما خواهد شد والا تصور نکنید که خلاصی داشته باشید.
فتح الله

[شماره میکروفیلم ۲۶۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۹

مجلس شورای ملی

سواد کاغذ چند نفر از شاهسونهای ایل مخته وندلو ـ نمره ۲۱۸۱

مقام منیع هیئت وکلای دارالشورای ملی ایران شیدالله ارکانه

از جلوس برپاشدن مجلس مشروطه بندگان رعیت از کسانی که آگاه بود جویا می‌شدیم می‌گفتند که بعد از این برای رعیت مظلوم عدالت و روشنائی می‌شود و بندگان رعیت مظلوم با این عقیده باقی بودیم که انشاءالله تعالی برای رعیت عدالت برپا گردیده و می‌گردد. خدای نخواسته ناامیدی نتیجه بخشیده روز بروز تنگ و تاریک و تعدی افزوده از سابق گردیده. ۲۷ شهر رمضان المبارک در دو راهی پیک، مبالغ پنجاه هزار تومان پول و شتر سارقین روز روشن زده برده‌اند. از آن جمله ده هزار تومان پول و سی ودونفر شترمال بندگان ئیل(ایل) شاهسون است. بندگان صاحب اموال شاهسون فوراً به مرکز ژاندارمری زرند خبر دادیم، جلوگیری نشده از زرند مال را به سمت ساوه رد کردند. فوراً به مرکز ژاندارمری ساوه و حکومت و مالیه عرض حال نمودیم، خبر دادیم، اقدام به جلوگیری نفرمودند. روز روشن مال

را از احمدآباد دو فرسخی ساوه رد کردند سمت قم، با تلفون به اداره ژاندارمری منظریه و قم خبر دادیم جلوگیری نشد. به داد و فریاد بندگان کسی پا پی نشده. این قدر مال را نه نفر سوار در میان این قدر اداره جات دولتی روز روشن رد کرده بوده‌اند. کسان و سارقین هم شناخته شده، گماشته نایب حسین است. بنده‌کان (بندگان) یک طایفه هستیم، بکلی محتاج نان یومیه شده‌ایم. سالی هزار تومان مالیات نوکر بده بودیم، بکلی زمین خورده و سالی این قدر مالیات نوکرگزاف را به دولت پرداخته‌ایم که جان و مال و اموال بنده‌کان (بندگان) از شر اشرار محفوظ باشد. استدعای عاجزانه داریم از طرف هیئت وکلای دارالشورای ملی ایران حکم سخت به مأمور شدید صادر گردد که سارقین را دستگیرکرده اموال بنده‌کان (بندگان) را گرفته مسترد نمایند. در روز قیامت در صف محشر دامن محترم وکلای مجلس شیدالله ارکانه را خواهیم گرفت. بنده‌کان (بندگان) یک طایفه محتاج یک لقمه نان عیال و اطفال شده‌ایم. ای وکلای محترم فردای قیامت را منظور فرموده، حکم احقاق [حق] این ئیل (ایل) مظلوم بیچارگان را بفرمائید که تفریط نباشد. اموال عریضه رعایای صاحب اموال مختوملو[1] (مخته وندلو) است.

محل مهرحاج علی   مراد علی   علیرضا   عبده صفر علی

و به مهر هفت نفر دیگر است.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۳۰

مجلس شورای ملی

سواد عریضه محمد پسر عباسی خان[2] - وزارت داخله - نمره ۵۳۲۹ - مورخه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۸ ق

از گلپایگان

دو ماه قبل که تهران بودم، در خصوص نایب حسین کاشی عریضه عرض کردم

---

۱. این اسم هم چند بار به صورت‌های مختلف آمده که ما مخته وندلو ضبط کرده‌ایم.

۲. محمد علی پسر عباسی خان وکیل کمپانی زینگر (سینگر) در گلپایگان بود.

که محض خدمت به نوع، حالیه ممکن است بعد از مذاکره و اجازه، به تدبیرات عاقلانه بدون یک شاهی مخارج او را دستگیر کرده و تمام را بر عهده خود گرفتم، منتظر رجوع بودم. در نمره ۲۰۳۴ دستخط شد به وزارت جلیله داخله رجوع شود. قریب بیست روزگاهی خودم شرافیابی (شرفیابی) حاصل نموده گاهی عریضه کردم، دیدم تماماً بی‌نتیجه ماند یا این که طول دارد، قدر خدمت معلوم باشد، خداوند را گواه گرفته به‌کار خود مشغول شدم. وقتی از طرف گلپایگان به‌کاشان رسیدم، دیدم کارگذشته و بی جهه (جهت) پنج نفر مجاهد شهید راه وطن و شش نفر تیردار دیدم فراری شده باخود گفتم.

هزار نقش برآرد زمانه و نبود　　یکی چنانچه در آیینهٔ تصور ما است

بعد از تاسف زیاد یک هفته به جاسب که وطن چاکر است، رفته مذاکرات حاکم کاشان برای تبلیغ اهالی نموده تدارکی دیده شد. عجالته (عجالتاً) خودم و کسانم قریب پنجاه نفر سوار و پیاده حاضریم یا ما هم مثل آن پنج نفر [؟] خود کشته شویم یا تقاص خون آنها را از نایب حسین بخواهیم. این هفته می‌روم گلپایگان یا از کمپانی مرکزی مرخصی یک ماهه می‌گیرم یا کار خود را استعفا می‌دهم و آماده خدمت می‌شوم. اگر مرا در قربانی قبل [در سند محو شده] به‌گلپایگان دستورالعمل بفرمائید تا روانه خط کاشان شوم. اسباب جریمه هم لازم است. دیگر امر امر مبارک است.　　وکیل کمپانی زینگر گلپایگان و مضافات میرزا سید عباسی‌خان

سواد مطابق اصل است محمدعلی　　**[شماره میکروفیلم ۴۲۸-۴-۱۱-۲۹۳]**

۳۱

فوری است

وزارت جنگ. اداره کابینه. شعبه جنوب، نمره ۲۸۲۲ تاریخ ۲۵ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸

وزارت جلیله داخله

برای استحضار آن وزارت جلیله لزوماً مصادعت می‌دهد، علاوه بر سواره

گلپایگانی و سرباز و توپ و توپچی که به‌کاشان فرستاده شده، بـه حکـومت قـم تلگرافاً گفته شد که هر قدر بتواند از تفنگچی خلج اسلحه داده و معجلاً به‌کاشان بفرستد، و نیز به توسط حکومت کاشان و قم به سید غلامرضا خان تلگراف شد که تفنگچی دلیجانی را فوراً به‌کاشان ببرد.

به حکومت کاشان هم تلگراف شد که پسرهای نـایب حسـین خـان نـراقـی را خواسته و به آنها مهربانی نماید، که از تفنگچی آنها هم در این موقع استفاده شده باشد و از آن وزارت جلیله هم لازم است در این مورد فوراً تلگرافات مؤکده مخابره فرمایند.

امضا - وزارت جنگ

[شماره میکروفیلم ۲۲-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۲

حکومت قم، نمره ۲۳۴، به تاریخ ۲۷ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸ [ق]

مقام منیع وزارت جلیله داخله

ترتیب نایب حسین با دولت نمی‌دانم از چه قرار است.اجزاء او به دهـات قـم می‌آیند و بعضی تعدیات جزئی وارد می‌آورند. اردها (اردهال)[۱] که جزو بلوک قم است در سنه ماضیه بکلی چاپیده شده. تمام سادات آنجا الان مجاور قم و جرئت رفتن ندارند. امسال هم کسان نایب می‌آیند و بـاقی مـاندگان آنـها را مـی چـاپند. نمی‌دانم تکلیف چیست. به خودش شرحی نـوشته سـئوال کـردم، هـنوز جـواب نرسیده. از سوارهایی که مأمور قم خواهید فرمود، خیال دارم چند نفر برای حفظ اهالی آنجا بفرستم. زودتر هر دستوری لازم است، مقرر فرمائید که بدانم چه قسم باید رفتار نمود. سادات در قم بیچاره و معطل، سرگردان، علاقه آنها به‌کلی پامال. تکلیف غیر معلوم به هر چه امر فرمائید اطاعت شود.

احمد[۲] مهر حکومت قم

[شماره میکروفیلم ۲۸۷-۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. از قراء قم

۲. حاکم قم در ۱۳۲۸ هق

۳۳

مقام منیع ریاست آقای رئیس الوزرا کابینه وزارت جلیله داخله دامت شوکته

البته از امورات و چگونگی شهر کاشان در این چند ساله به خوبی مسبوق هستید که به چه شکل و به چه طریق اهالی شهر و اطراف گرفتار تعدی‌های بی‌پایان نایب حسین کاشی بوده‌اند و هر چه ناله و فریاد کردیم به جایی نرسید. حال دست غیب بر سینه نامحرمش زد، در این صفحه نیستند. هر چه باید از ماها غارت بکنند کردند و هشت سال است به قم در کمال سختی زندگانی می‌کنیم. حال که خداوند متعال این نعمت خداداده را به ما مرحمت فرموده و زمام امورات مملکت را به دست این وجود مبارک عطا کرده، امیدواریم محض تقدیر مراحم بی‌پایانت، نه تنها ماها از تیه پریشانی و سرگردانی به سر منزل استراحت و آسایش رسیده، بلکه عامه اهالی ایران از پرتو آثار درایت وکفایت خویش در این موقع انقلاب و روزگار تیره و تار عالم قرین نعمت آسایش و رفاهیت نموده، شایسته نمی‌دانند که یکی از نوکرهای مخصوص نایب حسین کاشی به جا مانده و اسمش علی خان فروشی[1] است. یک رأس اسب و قدری اسباب دیگر در اردهال کاشان از چاکر برده، نقداً در دولت آباد است. مقرر به حکومت قم بفرمائید تا اسباب و اسب داعی را گرفته مسترد دارند. مادام العمر این سادات اردهال مشغول دعاگویی آن وجود فایض الوجود باشیم. زیاده ایام عزت و جلالت مستدام باد.

[حاشیه (۱):] اداره جنوب ؛

به حکومت قم بنویسید رسیدگی نموده در صورت صدق، احقاق حق عارض را به عمل آورند. حکم را هم برای خودش بفرستید.

[حاشیه (۲):] عریضه میرزا آقا اردهالی - جواب به قم

[شماره میکروفیلم ۲۸۵-۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. از نوکران مخصوص و تحویلدار نایب حسین کاشی بود.(طغیان نایبیان - تاریخ اشرار کاشان)

۳۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از کاشان به تهران، نمره ۳۲ سفارشی، عدد کلمات ۴۱، صبح ۸ جوزا ایت ئیل ۱۳۲۸ [ق]

مقام منیع وزارت داخله

دو از دسته گذشته هر چه جسارت نموده، ثمری نبخشید، حالا هم راپورت شده نایب حسین با عده کثیری دیشب وارد پشت مشهد، بلندی‌ها را گرفته، گارد فاتح هم سنگربندی دارد. هنوز جنگ شروع نشده است.

مکرم الدوله محل مهر تلگرافخانه مبارکه

[شماره میکروفیلم ۲۸۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۵

وزارت داخله ـ تهران ـ کاشان به تاریخ ۱۱ جوزا ۱۳۲۸ صادره تلگراف ـ نمره کتاب ۵۷۶۳-۱۴۵۷۱ ـ کارتن ۳ دوسیه ۲ ـ شعبه تحریرات جنوب

نایب حسین کاشی

جواب شما را دیدم، مکرر به شما نوشته‌ام باز هم می‌نویسم. اشرار و الواط را از دور خود متفرق نموده به تهران بیائید. از هر جهت در امان خواهید بود و محبت در حق شما می‌شود. ولی اگر باز به همان حالات سابق باقی باشید و جمعیت را متفرق نکنید، یقین بدانید که خلاصی نخواهید داشت.

فتح الله امضاء

[شماره میکروفیلم ۲۶۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ از کاشان به تهران ـ نمره ۴۱ ـ عدد کلمات ۱۹۰ ـ ۱۱ روز

توسط حضرت اشرف آقای ستارخان سردار ملی روحی فداه، حضور مبارک

حضرت اشرف وزیر داخله، رئیس الوزرا مدظله العالی. اطلاع ورود نایب حسین و اتباع [ایشان] به شهر پشت مشهد[1] را تلگرافاً به عرض رسانیده، چون انقلاب و اضطراب عموم اهالی فوق تصور است و هر ساعت هم مخاطرات عموم آقایان علماء اعلام به اعیان - تجار- ادارات دولتی و انجمن ولایتی مجلس منعقد و پس از مشاوره، آراء بر این قرار گرفت که به هیئت اجماع تقصیرات آنها را به عفو و مراحم اولیای دولت علیه امیدوار کرده از شهر خارج شوند. در یکی از قراء کوهستان بمانند تا مستدعیات آنها را مشروحاً پیش نهاد (پیشنهاد) حضور مبارک نموده چنانچه مقرون به دولت خواهی دیدند به عز قبول مقرون فرمایند. حالیه استدعای عمومی این است، این پیش نهاد (پیشنهاد) را تصویب و تلگرافاً طرفین را قرین اطمینان فرمایند. مکرم الدوله، انجمن ولایتی، الحاج میرزا محمد خادم الشریعه، محمد حسن سید محمد رضا، حسن ابن نصرالله الموسوی الداعی، علی بن محمد صادق الداعی، عبدالرسول الداعی، علی حسین ابن حسین نایب‌الصدر، محمد حسن، ورود نایب حسن و اتباعش به شهر کاشان صحیح است و در صورت توقف احتمال مخاطرات کلی برای اهالی است. پیشکار مالیه مصطفی

به تاریخ شب ۱۲ جوزا، ایت ئیل سنه ۱۳۲۸ مهر تلگرافخانه

[شماره میکروفیلم ۴۱۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۷

وزارت داخله ـ تهران کاشان به تاریخ ۱۵ جوزا ۱۳۲۸ ـ صادره تلگراف ـ نمره کتاب ثبت ۱۵۶۴۳-۵۸۹۱ ـ کارتن ۲۱ دوسیه ۲ ـ شعبه تحریرات ـ ارسال در ساعت ۱۶ ـ خروج ۱۶ شهر جوزا ۱۳۲۸ بیان الدوله ـ توسط حکومت کاشان

اولاد مرحوم نایب حسین خان نراقی

برای قلع و قمع نایب حسین کاشی و سایر اشرار به طوری که از طرف وزارت جنگ هم به شما تلگراف شده است، منتظرم سوار استعداد خودتان را در کاشان

---

۱. از محلات بزرگ کاشان که قبر حبیب بن موسی و شاه‌عباس اول صفوی در آن جا واقع است.

حاضر کرده در انجام این خدمت قصاص کامل به عمل آید.

[شماره میکروفیلم ۲۸۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۸

دولت علیه ایران ـ وزارت داخله ـ نمره کتاب ثبت ۵۹۲۵-۱۵۷۶۵ -کارتن ۲۷ - دوسیه ۲ - شعبه تحریرات جنوب - ارسال در ساعت ۶ بعدازظهر تهران به تاریخ ۱۶ جوزا ۱۳۲۸ نویسنده برهان الملک[1]، صادره رقعه شهری

مقام رفیع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

سواد عریضه میرزا محمد علی کاشانی را در باب نایب حسین و وضع حکومت و سایر امورات کاشان به مجلس مقدس [ناخوانا] که تلو ۱۴۴۰ ارسال فرموده‌اند، ملاحظه نمود. ترتیب حکومت کاشان به طور لازم داده شده در باب حسین هم اقداماتی که مقتضی بوده به عمل آمده است. عن قریب قلع و قمع خواهد شد.

خروج ۱۶ شهر جوزا ۱۳۲۸

[حاشیه:] نوشته شد

[شماره میکروفیلم ۲۸۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از کاشان به تهران - نمره ۶۳ - عدد کلمات ۹۰ - روز، غروب ۱۷

مقام منیع وزارت جلیله داخله و وزیر جنگ ـ امروز ۲۸، از صبح جنگ با حسین و اتباع او از دو طرف شروع شد. یک سمت مجاهدین دور شهر، رئیس نظمیه برای جلوگیری ورود شهر، مجاهدین خیلی خوب کار کردند. هفت هشت نفر به طور تحقیق کشته شده و جمعی مجروح و چند سنگر محکم از آنها گرفته و یک نفر از مجاهدین کشته شد، بقیه سلامت هستند. توپ و سرباز اگر رسیده بود کار اینها تمام

---

۱. ظاهراً از حکام کاشان بوده است.

بود. دلیل این که حکومت قم آنها را نگاهداشته و نگذاشته حرکت کنند، چیست، اگر امشب فرار به‌کوه نکنند و توپ برسد در یک ساعت کار تمام می‌شود. تأخیر توپ کار را ضایع نمود یعنی اسباب زحمت است. مکرم الدوله

مهر تلگرافخانه مبارکه دولتی ـ به تاریخ شب ۱۸ جوزا، ایت ئیل سنه ۱۳۲۸

[در حاشیه:] جنوب – تاکید شده است فوراً از قم حرکت بکنند و حرکت می‌کنند.

[شماره میکروفیلم ۴۴۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۴۰

دولت علیه ایران، وزارت داخله

تهران ـ قم، به تاریخ ۱۸ جوزا ۱۳۲۸، صادره تلگراف، نمره کتاب ثبت ۶۰۲۱، کارتن ۱ دوسیه ۱، شعبه تحریرات جنوب ـ خیلی فوری است

آقای هژیرالسلطنه [۱]

کار کاشان اهمیت پیدا کرده، لازم است فوراً بلاتأخیر سوار گلپایگانی و توپخانه و استعداد حاضره در قم را حرکت داده، فوراً با کمال عجله روانه کاشان شوید. این نکته را هم ملتفت باشید که از قرار راپورت واصله، یک عده از اشرار محض جلوگیری از اردو به‌گردنه شوراب آمده‌اند. قبل از وقت آدم بفرستید و احتیاط را از دست ندهید. و معجلاً خودتان را به‌کاشان برسانید. سوار شخصی شما هم از عقب خواهند رسید. شما معطل آنها نشوید و حرکت خودتان را زود اطلاع دهید.

[شماره میکروفیلم ۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۴۱

صورت مخارج شهر جوزا که عالی جاه نایب حسین نموده

مخارج محبوسین

فخام الملک: ۲۱ قران، روزی ده شاهی ۲۲ روز = یازده قران – روزی یک قران

---

۱. هژیرالسلطنه بختیاری از جمله سران بختیاری بود که به یاری دولت جهت براندازی نایب حسین کاشی شتافت.

۱۰ روز=یک تومان، [تکرار همین مبالغ در اسامی دیگر] ابراهیم خمیرگیر ۲۱ قران - اسدآقا: ۲۱ قران...اسدالله ۲۱ قران...-علی جان:۲۱ قران - یدالله ۲۱ قران... علی ۲۱ قران - شمسعلی ۲۱ قران - محمدعلی دولابی: ۲۱ قران... عبدالله:۲۱ قران... عزیز: ۲۱ قران... - الله بخش: ۲۱ قران...ابوطالب:۲۱ قران... محمدعلی میرزا: ۲۱ قران...

نادعلی همدانی مرخص شده،۴ روزه ۲ قران

محبوسین حکومت: دو نفر ۴ تومان و دو قران: میرزارضا، سیداحمد، مخارج خارجه: مخارج حمام:۳۲روز ۱۰ تومان و شش قران و ۱۴ شاهی - جاروب ۵ قران - چراغ بیرون ۴ عدد فی ۲/۵ = یک تومان

درب جلوی حمام پوسیده و عوض شده ۵قران - تنقیه دو حوض ۹ قران - لوله لا مپا: ۱ قران و ۱۰ شاهی - نفت ۳۲ روزه ۳ تومان و پنج قران و یک عباسی - بردن خاک روبه، یک تومان و چهار قران و ده شاهی - دواجات ازغره جمادی الاولی الی آخر جوزا، ۴۳ روز ۱۲ تومان و ۶ هزارو ده شاهی [ناخوانا]

[شماره میکروفیلم ۲۵۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۴۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

ازکاشان به تهران

نمره جواب ۸ دولتی است، عدد کلمات ۳۱۶

حضور مبارک حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم عرض می‌شود دستخط تلگرافی زیارت نمود. بعد از دستخط های عفو دادن باکمال اطمینان کسان خود را متفرق نموده، آسوده در خانه خود نشسته، منتظر خدمت بودم. از طرف حضرت اجل، شبانه مکرم الدوله با دویست نفر سواره به زیارت که منزل چاکر بود، ریخته چند نفر را مقتول ساختند. ناچار از شهر بیرون آمده به صحراها،اگر بنا به خلاف بود

در اول مشروطه خیلی کسان خلاف ایشان از چاکر زیادتر بود. مثل قوام شیرازی[۱] به او کاردادم. نمی‌دانم چه علت دارد که چند دستخط مرحمت فرمودید و چند نفر کاشانی که در تهران و چه درکاشان هستند به تلگراف های جعلی چاکر را بی خانه و بی‌اموال نمودند. دست از اهل و عیال خود شسته و سه سال است که اهل و عیال در زیارت ها و خودم در بیابان‌هاو این چند نفر دشمن مصدر انجمن‌های کاشان هستند، و دست از جان من بر نمی‌دارند. از برای خاطرخدا سه کار با من پیرمرد بکنید. اولاً یک نفر مأمور مسلمان بی غرض به کاشان بفرستید، رسیدگی نماید. تا آن که بی‌تقصیری چاکر به اولیای دولت معلوم شود. ثانیاً دستخط اطمینان بدهند اهل و عیال خود را بردارم از این خاک بیرون روم. ثالثاً دستخط امان مرحمت نماید مزرعه خرابی دارم تعمیر نموده اهل و عیال را برداشته به آنجاروم و مشغول رعیتی شوم. التزام می‌دهم تا عمر دارم به‌کاشان نیایم و خلاف از چاکر سر نزند تا آن که شغلی درکاشان از برای چاکر معلوم نماید (نمایید) جانم را در راه دولت ملت می‌دهم. هرگاه به میل چند نفر متعرضین کاشان می‌خواهند مرا بکشند هرگاه به‌کشتن من، ایران امن می‌شود این گردن من و شمشیر تیزکاشانی‌ها، چاکرکه هیچ ندارم و دستم از همه جاکوتاه، از جان خود هم به تنگ آمده. هر نوع حکم بفرمائید حاضرم، خدا می‌داند که به ریختن خون مسلمانان راضی نیست و عرض حال خود را به حضور مبارک نمودم دیگر امر مبارک است. نایب حسین

مهر تلگرافخانه مبارکه شهر جوزا، سنه ۱۳۲۸ [ق]

[شماره میکروفیلم ۲۷۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۴۳

اداره تلگراف دولت علیه ایران

ازکاشان به تهران - نمره ۳۰ - عدد کلمات ۱۵۴

---

۱. قوام شیرازی: ظاهراً حبیب الله خان ـ قوام الملک شیرازی منظور است از احفاد میرزا ابراهیم خان شیرازی کلانتر اعتماد الدوله صدر اعظم آقا محمد خان قاجار و سالهای نخستین فتحعلی شاه.

توسط جناب شیبانی[1] نماینده کاشان وزارتین جلیله داخله و مالیه دامت شوکتهما ـ استعداد حاضره کاشان برای جنگ حرکت کردند. احتمال انواع خطرات برای شهر با نبودن استعداد می‌رود. کلیه اهالی مضطرب و متزلزل هستند. تمام امیدواری از حفظ شهر امروز به اداره نظمیه است. بدبختانه نظمیه از بی‌پولی در شرف تعطیل افتاده، هر قدر در این موضوع به مراکز تهران اظهار شده فایده نداد و دوائرثلاثه موافق نص تلگراف مرکزی محض مصارف ادارات جدید مخصوص نظمیه است. به‌کدام قانون سزاوار است که با این همه تحمیلات و عوارض جدیده امروز مردم جاناً، مالاً، ناموساً در خطر باشند و نظمیه از بی‌پولی تعطیل شود. جداً انجمن ولایتی اخطار می‌کند که اگر حفظ کاشان و ملت را دولت لازم می‌داند، عاجلاً ولو به طریق علی الحساب هم باشد حواله برای نظمیه مرحمت شود والا منتظرانواع خطرات باید باشد. جواب و تکلیف فوری لازم است. انجمن ولایتی کاشان

[حاشیه (۱):] دفتر محاسبات - حقوق نظمیه کاشان را از قراری که به خاطر دارم مطابق بودجه مصوب حواله شده است، ملاحظه نمائید در صورتی که حواله امضاء شده باشد به‌کابینه اطلاع دهید تلگرافی به پیشکار مالیه کاشان مخابره نماید، حقوق نظمیه را از عایدات ثلاث برساند.

[حاشیه (۲):] اجازه نامه صادر شده است و همین قسم جواب بنویسید که امر شده است. به تاریخ ۸ شهر سرطان ایت ئیل سنهٔ ۱۳۲۸

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۴۴

وزارت داخله

راپرت کاشان ۹ سرطان - مورخه ۲۵ - ج ۲ (جمادی الثانی) ۱۳۲۸

حکومت و گارد فاتح دیروز عصر از فین که یک فرسخی کاشان است به طرف

---

۱. همان احمد خان شیبانی است.

اشرار حرکت کردند و عده‌ای سرباز فیروزکوهی در شهر مانده، رئیس نظمیه الحق شب و روز نهایت مواظبت را از خارج شهر و توی شهر دارد ولی به واسطه نرسیدن حقوق و اسلحه خیلی کار به او سخت شده و امروز اجزای نظمیه درصدد استعفاء بر می‌آیند. هرگاه وجه و اسلحه به آنها نرسد، شاید در این مورد که شهر در خطر بزرگ و اهالی از ترس مراجعت اشرار به شهر در نهایت پریشانی و اضطراب میباشد، که وهن بزرگی حاصل نشود. سواد مطابق اصل است ـ محل امضاء علی ـ مهر وزارت داخله ـ شعبه تحریرات امنیه و نظمیه ۱۳۲۸

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف - الف الف ۱]

۴۵

وزارت داخله ـ دایره جنوب - نمره ۷۰۹۷-۲۰۷۵۱ - مورخه ۹ شهر رجب ۲۵ سرطان ۱۳۲۸

وزارت جلیله مالیه

تلگرافی از انجمن ولایتی کاشان در باب حقوق استعداد کاشان ولزوم حواله آن رسیده بود. سواد آن رالفاً ارسال داشت، به وزارت جلیله جنگ هم ابلاغ شد که صورت برآورد حقوق آنها را به آن وزارت ارسال دارند که زودتر حواله آن را صادر فرموده به دلگرمی در قلع وقمع اشرار اهتمام نمایند. حواله و ایصال این وجه به اردوی کاشان در نهایت ضرورت است، زیرا اشرار اتصالاً در اطراف کاشان مشغول قتل و غارت هستند و صدای رعایا از هر طرف بلند است و هر قدر این وجه دیرتر به مأمورین برسد، فرصتی است که به تطاول اشرار داده می‌شود زیرا مأمورین نمی‌توانند بدون حقوق کاری از پیش ببرند. تمنای یک توجه مخصوص جدی در تسهیل این کار ازآن وزارت جلیله دارد و انتظار نتیجه مطلوبه می‌رود.

امضاء مهر وزارت داخله

[حاشیه(۱):] ورود به‌کابینه وزارت‌مالیه‌به تاریخ ۱۱شهررجب ۱۳۲۸ - نمره ۸۹۴۵

[حاشیه (۲):] ضبط شود.

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۴۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۴۶

وزارت مالیه، اداره تحریرات مرکزی، نمره ۹۱۹۲ - مورخه۱۸ شهررجب ۱۳۲۸
اداره خزانه

از وزارت جلیله داخله شرحی به وزارت مالیه اشعار شده که در موقع تهاجم نایب حسین و سایر اشرار به‌کاشان، نظر به این که هنوز استعداد دولتی به آنجا فرستاده نشده بود، به حکومت کاشان تلگراف شد که به هر وسیله ممکن است از اشرار جلوگیری نموده، اهالی را محفوظ بدارند. حکومت هم یک عده تفنگچی موقة (موقتاً) فراهم کرده به مواظبت شهر و ساکنین گماشته و چهار صدوسی و دو تومان مخارج آنها را قلمداد کرده ولیکن از انجمن کاشان که تحقیق شده به همه جهت یکصد تومان از بابت مخارج تفنگچی‌های مزبور تصدیق و تصویب نموده‌اند و حالا لازم است که این مبلغ در ضمن محاسبه جناب مکرم الدوله حاکم سابق کاشان به خرج منظور شود.

لهذا اعلام می‌شود که ادارهٔ خزانه به پیشکار مالیه کاشان اطلاع دهند از بابت مأخوذ جناب مکرم الدوله مبلغ یکصد تومان را به خرج حساب ایشان منظور دارد.

[حاشیه:] یعنی حکم را تغییر داده به توسط اداره خزانه به پیشکار مالیه کاشان بنویسد از بابت مأخوذ جناب اجل آقای مکرم الدوله مبلغ یک صدتومان را به خرج جناب مشارالیه محسوب دارند.

[شماره سند ۱۰۵ ف الف الف ۱-۲۴۰۰۱۲۹۳۸]

۴۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ از اردستان به تهران، نمره جواب ۱۶۲ دولتی ـ تاریخ ۳۲ سرطان ۱۳۲۸

مقام منیع وزارت داخله

تلگراف مبارک زیارت شد. بعد از حرکت از نطنز، خالد آباد[1] رفته، بعضی

۱. خالد آباد، از دهات نطنز

ترتیبات جلوگیری اشرار شده آماده داخل ریگستان شده پانزده فرسخ یک سر دنبال نایب حسین آمدم، با کسالتی که اردو از حرارت این کویر داشت در قلعه امیرآباد سهام‌السلطنه [۱] دور او را محاصره کردم. کویر جندق و بیابانک در جلو قلعه محکم، چاکر با تلفات هفت اسب خود را به او رسانیده مشغول زدو خورد هستم. تلگراف می‌فرمائید، قصد دارد امتداد در این کار بدهم، در این صورت مراجعت به کاشان نمایم تا تکلیف دیگری برای این کار دولت بدهد. در جواب این مسئله عرض می‌کنم، پس از آن که قریب بیست روزاست با اشرار جنگ کردم، عده‌ای از آنها را کشته و دستگیر نموده مبلغی اموال مردم را مسترد داشته‌ام، در صورتی که دیناری حقوق به سوارم نرسیده و عرایض در این خصوص بلاجواب است. باز هم خواب و خورد را برخود حرام نموده در این هوا و گرمای سخت متحمل زحمت شده اشرار را از خاک کاشان و نطنز و اردستان و اصفهان خارج نموده، ابتدای خاک جندق و بیابانک به ایلغار به تعاقب آنها آمده. نتیجه خدماتم به حرف مغرض این (مغرضین) بی مرحمتی است. سابق عرض کرده، حالا هم صریحاً عرض می‌کنم. این خدمت کشتن یا دستگیر شدن حسین مدت زمان و حقوق سوار لازم دارد، اگر مرحمت می‌شود، حاضرم والا این خدمت را به دیگری که از عهده بر می‌آید رجوع فرمایید. منتظر جواب صریح هستم. عزیزالله بختیاری [۲]

مهر تلگرافخانه مبارکه ـ به تاریخ ۳۲ شهر سرطان ایت ئیل ۱۳۲۸

[شماره میکروفیلم ۳۲۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۴۸

۲ شهر شعبان ۱۳۲۸، مقام منیع وزارت جلیله مالیه دام ظله العالی

قربان حضور مرحمت ظهور مبارکت گردم - اولاً با کمال شوق و شعف و افتخار

---

۱. سهام السلطنه: مصطفی قلی خان عرب عامری از امیران و خوانین اردستان که حکومت یزد و کاشان را عهده دار بود. مدتی نیز قراسورانی نواحی مذکور و اردستان را در اختیار داشت. سهام السلطنه در ۱۳۰۶ ق درگذشت (شرح حال رجال ایران – ج ۴)

۲. ازخوانین بختیاری که انتظامات اردستان و نواحی نطنز را برعهده داشت.

و شرف تبریک و تشکر عرض می‌نماید. ثانیاً دستخط مبارک نمره (۹۴۷۴) که در خصوص سه نفر کسبه نراقی شرف صدور یافته بود زیارت نمود. شرح آن این است که هنگام عبور سوار بختیاری، مأمورین گرفتاری نایب حسین کاشی یاغی، برای رسیدن به اردوی کاشان سه روز در نراق توقف کرده بودند و برخلاف قانون نصف مخارج از اهالی نراق گرفته، اهالی هم تقسیم محل نموده، اگر در حق این سه نفر ستم شریکی شده باشد، باید رسیدگی و رفع شود. از بابت تومانی دوهزار و پانصد دینار فرع که به عرض حضور مبارک رسانده‌اند، از مالیات می‌گیرند، صدق است. برای مخارجات دولتی و اردو جمع وتفاوت عمل معمولی از اصل مالیات تومانی دو هزار و پانصد فرع برآورد نمود و خبر و مالیات حواله داده‌اند. اجحاف و زیادتی نشده است. زیاده امر مبارک است.

اقل جان نثاران احمد محاسب دیوان[1] امین مالیه محلات و سایر البلوک.

در حاشیه: به سابقه رجوع شود.مهر:ورود به‌کابینه وزارت مالیه،به تاریخ ۱۴ شهر ش ۱۳۲۸ نمره ۱۱۲۴۸

[شماره سند ۲۴۰۰۰۷۸۷۵-۱۱۳ ز۳آ۱]

۴۹

وزارت داخله ـ دایره جنوب - نمره ۷۶۶۳ - مورخه ۲ شهر شعبان، ۱۶ اسد ۱۳۲۸

وزارت جلیله مالیه

تأخیر تادیهٔ حقوق اردوی کاشان مأمورین دستگیری نایب حسین نزدیک است تمام زحمات دولت را به هدر داده، اسباب تفرقه اردو شود. اقدام فوری لازم است که به استحضار وزارت جلیله جنگ و به سریع ترین وسایل، حقوق آنها را برسانند که اردو متفرق نشده، زحمات به هدر نرود. از طرف وزیر داخله مدیر کل

مهر وزارت داخله

---

۱. رئیس مالیه محلات و دیگر ولایات اطراف آن به سال ۱۳۲۸ هق

[حاشیه ۱:] فوراً جواب بنویسید
وزارت جنگ حواله از برای قشون صادر کرده است و یقین است از بابت آن حواله مخارج اردوی کاشان تأدیه می‌شود. امضاء
[حاشیه ۲:] ورود به‌کابینه وزارت مالیه - به تاریخ ۵ شهر شعبان ۱۳۲۸ نمره ۱۰۵۰۳

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۵۰

خزانه کل ممالک محروسه
ادارهٔ خزانه - دائرهٔ مرکز - به تاریخ ۲۳ شهر اسد سنه ۱۳۲۸ - نمره ۴۳۵۸
وزارت جلیله مالیه
حکومت کاشان در اول ورود قریب سه هزار تومان به اسم مواجب و مخارج مجاهدین برای قلع و قمع اشرار از مالیات هذه‌السنه ایت ئیل از محل مأخوذ کرده و راپورت این مسئله در ذیل نمره (۲۵۳۲)۲۵۸۵-۳۶۶۱ مشروحاً عرض شده است. حال اگر تلگرافاً یک هزار و نودو پنج تومان از بابت حقوق سوارهٔ بختیاری حواله شده، پیشکار مالیه خواسته است از عوض سه هزار تومان مأخوذی محسوب نماید. حکومت قبول نکرده، اظهار داشته است که حواله سه هزار تومان از طرف وزارت مالیه صادر خواهد شد، مستدعی است در این خصوص هر قسم رای مبارک اقتضا فرماید، مرقوم فرمائید که جواب پیشکار مالیه داده شود.
از طرف رئیس خزانه
[حاشیه:] به عرض برسد این مطالبات را معین کنید
هزار و کسری از چه بابت حواله شده، جواب مخابره نمایند. چون سه هزار تومان پرداخته‌اید. این هزاروپانصد تومان را کسر بگذارید. امضاء [میرزا ابراهیم خان حکیم الملک]
[حاشیه:] ورود به کابینه وزارت‌مالیه:به تاریخ ۱۴شهر شعبان ۱۳۲۸ - نمره ۱۱۲۶۸
[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۵۱

به مقام منیع مبارک وزارت جلیله داخله [۱۳۲۸ ق]
عریضه سادات و رعایای اردهال

عرضه می‌داریم که مدت ده سال است در فشار ظلم و تعدی اشرار کاشان و اشرار محلی خود می‌باشیم ودر این مدت ده سال تمام آواره بودیم، مدتی در قم و مدتی در تهران، یک سال می‌باشد به وطن خود آمدیم. الحال یک ماه است پهلوان رضا[1] که یکی از سواران نایب حسین کاشی است، حکومت جلیله قم نیابت اردهال را به این قطاع الطریق داده و با پنجاه نفر سوار وارد برماها شده، خودمان علف گیرمان نمی‌آمد بخوریم باید سورسات به جهت نایب فراهم بیاوریم. نمی‌دانیم حکومت قم به چه مناسبت نیابت اردهال را به یکی از اشرار معروف کاشان واگذار نموده، در صورتی که مدتی با دولت طرف بوده و حسن میرزا بزرگ که یکی از اشرار معروف کاشان می‌باشد و گاری پست را دزدیده بود عریضه نوشتند بربی‌تقصیری او که گاری پست را نزده و ماها را مجبور کردند عریضه را مهر کنیم. مستدعی آن که امر و مقرر فرمایید به حکومت قم نایب دیگری از برای ما تعیین کنند تا به آسودگی مشغول دعاگویی بوده باشیم. امرکم العالی مطاع

اداره جنوب ۱۳ شعبان

[حاشیه:] ضبط شود

[شماره میکروفیلم ۵۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۵۲

سواد تلگرافات حضرت اشرف آقای وزیر داخله در باب مأموریت کاشان

نمره ۱۴۰ ـ تلگراف، امیر الامراء العظام غیاث لشکر حکمران قم دام مجده، تلگراف شمارا دیدم و از مطلب آن مستحضر شدم. مخارج سوار همین طور که

---

۱. از سواران نایب حسین کاشانی بود. (طغیان نایبیان)

اظهار شده باید از شمس‌آباد گرفته بدهید، [۱] بدون فوت وقت باید حرکت نمایید پنجاه نفر سوار قزاق هم که به عراق می‌روند به اتفاق خودتان ببرید. در باب قراسوران عجالتاً با هیئت محترم وزرای اعظام و وکلای گرام مشغول مذاکره هستم. همین دوسه روزه قرار قطعی و دستورالعمل لازمه برای شما و سایر جاها فرستاده خواهد شد. پنجاه قبضه تفنگ هم از تفنگ های تحویلی از فوج ساوه به این سوارها بدهید، باید همراه شما بیایند. در مراجعت تحویل گرفته در ذخیره بگذارید تا ورود فوج ساوه مترصدم که‌از طرف شما مجاهدت واهتمامات وافی در این موقع بشود.
(وزیرجنگ)

نمره ۱۳۱ - حکومت قم، جواب مشروح شما را دیدم. مراتب دولتخواهی و غیرتمندی شما مستغنی از اظهار و جالب مسرت و رضامندی بوده است. سوار و استعداد حاضرهٔ خودتان را معجلاً به طرف اردهال و محل حسین کاشی حرکت داده مجال فرار به او نداده، زودتر او را دستگیر و اتباع او را قلع و قمع کرده بر مدارج اعتبارات خودتان بیفزایید، توپ هم متعاقب به شما می‌رسد. البته دقیقه‌ای معطل نشده حرکت نمایید، حقوق آنها را هم از محل شمس آباد تدارک کرده بپردازید و نتیجه اقدامات را زود اطلاع دهید. در باب قراسورانی از سرخاب[۲] الی پشت گدار[۳] هم که اظهار کرده‌اید و به‌کریم خان سپرده‌اید مطلع شدم. چون در وزارت داخله مجلس قراسورانی مشغول ترتیب عمل کلیه قراسورانی ولایات است، عجالتاً کریم خان مراقب راه باشد که دزدی و سرقتی نشود تا قرار لازم درکلیه قراسورانی خطوط داده شود. ورقه تعرفه هم که خواسته‌اید، قدغن کردم با پست بفرستند. درباب پول اسکناس به توسط وزارت خارجه به بانک ابلاغ و مذاکره می‌شود، سوار عراق هم البته تا حالا رسیده است.

(وزیر داخله)

---

۱. به مناسبت نقش مهر یک کلمه ناخوانا مانده است.
۲. از نواحی کاشان
۳. از قراء کاشان

نمره ۱۷۲ ـ جناب امیرالامراء العظام غیاث لشکر دام اقباله، صبح تلگراف کردم که معتضد نظام[1] محتمل است حرکت ننماید و شما معطل او نباشید، خودتان و جلیل الممالک حرکت نمایید. حالا از قراری که معلوم شده خود معتضد نظام برای خدمت حاضر است و حرکت می‌کند. از بابت پول و مخارج سوار هم هر چه لازم باشد البته از محل شمس‌آباد خواهند رسانید. معتضد نظام امروز که هفدهم است، روانه می‌شوند و منتظرم هر چه زودتر نتیجه حرکت واقدامات خودتان را در گرفتاریهای نایب حسین و کسان او و استرداد اموال و قورخانه دولتی عاجلاً تلگراف نمایید. (وزیر داخله)

نمره ۳۱ ـ جناب جلالت ماب سالار حشمت[2] تلگراف شما رسید. معتضد نظام امروز حرکت کرد عن قریب به آنجا می رسد. در باب جیرهٔ مأمورین هم به جناب غیاث لشکر حکم شده است از محل شمس‌آباد برساند. لازم است فوراً یک عده سوار برای حفظ و امنیت کاشان حرکت کرده برود که مراقب بوده از اشرار صدمه نرسد تا معتضد نظام و استعداد هم رسیده متفقاً اقدام به انجام خدمت نمایند. (وزیر داخله)

سواددستخط کفیل وزارت‌جلیله داخله، نمره۲۰۹۴-۶۸۵۳، ۲شهر صفر ۱۳۲۸

حکومت جلیله دارالخلافه - سواد صورت حساب حکومت قم را از بابت مسافرت به‌کاشان در واقعه نایب حسین فرستاده بودید، عیناً به وزارت جلیله مالیه فرستاده شد که بعد از تحقیق حکم آن را صادر نمایند. (وزارت داخله)

سواد مطابق اصل است که در دفتر خانه حکومتی موجود است. محل مهرحکومت قم

نمره ۶۰۹۶-۱۶۴۴۴ ـ تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۸ ـ

سواد دستخط کفیل وزارت جلیله داخله، حکومت قم

در باب محاسبه و مخارج کاشان اظهار کرده بودید، شرحی به وزارت جلیله

۱. فرستاده وزیر داخله به‌کاشان برای مقابله با نایبیان به سال ۱۳۲۸ ق

۲. ظاهراً حاکم قم بوده است.

مالیه نوشته و عین صورت مخارج و افراد، صورت محاسبه شمس آباد را فرستاد که رسیدگی کرده قرار قطعی در این باب بدهد و خاطر شما را از این باب راحت دارند. بعد از وصول جواب خاطر شما را قرین استحضار می‌دارد. (وزارت داخله)

نمره ۱۰۴۱-۴۳۹۹ به تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۸

سواد دستخط کفیل وزارت جلیله داخله،

حکومت قم شرحی را که به توسط آقای معتمد خاقان[1] حکمران تهران در مسئله مخارج مسافرت به کاشان و اردهال اظهار و اشعار کرده بودید با عالم دولتخواهی و درستکاری امکان ندارد، به خلاف واقع مخارجی قلمداد کنید. مستحضر شدم، مقام درستی و امانت شما را می‌دانم و کمال اعتماد واطمینان را دارم. آنچه را هم که سابقاً در جواب شما نوشته بودم، موافق اطلاعات و تحقیقات خاصی بوده است. حالا هم می‌نویسم که صورت مخارج را به جزو ودقت کامل با کمال صرفه جویی، توضیحاً نوشته بفرستید که به وزارت مالیه فرستاده قرار آن را بدهند و نسبت به شما نهایت محبت را داشته و دارم و از خدمات شما راضی هستم[2]. وزارت داخله

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸ - ۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۵۳

دولت علیه ایران، وزارت داخله، تهران شهری به تاریخ سنبله ۱۳۲۸ [ق]

صادره مکتوب، نمره کتاب ثبت ۸۰۳۰-۲۴۹۸۱، شعبه تحریرات جنوب

آقای میرزا احمد خان شیبانی نماینده قم کاشان

شرحی که در باب عمل کاشان و نایب حسین و بی حالی هژبرالسلطنه اظهار و تلگراف واصله در رد امنای دوائر کاشان را فرستاده بود، وزارت داخله در این باب غفلت نکرده است. علاوه بر اقدامات سابقه در تدارک یک ترتیب صحیحی است

---

۱. پسر میرزا شکرالله خان معتمد خاقان که بعدها قوام الدوله لقب یافت. حکمران تهران در ۱۳۲۸ هق

۲. تمامی اسناد ذیل شماره مذکور سازمان اسناد در یک ورقه و پشت هم ضبط شده بود که ما عیناً آن را آورده‌ایم منتها به صورت جداگانه.

که انشاءالله تعالی اشرار بکلی قلع و قمع گردیده دنباله این مطلب قلع شود. به هژبرالسلطنه هم تلگراف شد از نائین به کاشان مراجعت [نماید]. وزارت داخله تا حال، هر اقدامی که خودش مکلف به آن بوده است، کرده و در همه وقت هم اخطارات لازمه را در لزوم اعزام یک استعداد کافی برای قلع و قمع اشرار به وزارت جنگ نموده است. وزارت معزی الیها نیز در صدد اقدامات لازمه هستند و بر عهدهٔ آن وزارت خانه است که تدابیر فوریه برای این کار اتخاذ نماید. وزارت داخله هم باز بر حسب تکلیفی که دارد رفتار خواهد کرد.

[شماره میکروفیلم ۳۹۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۵۴

وزارت داخله، دایره جنوب، نمره ۸۹۰۲-۲۸۸۷۲، مورخه ۲۰ شهر رمضان دوم میزان ۱۳۲۸

وزارت جلیله مالیه [سواد] اظهارات آقای غیاث لشکر حاکم قم را در باب مخارج مسافرت به کاشان به آن وزارت جلیله فرستاده است و جوابی که موجب اسکات او باشد، مرقوم نفرموده‌اند. اینک نیز شرحی در این باب اظهار نموده و سواد تلگرافات وزارت داخله و وزارت جنگ را فرستاده‌اند که لفاً ملاحظه خواهید فرمود، لازم است یک قرار قطعی که موجب اسکات مشارالیه باشد، بدهید و نتیجه را به وزارت داخله مرقوم دارید.

از طرف وزیر داخله حسنعلی هدایت[1] مهر وزارت داخله

[حاشیه:] به عرض برسد و [در پائین آمده است:]

رجوع به سابقه نمایند آیا صورت برآورد مخارج [را] سابقاً فرستاده‌اند یا خیر. اگر فرستاده‌اند بفرستید مسبوق باشد و اگر تاکنون نرسیده جواب بدهید صورتی نرسیده.

---

۱. حسنعلی هدایت: پسر حسین قلی خان مخبرالدوله متولد ۱۲۸۹ هق که پس از طی دوران تحصیل حقوق در فرانسه و بازگشت به ایران در وزارت خارجه به‌کار پرداخت و در مجلس اول ودوم شورای ملی به نمایندگی رسید. وی لقب نصرالملک داشت و بعدها به وزارت پست وتلگراف و عدلیه و... منصوب شد. نصرالملک به سال ۱۳۳۵ هش درگذشت.(شرح حال رجال ایران - ج ۱)

ورود به‌کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۲۶ شهر رمضان ۱۳۲۸ - نمره ۱۳۹۱۶
[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۵۵

ادارهٔ تلگرافی دولت علیه ایران ـ ازاصفهان به تهران ـ نمره ۱۷۲ ـ عدد کلمات ۱۸۰

روز ۱۴ [سنبله] مقام منیع وزارت جلیله داخله

حالت پریشانی اهالی انارک و بیابانک و نواحی از ظلم و غارت انتظام الملک[۱] عرب، نایب حسین کاشی و اراذل همراهان او به درجه اسف انگیزی که هیچ مسلمانی طاقت استماع ندارد و شکایاتی می‌رسد و مذکور است. شانزده هزارتومان نقد و شتر زیاد و اموال اهالی آنجا را غارت کرده‌اند بلکه دست بی عصمتی دراز نموده‌اند. بی‌چارگان سرگردان بیابان و بعضی تلف شده‌اند. امروز بعضی آقایان زواره واردستان آمده‌اند، معلوم می‌شود انتظام الملک و نایب حسین خیال آمدن [بزودی] به حدود آنجارا دارند به درجه[ای] اهالی زواره واردستان و نواحی متزلزل شده‌اند که مافوق ندارد. برای رفع شر این ظالمین وزارت جلیله چه اقدام فرموده‌اند؟ انجمن آه نالهٔ مظلومین و غارت مردگان آن سامان را به مقام منیع اولیای امور می‌رساند. توجه عاجل فوری در آسودگی اهالی آن حدود، خصوص سادات زواره و اهالی اطراف و دفع و رفع این اشرار و جلوگیری آنها بفرمایید و جوابی که باعث اطمینان باشد صادرکرده و عارضین را مطمئن نمایند.

نمره ۱۰۳ نایب رئیس انجمن ولایتی اصفهان [محاسب الدوله][۲] تاریخ ۱۵ شهر سنبله ایت ئیل سنه ۱۳۲۸

[شماره میکروفیلم ۳۰۷-۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. همان انتظام الملک پسر مصطفی قلی خان عرب عامری است. وی داماد نظام الملک بود.
۲. نایب رئیس انجمن ولایتی اصفهان در ۱۳۲۸ هق.

۵۶

مجلس شورای ملی - سواد عرض حال معاون التجار نراقی - اداره مرکز - نمره ۶۸-۹۴۱۹ مورخه ۳ ذی قعده ۱۳۲۸

مدت هشت ماه است مباشر بی‌پای نراق از اهالی نراق مالیات می‌گیرد وپانزده قران را یک تومان قبض به خط و مهر خودش می‌دهد، آن هم به اسم علی الحساب، هر قدر فریاد می‌کنم بدهی ماها چقدر است، یک دفعه در نراق یا تهران (تـهران) بدهیم اعتنا نمی‌کنند و چهار نایب هم از طرف حکومت محلات بـرای ایـن یک قصبه خراب معین گردیده، لابد و ناچار مکرر به مقام مـنیع وزارت مـالیه عـرض کرده‌اند و چاکر رسانیده‌ام که مالیات و توجهات[1] و عوارضات نراق چقدر است، معین فرمائید و دستخطی بدهید، تمام و کمال در تهران (تهران) یا هرکجای ایران بفرمائید، بندگی کنیم و رسید بگیریم. ابداً اعتنا و جواب نفرمودند. زیرا حکومت محلات در اداره کارکن دارد، مدتی است چون خود چاکر هم عمده مالیات بده نراقم، اهالی نراق وکیل کرده‌اند که تـعیین مـالیات آنـها را از وزارت جـلیله مـالیه بخواهم، مکرر عرض شده باز جواب مرحمت نفرمودند. به توسط وزارت جلیله داخله استدعا شد باز اعتنا نفرمودند. لهذا به آستان مبارک مجلس مـقدس تـظلم می‌نمائیم. رعیتی که بگوید تمام مالیات و عوارضات خـود را یک قـلم در تـهران (تهران) یا هرکجا بفرمایند، نقد بندگی می‌کنم، تعیین بـدهی مـا را بـفرمائید، آیـا سزاوار مرحمت و تعیین می‌شود یا مستوجب بی اعتنایی و بی جـوابی. رجـای عاجزانه از آستان مبارک مجلس مقدس داریم [که] رسماً امر و مقرر فرمائید وزارت جلیله مالیه تمام مالیات و عوارضات و بدهی قصبه نراق را معین و صورت بدهند و در هر مدت بفرمایند در خود تهران (تهران) تقدیم نموده رسید بگیریم و هر وقت هم من بعد تغییر و تبدیلی فرمودند با کمال منت اطاعت می‌نمائیم و اگر باز هم مرحمت نفرمایند، لابد و ناچار رعیت بیچاره مجبور به وسایل دیگر خواهد شد و البته مسئول نخواهد بود. خدا می‌داند اکثر انقلابات را خود دوائر دولتی اسباب

---

۱. در متن صریحاً توجهات آمده ولی به قیاس اصطلاحات مالی قدیم مال وجهات باید بیاید.

می‌شوند که هر قدر رعیت تسلیم و عجز والحاح می‌نمایند، برعکس می فرمایند که رعیت مجبور می‌گردد و از جان می‌گذرد و پناه به امثال نایب حسین کاشی و غیر و ذلک می‌برند. اگر مجلس مقدس هم فریادرسی نفرماید به‌کجا عرض حال دهیم، رجا داریم در هر صورت جواب مرحمت فرمائید یا مراد یا یأس.

مطابق اصل است - مجدالسلطان [۱] امضاء

ضبط شود. **[شماره سند ۲۴۰۰۰۷۸۷۵-۱۱۳ ز۳آ۱]**

۵۷

کابینه نیابت سلطنت عظمی ـ سواد تلگراف انجمن ولایت قم ـ مورخه ۲ عقرب ـ نمره ۱ دولتی

ساحت مجلس مقدس، مقام منیع نایب سلطنت عظمی، ریاست وزرای اعظم دامت شوکتهم

یک ماه است نایب حسین اطراف شهر و بلوکات قم را تمام کرده و آتش زده با کمال قدرت و جمعیّت و توپ حرکت می نماید. دارایی اهالی بلده و بلوک را که در دهات بوده به غارت برده، چیزی از حبوبات و غیره باقی نگذاشته، تمام زن و مرد بلوک در قم و کوهستان فراری هستند و از گرسنگی فریاد می نمایند و دیناری از مالیات وصول نخواهد شد. در این خصوص چندین تلگراف به وزارت جلیله از طرف حکومت و انجمن عرض شد، بعد از مدتی جواب رسید که ابوالقاسم خان با استعداد او را تعاقب نموده او را دستگیر خواهند نمود. این شخص ظالم یاغی قریب دوهزار نفر سواره و پیاده با استعداد و تمام مشغول گرفتن مالیات و چپاول است. ابوالقاسم خان با این استعداد قلیل چه طور از عهده برمی‌آید. اگر دولت بخواهد این شخص ظالم دستگیر شود، باید به مسامحه و بی‌اعتنایی نگذرانند. به زودی استعداد کامل جهت ابوالقاسم خان روانه می‌نمایند که مردم بیچاره از شر این ظالم آسوده شوند. اگر رفع این شخص فوری نشود عن قریب به قم خواهد آمد

---

۱. شناخته نشد ظاهراً از معاریف نراق کاشان بوده.

و قمی را تمام خواهد نمود. به خوانین خلج هم استعداد حواله نشود که بی‌فایده است از خوانین خلج به‌کلی مایوس باشید.

(انجمن ولایتی قم)

[شماره میکروفیلم ۴۲۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۵۸

وزارت داخله ـ دایره جنوب - نمره ۱۰۶۵۸-۳۶۹۷۸ خیلی فوری است - مورخه ۲۸ شهر ذی قعده ۹ قوس ۱۳۲۸

وزارت جلیله مالیه

البته آن وزارت جلیله از اهمیت امور کاشان کاملاً اطلاع دارند. خاصه در این موقع که سرداران بختیاری با سوار خودشان کلیّه از آن جا حرکت کرده‌اند و کاشان بی‌استعداد و سوار مانده است. وزارت جلیله جنگ عجالته (عجالتاً) چند نفر از سوار خلخالی جمعی اصلان الملک[1] را برای ساخلوی کاشان معین کرده است و باید معجلاً حرکت نماید. ولی معطلی آنها بواسطهٔ نرسیدن حقوق است. قدغن فرمائید عجالةً به قدر هزار الی هزار و پانصد تومان از بابت حقوق گذشته و یک دوماهه حقوق آتیه آنها (را) به فوریت به وزارت جنگ برسانند که به آنها پرداخته معجلاً به محل مأموریت روانه دارند که به واسطه عدم استعداد خلاف انتظاری ازکاشان بروز نکند. مهر وزارت داخله

حاشیه: جواب بدهید برای و جوهاتی که در هیئت وزراء قرارشد دیگر وجهی وزارت مالیه به این زودی نمی‌تواند حواله نماید.

[شماره سند ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ ف ۱ الف الف ۱]

۵۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران ـ تاریخ ۱۸ عقرب ایت ئیل ۱۳۲۸ [ق]، جواب

۱. رئیس سواران خلخالی مأمور ساخلو (پادگان) کاشان.

مقام منیع حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا

تلگراف مبارک دایر به اظهار کمال لطف و مرحمت و حاوی تعقیب نایب حسین و اشرار زیارت گردید. از مراحم حضرت اشرف تشکرات خود را تقدیم می‌داریم و امیدواریم خداوند توفیق عنایت فرماید که حتی المقدور در راه ملت جان فشانی نمائیم. در باب تعاقب نایب حسین، بندگان در ابتدا اجازه از اولیای دولت برای تعاقب اشرار استدعا نمودیم و خود را حاضر حرکت نموده، برای بصیرت در راهها ازهرکس تحقیقات نموده اظهار داشتند، از اردستان و شهراب[1] که رد شود بیابان و دشتی است بی‌آب و علف و آذوقه و بیست فرسنگ این حالت را دارد و فقط چند چاه یافت می‌شود که جز بعضی از قطاع الطریق کسی نمی‌داند که سر او را بپوشانند و [برای] حرکت به آن سمت، باید مدت حرکت وعدهٔ نفوس را معین نموده به آن اندازه آذوقه از هر چیزی بردارند. تلگرافی هم از سالار مسعود[2] و شهاب السلطنه[3] رسیده که عیناً حضور حضرت اشرف آقای سردار امجد دامت شوکته عرض شد. به این مضمون که نایب حسین از اردستان و شهراب وآبادی ها با عده قلیلی بیابانی شده و معلوم نیست از کدام طرف رفتند، در این صورت مخارج زیاد فوق‌العاده نمودن و عاقبت به جایی نرسیدن از صرفه و صلاح خارج است. وانگهی برای نایب حسین استعداد وهمراهی باقی نمانده که اشکال شود یا قوه سرکشی داشته باشد. تمام همراهان او پراکنده و به طرفی رفتند. به عقیده بندگان با این ترتیب مقتضی نیست حرکتی شود و اگر حرکت از اردستان به آن طرف ممکن بود، نور چشمان سالار مسعود و شهاب السلطنه و شجاع السلطان[4] که با سوار زیاد در اردستان

۱. از نواحی اطراف اردستان

۲. مهدی قلی خان سالار مسعود پسر سردار ظفر بختیاری بود. وی در اردستان با دیگر خوانین بختیاری در صدد مقابله با نایب حسین برآمد. (با من به سرزمین بختیاری بیائید)

۳. سلطان علی خان از اولاد حاج ایلخانی (امامقلی خان بختیاری حاج ایلخانی) بود که او نیز با دیگر خوانین بختیاری مأمور دفع نایبیان گردید. وی چندی نیز مقام ایل بیگی بختیاری داشت. (با من به سرزمین بختیاری بیائید)

۴. ممکن است در این سند منظور شهاب السلطنه باشد که پیش از این شجاع السلطان لقب داشت. (با من به سرزمین بختیاری بیائید)

هستند، رفته بودند و آخر رای اولیای دولت اقتضا نماید پنجاه نفر سوار کافی با سرکرده مجربی در اردستان بگمارند و یک صد نفر سوار و یک صد نفر سرباز که مکرر به وزارت جلیله داخله عرض شده درکاشان مأمور فرمایند، تصویب فرموده حقوق آنها را تعیین حواله فرمایند که در هر ماه نقداً به آنها عاید شود، مشغول تنظیمات کاشان باشند.هیچ وقت اشرار خیال این صفحات را نمی‌کنند و همه وقت منظم است. طوری که هم اولیای امور صلاح می‌دانند و مقرر فرمایند اطاعت خواهد شد. در باب حکومت کاشان که به آقای امیر معزز مرحمت گردید حقوق حکومتی برای ایشان معین نکرده‌اند مکرر هم به وزارت جلیله داخله عرض و استدعا شده جواب مساعدی مرحمت نشده، استدعا مینماید در این باب بذل توجهی فرمایند که آسوده مشغول خدمتگذاری باشند.

لطفعلی[۱] - خسرو[۲]

مهر و امضای تلگرافخانه مبارکه

[شماره میکروفیلم ۳۹۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۶۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ از اصفهان به تهران - نمره ۷۱ - عدد کلمات ۳۰۶ - روز ۲۰

مقام وزارت جلیله داخله

متجاوز از یک سال است، دو سه نفر شریر مفسد نایب حسین و پسرهایش تمرد به دولت نموده، اولیای امور به واسطه عدم اهمیت آنها مساهله فرمودند و دفع آنها

---

۱. لطفعلی خان: همان امیر مفخم بختیاری فرزند امامقلی خان ایل بیگی که قبلاً از سران استبداد بود.

۲. خسرو: خسروخان سردار ظفر بختیاری بهاءالدوله، سردار ارفع پسر حسینقلی خان ایلخانی از خوانین بختیاری بود. وی ابتدا در صف مخالفان مشروطه بود اما بعدها به توصیه برادر تنی خود علی قلی خان سردار اسعد که بدو علاقه بسیار داشت به آزادی خواهان ملحق شد. خسروخان سردار ظفر مدت ها ایلخانی و ایل بیگی بختیاری بود. از القابش بهاء الدوله، سردار ارفع را می‌توان نام برد. (گارثویت، جان.راف -تاریخ سیاسی، اجتماعی بختیاری - مهراب امیری- انتشارات آنزان -چ ۱ - ۱۳۷۰)

را به عهدهٔ اشخاص نالایق گذارده‌اند [که] پول دولت را گرفته و اقدام بـه دفـع او نکرده‌اند. کم کم باعث تجری مفسدین گردید. به‌کرات هجوم به‌کاشان و اردستان وزواره نموده متعرض اموال و اعراض مسلمانان شدند و مأمورین دولت فقط او را کوچانیده به سمت انارک و غیره رفت واموال و اعراض مسلمانان آنجا را دستخوش اغراض وحشیانه خود نمودند، تا این که تمام قوای بختیاری در اطراف کاشان جمع شدند. از آنجا فرارکرده در شهراب محاصره سرباز، فـرار کـرده و بـعد از ایـن کـه خسارات جانی ومالی و فدا شدن جوانان رشید بختیاری نتیجه حاصل نشده است، اهالی آن حدود که کمال وحشت و اضطراب هم از توقف سوار بختیاری شکایت دارند و هم از مراجعت نایب حسین وانتظام الملک متوحش هستند. یا این که حکم فرمائید اردوی بختیاری تعاقب نموده تا به قلع او موفق شوند، یا این که استعدادی در حدود اردستان به ترتیب صحیح مقرر فرمایند که ضمانت تمام اشرار را بکنید. جواب فوری مترصدیم نمره ۱۳۶۴.

نایب رئیس انجمن ولایتی اصفهان محاسب الدوله

به تاریخ شب ۲۱ عقرب ایت ئیل سنه ۱۳۲۸

مهر تلگرافخانه مبارکه دولتی

[شماره میکروفیلم ۴۰۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۶۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران،اخبار داخله، از اردستان - ۲ جدی ـ تاریخ ۲۱ ذی حجه ۱۳۲۸

بهادر السلطنه[۱] به واسطه فوت محمد علی خان برادرش با اجازه تهران و خوانین روز نوزدهم ذی حجه به سمت چهار محال حرکت نمود. میرزا جعفر قلی خـان[۲] گماشته سردار ظفر با عده سوارها فعلاً هستند و بر حسب احضاری که سردار ظفر

۱. برادر محمد علی خان بختیاری مأمور در اردستان بود.

۲. گماشته سردار ظفر در اردستان جهت مراقبت اوضاع منطقه

[را] در تهران نموده‌اند او هم این دو روزه عازم تهران است. آقایان وسادات واهالی اردستان هم بی‌اندازه متوحش، یقین دارند که نایب حسین و اشـرار بـه اردسـتان مراجعت خواهند کرد و درصدد هستند که جعفر قلی خان را با عده سـواری کـه هستند نگذارند حرکت نمایند. افواهاً هم امروز خبر رسیده که نایب حسین و اشرار به انارک آمده‌اند و مذکور است که چـند روز قـبل هـم گـوسفند زیـادی از اهـالی اردستان و غیرها نایب حسین در بیابانک به غارت برده است. صدق و کذب معلوم نیست.

[در پایین سند آمده است:]

به سردار ظفر نوشته شود، میرزا جعفر قلی خان را قدغن نـمایند در آن مـحل باشد تا دستورالعمل داده شود.

[شماره میکروفیلم ۳۳۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۶۲

وزارت جنگ، تاریخ ۲۹ ذی الحجه ۱۳۲۸، اداره سواره نظام، شعبه اول، نمره ۱۰۳۶۱-۲۱۱۴

وزارت جلیله داخله

مرقومه مجدد نمره ۱۱۵۳۴ در خصوص استعداد برای تعقیب و جلوگیری نایب حسین زیب وصول داده، مجدداً زحمت افزا می‌شود، وزارت جنگ حتی المقدور در تدارک استعداد کوتاهی و قصور نداشته و ندارد و همین که از وزارت مالیه وجه برسد، اقدام لازم را عاجلاً به عمل خواهد آورد و مساعدت هیئت وزراء عظام با هم برای انجام این گونه مطالب خیلی لازم است که زودتر موفقیت حاصل شود. در اظهار سابق مقصود جلب مساعدت آن وزارت جلیله بود نه وصول پول از وزارت مالیه، وزارت جنگ تا اندازه[ای] که لازم بوده است از بابت وجه به وزارت مالیه اظهار و ابرام کرده است و بازهم می‌کند و اهمیت موقع را پیشنهاد آن وزارت خانه خواهد کرد و چنانچه وجهی برسانند، بدون هیچ تعطیل و تأخیر سوار روانه خواهد

شد. علت غائی عدم ایصال وجه است که باید وزارت مالیه برساند.

از طرف وزیر جنگ

مهر وزارت جنگ

[شماره میکروفیلم ۱۰۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۶۳

۱۳۲۸ ق

به شرف عرض حضور عالی می‌رساند

البته وجود مسعود مبارک مستطاب اشرف امجد عالی مقرون به صحت و عافیت و شوکت است. در باب اغتشاش و تعدیات نایب حسین در بلده طبس در شماره هشتادو چهار روزنامه مجلس محترم دارالشورای ملی متعرض شده و شرح اجحافات آن را تظلم شده بود. الحمدلله، از توجهات مبذوله وجود مبارک، حکومت آنجا معین ولی این اهل طبس به واسطه تعدیات اطراف و اکناف ایران دیگر از دست رفته و تمام فقیر و بی بضاعت شده‌اند. مدتی اسیر ظلم سارقین فارس، چندی گرفتار بی ناموسی و هتک عرض و نهب اموال و قتل نفوس از طرف نایب حسین، باری اهل آن ولایت از کثرت مکتوبات متظلمانه حیرت انگیز، این اقل خدام شریعت مطهره را عاجز نموده‌اند. استدعایی که از طرف قرین الشرف وجود مبارک دارد، این است که مقرر فرمایند وزارت جلیله جنگ حکم صریح صحیحی به رئیس قشون خراسان مرقوم فرمایند که صد نفر سوار و دو عراده توپ به طبس بفرستند. شاید از مراحم وجود مبارک مدتی به رفاهیت و آسایش مشغول زراعت و امورات خودشان بوده باشد والاغیر این باشد، باز فردا دچار یک شخص ظالم خدانشناس دیگری خواهند شد. در هر صورت استدعایی که دارد این است که جواب صحیح مرحمت فرمایند تا فردا که موقع حرکت پست است برای آنها فرستاده اسباب آسایش آنها فراهم شود. زیاده عرض ندارد. ایام شوکت برقرار باد.

[شماره میکروفیلم ۳۴۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۶۴

صورت املاک ماشاءالله خان پسر نایب حسین که قبالجات آن در محاسبات بیوتات سلطنتی و سواد آنها در آرشیو کل وزارت جلیله مالیه ضبط است.

۱- تاریخ قباله: ۱۳۲۷ - ۲۰ شهر شعبان - فروشنده معین الممالک ولد میرزا نصرالله نطنزی یک دانگ از مزرعه فیروز آباد من مزارع گذر طسوج کاشان - قیمت ۱۲۵۰ تومان

۲ - تاریخ قباله: ۱۳۳۱ - ۲۱ ربیع الثانی / فروشنده خانم سلطان و خاور سلطان صبایای میرعبد الباقی منزوی - مجاری المیاه ۲۵ سرجه از جمله یک طاق از ۲ طاق آب قنات مزرعه فتح آباد جوشقان استرک شهر، در مدار شش شبانه روز مع کافه متعلقات مشروحه در قباله / به قیمت ۵۰۰ تومان

۳ - تاریخ قباله: ۱۳۳۲ - ۲۳ ربیع الثانی / فروشنده عیال سید محمد صبیه حاج میرعبدالوهاب - دو جریب زمین به علاوه یکصد ذرع شاه از قلعه پنج جریبی واقعه در دشت افروز صفی آباد / به قیمت ۳۰ تومان

۴- تاریخ قباله: ۱۳۳۰ شهر رمضان / فروشنده رحمت الله خان غیاث الدوله / یک صد و نود و دو سرجه و نیم آب قنات مزرعه برز آباد از توابع کاشان ۲۰۰۰ تومان.

۵ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - ۱۹ ذی حجه / فروشنده محمد حسن خان آجودان مخصوص ولد مهدی خان قائم مقام: شش دانگ فرح آباد کاشان / قیمت ۷۳۰۰ تومان.

۶ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - ۱۰ ربیع الثانی / فروشنده ستاره خانم بنت حاجی لطفعلی جوشقانی: چهار سرجه و پنج دانگ از یک سرجه آب قنات فتح آباد از مزارع جوشقان از مدار شش شبانه روز - ۹۷ تومان.

۷ - تاریخ قباله: ۱۳۳۲ - ۲۰ شوال / فروشنده آقا سید محمود ولد سید محمد رضی - ۲۸ سرجه[1] از یک طاق[2] از دو طاق رشته قنات مزرعه فتح آباد جوشقان /

۱. اصطلاحی محلی است. هر ۱۲ ساعت آب ۷۲ سرجه است که هر سرجه معادل ۱۰ دقیقه زمان برداشت

قیمت ۸۴۰ تومان.

۸ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - ۲۸ ذی حجه / فروشنده اردشیر ولد بهمن فارسی: شش دانگ یک درب مزرعه فیروز آباد طسوج - قیمت ۶ تومان.

۹ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - ۱۱ شهر رجب / فروشنده بیگم ناز بنت سید آقای طاهر آبادی: نصف از شش دانگ یک باب طاحونه واقعه در طاهر آباد کاشان به قیمت ۳۰ تومان.

۱۰ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ دویم (دوم) ربیع الثانی فروشنده حاجی آقا آخوند ولد آخوند ملاعلی کولجاری: ۱۸ سرجه و پنج دانگ از یک سرجه از مجاری قنات مزرعه فتح آباد جوشقان به قیمت ۳۵۰ تومان.

۱۱- تاریخ قباله: ۱۳۲۲ - ۲۶ محرم / فروشنده ربابه خانم بنت ابراهیم نطنزی: یک دانگ خانه واقعه در حسینیه درب زیارت امام زاده حبیب بن موسی به قیمت ۳۰۰ تومان.

۱۲ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - سلخ ربیع الثانی / فروشنده آقاسید جلال خلف مرحوم آقا سید حسین: نوزده سرجه و یک دانگ از سرجه آب قنات مزرعه فتح آباد به قیمت ۳۸۱۰ تومان و سه قران.

۱۳ - تاریخ قباله: ۱۳۳۱ - ۱۹ ذی قعده / فروشنده آقا محمد ولد مرحوم آقا محمد حسین: سه دانگ قنات واقعه درکشه از توابع نطنز به قیمت یکصددرم نمک.

۱۴ - تاریخ قباله: ۱۳۳۱ - ۲۸ شوال / فروشنده ورثه آقا سیدرضا کاشانی: همگی چند حلقه چاه واقعه در ذیل مزرعه راه نو و شهریاری از مزارع قریه ابوزیدآباد به قیمت یک من تبریز نمک و یک سیر نبات.

۱۵ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - ۸ رمضان / فروشنده عباسعلی ابوزید آبادی ولد آقا میرزای عبدل: سه دانگ از شش دانگ مزرعه کز و شهره از مزارع قریه ابوزید آباد

← آب در یک طاق است.

۲. هر طاق معادل نیم شبانه روز یا ۱۲ ساعت است.

به قیمت ۳۰۰ [تومان].

۱۶ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - ۲۲ شعبان / فروشنده بیگم خانم صبیه آقامیرزا عباسقلی خان غفاری: شانزده سرجه از ۷۵ سرجه یک طاق از چهارده طاق مدار قنات مزرعه برزآباد از مزارع قریه کله کاشان به انضمام دو قطعه زمین واقعه در مزرعه مزبور به قیمت ۱۳۴۰ تومان.

۱۷ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - ۱۰ ربیع الثانی / فروشنده حاجی میرزا احمد جوشقانی خلف مرحوم حاجی لطفعلی: نه سرجه و چهار دانگ از یک سرجه آب از قنات مزرعه فتح آباد از مزارع جوشقان به قیمت ۹۴ تومان.

۱۸ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ سیم رمضان، فروشنده آقا محمود خلف آقا محمد ارباب: بیست سرجه آب قنات مزرعه فتح آباد به انضمام سیزده قفیز[1] زمین واقعه در مزرعه برز آباد به قیمت ۱۵۸ تومان.

۱۹- تاریخ قباله: ۱۳۳۱-۱۳ ربیع الثانی / فروشنده حاجی میرزا جعفر اشرف السادات مشهدی: دو جریب شاه زمین،باغ میر جلیل واقعه در دشت جوشقان که بیست من شاه بذر افشان است به قیمت ۴۰۰ تومان.

۲۰ - تاریخ قباله: ۱۳۳۰ - ۱۰ ربیع الثانی / فروشنده فاطمه خاتون بنت حاجی لطفعلی جوشقانی: چهار سرجه و پنج دانگ از یک سرجه آب قنات مزرعه فتح آباد به قیمت ۹۷ تومان.

۲۱ - تاریخ قباله: ۱۳۳۱ - ۱۵ شوال / پانزده نفر اشخاص مفصله در قباله: کل شش دانگ یک رشته قنات جدیدالاحداث واقعه در اراضی شمس‌آباد به قیمت یک صد دینار پول نیکل و یک سیر نبات زرد.

ملاحظات: انتخاب السلطنه - میرزاحسن خان - میرزا مهدی خان - حاجی میرزا محمد ـ حاجی میرزا محمد علی ـ میرزا آقا- میرزا علی اکبر - میرزا حسن ولدان سیدعلی

۲۲ - تاریخ قباله: چهاردهم شوال ۱۳۳۱ / فروشنده حاجی سید محمد حسن

۱. قفیز در کاشان برابر است با ۲۵۶ متر مربع

آقا تاجر کاشانی: کلیه حقوق او در حلقه های چاه های موسوم به قنات ابراهیم آباد واقعه در تحت جبل مشهور به دم زرد به قیمت یک صد دینار فلوس و یک صد درم نمک از ورثه حاجی سید علی ساکن ابیازن: میرزا فرج‌الله ولد آقا سیدهاشم، میرزا حسن ولد آقا سید هاشم، میرزا علی اکبر ولد آقا سید هاشم، آقا سید کاظم، حاجی سیدعبدالرحیم سایر ریش سفیدان قریه ابیازن.

۲۳ - تاریخ قباله: ربیع الثانی ۱۳۳۰ / فروشنده آقا محمد علی خلف مرحوم آقا اسدالله و استاد ابوالقاسم خلف آقا محمد باقر: یک قطعه زمین هفت قفیز واقعه درب دروازه شهر، به قیمت یکصدو ده تومان.

۲۴ - تاریخ قباله: ۱۱ رجب ۱۳۳۰ / فروشنده آقا سید مصطفی خلف مرحوم سید محمد هاشم طاهر آبادی: نصف شش دانگ یک باب طاحونه بایره خواجه ملکی شهره به قیمت یک من شاه نمک سفید.

۲۵ - تاریخ قباله: ۲۳ شعبان ۱۳۳۰ / فروشنده آقا سید محمد خلف مرحوم سید مؤمن: پنجاه و پنج سرجه از یک طاق از جمله چهار طاق قنات مزرعه برزآباد با جمیع توابع و لواحق به انضمام چند قطعه زمین به قیمت ۷۱۸ تومان و پنج قران.

۲۶ - تاریخ قباله: دهم ذی قعده ۱۳۲۹ / فروشنده ملا علی محمد ولد ملا عبدالحی (عبدالحسین): دو دانگ از شش دانگ مزرعه پریان به قیمت یک هزار تومان.

۲۷ - تاریخ قباله: ۸ رجب ۱۳۳۰ / فروشنده آقا حسین خلف مرحوم حاجی آقا رضا: دو سهم از جمله سیزده سهم یک باب طاحونه دو سنگی شهره در سر نهر قریه راوند کاشان به قیمت دویست تومان.

۲۸ - تاریخ قباله: دهم ذیقعده ۱۳۲۹ / فروشنده آقا محمد حسین ولد ملاّعبدالله، دو دانگ از شش دانگ مزرعه پریان شهره به قیمت ۸۵۰ تومان.

۲۹ - تاریخ قباله: ۲۹ رجب ۱۳۳۰ / فروشنده میرسید حسین ولد آقا محمد باقر کاشانی، بیست و سه سرجه از هفتادو پنج سرجه یک طاق از جمله چهارده طاق قنات مزرعه برزآباد و چند قطعه زمین به قیمت ۲۰۰ تومان.

۳۰ - تاریخ قباله: ۱۲ صفر المظفر ۱۳۳۰ / فروشنده ورثه حاجی آقاجان معمار کاشی حسینقلی و آقا حسین: طاحونه مرجان واقعه در سراب فین (بایره طاحونه مرجان شهره را فروخته) به قیمت یک من به وزن شاه نمک.

۳۱ - تاریخ قباله: دهم ذی قعده ۱۳۲۹ / فروشنده علی اکبر ولد محمد باقر، یک قطعه زمین به مساحت دو جریب واقعه در دشت علیای قرینه بزرگ به قیمت ۱۱۳ تومان.

۳۲ - تاریخ قباله: یازدهم صفر ۱۳۲۴ / فروشنده زهرا خانم بنت مشهدی امیر عبدالوهاب: یک جریب زمین واقعه در دشت افروز صفی آباد به قیمت ۱۴ تومان.

۳۳ - تاریخ قباله: دهم صفر ۱۳۲۴ / فروشنده حاجی محمدعلی عطار خلف مرحوم آقا ملا علی اکبر عطار: نصف یک باب دکان سنگک پزی واقعه در چهارسو، نزدیک درب دولت کاشان به قیمت ۲۵ تومان.

۳۴ - تاریخ قباله: دهم ذی قعده ۱۳۲۹ / فروشنده ساره خاتون بنت مشهدی محمد علی: نیم دانگ از دو دانگ دشت بالای مزرعه پریان شهره - به قیمت ۲۰۰ تومان.

۳۵ - تاریخ قباله: پنجم صفر المظفر ۱۳۳۰ / فروشنده آقا محمد رضا و آقا مهدی و آقا حسین اولاد مرحوم مشهدی رمضان نیاسری: دوازده طاق از بیست طاق میاه قنات محله نوشهر واقعه در نیاسر به قیمت ۳۰ تومان.

۳۶ - تاریخ قباله: ۱۱ ذی قعده ۱۳۲۹ / فروشنده آقا سید محمد حسن ولد آقا سید محمد علی:نیم دانگ از دو دانگ دشت بالای مزرعه پریان شهره از توابع قریه بزرگ به قیمت دویست تومان.

۳۷ - تاریخ قباله: پنج صفر المظفر ۱۳۳۰ / فروشنده حاجی محمدرضا ولد حاجی طاهر جوشقانی: مجاری المیاه چهل وهشت سرجه و سه ربع از یک سرجه آب قنات مزرعه فتح آباد به قیمت ۱۴۷۰ تومان.

۳۸ - تاریخ قباله: ۲۲ رجب ۱۳۳۰ / فروشنده کوکب خانم بنت مرحوم میرزا محمد حسین خان غفاری متعلقه حسینقلی خان غفاری: مجاری المیاه یک طاق

آب از چهارده طاق مدار قنات مزرعه برزآباد به انضمام مجاری المیاه شش سرجه آب که یک طاق از قنات مذکوره است به قیمت ۷۳۰ تومان.

۳۹ - تاریخ قباله: ۱۳ ذی قعده ۱۳۲۵ / فروشنده آقا ابوالقاسم خلف مرحوم حاجی محمد حسین علی اصغر: دوازده سرجه و نیم ازقنات مزرعه خرم دشت به قیمت ۳۰۰ تومان.

۴۰ - تاریخ قباله: دهم ذی قعده ۱۳۲۹ / فروشنده آقا محمد مهدی ولد مرحوم حاجی محمد علی برزگی: نیم دانگ از دو دانگ دست بالای مزرعه پریان باتمام متعلقات آن به قیمت ۲۰۰ تومان.

۴۱ - تاریخ قباله: دهم ذی قعده ۱۳۲۹ / فروشنده نازنین بیگم بنت مرحوم علی اکبر دره‌ای؛ نیم دانگ از دو دانگ دشت بالای مزرعه پریان متعلقات بیان، به قیمت ۲۰۰ تومان.

۴۲ - تاریخ قباله: دهم صفر ۱۳۳۰ / فروشنده حاجی محمد خلف مرحوم حاجی محمد حسن مراغه‌ای، پنجاه وپنج سرجه آب قنات مزرعه فتح آباد به قیمت هزاروهفتصد و پنجاه تومان

۴۳ - تاریخ قباله: ۲۸ محرم ۱۳۲۰ / فروشنده اسدالله: یک باب دکان واقعه در موضع سبزه میدان سنگ به قیمت ۵ تومان، مجهول الملک بوده و حاکم شرع به اسدالله نام انتقال داده واو به ماشاءالله خان فروخته.

۴۴ - تاریخ قباله: ۱۸ محرم ۱۳۱۸ / فروشنده آقا عباس خلف مرحوم آقا شعبان ، یک جریب و نیم زمین واقعه در دشت افروز صفی آباد به قیمت ۱۲ تومان.

۴۵ - تاریخ قباله: ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۱۹ / فروشنده آقا سید فضل الله اصالةً و وکالةً از جانب سایر ورثه و قیمومت صغیره خواهرش: یک قطعه زمین واقعه در دشت افروزصفی آباد به قیمت ۷۰ تومان.

۴۶ - تاریخ قباله: پنجم صفر ۱۳۳۰ / فروشنده حاجی محمد طاهر خلف مرحوم لطفعلی جوشقانی؛ مجاری المیاه چهل وپنج سرجه و ربع سرجه آب قنات مزرعه فتح آباد به قیمت ۱۳۵۷ تومان و پنج قران.

۴۷ - تاریخ قباله: ۱۴ صفر ۱۳۳۰ / فروشنده حاجی سید مهدی خلف مرحوم حاجی سید آقا تاجر: پانزده سرجه نیم از مدار قنات مزرعه فتح آباد به قیمت ۴۶۵ تومان.

۴۸ - تاریخ قباله: پنجم شهر صفر ۱۳۳۰ / فروشنده آقا میرزا فضل الله خلف مرحوم حاجی محمد حسن ؛ نودوهفت سرجه ونیم از قنات مزرعه فتح آباد من مزارع قریه جوشقان به قیمت ۲۹۲۵ تومان.

۴۹ - تاریخ قباله: ۶ صفر ۱۳۳۰ / فروشنده آقا میرزا علی اکبر خلف مرحوم حاجی عبدالغفار ابوزید آبادی و آقا نور محمد آقا نوروز؛ کل شش دانگ مزرعه موسومه به‌کوه شاهی شهره از مزارع قریه ابوزید [آباد] به قیمت ۶۰۰ تومان.

۵۰ - تاریخ قباله: ۷ شهر صفر ۱۳۳۰ / فروشنده حاجی محمد مهدی خلف مرحوم حاجی محمد باقر راوندی: کل شش دانگ طاحونه دو سنگی سوک چم به انضمام کلیه آلات مجریه حدیدیه وغیره به قیمت یک صد درم نمک و یک صد دینار نیکل.

۵۱ - تاریخ قباله: ۱۲ صفر ۱۳۳۰ / فروشنده پهلوان مهدی خلف مرحوم استاد علی ابریشم کار وکالة از جانب صبیه خود و نوادگانش، صغار: آقا فرج الله، فین کوچکی: مجاری المیاه چهل وهفت سرجه و یک ثمن از یک سرجه آب مزرعه فتح آباد به قیمت ۱۶۴۹ تومان.

۵۲ - تاریخ قباله: صفر ۱۳۳۰ / فروشنده میرزا اسدالله خلف مرحوم آقا محمد هاشم، مجاری المیاه چهل وهفت سرجه و یک ثمن از یک سرجه آب قنات مزرعه فتح آباد به قیمت ۱۴۱۴ تومان.

۵۳ - تاریخ قباله: ۳ صفر ۱۳۳۰ / فروشنده پهلوان مهدی خلف مرحوم استاد علی ابریشم کار قیمومةً و وکالةً ازطرف ورثه میرزا فرج الله تاجر، مجاری المیاه چهل وهفت سرجه و ثُمن[1] از یک سرجه آب قنات مزرعه فتح آباد ازمزارع جوشقان به قیمت ۴۴۰ تومان.

---

۱. یک هشتم

۵۴ - تاریخ قباله: ۲ جمادی الثانی ۱۳۱۹ / فروشنده آقا اسماعیل خلف مرحوم آقا محمدعلی، یک قطعه زمین سه جریبی واقعه در دشت افروز صفی آباد به قیمت ۱۸ تومان.

۵۵ - تاریخ قباله:غرهٔ جمادی الاولی ۱۳۱۸ / فروشنده استاد ابوالقاسم خلف مرحوم آقا پهلوان قصاب: یک باب دکان قصابی واقعه در گذر دروازه اصفهان از محلات کاشان ۷ تومان.

۵۶ - تاریخ قباله: ۶ صفر ۱۳۳۰ / فروشنده خانم جان بنت آقا محمد هاشم جوشقانی، یک قطعه زمین هشت قفیزی بارکمینه شهره در جوشقان ۸۰ تومان.

۵۷ - تاریخ قباله: غرهٔ رجب ۱۳۳۰ / فروشنده آقا محمد حسین خلف مرحوم آقا عبدالکریم نیاسری، سه طاق از ۲۴ طاق مدار قنات مزرعه محله نو قریه نیاسر به قیمت یک من شاه نمک.

۵۸ - تاریخ قباله: ۴ ربیع الثانی ۱۳۱۸ / فروشنده آقا محمد حسین خلف مرحوم صادق، شش دانگ یک باب کاروانسرای واقعه درب محله یلان به قیمت ۱۵۰ تومان.

۵۹ - تاریخ قباله: ۲۳ صفر ۱۳۳۰ / فروشنده آقا سید احمد خلف مرحوم آقا سیدعبدالله، شصت و پنج سرجه از قنات مزرعه فتح‌آباد از مزارع جوشقان به قیمت ۱۹۵۰ تومان.

۶۰ - تاریخ قباله: ۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۸ / فروشنده بابا حسن خلف مرحوم آقا تقی بابا عظیم،یک باب دکان عطاری واقعه درب دروازه حمام یک شنبه به قیمت ۱۸ تومان.

۶۱ تاریخ قباله: ۹ صفر ۱۳۲۰ / فروشنده امام جمعه، یک باب دکان واقعه دربازار نحاسان.

۶۲ - تاریخ قباله: شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸ / فروشنده آقا شیخ محمد علی خلف مرحوم حاجی محمد حسین، سی و دو سرجه و نیم از قنات حسین آباد جوشقان به قیمت ۳۰۳ تومان.

۶۳ - تاریخ قباله: شهر رمضان ۱۳۲۶ / فروشنده آقا علی اکبرولد مرحوم میرزا آقاکوچک، یک دانگ و نیم از خانه مرحوم حاجی مسیح شهره واقعه در قریه باری کرسف[1] به قیمت ۱۰ تومان.

۶۴ - تاریخ قباله نهم رمضان ۱۳۳۰ / فروشنده میرزاتقی خان خلف مرحوم عباسقلی خان غفاری وکالةً از طرف والده و همشیره‌اش، چهل سرجه از قنات مزرعه برزآباد به انضمام چند فقره زمین و باغ به قیمت ۲۸۰ تومان.

۶۵ - تاریخ قباله: ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۲۲ / فروشنده صاحب جان بنت مرحوم حاجی قاسم، سه باب اطاق متصل به یکدیگر به انضمام یک باب پس اطاق واقعه در خانه آقا حسین در محله درب زیارت به قیمت ۳۵ تومان.

۶۶ - تاریخ قباله: سیم ربیع المولود ۱۳۲۹ / فروشنده آقا محمد جعفر خلف مرحوم آقا حسن فین کوچکی،نصف از شش دانگ یک باب خانه واقعه در فین کوچک به قیمت ۸۰ تومان.

۶۷ - تاریخ قباله: ۲۴ ذی حجه ۱۳۱۰ / فروشنده آقا سید احمد خلف مرحوم حاجی میر عبدالوهاب: هشتاد و سه سرجه و نیم از قنات مزرعه فتح آباد از مزارع جوشقان به قیمت ۶۷۰ تومان.

۶۸ - تاریخ قباله: ۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۳ / فروشنده آقا سید حسین خلف مرحوم آقا میرزا علی اکبر: یک باب باغ محاط علیه مشجر در قریه مشهد باری کرسف به انضمام نیم طاق از قنات مزرعه غیاث آباد مشهد مرقوم به قیمت ۳۰۰ تومان.

۶۹ - تاریخ قباله: سلخ ربیع المولود ۱۳۳۳ / فروشنده آقا سید حسین و آقا سید حسن خلفان مرحوم آقا سید جعفر، بیست سرجه از قنات مزرعه فتح آباد به قیمت ۶۰۰ تومان.

۷۰ - تاریخ قباله: پنجم ربیع‌المولود ۱۳۱۹ / فروشنده آقا علی اکبر نحاس خلف مرحوم محمد حسن روضه خوان و هاجر خاتون زوجه ملا محمد حسن، یک باب خانه واقعه در محله درب زیارت به قیمت ۱۵۴ تومان.

---

۱. یعنی همان مشهد اردهال

۷۱ - تاریخ قباله: ۴ جمادی الاولی ۱۳۳۳ / فروشنده صبیه میرزا اسداله خان عیال محتشم السلطان: یک دانگ و نیم ازکل شش دانگ قنات بائره دولت آباد مرحوم حاجی محمد حسین بن حاجی علی اکبر از توابع قریه ابوزید آباد به قیمت ۲۵۰ تومان.

۷۲ - تاریخ قباله: ۲۳ شوال ۱۳۳۱ / فروشنده حاجی سید محمد کاشانی و سید حسین و عیال میرزا علی اکبر،سهمی خودشان را ازقنات رضا آباد طباطبائی احداثی حاجی سید محمد جعفر - به قیمت یک صد درم نمک.

۷۳ - تاریخ قباله: ۲۶ ذی حجه ۱۳۳۲ / فروشنده سیدحسین ملقب به آقا سید ماشاءالله خلف مرحوم سید حسن، ده سرجه ازیک طاق از دوازده طاق از قنات مزرعه فتح آباد جوشقان به قیمت ۳۰۰ تومان.

۷۴ - تاریخ قباله: پنجم ربیع الثانی ۱۳۳۳ / فروشنده آقا سید محمود آقا میر ابوالقاسم جوشقانی اولاد حاجی میر عبدالوهاب: بیست سرجه از قنات مزرعه فتح آباد جوشقان به قیمت ۶۰۰ تومان.

۷۵ - تاریخ قباله: ۱۸ شوال ۱۳۳۲ / فروشنده آقا علی فرزند میرزا محمود خان امین الرعایا، سرجه و نیم از قنات مزرعه فتح آباد قریه جوشقان به قیمت ۳۸۵ تومان.

۷۶ - تاریخ قباله: پنجم شعبان ۱۳۳۰ / فروشنده حیدرقلی خان غفاری خلف مرحوم حاجی میرزا علی اکبر خان به وکالت از طرف مرتضی قلی خان و شایسته خانم، نوش آفرین خانم اولاد میرزافضل اله خان غفاری، نیم طاق از یک طاق از قنات مزرعه برزآباد مع جمیع توابع و لواحق آن از قبیل زمین و اشجار و غیره به قیمت ۵۰۰ تومان.

۷۷ - تاریخ قباله: ۲۲ شعبان ۱۳۳۰ / فروشنده رضا قلی خان غفاری خلف مرحوم فضل الله خان وکالةً از طرف چهار نفراولاد حسینقلی خان،یک باب هشت قفیزی ازمزرعه نورآباد (باغ ابوالقاسم شهره) به قیمت ۱۲۰ تومان.

۷۸ - تاریخ قباله: ۱۴ صفر ۱۳۲۹ / فروشنده حاجی محمد اسماعیل تاجر

خلف مرحوم محمد حسین عطار: حقوقی که در یک باب دکان محقر واقعه در جنب حصار واقعه در میدان سنگ کاشان داشت به قیمت یک صد درم نمک به وزن شاه.

۷۹ - تاریخ قباله: ۷ شعبان ۱۳۳۳ / فروشنده میرزا یحیی خان خلف مرحوم میرزا عباسقلی خان کاشی: یک دانگ و نیم از شش دانگ مزرعه برزآباد کاشان به قیمت ۶۰ تومان.

۸۰ - تاریخ قباله: ۲۱ ذی قعده ۱۳۲۳ / فروشنده حاجی محمد ابراهیم خلف مرحوم آقا مهدی، سه قفیز از زمین معروف به باغ نو کاشان به قیمت ۲۰ تومان.

ملاحظات: آقا فتح الله خلف آقا محمد خلیل نزد حاجی محمد ابراهیم بیع گذارده حاجی محمدابراهیم فروخته

۸۱ - تاریخ قباله: ۷ ذی قعده ۱۳۲۸ / فروشنده امیر محمد حسن خان انتظام الملک، سه دانگ ازمزرعه موسوم به آب گرم به قیمت یک من تبریز قندو پنج هزار وجه نقد.

۸۲ - تاریخ قباله: ۸ ذی قعده ۱۳۲۸ / فروشنده نصرالله خلف مرحوم حاجی سید میرزا، سه دانگ از مزرعه موسوم به آب گرم،به قیمت ۱۰۰۰ تومان.

۸۳ - تاریخ قباله: ۲۶ ربیع المولود ۱۳۲۹ / فروشنده میرزا اسماعیل خلف مرحوم میرزا مهدی شش دانگ از مجری المیاه مزرعه حسین آباد به قیمت یک من شاه نمک.

۸۴ - تاریخ قباله: شهر شوال ۱۳۲۹ / فروشنده حاجی محمد باقر خلف مرحوم آقا یوسف: یک قطعه بیست وهفت قفیز واقعه در دشت محمد آباد به قیمت ۱۲۰ تومان.

۸۵ - تاریخ قباله: ۲۰ محرم ۱۳۱۸ / فروشنده آقا صفر علی خلف مرحوم آقا شعبان، نصف از یک دانگ از یک قطعه زمین واقعه در قرب حوض خانه از مزرعه صفی آباد که تخمیناً سه جریب می‌باشد به قیمت ۱۲۰ تومان.

۸۶ - تاریخ قباله: شهر شوال ۱۳۲۹ / فروشنده میرزا شهاب الدّین خلف مرحوم

میرزا نصرالله: یک قطعه دوازده قفیری زمین باغ سید شهره محدود به حدود اربعه واقعه در درب دروازه سرکمر.

۸۷ - تاریخ قباله: ۲۹ رمضان ۱۳۲۶ / فروشنده آقا محمد ابراهیم خلف مرحوم آقا جعفر جوشقی، سه دانگ از مزرعه موسوم به لافراخ شهره از مزارع قریه مشهد (اردهال) ۲۰۰ تومان.

۸۸ - تاریخ قباله: ۲۵ رمضان ۱۳۲۴ / فروشنده محمد اسماعیل خلف مرحوم حاجی محمد علی، چهار قفیز زمین باغ کمالاتی به قیمت ۲۰ تومان. نساخانم صبیه آقامهدی به محمداسماعیل فروخته و مشارالیه به ماشاءالله‌خان.

۸۹ - تاریخ قباله: ۲۹ شعبان ۱۳۳۰ / فروشنده استاد علی مقنی خلف مرحوم شاطر باقر،یک رشته قنات موسوم به حسن آباد به قیمت یک من نمک و یک صد دینار فلوس.

۹۰ - تاریخ قباله: ۲ شعبان ۱۳۲۸ / فروشنده اسماعیل کلماسی، سه دانگ از مزرعه لاخراب به قیمت ۱۲۰ تومان.

۹۱ - تاریخ قباله: ۲۵ ربیع المولود ۱۳۳۱ / فروشنده حبیب الله خان خلف مرحوم میرزا علینقی خان، سه دانگ حمام واقعه درکوچه گاو چشمان محله سرپله به قیمت ۸۰ تومان.

۹۲ - تاریخ قباله: غره ذی قعده ۱۳۳۲ / فروشنده کریم خان بختیاری خلف مرحوم آقا براتعلی خان: شش دانگ یک باب خانه واقعه در اراضی دشت افروز صفی آباد - قیمت ۶۰۰ تومان.

۹۳ - تاریخ قباله: شهر رجب ۱۳۲۶ / فروشنده آقا محمد رضا خلف مرحوم استاد عباس، یک قطعه سه قفیزی واقعه در دشت محمد آباد شهره به قیمت ۶ تومان.

۹۴ - تاریخ قباله: دویم ربیع الثانی ۱۳۲۰ / فروشنده که میرمحمد حسین بن حاجی سید محمد کاظم، یک قطعه زمین محصور مشهور به زمین خندق به انضمام یک قطعه زمین یک جریبی محاذی آن به قیمت ۴۰ تومان.

۹۵ - تاریخ قباله: هشتم شوال ۱۳۲۴ / فروشنده آقا غلامعلی خلف مرحوم حاجی زین العابدین، پنجاه و پنج سرجه آب و زمین قریه جره از قرای کاشان به قیمت یک من شاه نمک.

[شماره سند ۲۴۰۰۲۱۱۳۰-۲۲۲ ت ۲ ب آ ۱]

۶۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران از اردستان به تهران، نمره۲دولتی ـ تاریخ روز ۸ حضور مبارک حضرت اشرف آقای سردار ظفر روحی فداه

دستخط مبارک تلگرافی زیارت شد. سه روز قبل در شرف حرکت بودم برای تهران، سادات و علما مانع شدند. تا این که دستخط تلگرافی از طرف وزارت جلیله داخله رسید که توقف داشته باشد تا تلگراف از حضرت سردار ظفر به شما برسد. حکومت اصفهان هم به همین طریق تلگرافی فرمودند. چاکر هم بر حسب امر مبارک اطاعت کردم. تمام اهالی را آسوده و مطمئن نمودم. سی سوار حاضر دارم. از اسیوندها که تهران هستند، ده سوار از آنها که لازم ندارید، بفرستید خیلی خوب است. ده سوار هم از ولایت خواسته‌ایم. ان شاءالله به این پنجاه سوار به اقبال حضرت اشرف درکمال قدرت جلوگیری از اشرار می شود. فشنگ ها را تمام [به] جناب بهادر السلطنه سپرده بودند تمام سوار بی فشنگ است. اگر مرحمت فرمودید سوار فرستادید قدری فشنگ لازم است مرحمت شود و در باب حقوق سوار خوب است حضرت اشرف تلگرافی به حکومت اصفهان بفرمائید که زودتر برسانند. امر امر مبارک است، چاکر جعفرقلی بختیاری ـ مهر تلگرافخانه مبارکه تهران ۱۲۹۴

به تاریخ جدی ایت ئیل سنه ۱۳۲۸

[شماره میکروفیلم ۳۳۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۶۶

عریضه عاجزانه غلامرضای ابیانه (ابیانه‌ای)

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت عظمته العالی [تاریخ ۱۳۲۸ ق]

اظهار تظلم فدوی این که محمد ولد علی حاجی رفیع ابیانه (ابیانه‌ای) محض عداوت و من باب این که خودشان را در دستگاه اشرار کاشانی شناسائی بدهند، رفته در کاشان در نزد سیف لشکر[1] پسر نایب حسین و آنجا اسباب فراهم کرده و مأمور امر بوده، سه نفر مأمور آورده غلاظ و شداد و جان نثار را چون نادار بودم، فدوی را چون کسانی که در عالم خون کرده باشد یا خطائی به دولت کرده باشند، در دور آبادی ها در پای اسبهای خود گردانیدند. زنان، مردان، اطفال، اناث، ذکور، غریب برخی عبورکنندگان در تماشا بعضی گریه کنان، بعضی در حیرت، بعضی در تحیّر، بعضی مترنم به این مقال. ای وای به روزگار رعایای دولت ایران تا آن که از هر گوشه و کناره پنج هزار، یک تومان قرض داده تا سی تومان و آنها را قانع کرده‌اند و پنج روزهم سیورسات گرفته ودرب و پنجره ها را شکسته و رفتند. بشنود وزارت جلیله داخله [که] چیست حال رعیت و حکمی شود که حکومت نطنز احقاق حق چاکر را از محمد ولد علی حاجی رفیع بنماید. دیگر حال عرضه داشت ندارم.

[در حاشیه بالا:] جنوب

[شماره میکروفیلم ۱۱۰۴۰۳۴۲-۲۹۳]

۶۷

مقام منیع حضرت اشرف وزارت جلیله داخله روحی فداه [تاریخ ۱۳۲۸ ق]

عرضه داشت زرخریدان رعایا و تجار نراق به آستان مبارک بدان است که از روزی که مرحوم نایب حسین خان[2] جان شیرین خود را در راه ملت تصدق کرد، این

---

۱. یار محمد سیف لشکر پسر نایب حسین کاشی از بطن همسر نشلجی‌اش که در زمان مظفر الدین شاه اداره مالیات کاشان را عهده دار بود (طغیان نایبیان)

۲. منظور حسین خان نراقی است.

زر خریدان ساعتی آسوده نیستیم از شرارت وهرزگی حسین کاشی که همه روز و همه شب از پی چاپیدن و غارت اموال این زر خریدان هستند. الحق والانصاف اگر برادرزاده‌ها و کسان آن مرحوم جلوگیری نمی کردند اموال و عیال این زر خریدان مثل سایر بلاد دیگر به چنگ این بی‌انصاف گرفتار شده بودیم. این زر خریدان چه خاک بر سر بریزیم. یک طرف حکومت جلیله به جهت وصول مالیات سخت گرفتند، یک طرف از خوف حسین کاشی دست از رعیتی و کسب خود کشیده‌ایم. استدعا از آستان مبارک داریم که امر و مقرر فرمائید به جناب صمصام السلطان بختیاری که به همدستی برادرزاده و کسان مرحوم نایب حسین خان رفع شر این بی‌انصاف را از سر مسلمانان بنمایند. هرگاه عمن (عماً) قریب یاقی (یاغی) تعاقب نشود، جمعیت اشرار زیاد از حد جری و دور آن جمع می‌شوند و گرفتن آن سخت می‌شود و تمام این حدود عیال و اطفال و اموالمان به دست این ظالم گرفتار می‌شویم و زیاده بر این حق جسارت نداریم. امر امر مبارک است.

[شماره میکروفیلم ۱۵۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۶۸

دولت علیه ایران، وزارت داخله ـ نمره کتاب ثبت ۱۶۲۴-۶۸۰۶ -کارتن ۱۸ - دوسیه ۷ شعبه تحریرات جنوب ضمیمه ۵ - ارسال در ساعت ۴ بعدازظهر - تهران به تاریخ ۱۹ [۱۳۲۸ ق]

از عراق جواب نمره ۱۰۲ به توسط ناظم الرعایا[۱] - نایب الحکومه بروجرد - در مسئله دستگیری میرزاجونی و میرزا کوچک اتباع نایب حسین کاشی از دهات جاپلق که در طبق شکایات رعایا تلگراف (در سند سیاه شده) حالا هم اظهار می‌شود، از قرار معلوم ضرغام نظام[۲] و صاحبمنصبان فوج سیلاخوری که مأمور دستگیری مشارالیهما هستند به همدستی نایب الحکومه جاپلق نسبت به دهات

۱. نایب الحکومه بروجرد

۲. از مأموران دستگیری اتباع نایب حسین کاشی بود

آقای نصرت الممالک[1] خسارت رسانده اسباب تفرقه رعایا شده‌اند. در حالتی که تلگراف کرده بودم قدغن نمایید وجهاً من الوجوه متعرض رعایا نشده فقط به وظیفه مأموریت به دستگیری دو نفر مقصر بپردازند. چون رعایت نظم علاقجات ایشان ضرور است البته به مأمورین اکیداً قدغن نمائید، متعرض رعایا نشده واگر چیزی از آنها برده‌اند رد کرده، تفرقه آنها راجمع و آسوده نموده و به همراهی خود ناظم الرعایا که مزاحمتی به رعیت نشده، متعرضین را دستگیر کرده، نتیجه را اطلاع دهید که دیگر کسی شکایتی نکند. ـ شکوه الملک

[شماره میکروفیلم ۴۰۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۶۹

سواد کاغذ میرزا محمود خان[2] رئیس اداره بلدیه [تاریخ ۱۳۲۸ ق]

خدمت ذی شرافت... اعضای اعز (اجل) منتخب انجمن مقدس ولایتی ادام الله توفیقاتهم

چون برای خدمت به ملت هر کس بتواند اقدامی بکند و اظهار ننماید در واقع خیانت کرده، علی هذا لازم است آنچه این بنده می دانم که می‌توانم عرض کنم، نایب حسین کاشی که حرکات او فعلاً مضر به حال استقلال مملکت است برهر ایرانی نژادی واجب و لازم است برای قلع وقمع او از هیچ اقدام فداکارانه فروگذار ننماید و عقیدهٔ این حقیر این است که برای دستگیری نایب حسین، از بدو امر ترتیب صحیح داده نشده والا این کار مختصر تا این حد اهمیت پیدا نمی‌کرد اکنون هم هر چه اهمیت به او قرار بدهند، اسباب توهین دولت و ملت خواهد بود. به هر حال اگر دولت به قدر پنجاه نفر سوار مجرب به چاکر بسپارد با کمال آسانی به قیدالتزام دستگیری او را تعهد می‌کنم. ابتدای امر هم قریب به همین مضمون

---

۱. عزیز خان خواجه از خواجگان دربار ناصر الدین شاه بود که بعدها وارد دستگاه علی اصغر خان امین السلطان گردید وبه واسطه تقرب بسیار نزد وی به ثروت سرشاری نایل شد واموال و املاک بسیاری از خود به جای نهاد. (شرح حال رجال ایران – ج ۲)

۲. رئیس اداره بلدیه (شهرداری) قم به سال ۱۳۲۸ هق

به انجمن محترم عریضه دادم که به اولیای امور برسانند. بازهم عرض می‌کنم عین عرایض چاکر را بدون فوت وقتی به مراکز عالیه اطلاع بدهند که چاکر مستظهر انه و بی مضایقه در انجام همچنین خدمت حاضرم.

محمود خادم بلدیه قم

[شماره میکروفیلم ۴۰۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۷۰

مقام منیع وزارت داخله مد ظلّه العالی [تاریخ ۱۳۲۸ ق]

معروض می‌دارد که روز بیست سوم شهر شوال نایب حسین کاشی به تحریک بعضی از اشرار جاسب غفلتاً وارد جاسب شده با هزار نفر جمعیت وارد به خانه این حقیر شد. اول خانه حقیر را چاپید. ماحصل عمر حقیر و پدران داعی را برد. بعد آن، آبادی حقیر را چاپید. از خانه حقیر آنچه اشیاء نفیسه و نقدی بود خودش برد و آنچه اسباب خانه از قبیل ظرف و چراغ و انبار گندم وجو و نخود و سایر چیزها را اشرار جاسبی که هم دست او بودند بردند. مکرر خود داعی و حکومتی تلگراف و عریضه کردیم، جوابی نرسید. گویا اولیای امور خواب می باشند که ابداً در خیال رعیت بیچاره نمی باشند که این آدم بی‌انصاف سالهاست که رعیت بیچاره را بچاپد و در صدد رفع او برنمی‌آیند. حالا عرض حقیر این است که اشیایی که خود نایب حسین برده است که دست رسی به او نیست بماند، اجناس که اشرار [از] جاسب و سایر دهات اطراف جاسب برده‌اند که حالا غریب (قریب) سه چهار هزار تومان مال حقیر در خانه‌های اشرار حاضر است، حکمی بشود به ابوالقاسم خان که اجناس شیخ حسنعلی در هر کجا هست گرفته رد نمایید. شاید قدری از اسباب و اجناس داعی عاید شود. بعضی از اشیاء و اجناس حقیر هم حمل کاشان و دهات کاشان شده است که در خانه اعتبار الممالک کاشی است. چون پسر اعتبارالممالک رحیم خان[1]، منشی و وزیر نایب حسین است و رحیم خان اول باسی سوار

---

۱. پسر اعتبار الممالک بود، منشی و وزیر نایب حسین کاشانی به شمار میرفت.

واردخانه حقیر شدند و بعضی از اسباب و اشیاء بنده هم در خانه او هست و دهات کاشان، حکمی به حکومت کاشان نوشته شود که هر قدر اسباب و اجناس شیخ حسنعلی در شهر و دهات کاشان میباشد، گرفته رد نمائید. دو حکم مرقوم شود یکی به ابوالقاسم خان و یکی هم به حاکم کاشان. به ابوالقاسم خان برای جاسب و دهات اطراف جاسب و به حکومت کاشان برای دهات کاشان و خود شهر کاشان. به طور یقین ده هزار تومان اموال حقیر به غارت رفته است. این است روزگار رعیت بیچاره و اولیای امور به راحت و آسوده‌گی (آسودگی) زندگانی می‌کنند.

[شماره میکروفیلم ۳۷۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۷۱

وزارت پست و تلگراف ـ [مورخه ۱۳۲۸ ق]

قربان حضورت شوم

تلگراف انجمن ولایتی کاشان لفاً به عرض می‌رسد. اظهارات از این قرار است: قرار بود سوارهٔ گلپایگانی را وزارت جنگ مأمور کاشان نمایند، تا به حال نرفته است و از وزارت جنگ هم جواب نرسیده است. لازم است زودتر استعدادی برای گرفتاری نایب حسین به کاشان برود.

[حاشیه:] باید تلگرافی به صحابت دیگر حاکم آن شود که بتوانند یک عده سوار از خلج به کاشان بفرستند. و به حضرات موگوئی هم تلگراف کنند که البته سوار فرستادم به کاشان بیایند در گرفتاری نایب حسین، به وزارت جنگ هم بنویسند سواران تلگراف هم بفرستند که فوری یک عده سوار روانه کنند و اهالی هم در هر طرف ایلجار نمایند در دفع نایب حسین. وزارت جنگ همین امروز فردا یک عده سوار مأمور نماید.

[شماره میکروفیلم ۳۲۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۷۲

[ریاست وزراء سواد مشروحه رعایای ابیانه بدون مهر وامضاء ۱۳۲۸ ق]

ارحم الراحمینا

تصدق خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم

عدل السلطنه[۱] حکومت نطنز اظهار رأفت و عدالت در حق رعایا نموده، علی اکبر حاجی علی ابیانه که سمت بستگی خود را به بعضی سواران کاشانی می‌دهد، هست ونیست رعایا را به غارت داد. قریب یک هزار تومان به یکی از قراء مخروبه خسارت وارد آورده، دل سنگ به حال رعایا می‌سوزد. نمی دانیم خاطر مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی ازحال رعایا مستحضر است یا خیر؟ این صورت تعدی به یک نفر از ادنی رعیت است. اسامی دیگر رعایا در جبری که شده، در دفتری نگنجد. استدعای عاجزانه داریم به توسط حکومت نطنز علی اکبر ابیانه را به مرکز تهران احضار فرموده تا آن که ثبت تعدیات وارده خود را داده باشیم. دیگر امر امر مبارک است.

پسر نایب حسین به حکومت در برزرود[۲] نشسته حکومت نطنز نمی‌تواند چاره کند

(عموم رعایای ابیانه)

مهر وامضاء کابینه ریاست وزرا

[شماره میکروفیلم ۱۵۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۷۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ از یزد به تهران ـ فوری دولتی ـ مقابله شد

مقام منیع وزارت جلیله داخله

بنابر راپورت، قاصد از انارک به نایین خبر آورده بود که نایب حسین به واسطه تنگی آذوقه از بیابان مراجعت و احتمال قوی می‌رود که به سمت نایین یا اردکان

---

۱. حاکم نطنز در ۱۳۲۸ هق

۲. از مضافات نطنز

بیاید. به محض رسیدن خبر، تفنگچی و استعداد علاوه بر آنچه مصوبه است تهیه نماید و [لازم است] دسته [ای از] یزد به طرف نایین فرستادن که اگر حسین جسارت کرد، حتی‌المقدور مخالفت نمایند. ولی خاطر مبارک مسبوق است که استعداد او یقین هفتصد یا هشتصد نفر است و اسلحه تمام سه تیر و چهار تیر و چندین بار قورخانه و یک عراده توپ است و استعداد محلی و چریک و فشنگ هیچ ندارم. مکرر استدعای تفنگ و فشنگ نموده، مساعدت نشده. حال اگر به این صفحات بیاید، لازم است آن وزارت جلیله از نقاط نزدیک عاجلاً دسته کمک برسانند و به علاوه برای چریک اضافی و تعویق دسته‌های محلی مبلغی اضافه فوراً تصویب و حواله فرمایید. ۱۲ محرم نمره ۵۹۲ اسدالله به تاریخ سنه ۱۳۲۹

مهر تلگراف خانه مبارکه تهران

[شماره میکروفیلم ۲۱-۴۷۱-۷-۲۹]

۷۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ از دامغان به تهران ـ نمره ۳ دولتی عدد کلمات ۱۸، روز ۲۶

به مقام منیع وزارت جلیله داخله مدظله

دو روز است به اتفاق ایالت استرآباد به دامغان آمده، امروز به سمت شاهرود حرکت نمودند و چاکر مشغول انتظام عمل مالیات و غیره می‌باشد. در چندی قبل که امر فرمودند برای استحضار نایب حسین و انتظام الملک قاصد مخصوص به جندق بفرستد که کاملاً تحقیق نمایند. در این مدت به واسطه برودت هوا و یخ بندی قاصدی نتوانست برود ولی خبری که تحصیل نموده راپورتاً عرض می‌کند. میرزاکریم رئیس تلگرافخانه دامغان که اصلاً جندقی واز اولاد یغمای مرحوم است، چند روز قبل کاغذی از جندق به مشارالیه نوشته‌اند که مفادش این است، نایب حسین و انتظام الملک در جندق سکونت نموده و مشغول خریداری املاک و خانه می‌باشند، هرکس به رضا نمی‌دهد به جبر و عنف ملک او را می‌گیرند و ابداً خیال عزیمت به جای دیگر ندارند، بلکه خیال وصلت به اهالی آنجا دارند. تاریخ کاغذ

هم از نوزدهم ذی حجه است. تاکنون هم آنچه اهتمام و اقدام نموده که شاید برای آنجا نایب الحکومه معین نماید، احدی قبول ننموده و امورات مالیاتی و غیرهٔ آنجا مختل است. محض استحضار خاطر مبارک جسارت نمود. چاکر مستشارالممالک[1]
- تاریخ ۲۸ جدی ایت ئیل سنه ۱۳۲۹

[شماره میکروفیلم ۲۸۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۷۵

راپورت اداره تلگرافی دولت علیه ایران
از سمنان ظهر ۲۵ دلو ۱۳۲۹
از قرار خبر صحیح، نایب حسین کاشی به دامغان آمده، مستشارالممالک هم از ده خود رابه دامغان رسانیده مشغول جمع‌آوری کمک وایلجار و استعداد هستند. اهالی سمنان از نبودن استعداد طوری متوحش شده‌اندکه عن قریب فراری خواهند شد. اگر فوراً استعدادی از طرف دولت به سمنان برسد و اسلحه برای سرباز محلی بفرستند و به سربازان فوج حشمت حکم بشود ممکن است در این نقطه جلوگیری نمود و اگر وارد این محل شوندکار سخت وجلوگیری مشکل است. سی نفر سرباز شاهرودی از سمنان به‌کمک مستشارالممالک الان به سمت دامغان حرکت کردند. تفنگ وفشنگ هم نیست که جلوگیری شود. عباسقلی
[حاشیه بالا:]
کابینه نیابت سلطنت عظمی، به تاریخ ۱۴ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۹ نمره ۲۸۹۸
[شماره میکروفیلم ۳۶۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۷۶

راپورت از دامغان شب ۲۵ دلو ۱۳۲۹
دیشب از قهاب[2] خبری رسیده که نایب حسین با صد سوار به راهنمایی باقر از

---

۱. حاکم دامغان در ۱۳۲۹ هق
۲. از محال دامغان

بستگان علی قهابی وارد چهار فرسخی دامغان شده به طوری اهالی به وحشت و تزلزل هستند که حساب ندارد. اگر استعدادی نرسد خیلی خرابی به این جا وارد خواهد آمد. زیرا آن راهنماهای مشارالیه همه از دهات اطلاع دارند، اقدام به چاپیدن اموال مردم خواهند نمود. حالیه که تمام شهر و دهات در وحشت هستند تا چه شود. کریم

[حاشیه:] اقدام شد ضبط شود.

[شماره میکروفیلم ۳۰۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۷۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از دامغان به تهران، نمره ۸ دولتی، فوری

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

روز دوشنبه ۱۳ دو ساعت به غروب، نایب حسین کاشی بانود سوار خودش و محمد علی کن آبادی با سی نفر سوار که به او ملحق شده بوده است، به بلدیت باقر پسر عموی علی قهابی که پارسال از انبار دولت فرار نموده بود، وارد دامغان شده در فیروز آباد وعمروان و عبدل آباد دهات دامغان که یک فرسخی قرشه است، توقف نموده. در بدو ورود به بلوک قهاب هیچ گونه اقدامی ننموده ولی در این سه آبادی که توقف نموده صدمه کلی وارد آورده‌اند. به اندازه‌ای اهالی دامغان در وحشت و اضطراب می‌باشند که فوق آن متصور نیست. به هیچ وجه من الوجوه استعداد برای جلوگیری موجود نیست فعلاًخود چاکر ده نفر اجزاء و مختصر سوار نصرت که آنهانیز فشنگ ندارند مشغول حفظ وحراست شهر دامغان هستیم. سواره نصرت سی نفرند ولی ده پانزده نفر در همان بلوک در خانه های خودشان هستند. دیگر استعدادی نیست به شوکت الممالک رئیس قشون و حکومت شاهرود و بسطام و ایالت استرآباد تلگرافاً اطلاع داده که استعداد برساند. چنانچه استعداد فوراً [نرسد] دچار خیلی مشکلات می‌شود. چاکر مستشار الممالک

به تاریخ ۲۵ شهر دلو ایت ئیل سنه ۱۳۲۹ **[شماره میکروفیلم ۳۳۷-۴-۱۱-۲۹۳]**

۷۸

[از تهران به حکومت سمنان ودامغان]

دولت علیه ایران، وزارت داخله، تاریخ ۱۴ [صفر] ۱۳۲۹، اسم نویسنده: عنوان نگار، صادره تلگراف، نمره کتاب ثبت ۸۰۶۰-۴۵۵۱۹، کارتن ۱ دو سیه ۴، شعبه تحریرات شرق، ارسال در ساعت [؟] ۲۶ دلو

حکومت سمنان و دامغان

تلگراف شما راجع به حسین کاشی رسید. قبل از وصول تلگراف شما در تلگراف نمره ۸۰۵۷ دستورالعمل این کار به شما داده شده و به شوکت نظام هم تلگراف شد که استعداد و ایلجار ولایتی آنجا را تدارک نموده جلوگیری کند. شما هم همان طور که تلگراف شده، استعداد و ایلجار محلی خود را حاضر و به‌کمال اهتمام جلوگیری کنید تا از وزارت جلیله جنگ هم استعداد و کمک لازم به شما برسد. نمره ۸۰۶۰ امضاء وزیر

[شماره میکروفیلم ۳۰۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۷۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ از مشهد به تهران

نمره ۲۶۲ - عدد کلمات ۱۲۵ - روز ۲۷

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

از قرار خبر تلگرافی، حسین کاشی که سابقاً شرارت او معلوم بوده در جندق راه را مسدود کرده وچند قافله از یزد به خراسان فعلاً گرفتار او است. چند قافله دیگر هم از طرفین به واسطه سد کردن راه معطل، استدعای این جان نثاران از آن مقام منیع این است که علاج فوری در این باب بفرمائید که بلکه از توجهات اولیای امور قوافل به سلامت به مقصد خود برسد. مجدداً در این باب با کمال احترام عرض می‌نمائیم که چنانچه اقدام فوری از طرف اولیای امورنشود و قوافل سرقت شود لابد باید دست از کاسبی کشیده باشیم. عموم تجار یزدی محمد شریف - محمد

صادق - غلام حسین - غلام عباس - علی زرکش - محمد کاظم - محمد حسین احمد

مهر تلگرافخانه مبارکه

به تاریخ ۲۸ دلو ایت ئیل سنه ۱۳۲۹

[شماره میکروفیلم ۳۱۰-۴-۱۱-۲۹۳]

۸۰

[تلگرافی] از دامغان [به تهران] شب ۲۷ دلو

تاریخ ۱۸ صفر ۱۳۲۹، نمره ۴۹۳۴

مجدداً دیشب خبر رسیده که درشکه‌ای که دو نفر مسافر زوار ارض اقدس در او بوده، در بین راه قوشه کسان نایب حسین آنها را لخت نموده قریب پانصد تومان از نقد و اسباب آنها را برده، یک اسب خوبی هم که به درشکه بسته بودند باز نموده و برده‌اند. از دیروز الی حال اتصالاً اهالی قهاب عیال و اطفال را برداشته پیاده و سواره از ترس سارقین به شهر می‌آیند که هر کس حال آنها را می‌بیند حالت رقت حاصل می‌شود. از حرکات سابقه علی قهابی تمام اهالی چشم ترسیده دارند به این جهت ناچار به فرار و در به دری شده‌اند تا امروز چه خبری برسد به عرض برساند.

کریم

[حاشیه:] مکرر است ضبط شود

[شماره میکروفیلم ۳۷۰-۴-۱۱-۲۹۳]

۸۱

وزارت مالیه ـ اداره محاسبات کل - کارتون ۲۶ - دوسیه ۳ - به تاریخ ۴ حوت ایت ئیل ۱۳۲۹ - نوع مسوده تلگراف - موضوع مسوده: حقوق سواران نصرت

وزارت جلیله داخله

تلگرافی از ادارهٔ مالیه سمنان و دامغان به وزارت مالیه رسید که نایب حسین

کاشانی و محمدعلی گون آبادی (گنابادی) به قوشه شش فرسنگی دامغان آمده و اهالی عموماً مضطرب هستند. سی نفرسوار نصرت که حکومت برای جلوگیری از تاخت و تاز اشرار حاضر کرده، حقوق می‌خواهند. فوراً بـه اداره مـالیه سـمنان و دامغان تلگراف شد که مخارج سوار را به (با) اطلاع حکومت و انـجمن بـپردازد. سواد تلگراف برای استحضار خاطر محترم لفاً تقدیم گردید. امضاء فتح الله
[شماره سند ۲۴۰۰۱۵۰۵۶-۷۰۹ک ۵ الف الف ۱]

۸۲

وزارت داخله ـ دایره شرق - نمره ۸۳۲۱-۴۶۹۹۲ - مورخـه ۲۹ شـهر صـفر ۱۳۲۹ - نمره ۸۰۱۲
وزارت جلیله مالیه
رقیمه شریفه نمره (۷۷۴۰) در پرداخت حقوق سی نـفر سـوار نـصرت بـرای جلوگیری حسین کاشی و محمد علی گنابادی متضمن سوادتلگراف پیشکار مالیه سمنان و دامغان عز وصول داد. اگر چه فعلاً دفع شرسواره نایب حسین از حدود سمنان و دامغان شده و اهالی آسوده شده‌اند ولی رسانیدن حقوق سـوار خـیلی به موقع و موجب پیشرفت امور خواهد بود.
از طرف وزیر داخله　　　　مهر وزارت داخله
[حاشیه (۱):] دفتر محاسبات کل
[حاشیه (۲):] ضبط شود

[شماره سند ۲۱۴۰۰۱۵۰۵۶-۷۰۹ک ۵ الف الف ۱]

۸۳

وزارت مالیه ـ اداره محاسبات کل - نمره خصوصی ۴۵۵ - کارتون ۲۷ - دوسیه ۹ - به تاریخ ۱۹ حمل ۱۳۲۹، نوع مسوده تلگراف.
اداره مالیه یزد

سه هزار تومان به عهده بانک شاهنشاهی تلگرافاً حواله شد. فوراً از شعبه بانک وصول و جهت مخارج سواران مأمور دستگیری نایب حسین در وجه حکومت بپردازید. فتح الله امضا

[شماره میکروفیلم ۱-۶۹-۲۷۷-۲۴۰]

۸۴

[تلگراف] از دامغان [به تهران] شب ۲۱ حوت

لله الحمد حالیه طرق و شوارع منظم است. قاصدی راکه حکومت برای تحقیق بعضی اطلاعات به جندق فرستاده بودند مراجعت نموده می‌گوید لدی الورود به جندق کسان نایب حسین و انتظام الملک مرا گرفته حبس کردند. ده پانزده روز حبس بوده آخر به وسیله [ای] شبانه فرار نموده آمدم. از قرار اظهار مشارالیه قریب صدوهشتاد نفر جمعیت آنها است. یک نفر اهل جندق را انتظام الملک از طرف خودش نایب الحکومه نموده هر بیچاره راکه به چنگ آورند به زور شکنجه به اسم مالیات و سیورسات مبلغی از او مطالبه دارند در صورتی که برای احدی هیچ چیز باقی نمانده باکمال ذلت گرفتار اشرار هستند. کریم

مهر کابینه نیابت سلطنت عظمی

[حاشیه (۱):] ۱۱ شهر ربیع الاول ۱۳۲۹ نمره ۵۱۸۴

[حاشیه (۲):] مکرر ضبط شود.

[شماره میکروفیلم ۳۶۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۸۵

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۳۳۷، مورخه ۲۰ حمل ۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹ [ق]

وزارت جلیله مالیه

حکومت کاشان در ضمن مطالب اشعار نموده‌اند، علی خان فروشی که نزد

نایب حسین کاشی سمت تحویلداری داشته و فراراً از نزد نایب حسین کاشی آمده در نزد حکومت به خدمات مشغول است. در جزو صورت تحویلداری خودش هفت هزار تومان وجه مأخوذی از امین مالیه کاشان را نوشته بوده است، در حالتی که امین مالیه می‌گوید هشت هزار تومان به حسین کاشی داده است. در این باب بدیهی است که از طرف آن وزارت جلیله در موقع رسیدگی به حساب امین مالیه کاشان دقت خواهد شد که به این عنوان یک هزار تومان مال دولت را از میان نبرد. بسا می‌شود در موقع دادن تنخواه به حسین کاشی هفت هزار تومان داده و هشت هزار تومان رسید گرفته باشد. در هر صورت دقت مخصوص خواهند فرمود. سواد مشروحه حکومت را هم محض تکمیل اطلاع آن وزارت جلیله لفاً ارسال داشت. از طرف وزارت داخله، مهر امضاء

[حاشیه:] اداره محاسبات کل

رجوع به سابقه مشروحه خزانه و حکمی که از طرف وزارت مالیه از اداره خزانهٔ کل به اسم تجارتخانه جمشیدیان صادر شده است، بنمایند و از آن رو معین کنند قلمدادی پیشکار مالیه کاشان هفت هزار تومان بوده است یا هشت هزار تومان.

[شماره میکروفیلم ۲-۲۳-۵۹-۲۴۰]

۸۶

وزارت جنگ ـ نمره ۵۹۶-۲۴۴۲ - به تاریخ ۵ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹ - ضمیمه ۶-۱

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومات نمره (۵۸۰-۴۱۶۳) و (۶۵۰-۵۸۱-۴۱۷۵) متضمن راپرت های سمنان راجع به رشید السلطان[1] زحمت می دهد که به موجب اخبار

---

۱. جعفر رشید السلطان اصانلو از اهالی خوار و ورامین که در حدود ۱۳۲۸ ه‌ق در راس دسته‌ای سر به طغیان نهاد و برضد دولت مرکزی شورش کرد. وی مورد حمایت و تشویق نایب حسین کاشی قرار گرفت تا بدانجا که قصد فتح تهران نمود. (طغیان نابینایان)

داخله رشید السلطان از سمنان حرکت کرده به دامغان وارد شده و در آنجا خبر اقدامات و تعرضات آقا رضاخان را نسبت به محمدولی خان برادرش که ناشی از تحریکات مستشارالممالک است به او داده‌اند و نظر به سابقه غرض و ضدیت مستشارالممالک معلوم است که مقصودی ازاین اقدامات ندارند جز این که رشیدالسلطان را که برای خدمت و اطاعت اوامر دولت حاضر شده است، مجدداً به خط تمرد و عصیان بیندازند. ولی چنان که مسموع شد آن وزارت جلیله مستشارالممالک را احضار فرموده‌اند. در این صورت ازکار آنجا رفع نگرانی خواهد شد و چنانچه مطابق پیشنهادی که حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء در تعیین حکومت آنجا فرموده‌اند، حاکم آنجا را زودتر معین بفرمایند، وزارت جنگ علاوه بر تکذیب این اخبار می تواند انتظامات سمنان و دامغان و جلوگیری از تجاوزات نایب حسین و امثال او راکه باعث دغدغه و تشویش خاطر اولیای امور شده است، تعهد و تأمین نماید. بنابراین مقدمات، راپرت های سمنان قابل ترتیب اثر نیست و امید است با توجهات آن وزارت جلیله و اجرای فرمایش حضرت آقای رئیس‌الوزراء از محظورات متصوره کاملاً جلوگیری شود.

از طرف وزیر جنگ (امیر اعظم)[1] مهر وزارت جنگ

[شماره سند ۲۹۳۰۰۰۶۹-۴۰۵ ط ۱ ب آ ۱]

۸۷

حکومت اصفهان ـ مورخه غره شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹، ضمیمه دو کاغذ نایب حسین کاشی

مقام منیع وزارت جلیله داخله

نایب حسین کاشی در سنوات ماضیه از طرف جناب آقای مصلح السلطنه که

---

۱. امیر اعظم: نصرت الله خان سیف‌الملک ـ امیراعظم ـ پسر وجیه الله میرزا در ۱۲۹۷ هق متولد شد. وی ملقب به سیف الملک و امیرخان سردار نیز بود و مدتها حکومت استرآباد و سمنان و دامغان را بر عهده داشت. (شرح حال رجال ایران ج ۴)

قرابتی نزدیک دارند، مستحفظ خط راه تهران بوده و قبل از طغیان، اظهار اطاعتی نسبت به آقای مصلح السلطنه می نمود. در وزارت حضرت اسعد اقدس والا آقای عین الدوله دامت شوکته محض خدمت به‌دولت و حفظ دماء و ناموس رعیت شرحی به حضرت معظم‌له عرض شد، که اجازه مرحمت فرمایند آقای مصلح السلطنه به نایب حسین نوشته و او را در اطاعت دولت حاضر نمایند، اجازه هم مرحمت شد. شروحی به او نصیحت و اندرز نوشته بودند. بدواً نایب حسین کاغذی نوشته است که دو شرط عمده قید کرده، یکی در باب آزادی پسرش که تهران حبس است درثانی اطمینانی به واسطه قونسولهای خارجه ازدولت خواستار شده بود. مجدداً آقای مصلح السلطنه شرحی در وعد و وعید و بیم و امید وتهدید به او نوشته و از این اظهار ممنونش داشتند. در مراسله ثانی که نایب حسین نوشته است از اطمینان مأمورین خارجه صرف نظر کرده است. عین دومراسله نایب حسین لفاً تقدیم می‌شود، از نظر مبارک خواهد گذشت.[1] این بنده در این خصوص اظهار عقیده و رای ندارد فقط محض آگاهی خاطر مبارک عرض می‌نماید. امروزه اول تکلیف[2]

۱۵ ربیع الثانی

به توسط حضرت اشرف اقدس سپهدار اعظم رئیس الوزرا، ساحت اقدس امنع اشرف نیابت سلطنه (سلطنت) عظمة (عظمی) روحی فداه

در نهایت توقیر و احترام جسارت می ورزد: این فقیر ناتوان با جمعی از بستگان با اهل و عیال از ظلم و طغیان نمرود زمان یاغی نایب حسین کاشی و محمد علی گنابادی از اوطان فراری و در قائنات متواری چنان این دو عنود که مجسمه نمرودند برق ظلم را مرتفع کرده اند و دریای امنیت خاک طبس را منقلب نموده‌اند که کشتی حیات اهالی قریب به انعدام شده، ناموس گرفتار اشرار گشته و شئونات ارباب

۱. نامه ای همراه این نامه در مجموعه اسناد نیست.
۲. سند ناتمام است

شئون برباد رفته، چه جانهای پاک نوجوانان که هدف تیر این ستمکاران نشده، کراراً به مصادر امور از تجاسر این قوم شرور عرض شده جوابی جز این که اقدامات لازمه می‌شود ندیده و نشنیده تا این که ما بیچارگان را دوچار (دچار) این روز سیاه نمودند و بر تجاسر ظالمین افزودند. آخر نه ما ملت ایرانیم، آخرنه مانوع انسانیم. والله دیده گریان و قلب بریان است. آه حال ما فقرا شرر انگیز است واشک دیده ماضعفا سیل خیز، حذر لازم، ملاحظه فرمائید! قریب شش ماه می‌شود مراتب آواره گی (آوارگی) و حوادث خاک طبس را تلگرافاً حضور مبارک حضرت ایالت کبری مخابره نموده، جواب رسید که به اوطان خود مراجعت نمایند که احکامات عدیده در آسایش شما صادر و دورگذشت که محمد علی پنج نفر را درگناباد کشت و خانمان مردم را غارت نمود و هر ظلم و ستمی نموده است. با این شکل چگونه این آوارگان می توانیم به وطن خود برویم. الغوث الغوث خاک بی‌صاحب طبس حکومتی ندارد، سربازی ندارد، استعداد داخلی و خارجی ندارد و عرصه هجوم قوم ظلوم است. تلگرافاً هم به ساحت اقدس مجملی جسارت شده، آخر ترحمی به حال ما آواره کان (آوارگان) فرمائید و عنایتی شامل حال ما بی پناهان نمائید. این خاک طبس بدون سربازو توپ که ساخلومی باشند امن نخواهد شد. این آواره‌گان بی نـوا از دربارمعدلت مدار استدعا می‌نمائیم که امر و مقرر شود که سرباز و توپ عاجلا جهه (جهت) خاک طبس که مدام قائم باشند برسد تا این آواره گان (آوارگان) به اوطان خود مراجعت نموده به دعای بقای دولتی ابدمدت قاهره قیام و به رعیتی و اشتغال خود اقدام نمایند. گر ترحم میکنی وقت است وقت. باقی، مترصد اقدامات لازمه هستیم.

خادم الفقراء الحاج شاه خلیل الله (تونی است) از بیرجند جسارت شد.[۱]

[از مجموعهٔ اسناد مجلس شورای اسلامی]

---

۱. دو سند توأمان آمده است.

۸۸

حکومت کاشان مورخه ۱۹ شهر ج (جمادی الاول) مطابق ۲۹ ثور ۱۳۲۹، نمره ۱۱۶۶

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

چند روز قبل خبردادند قاصدی از طرف نایب حسین آمده و نوشتجاتی ازبرای نوکرهای فراری او آورده، فرستادم به هر وسیله بوده دو فقره ازکاغذهای مرسوله را گرفته آوردند. مفاد آن این بوده که نوکرهای فراری خود را دعوت به سوی خود کرده که بیایید نزد خود من وهمه قسم فایده و دخل خواهید برد، و اگر نیایید چنین و چنان خواهم کرد. دیگر این که نوشته بود که محمد علی میرزا[1] تبریز آمده زودتر خود را برسانید که خیال حرکت به سمت تبریز را دارم و پس از آن تجسسِ قاصد را نمودم، معلوم شد نوشته جات را به شخص عطّاری داده وخودش به قم رفته کـه نوشته جات [را به] اهل و عیال نایب حسین که در قم هستند برسانند. فـرستادم شخص عطار را حاضرکرده باکمال سختی قاصد را از اوخواستم. او هم ملتزم شد قاصد را دست بدهد. از قراری که امروز اظهار نموده به قم تلگراف کرده قاصد را دستگیر کرده‌اند، از اینجا هم سوار فرستاده شد که او را تحت الحفظ بـه‌کـاشان بیاورند. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد. محل مهر علی اشرف

[شماره میکروفیلم ۲۹۲-۴-۱۱-۲۹۳]

۸۹

عریضه رعایای محلات

قربان حضور مبارک معدلت دستور مبارک شویم

عرض این جانساران (جان نثاران) رعایا وتجار محلات حضور مـبارک بـندگان حضرت اجل‌اکرم افخم دامت افاضاته آن است که این ظالمان را دو سال می‌باشد

---

۱. مقصود محمدعلی شاه قاجار پس از خلع شدن از سلطنت است، که یک بـار هـم در حـمایت روسـها به ایران آمد ولی مغلوب شده مجبوراً از ایران گریخت.

که ازسوء اعمال و ظلم و تعدیات حضرت نائبی ها که حکومت محلات هستند و بعضی دیگر با او همدست می‌باشند به تمام مراکز دارالخلافه به عریضه جات تظلم نموده‌ایم و تمام ابواب ها راکوبیده، از هیچ بابی تاکنون جوابی به جهت آسودگی این مشت مردمان ضعیف دور افتاده از دارالخلافه نیامده است و ظلم و تعدی این حضرت نایبی هاکه حکومت (حاکم) برما هستند با رفقای ایشان آقا محمد هاشم و پسر او میرزا احمد آقا سررشته دار و چند نفر دیگر که با آنها وصلت نموده اند به اندازه‌ای از حد گذشته است که احدی به مال و عیال وجان خود ایمن نمی باشیم. کدام یک از ظلم های ایشان را عرضه بداریم؟ از زیادتی وصول مالیات عرضه بداریم یا از بی حسابی و کلاهدوزی که همه روزه به جهت ماها می کنند. اما در خصوص زیادتی مالیات، سه سال است که هر سالی یک تومان علاوه از اصل مالیات از ما گرفته شده است با استثنائی (به استثنای) آنچه به حساب نمی‌آورند. محمد هاشم با پسر او میرزا محمد سررشته دار با چند نفر دیگر که با او هستند ابداً در این چند سال مشروطه نیم شاهی مالیات نداده‌اندبلکه هر یک از آنها مأخوذی و زیادتی مالیات خورده‌اند. قطع نظر از این، راضی به این تعدیات بودیم که دیگر آسوده باشیم، اکنون یک سال است که به عین مال ماها پیچیده‌اند. همه روزه اشرار و الوات (الواط) را تحریک می‌کنند [که] جان نساران (جان نثاران) [را] اذیت نموده به هر نحوی است دارایی ماها را می برند. از عید نوروزگرفته تاکنون که دو ماه است هزار تومان بدون جهت و سبب به نحو کلاهدوزی وجه نقد از مردم اخذ نموده و تقسیم نموده‌اند. به جهت صدق بر عرایض، خودمان از دارالخلافه مفتدش (مفتش) درخواست نموده‌ایم فرجی و خبری نشد. واجب دانسته پناه به آستانه مبارکه حضرت اجل عالی درآوریم، آن وجود مبارک را قسم می‌دهم به آن کسی که آدم و عالم را خلق نموده و عزت و ذلّت به دست اوست به فریاد این مشت مردمان ضعیف بی‌پناه برسید و حکمرانی محلات و سایر آن حکومت را به غیر از حضرات نایبی ها از دارالخلافه به جهت آسودگی روانه بفرمائید. از چنگال این گیرکان(گرگان) بی انصاف راحت و به دعاگوئی دوام عمر و قدرت و شوکت آن

برکشیده شده از جانب حق مشغول باشیم. اگر (گر) ترحم می‌کنی وقت است وقت.
زیادعرضی به حضور مبارک ندارند.
[حاشیه ۱:] اداره خط عراق بتکیف (به تکلیف) اداری رفتار خواهند کرد. ۳۲ جوزا
[حاشیه ۲:] پیشکار مالیه تغییر کرده لازم به جواب نیست. ضبط شود
[حاشیه ۳:] ورود به‌کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۳ سرطان ۱۳۲۹ نمره ۸۸۹۷
[شماره میکروفیلم ۲۶-۱۱-۵۴-۲۴۰]

۹۰

وزارت مالیه ـ اداره خط عراق - سواد عریضه اهالی جوشقان - مورخه برج سرطان ۱۳۲۹ - نمره ۱۱۷۰۱۲۲۹۸

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اشرف آقای وزیر مالیه دام اقباله العالی

بعد از ادای دعاگوئی، عرض حال عموم رعایای بی‌بضاعت بی‌نوای فلک زدهٔ اهالی جوشقان این است که در این مدت دو سه ساله از ذهاب و ایاب اردوی بختیاری در آبادی و کثرت سارقین الوار در توابع و مراتع و مزارع و صحاری جوشقان آنچه اموال و اغنام و احشام و رمه داشته‌ایم، همگی را به طور نهب وغارت برده‌اند و در مطالبه استرداد اموال مسروقه، چند نفر جوانان ما هدف تیر بلا وگلوله سارقین گشته، هر چند به تلگراف و عریضه جات تظلم و تضرع و فریاد زدیم دادرسی نیست. زیرا که در دادخواهی صفحه جوشقان به‌کلی صرف نظر و از نقاط مملکت خارج و محو شده باشد و اما در این مدت تعجب داریم که این یک مشت رعیت بی بضاعت سیلاب برده جوشقان که ذره [به] حساب نامده بود [؟] در دادن مالیات در اقل صفحه دفتر ثبت است و چند شعبه صاحب اختیار دارد. اولاً این که سالهایی سنواتی جوشقان حکومت مخصوص داشته و این هذه السنه هم که ضمیمه کاشان و از طرف ادارهٔ جلیله نایب الحکومه داریم، اطاعت است. حکمی هم که از طرف بندگان حضرت آقای وزیر مالیه دام اقباله العالی در چندی قبل صادر

و مرحمت فرموده و دستورالعمل مقرره که مالیات هذه السنه تنگوزئیل خودتان را به اقساط از قرار معمولی سنواتی باید به مالیه کاشان بپردازند در دست داریم و اطاعت است. آیا آقای نطنزی از ما چه می‌خواهد که تحکم می‌کند و مأمور می‌فرستد به این دست آویز که سال گذشته سنه ماضیه نطنز و جوشقان ضمیمه بوده و در این هذه‌السنه هم مالیات جوشقان با من است. به حال این که در سنه ماضیه هم مالیات را به حکومت جوشقان پرداختیم، چنانچه نطنز و جوشقان ضمیمه و عضویت کاشان است، که جوشقان و نطنز باید حساب مالیاتی را رد کند به اداره مالیه کاشان پرداخته شود و اگر جوشقان جزو نطنز می‌باشد چرا ضمیمه کاشان است. رعیت وحشی عوام از این قانون متحیر است و طاقت دو اداره حکومت و مالیه نداریم. قسمت می‌دهیم به خدا و به روز قیامت مرحمتی دربارهٔ جوشقانی مبذول فرموده جواب عریضه را مرقوم فرمائید و دست مأمورین آلوفروش نطنزی را از سرما کوتاه بفرمائید که آسوده و دعاگو باشیم والا عموماً اسباب زحمت و تصدیع خاطر اولیای امور و دولت خواهیم بود. امر امر مبارک است.

سواد مطابق اصل است

[شماره میکروفیلم ۴۰ و ۳۹-۵۹-۳۴-۲۴۰]

۹۱

وزارت جنگ، اداره محاسبات، نمره ۲۳۶۷-۱۸۰۸، به تاریخ ۵ برج اسد ۱۳۲۹ [ق]

وزارت جلیله مالیه

حکومت کاشان در باب حقوق سوار و تفنگچی چریک که از اصفهان به‌کاشان حرکت کرده‌اند، شرحی تلگراف کرده که عیناً درج می‌شود. در حکومت اصفهان تلگراف کرده‌اند سوار و تفنگچی به‌کاشان خواهد آمد. سوار روزی چهار هزار،[1]

۱. چهار هزار دینار مقصود است یعنی چهار قران

تفنگچی روزی دو هزار باید داده شود. هر چه زودتر محل آن را معین فرمایید که اسباب زحمت نشود. (علی اشرف)

در این باب لازم است به فوریت تکلیف تأدیه حقوق آنها را به طوری که معین شده معلوم و دستور العمل لازم به پشت کار (پیشکار) مالیه مرقوم فرموده، نتیجه را سریعاً اطلاع دهید که جواب تلگراف حکومت کاشان مخابره شود.

از طرف وزیر جنگ شریف الدوله[1]

[شماره سند ۲۴۰۰۰۷۶۱۵–۱۳۸ز ۱ آآ۱]

۹۲

وزارت مالیه، خزانه کل ممالک محروسه، اداره مالیه کاشان، بتاریخ ۵ سرطان تنگوزئیل ۱۳۲۹ [ق]

مقام محترم خزانه داری کل دام اقباله العالی

لازم دانست از حضور مبارک کسب تکلیف نماید که آقای سهام السلطنه مدعی است در سنه ماضیه مبلغ یک صد تومان به مجاهدین قرض داده و گویا آقای مکرم الدوله حکومت سنه ماضیه در حاشیه سند مجاهدین نوشته‌اند که از بابت مالیات محسوب دارند. حالیه می خواهد از مالیات قریه راوند مأخوذ دارد و به این واسطه مبلغی از مالیات سنهٔ ماضیهٔ قریه راوند راکه ملک عمده در آنجا دارد معطل گذاشته است. مستدعی است تکلیف اداره مالیه کاشان را در این خصوص معین فرمایند

مهر اداره مالیه کاشان و امضا

[شماره سند ۲۴۰۰۰۱۰۴۶–۶۰۲ ب ۲ آآ۱]

۹۳

وزارت مالیه

خزانه کل ممالک محروسه، اداره مالیه،به تاریخ ۹ شهرسرطان ۱۳۲۹، نمره ۱۹۶۳

---

۱. ظاهراً زین العابدین خان شریف الدوله منظور است.

جناب مستر شوستر[1] خزانه دارکل

امین مالیه نطنز و جوشقان شرحی به اداره خزانه نوشته و سواد مراسله یک ماه قبل آقای امیر معزز[2] حاکم کاشان و نطنز و جوشقان را که لفاً ملاحظه خواهند فرمود، فرستاده و اظهار داشته است که چون از طرف وزارت مالیه و خزانه تکلیفی در خصوص مالیات هذه السنه معین نشده و تا به حال برات مالیاتی را حواله نکرده است لیکن به ملاحظه این که از موقع گرفتن تمسکات مالیاتی می گذرد و از بعض دهات نطنز، تمسکات اصل و فرع مالیات راگرفته و ضمناً اشعار داشته است که اگر اجازه داده شود ازکلیه قراء و دهات شروع به‌گرفتن تمسکات شده و ترتیبات لازمه را برای مباشرین و تحصیل داران معین نماید و پس از فراغت خود مشارالیه با اسناد خرج سنه ماضیه به تهران آمده که پس از تفریغ محاسبه عودت نماید. در این باب هر قسم تکلیف و دستورالعمل معین میفرمایند از همان قرار معمول دارد.

از طرف رئیس خزانه.

[شماره میکروفیلم ۲۴-۴۴-۳۴-۲۴۰]

۹۴

وزارت جنگ ـ اداره محاسبات قشونی - نمره ۲۱۲۲-۵۱۳۰ به تاریخ ۱۹ برج سرطان ۱۳۲۹

وزارت جلیله مالیه

با این که کراراً در باب حقوق سوار خلخالی مأمور کاشان به آن وزارت جلیله

---

۱. مورگان شوستر مستشار آمریکائی که در سال ۱۳۲۹ هق برای اصلاح وضع گمرک و مالیه ایران به استخدام دولت ایران درآمد و هر چند در این راه اقدامات مفیدی انجام داد اما به واسطه فشار دولت روسیه وانگلستان و کارشکنی‌های داخلی وخارجی طی اولتیماتومی که روسیه به دولت ایران اعلام نمود، مجبور شد پس از نه ماه از کار خود کناره گیری کند و با هیات همراهش از ایران خارج شود. (شوستر، مورگان - اختناق ایران)

۲. امیر معزز: احتمالاً علی اشرف خان امیر معزز گروسی که حکومت کاشان و نطنز و جوشقان را در اختیار داشت.

زحمت داده تا به حال حقوق آنها تأدیه نشده واز قرار معلوم خزانه دارکل پرداخت حقوق آنها را موکول به روانه داشتن یک نفر مفتش و تحقیقات محلی از سان سوار نموده است. اطلاعاً عرض می‌کنم که با وضع پریشانی و استیصال سوار مزبور، تأخیر حقوق آنها تولید زحمت و اشکال خواهد نمود. لازم است در این باب توجه سریعی مبذول فرمائید که بدون تأخیر حوالهٔ حقوق آنها صادر و تأدیه شود. این نکته را هم در ضمن همین مراسله مخصوصاً متذکر می شوم که خزانه دارکل در باب حقوق برج جوزای اجزاء مرکزی وزارت جنگ پیغام داده است که صورت و کتابچه آن را بفرستند تا وجه آن تأدیه شود. چون این گونه مطالب رسمیت دارد قدغن فرمائید بعدها این قبیل مطالب راکتباً و رسماً اظهار دارند تا از وزارت جنگ جوابی که مقتضی است داده شود. کلیه مطالبی که پیغام می شود شاید به جزیی اختلاف اسباب سوء تفاهم شود. بهتر این است کلیه این گونه مطالب و حوالجاتی را که رد می کنند با علت وجهة (جهت) کتباً به وزارت جنگ بنویسند. مخصوصاً از آن وزارت‌خانه تمنا دارد که همین قسم قدغن فرمایید معمول دارند.

[حاشیه:] شخصاً از نظر (وزیر) بگذرد. از طرف وزارت جنگ

[شماره سند ۲۴۰۰۰۷۶۱۵ - ۲۸ الف اآاآا]

۹۵

وزارت مالیه، اداره سررسید کل، سواد مراسله وزارت داخله، مورخه ۲۸ سرطان ۱۳۲۹ (ق)،نمره ۳۴۸۴

وزارت جلیله مالیه عمل کاشان موافق راپورتهای تلگرافی و تلگرافات حکومت کسب اهمیت کرده است و به واسطه نرسیدن حقوق استعداد آنجا از قبیل سواره و پیاده و نظمیه و امنیه که از وزارت جلیله جنگ هم صورت حواله حقوق آنها به آن وزارت جلیله فرستاده شده، قوای نظامی آنجا مختل و فرصتی به دست اشرار در اعاده به آنجا داده است قدغن خواهید فرمود. نظر به اهمیت موقع فوراً با مستر شوستر مذاکره و حواله حقوق آنها را صادر نمایید که قوای نظامی آنجا دلگرمانه

به جلوگیری اشرار پرداخته، تولید زحمتی ننماید. بذل اهتمام فوری لازم است که قبل از فوت وقت وسایل جلوگیری فراهم شود. وثوق‌الدوله مهر وزارت داخله
سواد مطابق اصل است ۲ برج اسد ۱۳۲۹

[شماره سند ۲۴۰۰۰۷۶۱۵ – ۱۳۸ ز ۱آ۱آ]

۹۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران
ازکاشان به تهران، نمره ۱۰ دولتی، عددکلمات ۸۰، تاریخ اصل مطلب، روز ۲۱ اسد، تنگوزئیل ۱۳۲۹

مقام خزانه دارکل تلگراف نمره ۶۴۸ مشعر بر این که جوشقانی‌ها مالیات خود را به مالیه نطنز بدهند زیارت و به آنها ارائه شد. می‌گویند راه جوشقان به نطنز مغشوش، وجه درکاشان موجود، به علاوه کلیه وجوه مالیاتی را باید ازکاشان تحصیل و به نطنز ببریم. گویا سابقاً یک نفر از آنها در مالیه جوشقان دخالت داشته حالیه مالیه نطنز او را نپذیرفته‌اند. لهذا به این معاذیر متعذر و می‌خواهند مالیات خود را به مالیه کاشان بدهند. موقوف به امر مبارک است. اداره مالیه کاشان

[در قسمت ذیل سند، تلخیصی از مطالب به عمل آمده به زبان فرانسه با عنوان «در خصوص پرداخت مالیات جوشقانی‌ها به مالیه نطنز.]

[شماره میکروفیلم $\frac{۲۴۰}{۳۴-۴۴-۱۸}$]

۹۷

[عریضه رعایا و اصناف کاشان]
قسمت هند و اروپایی تلگراف [تلگراف به فارسی با خط لاتین نوشته شده است]

ازکاشان به تهران – نمره ۱۴۳ – تعدادکلمات ۲۰۰ – تاریخ ۱۸-۸-۱۱ [۱۹ م]
مدتی آسوده بوده و چند روز قبل عرض کردیم در این یک سال امیر معزز

امتحانات خود را داده چنانچه به دیگری حکومت تفویض شود قبول نخواهیم نمود. امروز از مکرم‌الدوله تلگرافی ازکاشان برای سهام السلطنه[۱] مستبد معروف که بیدق روس علناً بالای خانه خود زده رسیده که حکومت به من تفویض شده و این تلگراف توانسته حضرت سردار جنگ مقام منیع هئیت وزراء عظام عموماً، وزارت داخله خصوصاً تهران. [؟]

معلوم است در این موقع باریک کاشان را واگذار به چند نفر مفسد و مغرض معلوم الحال نموده اید والا با این که کراراً، کتباً و تلگرافاً عموم ملت کاشان اظهار رضایت از حکومت امیر معزز نموده بحمدالله احدی در این موجب انقلاب و اغتشاش نفوس ما ملت کاشان شده. سنهٔ ماضیه مکرم الدوله خسارات فوق العاده به ملت کاشان واردکرده امتحانات خود را داده است. عجب است از اولیای امورکه عرایض صدها هزار نفر نفوس کاشان راکه از سوی حکومت خود به تهران آمده و از امیر معزز تظلم می‌نمائیم قبول می نمائید کذب و عرض می کنیم در این موقع باریک مکرم الدوله را به حکومت نخواهیم پذیرفت. طاقت ورود اشرار و نایب حسین را نداریم و از تلگرافخانه خارج نمی‌شویم مگر تلگراف استقرار حکومت امیر معزز صادر [شود] عموماً دعاگو و آسوده بوده باشیم.

عموم اصناف و رعایای کاشان

[شماره میکروفیلم ۴و۳و۲و۱-۱۲۱-۱-۲۹۳]

۹۸

نمره ۴۱۲، ۲۳ شعبان، ۴ برج اسد

به حکومت کاشان رمز شود

تلگرافهای شما در باب آقا علی رسید. از ماشاءالله خان و بعضی از اهالی هم پاره‌ای تلگرافات رسیده است که مبنی بر تشکیل مجلس و ثبوت بی‌تقصیری نایب علی وکسان آنها است. لیکن این چیزها مرا قانع و متقاعد نمی کند. از جوابهای شما

---

۱. از مستبدین که گویا در ۱۳۲۹ هق تلگرافی بدو اطلاع داده شده بود که حکومت کاشان را بر عهده گیرد.

هم بوی بعضی دلتنگی ها از حضرات می‌آید و معلوم می‌شود که به همین جهت چندان مداخله و احترامی در این کار نکرده‌اید و اسباب تعجب من شد. شما که آدم کارکشته و عاقلی هستید و باید اطراف کار و مناسبات موقع را خوب ملتفت باشید. من خودم اعمال ماشاءالله خان و کسان او را خوب می‌دانم و البته هیچ تصدیق نمی‌کنم که آنها با این احوال و اعمال باقی باشند، لیکن هر کاری موقعی دارد. تکلیف شما این است که با آنها مداهنه و مماشات بکنید و مغایرت و ضدیتی نشان ندهید و نصایح مرا که در عزیمت به شما گفتم فراموش ننمائید. البته موقع آن هم خواهد رسید که دولت جلو این رفتار آنها را بگیرد ولی امروز هنوز وقتش نیست. در مورد آقا علی هم بعضی تلگرافهای سخت به ماشاءالله خان کرده‌ام و جداً آقا علی را از او خواسته ام. هر چند که این تلگرافات من به او رسمی و بر حسب تکلیف است ولی شما به همان رویه که دستورالعمل داده ام با آنها رفتار نمائید و مسئله آقا علی را تعقیب کرده و انجام آن را با کمال خصوصیت از آنها بخواهید و نتیجه را اطلاع بدهید. مقصود اصلی من این است که به هر وسیله ممکن است آقا علی را پیدا کرده به تهران بفرستید. این موقع موقع بعضی اقدامات نیست. هر کار وقتی دارد. امروز باید همّ شما این باشد که در میانه افتاده به تدابیر عملی و حسن کفایت خودتان آقا علی را به دست آورده بفرستید. موقع اقدامات دیگر هم خواهد رسید. نباید همه کارها را در یکدیگر داخل کرد. رمز شود

[حاشیه:] خیلی فوری [شماره سند ۶۴۵غ۴ب‌اا-۲۹۳۰۰۴۶۸۳]

۹۹

آقای مستر شوستر

ملت ایران نمی تواند تشکرات خود را از اقدامات حریت پرستانه شما با زبان و قلم اظهار دارد. امروز که یک وجودی مثل شما زحمت کش و طرفدار رنجبر داریم می توانیم به آیندهٔ خود مطمئن شویم. نظر جناب عالی را به اوضاع کاشان جلب می کنیم. حکومت اینجا از مرتجعین معروف و حامیان محمدعلی و قاتل احرار و

جاهل و بی علم و بداخلاق است. ۲۰ هزار تومان جریمه گرفته علاوه بر ماهی پانصد تومان حقوق اداری حکومتی. آنچه تظلم از او کردیم رشوه به همه دادیم باز کسی گوش به ما نکرد. سردارهای بختیاری ۸ ماه قبل سه هزار تومان از تجار، جریمه دوستی نایب حسین یاغی را گرفتند. حکومت بدون حکم دولت این پول را از قرار تومانی پانزده شاهی سرکش مالیات کرد. به ضرب چوب و شلاق مأمورین علاوه بر جریمه‌ها که گرفتند دوهزار تومان وصول کردند. هزار تومان به اداره جمشیدیان که از تجار طلب داشتند داد. هزار تومان خودش خورد. مکرر به وزارت خانه و مجلس مقدس شکایت کرده ایم. حکم تحقیق این کار به مالیه کاشان شده، حکومت مأمور به همه دهات فرستاده التزام از رعایا گرفته که هر کس به شهر بیاید و بگوید هزار چوب خواهد خورد. احدی جرأت اظهار ندارد. اسلام خان معاون مالیه هم با حکومت همدست هستند. با وجود این، اداره مالیه از جمشیدیان تحقیق کرده، آنها سندی که این پول را یعنی هزار تومان را از تومانی پانزده شاهی مأخوذی از رعایا با آنها داده شده به اداره اظهار کرده، رئیس مالیه کم حال و بیمناک است. استیفای حقوق ما نمی شود. امروز رفع این ظلم بر عهدهٔ حساب شما است طوری مقرر فرمائید که دوهزار تومان پول خلاف قانون به اسم جریمه که از ما گرفته‌اند پس داده شود. حضرات تجار که حکومت برای آنها پول گرفته با او همدست هستند. همه روزه رضایت او را به وزارت داخله می نویسند. انجمن ولایتی هم از فشار این مرد ظالم منفصل شد. اعضای او به اطراف پراکنده شدند. امضا رعایای کاشان جواب توسط اداره تجارت‌خانه صفائیه به رعایای کاشان برسد.

[حاشیه بالا:] جواب داده شد. شما خودتان بنویسید که راه ثبوت طلب بر شما مسدود است در این صورت چطور ممکن است. بدون ثبوت (ناخوانا) از ما اقدام می شود.

[حاشیه بالا به لاتین:] (اعتراضی از) حاکم به پیشکار کاشان

[شماره میکروفیلم ۳۶-۵۹-۳۴-۲۴۰]

۱۰۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران، نمره ۴ به تاریخ ۳ شهر سنبله تنگوزئیل ۱۳۲۹

دروازه قزوین حضور آقای سعدالسلطنه

به واسطه اخبار ورود نایب حسین، قشون ساخلوی کاشان به امر حکومت پنج هزار تومان کسری دریافت نمودند و مجدداً در صدد مطالبه هستند و به تلگرافات مرکز هم اهمیتی نمی‌دهند. مفصلاً به خزانه دارکل تلگراف نموده مستدعی است، فوری مذاکره و تکلیف چاکر را معلوم. منتصر[1]الدوله

[حاشیه:] به وزارت داخله سواد فرستاده شود.

[شماره سند ۲۴۰۰۰۷۶۱۵-۱۳۸ زاآآا]

۱۰۱

حکومت کاشان، نمره ۱۵۶۰، مورخه ۴ شهر رمضان ۱۳۲۹ [ق]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

تفصیل آمدن نایب حسین و دستگیر نمودن امامقلی خان را در اردستان و رسیدن به قریه ابوزید آباد شش فرسخی کاشان تلگرافاً عرض شده و اسباب حصانت و سنگر بندی و محارست شهر را از هر حیث فراهم داشته تا این که آقایان ضیاءالسلطان[2] و شهاب السلطنه با سوارهای بختیاری از قم به‌کاشان مراجعت نمودند و دیروز را طرف صبح آقای شهاب السلطنه با دویست نفر سوار بختیاری برای قلع و قمع اشرار به سمت ابوزید آباد حرکت نمودند. به قریه گز سه فرسخی عرض راه که رسیدند خبر می‌رسد که نایب حسین با اتباع خود شبانه از ابوزید آباد فرار نموده معلوم نیست به‌کدام خط رفته. بنابر آن مراجعت به شهر نمودند و از اینجا آدم به اطراف فرستاده شد که اخبار صحیح تحصیل نماید. الساعه که قریب

---

۱. این اسم در دو سند به دو صورت منتصر و مستنصر ضبط شده است.

۲. از مأموران حکومت که با سوارهای بختیاری از قم به‌کاشان فرستاده شد.

ظهر پنجم شهر حال است خبر آوردند نایب حسین به قریه ابیانه من قراء نطنز رفته و از آنجا فرستاده شهاب السلطان نایب الحکومه آنجا و احتشام السلطان[1] پیشکار مالیه نطنز و جوشقان را هم دستگیر نموده و از قرار معلوم خیال دارد عراق و همدان برود. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد.

[شماره میکروفیلم ۲۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۰۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از قم به تهران، نمره ۲۵، عدد کلمات ۲۵، روز ۷ تاریخ ۱۳۲۹ [ق]

توسط آقایان آقا شیخ ابراهیم زنجانی، شیبانی، میرزا سید حسن کاشانی حضرت رئیس الوزراء، وزارت داخله، مدت شش ماه است کتباً تلگرافاً تظلم می‌نماییم که امیر معزز مروج پلتیک محمدعلی است به دستور او نایب حسین را دعوت می‌نماید که کاشان را تصرف داده روابط جنوب با مرکز قطع شود. حال که خبر ورود او به اطراف کاشان رسیده متجاوز از دو هزار نفر با زن و بچه فراراً قم آمده متحصن هستیم. اکنون که سوار بختیاری رسیده امیر معزز به اسم اصلاح می‌خواهد خیال خود را صورت دهد. علاج این کار فقط تعیین یکی از خوانین بختیاری به حکومت کاشان است که با دویست نفر سوار ساخلو متوقف باشد. چنانچه بنای اصلاح با اشرار و ابقای امیر معزز باشد مآلاً مانند اصلاح با رشیدالسلطان و اقلاً پنج شش هزار نفر اهالی کاشان باید به اطراف بلاد متفرق بشوند. مهاجرین کاشان: نظام الدین الحسینی صدرالعلما، علی نراقی، سید محمود رئیس جزای عدلیه، نظام الاسلام فضل الله الحسینی و چندین اسم دیگر

به تاریخ شب ۸ شهر سنبله ۴ ساعت و نیم، تنگوز ئیل سنه ۱۳۲۹

[شماره میکروفیلم ۲۴۹-۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. داماد نصرالله خان حاکم نطنز بود.وی سمت پیشکاری مالیه نطنز و جوشقان را بر عهده داشت.

۱۰۳

وزارت جنگ، اداره پیاده نظام، نمره ۶۶۹۳ به تاریخ شب ۱۶ برج سنبله ۱۳۲۹ [ق]

آقای خزانه دارکل

مراسله نمره(۵۰۳) متضمن سواد تلگراف پیشکار مالیه کاشان دایر به حرکات سربازان ساخلوی آنجا ملاحظه شد. جواباً نگارش می دهد که حقوق مأمورین ولایات همیشه به طور مساعده یعنی در اول هر برج تمام و کمال به توسط تجارت‌خانه ها برات تلگرافی فرستاده می شد. در برج اسد چون تنخواهی در وزارت جنگ حاضر نبود که حقوق مأمورین کاشان را بپردازد، این بود که ورقهٔ درخواست نوشته و به آن اداره فرستاده شد. به ملاحظه این که در صدور حواله تا یک درجه تأخیر شده و این تأخیر بر حسب اتفاق مقارن با تجاوز نایب حسین و ورود سردارهای محترم بختیاری گردیده است. به ضروره این طور تصویب کرده‌اند که حقوق مأمورین تأدیه شده و برای جلوگیری از تجاوز نایب حسین و اشرار مانعی درکار نباشد. لهذا لزوم پرداخت حقوق مأمورین رابه پیشکار مالیه اخطار نموده‌اند. با وصف این به سر کرده سربازان حکم اکید صادر گردید که تحقیق و رسیدگی نمایند. هرگاه از طرف سربازان حرکت بی رویه فاش شده است آنها را تنبیه و تأدیب نمایند. غرض این است که بر سرباز و صاحب منصب در این مورد گناهی نیست و آنها اقدام به وصول حقوق نکرده‌اند، بلکه بنابر لزوم، سرداران بختیاری بنابر اقتضای موقع حقوق آنها را از اداره مالیه کاشان گرفته و پرداخته‌اند. با این حال تحقیقات شده اگر از طرف مأمورین نظامی سوء رفتاری شده باشد تنبیه می شوند و از افراد قشون در هر موقع جز مساعدت نسبت به امور مالیه اقدامی نخواهد شد.

از طرف وزیر جنگ شریف الدوله

[حاشیه]......و سواد کاغذ امین مالیه کاشان در این خصوص فرستاده و تصریح شد در صورتی که هر ماه حقوق قشون ساخلوی آنجا منظماً پس از نوبت نرسد و یک ماه به واسطه تأخیر این قسم رفتار کرده‌اند گناه صاحب منصبان و سربازان دوبرابر خواهد شد.

[شماره سند ۲۴۰۰۰۷۶۱۵-۱۳۸ زاآآا]

۱۰۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از قم به تهران، نمره دولتی، مقابله شد
مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته
از طرف نایب حسین فرستاده آمده و تأمین دادم که استدعای او را در پیشگاه هئیت وزراء مستدعی شوم. فرستاده هم مخابره تلگرافی نمود که مطالب نایب حسین را فهرست نموده اقلاً از حرکات وحشی نایب حسین جلوگرفته شود. این است که خاطر مبارک را مسبوق می‌دارم که اگر تأمین کامل خواست که دست از شرارت بردارد به او بدهم یا اجازه ندارم. اگر این خدمت را(با همه) ضررمالی، جانی انجام دهم خدمت نمایان کرده [ام] تکلیف امروز همین است. فتح الله
مهر تلگرافخانه مبارکه دولتی
به تاریخ شب ۴ شهر میزان ۳ ساعت از شب رفته تنگوزئیل ۱۳۲۹
[درحاشیه بالا:] [اجازه] داده شد.

[شماره میکروفیلم ۱-۱۴۴-۳۲-۲۹۳]

۱۰۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از قم به تهران، نمره دولتی
مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته
از قراری که راپرت صحیح داده‌اند، امیر معزز نایب حسین را دعوت کرده محرک شده است به سرباز او دستورالعمل داده و شب سربازها به چراغعلی خان حمله کرده این جا هم دارد سرایت می‌کند.اجازه بدهید به رسم امانت تفنگ بگیرم و اسباب توپ را چراغعلی خان مفقود کرده.
فتح الله بختیاری. مهر تلگرافخانه مبارکه
به تاریخ شب ۴ شهر میزان ۴ ساعت از شب رفته تنگوزئیل ۱۳۲۹
[حاشیه:] [اجازه] داده شد.

[شماره میکروفیلم ۲-۱۴۴-۳۲-۲۹۳]

۱۰۶

خزانه داری کل ایران، نمره ۲۴۹۷، موضوع اقدامات خلاف پسر ضیغم السلطنه در کاشان به تاریخ ۷ میزان ۱۳۲۹ [ق]

وزارت جلیله داخله

مطابق تلگرافی که از پیشکار مالیه کاشان به خزانه داری کل رسیده، چراغعلی خان پسر آقای ضیغم السلطنه به اسم حقوق ماهانه خود و سوار ابوابجمعی مبلغ سیصدوپنجاه تومان جبراً از اداره مالیه حواله محل مأخوذ داشته، گرچه گویا حالت امروزه کاشان مقتضی اتخاذ تصمیمی نباشد ولی از نظر اطلاع [به اقدامات غیر عادی حاکم متذکر گردید]

[ترجمه فارسی این مطلب بسیار رنگ و رو رفته و ریخته است و از اصل فرانسوی آن استفاده شد ترجمه دقیق اخیر سند چنین است: شاید وضع سیاسی کنونی کاشان به شما اجازه ندهد که تدابیری اتخاذ کنید ولی من خواستم که شما را در جریان حرکات غیر عادی (آنورمال) حاکم قرار دهم.]

[شماره میکروفیلم ۳۵-۵۹-۳۴-۲۴۰]

۱۰۷

رئیس کل خزانه مملکت ایران، تهران، ۱۰ میزان تنگوزئیل ۱۳۲۹، سواد تلگراف کاشان، نمره ۲۷۷۷

خدمت ذی شوکت جناب مستطاب اجل اکرم آقای قوام السلطنه وزیر داخله دامت شوکته

مطابق تلگراف واصل از پیشکار مالیه کاشان که سواد آن را برای استحضار آن وزارت جلیله ارسال می دارد شهاب السلطنه برای حقوق پانزده روزه سوار خلخالی و رژیمان از بابت برج سنبله که هنوز تمام نشده است معاون مالیه کاشان را در حضور حکومت توسری زده و حقوق مزبور را عنفاً دریافت نموده است. چنان که در تلگراف ملاحظه خواهند فرمود، حکومت هم حقوق خود را به سختی مطالبه

می‌نماید و بدیهی است مطابق سابقه که در دست داریم اگر تا دو روز دیگر حقوق به حکومت نرسد، فوراً نایب حسین در کاشان طلوع خواهد نمود. واقعاً در صورتی که طرز رفتار حکمران بارئیس قشون نسبت به یکی از مأمورین دولتی این است، خدا می‌داند اگر یک نفر از قطاع الطریق به اداره مالیه وارد شود چه خواهد کرد. لهذا جداً مستدعی است اقدامات لازمه برای تنبیه شخصی که مرتکب این حرکت خلاف و بربریت نسبت به معاون مالیه شده به عمل آورند که مأمورین آن وزارت جلیله با مالیه اگر از مساعدت مضایقه دارند لااقل مأمورین مالیه را مضروب نسازند.

مورگان شوستر خزانه دار کل

[شماره میکروفیلم ۳-۱۵۵-۱۸-۲۹۳]

۱۰۸

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۵۵۵، مورخه ۱۴ میزان ۱۳ شهر شوال ۱۳۲۹ [ق]

جناب مستر شوستر رئیس خزانه کل

در جواب مشروحه نمره ۲۵۱۸ راجع به امور مالیه نطنز و جوشقان و سوء حرکات پسر نایب حسین نسبت به پیشکار مالیه و نایب الحکومه آنجا زحمت می‌دهد: وزارت داخله وقتی به اجرای تعلیمات اداره خزانه در تحقیق این مطالب و ترتیب عمل مالیه آنجا موفق خواهد شد که به اصلاحات امور کاشان و قلع و قمع نایب حسین موفقیت حاصل نماید و با نقشه [ای] که در نظر است، انشاءالله به زودی امور آنجا را اصلاح کرده و اشرار را به مجازات رساننده امور دوایر آنجا را مرتب خواهد نمود.

بموجب حکم از طرف وزیر داخله

مدیر ایالات و ولایات حسین ادیب السلطنه[1]

[شماره میکروفیلم ۳۱-۵۹-۳۴-۲۴۰]

۱. حسین سمیعی ادیب السلطنه: پسر میرزا حسن خان ادیب السلطنه بود. وی در ۱۳۲۷ ق رئیس کل وزارت داخله شد و در حکومت موقت ملی که در ۱۳۳۴ ق در کرمانشاه تشکیل شد به وزارت داخله منصوب گردید و تا ۱۳۲۶ هش که درگذشت چندبار دیگر نیز به مناصب عالی مختلف گمارده شد. (شرح حال رجال ایران، ج ۱)

۱۰۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از کاشان به تهران، نمره دولتی، عدد کلمات ۸۰، روز ۲۲

مقام منیع ریاست وزراء و وزارت داخله دامت شوکتهما

صبح شنبه بیستم وارد یک فرسنگی کاشان، روز قبل بعدازظهر از طرف قزاقها شلیک توپ به شهر کرده و شب را مواظبت فرار او را نکرده، دو ساعت از شب گذشته نایب حسین با ذخیره و آنچه را در تصرف داشته با جمعیت و توپ فرار کرده. اینک وارد شهر شدیم معلوم نیست از کدام راه رفته، چند نفر فرستاده‌ایم معلوم شود از چه راه رفته تا خبر صدق برسد.

فتح الله مهر تلگرافخانه مبارکه

به تاریخ ۲۳ شهر میزان تنگوزئیل سنه ۱۳۲۹

[شماره میکروفیلم ۲۹۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۱۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به [تهران] نمره ۹ دولتی، عدد کلمات ۷۵، روز ۲۵

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته در این موقع مهم که سوار در تعاقب نایب حسین و هر ساعت با مرکز باید مخابرات تلگرافی شود. تلگراف [چیان] ایرانی بیش از دو ساعت وقت ندارند و اغلب وقت تلگرافات لازم به روز دیگر می‌افتد. متمنی است مقرر فرمائید در موقع لزوم هر وقت سیم را تلگرافخانه ایرانی از اداره تلگرافخانه انگلیس خواستند بی مضایقه بدهند که تلگرافات لازمه مهمه به تأخیر نیفتد.

فتح الله، مهر تلگرافخانه مبارکه تهران

به تاریخ ۲۵ شهر میزان [مهر] ساعت عصر سنه ۱۳۲۹ [ق]

[شماره میکروفیلم ۲۹۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۱۱

وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۵۴۴۶ / ۲۱۵۲۰، کارتن ۳ دوسیه ۲، شعبه تحریرات جنوب [تلگراف از] تهران به قم، تاریخ ۲۸ میزان ۱۳۲۹

حکومت قم

تلگراف شما در باب نایب حسین رسید. آقای ابوالقاسم خان با یک عده سوار و استعداد قزاق و غیره ها در تعقیب نایب حسین است و هر جا باشد او را دستگیر و قلع و قمع خواهیم کرد. آسوده باشید.

[حاشیه:]گویا مکرر است.

[شماره میکروفیلم ۱۶۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۱۲

دولت علیه ایران، وزارت داخله، [از] تهران [به]کاشان، به تاریخ عقرب ۱۳۲۹، تلگراف، نمره کتاب ثبت ۵۵۳۶ / ۲۱۷۰۸، کارتن ۳ دوسیه ۲، شعبه تحریرات جنوب

اهالی کاشان

مشروحه شما در باب نایب حسین رسید. تصور نکنید که از طرف اولیای دولت در قلع و قمع او غفلت می‌شود. چنانچه اطلاع دارید، آقای ابوالقاسم خان با استعداد بختیاری مأمور تعقیب او است و همه روزه هم تلگرافاً تاکید می شود، و از فرستادن فشنگ و ذخیره برای قلع و قمع او مضایقه نشده و نخواهد شد (کرد). مشارالیه یک نفر دزد بیشتر نیست که هر وقت عرصه را به خود تنگ می بیند با بلدیتی که از آن صفحات دارد فرار می کند. ولی این دفعه به هر نقطه فرار کند، او را تعاقب خواهند کرد. تا دستگیرش نکنند، دنباله اقدامات را از دست نخواهند داد.

[شماره میکروفیلم ۱۱۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۱۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران، نمره ۳۵، عددکلمات ۱۹۷، روز ۷

توسط مهاجرین کاشان

مقام منیع نیابت سلطنت عظمی و هیئت وزرای عظام دامت شوکتهم

مگر هنوز ناله جانسوز اهالی کاشان به‌گوش اولیای امور نرسیده والله کمال ذلّت است برای دولت که نایب حسین و اتباعش در چهار فرسخی شهر با آن جسارت از چپاول و بی‌ناموسی نسبت به دهاتی‌های بی چاره فروگذاری نکند. حضرت مستطاب آقای سردار ارشد هم به‌کمک آمده هر چه استعداد می‌طلبد اعتنا نمی‌کند، می‌خواهد حرکت کند. آخر مگر اهالی این سامان مسلمان نیستند و از ایرانیت بهره ندارند، والله همه مسلمانیم، ایران دوستیم. به حق خدا تلگراف پناهندگی به اجانب اجباری بود. تاکی بی‌مرحمتی، آخر این چه مملکتداری است. والله اگر این سفر هم سردار ارشد برود دیگر هیچ به ما یک مشت خسارت زده باقی نمی‌ماند. اگر مسلمانید واقعاً رحم دارید بیش از این راضی به ظلم کشیدن نشوید، عموماً در تلگرافخانه متحصن تا جواب صحیح بدهید.

(تعدادی اسم ذیل تلگراف) محمدنراقی، اقل الحاج علینقی، جلال الدین حسن بن عبدالغفور و...

به تاریخ ۸ شهر عقرب تنگوز ئیل سنه ۱۳۲۹

[شماره میکروفیلم ۳۸۴-۴-۱۸-۲۹۳]

۱۱۴

مقام محترم خزانه داری کل

برحسب امر تلگرافی آخر میزان، از اصفهان به نطنز عودت نموده کدخدایان و مباشرین دهات را خواسته مشغول ترتیب و تنظیم امور مالیه و تعیین و تشخیص مأخوذی نایب الحکومه و دیگران گردید که اخبار رسیدن اشرار کاشان به دو

فرسخی خاک نطنز رسید،مجدداً اسباب وحشت و اضطراب و تفرقه اهالی شده اغلب مردم فرارکردند. بنده و اجزای مالیه هم در یک محلی خارج از اداره خود را محفوظ داشته، نایب الحکومه نطنز [را] هم مدتی است به‌کاشان احضار کرده‌اند. فعلاً ادارهٔ مالیه به واسطه عدم قوه مجریه بلاتکلیف مانده چون نطنز ضمیمه کاشان است، باید از طرف حکمران کاشان به یک اندازه در امورات و نظم این منضمه توجهی بفرمایند. زیرا که بکلی سلب نظم و امنیت شده، ولایتی که قرب شصت هزار نفوس دارد و رایحه مشروطیت و قانون به مشام آنها نرسیده باشد بدون حاکم و استعداد معلوم است به چه اندازه غیر منظم خواهد بود. چهار ماه به آخر سال مانده ایام زمستان ولایت ییلاق و کوهستان عما قریب کسرت (کثرت) برف و برودت راه و طرق را مسدود و وصول مالیات قرین اشکال و حمل بر عدم کفایت و اغفال بنده خواهید فرمود. چنانچه امر و مقرر فرمائید زودتر از طرف حکمران کاشان ترتیبی درعمل حکومت نطنز داده نایب الحکومه و استعداد به قدر ضرورت بفرستند، با این اغتشاش خدمت خود را انجام و مالیات دیوان را به حیطه وصول برساند.

[حاشیه:] به وزارت داخله [فرستاده شود]

[شماره میکروفیلم ۲۴۰/۳۴-۵۹-۵۳]

۱۱۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران، نمره ۲۱ دولتی، عددکلمات ۱۰۰، روز ۲۴

مقام محترم خزانه دارکل

محض حرکت قزاق متوقف کاشان و نزدیک بودن نایب حسین و عدم استعداد کافی و انتشار اخبار موحش از طرف اشرار، یک اضطراب فوق العاده درکاشان تولید شده، بانک هم امروز بسته وگویا عامل آن رفته باشد. علاوه بر این که با این اوضاع وصول مالیات غیر ممکن است، برای اعضای اداره هم خالی از خطر نیست.

چنانچه استعداد کافی برای کاشان حرکت نکرده، مستدعی است اجازه فرمائید، برای حفظ خود و مالیه دولت، چند روزی به قم مسافرت و پس از رفع غائله، به محل مأموریت خود عودت بنمائیم. ۲۵۴

رضای منتصرالدوله[۱]

به تاریخ ۲۵ شهر عقرب تنگوز ئیل ۱۳۲۹ مهر تلگرافخانه کاشان

مهر خزانه دارکل (به انگلیسی)

[ذیل سند:] به مأمورکه رسماً نمی توان تلگراف کرد فرار کنید. بدیهی است در صورتی که واقعاً برای اولاد و جان و مال اعضا خطری پیش بیاید مثل مرتبه سابق، پیشکار به قم خواهد رفت، لهذا جواب ندارد.

[شماره میکروفیلم ۲۴۰ / ۳۴-۵۹-۵۴]

۱۱۶

کابینه ریاست وزراء، مورخه ۲۹ شهر ذی القعده ۱۳۲۹، نمره ۸۱

سواد تلگراف واصله ازکاشان

مقام منیع حضرت مستطاب اشرف آقای رئیس الوزراء و وزارت جلیله داخله دامت شوکته

جو و کاه درکاشان به قدری سخت است که اسباب زحمت کلی است، مقرر فرمایید برای سوارانی که مأمور دستگیر نمودن نایب حسین هستند آقای پیشکار مالیه از جو وکاه دیوانی که قریب چهارصد خروار جو و هزار خروارکاه باقی است و موجود دارند به سوار مطابق نرخ عادله بفروشند و قیمت را دریافت دارند.

فتح الله بختیاری

[شماره میکروفیلم ۷-۵۸-۳۴-۲۴۰]

---

۱. رضامنتصرالدوله کارمند مالیه کاشان

۱۱۷

ریاست وزراء، به تاریخ ۲۹ شهر ذی قعده ۱۳۲۹، نمره ۱۷۳۳
مستر شوستر رئیس خزانه کل ممالک محروسه ایران
تلگرافی از آقای سردار ارشد حکمران کاشان رسیده که سواد آن را جوفاً ملاحظه می نمائید. به طوری که اظهار کرده اند، سوارانی که مأمور دستگیری حسین کاشی هستند از بابت علیق مال های خودشان در تعسرند. محل کمال لزوم است که به فوریت تلگراف به پیشکار مالیه کاشان نمائید که از کاه و جو دیوانی که در کاشان باقی و موجود دارند از قرار نرخ عادله آنجا به سواران مأمور بفروشد و قیمت آن را دریافت دارد که رفع سختی و تعسر از آنها بشود. این تلگراف را به پیشکارمالیه کاشان بنمائید و اطلاع بدهید تا جواب به حکومت کاشان گفته شود.
نجفقلی بختیاری[1]

[حاشیه بالا:] ۲۱ عقرب

حاشیه پایین: جواب داده شده است که به موجب کاغذ وزارت داخله که اظهار داشته بودند [دستور] لازم به عهده پیشکار کاشان صادر شده است.
محل مهر (لاتین) خزانه داری کل
[شماره میکروفیلم ۶-۵۸-۳۴-۲۴۰]

۱۱۸

وزارت داخله، اداره ایالات و ولایات دایره جنوب، نمره ۶۳۰۰، مورخه ۱ قوس ۱۳۲۹ [ق]
جناب مستر شوستر رئیس خزانه کل
حکومت کاشان شرحی از عسرت مأمورین تعقیب نایب حسین به واسطه نبودن

۱. نجفقلی خان بختیاری پسر حسینقلی خان بختیاری ۱۲۶۷ هق متولد شد. وی صمصام السلطنه لقب داشت و در ۱۳۲۷ هق در رأس عده‌ای سوار بختیاری اصفهان رافتح کرد و به حکومت آنجا دست یافت. در ۱۳۲۹ هق به ریاست وزرایی رسید و اولتیماتوم روسیه را پذیرفت. درسالهای بعد هم یک بار دیگر به سمت رئیس الوزرائی منصوب شد. وی در ۱۳۴۹ هق درگذشت.

کاه و جو در آن صفحات اظهار و تقاضا کرده‌اند که اجازه داده شود پیشکار مالیه به قیمت عادله از کاه و جو دیوانی به آنها بفروشد. بدیهی است از این مساعدت بلاضرر مضایقه نکرده تعلیمات لازم به پیشکار مالیه خواهد داد.

[حاشیه:] به پیشکار مالیه حکم تلگرافی صادر شود.

[شماره میکروفیلم ۵-۵۸-۳۴-۲۴۰]

۱۱۹

خزانه داری کل، نمره ۷۱۹۸ به تاریخ ۵ قوس ۱۳۲۹، اداره مالیات مستقیم، کاشان، تلگراف

پیشکار مالیه

به واسطه کمی کاه و جو در صفحات کاشان و برای مساعدت با حکومت، لازم است بر میزان کاه و جویی که برای قشون ساخلوی آنجا لازم است به قیمت علوفه تسعیر کنید. از این رهگذر آسوده باشند.

عبدالله.[1]

[شماره میکروفیلم ۲۴۰/۳۴-۵۸-۳]

۱۲۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از کاشان به تهران، نمره ۱۶ دولتی، عدد کلمات ۱۹۰، روز ۱۴ قوس ۱۳۲۹

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام و هئیت وزرا دامت اظلالهم العالی

برحسب امر، قریب ده روز است که به تعاقب نایب حسین در برف و سرما و کوهسارها با نهایت جدیت و سرعت در حرکت هستیم. روزی که اردوی قم حرکت

---

۱. (سند به فارسی و فرانسه است، آنچه نقل شده از قسمت ستون فارسی است ظاهراً منظور از عبدالله همان عبدالله خان بهرامی است که خاطراتی از او منتشر شده و به نظر می‌آید که به علت احاطه به زبانهای فرانسه و انگلیسی معاونت شوستر را بر عهده داشته. در ستون فرانسه ترجمه همین مطلب آمده)

نمود، نایب حسین از جاسب به طرف خالد آباد آمد. بندگان هم به تعاقب او شب در قمصر وارد شده، قریب پانزده فرسخ فاصله است. اسب و قاطر سوار و توپخانه در نهایت تشنگی و خستگی، جیرهٔ معمول هم نرسیده است. لازم است قدری دقت فرمایید، هرگاه این مأموریت باید ختم شود تهیه کامل دیده شود. هرگاه چاکران برای جان نثاری و فداکاری وجودمان در پای تخت لازم است، احضار فرمایید دیگری مأمور شود. زیرا که از این گریختن نایب، جمعیت او که تقریباً دوهزار نفرمتجاوز بود به سیصد نفر رسیده است. لازم است به جندق و بین راه به هر کس دولت صلاح داند جلوگیری او را محول فرمایند. هرگاه بودن چاکران به تعاقب او لازم است قدری در تدارک دقت فرمایید که شاید بتواند سوار به این سرما زیست کند. فدایی وطن ابوالقاسم ـ محمدرضا[1]

[پایین آمده است:] ولایات جنوب: به سردار فاتح[2] تاکید شود.

[شماره میکروفیلم ۳۷۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۲۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران، نمره ۹، دولتی فوری، عدد کلمات ۱۲۴

مقام محترم خزانه دارکل

برای یک هزار و سیصد و پنجاه تومان و پنج هزار حواله عامل بانک یک هزار و ششصد و شصت و هفت تومان و دوهزار آقای سردار ارشد در این انقلاب متدرجاً گرفته‌اند. آقای ابوالقاسم خان سیصد و هشتاد تومان مأخوذ داشته فعلاً آقای سردار فاتح به موجب تلگراف حضرت رئیس الوزراء با کمال سختی مطالبه پنج هزار تومان می کند. هر چه جواب مساعد گفتم قبول نشد. ناچار مخفی شده‌ام. الساعه

---

۱. امضاء اول ابوالقاسم خان ضرغام السلطنه و امضاء دوم از محمد رضا خان سردار فاتح است.

۲. محمدرضا خان ملقب به سردار فاتح بختیاری پسر امامقلی خان حاج ایلخانی بوده است که همچون دیگر سران بختیاری در دفع نایبیان با دولت و قوای مرکزی همکاری کرده است.

مأمورین آقای سردار فاتح به خانه شخصی بنده و اداره ریخته و از بنده تجسس نموده بعد از یأس، باکمال سختی، دفتر دار اداره را برده صدمه می زند و مطالبه وجه می کند. با این وضع فوراً تکلیف بنده و اداره را معین فرمایید. نمره ۳۱۰۱ پیشکار مالیه کاشان (مهر پیشکار مالیه)، محل مهر خزانه داری کل به شماره ۷۲۷۲.
۲۴ قوس

[شماره میکروفیلم ۲۴۰/۳۴-۵۹-۴۹]

۱۲۲

وزارت پست و تلگراف، اداره تحریرات پست، مورخه ۲۷ قوس ۱۳۲۹
نمره ۴۳۹۳/۱۷۲۹
وزارت جلیله داخله

مطابق سواد تلگراف رئیس پست اصفهان که سوادش لفاً ارسال شده است، نایب حسین پست مورخه ۷ قوس تهران به اصفهان را در امام زاده مسروق و نیز اسبهای شش منزل از کاشان الی طرق را برده است و این نکته را متذکراً اظهار می‌دارد که اگر بزودی از طرف آن وزارت جلیله در اعادهٔ امنیت و تسهیل عبور و مرور پست آن خط اقدامات مقتضیه نفرمایید و اغتشاش این راه بیش از این استعداد پیداکند، پست های دولتی اصفهان بکلی موقوف و تعطیل خواهد شد و تا زمانی که امنیت کلی در آن راه حاصل نشده است تمنا دارد که یک عده ژاندارمی برای حفظ تأمین آن خط تعیین و با تعلیمات لازمه زودتر اعزام فرمایند و نیز نتیجه اقدامات مبذوله را برای اطلاع این وزارت خانه اخطار خواهند فرمود.
مهر اداره تلگراف کاشان

[حاشیه:] (اداره) جنوب

[شماره میکروفیلم ۳-۸۲-۲-۲۹۳]

۱۲۳

وزارت داخله، سواد مراسله حکومت کاشان، مورخه ۱۸ حمل [۱۳۲۹ ق] نمره ۱۰۰۵

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در موقع ورود سرداران بختیاری به کاشان که اشرار از شهر فراراً رفتند، علی خان فروشی که از همراهان نایب حسین بود، از ابوزید آباد پنج فرسخی کاشان، از پیش حضرات فرار کرده به قریه فروش وطن خود رفته الی یومنا هذا آنجا بوده و هیچگونه حرکت خلافی از او به ظهور نرسیده تا این اوقات خبر دادند نایب حسین قاصدی نزد او فرستاده کاغذ به او نوشته اطمینان داده است که نزد آنها برود. با اطلاع انجمن محترم فارس برای علی خان پیغام نموده و تأمین داده شد به کاشان بیاید از او نگاهداری شود. فوری او هم اطمینان پیدا کرده نزد این بنده آمد. حضور هیئت انجمن محترم ولایتی کاغذهایی که اشرار به او نوشته بودند ارائه داد که عین آن نوشتجات را لفاً ایفاد داشت. از لحاظ مبارک خواهد گذشت. دیگر این که صورت جمع و خرجی ابراز داد که دلالت بر تحویلداری او نزد اشرار می‌نموده، از جمله نوشته بود پیشکار مالیه کاشان هفت هزار تومان و حال آن که مشارالیه در انجمن محترم ولایتی هشت هزار تومان قلم داده است. اعضاء انجمن محترم پس از ملاحظه این صورت خیلی تعجب حاصل نموده‌اند و اینک معلوم نیست در محاسبات وزارت مالیه هفت هزار تومان را پیشکار مالیه جمع داده است یا هشت هزار تومان. بدیهی است بعد از تحقیق مطلب مکشوف خواهد شد. عجالتاً علی خان مزبور به واسطه اطمینان و قولی که به او داده شده در ادارهٔ حکومت است و جوان قابل کافی به نظر می‌آید و با حضور اعضاء انجمن محترم ولایتی از دل و جان تعهد خدمتگذاری نموده است. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد.

[شماره میکروفیلم ۳-۲۳-۵۹-۲۴۰]

۱۲۴

مقام منیع مقدس حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم امجد عـالی آقـای وزارت جلیله داخله ارواحنافداه

تصدق آستانه اقدست گردیم

عرض این خانه زادان رعایا و تجار و کسبه قصبه نراق به آستان مقدس عالی آن که هرگاه بخواهیم وضع حال و پریشانی و صدمات فوق العاده و چپاولی که در هذه السنه به این یک مشت رعیت بیچاره فقیر مستأصل آواره نراق وارد آمده به عرض برسانیم، البته باعث صداع اولیای امور و جسارت و کثرت ملال آن ذات مـقدس خواهد شد. مدت یک سال است آنی و دقیقه‌ای آسوده نبوده‌ایم و همه وقت در تزلزل بوده چندی مشغول کشیک از خوف نایب حسین کاشی بوده‌ایـم. مـبالغی مخارج تفنگ چی و غیره نمودیم که بلکه گرفتار او نشویم و نراق محفوظ باشد. با این گونه خسارات وارده، سوارهای نایب حسین به نراق آمدند و مطالبه مالیات و سیورسات کردند. ناچاراً ملجأ شده قبول کنیم که در آن موقع حضرت اجل آقای ابوالقاسم خان بختیاری دام‌اقباله بایک صد سوار به جهت گرفتاری نایب حسـین به نراق وارد شدند. پنج شبانه روز خود و تمام سوارهایش را ضیافت کردیم و بعد هم چهارصد من به وزن شاه کاه و دویست من به وزن شاه جو حواله به رعیت داده دریافت نمودند که قبض مالیاتی بدهند. مبلغ یکصدوبیست تومان هم نقداً برای مخارج خودشان که تعاقب نایب حسین بودند دریافت فرمودند و چـریک کـه از اطراف جمع آوری نموده بودند به جهت گرفتاری نایب حسین از یک فرسخی نراق مرخص فرمودند و خودشان هم به‌کاشان تشریف بردند. مبلغ پانصد تومان مخارج داده و پول کاه و جو شده و ابداً قبض مالیاتی هم به‌کسـی نـدادنـد. قـریه‌ای کـه هزارتومان و کسری مالیات او است در سابق قریب پانصد تومان و کثری (کسری) به نایب الحکومه محل در اول سال پرداخته‌ایم و قریب پانصد تومان مخارج کشیک و تفنگچی نموده‌ایم، قریب پانصد تومان و کثری (کسری) آقای ابوالقـاسم خـان بختیاری گرفته و رفتند و بعد از چند روز نایب حسین کاشی با یک هزار و پانصد

سوار و پیاده وارد نراق شد. بعضی مردم فرار نموده بعضی ماندند. به مجرد ورود، آنچه گندم و جو در انبارها بود بارکرده تمام حجره‌ها را شکسته تماماً را بارکرده بیرون فرستاد. پنج شبانه روز با تمام اردویش به نراق توقف نمود، سوای خرابی خانه ها و درب و پنجره، شکستن معادل دویست هزار تومان اموال و مخلفات از قبیل فرش و رخت و غیره به یغما تاراج بردند. این مشت رعیت فلک زده تاراج شده که فعلاً در نراق هستیم خداوند متعال گواه و آگاه است از حال ما بیچارگان که نه نان داریم و نه آذوقه وکاه به جهة (جهت) مال و فرش زیر پا، این چاکران به روی خاک سیاه بی‌نان و زاد نشسته بعضی مشرف به مرگ بعضی در حالت پریشانی سر زمستان به‌گرسنگی وگرانی و ناامنی مبتلا، به جز دکان خرابه و خانه چیزی از برای ما نمانده است. اگر به انصاف و مروت و فتوت اولیای امور می‌کند این ظلم هایی پی در پی، آنها دانند و خداوند والا چهار معادل مالیات دادن و دویست هزار تومان اموال به چپاول و غارت رفتن دیگر هم مالیات باقی است. امید ازکرم عمیم و لطف کریم اولیای امور داریم که امر و مقرر شود وجوهاتی که آقای ابوالقاسم خان بختیاری بابت مخارج و سیورسات گرفته‌اند در وجه مالیات سنه آتیه محسوب و منظورگردد. أن امرکم الاجل المتعالی مطاع مطاع. مجدد به عرض می‌رساند که بعدها دویست هزار تومان اموال خانه زادان که نایب حسین کاشی به غارت برد، مبلغ پانصد تومان هم به اسم مالیات از چاکران گرفته و یک هزار تومان هم سند از چاکران بگیردکه همه روزه مطالبه می‌نماید. امرکم الاجل المتعالی مطاع مطاع

[حاشیه:] ورود به‌کابینه وزارت مالیه، ۱۳ حوت تنگوز ئیل، ۱۳۳۰، نمره ۱۱۹۵۹، نمره ۳۳۱۴ **[شماره میکروفیلم ۲۴۰/۷۱-۱۶-۲۳]**

۱۲۵

وزارت مالیه، ادارۀ مالیه نطنز و جوشقان، نمره ۳۵۲

مقام محترم خزانه دارکل

بعد از مراجعت از اصفهان در مقام تحقیق و تفتیش بر آمده راپورت ایام تعطیل

ادارهٔ نطنز از این قرار است:

سابقاً عرض نمود که نایب حسین به نطنز آمده از انتخاب السلطان[1] و میرزا نصرالله خان[2] نطنزی پول خواسته پنج هزار تومان قبض مالیاتی به آنها داده، نوشتهٔ پنج روزه گرفته، این که اظهار کرده بودند یک هزار و دویست تومان حاضر کرده در خضر (خفر) تحویل نایب حسین داده بودند که سوارهای بختیاری رسیدند، به موجب تحقیقاتی که به عمل آورده چهارصد تومان نقداً حاضر کرده بودند تحویل داده‌اند دویست تومان هم از بابت مالیات خضر قبض داده‌اند که معلوم نیست آنها گرفته‌اند یا نگرفته‌اند. چند فقره پول هم از دهات اطراف خضر از جزن و دستجرد حواله کرده بودند. یک نفر اجزای نایب حسین ساکن نطنز گرفته بود که از انتظام کاشان رعایای قریه مزبور وجه خود را از مشارالیه مسترد داشتند. ولی میرزا نصرالله خان و انتخاب السلطان معلوم نیست از مالیات نطنز چقدر مأخوذ کرده‌اند. تمام مباشرین و کدخدایان دهات را خواسته‌ام. بعد از رسیدگی مأخوذی آنها را معلوم و به عرض می رسانم. از طرف خود نایب حسین هم در موقع عبور به کاشان از اغلب دهات پول گرفته‌اند. به این ترتیب که حاج علی مباشر دهات مزبور را در کاشان گرفته قبض مالیات دهات مفصله را به او داده از مشارالیه سند گرفته‌اند که وصول کرده بپردازد. حالا اظهار می کند که تمام را پرداخته‌ام. یک مبلغ آن را که در خود دهات مزبور گرفته‌اند معلوم است. می گوید پانصد تومان هم در کاشان از من گرفته‌اند. معلوم نیست صدق یا کذب باشد. بعد از ورود کاشان، چهار نفر مأمور هم به نطنز فرستاده مطالبه تتمه وجه تمسک از انتخاب السلطان و میرزانصرالله خان نموده آنهاهم درکمال سختی مأمور به دهات نطنز فرستاده از مالیات دهات مبالغی مأخوذ و دوهزار تومان برات به حواله تاجر زردشتی کاشان حاضر کرده به توسط دو سه نفر کسان خودشان به کاشان فرستاده که به طمع تمنای مهلت مدارایی بکنند.

ورود آنها و رسیدن قزاق و فرار اشرار مصادف بود. حالا اظهار می‌کنند که هزار

---

۱. حاکم نطنز در حدود سال ۱۳۲۹ هـ‌ق

۲. شوهرخواهر انتخاب‌السلطان سابق‌الذکر که پیش از وی حاکم نطنز بود.

تومان آن را نایب حسین از بهرام تاجر زردشتی گرفته. تحقیق این فقره سهل و آسان است. اغلب مباشرین و اهالی دهات هم که نایب حسین و کسان او از آنها پول گرفته‌اند، در این مورد به خیال افتاده‌اند که بابت مالیات محسوب دارند. اگر چه عمل مالیه نطنز کوچک و مختصر است لیکن خیلی اختلاف و اشکال به هم رسانید. گمان می‌کنم اطلاعات و تحقیقات بنده مکفی نباشد. تمام اهالی نطنز با ادارهٔ مالیه طرفیت به هم رسانیده تصور می نمایند مالیات دیوان را می توان به این عنوانات حیف و میل نمود. چنانچه مقتضی بدانند برای رسیدگی و رفع این اختلافات یک نفر مفتش و مأمور از تهران یا اصفهان و کاشان به نطنز بفرستند. کاملاً رسیدگی نموده راپورت صحیحی به عرض برسانند، هر قسم مقرر فرمودند معمول و اطاعت شود.

احتشام‌السلطان

[حاشیه:] جواب نوشته شود به طور تحقیق معین کنید، چقدر بختیاری ها گرفته‌اند و چقدر هم واقعاً به نایب حسین رسیده و چه مقدار آن ادعا است. صورت صحیح جامع الاطرافی بفرستید و مخصوصاً گیرنده پول را اعم از بختیاری و غیره معین نمایند دو قبض راکه کی (چه کسی) مهرکرده بفرستید تا تکلیف آن [را] معین نماید. شما این قدر در گرفتن مالیات مسامحه کرده اید که سایرین گرفته‌اند. خیلی غریب است. دو نفر که ابداً سمت رسمیتی ندارند، در ظرف چند روز این قدر مالیات وصول می کنند و شما از اول سال تا حال هیچ اقدامی نکرده‌اید. در هر حال شما باید مالیات دیوان را مطالبه نمایید. جبر دخلی به مالیات ندارد و هر چه زودتر وصول کرده به بانک کاشان برسانید. در مسئله برات زردشتی چنان که خودتان هم نوشته‌اید تحقیق آسان است. تحقیقی کنید. به وزارت داخله هم نوشته شود. دولت هم باید پول به قشون بدهد و هم روسای بدون هیچ [بهانه] از ادارات مالیه پول بگیرند و هم نایب حسین مالیات از رعایا بگیرد.

به پیشکاران کاشان هم نوشته شود. در خصوص برات حواله کاشان تحقیقات نموده راپورت بدهد. **[شماره میکروفیلم ۹-۵۳-۱۴۲-۲۴۰]**

۱۲۶

وزارت داخـله، سـواد تـلگراف [احـمد] شـیبانی از کـاشان، مـورخـه ۲۱ دلو [۱۳۲۹ ق] نمره ۶

به توسط حضرت حجت الاسلام آقای مدرس مقام منیع وزارت جلیله داخله

پسر نایب حسین را به‌کاشان آورده تسلیم کردم، اهالی کاشان عیدی برای خود فراهم کردند [و] از تحمیلات آسوده شدند. ولی این کار وقتی نهایت پیدا می‌کند که نایب حسین موافق تعهدات خودش و استدعا و تعهدات اهالی و حکومت شغلی به او رجوع شود. الآن قریب چهارصد پانصد نفر الواط نزد آنها هستند و این جمعیت البته خرجی دارند و این خرج مستلزم تحمیل بر اهالی [است که] با ایـن قـحطی طاقت تحمل این بار گران راندارند، ولی از ترس جرأت نفس کشیدن نـمی کـنند. بانایب حسین گفتگوی مفصل کردم. مـی گـوید چـون از جـانم ایـمن نـیستم ایـن جمعیت را نمی‌توانم از خودم دور کنم. مرا به یک جایی بفرستید [که] اگر کشـته شدیم دولت و ملت آسوده می شوند، اگر فتح کردیم طرف توجه اولیـای دولت واقع می شویم که امتیاز همه چیز مرحمت کنید یا آن که یک راهی را به من بسپارند که منتخب از جمعیت خودم را به خدمت حفظ راه بگمارم به ایـن وسیله مـورد مرحمت شوم.اگر هیچ یک مرحمت نمی‌شود، یک حقوقی که با اقل این جمعیت بتوانم در گوشه [ای] بنشینم و گذران داشته باشم. فدوی عرض می کنم حقوق این یکصد نفر که یکی پانزده تومان، هیجده هزار تومان می شود، راه یزد یا سمنان به او مرحمت شود، این کار خاتمه پیدا می کند. با این که عجالتاً مرتکب اعمال سابقه از کشتن و غارت کردن نیست، ولی اهالی به طوری متزلزل هستند که شاید اولیـای دولت او را بلا تکلیف گذاشته خدمتی به او رجوع نفرمایند داستان سابق را تجدید نماید. این است استدعای عاجزانه دارم [که] راه سمنان به او مرحمت شود. منتظر جواب فوری هستم.

احمد شیبانی

[شماره میکروفیلم ۲۴-۵۳-۱۴۲-۲۴۰]

۱۲۷

وزارت‌مالیه، عریضه رعایای جزن و دستجرد، مورخه اول حوت [۱۳۲۹ق]، نمره ۱۸۸۱۰

مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

نایب حسین کاشی که از نطنز آمد و به خضر منزل کرد، دهات پهلوی خضر را مثل جزن و دستجرد و غیره زیاده از حد خرابی رسانید و زندگانی ما را به‌کلی غارت کرد و هرکدام حیوان پرواری داشتیم ازگوسفند وغیره حتی یک مرغ باقی نگذارد و دویست و هشتاد تومان پول از مباشرین مالیات محل دعاگویان گرفته و خطابی که به آنها نوشته حاضر است. حالا با این قحطی وگرانی و خشک سالی و قتل و غارت امین مالیه مأمورگذارده که دو مرتبه مالیات از دعاگویان می‌برد. تقصیر ما رعایا چی است و می گوید باید از [خزانه] حکم شود که پول شما را محسوب دارم. استدعا از حضور مبارک آن که امر و مقرر فرمائید که خزانه دارکل که پول دعاگویان را دو مرتبه مطالبه ننمایند و الا طاقت زیست و دادن پول نداریم.

به امضای نه نفر

[شماره میکروفیلم ۹-۴۴-۳۴-۲۴۰]

۱۲۸

مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

در اوائل ماه مبارک رمضان خبر آمدن نایب حسین به نطنز رسید. اهالی بدبخت مضطرب بودند تا سیم ماه مبارک، نایب مع پسرهایش با چهارصد نفر سوار و جمعی پیاده به نطنز آمدند. خودش مع پسرهایش آمدند منزل حکومت که انتخاب السلطان و شوهر همشیره او میرزانصرالله خان که حکومت سابق نطنز بود. سایر اتباعش به خانه ما بیچاره‌ها آمدند. احتشام السلطان که امین مالیه نطنز و داماد حکومت می باشد، چون خبر به او رسید همان وقت فرارکرد به اصفهان رفت. حالا دیگر حال اهالی بیچاره نطنز معلوم است. اولاً هرکس هر چه داشت از اسباب خانه

غارت کردند. پس از آن شروع نمودند به جریمه گرفتن از پانصد تومان الی پنج تومان به قضاوت از مردم گرفتند. از آن جمله اسباب خانه میرزانصرالله خان و انتخاب السلطان بود که در زیر زمین پنهان نموده بودند و نایب پیدا کرد. قریب پنجاه تومان از قالیچه و شال و ترمه کشمیر و جواهر و اسباب طلا و نقره و رخوت زنانه بود که اگر خدا نخواست(خدا نخواسته) نایب آنها(را) برده بود بی شک آنها مرده بودند. انتخاب السلطان فرستاد صدرالشریعه که یکی از دوستان او و با نایب هم دوست بود آورده واسطه قرارداد. عاقبت قرار شد نایب اسباب ها را به خودشان رد کند فقط پنج هزار تومان جریمه نقدی بدهند، نایب هم سند گرفت به قریه خفر آمد. فردای آن روز میرزانصرالله خان هزار و دویست تومان برداشت به قریه خفر آمد که به نایب بدهد، هنوز نرسیده بود که سوار بختیاری وارد شد شروع به دعوا نموده به کاشان فرستادند به اسم آن که پول برای نایب بردند. در صورتی که در آن موقع یک تومان کسی جرأت نمی کرد که از نطنز برون برد تا چه رسد به کاشان که دو منزل مسافت دارد. بعد از سه روز صدرالشریعه پیدا شد گفت هزار و پانصد تومان پول برای نایب بردم. ولی همراهانش گفتند دویست تومان پول به یکی از دوستان نایب دادند که حاج ابوالقاسم اسمش بود، رفت نزد نایب و سند انتخاب السلطان را پس گرفت. پنج هزار تومان هم قبض مالیات از نایب گرفته بود به شرط آن که هرگاه این سند رابه خرج دیوان بدهد، به توسط حاج ابوالقاسم پول او را به نایب برساند. حالا ما کار نداریم که این جریمه انتخاب السلطان و میرزانصرالله خان بود که می خواست نایب از آنها بگیرد و ندادند چرا باید پای دولت حساب کند و چنانچه بنا شد این پول را پای دولت حساب کند ما فقرا احق و اولا (اولی) هستیم. حالا تازه حکومت شهرت می دهد که اگر دولت این پول راقبول نکند ثانیاً از شماها خواهم گرفت. شما را به خدا انصاف بدهید با این گرانی گندم خرواری سی تومان باید از خارج وارد کنیم. اطراف ما را دزد محاصره کرده است. نایب حسین و اتباعش هر چه داشتیم غارت کرد، حالا می خواهند از ما دوباره مالیات بگیرند، در صورتی که یک دفعه به آن سختی از ما گرفتند. آخر تقصیر ما

رعیت بیچاره نطنز چیست. حالا دوباره احتشام السلطان که داماد حکومت می‌باشد، آمده است و از ما مطالبه مالیات می کند. استدعا آن که حکمی مرحمت بفرمایید که انتخاب السلطان پولی که از ما گرفته است به امین مالیه بدهد و ثانیاً از ما مطالبه نکنند. ولی اطلاعاً عرض می داریم خود نایب به کوهستان نطنز رفته قریب پانصد تومان از کدخدایان آنجا گرفته و قبض داده است. ایام عزت مستدام باد،
عریضه عموم رعایای نطنز

[حاشیه:] شنبه بیست و دویم شهر شوال پنج معمور(مأمور) حکومت و سه نفر مه بادی که همیشه در حدود نطنز دزدی می کردند این هشت نفر را انتخاب السلطان فرستاد به اسم آن که آنها آدم‌های نایب حسین می باشند، آمدند عقب پنج هزار تومان. حکومت مأمورین رابه خانه های ما فرستاد. در این موقع گرانی قریب ده هزار تومان به ما ضرر زدند از بابت قلق فراش و حق معمور (مأمور) و برنج ربی[1] سه تومان نیم (پلو) شاخدار و قند و تریاک و غیره دادیم. سه روز قریب پنج هزار تومان پول گرفتند و حکومت (بنام او) تصرف کرد روز بیست و چهارم طرف عصر صدرالشریعه[2]

[شماره میکروفیلم ۲۴۰ / ۳۴-۵۹-۵۰]

۱۲۹

وزارت پست و تلگراف، سواد تلگراف رئیس پست اصفهان
ریاست کل پست

بیست و هفتم قوس تهران به اصفهان در امام زاده خاک، نایب حسین کاشانی سرقت نموده. شش منزل اسبهای گاری خانه را از جز کاشان الی طرق برده.

---

۱. ربی یعنی هر ری وزن و ری که هنوز هم مرسوم است برابر با ۴ من تبریز می باشد (= ۱۲ کیلو) غرض از پلو شاخدار هم همان پلو است همراه با یک مرغ تمام. غرض از شاخ، دو استخوان رانهای مرغ است.

۲. صدرالشریعه: از دوستان نایب حسین کاشی که ضمناً با انتخاب السلطان حاکم نطنز هم مراودات دوستانه داشت و در یکی از حملات نایبیان در رمضان ۱۳۲۹ هق واسطه بین این دو گردید تا مال های غارتی به حاکم باز گردانده شود.

به واسطه انقلاب راه سه پست اصفهان که ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ قوس باشد از مورچه خورت رجعت نمود. سه پست محل را به امام زاده پست ۱۸ قوس از خط عراق با سه نفر غلام فرستاده شد صورت که صحیح شد می فرستم. نمره ۱۳۱۰، ۱۸ قوس

محمدرضا [سردار فاتح]

سواد مطابق اصل است

[شماره میکروفیلم ۲-۸۲-۲-۲۹۳]

۱۳۰

وزارت داخله، سواد تلگراف حکومت قم

توسط جناب آقا میرزا ابراهیم وکیل محترم قم

مقام منیع حضرت اشرف آقای وزیر داخله و رئیس الوزراء - قریب یک سال است بدون هیچ نوع مساعدتی از طرف اولیای دولت، انجام خدمت محوله و تنظیم شهر به قوه شخصی خود نموده، از امروز به بعد دیگر قوهٔ تحمل خسارت و طرف مسئولیت ندارد. هر چه داشته فروخته قروض مسافرت کاشان و تتمه مواجب شش ماهه قراسوران عراق را با قم و خرج استعداد برای نظم قم نموده سه ماه است حقوق اداره حکومتی نه تعیین و نه داده شده. امورات مختل، رئیس نظمیه هم که فرستاده‌اند بی‌تکلیف، برای محل حقوق و اسلحه از هنگامه کاشان و چپاول الوار در دهات عراق، این جا هم در تزلزل. با این وضع مساعدتی اولیای امور، چاکر از عهده خدمت بر نمی آید. رعیت خلجستان چاکر هم تمام متفرق، زیاده بر این قوه زیست و محارست این جا را ندارد. برای استحضار خاطر مبارک عرض می نماید. حکومت برای قم فرستاده، از سه روز دیگر به بعد چاکر خود را مسئول نظم شهر نمی داند.

غیاث لشکر

مهر وزارت داخله شعبه تحریرات جنوب

سواد مطابق اصل است.

[سند شماره ۲۴۰۰۱۲۹۳۸-۱۰۵ فاالف الف ۱]

۱۳۱

وزارت داخله،

حضور مبارک بندگان حضرت اقدس اسعدوالا آقای وزیر داخله مدظله

به عرض می رساند چندین سال است مستوفی سایرالملوک در عمل مالیات محلات و نراق زیادتی ننموده، هذه السنه با وجودی که رعیت آن صفحه به واسطه خسارات و تعدیاتی که از طرف حسین کاشی به آنها رسیده است مستحق مراعات هستند. برعکس محاسب دیوان، مستوفی‌سایرالملوک امسال مبلغی مالیات نراق را اضافه و سنوات قبل مطالبه می نماید و در این باب مکرر چه عموماً از نراق و چه کسانی که در دارالخلافه می باشیم حضور مبارک وزارت مالیه عریضه تظلم عرض نموده‌ایم که اصل و فرع مالیات سنوات ماضیه نراق از هر [جهت] بیست و یکهزار و نوزده تومان و کسری است. هرگاه هذه السنه دولت با بودن این همه خسارت اضافه فرموده، بفرمایید که بدانیم و هرگاه کمافی‌السابق است او را هم دستخط کنند که مستوفی و سایرین زیادتی ننمایند. جواب عریضه جات را بـه قـاعده نـمی‌دهند، گاهی می نویسند باید تحقیق بشود. گاهی می نویسند که دراین باب از طرف وزارت جلیله داخله مرقوم شده بود جواب عرض شد. همین طور رعیت بیچاره نراق بااین همه خسارت ها گرفتار تعدیات مستوفی می باشند. عاجزانه به عرض می رساند، دستخطی مرحمت فرمائید که مالیات نراق در صورتی که هنوز بـه مـمیزی نـرفته است از طرف دولت، به چه مناسبت مستوفی‌سایرالملوک از سنوات گذشته زیادتر مطالبه می نماید. حکمی صادر شود که نتواند زیادتی نماید. دیگر امر امر مبارک مطاع است. جان نثار معاون الممالک نراقی

سواد مطابق اصل است. **[سند شماره ۲۴۰۰۰۷۸۷۵-۱۱۳ز۱۱۳آآ]**

۱۳۲

مطلب خلاصه شود

رعایای نراق می نویسند با این که مالیات اینجا یکهزار تومان و کسری است، دو

سه هزار تومان به نایب حسین کاشی و ابوالقاسم خان بختیاری چه دستی داده و چه خرج کرده‌ایم. حالا هم نایب حسین مطالبه تنخواه می کند که بیست هزار تومان متضرر و غارت شده‌ایم. مستدعی هستند پولی که از آنها گرفته شده و سیورساتی که داده‌اند از بابت مالیات سنه آتیه محسوب شود.

[نامه رعایای عراق در دست نیست. روی پاکت گیرنده نوشته «مطلب خلاصه شود» مطالب مذکور خلاصه مفاد نامه است. در ذیل مطالب مذکور و روی پاکت چنین آمده است:]

عین مراسله به وزارت جلیله فرستاده شود که رعایای نراق به شرح عریضه همین طور اظهار تظلم کرده‌اند. چون به وزارت جنگ مربوط [نیست] به آن وزارت خانه فرستاده شود که به اطلاع حکومت، مدیر مالیه کاشان تحقیقات لازمه به عمل آورده حکم عادلانه در حق آنها بشود. همین طور به خودشان جواب صادر شود که چون به وزارت جنگ مربوط نبود رجوع به وزارت مالیه شد.

مطالب خود را به آن وزارت خانه رجوع کنند که به اطلاع حکومت و مدیر مالیه کاشان رسیدگی نمایند.

اداره محاسبات هر طور مقتضی است جواب بدهید.

[شماره میکروفیلم ۲۴۰/۷۸-۱۶-۲۳]

۱۳۳

وزارت مالیه، سواد مراسله جوابیه انجمن ولایتی طبس، مورخه ۱۵ محرم ۱۳۳۰، نمره ۸۱

حضور مبارک اعضای انجمن مقدس محترم ایالتی خراسان شیدالله ارکانهم

مرقومه نمره ۴۶۷۵ و سواد تلگراف وزارت جلیله داخله در باب تحقیقات خسارات اهالی طبس که چقدر بوده است زیارت، خسارات این محل از سرقت سارقین فارس در مدت پنج سال و نهب و غارت محمدعلی و حسین کاشی از حد و حصر بیرون و به طور واقع تحقیق و تعیین غیر امکان آن قدر واضح است که علاوه

[بر] مال التجاره، جمیع شتر و گوسفند این محل را سارقین فارس به سرقت برده و زمان ورود حسین کاشی و محمدعلی به طبس چون علی الغفلة بود، اعیان و اشراف و اهالی دست اهل و عیال خود راگرفته به حصار مخروبه شهر متحصن، اموال آنها در بیرون حصار. حسین کاشی و محمدعلی و کسانشان هر چه ممکن حمل و نقل بوده برده بقیه از فروش و ظروف و در و پنجره و اثاث البیت را شکسته و آتش کشیده، باقی مانده از نهب و غارت، بعضی از اهل محل برده‌اند که کسی عقب گیری نکرده، اقدامات انجمن هم در این موقع مثمرثمری نیست. علیمردان[۱]
انجمن ولایتی طبس مهر کابینه وزارت داخله
سواد مطابق اصل است **[سند شماره ۲۴۰۰۰۷۶۶۷-۴۲۲زاآاآا]**

۱۳۴

وزارت داخله، [از تهران به]کاشان، نمره ۱۱۹۶، تاریخ ۱۳۳۰ هـق، خیلی فوری ، رمز شود

حکومت جلیله کاشان

در این موقع که نایب حسین اظهار اطاعت می کند و امنیت می خواهد و شما هم خیال ملاقات با مشارالیه دارید باید شرایط احتیاط را از دست نداده و ملتفت باشید که مبادا در ضمن این اظهارات حیله و تزویری در نظر داشته باشد.

صحیح است رمز شود **[شماره میکروفیلم ۳۴۰-۴-۱۱-۲۹۳]**

۱۳۵

وزارت داخله، مورخه ۲۴ شهر صفر المظفر ۱۳۳۰، اداره کابینه، دایره مرموزات

استخراج تلگراف رمز حکومت کاشان

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

اقدامات که تا بحال در باب نایب حسین شده فقط محض حفظ و حیثیات دولت

---

۱. مأمور انجمن ولایتی طبس به سال ۱۳۳۰ هـق

و جلوگیری از ضرر و غارت و الاّ با جمعیت زیاد و وحشی و غارت گری که دارند محال است اطاعت کنند. این ایام اگر غیر از این اقدام می شد با این کم قوتی دولت و جماعتی الواط البته چند هزار نفر زیر دست و پا می‌رفتند. هنوز در کاشان هستند و قریب هزار و پانصد نفر زباناً اطاعت دارند. این متمرد از اموال غارت و تفنگ و توپ چیزی رو نکرده نوشته، چاکر را حکومت نطنز و اردستان و ماهی هزار و پانصد تومان حتقوق مرحمت نمایید، بنده هم باشرط استرداد توپ و اموال گاری حضرت ریاست وزراء قبول نموده فعلاً مقتضی است حکم شود سواری که وارد قم می شود به‌کاشان حرکت و گوشمالی با حاضر بودن قوتی مواد صلح محاربه شده است و اگر تمرد کند تمردکار را ختم می کند. سوء قصد به چاکر نمودند. خدا نخواست. مستدعی است فوری اقدامی بفرمایند اگر اسباب گاری را با توپ ندادند نزاع می شود. توجه فوری لازم است. پسر جانور او را با صد نفر سوار که عرض کردم خواسته بودید تمام‌کرده بودم. سوای قلع و قمع چاره نیست. نطنز را هم دادم فایده نکرد.

فتح الله بختیاری

[حاشیه:] دایره جنوب

فرمودند این ترتیبات که شما نوشته‌اید با قرار داد دولت منافات دارد و دولت نمی‌تواند در تعهدات خود خدعه و تدلیس بکند.

[شماره میکروفیلم ۲۰۲-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۳۶

وزارت داخله، اداره کابینه دایره مرموزات، نمره ۱۳۳۱، مورخه ۲۴ شهر صفر المظفر ۱۳۳۰، استخراج تلگراف رمز حکومت کاشان

مقام منیع وزارت جلیله داخله

جان خود را در راه دولت و ملت می دهد. اگر قوه فوری برسانید ماشاءالله خان حاضر است در بیرون شهر از من ملاقات کند. فوری او را دستگیر می کنم ولی باید

از قم راپورت به آنها ندهند. از علی آباد تلگرافخانه ایرانی و فرنگی قم آنها را راپورت می دهند. تلگرافهای اهالی از کاشان جواب مساعد است.

فتح الله بختیاری

[حاشیه:] دائره جنوب

به همان مضامین که در تلگراف دیگر یادداشت شده است، جواب بدهیدکه دولت برخلاف قرارداد خود نمی تواند اقدام بکند.

[شماره میکروفیلم ۴۱۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۳۷

عدلیه قم، مورخه ۸ شهر ربیع الاول ۱۳۳۰، ضمیمه سواد، نمره ۲۱۶

مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته العالی

جمع کثیری از رعایای غارت شده (راونج) از تعدیات نایب حسین کاشی به عدلیه قم آمده بطوری گریه و آه و ناله می کنند که هر دل سختی رقت می کند. دوفقره قبض به مهر سردار جنگ که ماشاءالله خان پسر نایب حسین باشد ارائه می دهند که سواداً ملاحظه می فرمایید و حکومت محلات هم جداً مطالبه مالیات می کند. گمان ندارد با تحقق این که آنها غارت زده و لاشیء محض شده‌اند، هیئت وزراء عظام تصویب فرمایندکه باز هم مسئول مالیات باشند. امید است پس از مذاکره موجبات آسایش آنها را فراهم فرمایند.

شیخ محمد[1]

[مهر:] ریاست عدلیه قم

[حاشیه ۱:] مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۰

[حاشیه ۲:] اداره محترمه خط عراق ۱۳ حوت

[شماره میکروفیلم ۱۳-۱-۵۴-۲۴۰]

---

۱. رئیس عدلیه قم در ۱۳۳۰ هق

۱۳۸

وزارت داخله، اداره ریاست ولایات دائره جنوب، مورخه ۱۱ حوت ۱۱ شهر ربیع الاول ۱۳۳۰، نمره ۸۰۱۶

جناب مسیو مرنارد[۱] رئیس کل گمرکات و کفیل خزانه داری کل

درجواب پیشنهاد جناب عالی درضمن نمره ۹۴۴۹ راجع به رجوع عمل قراسورانی و حفظ امنیت طرق و شوارع کاشان و اصفهان و یزد و کرمان به نایب حسین، زحمت می دهد که هیئت وزراء عظام اساساً این مطلب را تصویب نمودند.ولی تصور نمی‌رود که نایب حسین بتواند از عهده انتظام تمام این خطوط بر آید یا آن که خودش هم حقیقتاً متقبل این کارها بشود. چنان که خدمت مأموریت بروجرد هم به او رجوع شد و چون کارهای آنجا خالی از اشکال نبود زیر بار نرفت. حالا هم رجوع مسئولیت طرق و شوارع اصفهان به عهده آقای سردار ظفر حکمران اصفهان علاوه بر این که انتزاع آن خطوط از ایشان و رجوع امر به عهدهٔ نایب حسین مسلماً به مشکلات برخواهد خورد، نایب حسین هم زیر بار قبول خدمت به این سنگینی نخواهد رفت. ولی رجوع عمل قراسورانی و حفظ امنیت راه از نایین به یزد و از یزد تا کرمان را تصور می کنم هم بدون اشکال باشد و هم مشارالیه بتواند از عهده برآید و در این باب به مسیو سیورت[۲] رئیس صاحب منصبان مأمور شیراز که روز شنبه ۱۲ باا‌کسپدیسیون[۳] ژاندارمری به سمت فارس حرکت می کند دستورالعمل داده شده است که بعد از ورود به کاشان با نایب حسین مذاکره نموده قرار این کار را با او بدهد و نتیجه هرچه بشود به اطلاع جناب عالی خواهم رساند.

امضاء وثوق الدوله

[شماره میکروفیلم ۳۷-۵۳-۱۴۲-۲۴۰]

---

۱. از مستشاران بلژیکی مستخدم دولت ایران که ریاست کل گمرکات و کفالت خزانه داری کل ایران را برعهده داشت.

۲. رئیس صاحب منصبان مأمور شیراز در ژاندارمری خزانه بود.

۳. اکسپدیسیون به معنای هیئت اعزامی

۱۳۹

اداره خزانه داری کل دولت علیه ایران، تهران ۲۶ حوت تنگوزئیل نمره ۴۵-۱۱
وزارت جلیله مالیه
مرقومه محترمه نمره ۳۳۲۴ مورخه ۱۹ حوت در خصوص تظلم رعایای راونج واصل و زیارت شده، جواباً به عرض می رساند، قبل از وصول مرقومه محترمه حکم شده است که میزان مأخوذی نایب حسین را اداره مالیه محلات موقوف المطالبه بگذارد تا قرار کلی در این خصوص داده شده و حکم آن از طرف دولت بشود. هاگ امضاء
[حاشیه ۱:] مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۱۰ حمل ۱۳۳۰ نمره ۲۰۱۹۶
[حاشیه ۲:]کفیل خزانه داری کل
نایب حسین تنها از محالات راونج وجوه نگرفته بلکه ازکلیه محال کاشان و نطنز مأخوذ کرده است. چنانچه کراراً سواد عرض حال حضرات فرستاده شده و اینک که از اهالی مشهد اردهال به توسط وزارت داخله شرحی رسیده که سواد ارسال شد، بهتر آن است در موضوع کلیه اقدامی (اقدام کلی) نمائید که رشته شکایت گسیخته شود.

[شماره میکروفیلم ۷۱-۱۱-۵۴-۲۴۰]

۱۴۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران، نمره ۷ دولتی، عدد کلمات ۱۰۵، روز ۱۴ حمل سیچقان ئیل ۱۳۳۰
مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته
مکرر عرض کرده‌ام حالا هم عرض می کنم نایب حسین بهانه جویی می کند کاشانی (ها) با همان مفسدین سابق او را وادار می‌کنند که اطاعت از دولت نکند. کراراً محض دولتخواهی عرض کردم کاشان استعداد می خواهد. اقلاً صدوپنجاه نفر سوار که نظام باشند، بفرستید. با این سوار خودم ممکن است همه قسم

جلوگیر(ی) از مفاسدو عدم اطاعت داشته باشم. مال فرنگی را توضیح می خواهم می گویند داده‌ایم. دوروغ (دروغ) می گوید.اگر حالیه پنج هزار تومان ضرر به دولت می خورد هرگاه اعاده به‌کارهای سابق نمائید صد هزار تومان متجاوز، استعداد را فوری می‌خواهند. فتح الله بختیاری

به تاریخ شب ۱۵ شهر حمل سیچقان ئیل سنه ۱۳۳۰

[سند شماره ۵۵۲ ن۲الف ب۱-۲۹۲۰۰۵۶۱۱]

۱۴۱

وزارت داخله، اداره کابینه دایره مرموزات، نمره ۱۳۸، مورخه ۹ شهر جمادی الأول ۱۳۳۰

استخراج تلگراف رمز حکومت کاشان

مقام منیع وزارت جلیله داخله و حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء

نایب حسین راحت نمی شود اگر هم ایران به او داده شود. دست از شرف برداشتم برای اصلاح همه نوع ناگوار تحمل کردم. این روزها شدت کرده تمام املاک مردم را قباله گرفته [دخترهای] رعایا را می برند. مالیات دوسال مقر حکومتشان را گرفته، دویست نفر سوار او در دهات اطراف کاشان غارت [می کنند]. در شهر همه نوع تحکم می‌کنند، خیال او حکومت کاشان وکل مالیات است. یک نفر را برای این کار تهران فرستاده اهالی را تهدید نموده می خواهد عرصه تنگ شود، بنده خارج، او وارد شود، حاکم دیگری راه ندهد. اهالی [اجباراً] خواهش حکومت او را بکنند. تلگراف اجبار هم از اهالی گرفته، طاقت طاق شده با او این کار به سختی کشیده تکلیف چیست؟ ورود او حتمی است گاری شورآب [را] نوکر [های] او بردند. خیال پول قم بود. یکصدوپنجاه سوار فوری برسد کاشان محفوظ، والاکار گذشته. حقوق سوار نرسید با این قلیل گرسنه در شهر توقف می کنم تا تکلیف برسد.

فتح الله بختیاری

[حاشیه:] خیلی فوری

جواب بدهید؛ یکصد نفر سوار بختیاری برای کاشان مأمور شده و همین دو سه روزه حرکت می کنند. شما با قوه و استعداد حاضر خود مشغول انتظامات باشید، سوارها به فوری می رسند. **[شماره میکروفیلم ۳۱۵-۴-۱۱-۲۹۳]**

۱۴۲

حکومت قم، نمره ۸۰، تاریخ ۲۰ شهر حمل ۱۳۳۰ [ق]

مقام منیع وزارت جلیله داخله

مرقومه نمره ۸۴۶۶ راجع به استرداد شترهای انارکی زیارت شد. خاطر مبارک مستحضر است که اتباع نایب حسین در حدود قم و کاشان هنوز به کلی قلع و قمع نشده که بتوان اقدام صحیحی در این باب نمود و بسا هست که مجدد تولید زحمتی فراهم نموده به بلوکات صدمه وارد نمایند. در صورتی که اطمینان حاصل شود که مجدداً اسباب زحمت اولیای امور را فراهم نخواهند کرد، آن وقت سهل است در هر جا نشان بدهند گرفته به آنها مسترد شود. با این تفصیل اگر امر می فرمایند این ملاحظه را منظور نداشته شترهای مردم را بگیرم، تصریح فرمایید، اطاعت کنم.
احمد حکومت قم

[شماره میکروفیلم ۳۲۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۴۳

وزارت داخله، اداره کابینه، دائره مرموزات، مورخه ۲۰ شهر جمادی الاول ۱۳۳۰

استخراج تلگراف رمز حکومت اصفهان

توسط حضرت سردار اسعد دامت شوکته - مقام منیع وزارت جلیله داخله کراراً در خصوص حقوق سوار بختیاری و امنیه و نظمیه و غیره عرض و استدعا نموده و تمام به وعده، چند روز صبر نمائید، گذشت. آنقدر صبر نمودم که متجاوز از سه ماه طول کشید و بالغ بر سی هزار تومان قرض کرده به مصارف سوار و ادارات رسانیده

و کار به جایی رسید که هیچ کس از تجارتخانه ها قرض ندادند. نزدیک بود سوار بختیاری و ادارات از شدت فلاکت متفرق شوند. آقایان علماء ولایت حاضر شده مبلغی از بابت مالیات بدهند. دو سه روز است مشغول پرداخت بوده و هستند. امشب که شب ۱۴ است نوشته از قونسول گری انگلیس رسیده که عین آن را به عرض می رساند:

بعد عنوان، از قرار راپورت واصل چنین می نماید که در این اواخر چند مرتبه ژاندارم هائی را که مستخدم مالیه‌می باشند اذیت نموده‌اند و بر آنها تیراندازی کرده‌اند. مرتکبین در بعضی مواقع بختیاری بوده‌اند. مطابق دستورالعملی که از مأمورین انگلیس به این جانب رسیده است خاطر شریف را یادآوری می نمایم.

چنانچه بر پیشکار مالیه که تبعه انگلیس می باشد هرگونه سوء رفتاری شود وخامت دارد و نظر به اهمیت مسئله اصوب آن می دانم مستقیماً این مراسله را به جناب عالی عرض نمایم. ملاحظه فرمائید با این نرسیدن حقوق و این پروتست قونسول و آن همه شرارت پیشکار مالیه این بنده چگونه می تواند اصفهان را به حالت انتظام نگاهداری کند. مکرر عرض و استدعا کردم که متجاوز از چهل هزار تومان طلب دارم. لامحاله سی هزار تومان التفات فرمائید که تمام این پیش آمدها را، حالا عرض می کنم، بنده را از دست این بازی های پیشکار مالیه خلاص کنید یا حقوق خود و سوار و ادارات را که قرض کرده‌ام حواله فرمائید، به عوض قرض داده، مرخص فرمائید بروم خانه خود بنشینم. پس از عرض این تلگراف وزارت داخله شرحی در خصوص تغییر پیشکار مالیه تلگراف فرموده‌اند زیارت گردید. استدعا می‌کنم هر قدر زودتر در تغییر پیشکار مالیه اهتمام فرمائید، به حال مملکت و اهالی اصفهان انفع خواهد بود. چون همه روز در صدد اسباب چینی می باشد. اگر طول بکشد قنسول گری انگلیس را با بنده طرف خواهد نمود و حال آن که در این مدت چه قدر به ملایمت و مسالمت با قونسول‌گری راه رفته‌ام، تا رفع شر پیشکار مالیه نشود هیچکس آسوده نخواهد بود. خسرو بختیاری

[حاشیه:] جواب نوشته شود. **[شماره میکروفیلم ۸-۱۳۳-۳-۲۹۳]**

۱۴۴

وزارت داخله، اداره کابینه، دایرهٔ مرموزات، نمره ۲۱۲، مورخه ۲۱ شهر جمادی الاول ۱۳۳۰

استخراج تلگراف رمز حکومت اصفهان

توسط حضرت اشرف سردار اسعد مدظله - مقام منیع وزارت جلیله داخله در عوض وعده و اطمینان که فرمودید پیشکار مالیه را معزول فرمائید، امروز حکمی از وزارت جنگ رسیده که خانواری سرباز را به حیکاک بدهم، مواجب سرباز بدهد. در صورتی که بیست و چهار هزار تومان تا به حال قرض کرده به نظام داده‌ام معلوم می شود این فرمایشات بی‌نتیجه مانده. استدعا دارم انصاف فرمائید بنده به چه خلاف باید این طور مقصر باشد با این خدمت بزرگی که در این دست به ظهور رسیده اصفهان را از قحطی و بلوا خلاص داده، مملکتی را امن، سارقین و اشرار را به‌کلی از میان بردم. چه واقع شده که در عوض عزل حیکاک باید خانواری سرباز به او داده شود. مأیوس شدم خواستم فوری خود را از اصفهان خارج نمایم، به دو ملاحظه این کار را نکردم. یکی آن که نخواستم برخلاف میل سردار اسعد حرکتی نموده اسباب دلتنگی ایشان را فراهم کرده باشم و دیگر یقین داشتم سردار جنگ باامیر مفخم [به] تهران به قصد شرف یابی می‌آیند و البته نواقص کار اصفهان را به حضور مستطاب عالی عرض و اصلاح خواهند کرد. وضع اصفهان این است و حضرت سردار اسعد صلاح می دانند بنده و سردار جنگ را به‌کرمان و یزد بفرستید. پس از آن که طلب بنده را دولت بدهد و صحیحاً به حساب بنده رسیدگی شود، حاضر هستم بروم. اگر حیکاک پیشکار باشد ابداً به سر مبارک که اصفهان نه می مانم (نمی مانم) سهل است به سر مبارک قسم، اصفهان به هم می خورد. پیشکار مالیه خوب در اصفهان و تهران است. حیکاک باعث می شود هر کس [در] اصفهان با قونسول انگلیس طرف شود. خسرو بختیاری

ک ۱۶۹ --- ۴

[در حاشیه:] از یک طرف جناب عالی می نویسید که بیست و چهار هزار تومان

قرض کرده و (به) سوار داده‌اید، از یک طرف خزانه داری می نویسد پنجاه هزار تومان بدون سندی از بابت مالیات اصفهان دریافت داشته اید. لازم است در صورتی که از بابت مالیات وجهی دریافت نداشته‌اید مدلل دارید که به خزانه داری جواب داده شود. درخصوص پیشکار مالیه چنانچه سابق هم‌نوشته‌ام، مشغول اقدامات هستم و همین چند روزه پیشکار جدیدی معین و او احضار می شود. در باب حکومت یزد و کرمان عجالتاً مسکوت عنه بماند.

[شماره میکروفیلم ۷-۱۳۳-۳-۲۹۳]

۱۴۵

وزارت داخله، اداره کابینه دائره مرموزات، نمره ۲۲۳/۳۲۸۵، مورخه ۲۳ شهر جمادی الاولی ۱۳۳۰

استخراج تلگراف رمز حکومت کاشان

مقام منیع ریاست وزراء و وزارت داخله مکر ر عرض کردم، حقوق سوار بیچاره در این ولایت گرانی شش ماه است ابداً اعتنایی نفرمودید، همین فرمودید ورقه صادر می شود، مکرر عرض کردم کار نایب حسین را تمام کنید، ابداً جواب نرسید. فعلاً چهار روز حرکت از آنجا به کاشان می کند. بنده هم استعدادی ندارم، سهام السلطنه و چراغ علی خان شبانه با سوار از ترس رفتند، معلوم نیست به سمت اصفهان یا قم. کاشان در خطر است یک طرف بی‌استعدادی یک طرف اگر استعداد تا چهار روز ندهید از شهر خارج می شوم. راضی به ننگ نیستم. سوار[ها] از گرسنگی رفتند، ده هزار تومان به ارواح مرحوم ایلخانی مقروض شدم. هر چه عرض کردم نطنز پول نیست جواب فرمودند به خزانه داری اظهار شده است، حالا که کرور تومان به دولت ضرر می خورد، جواب چه می فرمایند. روز ۲۴ اگر سوار حرکت ننمودند خارج می شوم. چاکر فتح الله بختیاری

[حاشیه:] جنوب

جواب بنویسید که خارج شدن شما از کاشان خوش نمانیست به جز این که

اسباب توحش مردم و اغتشاش محل بشود نتیجه نخواهد داشت. البته هیچ تزلزل نشود و از جای خود حرکت نکنید. مراقب حفظ انتظامات آنجا باشید. سوار و استعداد کافی قریباً روانه می شود و از این بابت آسوده خواهید شد. به خود نایب حسین هم تلگراف شد که اگر چنین خیالی دارد منصرف شود. تلگرافی هم به نایب حسین و ماشاءالله خان بدون این که بدانند این راپرت را حکومت داده است، صادر شود که این طور خبر می رسد با تعهداتی که کرده‌اید هیچ نمی توانم این خبرها را قبول و تصدیق کنم. البته چنین خیالی دارید، این حرکت شما ابداً صلاحیت ندارد البته از این عزیمت منصرف شده از خاک نطنز، خارج نشود.

[شماره میکروفیلم ۳۱۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۴۶

دولت علیه ایران، وزارت داخله، شعبه تحریرات جنوب، [از] تهران [به] قم به تاریخ ۳۱ حمل ۱۳۳۰

حکومت قم

درباب شترهای منهوبهٔ انارکی که اظهار کرده اید استرداد آنها از اتباع نایب حسین که در خاک قم آمده تولید زحمت خواهد کرد. در صورتی که خود نایب حسین مطیع شده و تعهد خدمتگزاری کرده است، بدیهی است اتباع مشارالیه که در خاک قم هستند در رد شترهای منهوبه انارکی مسامحه و اهمال نخواهند کرد و موقوف به جزئی اهتمامات حکومت است. امضاء

[حاشیه:] نوشته شد **[شماره میکروفیلم ۲۹۶-۴-۱۱-۲۹۳]**

۱۴۷

از کاشان به تهران، نمره ۱۳ دولتی، عدد کلمات ۱۰۵ روز چهارم

مقام منیع وزارت جلیله داخله و حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء

نایب حسین راحت نمی شود، اگر هم ایران به او داده شود، دست از شرف

برداشتم. برای اصلاح همه نوع ناگوار تحمل کردم. این روزها شدت کرده تمام املاک مردم را قباله گرفته، دختر باکره رعایا را می برند. مالیات دوسال مقر حکومتشان را گرفته ۲۰۰ نفر سوار او در دهات اطراف کاشان غارت، در شهر همه نوع تحکم می کنند. خیال او حکومت کاشان و کل مالیات است. یک نفر را برای این کار تهران فرستاده اهالی را تهدید نموده می خواهد عرصه تنگ شود. بنده خارج او وارد حاکم دیگری راه ندهد. اهالی اجبار خواهش حکومت او را بکنند تلگراف اجبار هم از اهالی گرفته، طاقت طاق شده با او این کار به سختی کشیده تکلیف چیست، ورود او حتمی است. گاری شوراب نوکرانشان بردند خیال پول قم بود ۱۵۰ سوار فوری برسد کاشان محفوظ و الاّکار گذشته حقوق سوار نرسید. با این قلیل گرسنه در شهر توقف می کنم تا تکلیف برسد. فتح اله بختیاری

[حاشیه:] ۵ ثور سیچقان ئیل سنه ۱۳۳۰

[شماره میکروفیلم ۲۹۰ / ۷/۴۷۱/۴۷،۴۸،۴۹]

۱۴۸

وزارت داخله، اداره مرموزات، دائره استخراج تلگراف رمز حکومت کاشان، ۱۱ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۰، نمره ۲۹۹

مقام منیع وزارت جلیله داخله

تلگراف محترم در خصوص این که نایب حسین را به‌کاشان خواسته، مرقوم فرموده‌اید به واسطه این که دست از بعضی شرارت ها بردارد و آسوده باشد، دختر آن را از برای بنده زاده گرفتم، یکی از پسرهای او با پنجاه نفر سوار کاشان آمده هفتم شهر حال وارد شده تا در رکاب خودم مشغول خدمت باشد. مکرر عرض کردم در همه مورد خاطر مبارک آسوده باشد، در فرستادن آن عده سوار هم تعجیل کنید. این مسئله هم عرض می شود که خاطر مبارک مستحضر باشد لابد هستم، اگر توجهی به اداره نفرمایید ناچار هستم به واسطه مخارج زیاد دست از کار بکشم.

فتح الله بختیاری

[شماره میکروفیلم ۳۱۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۴۹

وزارت داخله، ادارهٔ مرموزات، دایرهٔ تلگراف رمز حکومت کاشان، نمره ۳۰۱، مورخه ۱۱ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۰

مقام منیع وزارت جلیله داخله

تلگراف محترم در طی نمره ۲۷۱ زیارت، در خصوص این که بعضی از اهالی به خیال افتاده‌اند که املاک خود را به آگنت واگذار نمایند مکرر عرض نموده که اگر امروز مبلغی دولت متضرر شود بهتر از این است که یک کاشان از این خراب تر بشود. در هر صورت چندی قبل آگنت به واسطه خیالات خودش به مردم وعده داده است. شیخ محمد کاشی در اصفهان مذاکرات نموده به کاشان آمده بعضی را محرک شده، به مجرد ورود جلوگیری شد. خاطر مبارک آسوده باشد ولی خوب است حدود آگنت را در کاشان معین فرمائید که اولیای امور آسوده باشند والا درصدد فساد است. استعداد فوری لازم است. فتح الله بختیاری

[حاشیه:] خیلی فوری، سواد به وزارت خارجه فرستاده و جلوگیری آگنت را بخواهید.

[شماره میکروفیلم ۳۰۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۵۰

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره عمومی ۲۲۶۷، کارتن ۸۶، دوسیه ۴، نوع مسوده مکتوب، تاریخ ۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۰

اداره خزانه دارکل

در ضمن مراسله جوابیه نمره ۱۶۲۴ راجع به وجوه مأخوذی نایب حسین کاشانی از محلات و نطنز و کاشان که اشعار داشته بودید، چون بعضی از اشخاص قبوض جعلی ساخته‌اند ازکلیه مأخوذی مشارالیه تومانی پنج قران و خرواری پنجاه من آن قبول و باقی مالیات وصول و ایصال شود.

اینک جواباً زحمت افزا است که این ترتیب گویا مقرون بر عدالت نباشد. زیرا از

رعایا و ملاکینی که در معرض نهب و غارت و تاراج اتباع نایب حسین واقع شده‌اند و کلیه محصولات آنها غارت شده ابداً سزاوار نیست، در ثانی نصف مالیات از آنها مأخوذ شود. برای جلوگیری از این مسئله لازم است غدغن نمایید که هرگاه اسناد مجموعه ملاحظه شود و مجعولیت آن به ثبوت برسد کلیه اسناد مزبوره را به خرج حساب ملاکین نگذارند و تمام مالیات را از دارندگان اسناد مذکوره مطالبه کنند، ولی اشخاصی که دارای اسناد صحیحه هستند، مقرر دارید مطابق اسنادی که در دست دارند تمام نقد و جنس مأخوذی را از بابت بدهی‌شان محسوب نمایند. چیزی که این مورد محظورات متصوره را رفع می کند این است که بدواً در تمیز و تشخیص قبض صحیح و مجعولی دقت نمایند.

[شماره میکروفیلم ۴-۱۱-۵۴-۲۴۰]

۱۵۱

وزارت داخله، نمره ۲۷۸، مورخه ۴ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۰ [ق]

خیلی فوری، به حکومت کاشان رمز شود

موافق اطلاعی که رسیده است بعضی از اهالی کاشان به واسطه پاره‌ای تعدیات که از نایب حسین و غیره به آنها می شود، محرمانه با قونسولگری اصفهان بعضی مذاکرات و مکاتبات کرده‌اند که یک نفر اگنت[1] صحیحی برای کاشان تعیین کرده بفرستد و خیال دارند که املاک و علاقه جات خودشان را به توسط آن اگنت در تحت حمایت بعضی مقامات در آورند. نمی دانم اطلاع جناب عالی در این باب چیست و چطور شده که تا حال راپورتی از این مسئله به وزارت داخله نداده‌اید. البته اگر اینطور است به وسایل خفیه سریعه (سریعاً) از این اقدامات جلوگیری کرده و اسباب امنیت و آسایش را برای اهالی فراهم سازید که بالطبیعه از این خیالات منصرف گردیده این قبیل تشبثات را موقوف دارند. منتظر جواب فوری هستم که اگر چنین چیزی هست در آنجا هم بعضی اقدامات بشود.

[شماره میکروفیلم ۳۹۰-۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. آگنت: agent (مأمور)

۱۵۲

دولت علیه ایران، وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۴۳۴۱/۲۴۴۱، کارتن ۱ دوسیه ۷، تهران قم به تاریخ ۸ جوزا ۱۳۳۰

لایحه به حکومت قم

در ضمن نمره ۲۳۴ شرحی از مزاحمت سوارهای نایب حسین نسبت به سادات و اهالی اردهال اظهار کرده بود. در این باب بر طبق تلگراف شما شرحی مؤکداً به خود نایب حسین تلگراف کرده‌ام که به قرار تعهد ضمن نگهداری ممکن است سوارهای خودش را از این حرکات اکیداً ممنوع داشته و اگر چیزی از اهالی آنجا گرفته باشند استرداد نمایند. البته شما هم به هر طوری که مقتضی بدانید جلوگیری خواهید نمود.

[شماره میکروفیلم ۲۸۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۵۳

وزارت داخله، سواد تلگراف حکومت کاشان، مورخه ۱ سرطان، نمره ۲۲۳۲

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

دو روز قبل برای ملاقات نایب حسین خان و ماشاءالله خان به باغ فین رفتم. حقیقه (حقیقتاً) از ترتیب خرابی باغ و عمارت وکلاه فرنگی خیلی اسباب دلتنگی شد. زیرا تمام عمارت آن خراب و اگر فوری دو سه هزار تومان خرج تعمیرات آن نشود وسایل به‌کلی ویران و به واسطه خرابی دیوارهای آن دیگر درختی در باغ باقی نخواهد ماند. چنانچه رأی مبارک علاقه‌ای بگیرد به اطلاع پیشکار مالیه و ریاست تلگراف اجازه داده شود که فوری دو سه هزار تومان خرج تعمیرات آنجا بشود. هرگاه این اجازه داده نشود به دو سه بارندگی به‌کلی از میان می رود و اگر دولت اجازه برای تعمیر آن ندهد باغ را به بنده به مالکیت واگذار فرمایند. بنده هم هزار تومان نقداً به دولت تقدیم می کنم و مبلغی هم خرج تعمیرات آنجا می کنم که در موقع لزوم برای پذیرایی مأمورین دولت هم یک جائی آماده باشد. فتح الله

[حاشیه:] مهر ورود به‌کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۶ سرطان ۱۳۳۰ نمره ۳۵۷۷
[سند شماره ۲۴۰۰۱۹۱۷۰-۱۱۹الف اب‌الف‌۱]

۱۵۴

وزارت داخله، ادارهٔ کابینه دایرهٔ مرموزات، نمره ۳۴۴/۵۴۷۵، مورخه ۳ شهر رجب ۱۳۳۰، استخراج تلگراف رمز حکومت کاشان

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

صدماتی که در ایام توقف کاشان متحمل شده در اصلاح انقلابات و به اطاعت آوردن نایب حسین با پسرهایش و هفتصد نفر سوار، مقام حق شناسی اولیای امور مقتضی تمجید می دانستم و یقین داشتم خدمات فدوی قدر و قیمت خواهد داشت بر عکس انتخاب نایب الحکومه جدید که از روز ورود الی کنون اوقاتش صرف اضمحلال فدوی و اشتغال فساد و بطلان زحمات نه ماه چاکر بوده. من جمله بین حکومت و سایر طبقات و نایب حسینی ها، امروزکه ماشاءالله خان برای ملاقات بنده و اصلاح امورات خود به‌کاشان می آید، نایب الحکومه جلو رفته و جداً ممانعت از آنها نموده به اینطورکه حکومت چند نفر را برای کشتن شما پنهان نموده، مسلم این حرف چقدر موثر است. خدا شاهد است اگر چند نفر عقلا جلوگیری نکرده بودند آشوبی بر پا شده بودکه دولت دچار زحمت بلکه جان بنده در خطر، اسباب کار پلتیک به‌دست اگنت (نماینده) می دهد اگر تا ۲۴ ساعت دیگراحضارنشود، اساس حکومت متفرق و زحمات چاکر بی‌حاصل.

فتح الله بختیاری

[حاشیه:] مقصود لسان الملک است. فوری است. لسان الملک را احضار کنید.
[شماره میکروفیلم ۳۲۲-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۵۵

وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۲۷۲۶، شعبه تحریرات جنوب، [از] تهران [به]

کاشان، ۲۴ سرطان ۱۳۳۰، تلگراف فوری است. به‌حکومت کاشان و نطنز رمز می‌شود.

دوتلگراف مرموز جناب عالی راجع به عمل نایب حسین و مسئله پول بانک رسید. عمل نایب حسین عن قریب تمام و تکلیف کار او معین خواهد شد. با کمال قوت قلب و اطمینان خاطر به وظایف حکومتی پرداخته، تردیدی به خاطر راه ندهید. در باب پول بانک به اطمینان تلگرافات سابق جناب عالی که نوشته بود؛ حکومت قم یک روز قبل از حرکت دادن پول به شما تلگراف شد تا سوار در داخل خاک قم حاضر نمائید، مقداری پول از قم حمل شده و به شما هم تلگرافاً اطلاع داده بودند. دیگر برگرداندن آن ممکن نبود. البته سوار فرستاده سالماً از خاک کاشان رد خواهیم کرد ولی بعدها در حمل پول قدری تأمل خواهد شد. امضا

[حاشیه بالا:]۴۴۳ - نمره ۴۴۵

[شماره میکروفیلم ۴۳۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۵۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، تلگراف از قم به تهران، نمره ۱۹ دولتی، عدد کلمات ۱۲۵، روز ۲۵، مقابله شد

مقام منیع وزارت جلیله داخله

جمعی از اتباع داخله جمعی از اتباع نایب حسین در حدود قم و ییلاقات و جمعی دیگر از اشرار در سر راه عراق تا سه فرسخی اینجا مشغول سرقت و راهزنی و چپاول مال مردم هستند و سرقت زدگان متوالیاً وارد شهر می شوند. چنانچه خاطر مبارک مستحضر است، حکومت از خود که استعدادی ندارد و قوهٔ مرکزی هم که تا حال نرسیده ادارهٔ ژاندارمری هم مسئولیت و مأموریت غیر راه از قم به تهران را بر عهده نمی گیرد. مستدعی هستم هر چه زودتر تکلیف را معین فرمایید که دنباله این کار خیلی اسباب زحمت برای دولت خواهد شد. استدعا دارم که اقدامات منحصر به فرستادن سواد نزد نایب حسین نباشد که اسباب کلی لجاج و شدت عملجات

(عملیات؟) خواهد شد.

نمره ۴۴۵ تاریخ ۲۶ سرطان سیچقان ئیل ۱۳۳۰ احمد

[شماره میکروفیلم ۳۷۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۵۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران، نمره ۱۷ دولتی، عدد کلمات ۸۲، به تاریخ ۲۶ سرطان سیچقان ئیل ۱۳۳۰

مقام منیع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و وزیر داخله دامت شوکتها

آیا کاشان جزو آب و خاک ایران نیست. نایب حسین دارد مالیات می گیرد. دست رد به سینه احدی نگذاشته، با صد نفر سوار شهر یا بیرون، پول بانک کجا نگهداری کنم. یا کار او را دنبال بفرمائید بروند یا استعدادی یا بنده را بخواهید. به فرق مبارکت به ارواح مرحوم ایلخانی اگر این عرض به فوری انجام ندهید، حرکت می کنم. من زنده باشم نایب حسین مالیات بگیرد [؟] محض استحضار خاطر مبارکتان عرض شد. فتح الله بختیاری

[شماره میکروفیلم ۳۳-۴۷۱-۷-۲۹۰]

۱۵۸

وزارت داخله، اداره کابینه دایره مرموزات نمره ۴۱۹ مورخه ۲۸ رجب ۱۳۳۰

استخراج تلگراف رمز حکومت اصفهان

مقام منیع وزارت جلیله داخله جواب نمره ۴۰۷ تلگراف مبارک زیارت. در مسئله حمل پول بانک جهة (جهت) اصفهان یزد اعتمادی به خاک یزد و نطنز با افعال نایب حسین ندارم، ولی بحمدالله خاک اصفهان منتظم است. باز هم احتیاطاً قبل از حمل پول به خاک اصفهان اطلاع دهید تا سوار فوق العاده بفرستم. از نظام آباد تا اصل خاک یزدکه قلمرو این بنده است ان شاءالله سالماً بگذرانند. ۲۶ رجب

خسرو بختیاری

[حاشیه:]ک ۱۹ د ۳ **[شماره میکروفیلم ۳-۱۳۳-۳-۲۹۳]**

۱۵۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از بیرجند به تهران، نمره تلگراف ۵۲، نمره قبض ۶۴۱، توضیحات: بر حسب تقاضای تلگرافی نمره ۵۳ حکومت بیرجند که به وزارت جلیله داخله ارسال شد، ۲۸ سرطان

کپیه وزارت جلیله داخله تهران، مقام منیع بندگان حضرت اقدس آقای رئیس الوزراء روحی فداه، در تعقیب نمره ۳۳ خود مورخه ۲۵ شعبان جسارت می ورزد، تا به حال خبر ورود عابرین آلمانی به خاک چاکر نرسیده است. لیکن نوشته مورخه پنجم رمضان قونسول انگلیس شکایت می کند که یک قسمت آلمانی ها مدتی است به‌کرمان وارد شده‌اند قسمت دیگر به طبس رسیده‌اند، دویست نفر هم از همراهان نایب حسین کاشانی همراهشان هستند و هنوز منتظر دستجات دیگر هستند که به آنها ملحق شوند. چاکر تا به حال در این موضوع به‌کلی بی تکلیف مانده است. واقعاً اگر خبر ملحق شدن اتباع نایب حسین به آنها صحیح باشد، چاکر تصور می نمایم ورودشان به خاک نایین است بی شرارت و هرزگی نخواهد شد. چاکرانه مستدعی است به عرایض زودتر جواب مرحمت شود. نمره ۳۵

۶ رمضان خانزاد(خانه زاد) محمدابراهیم

[محل در آرشیو ۲۹۳۰۰۳۳۸۶ / ۵۰۲ع۴ب‌الف‌ا]

۱۶۰

وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۲۹۳۳، شعبه تحریرات جنوب، تهران، ۳۰ سرطان ۱۳۳۰ صادره حکم

چون برای ریاست قراسورانی و حفظ امنیت و انتظام طرق و شوارع پستی و قافله رو کل ولایات که از این وسایل ترقی و تجارت و ازدیاد ثروت مملکت و از امور مهم است، انتخاب اشخاص کافی کارآگاه که تعهد خدمت از روی اطاعت نمایند و کاملاً حاضر قبول مسئولیت این خدمت باتمام شرایط باشند، لازم بود، لهذا ریاست قراسورانی و حفظ امنیت و انتظامات طرق و شوارع پستی و قافله رو

خطوط راه از خارج شهر قم الی کاشان و نطنز و اردستان و یزد که منتهی می شود به اول خاک کرمان موافق بودجه و حقوق آنها و اسامی منازل و مساحت قرب و بعد آنها از روی فرسخ معین است به عهده کفایت آقای ماشاءالله خان واگذار گردید که موافق تعهداتی که در قبول مسئولیت این خدمت کرده است، سواره و پیاده قراسورانی ابواب جمعی خود را در منازل عرض راه تقسیم و مراقبت و حراست قوافل و پست های دولتی و کلیه عابرین نموده دقیقه ای غفلت نکرده و مطابق تعهداتی که کرده است اگر در این راه دزدی و سرقتی بشود عیناً یا غرامةً از عهده بر آمده وظیفه این خدمت را کاملاً ادا نماید. حقوق قراسورانی هم موافق بودجه از وقتی مرتباً داده خواهد شد که سوار و پیاده قراسورانی در منازل عرض راه حاضر و حافظ امنیت بوده از وجود قراسورانهای سابق مستغنی باشد. مقرر آن که عموم حکام بااحتشام یزد و قم و کاشان مشارالیه را رئیس قراسورانی و مسئول امنیت طرق و شوارع مزبوره دانسته کلیه امور مربوط به این خدمت را به مشارالیه رجوع نمایند.

شرح ذیل را حضرت اشرف آقای حاج محتشم السلطنه وزیر داخله دامت شوکته به خط خودشان مرقوم فرموده‌اند.

آقای ماشاءالله خان بدانید که دولت خیلی انتظار خدمت از شما دارد که به کلی رفع اعمال سابقه شده در آتیه مرجع خدمت بهتر شوند ولی به طوری که در متن هم نوشته شده است؛ اولاً باید از ساعتی که تلگراف به شما رسیده سوار و پیاده زیادی که در نزد خودتان و پدرتان و برادرتان هست به کلی متفرق کرده و فقط به همین مقدار سوار و پیاده که دولت برای قراسورانی معین کرده است قناعت نموده و آنها را هم به فوریت در نقاط معینه قسمت کرده راپورت بدهید و توصیه اکید نمایید که با کمال صحت و درستی مشغول خدمت باشند و فقط مال و امنیت و جان عابرین را کاملاً به عمل بیاورند. ثانیاً عن قریب مأمورمخصوص خواهد آمد که اسبهای سوارها را داغ نموده و به (با) اطلاع شما صورت موجودی را به اسم و رسم و قبض تفنگ و داغ اسب بردارد که داخل خدمت دولت به طور واقع باشند و مطمئن

باشید که بعد از این شما و سرکردگان جزو افراد سوار و پیاده مستخدم صحیح دولت هستید. ثالثاً معلم هم برای آنها فرستاده می شود که آنها را به ترتیب مشق و تعلیم نظامی آشنا بنماید. البته خودتان چون ملتفت هستید که نیت من نگهداری شما برای خدمت دولت و پاک کردن سابقه امور است از این تکالیف دقیقه [ای] فروگذار ناکرده و بدانید که به (با) این شرایط دولت باشما رفتارکرده و حقوق شما و سوار و پیاده قراسوران ابواب جمعی شما را خواهد داد. به علاوه این فقره را هم لازم است مزید نمایم که اولاً باید خیلی مراقب حفظ و امنیت پست و سرعت عبور و مرور آن باشید. ثانیاً از احدی از عابرین سبیل و تجار و قوافل سمت نباید دیناری به هیچ اسم و رسم سواران شما توقع و تمنایی نموده و از کسی به اسم راهداری یا سلامت روی یا غیره چیزی دریافت نمایند. ثالثاً با حکام خطوطی که مراقبت قراسورانی آن هستید باید خیلی به مساعدت و موافقت حرکت کرده و مقوی خدمت حکومت بوده از آنها هم تقویت برای خدمت دولت تعیین محل و عابرین تحصیل نمایند.

[حاشیه سند:] جمله اخیر به نظر ناتمام می آید همین طور بوده است یا چیزی افتاده است.(؟)

[شماره میکروفیلم ۱۲۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۶۱

دولت علیه ایران، وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۲۹۲۷، شعبه تحریرات جنوب، تهران، ۳۰ سرطان ۱۳۳۰، صادره مکتوب

آقای ماشاءالله خان

نظر به تعهداتی که کتباً و تلگرافاً در خدمتگذاری (خدمت گزاری) دولت ابدمدت جناب مستطاب حجةالاسلام آقا مدرس نموده و نیز ثانیاً به توسط آقای میرزا سید ابراهیم تاجر کاشانی که طرف وثوق و اعتماد است، تعهدات خودتان را در نزد اولیای دولت تجدید و اطمینان از خدمتگذاری (خدمت گزاری) و

درستکاری خودتان داده عفو و اغماض و مراحم دولت را نسبت به خودتان جلب کرده بودید، محض تشویق و دلگرمی شما موافق احکام جداگانه ریاست سواره و پیاده قراسوارانی طرق و شوارع از خارج شهر قم الی کاشان، یزد تا اول خاک کرمان با حقوق معین به عهده شما واگذارو مخصوصاً این نکته را خاطرنشان شما می‌کنم: حالاکه به جبران گذشته قبول این خدمت رانموده خودتان را طرف مرحمت دولت قرار داده‌اید، اولاً زیاده از عده هزار سوار و پیاده که تصویب شده است، نزد خودتان نگاه نداشته آنچه سوار اضافی دارید مرخص کنید. ثانیاً اسبهای آنها را هم داغ مخصوص دولتی نموده و از افراد آنها قبض تفنگ به اسم دولت گرفته بفرستید تا معلوم شود آنها سوار قراسوران دولتی هستند و تفنگ هایی که در دست دارند متعلق به دولت است. ثالثاً به ملاحظه این که این سوارها با ترتیب جدید مسبوق باشند که به یک درجه داخل به فرم نظامی شده باشند، معلمی از مرکز فرستاده خواهد شد که آنها را مشق و تعلیمات داده از فنون نظامی مطلع باشند. بدیهی است به این ترتیب رفتار و طوری باید وظیفه دانسته و درک نکاتی را در موضوع انفاذ و تحمیل رفتار با عموم اهالی خودتان را معرفی خواهید کرد که اعمال گذشته یا فعلیه از خاطرها فراموش و یک حس اعتمادی در نزد اولیای دولت پیدا کرده، مستعد رجوع خدمات بزرگتر شوید و نیز متذکر به این شرط می شوم اگر تا سه ماه موافق این شرایط و تعهدات خودتان رفتار و رضای خاطر اولیای دولت را کاملاً جلب کنید، بدیهی است که رجوع این خدمت به شما دائمی و بلکه ترقیات دیگر حاصل خواهید نمود.

[شماره میکروفیلم ۱۲۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۶۲

وزارت مالیه، اداره مالیه کاشان، نمره ۵۹۴، ۱۹ اسد ۱۳۳۰، محرمانه

مقام خزانه داری کل

دو روز قبل امتیاز و نشان برای ماشاءالله خان پسر نایب حسین واردکاشان شده

و معلوم می شود از طرف وزارت جلیله داخله امنیت راه از ابتدای خاک قم تا انتهای خاک یزد به مشارالیه واگذار شده است. تاکنون آنچه از رعایا می گرفتند، اکثر را به اسم سیورسات قبض می دادند. یعنی می گفتند اهل بلد خودشان با ما همراهی می کنند ربطی به مالیات ندارد و تک تک دیده می شد که قبض از بابت مالیات می دهند. بعد از ورود خلعت و امتیاز، علاوه بر این که قبض مالیاتی می‌دهند، در حاشیه قبض خود می نویسند، پیشکار مالیه از بابت حقوق سوار ما محسوب نماید. خاطر محترم مستحضر است که برای بنده جلوگیری از این اقدامات ممکن نیست. تکلیف بنده فقط عرض و راپورت است. مستدعی است از هئیت دولت تقاضا فرمایند که تکلیف حقوق سوار مشارالیه را معین (ناخوانا) به‌کاشان مرحمت شود. شاید بتوان قبض مأخوذی او را از بابت هذه‌السنه جمع آوری نموده از بابت حقوق سوار محسوب داشت و در آتیه در صورتی که تکلیف حقوق سوار او ماه به ماه معین شود، از این بی‌ترتیبی ها که اسباب [ناخوانا] زحمات مأمور مالیه است جلوگیری شود. مصطفی علی آبادی[1]

[حاشیه به لاتین] ۲۴ اگوست ۱۹۱۲ - نمره ۸۸۱۴

[شماره میکروفیلم ۲۵۵-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]

۱۶۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران، نمره ۱۱ دولتی [رمز]، عدد کلمات ۱۲۸، روز ۲۰، مقابله شد

مقام منیع وزارت جلیله داخله

در خصوص مرحمت فرمودن طرق و شوارع یزد به ماشاءالله خان و اتباع نایب حسین، اگر چه احاطه و بصیرت حضرت اشرف به امور دقیقه مملکت مستغنی از بیان بنده است، ولی لازم می دانم خاطر مبارک را متذکر سازم که اتباع نایب و سواران او ابداً در [اطاعت] کسی نیستندو نخواهند [بود]. موافق اطلاعاتی که می

۱. حاکم یزد به سال ۱۳۳۰ هق

رسد، فعلاً در راه کاشان به حال هیچ کس رحم نمی کنند. یقین دارم که آنها در تحت حکم بنده نخواهند بود بلکه خود حکومت مستقله در یزد، خواهندکرد. این عرایض برای آن است که بعدها اگر گفتگویی از مردم بلند شد یا اتفاقات غیر مترقبه رخ داد، بر بنده اعتراضات نشود. امیداست که آن وزارت جلیله تمام ملاحظات حالی و مآلی را فرموده باشد. شهاب الدوله

مهر تلگرافخانه مبارکه تهران به تاریخ ۲۳ شهر اسد، سیچقان ئیل سنه ۱۳۳۰

[حاشیه:] ۲۷ اسد رسید

[شماره میکروفیلم ۲۹۰/۷-۴۷۱-۳۰]

۱۶۴

وزارت مالیه، اداره مالیه کاشان، نمره ۶۲۴، ۲۹ برج اسد ۱۳۳۰

مقام خزانه داری کل

با این که قریب بیست روز است خلعت و حکم ریاست امنیه راه یزد برای ماشاءالله خان پسر نایب حسین از طرف وزارت جلیله داخله به کاشان آمده و حکم شده بوده است که پس از وصول خلعت و حکم بیش از سه روز در کاشان نمانده با سواران خود به سر خدمت بروند، هنوز نرفته و معلوم نیست بروند یا نروند و به تازگی باز سیورسات به رعایای بدبخت کاشان حواله داده‌اند. به هر حال در این صورت انتظار بردن این که حضرات دست از حرکات غیر مشروع خود بردارند و به مواعید کاذبه آنها اطمینان کردن که پس از رجوع خدمت از طرف دولت آنها به سرکار خود رفته نوکر مطیع دولت خواهند شد، ظاهراً یک اطمینان و انتظار ساده‌لوحانه به نظر می آید. خاطر محترم مستحضر است که با وجود بودن آنها در کاشان، علاوه بر این که مالیات به واسطه خود آنها در معرض حیف و میل است، هیچ یک از فرامین و دستورالعمل های خزانه داری کل را کاملاً نمی توان به موقع اجری [اجراء] گذارد. نزد خود آنها یک مستمسک بزرگی برای دست اندازی حکام کاشان به مالیات است، زیراکه حکومت مکرر در مقابل تعرض اداره مالیه از این که

به موجب بروات خود از تنخواه مالیات دریافت داشته اظهار می دارد که اگر من نگیرم حضرات خواهند گرفت. مستدعیم یک اقدامی اساسی درباب کاشان بفرمایند. زیراکه با این حال مأمور مالیه نمی تواند خدماتی راکه در نظر دارد که در برابر احکام و دستورالعمل های خزانه داری کل به موقع بروز و ظهور آورد، معروض و مشهود سازد.

مصطفی‌علی آبادی

[حاشیه (۱) به لاتین:] ۹-۹-۱۹۱۲

[حاشیه (۲) به لاتین:] نمره ۹۴۴۲

[شماره میکروفیلم ۲۴۰/۱۴۵-۱۴-۲۶۱]

۱۶۵

دولت علیه ایران، وزارت داخله، از تهران به یزد، ۳۰ اسد ۱۳۳۰، صادره تلگراف، نمره کتاب ثبت ۵۳۳

به حکومت یزد رمز بشود

تلگراف سرکار والا در باب ماشاءالله خان رسید. چنان که خاطر سرکار والا مسبوق است، مدت ها نایب حسین و پسرهایش طغیان و شرارت را پیشه خودشان قرار داده، چقدرها دولت و اهالی کاشان و اردستان و غیره را متضرر ساخته تا آن که به بعضی وسایل از حرکات خود پشیمان و اظهار اطاعت و خدمتگزاری نموده، اولیای دولت هم نظر به بعضی ملاحظات از تقصیر او اغماض کرده چنین صلاح دانستند در مقابل تعهدات مشارالیه خدمتی رجوع نمایند. این بود که خدمت ریاست قراسورانی راه کاشان و یزد با شرایط معین به او رجوع نموده مشارالیه که به توسط تجار کاشان تعهد انجام این خدمت را نموده، حالا اگر موافق تعهداتی که کرده است به وظیفه خدمت پرداخت چه بهتر به سهولت رفع زحمتی شده است و اگر باز مخالفت نمود آن وقت دولت هم عجز ندارد به تکلیف خود رفتار خواهد کرد. حکومت جلیله هم باید کاملاً و بابی طرفی و تفتیش صحیح مراقب اعمال آنها باشد. رمز شود. **[شماره میکروفیلم ۳۳۱-۴-۱۱-۲۹۳]**

۱۶۶

گزارش ۲۶ سنبله ۱۳۳۰ برابر با ۱۷ اکتبر ۱۹۱۲

دولت قراری بانایب حسین و پسرش داده است ولی اجرانمی‌کند و سوارهای خود را درکاشان نگاهداشته، لاینقطع در امر مالیه مداخله می نماید. آیا اجرای این قرارداد باید به چه طرز باشد، مدت معینی دارد یا بعد از پنج شش ماه معلوم خواهد شد که ابداً اجرا نشده. نایب و پسرش به خیال حقوق خود باشد و علاوه بر تاخت و تازهای سابقه و لاحقه و آنچه حالیه از مردم بگیرند مبلغی هم خود را از دولت طلبکار بدانند.

گذشته در تاریخ (؟) نمره ۸۶۹۹ شرحی درخصوص سواره بختیاری مقیم کاشان و حقوقی که آقای سردار ظفر از بابت امنیه اصفهان مطالبه دارند عرض شده و چون تاکنون ابداً جوابی نرسیده است هنوز حواله حقوق قراسورانی ابوابجمعی نایب حسین و پسرش صادر نشده است، زیرا در این صورت دولت مجبور می شد دوجا حقوق بدهد. مستدعی است در موضوع این مسئله زودتر اقدام فرمایند و نایب حسین را هم هر چه زودتر به اجرای قرارداد، مجبور نمایند تا حواله حقوق آنها صادر شود.

وزارت جلیله داخله، ۲۲ سنبله ۱۳۳۰ هق [تکرار سند فوق با تغییر و تکمیل جزئی]

مرقومه محترمه نمره ۳۴۴۰ راجع به قراسورانی خط از قم تا یزد زیارت گردید. جواباً عرض می نماید که:

دولت قراری بانایب حسین و پسرش داده است لیکن مشارالیه اجرا نمی‌کند و سوارهای خود را درکاشان نگاهداشته، لاینقطع در امر مالیه مداخله می نمایند. آیا اجرای این قرارداد باید به چه طرز باشد، مدت معین دارد یا بعد از پنج شش ماه معلوم خواهد شد که ابداً اجرا نشده. نایب و پسرش به خیال حقوق خود باشند و علاوه بر تاخت و تازهای سابقه و لاحقه و آنچه حالیه از مردم بگیرند مبلغی هم خود را از دولت طلبکار بدانند. گذشته از این در ضمن معروضه نمره ۸۶۹۹ شرحی

درخصوص سواره بختیاری مقیم کاشان و حقوقی که آقای سردار ظفر از بابت امنیه اصفهان مطالبه دارند عرض شده و چون تاکنون ابداً جوابی نرسیده هنوز حواله حقوق قراسورانی ابوابجمعی پسرنایب حسین صادر نشده است؛ زیرا در این صورت دولت مجبور می شد دوجا حقوق بدهد. مستدعی است در موضوع این مسئله زودتر اقدام فرمایند و نایب حسین را هم هر چه زودتر به اجرای قرارداد مجبور نمایند تا حواله حقوق آنها صادر شود. عبدالله بهرامی

[شماره میکروفیلم ۲۴، ۲۴۰-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]

۱۶۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران، نمره ۲۵ دولتی، عدد کلمات ۵۳، مقابله شد [رمز]

مقام منیع وزارت جلیله داخله

خیلی محل تعجب است که چندین تلگراف رمز و کشف در استدعای قبولی استعفا و کسب تکلیف خود عرض کرده به هیچ وجه جوابی مرحمت نفرموده‌اید و مسلماً بلاتکلیفی موجب زحمت و فضاحی و دردسر دولت است. اینک از قرار معلوم ماشاءالله خان و پدر او با جمعیت زیادی که می گویند متجاوز از پانصد است به طرف یزد حرکت کرده‌اند. اگر چه ظاهراً برای خدمت می‌آید ولی باطناً این مسئله واضح است که ابداً تحت اطاعت و فرمان بنده نخواهد بود و با این روزگار پر انقلاب اگر یک روزی به خیال فاسد افتاد، دولت باچه قوه جلوگیری و دفع خواهد کرد و مردم بدبخت و حکومت با او چه معامله می تواند بکند. افسوس می خورد که اثری در عرایض نیست. با این ترتیبات چگونه بنده را امر به توقف می فرمائید. مستدعی است فوری اجازهٔ حرکت مرحمت فرمائید. شهاب الدوله

مهر تلگرافخانه مبارکه به تاریخ اول شهر میزان سیچقان ئیل سنه ۱۳۳۰

[سند شماره ۵۵۲ ن ۲-الف۱-۱۱۰۵۶۱۱-۲۹۲۰۰۵۶۱۱]

۱۶۸

ادارهٔ تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران، نمره ۱۰۷، عدد کلمات ۲۴۵، روز ۱۵

مقام منیع وزارت داخله دامت عظمته

پس از مدتها که در شکنجه سارقین فارس بوده و کرورها اموال یزدی به غارت برده به حدی که طرق و شوارع یزد به کلی مسدود، رشته تجارت و کسب فدویان گسیخته، امروز بحمدالله از توجهات حضرت امام عصر عجل اله فرجه به اعطاء وجود محترم حضرت مستطاب اجل آقای ماشاءالله خان سردار جنگ نائل، سه روز قبل با استعداد تمام ورود به یزد فرمودند. از حسن نیت و کفایت حضرت معزی الیه به محض ورود امنیت کلی در حدود یزد موجود، سارقین که برای غارت حدود غرب یزد آمده بودند به ایلات خود مراجعت کردند. عموماً از این حسن انتخاب تشکرات صمیمی خود را تقدیم می داریم. لاکن (لیکن) استدعا داریم چنانچه آراء اراده مبارک اقتضا فرماید حکومت یزد را هم به عهده معزی الیه واگذارده تا آن که طرق و شوارع پیشرفت و امنیت بهبودی پیدا کند. داخله شهر منتظم و در تحت اقدام کافیه این موجود محترم آسوده مشغول دعاگوئی باشیم.

ابوالقاسم - اسمعیل - رمضانعلی - میرزااسمعیل - مهدی - حسن - علی - کاظم - محمدعلی - سیدیحیی زین العابدین - محمدمهدی - فرج الله - محمدابراهیم - یوسف - سیدمحمدعلی - ابوالحسن - زین العابدین - ابوالفضل - محمد - سید محمد

[شماره میکروفیلم ۲۹۳/۳-۱۱-۱۱]

۱۶۹

وزارت جنگ، سواد مکتوب وزارت داخله، مورخه ۱۵ میزان ۱۳۳۰، نمره ۴۳۵۶

وزارت جلیله جنگ

حالا که عمل قراسورانی طرق و شوارع کاشان و یزد به عهده ماشاءالله خان

واگذار شده و تعهد خدمت گذاری کرده است، دیگر بودن یکصد سوار بختیاری در کاشان مقتضی نخواهد بود. چنان که خزانه داری کل هم همین اعتراض را نموده و یکصدوشصت‌ودو نفر از دویست نفر سوار استعداد ساخلوی یزد هم به واسطه رجوع قراسورانی آنجا به ماشاءالله خان کسر و به حکومت آنجا تلگراف شده است. بعد از این که ماشاءالله خان سوارهای خویش را در منازل عرض راه ها گماشت، حکومت سوارهای خویش را بردارد. لازم است از طرف آن وزارت جلیله هم به حکومت کاشان اخطار شود که پنجاه نفر از سوارهای بختیاری را مرخص نموده و فقط پنجاه نفر برای اجرائیات حکومت نگاهدارند کافی خواهد بود. بعد از این، ورقه درخواست حقوق پنجاه نفر برای ساخلوی آنجا صادر خواهیم کرد. از وزارت داخله هم به همین طور به حکومت کاشان اعلام شد که پنجاه نفر از یک صد نفر سوار بختیاری راکسر کرده و فقط پنجاه نفر برای اجرائیات حکومتی نگاهدارد. (وزارت داخله)

[شماره میکروفیلم ۴۳-۳-۴۷-۲۴۰]

۱۷۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران

مقام منیع وزارت داخله دامت شوکته

بر خاطر مبارک واضح است طبقات اهالی خاصه تجار طالب امنیت و معیشت آنها منوط بر آن است. مقاصد اولیای دولت هم همین است. مدتی است مسلوب امنیه بوده علاوه بر این که ابواب تجارت به‌کلی مسدود، احشام و پاره قصبات و قراء غارت شده بود. بحمداله جناب مستطاب اجل ماشاءالله خان سردار جنگ با استعداد کافی وارد و امیدوار به همه قسم که احدی تصور نمی کرد، سلوک نفرماید. در این صورت استدعا داریم حکومت را هم به جناب معزی الیه مرحمت فرمایید تا به فراغت به لوازم دعاگوئی قیام نمائیم والا قسمی دیگر تولید هزاران زحمت و خرابی است.

عموم تجار- ملک التجار- وکیل التجار- حاجی شیخ مهدی تهرانی- آقاعلی مرشد- حاجی سیدعلی اکبرکلاه دوز- حاجی عبدالرسول- حاجی محمدغظنفر(غضنفر)- آقا محمدزرکش- حاجی جوادعرب- حاجی سیدحسن- حاجی سیدحسین- آقامحمدرضاقمی- حاجی‌محمدمشگی- حاجی آقاعلی- حاجی سیدعلی اصغر- حاجی سیدجواد- حاجی محمدحسین- مرشدمیرزامحمد- حاجی سیدعلی اکبر- حاجی ملاحسین- حاجی علی آقا- محمدتقی همدانی- آقاسیدحسین- حاجی عبدالحسین- حاجی محمدحسین- حاجی محمداصفهانی- حاجی محمد- حاجی محمدعلی

به تاریخ ۱۸ شهر میزان سیچقان ئیل سنه ۱۳۳۰

مهر تلگرافخانه مبارکه دولتی

[شماره میکروفیلم ۹-۱۱-۱۱-۲۹۳]

۱۷۱

وزارت داخله، اداره جنوب، ۲۶ شوال ۱۳۳۰ (۱۳ اکتبر ۱۹۱۲) نمره ۱۲۸۴۰/۴۳۲۷

ادارهٔ خزانه داری کل

راجع به توقف نایب حسین و سوارهای او در کاشان و سوارهای بختیاری و قراسورانی راه اصفهان شرحی در جواب نمره ۸۶۹۹ خزانه داری زحمت داده، حالا نیز محض تکمیل اطلاع خزانه داری مشروحاً اظهار می دارد، اولاً نایب حسین و ماشاءالله خان پسرش در کاشان نیستند و مدتی است برای ترتیب راههای یزد رفته و فعلاً در نائین و خود یزد و آن صفحات هستند و فقط یک عده سوار در سرراههای قم و کاشان برای حراست و حفظ امنیت گذاشته و از وقتی که این خدمت برای آنها معین شده، شنیده نشده است حرکتی بر خلاف نظم از آنها بظهور رسیده باشد. ثانیاً طرق و شوارع اصفهان به هیچ وجه ربط به این راهی که به ماشاءالله خان سپرده شده است ندارد و این راه یک خط قافله رو جداگانه است

که به اصفهان ربط ندارد و یک منزل آن از کنار خاک اصفهان عبور می نماید و در واقع این حقوقی که برای سوارهای ماشاءالله خان معین شده است، همان حقوقی است که به سوارهای راه کاشان و یزد داده می‌شد و از وقتی که ماشاءالله خان سوار در سرراه کاشان و یزد گذاشته و خواهد گذاشت دیگر حقوقی به سوارهای سابق داده نمی شد که مکرر باشد. ولی راههای اصفهان که به طرف فارس و یزد می رود جداگانه است و ربط به این راه ندارد و اگر به نقشه رجوع شود کاملاً مسئله به خزانه داری کشف خواهد شد. راجع به سوارهای بختیاری مأمور ساخلوی کاشان هم مسلم است، بعد از این که نایب حسین مطیع و ساکت و طرف رجوع خدمت دولت شد دگر حکومت کاشان یک صد نفر سوار لازم نخواهد داشت، فقط یک عده برای اجرائیات حکومتی باقی و مابقی مرخص خواهند شد. در این باب هم وزارت داخله مشغول است که عده لازمه را تصویب کرده و مابقی را مرخص نماید ولی حقوق سوارهای ماشاءالله خان هرعده و از هر روزی که شروع به خدمت کرده‌اند باید از خزانه داری حواله شود که دیگر نرسیدن حقوق وسیله شرارت به دست او ندهد. بدیهی است از روزی هم که حقوق به سوارهای او داده می شود به سوار قراسورانی سابق کاشان حقوق داده نخواهد شد. در باب حقوق سوار بختیاری تکلیف رابعد معین خواهم کرد و تا اطلاع ثانوی نرسیده است، باید کماکان باقی باشند.

مهر وزارت داخله

[شماره میکروفیلم ۱۶۹-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]

۱۷۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازیزد به تهران،نمره ۹۲، عددکلمات ۷۰، روز ۱۳

مقام منیع وزارت جلیله داخله ضاعف‌الله شوکته

اضطراب اهالی عموماً از تهاجم سارقین فارس کراراً به عرض حضور رسید. المنة لله از آن زمانی که تأمین طرق و آسایش این خلق ضعیف را به‌کف کفایت

جناب اجل ماشاءالله خان واگذار فرموده، مکنون خاطر مبارک کاملاً به عالم ظهور رسیده، بلدی در مهد امن و امان واقع، پاداشت این خدمت بزرگ را عموماً مستدعی. داعی محمدجعفر

[حاشیه:] جنوب

به تاریخ شب ۱۷ شهر میزان سیچقان ئیل سنه ۱۳۳۰

[شماره میکروفیلم ۱-۴۶-۱۱-۲۹۳]

۱۷۳

خزانه داری کل ایران، تهران، میزان سیچقان ئیل ۱۳۳۰

وزارت جلیله داخله

در تکمیل معروضات سابقه خود راجع به مداخلات نایب حسین و پسر مشارالیه در امور مالیه ولایات عرض می نماید که موافق راپورتی که از ادارهٔ مالیه قم رسیده، پسر نایب حسین مطالبه حقوق یک نفر رئیس و یک نفر نایب رئیس و چهارده نفر سوار را از اداره مزبوره می نماید. مستدعی است به معروضات سابقه و پیشنهاد خزانه داری کل در موضوع الغاء امنیه اصفهان و سواران بختیاری کاشان مراجعه فرموده هر چه زودتر تصمیم خود را به خزانه داری کل اعلام فرمایند و عجالتاً مقرر فرمایید، ماشاءالله خان از بابت حقوق سواران خود چیزی مطالبه ننماید.

خزانه دار کل

[شماره میکروفیلم ۲۶۸-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]

۱۷۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران، نمره ۱۲۸، عدد کلمات ۲۶۰، روز ۱۹

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در این چندروزه که حضرت مستطاب اجل آقای سردار جنگ[1] ورود یزد فرموده از همین اقدامات و کفایت مخصوصه این وجود محترم سالماً مراتب تشکرات خود را به آن مقام تقدیم داشته، الحق و الانصاف پس از مدتها که دچار حرکات خودسرانه سارقین فارس و اشرار داخلی بوده امروز از نیات حسنه این وجود محترم از هر جهة (جهت) موجبات آسایش و آسودگی عموم موجود، یأس عمومی تبدیل به رضای کلی گردید. روز قبل هم حکومت حرکت فرمودند. حال استدعا داریم حکومت را به عهده حناب معظم‌الیه محول فرمائید تا برخلاف ماضی مدتی از شرارت اشرار و سارقین فارس محفوظ و به دعاگوئی اولیای امور مشغول بوده باشیم.

آقای ابوالقاسم - مهدی - محمد - سیدعلی - سیدعلی‌اکبر - حسن - علی - مهدی - محمد - محمدصادق - علی - سیدمحمود - علی‌نقی - محمداسمعیل - علی‌قلی - حسین - محمدعلی - سیدهاشم - عبدالخالق - علی - اسمعیل - علی‌محمد - ابراهیم - بمانعلی - محمدتراب - محمداسمعیل - اکبرآقا - علی - رجبعلی - محمدحسین - غلام‌حسین - محمدحسین - محمد - غلام‌حسین - حسین - محمد - محمدرضا - علیمحمد - حسین‌میرزا - آقااصغر - سیدمحمد - سیدحسین - علی‌محمد - سیدحسین - سیدیحیی - علی‌اکبر - مهدی - عبدالله - علی‌اکبر - محمدمهدی - غلامرضا - محمدخالق - محمدابراهیم - احمد - غلامرضا - حسین - صالح - اسدالله - علی‌اکبر - عبدالحسین - محمدتقی - احمد - عبدالوهاب - کاظم - حسین - محمدحسین - علی‌اکبر - محمدصادق - جعفر - محمدحسین - محمد - باقر - حاجی محمدعلی - عبدالحسین.

[محل مهر] تلگرافخانهٔ مبارکه دولتی

به تاریخ شب ۲۰ میزان سیچقان‌ئیل سنه ۱۳۳۰

[شماره میکروفیلم ۶-۱۱-۱۱-۲۹۳]

---

۱. همان ماشاءالله خان پسر نایب حسین کاشی

۱۷۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران، نمره ۱۵۳ عدد کلمات ۳۷۸ [تاریخ شب ۲۲ میزان سیچقان ئیل ۱۳۳۰]

توسط حضرت ملاذالانام آقای مدرس دامت برکاته، کوپیه (کپیه) مقام منیع وزرای عظام دامت عظمتهم

چند سال بود اهالی یزد ساعتی به جان و مال [و] ناموس اطمینان نداشته که کسب (و) تجارت این خاک بکلی مختل از عدم امنیت هر طبقه از مشاغل خود دستشان کوتاه و شیرازه معاش عموم اهل بلد بالمره گسیخته آبادانی به ویرانی و غنا به فقر مبدل گردید. بحمدالله از ورود جناب مستطاب اجل آقای ماشاءالله خان سردار جنگ جراحات قلوب را التیام حاصل و مکنون خاطر مبارک را کاملاً به عالم [در سند محو شده] به مضمون «لئن شکرتم لازیدنکم» و به منطوقة «و اما بنعمت ربک فحدث» تشکرات صمیمانه خود را تقدیم داشته عموماً به مراتب دعاگویی افزوده و باکمال ضراعت استدعا می کنیم؛ حکومت و نگاهداری خلق ستم دیده را هم به جناب معزی الیه مرحمت فرمایید که بـه قـوای شـخصی و قـوه حکـومت جراحات سابقه را مرهمی قوی، طرق و شوارع را از شر سارقین و اهـل بـلد را از اشرار داخلی حفظ فرموده خلقی را آسوده فرمایند. هرگاه دیگری انتخاب شـود علاوه بر این که این امنیت بکلی سلب خواهد شـد ولی مـبالغی ضـرر بـه دولت خواهد رسید. البته این معنی حضور مبارک مکشوف که مواد معاش منوط به امنیت است [که] امروزه بسته به وجود این سردار بـزرگ است. مـهیج ایـن عـرض جـز تحصیل رضایت خلق و خالق و خدمت به دولت و ملت نیست. جز این چیزی را تصور نفرمایید. چنانچه حکومت را به خود ایشان مرحمت و واگذار نفرمایید لابد به مرکز خود مراجعت خواهند فرمود و ثانیاً گرفتار اشرار داخلی و سارقین فارس خواهیم بود[امید است؟] که بر بلد و اهـل آن تـرحـمی فـرموده، ایـن عـرض را به اجابت مقرون فرموده [در سند سیاه شده] امتنان فرمایند.

داعیان دولت ابدآیت و خادمان ملت علما و اعیان یزد داعی حجت الاسلام،

داعی شیخ اسدالله ثقةالاسلام،داعی صدرالعلما، داعی میرزا محمد حسن، داعی شریف الممالک نواب میرزاعلی، داعی نواب وکیل، داعی نـواب رضـوی مـلک التجار یدالله معاون دیوان، شیخ اسمعیل، محمد باقر مجدالعلما، افـتخارالعـلما، احقرشیخ هادی، سیدمحمد ـ شیخ جواد، داعی شیخ ابـوالقـاسم، مـحمدرسول میرزا، محمدحسین، سیداحمد، ملاابوالقاسم، میرزاغلامحسین، میرزا ابوالقاسم ـ عبدالوهاب

مهر تلگرافخانه

[شماره میکروفیلم ۱-۱۱-۱۱-۲۹۳]

۱۷۶

از کرمان به تهران، نمره ۱۴ دولتی

مقام منیع وزارت جلیله داخله

به طوری که خبر می رسد، پسر نایب حسین با هفت صد سوار و تجمل که هیچ یک از حکام و فرمانفرمایان محترم حائز نبوده‌اند به یزد ورود داده شهاب الدوله که جز استخلاص از آن جا علاجی برای خود تصور نمی کـرده است، شـبانه طـرف تهران حرکت نموده، نظر به عاقبت وخیمی که در این باب مشاهده می کنم و تحمل آن را خارج از حوصله غیرتمندی و وطن پرستی خویشتن می دانم، ناگزیر پیش بینی خود را به هیئت دولت می نماید که اگر علاجی فوری در این خصوص نشود دولت ایران دچار زحمت و خسارتی خواهد شد که خسـارات مـتحمله از اقـدام سالارالدوله[۱] را فراموش بدارد. عالم دولت خواهی به اظهار نظریات و پیش بینی بنده را واداشته و تذکار خاطر هیئت دولت را لازم دانست. دیگر تصور حسن و قبح

۱. ابوالفتح میرزا سالارالدوله پسر سوم مظفرالدین شاه در ۱۲۹۸ هق مـتولد شـد و بـه حکـومت نـواحـی مختلفی رسید. پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت تلاش بسیاری نمود تا قدرت را بدست گـیرد حـتی در کرمانشاه با استعانت از اتحاد اکراد خود را شاه خواند و به ضرب سکه پرداخت وبه طرف تهران آمـد امـا در نهایت شکست خورد و بالاخره از ایران گریخت و به سوئیس رفت و درنهایت در ۱۳۳۸ شمسی در ۸۰ سالگی در اسکندریه یکی از شهرهای مصر درگذشت. (شرح حال رجال ایران ـ ج ۱)

و معایب یا محاسن آن منوط به نظریات عالی اولیای دولتی است.

سلخ شوال نمره ۷۵۷ امیر مفخم

به تاریخ ۲۲ میزان سیچقان ئیل، ۱۳۳۰ [ق]

[حاشیه بالا:] ۲۳ میزان رسیده

[شماره میکروفیلم ۳۱۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۱۷۷

وزارت مالیه، اداره مالیه کاشان، تاریخ ۱۰ عقرب سیچقان ئیل ۱۳۳۰، ۷ نوامبر ۱۹۱۲، نمره ۸۳۲

مقام خزانه داری کل

چنان که با تلگراف رمز نمره ۸۲۹ بعرض رسانیده است، نایب حسین و اتباع او گویا به طور طغیان درکار معاودت به کاشان هستند. اوضاع کاشان طوری نیست که بنده بتوانم با بودن آنها از مالیات دولتی حفظ و از ادارۀ دفاع کنم. اداره مالیه که قوه دفاع ندارد. وقتی که بنده به کاشان وارد شدم از ناچاری از یک دشمن متعدی به یک دشمن دیگری پناه می بردم یعنی از نایب حسین ها به حکومت ملتجی شده به بعضی تدابیر از خود و اداره مالیه تا یک درجه حفظ و صیانت نمودم. حالا حکومت هم با بنده و اداره مالیه در مسئله سان سوار و غیره نهایت ضدیت را دارد. این است که چون هیچ قوه دفاع دیگری ندارم ناچارم اگر جواب تلگراف بنده دیر رسد و آنها نزدیک شوند ازکاشان حرکت کنم. امید است خزانه داری کل کسی راکه هیچ قوه دفاع ندارد مقصر ندانسته، راضی نشوند شرف چند ساله بنده در کاشان تضییع و مالیات دولت به دست و قلم بنده حیف و میل شود.

[شماره میکروفیلم ۱۶۳-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]

۱۷۸

خزانه داری کل، در جواب نامه ۲۱ عقرب شماره ۵۱۱۸ وزیر داخله، ثبت شده

در ۱۶۱۷/۱۹۱۲ شماره ۵۴۹۲ [تمام مطالب به فرانسه است]

درسمت راست، ذیل کلمه جواب [به فرانسه] ظاهراً به خط وزیر آمده:

به وزارت مالیه نوشته شود که از وزارت جلیله داخله آن طور می نویسند در صورتی که خزانه داری کل با تحقیقاتی که کرده است مطمئناً بیش از پانزده سوار را لازم نمی داند، مستدعی است در این موضوع اقدامی فرمائید که عبث مال دولت تلف نشود

[ذیل همین مطلب]:

۱۹ عقرب ۱۳۳۰ وزارت جلیله مالیه

وزارت جلیله داخله برای اجرائیات حکومت کاشان پنجاه نفر سوار معین و تصویب نموده لیکن خزانه داری کل پس از تحقیقات لازمه از وزارت داخله تمنی نموده است که در صورتی که امنیت طرق کاشان به عهده ماشاءالله خان واگذار شده و دولت مبلغی حقوق برای آن می پردازد، عده سوار اجرائیات حکومت کاشان را پانزده نفر معین فرمایند، لیکن آن وزارت جلیله تاکنون متقاعد نشده و اصرار در بر قراری پنجاه نفر دارند. مستدعی است برای ملاحظه صرفه دولت و عدم لزوم پنجاه نفر برای اجرائیات حکومت، وزارت داخله را به قبول پیشنهاد و تمنای خزانه داری کل متقاعد فرمایند.

[شماره سند ۲۴۰/۴۷-۳-۷۴]

۱۷۹

اردستان [تاریخ] ۲۲ عقرب ۱۳۳۰ [ق]

جناب آقای ماشاءالله خان

نمی دانم شکایت متواتره مأمورین خزانه را که همیشه از رفتار حاکم کاشان نگران هستند به چه [کسی] محول نمایم، خواهشمندم اقدامی نمایید که من بعد مأمورین خزانه در امنیت بوده و بتوانند مالیات را وصول نمایند. نمره ۱۵۱۸۸

[سند شماره ۲۴۰۰۰۲۲۰۷-۴۲۲ ت اآآ]

۱۸۰

وزارت داخله، سواد تلگراف حکومت کاشان، مورخه ۲۷ میزان، نمره ۸
مقام منیع وزارت جلیله داخله
تلگراف مطاع راجع به عدم لزوم یک صد سوار بختیاری زیارت شد. چاکر خود را مطیع اوامر دولت دانسته و هیچ وقت برای کم و زیاد حقوق خود را مقید در خدمت‌گذاری (خدمتگزاری) قرار نداده و همیشه برای امتنان امر اولیای امور و خدمت‌گذاری (گزاری) آماده و حاضر بوده است. مقرر فرمایند حقوق گذشته این سوار را تا این تاریخ اداره مالیه برساند که هر روزه به محض مطالبه حقوق مالیه مجعولاتی طرح ننمایند و هر وقت زاید بر پنجاه نفر سوار در کاشان لزوم پیدا کرد از خودم می‌دهم و برای جان فشانی در راه دولت و حفظ ابنای وطن به جان و مال حاضرم.
فتح الله

[سند شماره ۲۴۰۰۰۲۲۰۷-۴۲۲ ت ااآا]

۱۸۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران، نمره ۴ دولتی، عدد کلمات ۹۲
خزانه داری
کل سوارهایی که آقای ماشاءالله خان در نقاط راه گذاشته‌اند از بعضی محلها پولی به عنوان مالیات یا سیورسات دریافت داشته‌اند و قبض داده‌اند و بعد از حرکت از یزد دربین راه خودشان مبلغی گرفته‌اند. دو فقره از آن قبوض را وقتی که خودشان در یزد بوده‌اند، نزد بنده آوردند. پولش را از آقای ماشاءالله خان پس گرفتم. حال بقیه که در دست مالیات دهندگان است تکلیفشان چه چیزی است. منتظر جواب، نمره ۶۵۶، میرموسی[1] رئیس مالیه یزد

۱. میرزاموسی مرآت الممالک پسر میرزارضاخان بود. وی در حدود سال ۱۳۳۰ هق ریاست مالیه یزد را بر عهده داشت و سال ها بعد در دوره‌های نهم تا دوازدهم مجلس شورای ملی از کرمانشاه به وکالت مجلس انتخاب شد. (فهرست اسامی و مشخصات ۲۴ دوره نمایندگان مجلس شورای ملی. شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران، ج ۴)

به تاریخ ۶ قوس سیچقان ئیل ۱۳۳۰ برابر با ۹ نوامبر ۱۹۱۴
[حاشیه:] تلگرافی با تکدر به ماشاءالله نوشته شود. به یزد هم جواباً حکم شود که میزان آن‌ها را معین کرده اطلاع بدهید تا از حقوق او کسر شود.

[شماره میکروفیلم ۱۶۰-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]

۱۸۲

دولت علیه ایران، وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۲۵۹۸۵/۶۷۲۵، شعبه تحریرات جنوب، کارتن ۳ دوسیه ۸، به‌تاریخ ۱ جدی ۱۳۳۰، تهران-کاشان، تلگراف

حکومت کاشان و نطنز

با این که موافق تلگراف خودتان از دوم قوس سوار و مستحفظ در سرراه‌ها گذاشته اید پس چگونه پست ۷ قوس را با اسبهای چاپارخانه، نایب حسین در خاک نطنز زده است. دولت هم حقوق مستحفظ را بدهد و هم این طور بی‌نظمی‌ها واقع شود. پس حاصل وجود سوار و مستحفظ چه خواهد بود. استرداد پست مسروق و اسبهای چاپارخانه را به فوریت منتظرم.

[سند شماره ۴-۸۲-۲-۲۹۳]

۱۸۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران، نمره ۱۵ دولتی، عدد کلمات ۱۰۵، روز ۲۴

مقام محترم خزانه داری کل دام اقباله

چراغعلی خان پسر سردار ارشد که به معیت سردار فاتح برای دستگیری نایب حسین به‌کاشان آمده بود و سردار فاتح در مقام انجام مأموریت خود برنیامده به اصفهان رفت، اعضای غیر رسمی انجمن ولایتی و آقایان کاشان چراغعلی خان را با سی نفر سوار برای محافظت شهر در کاشان نگاه داشته از پانزدهم قوس الی پانزدهم جدی مبلغ چهارصدوپنجاه تومان مواجب یک ماهه خود و سوار مشارالیه

را تصویب کرده، قهراً از اداره مالیه کاشان اخذ داشتند. محض استحضار خاطر به عرض رسید. نمره ۳۶۹، اداره مالیه کاشان

به تاریخ ۲۵ جدی (بهمن) تنگوزئیل (سال خوک) سنه ۱۳۳۰ [ق]

[حاشیه:] مهر خزانه داری کل شماره ۸۱۸۰ تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۶ جدی

[شماره میکروفیلم ۲۴۰ / ۴۱-۵۹-۳۴**]**

۱۸۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران، نمره ۳۲ دولتی، عدد کلمات ۱۰۰، مقابله شد [تلگراف رمز]

مقام منیع وزارت جلیله داخله

موافق اخبار واصله از نائین حسین کاشی با سیصد سوار و یک عده پیاده و یک عراده توپ انارک را محاصره کرده با اهل آنجا مشغول جنگ هستند. یک عده از حسین کاشی و یک عده از انارک کشته شده و منتظر تقویت دولت هستند. چون فاصله مابین انارک و نایین چندان نیست و استعداد هم کفایت ممانعت او را نمی‌کند لازم است اقداماتی بشود. سردار از اصفهان رسیده از یزد و سردار از کاشان استعداد مهیانموده که‌اگرحرکتی به این صفحات نمود ممانعت شود.

/ شهاب‌الدوله

به تاریخ ۳ جدی تنگوز ئیل سنه ۱۳۳۰ [ق]

[شماره میکروفیلم ۲۹۰ / ۱۸-۴۷۱-۷ **]**

۱۸۵

مقام محترم خزانه داری کل مملکت ایران

در باب مالیات هذه السنه جوشقان مکرر عرض شده، از قراری که پیشکار نایب الحکومه جوشقان نوشته و اظهار نموده است که اشرار کاشان مالیات محال جوشقان را اضعاف مضاعف گرفته‌اند، در صورتی که قبل از رفتن نایب حسین

به جوشقان مأمورین که از طرف ادارهٔ مالیه نطنز حسب الامر به جوشقان فرستاد، آنها را جواب کردند و مداخله در امر مالیاتی ندادند. مبالغی اسباب و اشیاء مأمورین که هم در جوشقان گذاشته و سپرده بودند که پس از مراجعت آنجا باشد از قرار مذکور همراهان نایب حسین برده‌اند. از قراری که حکومت جلیله کاشان مرقوم فرموده‌اند، میرزاابوالحسن نایب الحکومه جوشقان را برای رسیدگی و محاسبات او به‌کاشان احضار فرموده‌اند. هرگاه مقتضی باشد امری به حکمران کاشان صادر شود که بعد از حاضر کردن مشارالیه به‌کاشان اطلاع بدهند. بنده هم به‌کاشان رفته در باب مالیات هذه السنه مذاکرات نموده نتیجه را راپرت به عرض برسانم هر قسم امر فرمودید اطاعت کنند.

احتشام السلطان

[حاشیه سند:] به وزارت داخله نوشته شود

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۰۴۶-۲۰۲-۶۰۲ ب ۲ آآا]

۱۸۶

وزارت مالیه، اداره مدیری کل، نمره ۱۷۳۹۴، تاریخ ۴ برج دلو ۱۳۳۰

هئیت محترم وزراء عظام

مدت زمانی است اهالی طبس درخصوص خسارات وارده بـه خـود از طرف نایب حسین کاشی و غیره عرایض عدیده به مقامات عالیه عرض نموده‌اند. نسبت به صحت و سقم اظهارات آنـها از طـرف وزارت جـلیله داخـله از انـجمن ایـالتی خراسان استعلام لازم به عمل آمده و نتیجه تـحقیقات را بـه وزارت مـالیه ارسـال داشتند که قسمتی از مالیات اهالی آنجا به تخفیف مقرر شود. نظر به این که وزارت مالیه، بدون تصویب آن هئیت محترم و یک قرار اساسی، نمی تـوانـد از مـالیات نقاطی که در محل نهب و غارت واقع شده‌اند صرف نظر نماید، سوادی از نتیجه تحقیقات آن وزارت جـلیله را در ایـن مـوضوع جـوفاً تـقدیم مـی‌دارد کـه پس از استحضار از مفاد آن به هر ترتیب که صلاح می دانند در آسایش اهالی آنجا اقدام

فرموده و وزارت مالیه را از نتیجه مستحضر فرمایند.

حکیم‌الملک[1] امضا مهر وزارت مالیه ۱۳۲۸

[سند شماره ۲۴۰۰۰۷۶۶۷-۴۲۲-۲۴ زاآآا]

۱۸۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از کاشان به تهران، نمره دولتی (رمز)، عدد کلمات ۵۵، روز ۶، مقابله شد

تهران مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

دستخط تلگرافی مرموز در خصوص امر نایب حسین [را] زیارت نمودم. همان است که مقرر فرموده‌اید. شرایط ملاحظه را از دست نداده ونمی‌دهد. خاطر مبارک در این موضوع آسوده باشد. لزوماً به هرچه دستورالعمل است مرموزاً دستخط فرمایند خواهد داشت. فتح الله بختیاری

مهر تلگرافخانه مبارکه تهران

به تاریخ ۶ دلو تنگوزئیل، سنه ۱۳۳۰

[شماره میکروفیلم ۱۷-۴۷۱-۷-۲۹۰]

۱۸۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره ۱۳۸۸، ازکاشان به تهران، ۱۰ دولتی، روز ۱۰ [رمز]

مقام منیع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و حضرت اشرف آقای وزیر داخله

چقدر محرمانه عرض کردم که قسمی بفرمائید یا صلح با نایب حسین یا سوار بیاید، به هیچ قسم جواب نرسید. اذن رفتن خواستم اعتناء نشد تا این که نایب

---

۱. ابراهیم حکیمی ملقب به حکیم الملک پسر میرزاابوالحسن حکیم باشی در ۱۲۸۸ هـق متولد شد و پس از تحصیل طب در اروپا و بازگشت به ایران به عنوان پزشک مخصوص مظفرالدین میرزا ولیعهد به‌کار پرداخت. در مجلس شورای ملی در دوره اول به وکالت رسید و پس از فتح تهران بارها به سمت وزارت منصوب شد. وی در ۱۳۳۷ هـش درگذشت.

حسین نزدیک شد. عموم کاشان او را دعوت کرده مهمانی نموده خواستم طرف شده جلوگیری نمایم. صریح جواب دادند و همراهی کردند. فعلاً در پشت مشهد است. اسلحه حکومت می‌کند. یا باید اصلاح وخواهش او را قبول کرده تا برود یا تا دو روز با این عده وهمراهی کاشانی. دیگر مختارید. فتح الله بختیاری

به تاریخ شب ۱۲ شهر دلو تنگوزئیل سنه ۱۳۳۰

[شماره میکروفیلم ۱۶-۴۷۱-۷-۲۹۰]

۱۸۹

از کاشان به تهران، نمره ۲۶ دولتی، عدد کلمات ۱۳۶ روز ۱۹، مقابله شد [رمز]

مقام منیع ریاست وزراء وزارت داخله

مکرر عرض کردم حقوق سوار بیچاره در این ولایت گرانی شش ماه است ابداً اعتنایی نفرمودید. همین فرمودید ورقه صادر می‌شود. مکرر عرض کردم کار نایب حسین را تمام کنید. ابداً جواب نرسید. فعلاً تا چهار روز حرکتی از آنجا به کاشان بکند بنده هم استعدادی ندارم. شهاب السلطنه چراغ علی خان شبانه با سوار از [ناخوانا] رفته معلوم نیست به سمت اصفهان یا قم،کاشان در خطر است یک طرف بی استعدادی یک طرفه استعداد، تا چهار روز ندهید از شهر خارج می‌شوم. راضی به جنگ نیستم. سوار از گرسنگی رفتند. ده هزار تومان به ارواح مرحوم ایلخانی مقروض شده هر چه عرض کردم نطنز پول نیست، جواب فرمودند به خزانه داری اظهار شده است. حالا که کرور تومان به دولت ضرر می‌خورد، جواب چه می فرمایند. روز ۲۴ اگر سوار حرکت نمودند [ننمودند] خارج می‌شوم.

چاکر فتح الله بختیاری

محل مهر تلگرافخانه مبارکه

به تاریخ ۱۸ شهر جماد الاولی سیچقان ئیل سنه ۱۳۳۰

[شماره میکروفیلم ۴۰-۴۷۱-۷-۲۹۰]

۱۹۰

عریضه چاکران عموم رعایای قریه ابیانه نطنز

تصدق آستان عدالت بنیان مبارک گردیم. در سنه ماضیه نایب حسین کاشی با اردوی زیاد آمدند به قریهٔ چاکران عموم ابیانه از ترس بازن و بچه به‌کوهسار فرار کردیم. به نوعی که دیگر یک بچه شیرخاره (خواره) در آبادی نمانده است. نایب حسین که دید کسی در آبادی نیست حکم تاراج کرده بود. تمام دارایی چاکران را به تاراج بردند. بعد از رفتن نایب حسین هم از دست مأمورهای (ناخوانا) هم صدمه بسیاری به این بیچارگان رسیده است تا به مجدد امسال که نایب حسین با آن به اردویی که تمام امنای (ناخوانا) جوانب مسبوق هستند وارد این کوره ده چاکران شدند. خودشان مسبوق بودندکه دیگر رعیت این قریه دارای چیزی نیستند. حکم کرد که مالیات معین هم بعد ازگرفتن سیورسات وهزار تومان خسارت که به رعایای بیچاره وارد آورده‌اند، مبلغ چهار صد و بیست تومان هم از بابت مالیات از چاکران اخذ کرده‌اند وقبض مالیاتی داده‌اند که در دست است. استدعااز آستان مبارک آن است‌که دستخط مبارک شرف صدور یابد به‌سر مالیه نطنزکه دیگر مطالبه مالیاتی که چاکران با این همه خسارت و مشقت داده‌ایم، ننماید و قبض مالیاتی هم که داده‌اند به مهر انتظام الملک است. مستدعی آن که در این سال گرانی و کمی معیشت امر به آسودگی رعایای بیچاره بنمایند تاآسوده مشغول دعاگویی دوام عمر ودولت حضرت‌مستطاب‌اشرف والا ارواحنافداه‌بوده‌باشیم. باقی امر امر مطاع مبارک است.

[حاشیه ۱:] از نطنز عیناً در ضمن رقعه رسمی به خزانه داری کل فرستاده شود و مخصوصاً نوشته شود رعایای بیچاره که نمی توانند در یک سال دو مرتبه مالیات بدهند. البته به پیشکار مالیه نطنز قدغن نمائید در صورتی که رعایا قبض مالیاتی ازنایب حسین در دست دارند قبول نموده و بی‌جهت متعرض حضرات نشوند.

۲۴ ذی‌الحجه

[حاشیه ۲:] ورودبه‌کابینه وزارت‌مالیه به تاریخ ۲۴ دلو ۱۳۳۰ نمره ۱۸۴۸۴

[۴شماره میکروفیلم ۲۴۰/۳۴/۴۴/۳۲]

۱۹۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از کاشان به تهران (تلگراف به رمز)
مقام منیع حضرت رئیس الوزرا وزارت داخله دامت شوکته
نتیجهٔ اصلاح این است که استقلال صوری دولت محفوظ است. عرض کردم با پسر او استعدادی بفرستید فایده نکرد. نایب حسین حاضر به تمکین نیست، هزار نفر سوار دارد، دولت نمی شناسد، اسلحه واموال گاری را نمی‌دهد. مردم را مجبوراً بر مالیات افزوده که قیمت گاری بدهند. تلگراف مجبور جواب بدهید موافق خواهشی که کرده‌ای نشود. محرمانه استعدادی صحیح بفرستد با کوچ و بنه تمام را قوتی در شهر باشند و بترسند که حکومت نطنز و سایر مشاغل که خواسته‌اید بدهم، مختصری مطمئن بود دولت ایران هر چه می‌داند بکند اگر از کاشان چشم پوشیدید تکلیف چاکر را صحیحاً معلوم، روزی هزار تومان ازمردم میگیرند.
فتح الله بختیاری
به تاریخ ۲۴ شهر دلو تنگوزئیل - سنه ۱۳۳۰ **[شماره میکروفیلم ۸-۷/۴۷۱-۲۹۰]**

۱۹۲

وزارت مالیه، اداره مدیر کل، تاریخ اول برج حوت ۱۳۳۰
اداره خزانه کل
عرضحال رعایای یکی از قراء نطنز که مورد نهب و غارت نایب حسین کاشی واقع شده‌اند در خصوص مالیات خودشان به وزارت مالیه ارسال داشته‌اند، نظر به این که انجام تقاضای آنها از وظایف خزانه کل است عیناً ارسال و مخصوصاً خاطرنشان مینماید که رعایای بی چاره با حالت غارت زدگی چگونه میتوانند در مدت یک سال دو مرتبه مالیات بدهند. در صورتی که رعایا از نایب حسین قبض مالیاتی دارند لازم است به تحصیل دار نطنز قویاً قدغن [فرمایید] قبض مزبور را ضبط نموده و بی جهت متعرض آنها نشود. مهر وامضاء [ناخوانا]
[شماره میکروفیلم ۳۴-۴۴-۳۴-۲۴۰]

۱۹۳

رئیس کل خزانه مملکت ایران، تهران - اول حوت ۱۳۳۰ - نمره ۹۴۴۹
حضور مبارک هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم
باکمال احترام به حضور آن هیئت معظم پیشنهاد می نمائیم که محافظت طرق پستی فیمابین کاشان و اصفهان و اصفهان و یزد ویزد و کرمان به توسط اداره پست خانه و خزانه داری کل به عهده نایب حسین واگذار و جان و مال مشارالیه وکسانش مادام که از روی صداقت و امانت، موافق شرایطی که مقرر خواهد شد، به خدمت دولت علیه قیام نماید، تامین شود. اسباب موجبهٔ این پیشنهاد در معروضه[ای] که به حضرت آقای وزیر داخله نوشته‌ام و سواد آن لفاً از انظار مبارک میگذرد مشروح و مبسوط است. امضاء کفیل خزانه‌داری کل

[شماره میکروفیلم ۱۰-۱۱-۱۱-۲۹۳]

۱۹۴

وزارت مالیه ـ ادارهٔ مدیری کل ـ به تاریخ ۲ برج حوت ۱۳۳۰، ضمیمه سواد عریضه رعایای دستجرد
ادارهٔ خزانه دارکل
رعایای جزن و دستجرد نطنز درخصوص تعدیاتی که از طرف حسین کاشی به آنها شده و مطالبه مالیات که از آنها پیشکار مالیه می‌نماید شرحی اظهار داشتند و در این موضوع مکرر عرایض متظلمانه از مشارالیهم رسیده خوب است به هر وسیله که مقتضی است تحقیقات لازمه نموده و نتیجه را اطلاع دهید که جواب بر طبق آن به رعایا داده شود. وزارت مالیه ۱۳۲۸ امضاء از طرف وزیر مهر
[ذیل سند:] به پیشکار مالیه کاشان دستورالعمل داده شد که درخصوص این کار رسیدگی کرده مطلب را راپورت نماید تا حکم آن بشود.

[شماره میکروفیلم ۱۱-۴۴-۳۴-۲۴۰]

۱۹۵

ادارهٔ خزانه داری کل دولت علیه ایران، سواد، اول حوت ۱۳۳۰
وزارت جلیله داخله
مرقومه محترمه مورخ ۲۲ دلو نمره ۷۶۷۲ در خصوص بعضی تدابیری که برای تامین آسایش در طرق و شوارع قم وکاشان و اصفهان و یزد در نظر دارند شرف وصول بخشیده. آن وزارت جلیله اظهار می فرمایند که عدم امنیت راه تهران و قم به واسطه فقدان قراسوران است که از نرسیدن حقوق مأموریت خود را ترک کرده متفرق شده‌اند. اگر چه این مطلب در وهلهٔ اولی جالب نظر دقت است. ولی باید ضمناً ملاحظه نمود که در اوقاتی هم که این مستحفظین مرتباً به حقوق خود نائل می شدندکمتر از این ایام پست غارت نمی شد. چنان که این نکته در مراسله رئیس کل اداره پست خانه که سواد آن لفاً تقدیم می شود مصرح است.
پس اگر از یک طرف وضع کنونی طرق وشوارع و از طرف دیگر وسایلی که برای چاره جویی این ناامنی فعلاً اولیای دولت را در دست است بی طرفانه ملاحظه شود، می‌توان باکمال جرئت اظهار نمود که تا مدت مدیدی هم حکومت مرکزی قادر نخواهد شد که اوامر خود را به صاحبان بلامعارض طرق بشنوانند و چپاول‌هائی که علی الاتصال در این راه ها به وقوع می‌رسد به قوه جبریه جلوگیری کنند. نظر به این احوال جز تاکید در پیشنهادی که در خصوص سپردن محافظت طرق درکاشان به اصفهان و از اصفهان به یزد واز یزد به‌کرمان به عهده شخص نایب حسین عرض کرده بودم هیچ تدبیروگیری به نظر این بنده نمی‌رسد. نایب حسین هم در قبال خدماتی که اینجا خواهد نمود و تأمین جان خود وکسانش و اعطای حقوق کافی برای گذران خود و همراهانش را خواستار است.
[به] عقیدهٔ این بنده خیر دولت است که در این اوضاع مالیه خدمات نایب حسین را قبول کند و باکمال اصرار و الحاح استدعا می‌کنم که هیئت وزراء عظام هر چه زودتر قراری در این موضوع اتخاذ فرمایند، پیشنهادی به همین معنی مستقیماً به هیئت وزراء عظام عرض و ایفاد نمودم. کفیل خزانه‌داری کل
سواد مطابق اصل است **[شماره میکروفیلم ۴۰۵-۱۱-۱۱-۲۹۳]**

۱۹۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از کاشان به تهران، نمره ۱۷ عدد کلمات ۳۷، روز ۴ تاریخ حوت تنگوزئیل سنه ۱۳۳۰

تهران به مقام محترم خزانه دار کل

ماشاءالله خان سردار جنگ به عنوان حکومت نطنز فردا وارد میشوند. لازم است در توصیه و سفارش این اداره فوری مخابره فرمایند.

۳۰ دلو نمره ۴۳۹

مهر و امضاء احتشام السلطان

[حاشیه ۱:] هر چند کلمه جواب قبول است.

[حاشیه ۲:] به وزارت داخله نوشته شود.

[حاشیه ۳:] ذیل سند ترجمه آن به فرانسه آمده است.

[شماره میکروفیلم ۱۸-۵۳-۱۴۲-۲۴۰]

۱۹۷

خزانه داری کل ایران ـ نمره ۱۰۰۵۸ - به تاریخ ۷ حوت ۱۳۳۰ مطابق فوریه ۱۹۱۲

آقای میر موسی خان پیشکار مالیه کاشان

رعایای جزن و دستجرد نطنز کراراً از تعدیات نایب حسین کاشانی و وجوهی که از بابت مالیات جزن‌ها گرفته شکایت کرده‌اند. لازم است پس از ورود به محل مأموریت به وسایل مطمئنه در این باب تحقیقات به عمل آورده حقیقت امر را راپرت بدهید تا جواب آنها داده شود.

مقابل نوشته فارسی ترجمه آن به فرانسه آمده است.

[شماره میکروفیلم ۴۲-۴۴-۳۴-۲۴۰]

۱۹۸

عریضه رعایای کمجان نطنز مورخه ۱۰ حوت ۱۳۳۰ - نمره ۱۸۹۱۸

به عرض آستان معدلت بنیان می‌داریم

الامان الامان الغوث الغوث از پریشانی و استیصال و ضعف و فقر، دادرسی و رحم دلی که به درد فقرا و ضعفا برسد به نظر نرسید جز حضرت مستطاب اجل دام ظله العالی. همه روستا گرفتار غارت وتاراج و سیاست عذاب فوق[العاده] هستند. خدا به داد دل‌خستگان دربدر برسد. با این همه تنگی و قحطی، مالیات را نایب حسین خان به زور گرفته حتی از خود حکومت نطنز از این کوره ده خراب اغلب سادات و طلاب دعاگو مبلغ یک صد تومان مخارج و سیصد تومان مالیات به قبض داده‌اند و از نایب‌الحکومه برزرودو ضابط محل هم پانصد وجزئی مالیات گرفته اقلاً صدو پنجاه تومان به این ده ویران حمل می‌شود. خلاصه جسارت این که جزئی قبض هاکه در دست است وزیر (پیشکار) مالیه نطنز دام جلاله قبول ندارد و عوض نمی‌دهد. چاره‌ای نیافتیم مگر روی نیاز به آستان مبارک آن صاحب اختیار چاره ساز آورده که محض رضای خدا واجداد طاهرین سادات وعلمای دعاگو امر ومقرر فرمایند عجالةً آنچه را قبض در دست داریم قبول شود و عوض قبض بدهند. مشقت و صدمات آفات سماوی آناً فآناً از چهار جهت ما راکفایت است. به صاحب ملت و شریعت از شدت پریشانی جانهای صغار و کبار از میان رفته و تصدق می‌شود. عرض حال واجب ولازم که اگر جانی از هلاکت برهد اسباب تصدیع و جسارت نباشد. دیگر حکم حکم جهان مطاع است. جواب عریضه در دارالمومنین کاشان در سرای نطنزی‌ها به دست محمد حسن حاج علی برسد که به دعاگویان می‌رساند.

سواد مطابق اصل است.

[شماره میکروفیلم ۶-۴۴-۳۴-۲۴۰]

۱۹۹

وزارت داخله، سواد تلگراف حکومت قم، تاریخ ۱۴ حوت تنگوز ئیل ۱۳۳۰ [ق]، نمره ۱۸۹۹۵

مقام منیع وزارت جلیله داخله

شرح تجاوزات نایب حسین را نسبت به قراء و اطراف قم سابقاً به عرض رسانیده، جمع کثیری از رعایای راونج که جزو حکومت محلات است برای تظلمات خود به قم آمده و متحصن هستند. به موجب دو طغرا قبض که به مهر سردار جنگ پسر نایب حسین فرستاده [؟] و ارائه داده‌اندهشتصد وپنجاه تومان پرداخته‌اند. خسارت دیگر هم به آنها وارد آمده. از طرف حکومت محلات چند نفر مأمور آمده مجدداً مطالبه مالیات مینماید. بدیهی است این قسم اقدامات به‌کلی اسباب تمامی رعیت است. مستدعی است از وزارت جلیله حکمی که موجب آسایش آنها باشد مقرر فرمایند صادر فرمایند. حکومت قم

سواد مطابق اصل است.

[شماره میکروفیلم ۲۰-۱۱-۵۴-۲۴۰]

۲۰۰

عریضه جان نثاران رعایای راونج است

به شرف عرض مبارک مقام منیع آقای وزیر داخله و صدارت اعظم می‌رساند

نایب حسین کاشی با سه هزار اردوی جرار به راونج ریخت. آنچه داشتیم از حبوبات و گوسفند و غیره خورد و آنچه اثاث الدار از فرش ومس ولباس زنانه ومردانه به غارت برد. زیاده از ده هزار تومان خسارت وارده به فقرا زده وهزار وکسری مالیات از ماگرفت. به التماس هشت صدوپنجاه تومان قبض از او در دست داریم. حال حکومت محلات با قوای مأمور بختیاری از فقرا مطالبه مالیات مینماید. ما فقرا تمام ده سال دیگر قوه رعیتی و دادن مالیات نداریم. حال هم صد نفر زن وبچه در آستان دختر موسی بن جعفر (ع) متحصن می‌باشیم. در عدل خداوند چه

جواب خاهيد [خواهيد] داد يا حکم فرماييد ملک ماها را ضبط دولت فرماييد که به آسودگی به‌گدايی مشغول باشيم. بلکه خداوند به فرياد فقرا برسد و راونج جزء حکومت قم از قديم بوده اين سالها را به اداره محلات برده‌اند. محض رضای خداوند به رسم کمافی سابق به ماها رفتار شود. جهان را صاحبی باشد خدانام. امر امر مبارک مطاع مطاع

[حاشيه:] ورود به‌کابينه وزارت ماليه به تاريخ ۱۹ حوت تنگوزئيل ۱۳۳۰ ق نمره ۱۹۱۷۹

[شماره ميکروفيلم ۲۴۰ / ۵۴/۱۱/۹]

۲۰۱

وزارت ماليه، دايره ماليه کاشان، نمره ۳۳۱ به تاريخ ۲۳ برج حوت ۱۳۳۰ [ق]

مقام محترم خزانه داری کل

تلونمره ۱۰۲۳۶ در خصوص تحقيق دريافتی نايب حسين از قريه ابيانه نطنز استعلام و امر به تحقيق فرموده‌اند. جواباً تصديع می‌دهد؛ چون حال ماليه نطنز مستقل وازطرف مرکزبوده، ادارهٔ ماليه کاشان فعلی از وضع آنجا بی‌خبر و چنانچه پس از اين جزء کاشان است به وصول حکم رسمی حسب‌الامر اطاعت می‌شود. در خاتمه لازم است خاطر مبارک را تذکراً مستحضر نمايد بر اين که نايب حسين از کاشان و توابع، علاوه بر خسارات وارده متواليه، از رعايا و ماليات دهندگان مطابق قبوضی که در دست آنها است، قريب هشت نه هزار تومان از بابت ماليات نقدی و قريب دويست وپنجاه خروار جو به همين مقدار نيز کاه از بابت ماليات جنسی مأخوذ داشته است. صورت آن پس از جمع‌آوری کليه مطابق دستوری که از آن مقام محترم رسيده عرض خواهد شد.

مهر اداره ماليه کاشان ۱۳۲۵

[حاشيه:] به پيشکار جديد ارجاع شود تحقيق نمايد

[شماره ميکروفيلم ۳۵-۴۴-۳۴-۲۴۰]

۲۰۲

وزارت داخله، [مورخه ۱۳۳۱ ق]

مقام منیع حضرت مستطاب اشرف اقدس والا آقای عین الدوله وزیر داخله دامت شوکته:

تلگراف مبارک در طی نمره ۴۳۲۶ زیارت شد. اوامر مقدس حضرت اقدس والا [را] چاکر با تمام حثیات (حیثیات، حسیات؟) خود استقبال نموده و لازم اتباع (لازم الاتباع) می‌داند لیکن مستدعی است، مختصری هم در اشکالاتی که از طرف خزانه داری در مقابل خدمتگذاری های غلام متوالیاً تدارک می‌شود، عطف نظر فرمایید و چنانچه کراراً معروض افتاد، کرم خان[1] موقعی که با عجله تعاقب یک دسته سارقین می‌رفته، در پشت کوه یزد به عنوان مهمانی عبور نموده است، و محض همین خلافی که مرتکب شده حسب الامر مطاع کرم خان را منفصل داشت. حالا خزانه داری به اسم مأخوذی مشارالیه هزار وششصد تومان از حواله کاشان موضوع داشته باز مانع نشده، هشتصد تومان هم ازحواله یزد کسر نموده‌اند. نمی‌داند این چند شب مهمان شدن کرم خان چقدر برای خزانه داری گران تمام شده که تقریباً حقوق یک ماه کل امنیه خطوط را از میان می‌برند. [مع] ذلک هر قسم مقرر فرمایند اطاعت می‌شود. فعلاً حسب الامر به صاحب منصب یزد تلگراف شد که در امور مالیه همه قسم مساعدت نموده و مطلقاً و شخصاً مداخله نکند. هر قسم صلاح غلام را دانسته و اظهار فرمودند، لازم الاذعان است.

چاکر ماشاءالله

سواد مطابق اصل است

[سند شماره ۲۴۰۰۱۰۴۷۰– ۶۰۸ ض ۴ آآ ۱]

---

۱. کرم خان دهکردی (شهرکرد فعلی) از سرکردگان سواران یزد در سال ۱۳۳۱ هق که از اتباع ماشا الله خان کاشی بود (طغیان نایبیان)

۲۰۳

نمره ۳۷ - سنه ۱۳۳۱ ازکاشان به تهران - نمره ۳۵۳، ۱۲۲ دولتی - عدد کلمات ۲۶۸ تاریخ اصل سه به غروب ۳۰ - تاریخ وصول ۳۱ جوزا - اسم گیرنده: محمدرضا - No:8531

مقام محترم خزانه‌داری کل ایران دامت شوکته

تلگراف مبارک در طی نمره ۷۰۹۷ راجع به حقوق سواران امنیه که باید از ۲۰ ثور الی سی‌و یکم برج جوزا را بنده یک نفر وکیل در یزد و یک نفر درکاشان معین نموده، حواله فرمایند زیارت شد. اولاًکرم خان سرکردهٔ سوار یزد وکیل چاکر است باید یک هزار و پانصد تومان از حقوق را حواله به مالیه یزد مرحمت کنند تا در یزد به مشارالیه پرداخت نمایند او هم گرفته به سواره آنجا برسانند. مابقی حقوق را هم به مالیه کاشان حواله دهید تا در کاشان بنده دریافت نموده به سوارهٔ مستحفظ حدود راه دیگر برسانم. ثانیاً در باب این صورت صاحب منصب وعده سواران راه یزد و کاشان را خواسته بودید، سابق هم همچنین صورتی از طرف وزارت داخله و از طرف مقام محترم خزانه داری خواسته بودند. بنده هم از روی صحت و دقت تعداد نفرات صاحب منصب و سواره [و] پیاده و اضافه سوار و پیاده که در هر منازل گذارده‌ام و ماهی دو هزار تومان نقد تاکنون قرض نموده از جیب خود و حقوق به آنها داده و می‌دهم. دو فقره صورت بودجه را نوشتم، توسط اخوی منصور لشکر[۱] و ارباب رستم[۲] مدیر خط اصفهان فرستاده‌ام که تکلیف کلیه حقوق را معلوم فرمایند. تاکنون هیچ خبری نرسیده، مستدعی است عین همان صورتها که به مرکز فرستاده‌ام بخواهید از روی دقت ملاحظه فرمایند، آخرین تکلیف برای چاکر معلوم

---

۱. منصور لشکر: حسن منصور لشکر پسر نایب حسین کاشی از همسر تهرانی او که در زمان صدارت عین الدوله همراه با تعدادی دیگر از پسران نایب حسین، در ظاهر به عنوان مهمان ولی در واقع به عنوان گروگان، در تهران می‌زیست و در ۱۳۳۴ هق از سوی ظل السلطان، حاکم نجف آباد شد و در زمان ارتباط بین نایبیان و جنبش جنگل، نقش رابط این دو گروه را بازی می‌کرد. بالاخره در جریان سرکوب و اعدام نایب حسین، او نیز همچون سایر وابستگان نایب حسین اعدام گردید. (طغیان نایبیان)

۲. مدیر خط تلگراف اصفهان به سال ۱۳۳۱ هق

فرمایند. متمنی است که از ۲۰ ثور الی ۳۱ جوزا که بالغ بر چهار هزار ششصد و بیست دو تومان وکسری می‌شود، حقوق سوار را به این ترتیب که یک هزار و پانصد تومان به یزد و سه هزار و صد [و] بیست [و] دو تومان کسری به کاشان حواله فرمایند.

ماشاءالله

مهر تلگرافخانه مبارکه دولتی

[سند شماره ۶۰۸ ض ۴آآ–۱۴۷۰۰۱–۲۴۰۰]

۲۰۴

سواد [نامهٔ] آقای ماشاءالله خان مورخه ۱۱ اسد ۳۱ (۱۳)

مقام محترم آقای کامیل مولیتور[1] رئیس کل پست [دامت] شوکته

به زیارت تلگراف مبارک نائل، در خصوص این که مرقوم فرموده‌اید کرم خان در دهات یزد مشغول اخذ مالیات است و معلومات بنده را در این خصوص استفسار فرموده‌اید، ابداً چنین اتفاقی نیفتاده بلکه کلیه مالیات یزد به حسن کفایت مراقبت سواران فدوی به حیطه وصول درآمده والاّ سردار فاتح اقلاً قسمت عمده از مالیات را برای خود مأخوذ داشته بود. ظاهراً پیشکار مالیه یزد به جهه (جهت) آن که کفایت خود را مشهود دارد، خاطر مبارک آقای خزانه‌داری را از اهتمامات وافیه بنده و سوارانم مستحضر نساخته. نیت ارادتمند از این خدمات جلب توجهات حضرت معظم له بودند. بدبختانه به این آمال نایل نگشته بلکه زحماتم نتیجه به عکس بخشیده. استدعا دارم حقوق سوارزود حواله شود که بتوانند به فراغت مشغول خدمت باشند

امضاء

ماشاءالله

[سند شماره ۶۰۸ ض ۴ آآ–۱۴۷–۲۴۰۰]

---

۱. رئیس کل پست ایران در سال ۱۳۳۱ هق

۲۰۵

وزارت مالیه - اداره کابینه - دایرهٔ سواد مراسله وزارت داخله ۳ قوس، نمره ۴۵۸۸ نمره ۸۴۴۴ - به تاریخ ۵ برج قوس ۱۳۳۱

وزارت جلیله مالیه

معاون حکومت یزد چند روز قبل تلگراف کرده بود که از خزانه داری کل به اداره مالیه یزد تلگراف شده است که از یک هزار تومان حواله حقوق قراسوارنی یزد هشتصدوپنجاه تومان به عنوان مأخوذی کرم خان صاحب منصب سابق قراسورانی کسرگذاشته و مابقی را پردازند و این مسئله باعث شده است که ماشاءالله خان هم تلگراف کرده است، اگر حقوق قراسورانی را ندهند مستقیماً از مالیات مأخوذ دارند. از طرف وزارت داخله موکداً به ماشاءالله خان تلگراف شد که این حرکات را موقوف کرده وجهاً من‌الوجوه مداخله به مالیات نکنند. اینک جوابی ازماشاءالله خان رسیده است که سوادش را لفاً ملاحظه خواهید فرمود. فی الحقیقه مأخوذی کرم خان را، در چند شب، چقدر و از روی چه حسابی می‌توان دو هزار و چهارصد تومان قلمداد و از حقوق قراسورانی کسر کرد. خوبست توجهی در این باب بفرمایند که این‌گونه کسورات باعث یأس و تفرقه قراسورانی با مداخلات آنها نشده و تولید زحمتی ننمایند.

امضاء و مهر کابینه وزارت داخله

سواد مطابق اصل است.

[سند شماره ۶۰۸ض ۴آ-۲۴۰۰۰۱۴۷۱]

۲۰۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۹۷، از اصفهان به تهران ـ نمره قبض ۸۸۷۴نمره تلگراف ۱۰۶،توضیحات: جواب هرچه برسدقبول است.تاریخ ۹جدی

تهران مقام‌مقدس حضرت‌اشرف‌اقدس بندگان وزارت‌جلیله داخله روحی‌فداه

پس از عرض بعضی تظلمات که محض آسایش اهالی، آقای دبیر همایون[1] را از مرکز به سرپرستی ما رعایای بیچاره جوشقان فرستاده، الحق نهایت راحت ما ضعفا [را] به حسن سلوک فراهم نموده‌اند. ولی چه فایده که از دست تعدیات سوارهای نایب حسین که هر روز به یک بهانه به این خاک می‌آیند آسودگی نداریم. تا حال دو دفعه سوارهای آنها در حوالی رباط ترک مبالغی اموال قافله را از قالی و غیره به سرقت برده، حالا که حکم شده مال مردم را پس بدهند، چون دزد خودشان هستند، حالا دزد دیگر شده به دهات افتاده‌اند که مال مردم را غارت نموده غرامت بدهند. از یک طرف هم حشمت دیوان[2] نامی آمده که عمل مالیه با من است و می‌گوید مالیات سه ساله راکه شما به حکام بختیاری پرداخته قبض دارید باید من مجدداً بگیرم. بیست نفر سوار نایب حسین را آورده به دهات جوشقان افتاده انواع تعدی را می‌نمایند. مبلغی مهلتانه با مأمور از ما فقراگرفته پانزده روز مهلت داده‌اند، آخر چه انصاف و عدالتی است! تا کی باید در فشار و دوچار (دچار) ظلم باشیم، مالیات سه ساله خود را به حکام سابق بختیاری داده و قبض مفاصا داریم. مجدداً این آدم مالیه کاشان به زور سوار نایب حسین مالیات نقدی و جنسی می‌خواهد. محض خاطر خدا رفع شرّ این ها را بکنید. دیگر طاقت نداریم. ریش سفیدان جوشقان محمدباقر ـ اسمعیل (اسماعیل) ـ تقی ـ احمد

مهر تلگرافخانه مبارکه

[حاشیه سند:] جنوب – در باب مالیات به خزانه داری کل وزارت مالیه شرحی که لازم است نوشته شود.

[شماره میکروفیلم ۴۱۱۰ و۳۴۳ – ۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. دبیر همایون: میرزا محمد علی خان دبیر همایون منشی مخصوص میرزا احمد خان علاءالدوله در زمان حکومتش در کرمانشاه بود.وی در ۱۳۳۱ هق به نایب الحکومگی جوشقان منصوب شد(چرچیل، جورج، پ – فرهنگ رجال قاجار – غلامحسین میرزا صالح)

۲. مأمور مالیه کاشان و جوشقان در ۱۳۳۱ هق

۲۰۷

دولت علیه ایران، وزارت داخله نمره کتاب ثبت ۴۹۷۶-۷۶۳۱۷ -کارتن ۵ - دوسیه ۷-۱۰۰۴، ارسال در ساعت ۱۷ جدی ۹۱ [۱۲]

جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا میرزا سیدهادی سلمه الله

مرقومه شریفه راجع به تقاضای سردار صولت زیب وصول بخشید. چند روز قبل در این باب اقداماتی که لازم بوده است به عمل آمده است و شرحی که مقتضی بوده در جواب به سردار صولت تعلیمات و اوامر اکیده صادر شده است.

وثوق الدوله

[در حاشیه:] دیده شد

[شماره میکروفیلم ۳-۱۹۴-۱۰-۲۹۰]

۲۰۸

ادارهٔ تلگرافی دولت علیه ایران، ازکاشان به تهران ـ نمره ۱۹ دولتی، عدد کلمات ۱۰۹

مقام منیع خزانه‌داری کل دامت شوکته

مدتی است با نهایت امیدواری به خدمتگذاری قیام نموده که جلب توجهات کامله را نماید. یک ماه از حقوق گذشته هنوز بعقده (به عهده) تعویق است. چون سردار فاتح ضدیت کرده، عمل امنیه و مالیه یزد را مسلوب الترتیب نموده، لابد هستم سیصد سوار شاکی السلاح به یزد اعزام نمایم. استدعا دارم حقوق از ۲۰ دلو تا ۲۰ حوت را حواله به مالیه کاشان فرمایید که هم مالیات سنه آتیه کاشان وصول شود وهم مخارج حرکت سوار موجود گردد. پس از ورود سوار به یزد، پنجاه سوار مستخدم اداره مالیه خواهند بود و عمل مالیه خواهد منظم شد. تعلیمات لازمه به آنها داده شده.

ماشاءالله

تاریخ ۲۰ شهر جدی سیچقان ئیل ۱۳۳۱ [ق]

[شماره میکروفیلم ۱۴۰-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]

۲۰۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ از کاشان به تهران، نمره ۱۰ دولتی - عدد کلمات ۶۰ تاریخ اصل مطلب ۱۹ - اطلاعات: مقابله شد [تلگراف رمز]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

تلگراف مرموز طی نمره ۸۵۹ زیارت، با اهمیت این شهر به واسطه پسر نایب حسین و تعدیات و تحریک او در تخریب این اساس به طوری که مقرر فرموده بودید آقای حاجی میرزا محمد مجتهد در موضوع صدور تلگرافات اقدامات لازمه به عمل آورده و این دو روزی به مهر و امضای علما - تجار - اصناف مخابره خواهد شد. فتح الله بختیاری

مهر تلگرافخانه مبارکه

به تاریخ شب ۲۱ شهر جدی سیچقان ئیل سنه ۱۳۳۱ [ق]

[سند شماره ۵۲۲ ن ۲ الف ب ۱ - ۲۹۲۰۰۵۶۱۱]

۲۱۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از کاشان به تهران، نمره ۳ دولتی، عدد کلمات ۲۳۳، اطلاعات: مقابله شد، [تلگراف رمز]

مقام منیع حضرت اقدس والا آقای عین الدوله وزیر داخله دامت شوکته

تلگراف محترم طی نمره ۶۱۲۱ زیارت، بنده خود را فقط مطیع می‌دانم. لیکن خاطر مبارک از اوضاع مالیه کاشان می‌دانم مسبوق نیست. نایب حسین، ماشاء الله و پسر او در ظاهر اظهار اطاعت می‌کنند، برای گرفتن چهل وپنجهزار تومان حقوق. در باطن ذره [ای] از [مالیات؟] دوسال قبل تخفیف نداده فقط به واسطه جمعیت سوار بنده در شهر، مردم از غارت محفوظ هستند. ولی در دهات و طرق و شوارع هیچکس مالک چیزی نیست. بردن اموال اکبر میرزا یکی از اتفاقات، شرح اعمال حضرات روز به روز به وزیر سابق عرض کردم. ایشان به واسطه رشوه زیاد اعتنا نمیکرد. حضرت والا که تحمل بعضی چیزها را نمی فرمایند در همچو شهر پر

آشوبی که هزار دزد کمین کرده است، چطور می‌شود صد سوار کمتر نگاهداشت و مقام حکومت را حفظ کرد. امین مالیه کاشان به آنها سازش کرد. اول سال به رعایا گفت هر چه می‌خواهند بدهید عوض مالیات محسوب می‌شود. نصف مالیات را گرفتند. بعد حکم خزانه داری را صادرکرد که دوباره باید بدهند. سه ماه رعایا و اهل شهر تلگراف کردند. دوبار رئیس مالیه قبض به خود آنها حواله کرد دریافت نمودند از اهالی کاشان مقیم تهران و آقای میرزا سید حسن مجتهد کاشانی تحقیق اوضاع حالیه را بفرمایید. با وجود این، اگر امر با این باشد یک نفر سوار هم حقوق بگیرم با کمال منّت از خودم می دهم و برای خدمت حاضرم.

فتح الله بختیاری

نمره ۲۴۶ به تاریخ ۹ دلو سیچقان ئیل ۱۳۳۱ [ق]

[شماره میکروفیلم ۲۴-۴۷۱-۷-۲۹۰]

۲۱۱

وزارت مالیه، اداره کابینه، سواد مشروحه حکومت کاشان پنجم شهر ربیع الاولی - نمره ۲۶۳ - مورخه ۲۹ دلو ۱۳۳۱ - نمره ۸۳۱۶

مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

دستخط محترم نمره ۷۸۳ زیارت و از مراحم کامله تشکر دارم. این که از شکایات پیشکار مالیه کاشان و راپورت‌های او مرقوم فرموده بودند لازم شد مراتب را عرض نماید. لله الحمد مثل وزیر مدبری چون حضرت اشرف که دخیل امور مملکتی شده از امری به اشتباه نمی گذرد. این مسئله در حضور مبارک مکشوف است، در آن موقعی که بنده را مأمور کاشان فرمودند، خیلی اشخاص با اردوی مفصل هم نتوانستند کاشان را منظم دارند. فوری با سوار شخصی آمده اشرار را خارج نموده شهر را متصرف و بعد حضرات را در مقام اطاعت درآورده که تفصیل کارها به عرض رسیده است. این بود که نایب حسین و پسرهای او [به] نطنز رفته و زیاده از شصت هزار تومان از بابت مالیات دو ساله آنجا مأخوذ و مراجعت به کاشان

هم که نمودند زاید برده، پانزده هزار تومان از مالیات کاشان نقداً گرفتند تا این که از مرکز، وزیر داخله سابق قریب پنج، شش هزار تومان گرفته امنیه خط کاشان و یزد را به آنها داده وبعد قریب پنجاه هزار تومان حقوق برای آنها تعیین نموده تا این که قبوض مأخوذی از رعایا را پیشکار مالیه قبول نمی‌کرد. رعایا یک ماه در تلگرافخانه متحصن شده تظلم نمودند تا عاقبت تلگراف از اولیای امور صادر شد که پیشکار مالیه قبوض حضرات را قبول نموده عوض بدهد. پیشکار مالیه کاشان اصرار داشت که مجدداً مأمورین حکومتی مالیات مأخوذی آن‌ها را از رعیت بیچاره بگیرند. از این که رعایا اجتماع و از دادن مالیات دو دفعه تحاشی داشتند به (با) آنها حکومت مدارا کرد که رعیت بیچاره مالیات دوباره ندهند. به آن جهته (جهت) پیشکار مالیه به خزانه داری راپورت داد که حکومت همراهی ندارد. به ماشاءالله خان حکم فرمائید سوار بدهد. به واسطه این القاء شبهه، از او سوار گرفته و حضرات هم از خدا خواستند. سوار بر سر رعایا گذاردند. هر یک از قراء هفتصد تومان، هشتصد تومان تعارف دادند قبوض آنها را قبول کرد. وجه مأخوذی با پیشکار مالیه با هم خورده در خرابی رعیت اتفاق کردند و از بعضی رعایا هم مالیات دو دفعه گرفتند و سه دفعه، و مالیه هم هر روزه بنای ضدیت را گذارده راپورت‌هایی مجعول به خزانه‌داری داده خیال او را مشوب می نمود. هر چه مراتب را به اولیای امور عرض کرد، نتیجه نداد مکرر یک صد سوار خود را خواست سان بدهد. مالیه قبول نکرد. در ادای حقوق به مسامحه گذرانده حکومت را لاعلاج به بعضی اقدامات نمود تا حسب الحکم کتبی و تلگرافی رئیس الوزراء تا آخر برج جدی حقوق خود را گرفته این یک ماهه و لوهم معوق است که هنوز به مقام مطالبه نرسانیده مقرر فرموده‌اند، بیش از پنجاه سوار حقوق نگیرد و زیاده آنچه گرفته پس بدهد. حالا فرض کنید در مسئله سوار این تدلیس کاری از مالیه بوده، یکصد و پنجاه تومان تعارف در هر ماهی می‌خواست نداده، شاید قبول نفرمائید، لیکن از روی سند حاضر است این مطلب را مدلل دارد. ولی از آن طرف، حضرات علاوه بر ماهی چهار هزار و پانصد تومان حقوق که از دولت می گیرند و قریب صد هزار تومان از

مالیات دو ساله نطنز و کاشان نقداً جنساً گرفته‌اند و حالا هم از هر یک دهات حقوق سوار را به طور ماهانه هر دهی و مزارعی ده تومان، بیست تومان می گیرند و سند در دست دارند و املاک و علاقه مردم را قهراً قباله کرده و شب ها به خانهای (خانه‌های) تجار مسلمان و کلیمی فرستاده به چه ترتیبات هشتصد تومان، هزار تومان مأخوذ می‌دارند. خوب است بعد از این همه خدمات، این جزئی خلاف بنده را در تفاوت این حقوق سوار بیش از یک هزار و پانصد تومان نمی‌شود با خدمات ماشاءالله خان مصادف نموده، محض خاطر او اغماض فرمایند. هرگاه یک نفر مفتش بی‌غرض فرستاده شود خدمت و خیانت به خوبی معلوم خواهد شد. حالا که فدوی در این شهر خون جگری می خورم و رعیت بیچاره را در فشار می‌بینم و دادرسی هم نیست، اجزای پست خانه و تلگرافخانه را هم طوری حضرات تطمیع کرده‌اند که هر مطلب کتبی و تلگرافی پیش از وقت خبر به آنها می‌رسد. حالا که قدر خدمات مجهول است، لامحاله رحمی به خلق بیچاره کاشان فرموده، نگذارید بیش از این درفشار باشند و با اوضاع حاضره، مستدعی است تکلیفی از برای فدوی معین فرمایند که از روی آن دستورالعمل و نقشه رفتار نماید. امر امرمبارک است. (فتح الله)

سواد مطابق اصل است. مهر وزارت مالیه

[شماره میکروفیلم ۱۵و ۱۴-۳-۴۷-۲۴۰]

۲۱۲

وزارت داخله - مورخه ۲۶ شهر ربیع الاول ۱۳۳۱، استخراج رمز میرزا سید محمدخان[۱] از کاشان

حضور مبارک حضرت اشرف اقدس والا شاهزاده عین الدوله دامت شوکته

اگر چه تا اندازه‌ای خلاصه اوضاع شهر را عرض کرده‌ام ولی پیش آمد کار طوری

۱. سید محمد خان الحسینی عضو وزارت داخله در کاشان به سال ۱۳۳۱ هق که مأموریت داشت اوضاع اجتماعی و موقعیت موجود آن منطقه را به رمز به اطلاع وزارت داخله برساند.

شده که اگر اندک مسامحه شود به‌کلی رشته پاره خواهد شد. حکومت و ماشاءالله خان دو رقیب در جلوهم، حکومت با این که هیچ قوه مقاومت ندارد ولی چون می‌داند ماشاءالله خان از مخالفت دولت مضایقه دارد، جداً در صدد طرفیت است. به علاوه بختیاری‌ها چون همیشه از یاغی گری حضرات فایده برده‌اند، این است سعی دارد که به هر نحو ممکن است آنها را به حالت اولیه برگرداند. لذاست که هر روزی که دست برسد یک دست آویز بی‌اصلی را اهمیت داده حضرات را متعدی قلم می‌دهد. جزئیات مقاصد او را درست نمی توانم تشریح کنم. همین قدر عرض می کنم، اگر مقصود دولت انتظام کاشان و رفاهیت اهالی است فوراً باید حکومت را تبدیل فرمایند والا چاکر را احضار فرمایند که توقف بیش از این اسباب افتضاح است. (محمدالحسینی) **[سند شماره ۲۹۳۰۰۰۴۸۹-۲۱۳ ظ ۲ ب آ ا]**

۲۱۳

وزارت داخله - نمره در جواب نمره ۵۰۰۶ دولتی - مورخه ۱ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ [ق]

استخراج رمز میرزا سیدمحمدخان ازکاشان

حضور مبارک حضرت اشرف اقدس والا شاهزاده عین‌الدوله دامت شوکته

استدعا دارم امر فرمایند حکومت جدید زودتر حرکت کنند. اسبابی به هیچ وجه لازم ندارند. منزل و سایر لوازمات موجود است، فوری حرکت نمایند. ولی اگر قبلاً شهر به ماشاءالله خان سپرده می‌شد به جهاتی درکاشان حسن اثر داشت و ضرری هم متوجه نبود. (محمدالحسینی)

[حاشیه:] رمز شود

همان طور که سابق به شما تلگراف شد، حکومت تا سه روز دیگر حرکت می‌کند و اینجا هم هیچ کس نمی‌داند. شما هم اینجا (آنجا) ابداً نباید به‌کسی اظهار نمایید. چاپاری حرکت می‌کند. دستورالعمل‌های لازم به او داده شده آسوده باشید. صحیح است. امضا

[سند شماره ۲۹۳۰۰۰۴۸۹-۲۱۳ ط ۲ ب آ ۱]

۲۱۴

مهربان و بهرام ولدان کاوس پارسی ـ عنوان تلگرافی «جاودان» ـ تاریخ غرّه ۲ (ربیع‌الثانی) ۱۳۳۱ الی کاشان

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم آقای ماشاءالله خان سردار جنگ دام اقباله‌العالی

عرض می‌شود

مراتب به قرار عریضه ماضی است. چون که لازم شد که مستحضراً خاطر مبارک [را] از برخی مطالب مطلع سازم؛ اولاً امید آن که این عید سعید بـروجود بـاجود حضرت اجل میمون ومبارک باشد. در خصوص سه هزار و پانصد [و] هفتاد و دو تومان که حضرت اجل به مالیه یزد حواله فرمودند که دریافت شود، رئیس مالیه یزد بعد از ده روز طفره که در این خصوص تلگرافاً اطلاع دادم، حواله محل دادند که خود سوار امنیه وصول نماید و تا امروز مبلغ یک صد و نود و پنج تومان از کلیه وصول شده و آورده‌اند، شاید تا بیست روز دیگر تدرجاً (تدریجاً) وصول شود، آن هم یقین نیستم. دیروز از طرف رئیس مـالیه بـنده را خـواسـتند، رفـتم. تـلگرافـی به امضای خزانه‌داری کـل بـه بـنده ارائـه داد. خـلاصه مـطلب ایـن کـه مـبلغ یک صدوهشتاد و چهار تومان که سابقاً در فروش گرفته‌اید از بابت حقوق حضرت اجل کسر و به جمع وصولی مالیات فروش محسوب نمایند. بنده جـواب دادم کـه در خصوص این فقره ابداً اطلاعی ندارم و هر چه از بابت حواله حضرت اجل می‌دهند قبض می‌دهم. امروز هم در این خصوص تلگراف مخابره شد منتظر تکلیف هستم. اولاً در صورت صلاح، حضرت عالی، باید تلگرافی از این بابت به خزانه‌داری کل مخابره فرمایید؛ زیرا که رئیس مالیه و حکومت محض بدنام نمودن حضرت اجل به هم ساخته و همه روزه رعایا را جمع می‌کنند که به تهران تلگرافاً به خزانه‌داری کل وغیره بگوئید که مثلاً سردار، فلان مبلغ از فلان جاگرفت. در هر صورت چنانچه رأی مبارک مقتضی داند از برای خزانه دارکل به تهران تلگراف کنید کـه از هـزارو پانصد تومان حواله سابق فقط رئیس مالیه چهار صدوپنجاه تومان پرداخته اند باقی

به شما نرسیده است. در صورتی که قبض باشد قبول دارید و همین قدر بدانید که خیال رئیس مالیه فقط مداخل خود است. قبض ساختگی از حسین و نقی درست می‌کند و از آن طرف هم آن طور به تهران تلگراف می‌کند که اینقدر وجه گرفته اید. اجازه بدهید که به حساب حضرت اجل کسر بگذارد و خزانه دارکل چون بی‌اطلاع است، اجازه می‌دهد. در صورتی که از حالا جلوگیری نفرمایید، از این قبض‌ها خیلی می‌شود. اطلاعاً عرض شد. در باب حکومت هم [؟] حاکم است ولی مالیات هم هنوز می گیرد و قبض می‌دهد. از یک طرف هم استشهاد تمام می‌کند که سوار امنیه حضرت عالی بیش از سی سوار در خاک یزد نیستند و می خواهد برساند که مواجب باقی را خود حضرت اجل بخورید و راه امنیه را خودش بردارد و به سواران حضرت اجل و صاحب [قبض؟] نهایت سختی را دارد. عدهٔ سوار حکومت چند روز قبل برای دستگیر نمودن تیمور[1] رفتند. از قراری که می گویند مشارالیه را دستگیر کرده‌اند. چنانچه حجتی داشته باشد، یکرور (یک کرور) تومان متجاوز از نقد و جنس مداخل سپرد، زیاده عرضی نیست، فرمایشی در یزد باشد. اقل بهرام کاوس از یزد [ناخوانا] **[شماره میکروفیلم ۸۱-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]**

۲۱۵

وزارت داخله - سواد استخراج تلگراف رمز حکومت اصفهان - مورخه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ ـ نمره ۴۴

توسط نماینده حکومت، مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

تلگراف مبارک نمره ۷۳۹۴ زیارت شد. در باب سوارهٔ کاشانی که حضور مبارک عرض شده تعدی به اهالی سه و قهرود وارد می‌آورند، لازم است خاطر مبارک را مستحضر دارد؛ دو ماه قبل از این که بنده اصفهان بیایم با سردار ظفر اینها را گفتگو کردیم. اواخر جهه (جهت) این که اگر بنده اینها را باقی بگذارم منت بر سر نایب حسین نهاد که این کار را من به شما دادم، هر گاه اینها رابنده خارج کند اسباب

---

۱. تیمور از اشرار یزد بود که در ۱۳۳۱ هق توسط سوارهای حکومت دستگیر شد.

اغتشاش راه شوند. وقتی از قم خط مستقیم تعدی به اهالی سه و قهرود کردند استرداد اموال مسترد شده التزام دادند تعدی نکنند. آن راه را دادیم داشته در این مدت یک دفعه دزدی شد، پس دادند. ماهی چهار صدو سی [و] هشت تومان حقوق می برند. این است شرح حال، هر طور امر فرمایند اطاعت خواهد شد. منتظر دستورالعمل فوری است. نمره ۳ سلطان محمد[۱]

[حاشیه:] با سابقه بیاورید [سند شماره ۲۹۳۰۰۰۴۸۹-۲۱۳ ط ۲ ب آ۱]

۲۱۶

وزارت داخله، سواد استخراج تلگراف رمز حکومت کاشان، مورخه ۱۷ شعبان ۱۳۳۱ - نمره ۴۰۴

مقام منیع وزارت جلیله داخله

قضیه آقا علی همان است که عرض کردم، نمی‌دانم وجود دارد یا مفقود شده است. در هر صورت این توضیحات که علناً از فدوی می خواهید، نمی‌توانم صراحتاً جواب بدهم. اگر بخواهم واضح بگویم مجدداً اسباب انقلاب و یاغی گری حضرات شده یا سند به دست طرف خواهد افتاد، شاید تولید پاره [ای] خیالات برای بعضی ها نماید. اگر میخواهید مطلب کشف شود، ماشاءالله آش پز، نصرالله آسیابان، محمد علی ـ نقی عطار، علی اکبر پیشخدمت، محمد حسن ناظر آقا علی، ابوالحسن میر پنجه ـ غلام کوچک برزی را از ماشاءالله خان و عبدل ـ بابا کرم را از فدوی بخواهید تا معلوم شود و الاّ فدوی را یک ماهه احضار فرموده تا حضوراً عرض کرده که چاره برای این کار بفرمایند. امر امر مبارک است. ۱۲ شعبان

اقتدارالدوله[۲]

[شماره میکروفیلم ۴۴۰-۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. سلطان محمد خان سردار اشجع (معین همایون) یکی از پسران امامقلی خان بختیاری بود که حکومت اصفهان را در ۱۳۳۱ هق بر عهده داشت (با من به سرزمین بختیاری بیائید)

۲. حاکم کاشان در ۱۳۳۱ هق

۲۱۷

عریضه چاکران و دعاگویان رعایای انارکی است
مقام منیع وزارت جلیله داخله مدظله العالی
البته خاطر رأفت ذخایر مقدس از خرابی و صدماتی که از طرف نایب حسین کاشی و کسانش به اهالی و رعایای بیچارهٔ انارک وارد شده، خوب مسبوق و مستحضر است که در انقلاب این چند ساله چه خسارت و تحمیلات مالایطاقی به ما چاکران رسیده است که غالب رعایا اهل و عیال خود را ویلان و پریشان گذارده، فراری ولایات بعیده شده‌اند. در باب مالیات سه ساله قبل الی حال، سال اول را خزانه داری کل من باب نهب و غارت نایب حسین تخفیف مرحمت نموده، سال دوم را هم آقای سردار فاتح مأخوذ داشته، سنه ماضی هم با هزاران خون جگر و پریشانی هفتصد تومان جمع آوری کرده حاضر داریم. به هر کس باید داده شود برسانیم و از برای هذه السنه هم استدعای عاجزانه داریم دستخط مبارک صادر شود که خزانه‌داری کل قرار عادلانه در پرداخت بدهی چاکران داده که بتوانیم متدرجاً از عهده برآئیم. مفاصای سه ساله گذشته را هم بدهند که این چاکران برویم در ولایت مشغول دعاگوئی وجود مبارک باشیم. خاطر مقدس اولیای دولت کاملاً مستحضر است که سنوات قبل پانصد تومان مالیات رعایای انارک بوده این اوقات با کثرت پریشانی و استیصال رعایا هفتصد تومان می گیرند که باید با هزار مشقت یک قران، دو قران فراهم نموده بدهی خود را برسانیم. امر امر مبارک است.
[حاشیه ۱:] مهرهای محمد حسین - تقی الله علی نقی - [ناخوانا]
[حاشیه ۲:] جنوب - پاکت نداشت

[سند شماره ۲۹۳۰۰۲۶۷۲ - ۱۴۱۲۹ ب الف]

۲۱۸

به عرض مقام مقدس حضرت شرف اقدس بندگان آقای وزیر داخله روحی فداه می رسانیم:

«عریضه عموم ریش سفیدان و رعایای قراء خمس جوشقان»

ما رعایای بیچاره جوشقان را که بعد از چهل هزار تومان تعدیات و خسارات سه ساله حکام بختیاری که از چنگ ظلم آنها نجات داد، جناب جلالت مآب آقای دبیر همایون را برای سرپرستی ماها خودتان تصویب و تعیین فرموده فرستاده‌اید. الحق اسباب راحت قاطبه اهالی این جوشقان را از مرتفع داشتن بعضی تعدیات به حسن سلوک فراهم نموده اند و کمال دعاگویی را به وجود مبارک داریم. ولی بدبختانه دچار فشار و تعدیات سوارهای نایب حسین شده ایم. هر روز به یک بهانه به این خاک آمده از هیچ نوع تعدیات فروگذار ندارند. در این خط قرمچی که از طرف حکومت محل تفنگچی گذارده است مشغول محافظت می‌باشند. تاحال دو دفعه سوارهای آنها به قافله زده مبالغی قالی و بعضی اموال به سرقت برده‌اند و حالا هم خود همان سارقین به دست آویزی آن که در تعاقب سارقین آمده‌ایم انواع و اقسام دست اندازی و خسارت به رعیت فقیر بیچاره می‌آورند. از آن طرف مالیات سه ساله را نقد و جنس از قرار معمولی سنواتی پرداخته ایم و قبض مفاصا از حکام سابق داریم. حشمت دیوان نامی به اسم مالیه جوشقان آمده بیست نفر سوار نایب حسین خان را آورده می‌گوید عین جنس گذشته را باید بدهید. به سختی زیاد و مبالغی مهلتانه گرفته‌اند تا جواب عرض حال ما بیچاره ها برسد. عاجزانه استدعا داریم رفع شر مأمورین نایب حسین و این رئیس مالیه که آمده است بفرمایید که دیگر طاقت تعدی نداریم و این جزئی مالیات جوشقانی خراب قابل دو اداره نیست. مستدعی از مراحم کامله آن که رفع این گونه تعدیات و اشرار را فرموده آسوده و دوعا (دعا) گو باشیم.

[حاشیه:] اداره ولایات [سند شماره ۶-۷۸-۱۹-۲۹۳]

۲۱۹

خزانه داری کل تلگرام ۶ قوس ۱۳۳۱، دریافت شده: ماشاءالله خان، در ۳۱ نوامبر ۱۹۱۳ تحت نمره ۲۰۵۱۹ ثبت شده [از فرانسه به فارسی ترجمه شد]

تلگراف، به توسط پیشکار مالیه کاشان،آقای ماشاءالله خان

در تعقیب تلگراف شما، از بابت حقوق عقرب سوارها، مبلغ ۲۴۴۲ تومان به‌کاشان و هزار تومان به یزد حواله شد. این که یک قسمت از حقوق به یزد حواله شده، نظر به مساعده ایست که سوارها گرفته‌اند و برای این که در آتیه تولید اشکالی نشود، لازم است؛ اولاً مبلغ حواله را که همه به‌کاشان و یزد باید حواله شود معین نمایید والا خزانه‌داری مجبوراً مبلغ کل را به‌کاشان یایزد حواله خواهد داد. ثانیاً اکیداً به سوارهای خودتان قدغن نمایید که وجهاً من الوجوه در امر مالیات مداخله ننمایند. یقین دارم خودتان هم تصدیق خواهید کرد، سواری که این طور منظماً حقوق کافی از دولت می گیرد نباید هیچ وقت مرتکب این قبیل اعمال سقیمه شود. این نکته را هم تذکاراً زاید نمی دانم، خودتان مسبوقید که در موقع انتصاب به خدمت فعلی چگونه مساعدت خزانه دارکل نتیجه قاطع برای شما داد و بدیهی است که جلب عدم مساعدت و دلسردی خزانه دارکل هم موافق صلاح شما نخواهد بود. همان طور که مساعدت و مداخله خزانه داری برای شما نافع بوده، مسلماً دلسردی خزانه دارکل ممکن است با همان سهولت جالب خسارت و ضرر شما بشود.

مرنار خزانه دارکل

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۷ - ۱۰۸ ض ۴ آآ ۱]

۲۲۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۱۰۹، از اصفهان به تهران، نمره تلگراف ۲۳۵، عدد کلمات ۱۶۵، تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۶ قوس ۱۳۳۲، گیرنده اسمعیل توسط اسلامیه

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته العالی

تعویق حرکت حکومت اصفهان وقت با شخصی (به اشخاصی) که غالباً محرک اغتشاش هستند یک نوع هرج و مرجی تولید نموده چنان که مشیرالملک و حاجی

میرزا علی رشتی و بعضی دیگر رعایای خود را در ۲۳ ذی حجه محرک شده ساعت هفت از شهر خودسرانه ریخته بند مادی و اشجار [و] املاک بنده را خراب و قطع نموده. آیا کسانی که خود را بستگی به خارجه می دهند، باید بدون اطلاع حکومت و ادارات رسمی دولت خودسرانه هر اقدامی می خواهند بکنند؟ تکلیف کسانی که بستگی ندارند چیست؟ تلگرافهایی هم به حضرت اشرف آقای صمصام السلطنه نموده اقدامات تلگرافی هم از طرف ایشان شده ولی مرتکبین بر تجری خود افزوده، ۷ محرم وسط روز، با منع صریح حکومت، مجدداً خودسرانه رفته‌اند. [و] بقیه بندو دستک مادی را خراب نموده‌اند. نمایندهٔ بنده حضوراً مطالب را عرض می کند. مستدعی [است] اقدام عاجلی در مجازات مرتکبین و احقاق حق فرمایید.

الحاج محمدحسین کازرونی

[شماره میکروفیلم ۳۲۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۲۱

وزارت مالیه، سواد تلگراف ماشاءالله خان از کاشان

مقام منیع حضرت مستطاب اشرف اقدس والا آقای عین‌الدوله وزیر داخله دامت شوکته

تلگراف مبارک در طی نمره ۴۲۲۶ زیارت شد. اوامر مقدس حضرت اقدس والا [را] چاکر با تمام حیثیات خود استقبال نموده لازم الاتباع می‌داند. لیکن مستدعی است مختصری هم در اشکالاتی که از طرف خزانه داری در مقابل خدمتگذاری (خدمتگزاری) های غلام متوالیاً تدارک می‌شود، عطف نظر فرمایند. چنانچه کراراً معروض افتاده کرم خان موقعی که با عجله تعاقب یک دسته سارقین می رفته در پشت کوه یزد به عنوان مهمانی عبور نموده است و محض همین خلافی که مرتکب . ه، حسب الامر مطاع کرم خان را منفصل داشت. حالا خزانه داری به اسم مأخوذی مشارالیه هزار و ششصد تومان از حواله کاشان موضوع داشته باز مانع نشده هشتصد تومان هم از حواله یزد کسر نموده‌اند. نمی داند این چند شب مهمان

شدن کرم خان چقدر برای خزانه‌داری گران تمام شده که تقریباً حقوق یک ماه کل امنیه خطوط را از میان می‌برد. مع ذلک هر قسم مقرر فرمائید اطاعت می‌شود. فعلاً حسب الامر به صاحب منصب یزد تلگراف شد که در امور مالیه همه قسم مساعدت نموده و مطلقاً و شخصاً مداخله نکنند. هر قسم صلاح غلام را دانسته و احضار فرمودند لازم الذعان (لازم الاذعان) است. (چاکر ماشاءالله)

سواد مطابق با اصل است. مهر کابینه وزارت داخله

[حاشیه:] DEC1913 .۱۶

[سند شماره ۶۰۸ ض ۴ آ ۱-۲۴۰۰۰۱۴۷۰]

۲۲۲

۲۳ محرم ۳۳ [۱۳ ق]

سواد تلگراف نایب الحکومه اصفهان راجع به ترتیب جوشقان حسب الاظهار دبیر همایون نایب الحکومه

مقام محترم حکومت جلیله اصفهان

دبیر همایون از جوشقان شرحی خدمت حضرت آقای مرتضی قلی[1] خان عرض کرده و از مأمورین مالیه کاشان شکایت کرده که عده [ای] سوار آنجا آمده در حالتی که اهالی مالیات خود را داده‌اند و مفاصا دارند بسختی درصدد مطالبه و تاخت و تاز هستند و نیز سوارهای دیگر برای مطالبه باج شتر و غیره در آنجا مزاحمت دارند. پنج نفر سوار خواسته است. اگر اجازه می فرمایید برای دبیر همایون اعزام شود. **[سند شماره ۵-۷۸-۱۹-۲۹۳]**

۲۲۳

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته ۲۳ محرم ۳۲ [۱۳ ق]

سواد دو طغرا تلگراف آقای مرتضی قلی خان و نایب الحکومه اصفهان را در

---

۱. نایب الحکومه جوشقان در سال ۱۳۳۲ هق

موضوع اقدامات و اظهارات امین مالیه جوشقان اظهار داشته کسب تکلیف نموده‌اند، جوفاً تقدیم داشت که پس از ملاحظه به هر قسم مقتضی است مقرر شود تا جواب آنها مخابره شود

[حاشیه:] اداره مالیات

[اداره] جنوب ؛ به وزارت مالیه مراجعه نمایند. به خزانه داری کل هم بنویسید. [سند شماره ۲-۷۸-۱۹-۲۹۳]

۲۲۴

۲۳ شهر محرم ۱۳۳۲، سواد تلگراف آقای مرتضی قلی خان راجع به جوشقان

تهران حضور مبارک حضرت اشرف آقای صمصام السلطنه مدظله

دبیر همایون نایب الحکومه جوشقان و اهالی آنجا شکایت می‌کنند که نمایندهٔ مالیه از تهران آمده بیست نفر از سوارهای نایب حسین را هم همراه آورده مالیاتی که اهالی به نایب الحکومه سابق داده ومفاصا [حساب] گرفته‌اند مجدداً مطالبه و دریافت می نمایند و خیلی اسباب اذیت مردم شده مخصوصا سوارهای نایب حسین مردم را می‌چاپند، در این صورت تکلیف چیست. جواب آنها را چه باید داد. مستدعی است زودتر دستورالعملی در این باب بفرمایید.

[شماره میکروفیلم ۴-۷۸-۱۹-۲۹۳]

۲۲۵

دولت علیه ایران، شیرو خورشید، وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۵۱۷۷، کارتن ۴ دوسیه ۳، شعبه تحریرات جنوب، ارسال در ساعت ۵

وزارت جلیله مالیه

چند فقره تلگرافات از نایب الحکومه جوشقان و اهالی آنجا رسیده است با این که رعایای جوشقان مالیات سه ساله گذشته را در موقع خود به توسط حکومت پرداخته و قبض رسید در دست دارند، پیشکار مالیه جدید مجدداً از آنها مطالبه

کرده است. سواد یکی از تلگرافات رالفاً ارسال داشت. در صورتی که رعایای آنجا مالیات خودشان را پرداخته و قبض رسید در دست دارند، خلاف انصاف است که مجدداً از آنها مطالبه شود. اگر نایب الحکومه آنجا مالیات را گرفته و به حکومت اصفهان پرداخته است، آن هم باید معلوم و روشن و حسابشان از خود حکومت خواسته شود. در این صورت غدغن خواهید فرمود در تحقیق این مطالب از طرف خزانه داری کل به پیشکار مالیه داده و حقیقت امر را مکشوف دارند تا از روی بصیرت اقدام لازم به عمل آمده و تحمیل جدیدی بر رعایای بیچاره نشود.

[شماره میکروفیلم ۱-۷۸۱-۱۹-۲۹۳]

۲۲۶

دولت علیه ایران، وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۵۱۳۴ - ۱۸۵۴۳، کارتن ۴ دوسیه ۳، شعبه تحریرات جنوب، ارسال در ساعت ۵

ادارهٔ خزانه داری کل

چند روز قبل سواد تلگراف نایب الحکومه جوشقان را دایر به اعلانی که از طرف امین مالیه جوشقان در باب مالیات سه ساله شده است به خزانه داری فرستاده است. اینک هم تلگراف دیگری از اصفهان در این باب رسیده است که سواد آن [را] هم محض اطلاع خزانه داری لفاً ارسال داشت. در صورتی که اهالی جوشقان مالیات خودشان را با نایب الحکومه سابق پرداخته و قبض رسید در دست دارند، خلاف عدل و انصاف است که مجدداً از آنها مطالبه شود. لازم است از طرف خزانه داری به امین مالیه تعلیمات داده شود که رسیدگی کرده معلوم دارند که جوشقانی‌ها مالیات خودشان را به‌کی (چه کسی) پرداخته و قبض کی (چه کسی) را در دست دارند تا معلوم شود مالیات آنها به‌کیسه‌کی (چه کسی) رفته و درکجاست و به خرج کجا درآورده اند تا از روی بصیرت در اخذ آن اقدام شده تحمیل جدیدی به رعیت نشود.

[شماره میکروفیلم ۳-۷۸-۱۹-۲۹۳]

۲۲۷

به توسط وزارت جلیله مالیه

وزارت جلیله داخله

در تکمیل مراسلات سابقه دایر به اجحافات و مأخوذات سوارهای ماشاءالله خان؛ اخیراً به پیشکار مالیه یزد قدغن گردید که در مقابل تظلمی که ماشاءالله خان به آن وزارت جلیله کرده است، تحقیقات محلی بعمل آورده مراتب را به مرکز ابلاغ دارند. اینک سواد تلگرافی [را] که جواباً از پیشکار مالیه یزد رسیده است. محض استحضار اولیای آن وزارت جلیله لفاً ایفاد داشت. خزانه دارکل

تلگراف [به] پیشکار مالیه یزد

در تعقیب تلگراف نمره ۱۴۵۶ میزان صحیح مأخوذات کرم خان را که بدون قبض بوده است تعیین و ابلاغ نمایید که از ماشاءالله خان مطالبه شود.

مرنار خزانه‌دار کل

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۷ - ۱۰۸ ض ۴ آ آ ۱]

۲۲۸

وزارت امور خارجه، اداره انگلیس، مورخه ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۲، نمره ۸۱-۲۲-۱۵۱۵۶، فوری

وزارت جلیله داخله

در باب مال التجاره استیونس[1] که به مبلغ یک هزار و پانصد لیره در نزد لایدس کمپانی بیمه شده رقیمه [ای] از قونسول و یادداشتی از سفارت انگلیس به وزارت خارجه رسیده بود مشعر بر این که نایب حسین مال التجارهٔ مزبور را در حوالی قم جلوگیری کرده است. هر دو فقره از اداره انگلیس به آن وزارت جلیله ارائه و البته تلگرافات صادر فرموده‌اید. اینک سواد یادداشت سفارت را ارسال می‌دارد که پس

---

۱. از تجّار و بازرگانان انگلیسی که مال التجاره ایشان به سال ۱۳۳۲ هق در حدود قم توسط نایب حسین کاشی ضبط شده بود.

از صدور احکام اکیده و اخذ نتیجه وزارت خارجه را نیز مطلع فرمایند تا به سفارت جواب داده شود.

[حاشیه:] جنوب

تلگرافی که لازم است به ماشاءالله خان مجدداً صادر شود. اداره ولایات

[شماره میکروفیلم ۳۷۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۲۹

خزانه داری کل ایران، شماره ۵۷۰۰، یزد ۱۱ برج حمل بارس ئیل ۱۳۳۲، محرمانه [به زبان فرانسه]

آقای خزانه دار کل

متمّم تلگراف نمره ۲۰۱۳ عرض می‌کند، ادارهٔ امنیه با این ترتیبی که فعلاً دارد بیشتر تولید ناامنی چه در شهر و چه در خارج می‌کند. چراکه آقای ماشاء الله خان چندی است آنچه بابت حقوق سواران امنیه یزد می گیرد به سوارهایی که در آنجا دارد ربع آن مبلغ را هم نداده و آنها را مجاز به‌گرفتن باج از قوافل و عابرین می‌کند و این باج هم یک نرخ معینی ندارد، بسته به انصاف آن سوار است. هرچه خواست و پیشرفت کرد می گیرد و گاهی [بعضی] از آن سوار و پیاده که در نقاط عرض راه هستند. قناعت به باج راه هم نکرده به راهزنی هم مشغول شده و بعد اگر دنبال شد، عنوان می‌کند، حرکت کرده رفتیم مال را از دست دزد گرفتیم و وقت رد کردن مال به دست صاحبش ده یک ده دو هر چه پیش برود از صاحب مال می گیرند و چنانچه کسی دنبال نکرد که بالمره آن مالی را که دزدیده‌اند برده و چیزی عاید صاحبش نمی شود.

پس از عرض این مقدمه تا این که ادارهٔ ژاندارمری در یزد برقرار شود دو مطلب را پیشنهاد می‌کنم؛ اولاً در صورتی که پیشرفت داشته باشد امنیه یزد را از آقای ماشاءالله خان گرفته جزو حکومت قرار دهند. آن وقت با همین بودجه امنیه و بودجه که برای سوار حکومتی معین است، به مبلغ جزئی تفاوت، می‌شود در یزد

یک امنیه مرتبی تشکیل داد که دارای یک صد وپنجاه نفر سوار و یک صدوپنجاه نفر پیاده باشد که هم برای حفظ امنیت و انتظام و هم برای اجرائیات امور حکومتی مکفی باشد و به سوار ماهی هجده تومان داد و به پیاده ماهی نه تومان و شش نفر صاحب منصب جزء از قرار نفری سی تومان و یک نفر صاحب منصب کل با ماهی صد تومان. بودجه حالیه، سوار حکومت در ماه ۱۵۵۵ تومان، بودجه سواران امنیه که در تحت ریاست آقای ماشاءالله خان است در ماه ۲۰۱۲ - ۳۵۶۷ تومان [جمعاً] بودجه که پیشنهاد می‌شود: صاحب منصب کل ۱ نفر ۱۰۰ تومان، صاحب منصب جزء ۶ نفر از قرار ماهی ۳۰ تومان [می شود] ۱۸۰ تومان، سوار ۱۵۰ نفر از قرار ۱۸ [تومان] ۲۷۰۰ [تومان]، پیاده ۱۵۰ نفر از قرار ۹ [تومان] ۱۳۵۰ [تومان] [جمعاً به مبلغ] ۴۳۳۰ [تومان]. تفاوت حاصله بین دو بودجه در ماه مبلغ هفت صدوشصت و سه تومان، بطوری که در تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۳۱ در تحت نمره ۹۹۲ تلگرافاً عرض کرده بودم، در صورتی که حکومت یزد را به غیر از بختیاری به یک نفر دیگر که مطیع مرکز باشد واگذار فرمایند و بودجه آن را با اطلاع بنده معین فرمایند و بعضی پیشنهادهایی هم که می کنم، قبول فرمایند، می توانم تعهد کنم در سال قریب دویست هزار تومان از یزد عایدی خرج در رفته برای دولت حاصل شود و حال این پیشنهادی که می شود یکی از آن مسائل مهمه و بلکه اُسّ اساس تمام پیشنهادهای بنده خواهد بود. چراکه تا ولایت امن نباشد و حکومت قدرت نداشته باشد، هر قدر هم که اداره مالیه دارای قدرت باشد، باز بی فایده [است] و امور مالیاتی بالطبع به آن طور که باید پیشرفت کند نکرده و آن مبلغ عاید دولت نخواهد شد. ثانیاً در صورتی که گرفتن امنیه از آقای ماشاءالله خان برای دولت فعلاً متعذر باشد، پس اقلاً کاری کنند که این دو هزار و دوازده تومان به سوارهایی که در یزد هستند، عاید شود و به آن اندازه هم که در بودجه تصویب شده سوار وپیاده در یزد حاضر باشد. یعنی من بعد مبلغ مذکور را به آقای ماشاءالله خان نداده به اداره مالیه اینجا اجازه بدهند حقوق سوار و پیاده را به اطلاع صاحب منصبی که دارند همه ماهه به افراد آن مستقیماً بپردازد و این مطلب یک فایده دیگری هم دارد و آن این

است که کم کم این سوار و پیاده خود را نوکر دولت تصورکرده دیگر جیره خور آقای ماشاءالله خان نمی دانند و به این واسطه اطاعتشان نسبت به دولت بیشتر می‌شود و شرارت و تعدیشان کمتر. رئیس مالیه یزد، موسی مرآت الممالک
[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۷-۱۰۸ ض ۴ آآ ۱]

۲۳۰

تلگراف، پیشکار مالیه کاشان

حقوق حوت سوارهای ماشاءالله خان که بالغ بر ۳۴۴۲ تومان است بپردازید، مرنار

ماشاءالله خان: کاشان

اجازه پرداخت حقوق برج حوت سوارها داده شد.

۵ آوریل = ۲۶ حمل ۱۹۱۴ م

مرنار

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۷-۱۰۸ ض ۴ آآ ۱]

۲۳۱

وزارت جلیله داخله، وزارت جلیله مالیه، هیئت وزراء عظام [به فرانسه:] فوری ، فرستاده شده ۹ می ۱۹۱۴

با نهایت احترام خاطر مبارک را مستحضر می دارد که برطبق اطلاعاتی که از منابع موثقه به این بنده رسیده است، سوارهای ماشاءالله خان، از بیست روز قبل به این طرف، شروع به اخذ بعضی وجوه از مردم کرده و به عنوان اصلاحات موهومه آتیه ولایت بدبخت کاشان عنفاً نسبت به رعایای بیچاره آنها پاره‌ای اجحافات می‌نمایند. حتی یک نفر نماینده ماشاءالله خان هم به یکی از مأمورین دولتی اظهار داشته است که وجوه هایی که به این ترتیب از مردم اخذ می‌شود صدی پانزده مالیات دیوانی است. لازم است از این پیشامد ناگوار خاطر مبارک را

مستحضر نموده و استدعا کنم که قدغن فرمایند اقدامات عاجلانه بعمل آیـد کـه اهالی فلک زده کاشان بعد از تحمل آن همه شداید و مصائب حالیه در تحت نظر دولت این طور به باج دادن بـه یک دسـته قـطاع الطـریق مـحکوم نشـوند. نـتیجه اقتصادی این مأخوذات غیر قانونی این است که دولت وجداناً بـاید از اخـذ یک قسمت از مالیات رعایای کاشان صرف نظر نماید.

[شماره میکروفیلم ۹-۱۴-۱۴۵-۲۴۰]

۲۳۲

خزانه داری کل ایران، نمره ۲۶۰۵، ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۱۹ ثور ۱۳۳۲ [ق]، نمره ۱۰۶۲

وزارت جلیله مالیه - با نهایت احترام خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که بـر طبق اطلاعاتی که از منابع موثقه به این بنده رسیده است، سوارهای ماشاءالله خان از بیست روز قبل این طرف شروع به اخذ بعضی وجوه از مردم کرده و به عـنوان اصلاحات موهومه آتیه ولایت بدبخت کاشان عنفاً نسبت به رعایای بیچاره آنجا پاره (پاره‌ای) اجحافات می‌نمایند. حتی یک نفر نماینده ماشاء الله خان هم به یکی از مأمورین دولتی اظهار داشته است که وجوهی که به ایـن تـرتیب از مـردم اخـذ می‌شود، صدپانزده مالیات دیوانی است. از [این] پیش آمد ناگوار خاطر مبارک را مستحضر نموده و استدعا [می]کنم که غدغن فرمایند اقدامات عاجلانه بعمل آید که اهالی فلک زده کاشان بعد از تحمل آن همه شداید و مصائب حالیه در تحت نظر دولت این طور به باج دادن به یک دسته قطاع الطریق محکوم نشوند.

نتیجه اقتصادی این مأخوذات غیر قانونی این است که دولت وجداناً از اخذ یک قسمت از مالیات رعایای کاشان صرف نظر نماید. ضمناً هم موقع را مغتنم شمرده با نهایت احترام متذکر می‌شوم که واقعاً حال که بودجه بارس ئیل ژاندارمری نقداً جنساً، بالغ بر (۳۲۰۰۰۰۰) تومان رسماً تصویب شـده است، وقت آن است کـه ژاندارمری ولایت کاشان هر چه زودتر تاسیس شود.

خزانه دار کل

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۶۹۹-۸۱۵ پ ۲ آآ ۱]

۲۳۳

ادارهٔ تلگرافی دولت علیه ایران، از اردستان به اصفهان - نمره قبض ۴۳۳ - نمره تلگراف ۳۳ - عدد کلمات ۴۵، تاریخ ۲۵ شعبان، اصل ۲۵ تاریخ وصول ۲۶ اسد، سنه ۱۳۳۲ [ق]

حضور مبارک حضرت آیت الله آقای ثقت (ثقه) الاسلام[1] مدظله، کپیه جریده زاینده رود

پس از شکست فاحش، اشرار از خاک اردستان و نطنز رانده، امروز قلاع باد و خالد آباد متصرف، انتظار توپ و قوای فوری از اصفهان دارم ۴ شوال

چراغعلی

صولت الملک، توپ و ژاندارم و سوار بختیاری بدون امر دولت نمی‌تواند حرکت کند. شما خوب است این مطالب خود راکه تقاضاکرده‌اید، به عرض اولیای امور برسانید. هر چه امر از مرکز شده اطاعت می‌شود.

[حاشیه:] صادر شد

[سند شماره ۲۹۱۰۰۲۵۶۱ ۵۳۸ ت د ۴ الف الف ۱]

۲۳۴

خزانه داری کل ایران، اداره محاسبات نمره ۵۲۸۱، ۲۴ جوزا ۱۳۳۲ [ق]

وزارت جلیله مالیه

در جواب مرقومه نمره ۱۰۲۹ مورخه ۲۴ ثور راجع به مأخوذات خلاف قانونی که درکاشان شده است، برای مراسله نمره ۲۶۰۵ را مجدداً اشعار و ضمناً معروض می داردکه به عقیده بنده وقت آن است ژاندارمری کاشان تأسیس و به عملیات غیر قانونی ماشاءالله خان که اقدامات هوس کارانه او معذلک در مقابل وزارتخانه های

۱. حاج آقا نورالله اصفهانی ثقه الاسلام پسر حاج شیخ محمد باقر نجفی از علمای بزرگ اصفهان بود. حاج آقا نورالله چندی از ایران مهاجرت کرد و به کربلا رفت و در حدود ۱۳۳۲ هق همراه ملیون ایران به اصفهان بازگشت و در ۱۳۳۴ هق که اکثر رجال حکومتی و مجلس در اصفهان بودند به آنها یاری رساند. وی در ۱۳۰۶ هش درگذشت. حاج آقا نورالله طبع شعر داشت و نور تخلص می کرد. (شرح حال رجال ایران - ج ۴)

مسئول، حسن تلقی می‌شود، خاتمه داده شود.

خزانه دار کل

[حاشیه:] ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۲۶ جوزا ۱۳۳۲ [ق] نمره ۲۰۳

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۶۹۹ - ۸۱۵ پ ۲ آآ ۱]

۲۳۵

وزارت مالیه، نمره عمومی وارده ۲۰۳۹، نمره عمومی صادره ۲۰۷۸، کارتن ۵ دوسیه ۲۵، تاریخ مسوده ۳۱ جوزا ۲۶ شهر رجب با رس ئیل ۱۳۳۲ ق، نوع مسوده مکتوب، تاریخ ارسال ۷ سرطان ۱۳۳۲ در باب ژاندارمری کاشان

اداره تشکیلات ژاندارمری - مدتی است از سوء رفتار ماشاءالله خان و اتباع او که در کاشان هستند راپورت های متوالی می‌رسد و پیشکار مالیه آنجا مکرر اطلاع داده که مشارالیه بعضی وجوهات بی‌قاعده از اهالی مطالبه و دریافت می دارند. ناچار باید به قوه قهریه مرتبی از مشارالیه جلوگیری شود. در این صورت تأخیر در تشکیل ژاندارمری کاشان به نظر صحیح نمی‌آید. اکنون لزوماً استعلام می‌شود که برای این فقره در این مدت چه اقداماتی نموده‌اید و ژاندارمری کاشان چه وقت تاسیس و تشکیل خواهد شد. لازم است شرح اقدامات را اطلاع دهید. پس از ارسال ملاحظه شود

حسن خان مستوفی الممالک

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۶۹۹ - ۸۱۵ پ ۲ آآ ۱]

۲۳۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۱۱۳، از یزد به تهران، نمره قبض ۳۴۹۸، نمره تلگراف ۳۳، عدد کلمات ۶۵ - تاریخ اصل ۶ - توضیحات: دولتی تاریخ وصول ۱۷ اسد

مقام منیع وزارت جلیله داخله

محمدقلی بهادر[1] که سابقه رفتار او در یزد و غارت‌هایی که در عقدا[2] کرده حاجت به عرض نیست، با صد نفر سوار از طرف ماشاءالله خان مأمور امنیت یزد شده در راه است. اگر این آدم با این عده سوار که غالباً دزد هستند به خاک یزد برسند به‌کلی سلب امنیت از یزد خواهد شد. فدوی معاضدالسلطنه[3]

[شماره میکروفیلم ۱-۱۶-۵-۲۹۰]

۲۳۷

اداره کابینه - سواد عرض حال رعایای اردهال - مورخه ۹ اسد ۱۳۳۲ - نمره ۱۸-۳

عرضه داشت [یک] مشت سادات رعیت سینقال من قراء اردهال به آستان مبارک آن‌که پی درپی مطالبه می‌شود. رعیتی که نه اختیار مال و نه عیال و اطفال. دیگر مالیات برای چه بدهد. یهود جزیه مقرری می‌دهد که ناموس او محفوظ باشد. این چاکران نه مال داریم ونه اختیار اهل و عیال. با این حال که قسط مالیات خود را به سرکار میرزا یوسف خان داده‌ایم ولی یک شب راحت نیستیم. در شب ۲۷ شهر رجب، آقا حسن پسر میرزا بزرگ مندایی با محمد قلی کاشانی با پنج نفر دیگر هفت ساعت از شب گذشته ریختند به سینقال، تمام مردم را از اناث و ذکور با اطفال گریختند به طرف صحرا و بیابان، سه نفر (ناخوانا) سقط کرد و یک نفر هم فوت شد، از ترس. در همان شب میرزا محمد نام را پسر حسن نام با بدن برهنه و پای برهنه بردند مشهد[4] و ازمشهد برده‌اند دورتر به طرف کاشان با علامات زیاد که شرح آن جایز نیست. کسی را که نه دولتی از عهده او بر می‌آید ونه حاکم، این رعیت مرده چه میتواند بکند. حالا هم این عریضه را عرض کرده‌ایم، محرمانه باشد. شما را به حق اجداد ساداتتان نشان ندهید و اگر مطلع شدند جان تمام رعیت در تلف

---

۱. از اشرار یزد که در ۱۳۳۲ هق از سوی ماشاءالله خان کاشی مأمور امنیت یزد شده بود.

۲. از نواحی یزد

۳. ابوالحسن خان معاضد السلطنه پیرنیا حاکم یزد در سال ۱۳۳۲ هق

۴. یعنی مشهد اردهال

است. خدا هم از عهده او برنمی‌آید. این است محرمانه اطلاع دادیم. مهر سی و چهار نفر

[حاشیه:] سواد مطابق اصل است.

[شماره میکروفیلم ۲۰-۶۰-۱۴۳-۲۴۰]

۲۳۸

وزارت مالیه اداره کابینه، سواد راپورت پیشکار مالیه قم و محلات ۱۷ سرطان ۵۹۸ / ۱۳۳۲، مورخه ۹ اسد ۱۳۳۲، نمره ۳۰۱۸

آقای خزانه دار کل

شرحی را که اهالی قریه سینقال که از قراء بلوک اردهال قم است از تعدیات عده‌ای که به اسم آدمهای نایب حسین کاشانی در آنجا باعث اغتشاش و خسارت اهالی می‌شوند به اداره مالیه نوشته، عیناً ارسال داشت و این شرح را به اعمال وحشت نوشته‌اند و متوحش هستند که هرگاه تظلم آنها آشکار شود، باعث گرفتاری شدید آنها شود. چون در اردهال که نه قریه واز بلوکات معظم قم است، مأمور ژاندارم نیست، همیشه وصول مالیات آنجا هم برای این قسم تعدیات و اغتشاش ها کمال سختی می‌شود. چنانچه در سنه ماضیه هم راپورت نموده است. اهالی همیشه در تزلزل و گرفتار هستند و اغلب از اردهال این قبیل تظلمات به اداره حکومتی قم و اداره مالیه می‌رسد و تا به حال به آن حدود انتظامی داده نشده. چنانچه نمره ۴۴۱ راپورت نموده است یک پست ژاندارم ولو عدهٔ آن هم کم باشد در مشهد اردهال که یکی از قراء آن است از طرف اداره ژاندارمری گذارده شود، باعث امنیت و استراحت اهالی خواهد بود واز وصول مالیات همیشه می‌توان اطمینان داشت. (مالیه قم و محلات)

سواد مطابق اصل است.

[شماره میکروفیلم ۱۹-۶۰-۱۴۳-۲۴۰]

۲۳۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، سنه ۱۳۳۲ [ق] ـ از اردستان به اصفهان - نمره قبض ۴۲۸ - نمره تلگراف ۲۸، عدد کلمات ۴۷ و تاریخ اصل ۲۵ - توضیحات دولتی - تاریخ وصول ۲۵ اسد - نویسنده: مهدی

اصفهان مقام منیع حضرت اشرف ایالت جلیله دامت شوکته

به موجب تلگراف حضرت اشرف، ماشاءالله خان سوار خود را به کاشان عودت داده. صولت الملک به خیالات خود دو روزه طرف نطنز رفته و طرفه (طفره) می‌رود که بیاید. فعلاً در باد است.

چاکر امیر مهر تلگرافخانه مبارکه اصفهان

[حاشیه:] ضبط شود

[سند شماره ۲۹۱۰۰۲۵۶۱-۵۳۸ ط ۴ الف الف ۱]

۲۴۰

نمره کتاب ۸۴، از کاشان به تهران، نمره قبض ۲۰۳۹، نمره تلگراف ۳۸ دولتی، تاریخ ۸ سنبله، سنه ۱۳۳۲

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

از تلو رمز نمره ۱۱۶۹ تلگرافی و عریضه نمره ۱۱۷۶ پستی مراتب را عرض کرد. اینک هم عرضه می دارد، روز هفتم بی مقدمه ماشاءالله خان از ییلاق به شهر آمده بلافاصله خبر داده‌اند یک نفر صاحب منصب سفارت آلمان با اتومبیل از اصفهان آمده و لدی الورود به ماشاءالله خان وارد شده است. چون توسط دیگران طوری که باید مطلب توضیح نشد، خود فدوی برای تحقیق مطلب رفتم منزل مشارالیه. معلوم شد، آلمان ها هم برخلاف روس ها اصراری دارند که املاک مشارالیه را اجاره نموده و خود و کسانش را در تحت حمایت و نفوذ خودشان بیاورند. چون داستان روس ها را شنیده‌اند فوری حرکت کرده‌اند. به همین ملاحظه هم ماشاءالله خان به شهر آمده و هنوز سند به روس ها نداده، موقوف شده است به این که سند ممهور

قونسولگری را بیاورند، سند ممهور بگیرند تا معامله روس ها و آلمان‌ها را از روی دقت معلوم نمایند هرکدام به صرفه نزدیک تر است اقدام نمایند. فدوی هم چون فرصتی پیداکرد، در آن مجلس و روز بعد خیلی مذاکرات نموده معایب و ضرر مالی این کار را خاطر نشان کردم. بالاخره احداث تردیدی در خیالش شد. قرار دادم تا یک هفته به طرفین جواب ندهد تا [جواب] عرایض فدوی از حضور مبارک برسد، با این که در این موضوع مخصوصاً امتحانات کرده می‌دانم جز بد نامی و اتهام به رشوه خواری و تنقید جراید شدن نتیجه برای فدوی ندارد، ولی چون یقین دارم اگر این کار صورت بگیرد، چه خطرات و زحمات را متضمن خواهد بود، محض ادای تکلیف نوکری و مأموریت و رفع مسئولیت وجدانی و نوعیت متحمل همه چیز شده، عرض می کنم؛ فدوی امیدوار شده‌ام که اگر تامین به ماشاءالله خان وکسانش مرحمت شود که به آسودگی مشغول نوکری باشند و مردم را هم آسوده نمایند، ممکن است از اتصال به خارجه صرف نظر نمایند. در صورتی که رأی مبارک به این ترتیب علاقه گیرد، مقرر فرمایید جناب مستطاب اجل اکرم آقای شریف الدوله[1] معاون وزارت جلیله دامت اقباله در تلگراف خانه تشریف بیاورند فدوی هم حاضر شده مراتب را مذاکره نماید، قراری داده شود. چنانچه مقتضی اقدامی ندانند، فدوی هم قطع مذاکره نمود به خیال خودشان وا می گذارم. مستدعی است جواب عرایض فوری مرحمت شود. سردار معظم[2]

[حاشیه:] جنوب: سواد به وزارت خارجه فرستاده شود.

[شماره میکروفیلم ۲۶۲-۴-۱۱-۲۹۳]

---

۱. شریف الدوله : میرزا زین العابدین خان غفاری پسر میرزا ابراهیم از محصلین ایرانی اعزام به خارج از کشور بود که پس از اتمام تحصیلات در فرانسه به عنوان مستشار اداره پلیس و رئیس «مجلس تحقیقات» در اداره پلیس به‌کار پرداخت. چندی نیز رئیس اداره محاکمات وزارت امور خارجه گردید و بعد کارگزار خراسان شد. وی در ۱۳۳۲ هق معاونت وزارت امور خارجه را بر عهده داشت .(فرهنگ رجال قاجار)

۲. سردار معظم: منظور عبدالحسین خان تیمور تاش است.

۲۴۱

به مسیو للو[۱] ۲۶ میزان

ماشاءالله خان و اتباعش به مالیه جوشقان ریخته صندوق را شکسته هشتصد و شصت تومان پول و دویست وسی تومان اشیاء تحصیلدار را با دو خروار جو برده‌اند. مرتکبین از نزد اشرار فراراً به‌کاشان آمده توسط مالیه حکم به ادارهٔ ژاندارمری در دستگیری آنها لازم. نمره ۹۲۱ یحیی دهخدا[۲]

[حاشیه:] ورود به‌کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۷ عقرب ۱۳۳۲ - نمره ۲۴۰۱۶

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۹۱۵ - ۷۰۶ پ ۴ آآ ۱]

۲۴۲

حکومت قم، تاریخ ۲۸ ذی قعده ۱۳۳۲، نمره ۵۹۰

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

چنان‌که سابقاً به عرض رسانیده بودم، در موقع برداشت محصول بلوک اردهال، با وجود قرب جوار به‌کاشان و تطاولات اشرار آن حدود، لازم بود یک نفر برای آنجا نایب الحکومه معین شود که اوضاع آن سامان را حتی الامکان تحت امنیت و انتظام آورد و از اشرار آن صفحات جلوگیری کند. این بود که معزز الدوله کاشانی را که از بستگان ماشاءالله خان بود،نظر به مقتضیات وقت و بعضی ملاحظات، به این سمت معین نمودم. راپرت آن را هم به وزارت جلیله داخله عرض کردم تا این موقع که دولت علیه درصدد قلع و قمع اشرار کاشان برآمد، معززالدوله، بدون اطلاع به حکومت قم، به‌کاشان رفته و به اشرار ملحق واین مدت تمام را در کاشان بود و اکنون ازکاشان فراراً با بعضی نوکرها و اتباعش به قم آمده و با این تفصیل دیگر او را به سمت نایب الحکومگی آن صفحات ابقاء نمودن صورت صحیحی نداشت. لهذا او را منفصل و میرزا محمود خان صمصام السلطان را که آدم کافی زرنگی است و

---

۱. مسیو للو از مستشاران بلژیکی که در ۳ و ۱۳۳۲ هق سمت خزانه داری کل ایران را بر عهده داشت

۲. برادر علی اکبر دهخدا که عضو ادارهٔ طرق (راه) زیر مجموعهٔ وزارت فواید عامه بود

وجود او برای آن حدود در این موقع مناسب بلکه ضرورت داشت، برای نیابت اردهال و بعضی دهات آن صفحات، معین نموده و همین چند روز عازم محل مأموریت خود خواهد شد. یک نفر محمد آقا[1] نام از اشرار آن حدود هم که چندی بود بعضی از سادات محترم اردهال از شرارت او شاکی بودند، با معززالدوله، بعد از فرار اشرار از شهر کاشان، وارد قم شده‌اند. فوری فرستادم او را دستگیر نمودند و در نظمیه توقیف کردند و این محمد آقا چند سال مستخدم مخصوص نایب حسین بوده و خیلی ضرر و صدمات به بعضی اهالی وارد آورده بعد از توقیف او شاهزاده سلطان محمد حسین میرزا[2] رئیس ژاندارمری به پاره‌ای ملاحظات که اشرار مجدد دور نایب حسین جمع نشوند و مطمئن از دور او پراکنده شوند، شخصاً ضمانت از اونموده واو را خارج ساخت. فعلاً همان محمد آقا هم با معززالدوله در شهر است و معززالدوله هم بعضی اظهارات می‌کند که اجباراً از آنجا رفته و توقف نموده است خدا عالم است. دیگر هر قسم امر مبارک شرف صدور یابد اطاعت شود.

فدوی سلطان جنید

[حاشیه:] اداره جنوب

[شماره میکروفیلم ۲۳۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۴۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از یزد به تهران، نمره تلگراف ۱۰۵، ۱۷ جدی اسم گیرنده: مهدی، برابر با ۸ ژانویه ۱۹۱۴ م

خزانه داری کل

جواب مرقومه نمره ۲۰۴۲۹ کرم خان نماینده ماشاءالله خان در مدت مأموریت خود در یزد سه قسم از رعایای دهات پول گرفته؛ اول به اسم مالیات که قبض داده ثانیاً به اسم مالیات که قبض نداده ثالثاً به اسم سیورسات و مهمانی و این ۲۴۵۵

---

۱. از اشرار کاشان که سال ها به عنوان مستخدم مخصوص نایب حسین خدمت می‌کرد.

۲. از شاهزادگان قاجاری که ریاست ژاندارمری قم را در ۱۳۳۲ هق بر عهده داشت.

تومان که عرض شده بود، مشارالیه مأخوذ داشته و از حقوق امنیه کسر شده، فقط از پولهایی است که به اسم مالیات گرفته و قبض داده که عین قبوض آن قریباً تقدیم می‌شود. والا میزان تعدیات کرم خان واتباعش در یزد خیلی بیش از اینهاست.

نمره ۱۴۵۶ میر موسی رئیس مالیه یزد

مهر تلگرافخانه مبارکه تهران

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۷ - ۱۰۸ ض ۴ آآ ۱]

۲۴۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران - نمره کتاب ۴۵، سنه ۱۳۳۲، از یزد به تهران، نمره قبض ۸۳۷۹، نمره تلگراف ۱۹۳، عدد کلمات ۳۱۴، تاریخ اصل ۲۵ توضیحات: دولتی، تاریخ وصول شب ۲۶ دلو - اسم گیرنده: محمد مهدی

خزانه ـ تهران جواب نمره ۲۴۴۸۲ اظهار سکنه بلوک میبد را تکذیب می‌کنم. از روزی که چه میبدی‌ها و چه دیگران اظهار داشتند، ماشاءالله خان و اتباعش از ما پول مالیات گرفته قبض داده‌اند و خواستند آن قبوض در عوض مالیات قبول شود، قبول نکرده موکول به اجازه مرکزکردم تا تلگراف نمره ۲۱۷۰۷ که در ۱۹ حوت سنه ماضیه رسید در دوازدهم حمل اعلانی در تمام بلوکات منتشر کردم. پانزده روز قبوض مأخوذی ماشاءالله خان را بیاورند در اداره مالیه ثبت شود. چون در آن موقع به واسطه مداخلات سردار فاتح جدّی در وصول مالیت نمی‌توانست بکند، به این جهت صاحبان قبوض هم خود را مجبور در ارائه قبوض ندیده فقط مبلغ خیلی جزئی ارائه داده اند که به نمره ۱۴۱، ۱۳ ثور میزان آن عرض شد و تکلیفی هم از طرف خزانه در رد وقبول معین کردند تا بعد کرم خان آمد و او هم مبلغی از مالیات بی قبض ویا قبض مأخوذ داشت. بعد از او بهادر نظام، حال که اقدام جدّی در وصول مالیات نموده است از اطراف قبوض اتباع ماشاءالله خان را آورده می‌خواهند در عوض مالیات قبول نماید. ولی بنده از این قرار رفتار کرده‌ام آنچه از حقوق ماشاءالله خان بابت مأخوذی کرم خان سابقاً کسر گذاشته شده بابت مالیات

قبول کرده بقیه را رد کرده و به صاحبانش اظهار داشته‌ام، باید تمام و کمال مالیات بدهی خود را بپردازند بعد عین قبوض را توسط اداره مالیه برای خزانه ارسال دارند. چنانچه حکم کردید در عوض مالیات قبول شود آن وقت یا وجه قبوض رانقداً میپردازد یا بابت مالیات سال آینده قبول می‌کند. لذا مستدعی است در این باب که امروز برای اداره مالیه یکی از مسایل مشکله در تفریق حساب مالیاتی محل‌ها شده است آخرین تکلیف را معین فرمایند که آیا به همین ترتیب که رفتار نموده است رفتار کند یا ترتیب دیگری را اتخاذ نماید. نمره ۲۵-۱۱

میر موسی مهر تلگرافخانه مبارکه دولتی

[سند شماره ۶۰۸ ض ۴ آآ۱-۱۴۷-۲۴۰۰۰۱۴۷]

۲۴۵

خزانه داری کل ایران، شماره ۹۹۰، ۲ حوت اودئیل ۱۳۳۲ [ق]

مقام خزانه داری کل

در جواب مراسله محترمه نمره ۲۵۹۸۷ مورخه ۲۲ دلو رأجع به مأخوذی آقای ماشاءالله خان در سیچقان ئیل خاطر مبارک با نهایت توقیر و احترام مستحضر می‌دارد که در سنه ماضیه سیچقان ئیل آقای ماشاءالله خان واخوانش از بابت مالیات سنه مزبور مبلغ شش هزار [و] سی صد و پنجاه و دو تومان و پنج هزار نقد ومقدار چهارصد و پنجاه و پنج خروار و نود و یک من [و] نیم جو و چهار صد و هشتاد و سه خروار و بیست و سه من کاه مأخوذ داشته‌اند که به موجب احکام نمره ۱۲۵۲۷ و ۱۶۱۶۷ سیچقان ئیل مقرر آمده موقوف المطالبه بماند وتا به حال هم مسکوت عنه مانده و به هیچ وجه به جمع و خرج منظور نگردیده است. صورت جزو مأخوذی معزی الیه را هم منضم به مراسله نمره ۹۱۱ سیچقان ئیل تقدیم نموده است و در ضمن صورت منضمه نمره ۷۰۳ اودئیل نیز که تعیین بقایا ولا وصولی های سیچقان ئیل است، عیناً مبلغ و مقدار فوق بعلاوه پنجاه تومان دیگر که قبض آن را بعدها آورده بودند در تحت عنوان مأخوذی ماشاءالله خان ثبت و تقدیم

شده است.

اما در خصوص سیصدتومان مأخوذی چراغعلی خان پسر آقای سردار ارشد که در ضمن مراسله محترمه ۱۲۵۹۸۷ اشتباهاً به اسم مأخوذی ماشاءالله خان اشاره فرموده‌اند به موجب حکم نمره ۵۳۵۷ اودئیل درجزو مخارج دولتی منظور شده است. از طرف رئیس مالیه دفتردار کل مهر اداره مالیه کاشان

[حاشیه:] ۲۳ فوریه ۱۹۱۴

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۷ - ۱۰۸ ض ۴ آآ ۱]

۲۴۶

خزانه داری کل ایران، سواد راپورت امین مالیه ورامین، [۱۲۹۲ ش]

آقای رئیس مالیات ایالت تهران

از قرار راپورت واصله محمد حسن خان ظفر نظام[۱] با سوارهای نایب حسین و اطرافی که به او ملحق شده‌اند و عبارت از هفتصد الی هشتصد نفر هستند، تماماً در گلچشمه و چشمه شاه هستند - پریشب گذشته سیصد نفر از این سوارها در مبارکیه اقبال الدوله بوده‌اند و قریب یک صد نفر شتر که از آرد و جنس بارگیری نموده و دو شب دیگر همین سوارها حمله به ورامین خواهند نمود. الحال جمیع اهالی شهر ورامین (مقر اداره مالیه) تماماً اموال و اثاث البیت خود را حمل به شهر می نمایند نمی دانم با این پیش آمدها چه باید کرد خصوصاً اداره مالیه هم خیلی معروفیت پیدا نموده. این چند نفر ژاندارم مالیه چه قسم میتوانند جلوگیری از سیصد نفرسوار نمایند. اگر این سیصد نفر به شهر ورامین که تمام سکنه آنها متمول و معروف به پولداری هستند، حمله نمایند تکلیف بنده در این مورد چی است. تحصیلدار که جرأت حرکت را ندارد، همیشه حکم از اداره ژاندارمری تهران به جهت رئیس ژاندارمری ورامین می‌رسد که شما به طرف اشرار حمله نبرید هرگاه

---

۱. رئیس ایل اینانلو که در حدود ۱۳۳۴ ق در حوالی قزوین شورش کرده بود و در زمان تشکیل کمیته دفاع ملی به این کمیته و نایبیان ملحق شد.

به شما حمله نمودند شما دفاع کنید. حال ملاحظه فرمایید که مطلب از چه قرار است. خواهشمند است در این باب تکلیف بفرمایند. امنیت به‌کل نیست.

امین مالیه عزت الله خان

سواد مطابق اصل است

[شماره میکروفیلم ۱۲۸-۲۶-۶۵-۲۴۰]

۲۴۷

ایالت و بلدیه تهران

سواد مراسله حکومت قم مورخه [۲۸؟] ربیع الثانی ۱۳۳۳

مقام منیع ریاست وزرای تهران دامت شوکته

در مسئله نراق که ژاندارمها را دولت مأمور کرده رفته در دیلمان نشسته‌اند که تا نراق یک فرسخ و نیم است. سوارهای ماشاءالله خان در نراق نشسته سیورسات می‌گیرند. جمعی از اهالی نراق فراراً به قم آمده هر روز تظلم می‌نمایند. اهالی بی‌خانمان مانده زن و بچه گرسنه و برهنه ویلان و سرگران در این زمستان بیابان‌گرد شده‌اند. اغلب تجار و معتبرین به‌کلی بی‌چیز شده آمده‌اند از اهالی قم به آنها لباس داده‌اند و اغلب از اهل و عیالشان بی‌خبرند. خیلی حال اسفناکی دارند. خوب است اولیای امور زودتر توجهی به حال این فلک زده ها بفرمایند که بتوانند به محل خود رفته، آسوده شوند و امنیتی در نراق و مشهد اردهال حاصل شود که بکلی آن صفحات پامال اشرار شده است.

سواد مطابق اصل است [شماره میکروفیلم ۲۱۰-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۴۸

وزارت داخله ـ اداره جنوب نمره ۱۳۱۸ - مورخه ۳۰ ۵ شهر رجب ۱۳۳۳

وزارت جلیله مالیه

آقای میرزا غلامحسین مستوفی که فعلاً در اداره حکومتی کاشان افتخاراً مشغول

خدمت است، چون حقوق اداری ندارد در صورت اقتضاء و امکان قدغن خواهید فرمود که مبلغ دویست و چهل تومان حقوق دیوانی اورا که به خرج کاشان منظور است از قرار ماهی بیست تومان از اداره مالیه کاشان بپردازند که بتواند وظیفه را ادا نمایند.
مهر وزارت داخله

[حاشیه ۱:] جواب نوشته شده هر قدر صلاح می‌دانید جزو بودجه منظور دارید
[حاشیه ۲:] سابقه ندارد
[حاشیه ۳:] ۴ جوزا

[شماره میکروفیلم ۳-۴۳-۸-۲۴۰]

۲۴۹

وزارت مالیه

نمره عمومی وارده ۱۶۴۳۵ - نمره عمومی صادره ۱۶۳۴۵ -کارتن ۱۰ دوسیه ۳۱، تاریخ مسوده ۱۳ رجب ۱۳۳۳ توشقان ئیل ۸ جوزا - در جواب وزارت داخله: در باب حقوق دیوانی میرزا غلامحسین خان که در اداره حکومتی کاشان مشغول خدمت است - نوع مسوده مکتوب - تاریخ ارسال ۱۹ جوزا

وزارت جلیله داخله

در موضوع دویست وچهل تومان حقوق دیوانی میرزا غلام حسین خان شرحی که به نمره ۱۳۱۸ مرقوم فرموده بودید، زیب وصول داد. اگر مشارالیه در اداره حکومتی کاشان بدون اخذ حقوق اداری مشغول خدمت است، آن وزارت جلیله هر قدر صلاح بداند خوب است در جزو بودجه منظور فرمایند که بعد از تصویب به مشارالیه عاید گردد.

حسن [میرزا حسن خان مستوفی الممالک]

[شماره میکروفیلم ۲-۴۳-۸-۲۴۰]

۲۵۰

دولت علیه ایران، وزارت داخله

حکومت جلیله شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان

تلگراف نمره ۱۸۴ ملاحظه شد به محض ورود علی خان[1] سیاه کوهی به شاهرود فوراً او را دستگیر و سوارهای او را هم خلع سلاح نموده و حسب الامر دولت، آن آلمانی هم که همراه آنها آمده محترماً به تهران روانه نمایید. اسلحه سوارها را هم به تهران بفرستید وطوری در بین راه رفتار نمائید که شکایتی نکنند. با کمال احترام وارد شود. این تلگراف بر حسب تصویب هیئت محترم دولت می‌شود. البته مواظبت کنید که کاملاً به موقع اجرا بگذارید.

[حاشیه بالا:] نمره ۴۱۰ [تاریخ ۳۱ جوزا سنه ۱۳۳۳]

[سند شماره ۲۹۳۰۰۳۳۸۶-۴۴۵۰۲-۲ ب الف ۱]

۲۵۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران ـ نمره نمونه ۱۶ – نمره تلگراف ۵۱ – سنه ۱۳۳۳ – از شاهرود به تهران – نمره قبض ۱۳۱۳ – نمره تلگراف ۱۰۵ – عدد کلمات ۲۸۴ – تاریخ اصل ۳۱ – تاریخ وصول ۳۱ جوزا – اسم گیرنده: حسین.

مقام مقدس وزارت جلیله داخله تلگراف مبارک نمره ۶۵۴ راجع به علی خان سیاه کوهی زیارت شد. علی خان سه روز قبل تلگرافخانه سمنان رفته و رئیس تلگرافخانه سمنان به توسط تلگرافخانه دامغان به بنده تلگراف کرده بود که علی‌خان می‌گوید ما سی نفر سواریم با یک نفر شخصی آلمانی، [به] سمنان ورود کرده و چون مطلب محرمانه با شما داریم و به ملاحظه این که مبادا در شاهرود خبر

---

۱. از افراد یاغی که در سال ۱۳۳۴ هق درحالی که بر دولت مرکزی شوریده بود، با تشکیل کمیته دفاع ملی توسط مهاجرین، بدانها پیوست و در حمله این کمیته و متحدانش به قوای روس و دستیابی بر تهران شرکت جست. وی در ستون دوم نیروی مهاجرین همراه اردوی ابوالحسن خان امیر حشمت و واحد بزرگی از ژاندارمری روبه سمت ساوه نهاد. اما به واسطه نرسیدن قوای کمکی طی جنگی با سپاه روس شکست خورد و مجبور به فرار شد. (طغیان نایبیان)

آمدن ما نشر کند به توسط تلگرافخانه دامغان استدعا می‌کنیم که روز ورود ما به شاهرود در شهر باشید که ملاقات شود و مطالب خود را سراً می‌گوئیم. با این که علی خان این مطلب را طوری پرورانده بود که تصور می‌رفت از طرف دولت مأموریت و آمده مطلبی خیلی سری دارد، فوری به محتشم‌الدوله[1] که در دامغان است نوشتم، پس از ورود علی‌خان به دامغان او را ملاقات کند و بگوید اگر از طرف دولت مطلبی و مأموریتی دارد حکم خود را ارائه بدهد و مطالب خود را به توسط مکتوب با آدم مخصوص بگوید والا چون آلمانی همراه اواست و موقع شاهرود خیلی باریک است و شاید حرفی حاصل شود بهتر این است ساده‌تر به شاهرود بیاید یا اصلاً نیاید. از قرار تلگراف نایب الحکومه سمنان، علی خان روز بیست ونهم جوزا از سمنان به طرف دامغان حرکت کرده ولی تاکنون خبری از محتشم الدوله نرسیده است. اگر علی خان به شاهرود آمد و بخواهد تخطی کند البته بر حسب امر مبارک او را دستگیر خواهم کرد و الاّ هر طور که مقتضی است با او رفتار خواهد شد و هر خبری هم قبل از ملاقات او برسد به عرض می‌رسانم. لیله هشتم شعبان نمره ۱۸۴ - امیراعظم.

مهر تلگرافخانه مبارکه دولتی

[سند شماره ۲۹۳۰۰۳۳۸۶ - ۴۴۵۰۲ الف ۱]

۲۵۲

وزارت مالیه

نمره عمومی وارده ۲۱۸۰۵ - نمره عمومی صادره ۲۱۸۰۵ - کارتن ۱۰ دوسیه ۳۱ تاریخ مسوده ۲۳ ذی‌قعده ۱۳۳۳ توشقان‌ئیل، ۱۱ میزان، در باب حقوق حکومت کاشان و غیره - نوع مسوده: مکتوب و تاریخ ارسال ۱۲ سرطان

مسیوللو خزانه‌دار کل

وزارت جلیله داخله بر حسب تلگراف حکومت کاشان راجع به حقوق اداره

---

۱. ظاهراً از نمایندگان دولت در دامغان بود.

حکومتی و اظهاراتی که امین مالیه آنجا نموده، شرحی مرقوم داشته‌اند که سواد آن به ضمیمه سواد تلگراف حکومت لفاً ارسال می‌شود. لازم است در پرداخت حقوق حکومتی سریعاً به اداره مالیه تعلیمات بدهید و نیز از بابت سوارهای ماشاءالله خان هم اکیداً قدغن نمایید. از روز واقعه کاشان نباید یک دینار بپردازد که با او محسوب نخواهد شد. در مسئله معیت امین مالیه، ماشاءالله خان هم اگر مصلحت این طور باشد که حکومت تلگراف کرده‌اند باید یک نفر دیگر را به جای او تعیین و پیشنهاد نمایند تا تصویب و حکم آن صادر شده اعزام گردد. منتظر نتیجه اقدامات را زودتر اطلاع دهید که به وزارت داخله جواب نوشته شود.
[حاشیه:] از روز واقعه کاشان

[شماره میکروفیلم ۵-۳-۴-۸-۲۴۰]

۲۵۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران
نمره کتاب ۸۵ - از بیرجند به تهران - نمره قبض ۶۴۱ - نمره تلگراف ۵۲ - عددکلمات دولتی ۱۴۵ - تاریخ اصل شب ۲۸ - توضیحات: برحسب تقاضای تلگرافی نمره ۵۳ حکومت بیرجند که به وزارت جلیله داخله ارسال شده ۲۸ سرطان

کپیه وزارت جلیله داخله تهران، مقام منیع بندگان حضرت اقدس رئیس الوزراء روحی فداه، در تعقیب نمره ۳۳ خود مورخه ۲۵ شعبان جسارت می‌ورزد. تا به حال خبر ورود عابرین آلمانی[1] به خاک قاین است به چاکر نرسیده است لیکن

۱. مقارن جنگ جهانی اول و مداخلات متعدد دول بیگانه در ایران و رقابت بین آنها، در ایران حادثه مهاجرت رجال سیاسی و مجلسیون به پشتیبانی دولت آلمان صورت گرفت که نتیجه مسایلی متعدد بود. از آن جا که قشر حاکم بر جامعه بیشتر طرفدار روس و انگلیس بودند، اقلیتی از روشنفکران و توده مردم به آلمان گرایش یافته و چون این دولت تازه وارد، سابقه امپریالیستی نداشت بدان متمایل شدند. لذا جهت اتحاد با آلمان اقداماتی کردند که با تلاش دولت آلمان در تسریع این روند، شکل تازه‌ای از روابط بین دو کشور را به وجود آورد. آلمان در صدد بود در تمام کشورهای منطقه و همسایگان ایران جهت جلوگیری از نفوذ دول مذکور همپای نفوذ خود در ایران اقداماتی نماید و مردم این کشورها از جمله ایران را بر ضد انگلیس و روس بشوراند. لذا در
←

نوشته مورخه پنجم رمضان قونسول انگلیس حکایت می‌کند که یک قسمت آلمانی‌ها مدتی است به‌کرمان وارد شده‌اند. قسمت دیگر به طبس رسیده‌اند. دویست نفر هم از همراهان نایب حسین کاشانی همراهشان هستند و هنوز منتظر دستجات دیگری هستند که به آنها ملحق شوند. چاکر تا به حال در این موضوع بی‌تکلیف مانده است. واقعاً اگر خبر ملحق شدن اتباع نایب حسین به آنها صحیح باشد، چاکر تصور می نمایم ورودشان به خاک قاینات بی‌شرارت و هرزگی نخواهد شد. چاکرانه مستدعی است به عرایض زودتر جوابی مرحمت شود. نمره ۳۵، ۶ رمضان خانزاد (خانه زاد) محمد ابراهیم[1] مهر تلگرافخانه مبارکه

[سند شماره ۲۹۳۰۰۳۳۸۶-۴۴۵۰۲-۲ ب الف ۱]

۲۵۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

روزنامه اردستان به تاریخ ۹ اسد، الان از مهاباد[2] کاغذی به نایب الحکومه نوشته‌اند که چهار صد سوار از نایب حسین وارد موغار[3] (موقار) شده‌اند و قصد مهاباد دارند صولت الملک[4] هم دیروز از یزدآباد به طرف سهامیه حرکت نموده و امروز از قرار مذکور به مهاباد رفته مهابادی ها استمداد نموده‌اند نایب الحکومه کاری برای آنها بفرستد، تازه دیگر قابل عرض نیست. محمود الحسینی

[ذیل نامه:] ضبط شود

[سند شماره ۵۳۸۲۸۱۰۰۲۵۶۱-۴ الف الف ۱]

← راستای این سیاست ها مأموران و گروه های سیاسی خود را در قالب های مختلف و به نمایندگی سیاستمداران متعدد خود، راهی ایران کرد که در این سند از آنها به نام عابرین آلمانی یاد شده است. ادامه این جریان موضوعی است که جهت جلوگیری از اطالهٔ مطلب از ذکر آن خودداری می‌شود.

۱. مقصود محمد ابراهیم امیر شوکت الملک حاکم بیرجند است.

۲. منظور قریه مهرآباد اردستان اصفهان است

۳. از نواحی اردستان

۴. از اشرار یزد که همراه با سواران نایب حسین کاشی به غارت اهالی اردستان و قراء اطراف آن رفته بود.

۲۵۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از اردستان به اصفهان، عدد کلمات ۹۴، نمره قبض ۳۸۰، نمره تلگراف ۱۱، تاریخ اصلی ۱۱، تاریخ وصول ۱۲ آ، گیرنده عباس قلی، سنه ۱۳۳۳، توسط آقای مهابادی

مقام منیع حکومت جلیله دامت شوکته

پریروز پانصد سوار باده نفر سرکرده را با حکم قتل و غارت اردستان موقار وارد، دیروز چاکر برای جلوگیری آنها مهاباد آمده امروز غفله (غفلتاً) به مهاباد یورش آورده چاکر مسبوق، در صحرا جنگ سختی واقع. بیست نفر آنها مقتول، پانزده نفر مجروح، پانزده نفر دستگیر، بقیه در ریگستان و کویر متفرق. اینک مستدعی است به هر نحو که صلاح است کمکی پی گیر مرحمت که به اقبال حضرت اشرف این اشرار بکلی قلع و قمع شوند. چراغعلی

[سند شماره ۲۹۱۰۰۲۵۶۱-۵۳۸ ط ۴ الف الف ۱]

۲۵۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از اردستان به اصفهان - نمره قبض ۳۹۳ - نمره تلگراف ۱۴ - عدد کلمات ۱۱۳ ، تاریخ اصل ۵، تاریخ وصول ۱۵ اسد -اسم گیرنده: فتح الله

مقام منیع ایالت جلیله دامت شوکته

تلگراف مبارک زیارت - چاکر اوامر حضرت اشرف را با کمال افتخار مطیعم. لیکن عرض شد ششصد سوار کاشی با رضا جوزانی سرخانهٔ چاکر می‌آید. عجالتةً روزی صد نفر به آنها افزوده می‌شود و به اقبال حضرت اشرف در کویر محصورند. صد نفر تاکنون مقتول، مجروح [و] دستگیر کرده‌ام. حال آیا به غیرت حضرت اشرف موافق است زن و بچه چاکر و بستگانم رها کرده وسط جنگ حرکت کنم. مستدعی است یا امهالی مرحمت شود به‌کل آنها را تمام کرده شرفیاب شوم

یابه ماشاءالله خان امر فرمایند سوار خود را عودت داده چاکر آسوده خاطر شرفیاب شوم. چراغعلی

مهر تلگرافخانه مبارکه اصفهان

[حاشیه:] جواب نوشته شود، ۲۷ رمضان جواب نوشته شده

[سند شماره ۲۹۱۰۰۲۵۶۱-۵۸۳ الف الف ۱]

۲۵۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از اردستان به اصفهان، نمره قبض ۳۹۴، نمره تلگراف ۱۵، تاریخ اصل ۱۵، تاریخ وصول ۱۵ اسد، دولتی

مقام منیع حضرت اشرف ایالت جلیله دامت شوکته دستخط تلگرافی حضرت اشرف توسط قاصد مخصوص صولت الملک فرستادم. بعد از ملاحظه قاصد را کتک زده و جواب ندادهاند. سوارهای کاشی هم به او سخت گرفتهاند. ده نفر از طرفین مقتول، مجروح. اقدام از طرف حضرت اشرف در این موقع لازم است. چاکر امیر

مهر تلگرافخانه

[سند شماره ۲۵۶۱ - ۵۳۸۲۹۱ ط ۴ الف الف ۱]

۲۵۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۸۴، از بیرجند به تهران نمره قبض ۵۷۷ - نمره تلگراف ۲۸ - عدد کلمات ۸۳ - تاریخ اصل ۱۶ - توضیحات: بر حسب تقاضای تلگرافی نمره ۵۳ حکومت بیرجند کپیه به وزارت جلیله داخله ارسال شده ۲۸ سرطان تاریخ وصول شب ۱۷ - اسم گیرنده ساعد، [رمز]

تهران مقام منیع بندگان حضرت اقدس آقای رئیس الوزراء روحی فداه، در

تعقیب نمره ۳۱ جسارت می‌ورزد قونسول انگلیس چند نفر غلام با لباس مبدل به اطراف ساوه برای تفتیش حال مسافرین آلمانی، از کارگذاری مشهد مقدس هیئتی از کارگزار اینجا شرح حال همین مسافرین را خواسته بودند. دلایل حکم می کند که روسها و انگلیس‌ها فوق العاده به وسایل مختلفه موانع سخت جهت این اشخاص خواهند تراشید. محض استحضار خاطر اقدس جسارت ورزید. ۲۵ شعبان نمره ۳۲ خانزاد (خانه زاد)

محمد ابراهیم مهر تلگرافخانه مبارکه

[سند شماره ۲۹۳۰۰۰۳۳۸۶- ۲۴۴۵۰۲ ب الف ۱]

۲۵۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از اردستان به اصفهان - نمره قبض ۴۱۳ - نمره تلگراف ۱۹ - عدد کلمات ۶۰ تاریخ اصل ۲۲ - توضیحات دولتی - تاریخ وصول ۲۲ اسد- اسم گیرنده: مهدی

مقام منیع حضرت اشرف ایالت جلیله دامت شوکته دستخط تلگرافی حضرت اشرف را به آقای چراغعلی خان ارائه دادم، اعتنایی نکرده و نمی کنند. دیگر تلگراف احضارش بی‌نتیجه و اگر جوابی عرض کنند از روی کذب و طفره است. سوارهای کاشی هم از دور مهاباد (مهرآباد) حرکت و به موغار (موقار) رفته که به کاشان بروند. چاکر امیر مهر تلگرافخانه مبارکه اصفهان

[حاشیه:] فرمودند جواب ندارد **[سند شماره ۲۹۱۰۰۲۵۶۱ -۵۳۸ ط ۴ الف الف ۱]**

۲۶۰

اداره تلگرفی دولت علیه‌ایران، ازکاشان به اصفهان،تاریخ اصل۲۳[۱۳۳۳/۵ق]، تاریخ وصول غروب ۲۴ اسد، دولتی

حضور حضرت اشرف آقای سردار اشجع دامت شوکته

در باب رفتن سوار به طرف جوشقان حقیقت قضیه از قراری است که عرض

می‌شود. مطابق راپورتی که به بنده رسیده بود، علی فروشی و جمعی از اشرار نراقی به خیال تعرض به جاده اصفهان، ابواب جمعی بنده و غارت منزل‌های جمعی از سوارهای چاکر که در آن حدود سکونت دارند حرکت کرده بود، لذا چند نفری برای جلوگیری آنها فرستادم قریه کامو تماماً خانه سوارهای چاکر و نقطه توجه اشرار مرقوم بوده و چون فهمیدم که سوارها زیاد جلو رفته‌اند تماماً را خواسته و دو روز قبل وارد شدند. خاطر مبارک مطمئن باشد که هرگز بر خلاف وظیفه ارادت اقدامی نمی کنم. در خاتمه قول حضرت را راجع به چراغعلی خان یادآوری می‌نماید سوار اردستان تماماً وارد شدند. ماشاءالله

مهر تلگرافخانه دولت

[ذیل نامه:] جواب ندارد ضبط شود

[سند شماره ۱۰۰۲۵۶۱-۲۹-۵۳۸ ط ۴ الف الف ۱]

۲۶۱

وزارت داخله، سوادتلگراف رمزحکومت سیستان - مورخه [۱۳۳۳ق]نمره ۵۱۷

مقام منیع وزارت جلیله داخله روحی فداه

دیشب بعد از مذاکرات حضوری تلگرافی از وزارت خارجه به‌کارگذاری اینجا رسیده است که حکومت، دو نفر آلمانی را روانه کند تهران وهمراهانش را خلع اسلحه نکند. اگر چه این مسئله مخالف حکم وزارت داخله است ولی محض این که گفته نشود چاکر حکم شتر مرغ را دارم، دویست وپنجاه نفر حاضر است که به محض رسیدن حکم وزارت داخله عزیمت نمایند. لیکن این مسئله را هم جسارت می نمایم که جمعیت آلمانی‌ها مطابق راپورت انگلیس‌ها نزدیک است به هفتصد نفر با اتباعشان که متدرجاً خواهند رسید با شش توپ مسلسل، آن وقت خدای نکرده طوری نشود که هم جریمه داده شود هم چوب خورده و هم پول داده باشد. منتظر جواب فوری است. لیله ۱۷ رمضان نمره ۴۰ جان نثار محمد ابراهیم شوکت‌الملک

[در حاشیه:] آن جائی که نقطه خورده شش حروف که دوکلام است غلط بوده از قرار قرینه نوشته شده و تلگراف را هم ثانیاً به تلگرافخانه برای تصحیح فرستاد.

[سند شماره ۲۹۳۰۰۳۳۸۶ -۴۶۵۰۲- ب الف ۱]

۲۶۲

وزارت داخله، سواد تلگراف حکومت کاشان - مورخه ۳ میزان [۱۳۳۳ ق] - نمره ۱۷۲۲ - نمره ۲۱۸۰۵ وزارت مالیه

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

امروز حقوق برج سنبله را از اداره مالیه مطالبه کرده‌ام. امین مالیه عیناً می‌گوید آقای سردارجنگ حکم کرده است به حکومت واداره حکومتی و نظمیه حقوق ندهم و بی‌حکم کتبی ایشان دیناری نمی دهم. گفتم حقوق نظمیه را خود می دانید ولی از بابت حقوق حکومت و اداره حکومتی اگر احکام ایشان را باید اطاعت کرد راجع به آینده است. در باب سابق حکم دولت را باید اجری (اجرا) کنید، هنوز حکمی از طرف دولت صادر نشده. جواب می‌دهد تمام ادارات منحل است من هم از طرف آقای سردار امین هستم و تا حکم نیاورید نمی دهم. چون این حقوق جزئی را قابل این که به بعضی مقامات عجز و استرحام کنم نمی دانم، فقط به عرض حضور مبارک می رساند صدور حکم به اداره مالیه را هم مقتضی نمی‌دانم به جهت این که مسلماً ارائه می‌شود و تولید زحمت کرده بر گرفتاری‌های سابق اضافه می‌شود. علی الحساب با روزگاری سازم تا [چه] پیش آید. سردار منظم [1]

[شماره میکروفیلم ۴-۴۳-۸-۲۴۰]

۲۶۳

وزارت داخله، سواد مراسله حکومت شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان، مورخه غره ذی قعده ۳۳ [۱۳ ق]، نمره ۲۳۶

---

۱. سردار منظم ظاهراً حاکم کاشان در ۱۳۳۳ هق بوده است.

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

دستخط نمره (۱۱۸۳) راجع به مشروحه وزارت جلیله مالیه در موضوع بقایای پنج ساله جندق زیارت شد. این که مرقوم فرموده‌اند مالیات پنج ساله آنجا که بالغ به ده هزار تومان می‌شود باقی است، بلی نظریه دفتر مالیه این مطلب صحیح است اما نظر به خود آن صفحات که از حمله و غارت‌گری انتظام الملک و نایب حسین در ظرف سه چهار سال به‌کلی خراب وزنها اسیر ومردها به اصقاع و اطراف متواری وناله و استغاثه آنها از آسمان گذشت و چاره به درد آنها نشد و به طوری پریشان و ویلان شده بودند که وقتی بنده به اینجا آمدم از حال آنها دقت نموده ایشان را از زوایای اکناف مملکت تامین داده جلب به ولایت نموده حتی تا پارسال برای آذوقه آنها محضاً لله غله از شاهرود برایشان حمل به جندق کردم تا بتوانند در آنجا زیست و خودداری نمایند، در این صورت به حکم آن که از ده ویران که ستاند خراج؟ چگونه از آنها مطالبه مالیات این سنوات را می‌توان کرد و از این بیچاره مردم که هست و نیست دار و ندار و عرض و ناموس آنها را بردند و کسی به دادشان نرسید ولیس و ندار صرفند. با این که نایب حسین به علاوهٔ همهٔ این خرابی‌ها سه ساله مالیات هم از آنها گرفته و قبض داده است که این واقعه بر احدی پوشیده نیست، چطور می‌شود حالا از آنها مالیات آن سنوات را خواست و آنها از کجا می‌توانند بیاورند بدهند. بله ممکن است امر بفرمائید چنانچه برای آنها رعایةً (رعایتاً) پارسال آذوقه فرستاده‌ام مالیات سنه ماضیه آنها را هم تقدیم کنم. اما وصول و ایصال مالیات هذه السنه توشقان ئیل را که قریب دو هزار تومان است به عهده دارم که تا آخر سال به اداره مالیه سمنان تحویل نمایم، اما از بابت سنوات ماضیه اقدام بی‌نتیجه و بی موقع و غیر مقتضی است.

امیر اعظم

سواد مطابق اصل است

مهر وزارت داخله شعبه تحریرات شرق ۱۳۲۷

[حاشیه:] نمره ۲۱۵۲۳، وزارت مالیه

[شماره میکروفیلم ۳۴-۲۶-۶۵-۲۴۰]

۲۶۴

وزارت داخله ـ اداره جنوب - نمره ۳۵۰۶ - مورخه ۱۹ ذی القعده ۱۳۳۳
وزارت جلیله مالیه
سواد تلگراف آقای سردار منظم را از کاشان مشعر به جوابی که از اداره مالیه راجع به حقوق برج سنبله اداره حکومتی داده‌اند لفاً ملاحظه و قدغن خواهید فرمود، تعلیماتی که لازم است در این باب به اداره مالیه کاشان داده و نتیجه را اعلام دارند؛ و نیز خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله را مستحضر می‌دارد از روزی که دولت تصمیم در قلع و قمع اشرار کاشان نموده و این مسئله رسمیت پیدا کرده است سوارهای ماشاءالله خان تماماً از سر راه ها پراکنده شده و در کاشان نزد اشرار مجتمع شده‌اند دیگر مستحق حقوق نخواهند بود در این باب هم تعلیمات به پیشکار مالیه کاشان خواهند داد که ملتفت بوده و از آن تاریخ حقوق قراسورانی ابوابجمعی ماشاءالله خان را موقوف الحواله بگذارند. مهر وزارت داخله
[حاشیه ۱:] خیلی فوری است - عین (عیناً) به خزانه داری کل فرستاده شد. ۱۱ سرطان
[حاشیه ۲:] ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۱۱ سرطان ۱۳۴۳ - نمره ۳۰۱۱۰۵
[حاشیه ۳:] فوری است

[شماره میکروفیلم ۱-۴۳-۸-۲۴۰]

۲۶۵

وزارت مالیه، اداره کابینه، سواد مرقومه ریاست وزرای عظام نمره ۱۴۴۸، ۱۴ برج میزان ۱۳۳۳ [ق]
وزارت جلیله مالیه
از غره شوال ۱۳۳۳ تا روزی که خاتمه به دفع اشرار داده شود، قدغن فرمائید حقوق سیصد سوار از قرار نفری دوازده تومان هر ماهی سیصد تومان به خود آقای

سردار صولت بپردازند. (حسن) ریاست وزراء

سواد مطابق اصل است، مهر وزارت مالیه

[شماره میکروفیلم ۳-۱۰-۱۳۵-۲۴۰]

۲۶۶

وزارت مالیه،اداره کابینه، نمره ۲۲۱۸۱،به تاریخ ۱۶برج میزان ۱۳۳۳، ضمیمه ۱

مسیو للو خزانه دار کل

در باب حقوق سیصد سواری که برای دفع اشرار کاشان به سرکردگی آقای سردار صولت معین شده‌اند از مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته مرقومه به وزارت مالیه رسیده که سوادش را تلواً ملاحظه می نمائید. حقوق این سوار به ضمیمه حقوق آقای سردار صولت ماهی سه هزارو نهصد تومان می‌شود. عجالةً به امین مالیه کاشان بنویسید این حقوق را از غره شوال تا آخر ذی قعده به محل هایی که درکاشان و نطنز سریع الوصول باشد حواله نمایدکه به آقای سردار صولت عاید گردد، از اول ذی حجه به بعد هم این حقوق را ماه به ماه مرتباً درکاشان بپردازند. مشارالملک [1]

[شماره میکروفیلم ۲-۱۰ - ۱۳۵ - ۲۴۰]

۲۶۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از اصفهان به تهران، شماره ۳۹۴، تاریخ ۱۹ میزان [۱۳۳۳] دولتی

مقام منبع وزارت داخله دامت شوکته

اهالی اردستان شرحی تظلم نموده‌اند که نایب حسین کاشانی که فراراً از شهر

---

۱. حسن مشار (مشارالملک) پسر حاج علی اکبر خان در ۱۳۲۹ ق رئیس اداره حسابداری و گذرنامه وزارت خارجه شد و درکابینه حسن وثوق الدوله به سال ۱۳۳۳ هق معاونت او را بر عهده گرفت ودر همین سال ریاست تشکیل کمیسیون تعیین تکلیف اموال منقول و غیر منقول نایبیان و رسیدگی به مطالبات مدعیان آن اموال را عهده دار شد. (شرح حال رجال ایران ـج ۱)

خارج شده تقریباً با هشتصد نفر از اشرار واتباع خود به طرف ابوزید آباد رفته و این مسئله فوق‌العاده موجب وحشت و اضطراب اهالی اردستان شده است. مستدعی است به قوای نظامی دستورالعمل فرمایند که خط عبور را به طرف اردستان قطع نموده، جلوگیری کنند که این صفحات عرصه تاخت و تاز خود قرار ندهد. نمره ۲۶۷۷

سلطان محمد

[شماره میکروفیلم ۳۴۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۶۸

دولت علیه ایران، وزارت داخله، ۶ ذیحجه توشقان ئیل، تهران شهری به‌تاریخ ۲۳ میزان ۱۳۳۳، نمره کتاب ۲۷۷۳، کارتن ۳ دوسیه ۲، ارسال در ساعت ۲۳

اداره ژاندارمری دولتی

مطابق راپورتی که به وزارت داخله رسیده است، معززالدوله و محمد آقا پسر میرزا جونی و حسن برادرش که از اشرار معروف و اتباع نایب حسین هستند و فراراً به قم آمده بوده اند و نظمیه آنجا آنها را دستگیر و توقیف کرده بوده است به ضمانت صاحب منصب ژاندارمری مأمور قم مرخص شده و خیلی عجیب است که صاحب منصب ژاندارمری که باید در دستگیری اشرار اهتمام داشته باشد ضمانت از آنها کرده است. چون دستگیری کلیه اتباع نایب حسین لازم است لهذا به حکومت قم تلگراف شد که اشخاص مفصله را دستگیر ـ معززالدوله، محمدآقا پسر میرزا جونی، حسن برادرش، علی خان مشکاتی، محتشم السلطان ـ و توقیف شوند. لازم است به صاحب منصب ژاندارمری قم هم تعلیمات بدهد که در گرفتاری و توقیف آنها با حکومت مساعدت شود.

[حاشیه:] نوشته شد، حضوراً داده شد.

[شماره میکروفیلم ۲۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۶۹

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۲۲۸۰۸، به تاریخ ۲۳ برج میزان ۱۳۳۳، ضمیمه مکتوب

مسیو للو خزانه دار کل

رعایای جندقی و بیابانک در خصوص مالیات پنج ساله خودشان عرض حالی به وزارت مالیه داده‌اند مبنی بر این که مالیات سنوات مزبور را نایب حسین و انتظام الملک از آنها دریافت نموده و قبض داده‌اند و حالیه پیشکار مالیه سمنان مجدداً مطالبه می نماید. عین عرض حال رعایای مزبور رالفاً ارسال می‌دارد که از پیشکار مالیه آن جا تحقیقات لازمه به عمل آورده قرار آسایش رعایا را بدهید که تجدید شکایت نکنند.

مهر وزارت مالیه، مشار الملک

[حاشیه لاتین ۱] (فرانسه) از تهران به سمنان

[حاشیه ۲:] 16. Oct. 1915 (۱۶ اکتبر ۱۹۱۵)، نمره ۲۲۹۷۳

[سند شماره ۴۰-۲۶-۶۵-۲۴۰]

۲۷۰

ضرابخانه شاهنشاهی، تهران ۱۲ اکتبر ۱۹۱۵ - نمره ۷۷

آقای خزانه دار کل

با کمال احترام خاطر مبارک [را] مستحضر می‌دارد که زآمبونی اتوموبیل‌چی تبعه ایطالیا (ایتالیا) ازکاشان با یکی از اتوموبیل ها (اتومبیل ها) مراجعت کرده و آقایان کاستلی وللوکُفر را آورده است. دو اتومبیل دیگر را حکومت آنجا نگاهداشته و از قرار معلوم میخواهد اتومبیلچی های موسوم به فاک تبعه اطریش و باستیانی طبعه (تبعه) ایطالیا (ایتالیا) را مجبور کند که در تعاقب قشون نایب حسین همراه باشند و مشارالیهم این مسئله را به‌کلی رد کرده، چرا که ظاهراً آنها را مجبور می‌کنند که اتوموبیل ها را به نواحی غیر مسکونی که راه ندارد ببرند. به عقیده بنده مقتضی

است که دقت اولیای دولت را در موضوع رفتار حکومت کاشان جلب نمائید. از قراری که زآمبونی میگوید، حکومت مزبور خیال دارد اتوموبیلچی ها، اجباراً داخل عملیات جنگ بشوند و این مسئله درکنترات آنها قید نشده، از قرار مسموع در رفتن به‌کاشان هم اتومبیلچی‌ها دوچار (دچار) حمله دزدها شده و تیر تفنگ سمت آنها خالی شده.

رئیس ضرابخانه لاورشری[1] امضاء

[حاشیه بالا:] نمره ۲۱۵۲۳، ۱۲ دسامبر ۱۹۱۵

[سند شماره ۲۴۰۰۱۹۸۱۰ - ۲۲۳ ب ۱۱ ب الف ۱]

۲۷۱

عریضه سادات رعایای اردهال قم

مقام منیع حضرت مستطاب اشرف آقای وزیر مالیه مدّ ظلّه معروض می‌داریم

چون به واسطه تجاوزات سوارهای ماشاءالله خان کاشی و فشار به رعیت اردهال قم تمام رعیت اردهال به اطراف پراکنده و متفرق شده و حالیه رئیس مالیه قم به نوع سختی مطالبه ثلث مالیات سراسر سیچقان ئیل را می‌نماید. مستدعی آن که امر فرمایید رئیس مالیه قم که فعلاً مطالبه مالیات اردهال را ننماید تا در موقع مالیات داده شود. امر امر مبارک است.

[حاشیه ۱:] در پایین آمده است

[حاشیه ۲:] ورود به‌کابینه وزارت مالیه، تاریخ ۲۷ دلو ۱۳۳۳، نمره ۱۱۳۴۴

جواب نوشته شود، باید ثلث مالیات را بدهید و این حکم عمومی است. استثناء ندارد. ۲۶ دلو

[سند شماره میکروفیلم ۱۵-۶۰-۱۴۳-۲۴۰]

۱. رئیس بلژیکی ضرابخانه شاهنشاهی ایران به سال ۱۳۳۳ هق

۲۷۲

خزانه داری کل ایران، ۱۱ برج عقرب توشقان ئیل، ۱۳۳۳ [ق] ۱۱ نوامبر ۱۹۱۵ [م]، سمنان

مقام خزانه داری کل

در جواب نمره ۱۱۶۷۴: (۱) - در خصوص غارت جندق مطابق تحقیقاتی که شده در سنه ایت ئیل نایب حسین به جندق رفته و آنجا را غارت نموده.

(۲) در خصوص مالیات جندق که مرحوم شاهزاده اعظم [نصرت الله خان امیر اعظم] در مکتوب خود به وزارت جلیله داخله اشعار داشته است که نایب حسین مالیات سه ساله آنجا را مأخوذ داشته گمان نمی کنم از روی صحت بوده باشد ولی احتمال میرود مالیات دو ساله ایت ئیل و تنگوزئیل را مأخوذ نموده باشد و تحقیق محلی آن می‌باید مطابق پیشنهادی که ذیلاً عرض می‌شود به عمل آید.

چنان چه سابقاً هم چند مرتبه عرض نموده‌ام جندق تا سمنان متجاوز از هفتاد فرسخ مسافت دارد و تمام راه آن هم کویر و بدون آب و آبادی که باید به یک زحمتی با شتر و همراه برداشتن آب و آذوقه مسافرت نمود و طوری نیست که به سهولت بتوان مأمور فرستاد تا در مسائل فوق تحقیقات محلی بعمل آید و آن چه عقیده بنده است، چنان چه در سنه ماضیه هم در ضمن نمره ۱۱۴ عرض نموده‌ام، باید مقرر فرمایید یک نفر مباشر استخدام شده و فرستاده شود به جندق برای وصول مالیات هذه السنه و بعد آنجا و در ضمن، در موضوع فقرات فوق‌الذکر نیز تحقیقات نموده و قبوض نایب حسین را هم جمع آوری کرده ارسال می‌دارد، و از بابت بقایای سنوات گذشته هم آنچه معلوم گردید که باید اهالی آنجا بپردازند به حیطه وصول درآورد. حقوق مستخدم مزبور هم نظر به بعد مسافت و دور بودن دهات خود جندق هم از یکدیگر و زحمت زیاد و گرمی هوای آنجا گمان نمی‌کنم کمتر از ماهی چهل تومان بشود. در صورتی که پیشنهاد فوق تصویب شود، باید از مرکز به حکمران سمنان و دامغان و شاهرود حکم و امر گردد که کمال مساعدت را با مباشر مالیه که به جندق می رود داشته باشند و مخصوصاً مأموری هم از طرف

حکومت ابتدا باید به اتفاق مباشر مزبور به جندق برود و بعد از مستقر شدن او مراجعت نماید.

(۳) در خصوص مالیات هذه السنه جندق که در آخر مرقومه فوق الذکر مقرر شده تا حال چه اقدامی شده است؟ مکرر به حکومت چه از بابت بقایا و چه از بابت مالیات هذه السنه اظهار شده و به هیچ وجه اقدامی نکرده اند و چند مرتبه هم راپورت آن به مرکز عرض شد.

پیشکار مالیه سمنان و دامغان

[شماره میکروفیلم ۳۸-۲۶-۶۵-۲۴۰]

۲۷۳

خزانه داری کل ایران، سواد مشروح امین مالیه اردستان [۳-۱۲۹۲ ش]

مقام منیع ریاست جلیله مالیه دامت شوکته

در جواب دستخط مبارک تحت نمره ۱۱۴۴۶ باسواد تلگراف مبارک نمره ۳۸۴۹ خزانه داری کل دامت شوکته راجع به خسارات چاکر خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، در موقعی که خبر ورود سواران سردار کاشی در دو فرسخی اردستان رسید با نهایت وحشت و اضطراب دفاتر حساب و نقود موجودی را با الاغ سواری حرکت به نیستان نمودم. خوف و وحشت مجال نداد که اشیاء و اسباب منزل را به دقت ثبت برداریم فقط به موجب سیاهه خوف آن چه به خاطر داشتم که مفقود شده است با کمال دقت و قیمت نازل عرضه داشتم. لیکن خسارات چاکر بیش از این است که عرض شده است. دیگر اختیار باریاست جلیله است.

امین مالیه اردستان علیرضا

سواد مطابق اصل است

[شماره میکروفیلم ۷-۲۶-۶۵-۲۴۰]

۲۷۴[1]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۲۲۶، [کارتن] ۲۳ [دوسیه] ۶ از قم به تهران، نمره قبض ۵۳۹۶، سنه ۱۳۳۲ [ق]

تهران توسط مدیر شوکتیه مقام مقدس مجلس شورای ملی دام بقاء، دو کپیه روزنامه شورا، نوبهار، ای وکلای ایران شماها را به تمام کائنات قسم می دهیم. حالا دیگر اقدامی در اصلاح امور ما بیچارگان مادربدران، ماها که از تعدیات نایب حسین و پسرهایش و یک دسته اشرار، اختیار جان، مال [و] ناموس خود را نداریم، بفرمایید مگر در تهران شاه، مجلس، وزیر و یک نفر مسلمان نیست که هر چه تلگراف می کنیم جواب نمی رسد. مگر ماها ملت ایران نیستیم، مگر مسلمان نیستیم، مگر زن و بچه نداریم، مگر ماها برادران دینی شماها و عیال و اولاد ماها، عیال و اولاد شماها نیستند که باکمال راحت نشسته به اوضاع ناگوار کاشان تماشا و تفنن می کنید. نایب حسین و شش پسر بی عرزهٔ (عرضهٔ) وافوری بی‌غیرتش اساس ملّیّت این مملکت را منهدم نمود. دیگر مرد در این مملکت پیدا نشد در صدد برآید. در صورتی که دفع اشرار با نهایت سهولت است.

چرا دولت در دفع آنها اقدام نمی کند. اگر پول نیست پولی راکه اشرار در مدت ده روز از ما بگیرند، حاضریم به مأمورین قلع و قمع آنها بدهیم، ثلث پولی را که دولت به اسم راه یزد به آنها می دهد در عوض عابرین و مترددین را لخت می‌کنند و اسلحه خریداری نموده بر قوه خود می افزایند، مخارج اصلاح کاشان نمایند.

این آخرین تلگراف است اگر جواب نرسد پناهنده به خارج مذهب اسلام خواهیم شد بلکه دفع شر آنها را بکند. کافران به ما گویند آه از این مسلمانی.

زیر تلگراف تعدادی اسم [مهر تلگرافخانه مبارکه]

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

---

۱. این اسناد از کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی استفاده شده است. از سرکار خانم تدین و همکاران ایشان که تصویر اسناد را در اختیار گذاشتند، تشکر می‌نماییم.

۲۷۵

مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۳۹۰، کارتن ۲۳ دوسیه ۶، به تاریخ ۸ شهر ربیع الثانی (۴ حوت) سنه ۱۳۳۳

وزارت جلیله داخله

جماعت تجارکاشانی مقیم تهران شرح شکایت آمیزی از تعدیات نایب حسین و پسرهای او به مجلس اظهار داشته اند که مدتی است مشارالیهم مشغول شرارت و اهالی آن سامان گرفتار ظلم [و] تعدی آنها هستند وابداً از طرف اولیای امور اقدامی در رفع شرارت و دفع و منع آنها بعمل نیامده است. سواد عرض حال رالفاً ملاحظه، اقدامی که مستلزم آسایش و آسودگی عارضین و اهالی کاشان است فرموده، نتیجه اقدامات را به مجلس اشعار خواهند داشت.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۷۶

مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۳۸۸، کارتن ۲۳ دوسیه ۶ به تاریخ ۸ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۳ [ق]

هو، وزارت جلیله داخله

چند نفر از اهالی کاشان تجدید شکایتی از نایب حسین و پسران و کسانش نموده‌اند. سواد عرض حال آنها را ملاحظه و در حصول موجبات آسایش آنها اقدام مقتضیه به عمل آورده، از نتیجه آن مجلس را هم مستحضر دارند.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۷۷

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه، (تاریخ ۱۵ ع ل ۱۳۳۳ ق) عریضه تجاردارالخلافه تهران

حوادث مشئوم کاشان و مظالم جانگداز اشرار آن سامان که منتهی به دربدری و

آوارگی مشتی مظلومان جفاکشیده گردیده و وضع فلاکت و حیرانی این هموطنان[۱] بدبخت خصوصاً سادات غارت زدهٔ مظلوم اردهال و هم مذهبان و هم جنسان ما قوهٔ صبر و شکیبایی تجار مرکز راکه هزاران فداکاری و خسارت جانی و مالی برای استقرار اساس عدل و قطع ایادی ظلم و فساد متحمل شده‌اند تمام کرده و زیاده بر این طاقت ندارند همه روزه تماشاگر این تئاتر خون آلود و فاجعه دلخراش گردیده جمعی از مسلمان و تبعه دولت شاهنشاهی را اسیر دست هوی و هوس مشتی اشقیا و قُطّاع الطریق دیده و به سکوت بگذرانند و چندان که اقدامات اولیاء دولت علیه راکه مستقیماً قطع دست ستمکاران و وظیفه ضروریه و واجبه آنها است انتظار کشیده اند. بدبختانه هیچ اثری ظاهر نشده معلوم شد آنها نیز به مشاهده و تماشای این منظره دهشت انگیز قناعت کرده یا حشرات اعوان و فضله خواران اشقیاء مانع از عملیاتشان گردیده و این اوضاع ناگوار درکار استبداد ناچار به وظیفه ایرانیت و اسلامیت به مقام تصدیع بر آمده جسارت به عرض این عریضه کرده که آیا این همه خون ریزی و صدمات ما و عامه ملت فقط برای آن بوده که کرسی نشینان تغییر کرده و رعایا و تبعه پادشاه اسلام آلات اجراء شهوت رانی، و بنده حسین دزد و پسران شریرش گشته جان و مال و ناموسشان ملعبه دست یاغیان و دزدان باشند؟ آیا تاکی باید این هرزگی ها و قتل ها و غارت ها دوام داشته و اولیاء دولت، لا قید و بی خیال باشند؟ مگر اهالی کاشان مسلمان و برادران ما و آنها نیستند؟ آیا کدام شریعت، خون و مال آنها را هدرکرده؟ ؛ به نام اسلامیت و ایرانیت باکمال بی صبری ختم این اوضاع ناگوار را استدعا می نمائیم. پشت نامه مهر و امضاء بیش از هفتاد نفر با اسم.

[مهر] ورود به دفتر مجلس شورای ملی ۱۵ شهر ربیع اول ۱۳۳۳ [ق]

[حاشیه:]به‌وزارت داخله‌رجوع‌شود،کمیسیون‌عرایض ۶ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ [ق]

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

---

۱. اصل : هموطان

۲۷۸

مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۵۶۷/۴۶۵، کارتن ۲۳ دوسیه ۶، به تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۶ حوت سنه ۱۳۳۳ [ق]

وزارت جلیله داخله

جمعی از اهالی کاشان به امضای چهل و هفت نفر تلگرافی از قم مبنی بر شکایت از تعدیات نایب حسین کاشانی و کسان او به مجلس نموده اند و مجدداً رعایای قریه رهق محال کاشان هم که فراراً به قم آمده، متحصن شده اند به امضای ۲۰ نفر عریضه مشروحی مبنی بر شکایت باز از پسر نایب حسین و علی محمد میرزا به مجلس نوشته اند. سواد دو فقره عرض حال رالفاً ارسال نموده که اقدام صحیحی در رسیدگی به مطالب و آسایش آنها فرموده و نتیجه را اعلام دارند.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۷۹

پیشگاه رفیع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه [تاریخ ۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۳ ق]

مصائب جان فرسای اهالی کاشان و مظالم گرگان آدم خوار آن سامان و تعلل اولیای امور داستانی است که در جرائد خوانده وگوشزد عالمیان شده است محتاج به شرح و بیان نیست. بدبختی ما ستمدیدگان از انفصال سه سال قبل مجلس مقدس[1] یک به هزار گردید. وزراء مطلق العنان گشته بدون مسئولیت هر چه خواستند کردند. راه را به دزد و گله را به‌گرگ سپردند. یوسف عزیز وطن یعنی کاشان و توابع و دویست هزار سکنه را به‌کلافی فروختند. ماهی پنج هزار تومان به عنوان ناز شست به اشرار دادند. هر چه تظلم کردیم به جایی نرسید. کارکنان مملکت با آن‌که هتاکی و شرارت اشرار را تصدیق داشتند، جواب تظلمات ما را جز «اقدامات مجدّانه می شود» ندادند. بعضی برای اخذ رشوه، جمعی برای خوش

۱. اشاره است به تعطیل شدن مجلس به توسط ناصر الملک نایب السلطنه.

آمد اجنبی که مملکت ما را هرج و مرج می خواهد، بعضی هم که شهد الله برای آن دو جهت نبود، فقط تنبلی و بی حالی و گوش دادن به مزخرفات دوستان اشرار که اقدام دولت را صلاح نمی دانستند مانع از اقدامات گردید. نتیجه اهمال وزراء و خیانت بعضی این شد که اشرار به‌کلی ترسشان ریخته بر تجرّی افزوده با کمال اطمینان یک شهر و توابع صنعتی و تجارتی و رعیتی را به‌کلی خراب و چند نفر خود را آباد کردند.

آنان که چو خس جنبش موج گاهی به حضیض و گاه در اوج
دریای جلال را کنون فلک سبحان الله مالک الملک

صاحب کرورها پول، جواهر، املاک، مزارع، قنوات، آسیاها، پارک ها، کالسکه ها، اسب ها، تفنگ‌ها شدند. با داشتن این همه ثروت به خیال افتاده که برای روز مبادای خود مأمنی فراهم کرده خود را به دولت مقتدری بندند که بعد از این هم به همین شیوه زندگانی کرده، اموال ما بیچارگان را ابداً تصاحب نموده و خودمان در زوایای مملکت از عسرت و پریشانی جان داده بگوئیم:

خدا نگیردشان گر چه چارهٔ دل ما به‌یک نگاه نکردند و می توانستند

چندی قبل خواستند خود را به دامان روسیان افکنده املاک را به آگنت روسی اجاره دادند. پس [از] مدتی زحمت ما بیچاره گان (بیچارگان) و معلوم شدن به دولت روس که مالکین حقیقی املاک دیگرانند دست رد به سینه شان زده شد. بعد متمایل به انگلیس ها شده آنجا هم پذیرفته نشدند تا در این زمان روی به آلمان و عثمانی کرده دکتر پوژن آلمانی را که گویا تازه سمت شهبندری عثمانی در اصفهان دارد، توسط سید ابراهیم نام که اتابک اعظم اشرار است تطمیع کرده و گول زده اند که اگر از اموال ما نگاهداری کنید ما هم در موقع لزوم هزارها سوار برای دفاع اسلام برداشته به هر کجا امر کنید حاضر خواهیم بود. در صورتی که سیصد نفر ارازل (اراذل) بقال و برزگر بیش نیستند. بدبختانه شنیده می شود که بیدق (بیرق) ماه و ستاره عثمانی که حافظ مسلمین کره ارض است، بالای عمارات اشرار غارت گر (غارتگر) ماشاءالله خان، برادران سید ابراهیم و سید محمد تقی افراشته مأمن

مفسدین ارض نموده اند. زهی ساده لوحی و کوته نظری، توقع چه کار از چه کسی!!؟

قاطعان طریقی که هزاران مسلمانان (مسلمان) را در خون کشیده هزاران دختران مسلمانان را پرده عصمت دریده کرورها اموال مسلمین را به باد تاراج داده، این نوع اشخاص دفاع از اسلام خواهند نمود!! گویا دکتر پوژن به قوه حکمت به تغییر ماهیت قادر است خوی گرگی را بدل به طبیعت میش می تواند نمود یا طعم حنزل (حنظل) را بدل به شکّر خواهد کرد. غافل از آن که بزرگان گفته اند:

ز ناپاک زاده ندارید امید   که زنگی به شستن نگردد سپید

ای وکلاء ملت بدبخت ایران، شما هم اموال، اولاد، ناموس دارید. اگر خدا نخواسته کسی نظر بد به ناموس و اموالتان کند یا عزیزتان را در خون کشد. چه می گویید آخر ما مسلمان و اهل این آب و خاکیم. جوانانمان را می کشند اموالمان را به غارت می برند به ناموسمان دست درازی می کنند. همه چیزمان دستخوش مشتی قطاع الطریق است. بر ما رحم کنید. قدری تفکّر کرده ببینید بر ما چه می گذرد. اگر ما اهالی کاشان بی غیرت و وطن فروش بودیم تا حال خود را به دولت اجنبی بسته راحت شده بودیم. حالا دیگر کاردمان به استخوان رسیده و از همه جا مأیوس گشته، روی به کعبه آمال آورده با کمال عجز و انکسار درخواست می کنیم یا دولت را وا دارید که این لکه ننگ را از دامان مملکت پاک نماید یا مالیات یک سال کاشان را که گرفته به اشرار می دهند صرف نظر نمایند تا خودمان به هر وسیله که می دانیم اشرار را قلع و قمع نماییم. زیاده ایام عظمت مجلس شورای ملی مستدام باد. مهاجرین بدبخت کاشان

[حاشیه:] کمیسیون عرایض ۲۵ ربیع الاول ۳۳[۱۳ ق]

[پشت نامه:] تعداد زیادی اسم با مهر و امضاء

[ذیل نامه:] مهاجرین کاشان مقیم تهران شکایت می کنند از ماشاءالله خان و اتباعش و ضمناً اظهار می‌دارند آنچه املاک فعلاً دارند مال اهالی کاشان است غصب نموده اند بعد خواستند یک مأمنی برای خود تهیه نمایند متوسل به دولت

روس و انگلیس شدند. دولتین چون دانستند که املاک مال غیر است اجاره نکردند و آنها نه پذیرفتند (نپذیرفتند). فعلاً خودشان [را] در تحت حمایت عثمانی داخل نموده ضمناً تقاضا نموده‌اند، که اگر دولت از مالیات یک سال صرف نظر نماید ما می توانیم از مشارالیه تقاص کنیم.
نمره ۱۱۵ ارسال مراسلات، ۲۴ ع ل (ربیع الاول) ۱۳۳۳ [ق]
آدرس: سرای حاج ملا علی، حاج میرزا علینقی کاشانی

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۰

[نامه عده ای از مشکانی های کاشان از قم به نمایندگان مجلس شورای ملی]
مقام مقدس مجلس شورای ملی دامت تاییداتهم [۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۳ ق]
عرض این دعاگویان بیچاره به حضور مبارک نمایندگان محترم آنست که مدتی است آقا علی خان پسر حاجی احمد مشکانی داماد میرزا حسین خان غفاری رفته است در دستگاه ماشاء الله خان به خیال چپاول مال مردم، خداگواه است که نه شب آرام داریم نه روز راحت و آسایش و اختیار عصمت خودمان بکلی از دستمان خارج گردیده است. از دست آقای علی خان و نوکران و گماشتگان او و ابداً از ترس به شغل رعیتی و زراعت خود نمی توانیم بپردازیم و در کاشان هم جرئت تظلم نداریم نه به حکومت و نه به ماشاءالله خان، هر هفته یک مرتبه پول توجیه می کند از اهل مشکان که من و آدم هایم خرج داریم و ما چند نفر رعیت بیچاره ازترس او به عنوان زیارت به قم آمده ایم و این عریضه عرض نموده ایم، استدعا داریم ما را از چنگال این ظالم نجات بخشید، ظلم سایرین ما راکفایت. چاکران آوارگان مشکان
[حاشیه (۱):] کمیسیون عرایض ۲۵ ربیع الاول ۳۳[۱۳] ق]
[حاشیه (۲):] از امضاء خصوصی معذوریم زیرا می ترسیم مستمسکی بدست این ظالمان بیفتد بی بهانه خانه ما را خراب می کنند.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۱

مقام منیع رفیع وکلای محترم مجلس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه
عریضه عاجزانه لطف الله و محمد و رضا و علی اورهٔ نطنز
قال نبی الاکرم: الدنیا یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم

ای وکلای معظم از کدامین درد بی دوای خود اظهار تظلم نمائیم. آیا انعقاد مجلس شورای ملی از برای کدام مهم است که از این مطلب مهم تر باشد. همه روز گوش وکلای معظم و وزراء اعظم می شنود این قیامتی که در نطنز و کاشان موجود شده و آوازه متظلمین به فلک دوار می رود ابداً دادرسی نمی شود. رعایای بیچاره جوکار جو خوار را از کشت و کار و رعیتی انداختند. اموال آنها را به غارت بردند. ظلم و ستم رعایا به اعلی درجه رسید و ابداً کسی دادرسی از آنها نکرد و به تظلم آنها گوش نداد.

باد میمون و مبارک از خداوند نعم
مغتنم حالی که وارد گشت بر ملک عجم

امروزه حکام ولایت کدخدایان محل با تالی چنگیز خان مغول نایب حسین کاشی، همدست [اند] و ریشه هستی رعایا را کندند. کجا هست مفتش که تحقیقات کامل نماید که چه عرصهٔ قیامتی برپاست. پدر چاکران تا زنده بود، آنچه ممکن بود، جبر و ظلم و ستم نمودند و حالیه که تصدق شده دویست تومان آقا سید تقی کدخدای اوره ای و جناب عدل السلطنه و سواران اشرار کاشانی گرفتند، و تماماً همدست به چاپیدن مال مردم، و زن و اطفال و عیال چاکران چون اسرای زنگبار گرفتار و خود چاکران از راه بی راهه بیابان به تهران آمده ایم. ای وکلای معظم محض خدا، محض پیامبر (ص)، محض وجدانی که می‌پرستید، این رعایا را آسوده بفرمایید، رسیدگی نمایید. این کدام قیامت عظیم است برپا کرده‌اند. دادرسی کنید که از پا رفتیم و تکلیف معلوم فرمائید. نه زنده در امان است نه مرده.

بر زندگان چون دست تعدّی رها کنند   این جبر نیز بر کفن مردگان کنند

[حاشیه:] منزل در پارک مرحوم اتابک

کمیسیون عرایض ۸ ربیع الثانی ۳۳[۱۳]

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۲

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۶۰۸۱، مورخه ۶ ربیع الاول ۱۳۳۳، کارتن ۲۳، دوسیه ۶

مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

در جواب نمره ۵۸۶ که حاوی سواد عرض حال سه نفر عارضین اوره بود زحمت می دهد که مستقیماً هم به وزارت داخله شکایت کرده بودند و حکم لازم در احقاق حق آنها صادر شد. از طرف وزیر

مهر وزارت داخله

[حاشیه]: کمیسیون عرایض ۱۷ ربیع الثانی ۳۳[۱۳]

سواد مراسله وزارت جلیله داخله جهت عارضین فرستاده شود ۱۲ جمادی الاول کمیسیون عرایض

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۳

مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۵۸۶، کارتن ۲۳، دوسیه ۶ تاریخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۳

تهران آقای لطف الله و سایر متظلمین اوره نطنز

شرح اظهاریه شمادائر به شکایت از آقا سید تقی کدخدا و غیره به مجلس واصل گردید. وزارت جلیله داخله شرحی اظهار داشته اند که سواد آن را برای اطلاع شما لفاً ارسال داشت.

امضاء [صادق خان مستشار الدوله]

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۴

مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۵۸۶، کارتن ۲۶، دوسیه ۶، به تاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۳

وزارت جلیله داخله

رعایای اورهٔ نطنز شرحی دائر به شکایت از آقا سید تقی کدخدا و آقای عدل السلطنه و سواران کاشانی به مجلس عرض و اظهار داشته‌اند. سواد آن را ملاحظه و در خصوص موجبات آسایش متظلمین اقوام لازم به عمل آورده نتیجه را اطلاع دهند.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۵

تهران، سفارشی است

مقام منیع رفیع محترم وکلای محترم مجلس دارالاشورای ملی شید الله ارکانه

عریضه اهالی اوره نطنز است[1]

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۶

رعایای اورهٔ نطنز از دست سید تقی کدخدا متظلم اند که با نایب حسین همدست شده مردم را غارت می کند.

وزارت داخله، اداره ایالات و ولایات دائره جنوب، نمره ۵۸۲۶، $\frac{۲۳}{۶}$ مورخه ۵ حوت ۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳

مجلس شورای ملی شید الله ارکانه

سواد عرضحال اهالی رهق و غیره کاشان را دایر به شکایت از تعدیات مباشرین محل و سایر اشرار در لف مرقومه نمره (۴۶۱) ارسال فرموده بودید. شرح مؤکد لازم مستقیماً به حکومت کاشان نوشته و تاکید شد که رسیدگی کرده هر قدر از

---

۱. خلاصهٔ مطلب نامه که روی پاکت آن مندرج شده است.

طرف نوّاب و مباشرین تعدّی شده باشد مسترد و عاید داشته، قرار آسودگی رعایا را بدهند. در باب سایر اشرار هم اقدام لازم بعمل خواهد آمد.

مهر وزارت داخله

[حاشیه ۱:] با دوسیه کمیسیون عرایض، ۱۰ ربیع الثانی ۳۳[۱۳]

[حاشیه ۲:] همین طور جواب عارضین داده شود، کمیسیون عرایض ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳ **[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]**

۲۸۷

مجلس شورای ملی، سواد عریضه سید حسن و ۱۹ نفر دیگر رعایای رهق از قم نمره ۴۶۵

حضور مبارک رئیس مجلس شورای ملی شید الله ارکانه و تمام بندگان محترم ولایات تظلم می نماییم مدتی است در فشار ماشاءالله خان سردار جنگ کاشانی هستیم. در این پنج سال آنچه بر سر این چاکران و دعاگویان آمده حرفی نزده‌ایم. در این سنه بارس ئیل قریب سه هزار تومان قلّق از ماها گرفته و حال آن که شاهزاده پانصد تومان جرم گرفته در غره صفر پانصد تومان، شاهزاده علی محمد میرزا حکم داده از رهق بگیرید و میرزا علی اکبر برادر زن سردار جنگ کاشانی پانصد تومان حکم گرفته آمد رهق این هزار تومان را بگیرد، رعیت رهق طاقت نیاوردند. از رهق فرار کرده آمدند در قم در آستانه حضرت معصومه متحصن شده اند. دیگر نه نان دارند و نه پول دارند تمام عیال و اطفال رهق در کو...سوارهای سردار کاشانی هستند آخر این عیال مگر مسلمان نیستیم ما کافر هستیم. این رعیت رهق نه بت پرست هستیم و نه خارج دین شماها است. تو را به حق محمد (ص) قسم می دهیم اگر به عرض این بیچارگان برسید خدایا توفیق بفرما تماماً را، این رعیت از پریشانی از دست می روند. در قم یک شاهی کسی قرض نمی دهد. زمستان است نه خرجی داریم و نه نان داریم. تمام زن و طفل های این بیچارگان در دست این ظالمان گرفتار، اگر این طور دین شماها است و این رحم بر رعیت است که تمام ایران آسوده خاطر

باشند و این رعیت رهق در گرفتار شاهزاده علی محمد میرزا باشند. این نوع خوبست این رعیت در زمستان از دست بروند و ناموس این رعیت ناموس دولت نیست؛ وای بر حال ایران وای بر حال رهقی خاک بر سر رهقی، مگر رعیت رهق جزء رعیت ایران نیست، مگر خارج دین شماها هستیم مگر انسان نیستیم. اگر این طریق مروت است که در زمستان فرار این بیچاره رعیت رهق، دیگر از دست رفتیم و طاقت نداریم. اگر به عرض این بیچارگان نمی رسید جواب مرقوم فرمایید. اگر این رعیت می‌توانستیم تعارف بدهیم این طور نمی شدیم. تمام وزراگاری گاری پول از جهت شماها می آید. حق دارید به عرض این رعیت نمی رسید. ولی هرکدام رحم کنید خدا رحمتان خواهد کرد. هزار تومان شماها که گرفتید ده هزار تومان از رعیت می گیرند. خدا، داد این رعیت را از شماها بگیرد.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۸

مجلس شورای ملی، سواد تلگراف اهالی کاشان از قم، نمره ۵۶۷

توسط آقا میرزا احمد مدیر شوکتیه مقام منیع هیئت وزرا دامت شوکته، یک کپیه پارلمان مقدس مدت هشت سال است در فشار تعدیات نایب حسین [و] پسرهایش هستیم و آنچه تظلم کردیم به واسطه محذورات کابینه از گرفتن رشوه به جایی نرسید. این اوقات که تمام دارایی این رعیت بیچاره را بردند، به این هم اکتفا نکرده دارای ناموس هم نبوده‌ایم. از بی امنیتی، فعلگی نمی توانیم بکنیم، خوب فکر کنید، کسی که دارایی ندارد عیالش هم گرسنه و اسیر باشد[1] تکلیفش چیست؟ اگر به فوریت دفع اشرار را نکنید تا ده روز دیگر او را از میان برندارید لابدیم ماها هم تمام یاغی شویم،کاری که نایب حسین کرد بدتر از آن کنیم، حمل بر بی شرفی ماها نکنید، این مسئله را هم یادآور اولیای امور می کنیم، چشم از مالیات چند قریه خرابه‌کاشان و اردهال بپوشید. رعیت، مالیات را برای تأمین می دهد.

۱. اصل: باش

لیکن امیدواریم که این رعیت بیچاره کاشان را از ایران خارج ندانند.

تعداد زیادی اسم زیر سواد تلگراف.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۸۹

مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۴۶۱،کارتن ۲۳ دوسیه ۶ به تاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳

قم جواب نمره (۱) آقایان آقا عبدالباقی و آقا میرزا سید باقر و سایر عارضین کاشان و اردهال، تلگراف شما دایر به شکایت از نایب حسین و سایر اشرار به مجلس واصل، از طرف وزارت داخله موکداً به حکومت کاشان نوشته شد که رسیدگی نموده، موجبات آسایش شما را فراهم نماید.

قم [۲] سید هاشم و سایر رعایای قریهٔ رهق کاشان

عریضه شماها دائر به شکایت از نایب حسین وکسان او به مجلس واصل گردید از طرف وزارت جلیله داخله موکداً به حکومت کاشان نوشته شد که رسیدگی نموده، هر نوع تعدی و بی اعتدالی نسبت به شما شده باشد، رفع نموده موجبات آسودگی شما را از هر جهت فراهم آورند. احقاق حق خودتان را از حکومت کاشان خواستار شوید.

حاشیه [۱]: کاغذ هم تجدید شود.

حاشیه [۲]: مجدداً به وزارت داخله بر طبق دوسیه دیگر که یادداشت شده نوشته شود.

[کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی]

۲۹۰

خزانه‌داری‌کل ایران، نمره‌اندیکس ۵۹۳ به تاریخ ۱۲ سنبله ۱۳۳۴ - نمره ۱۶۳۷۰

مقام منیع وزارت جلیله مالیه - اداره محاسبات کل مالیه

در جواب مستغلات نمره ۶۰۱۴ مورخه ۱۲ برج اسد خاطر مبارک را مستحضر می‌نماید:

۱ - نهصدونودو یک تومان مخارج دولتی برج حمل هذه السنه به موجب احکام ذیل پرداخته شده:

حقوق ۱۸ روزه برج حمل اداره حکومتی بر حسب نمره ۱۵۷۲ - ۲۶۶ تومان، حقوق یک ماهه حمل نطنز به موجب اجازه نامه نمره ۲۵-۷۰۲ = ۱۴۰ تومان، ۱۸ روزه حمل سواران حکومتی به موجب اجازه نامه نمره ۱۵۷۲ =۱۸۴ تومان، نمره بودجه جدید حکومتی ۳۰۸۰/۴۴۴ - ۳ جوزا

نمره اجازه نامه نظمیه در لوی ئیل ۳۸۶۳/۵۹۶×۰۰۰-۲۱ جوزا

۲ - سیصدو چهل ویک تومان حقوق ثور اداره نظمیه موافق اجازه نامه نمره ۲۱۲۵ خزانه داری کل پرداخت گردید.

۳ - حقوق سه ماهه آقای رفیع الممالک[1] مأمور ضبط و ربط املاک نایب حسین که در موقع حرکت به تهران تأدیه گردیده به موجب اجازه نامه نمره ۲۹-۲۲۶۲۹ × خزانه داری کل بوده است.

۴ - در موقعی که ضبط و ربط املاک نایب حسین به اداره مالیه واگذار و تأکید شد، صورت املاک صحیحاً به تهران فرستاده شد. آقا میرزا سید حسین خان رئیس سابق نواقل که سابقه کامل به املاک آنها داشت مأمور تهیه صورت مزبور گردید. ظرف یک ماه اشتغال به انجام مأموریت مبلغ سی وچهار تومان به مشارالیه مخارج مسافرت داده شد وحکمی در این باب از خزانه داری کل صادر نشده.

۵ - دوازده تومان قیمت هشت خروار یخ معمول سنواتی است همه ساله به خرج منظور گردیده و حکمی در این موضوع صادر نشده و پانزده تومان مخارج استنساخ جزو جمع نیز چون از وزارت جلیله مالیه لاینقطع تأکید در ارسال جزء جمع می‌نمودند اگر به طور عادی نوشته می‌شد اقلاً دو ماه طول داشت. پانزده تومان به میرزا سید علی‌اکبر خان دفتر دار اداره، مخارج تحریردان شد که در منزل

---

۱. مأمور دولت در سال ۱۳۳۴ هق برای ضبط املاک نایب حسین در کاشان.

خود با چند نفر محرّر جزء جمع را در ظرف ده روز استنساخ نماید و چون مخارج ضروری بود بدون حکم به خرج منظور گردید. در خاتمه خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که اداره مالیه در هر موقع مراعات صرفه جویی را نموده به طوری که از هفتاد و دو تومان اعتبار نمره ۳۲۸۱۸ - ۱۱۴۶ مورخه ۱۷ حوت گذشته، راجع به مصارف جمع آوری شده هذه السنه چهل و دو تومان مصرف و بقیه را در صندوق ذخیره نموده است و ممکن است مخارج مسافرت میرزا حسن و مصارف تحریر جزو جمع از بقیه اعتبار مزبور محسوب فرمایند. رئیس مالیه کاشان

[حاشیه ۱:] نمره ۵۸-۶۹-۱۲ سنبله

[حاشیه ۲:] دائره بودجه و محاسبات خزانه داری کل

[حاشیه ۳:] سیاهه، [حاشیه ۴:] سیّم سنبله لوی ئیل ۱۲۹۵ - شوال المکرم ۱۳۳۴ [ق]

[سند میکروفیلم ۲و۱-۲۲۳-۱۱-۲۹۶]

۲۹۱

وزارت مالیه، اداره کابینه، سواد راپورت های رفیع الممالک ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۴، مورخه ۷ حوت ۱۳۳۴، نمره ۳۳۴۴۴

مقام منیع وزارت جلیله دامت شوکته

میرزاعلینقی نام از طایفه نراقیها به ملایر و تویسرکان و سلطان آباد عراق رفته چندی است به‌کاشان مراجعت نموده ونوشتجات چندی با خود دارد. نوشته وکالتی از ماشاءالله خان ونوشته هم ازکمیته که در قم به ماشاءالله خان داده بودند در خصوص املاک و نیز نوشته از شونمان[1] قونسول آلمان که در ازای خدماتی که نمایند املاک را به آنها واگذار کنند، مشارالیه را موظف و مختار قرار دادند که ریش سفیدان و رعایا را ببیند و مانع شود در اجاره و استیجاره بلکه به اسم خود ماشاءالله

---

۱. ماکس اوتو شونمان کنسول آلمان در ایران در سال ۱۳۳۴ هـق درکرمانشاه اقامت داشت و در اداره امور مهاجران باکمیته دفاع ملی همکاری می‌کرد.

خان اجاره نامچه بگیرد. چند روزی بعد از ورودش به نطنز به بنده راپورت داد که شخصی برای انجام چنین امری آمده علاوه بر آن یکی از بنی اعمام میرزا علینقی هم آمد و اظهار داشت آقا محمد برادر زن ماشاءالله خان گفت از طرف سردار شخصی آمده ولی از شما می ترسد و ملاحظه می نماید. گفتم اگر کاری به کار من نداشته باشد من هم متعرض او نخواهم شد میل دارد بیاید نوشتجات او را ببینم. فدوی همچو خیال کردم که شاید بتوانم نوشتجات را از چنگ او خارج کنم. آقای امیر اسدالله خان[۱] [عرب] هم شرحی از این بابت محرمانه اظهار فرمودند، از قرار معلوم تاکنون علناً اقدامی نکرده که بتوانم ایرادی بگیرم چون از بنی اعمام حاج میرزا شهاب الدین است احتیاط میکنم تا بعد ببینم چه اقدامی صلاح است. از بابت اطلاع خاطر مبارک عرض نمود.

سواد مطابق اصل است　　　　مهر کابینه وزارت مالیه

[شماره میکروفیلم ۲۶۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۹۲

یزد، ۲۵ برج جدی توشقان ئیل ۱۳۳۴، خزانه داری کل ایران، شماره ۲۲۷۹

آقای خزانه‌دار کل

محل اردکان در سنوات تنگوزئیل و سیچقان ئیل و اودئیل گرفتار تطاول حکومتهای یزد و ماشاء الله خان کاشانی که به ریاست امنیه سفری به یزد آمده بود شده؛ اولاً حکومت های مختلفه مخصوصاً آقای سردار فاتح بختیاری در موقعی که مالیات یزد را خودشان جمع و مأخوذ میکردند، مبالغی به عناوین مختلفه تحمیل به مباشر و رعیت کرده‌اند. ثانیاً آقای ماشاءالله خان در یزد وقتی که با ورود آقای سردار فاتح مصادف شده بودند چند روز در اردکان توقف و سنگربندی کرده، بالاخره قریب یک هزار و دویست تومان نقد و سیورسات از مباشر مالیات گرفته بدون این که قبض بدهد حرکت کرد. از طرفی مباشر مالیات که در سنوات متوالیه

۱. از صاحب منصبان امنیه

فوق الذکر شخص واحدی بود (علی اکبرخان) این تحمیلات و تعدیات را بهانه کرده مبلغ معتنابهی از ابواب جمعی خودش را به تعلل انداخته بود. بنابراین در اوایل برج جدی اودئیل آقای میر موسی خان پیشکار وقت علی اکبرخان مباشر را توقیف کرده وکلیه اموال او را تحت توقیف آورده و در طی مدت پنج ماه مأمورین مالیه مشغول وصول بقایای مشارالیه بوده و آنچه در محل باقی مانده وصول کرده و آنچه ممکن بوده است از دارایی علی اکبر خان به فروش رسانیده و از مبلغ هفتصدهزار و پانصد کسری تومان باقی مشارالیه در اول توقیف متجاوز از پنج هزار تومان وصول کرده‌اند و قریب دوهزار و پانصد تومان که از بقایای اردکان لاوصول مانده هنوز برقرار است. در هذه السنه هم از اوایل برج ثور برای وصول این باقی آقای میرزا سید حسن خان پیشکار سابق شروع به اقداماتی کرده و پس از ایشان بنده در سختی و فشار و توقیف علی اکبر خان کوشیده‌ام، ولی مشارالیه را تقریباً از هستی ساقط می‌بینم. از طرفی خود علی اکبر خان چون می‌خواهد در استخدام مالیه باقی باشد (به علاوه وجودش هم برای شعبه مالیاتی اردکان نظر به سوابق بصیرت و اطلاعات به‌کار مالیات و مالیات دهندگان آنجا لازم است) میل والا به هر ترتیب هست باکمک کسان وخویشان و فروش اثاثیه خودش قسمتی از این باقی را بپردازد و معادل یک هزار و دویست تومان مأخوذی بی قبض ماشاءالله خان که با تحقیقات سابقین و خود بنده مسلم و معلوم است به او تخفیف داده شود. بعد از استحضار خاطر مبارک استدعا می‌کنم اجازه فرمایید هزارودویست تومان مأخوذی ماشاءالله خان با علی اکبر خان محسوب شود و مابقی از او دریافت شود. زیرا گذشته از این که این پول را عیناً ماشاءالله خان گرفته، علی اکبر خان قادر به تادیه آن نیست و دارائی او برای وصول بقایای فوق‌الذکر به فروش رفته و بنده محلی که بتواند تمام باقی او را تدارک کند سراغ ندارم و اجازه احتساب هزار و دویست تومان هم حکم بجا و به موقعی است. زیرا ماشاءالله خان به حکم دولت به یزد آمده و با قدرت خودش این اجحاف راکرده است. ضمناً خاطر مبارک را مسبوق می‌داریم که ماشاءالله خان و اتباع او در مدت ریاست امنیه منحصر به این محل و این وجه نبوده

و غالب آنها که قبض در دست داشته‌اند، مطابق احکام خزانه داری عوض مالیات قبول شده است و این که تا این تاریخ در موضوع اردکان پیشنهادی نشده به ملاحظه این بوده است که اولاً قبض ماشاءالله خان در دست مباشر نبوده و ثانیاً سابقین بنده و خود بنده در صدد بودیم شاید بدون احتساب این مبلغ باقی علی اکبر خان وصول شود. حالا که از وصول تمام باقی علی اکبر خان مأیوس و مشارالیه را لا شیئی می بینم این است که احتساب هزار و دویست تومان مأخوذی ماشاءالله خان را پیشنهاد کرده استدعا می کنم برای این که این عمل خاتمه یابد تصویب فرمایند یک هزارو دویست تومان از بابت باقی حالیه مشارالیه کسر و بقیه که یک هزارو سیصد تومان است از بابت قیمت خانه و اثاثیه علی اکبر خان که به فروش خواهد رسید به حیطه وصول درآید ومفاصای مشارالیه بعد از دریافت هزار و سیصد تومان داده شود.

[سند شماره ۲۴۰۰۰۱۹۱۵ - ۷۰۶ پ ۴ آآ ۱]

۲۹۳

وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۲۸۶۸-۱۰۱۹۸ - ارسال در ساعت ۳ - تهران به تاریخ ۳ اسد ۱۳۳۵ - صادره رقعه

حکومت قم

جمعی از اهالی جاسب مدتها است از بی اعتدالی حاجی سید عباس و سید هاشم و سید جعفر و حاجی خلیل و ارباب حسین وکسان آنها شکایت می‌کنند و اخیراً کاغذی از شیخ الاسلام جاسب رسیده، می نویسد نایب حسین با جمعی به خانه او ریخته از هیچ قسم شرارت فروگذار نکرده، انواع اختلافات مدت‌ها است بین دو دسته از اهالی آنجا دوام دارد. چنانکه اخیراً تلگراف کرده‌ام دسته صمصام السلطان رئیس قراسوران را برای تنبیه و جلوگیری اشرار فرستاده‌اید. برای آن که درآتیه نظایر حاصل نکند لازم است راجع به حل اختلافات و مشاجرات ملکی و جهات دیگر که باعث ایجاد این زحمات است با تحقیقات لازمه آنچه مربوط

به عدلیه است با مراجعه به آنجاتسویه نموده و آنچه را که وظیفه حکومتی است خودتان حل و تسویه نمائید که موجبات آسایش رعایا کاملا فراهم شده، نتیجه اقدامات را زودتر اطلاع بدهید.

[حاشیه:] نوشته شود.

[شماره میکروفیلم ۷۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۹۴

شرکت تلفن کل ممالک محروسه، اداره تلفن خط قم و ساوج و کاشان وتوابع، از قم به تهران، نمره قبض ۲۴۳، تاریخ وصول ۶ ساعت بعدازظهر، اسم گیرنده...

مقام منیع وزارت جلیله داخله روحی فداه

چاکر به امر مبارک برای جلوگیری از اشرار جاسب حرکت نموده دو روز است وارد شده‌ام. اشرار دو دسته شده یک دسته مسلح درکوه‌ها جلو عابرین را سدّ کرده و امروز تحویل دار مالیه را تعاقب کرده، مالیات را نیز جواب گفته‌اند. یک دسته هم که بالنسبه کامل تر تمام زن و بچه اساسیه (اثاثیه) خود را برداشته به شهر آمده از تعدیات مأمورین فریاد میزنند در صورتی که همه روز از حکومت استدعا می‌کنند، برای نظارت درکار مأمورین شخص موثقی را روانه فرمایند یا آن که در جواب این عرایض فوری چاکر را مطمئن فرمایند که برای تظلمات بی‌اساس که از چاکر خواهند کرد، دولت جدّاً در مقام تجدید برآمده بدون جهت بدنام نشوم تا به فوریت در مقام سختگیری و مجازات اشرار برآمده مأموریت خود را انجام دهیم والاّ یقین داریم اشرار چند نفر آقایان را هم با خود مساعد نموده بطوری اشتباه کار می خواهند نمود که رفع آن خیلی زحمت [و] مدت لازم دارد. چاکر صمصام السلطان رئیس قراسوران قم، محل مهر مکالمات قم و ساوج

[حاشیه:]

اداره جنوب - صمصام السلطان همین اظهارات و شکایاتی از او شده، پیش بینی نموده است مراتب را به عرض برساند که برای جلوگیری و رفع غائله تعلیمات

جامع به صمصام السلطان صادر شود. بدیهی است بالاخره از تعدیات او یک دسته اشراری که خواهند شد و همه از مشارالیه راضی نمی شوند. تکلیف مأمور هم این است به تکالیف خود رفتار کند. ۱۵ شوال

[پشت سند] مهر ورود به‌کابینه وزارت داخله ۱۳ اسد ۱۳۳۵

[شماره میکروفیلم ۴-۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۹۵

دولت علیه ایران، وزارت داخله، تهران قم، تاریخ ۵ سنبله ۱۳۳۴، ۲۷ شوال لوی ئیل، صادره تلگراف، نمره کتاب ثبت ۷۸۰۷/۱۹۳۹، شعبه تحریرات جنوب

حکومت جلیله قم

تلگراف نمره ۶۵۰ رسید. تغییر پست نقاط معینه قراسورانی به هیچ وجه مقتضی نیست و در صورت اقتضا ضرری ندارد که به‌کسان نایب حسین اعلام دارید که دست از شرارت برداشته و در موقعی که تقاضای عفو و اغماض از دولت برای خویش نمایند مرتکب یک شرارت جدیدی که مانع تقاضای آنها می‌شود نشود.

[حاشیه]: نوشته شد

[شماره میکروفیلم ۳۴۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۹۶

دولت علیه ایران، وزارت داخله، تهران، تاریخ ۲۷ قوس ۱۳۳۵ [ق] صادره رقعه، نمره کتاب ثبت ۳۴۰۹-۱۴۵۴۵، شعبه تحریرات جنوب

آقای صمصام السلطان رئیس قراسوران خط قم

نامه مشروح شما راجع به تجاوزات اشرار در خاک قم ملاحظه شد، اگر چه در این مسائل وزارت داخله مشغول اقدامات می باشد. ولی شما نظر به وظیفه خودتان و مسئولیتی که بر عهده دارید باید خطوط لازمه را که احتمال تجاوز اشرار کاشی می رود، با قوای قراسورانی حفظ نموده و قویاً در مقام جلوگیری آنها برآیید.

یقین بدانید مأمورین دولت در مقابل اظهار کفایت مورد تمجید واقع خواهند شد واین نکته هم مسلّم است، مأمورین این وزارتخانه وقتی که وظایف خودشان را اجرا و ایفاء می کنند هیچ وقت حرف های بی مدرک و اظهارات بی اساس،مقام مأموریت آنها را متزلزل نخواهد کرد و از هیچگونه تقویت در حق آنها مضایقه نخواهد شد.

[سند شماره ۱۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۹۷

خزانه داری کل ایران، اداره مالیات ۲۹ برج حمل یونت ئیل ۱۲۹۷-۷ شهر رجب المرجب ۱۳۳۶

آقای میرزا مهدی خان[۱]

چون عمل مباشری مالیات سنهٔ ماضیهٔ ئیلان ئیل قریهٔ سرشک باشما بوده و مالیات قریهٔ مزبوره را به موجب اسناد خرجی که در دست دارید به ادارهٔ مالیه پرداخته اید و به موجب شرحی هم که اهالی قریهٔ سرشک به اداره مالیه اظهار داشته اند و به میل و رغبت به مباشری شما می باشند. لهذا ادارهٔ مالیه نطنز عمل مباشری مالیات هذه السنهٔ قریهٔ مزبوره را نیز به عهدهٔ کفایت شما واگذار می نماید و شما هم می باید اولاً در آن محل با نهایت درستکاری و صحت عمل با رُعایا رفتار نموده، ثانیاً موافق سندی که به اداره سپرده‌اید اقساط مالیاتی را مرتباً به علاوه تومانی دویست دینارکه به موجب حکم مطاع متحد المآل نمره ۱۹۵۳ هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم و حکم مطاع متحد آلمال نمره ۱۶۸۳ وزارت جلیله مالّیه دامت شوکته که می باید از هر محلی برای تأسیس مدارس دریافت شود از محل سرشک دریافت و به اداره مالیه آورده تحویل صندوق نمائید و قبض سند خرج هر یک را دریافت دارید.

مهر ادارهٔ مالّیهٔ نطنز

۱. کدخدای روستای سرشک کاشان در حدود سالهای ۱۳۳۶ هـق به بعد.

[پشت سند] ۱۹ جمادی الثانی، عارض: رعایای سرشک، معروض: میرزا مهدی خان

[سند شماره ۲۹۸۰۰۰۱۸۶ - ۴۱۶آ ۲آ ت ا]

۲۹۸

نمره کتاب ۷۶- اداره تلگرافی دولت علیه ایران - سنه ۱۳۳۶- از کاشان به ط (تهران)، نمره قبض ۴۲۹ - نمره تلگراف ۲۵ - عدد کلمات ۲۲۷- تاریخ اصل ۱۸، توضیحات دولتی: تاریخ وصول ۱۹ جدی - اسم گیرنده: عباسعلی

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

اهالی قریه قالهر که جزء حوزه حکومتی کاشان است،کتباً به فدوی مراجعه کرده و اظهار می دارند که چون مدتی است، رجبعلی را به قالهر راه نداده اند باعث کینه او شده سابقاً به واسطهٔ قلّت عده او، قادر به دفع او بوده ولی بعد از غارت نراق جمعیت او فوق العاده زیاد شده و تهدید نموده که در مراجعت قریه مرقومه را تصرف خواهد کرد. برای جلوگیری از اشرار مرقوم تقاضا کرده اند یا عده ای قزاق به این جا فرستاده شود یا مقداری تفنگ و فشنگ به ایشان برسد و قیمت او را بپردازند و در صورت عدم امکان این دو شق مجبورند با زن و بچه خود مهاجرت نمایند. نظرهایی (به آن) که قریه مزبوره در مخاطره جدی و انجام تقاضاهای ایشان برای حکومت غیر مقدور است، لزوماً به عرض این را پورت مبادرت و استدعا دارد و به قوای ژاندارمری امر شود که عده (ای) کمک به آنها بفرستند تا به آنها که مختصری تفنگ هم دارند ضمیمه شده بلکه مانع از قتل و غارت قریه مرقومه بشوند و نیز مطابق حدسیاتی که شیوع دارد محتمل است مجدداً به نراق هم بروند زیرا که مانعی برای اشرار موجود نیست در هر صورت توجه مخصوص آن مقام منیع را به اهمیت این حدود جلب نموده و استدعای جواب فوری دارد. ۱۸ جدی نمره ۱۴۲۹

[شماره میکروفیلم ۱۷۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۲۹۹

وزارت داخله جنوب

به سالار شجاع شرحی نوشته شود که آقای سردار صولت هم از طرف دولت مأمور تعقیب و تنبیه رجبعلی است. شما هم باید با مشارالیه در انجام مقصود کمال مساعدت و همراهی را بنمایید و [به] ترتیبی باید اقدام نمایید که متفقاً این خدمت انجام شود.

۲۷ جدی ۹۷[۱۲]

[شماره میکروفیلم ۲۴۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۰۰

دولت علیه ایران، وزارت داخله، از تهران به نطنز،تاریخ ۲ جمادی الاول ۱۳۳۶ نویسنده منیع السلطان، صادره رقعه، نمره کتاب ۵۴۶۵-۱۷۸۹۶، ارسال در ساعت ۱۵ دلو ۹۷ [۱۲]

آقای انتخاب السلطان

مراسله شما راجع به اموال خودتان که به وسیله رجبعلی غارت شده ملاحظه گردید. البته می دانید برای تدمیر و قلع و قمع او از طرف دولت مأمورین مخصوص معین شده و چندین نفر از اتباع را مقتول و جمعی را اسیر کرده اند و خود رجبعلی را تعقیب خواهند کرد تا دستگیر [و] به کیفر اعمال خود برسد. راجع به استرداد اموالی که رجبعلی غارت کرده است، هیئت دولت در نظر دارند ترتیب صحیحی بدهند. در آن ضمن احقاق حق شما نیز بعمل خواهد آمد.

[شماره میکروفیلم ۱۸۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۰۱

اداره تلگراف دولت علیه ایران، نمره کتاب ۱۸۴ - از اصفهان به ط (تهران)- نمره قبض ۱۷۹۶- نمره تلگراف ۱۳۶، عدد کلمات ۱۸۵- تاریخ اصل ۲۵-

توضیحات: دولتی - تاریخ وصول ۲۵ حوت

توسط حضرت اشرف والا شاهزاده وزیر مالیه مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

راپورت از عزت الله خان رسیده که جعفر قلی پس از دادن عده تلفات و مقداری غنایم درکوه های چاله سیاه فراراً به خاک علوی رفته که از آنجا طرف میر آباد برود. اردوی سالار بهادر و عزت الله خان در تعاقب او است. محققاً از بنه و آذوقه و مهمات چیزی برایش باقی نمانده، فقط خود با چهل و پنجاه نفر سوار این طرف و آن طرف می زند مگر آن که از طرف رضای جوزدانی(جوزانی) و نجف آبادی ها کمکی برسد که آنهم گمان نمی کنم سوارهای بختیاری بگذارند استعدادی به او ملحق شود. خیلی بی پا و مفلوک شده، جمعیتش اغلب کشته و گرفتار گردیده‌اند. اسب‌های سوار بختیاری تماماً از پا درآمده زیرا که چهل شبانه روز در کوه و صحرا دنبال اشرار هستند. الساعه سواری رسید اظهار نمود جعفر قلی طرف میرآباد رفته چون سوار بختیاری در تعاقب او بوده است، حضرات میرآبادی او را راه نداده و با او جنگیده اند مشغول جنگ بوده‌اند که سوار آمده است. هر خبری که رسید به عرض می رساند. ۲۵ حوت نمره ۴۳۴۳ نصیر بختیاری[۱]

[حاشیه ۱]: به عرض برسد ۲۷ حوت

[حاشیه ۲]: ورود به‌کابینهٔ وزارت مالیه - به تاریخ ۲۷ حوت نمرهٔ ۴۵۳۲۲

[سند شماره ۱۷۳۸۵..۲۴-۱۱۴ن ۵ الف الف ۱]

۳۰۲

عرض می شود

صورت تلگرافی که تقدیم شده، اصل آن حضور مبارک حضرت اشرف آقای

۱. نصیر بختیاری: نصیر خان پسر امامقلی خان حاج ایلخانی بختیاری و برادر امیر مفخم ابتدا صارم الملک و بعد سردار جنگ لقب یافت و مدتی ایلبگی و چندی نیز ایلخانی بختیاری بود. در جریان شورش سالار الدوله در لرستان وی از خود تلاش زیادی نشان داد و مدتی به حکومت یزد و سپس اصفهان گمارده شد. دخترش بی‌بی عظیمه همسر ابوالقاسم بختیار بود. (با من به سرزمین بختیاری بیائید).

رئیس الوزرا دامت شوکته ارسال شده و از جناب آقای سردار صولت است که داوطلب شده اند که با یک عراده توپ و پنجاه نفر رجبعلی و اتباعش را قلع وقمع و دستگیر نماید. چون مراتب کفایت ایشان مشهود دولت است و می دانم که حضرت عالی کمیسیونی برای ترتیب اتخاذ رویه،در قلع رجبعلی تشکیل داده اند، معروض شد که هرگاه مقتضی بدانند بنده تلگرافاً باایشان داخل مذاکره شوم که ان ـ شاءالله قرار آسایش مظلومین نراق و نطنز و اردستان داده شود. در هر حال مترصدم نتیجهٔ اقدامات امنیت شما را اعلام نمایم. ایام اقبال مستدام باد

آیةالله زاده افجه‌ای میرزا سید هادی افجه‌ای

امضاء

[در ذیل سند]

در موضوع جناب آقای حاج سید محمد علی، با آن همه تأکیدات، البته حضرت اشرف عالی آقای رئیس الوزرا دامت عظمته و وعدهٔ قطعی خود حضرت عالی به حضرت آقای آقا سید محمد افجه ای اخوی هنوز اقدام و توجهی نفرموده برای ضبط کل اکنون که خودشان پیشنهادی کرده‌اند متقضی است که سوابق حسنهٔ ایشان را در نظر گرفته از بذل رحمت داعیان را ممنون و تشکر فرمایند، نتیجه مساعدت را مترصدم. میرزا سید هادی افجه ای

اداره جنوب ۲ ربیع الثانی

[شماره میکروفیلم ۲۹۰ / ۲-۱۹۴-۲۰]

۳۰۳

وزارت داخله،ادارهٔ مرکزی تشکیلات، ژاندارمری دولتی،سواد تلفن از قم به تهران مورخه ۲۰ جدی ۱۲۹۷ دو ساعت به غروب

آقای لیوتنان کلنل فضل الله خان[1] باطالیون مستقل نمره ۴ تاریخ ۱۸ برج

۱. کلنل فضل الله خان آق اولی پسر امان الله طبیب نصیرخاقان در ۱۳۰۴ هق متولد شد. وی پس از اتمام ←

راپورتی از سلطان علی‌اصغرخان رسیده است. دیروز وارد دلیجان شدم که در ساعت دوازده از نراق راپورت رسید رجبعلی امشب وارد نراق خواهد شد. چهار ساعت بعد راپورت رسید که رجبعلی با چهار صد نفر عده وارد نراق شده است. در صورتی که پنجاه نفر عده گروهان پیاده با میرزا علی خان نایب دوم در نراق بودند. امروز در ساعت هفت صبح با کلیه قوای دلیجان که عبارت از شصت سوار بود با توپخانه حرکت کردیم به طرف نراق تا دو هزار مطری(متری) نراق رفتیم. در حالی که چندین تیر توپ به طرف دشمن پرتاب شد. اشرار شکست خورده کوهها و باغات را سنگر نمودند توپ شکست و ازکار افتاد. عبدالله خان[۱] وکیل مجروح. این قسمت به دلیجان مراجعت کردند. عجالتاً نصف نراق دست اشرار است و مشغول جنگ هستند و ارتباط به‌کلی با ژاندارم های نراق قطع شده است. رجبعلی با سوارهای او همدست هستند. دو هزار فشنگ مصرف شده است. وجه می‌خواهند. بقیهٔ اردو در محلات و دلیجان هستند. به ماشاءالله فوری تلگراف شد به نراق برود. تکلیف فوری معمول فرمایند. نمره ۵۳۳

محمود

سواد مطابق اصل است

[شماره میکروفیلم ۱۱۳-۴-۱۱-۲۹۳]

← تحصیلات مقدماتی به فرانسه رفت و با آغاز انقلاب مشروطه به ایران بازگشت. وی همزمان با تشکیل ژاندارمری خزانه در زمان مستشاری مورگان شوستر به معاونت ژاندارمری مزبور برگزیده شد و پس از اخراج شوستر و جایگزین شدن ژاندارمری دولتی به فرماندهی یالمارسن سوئدی به این تشکیلات جدید پیوست و به تربیت افسر، گروهبان و افراد پرداخته و مدارس منظمی ترتیب داد. وی در زمان جنگ جهانی اول که اوضاع ژاندارمری ایران آشفته شده بود با سمت فرماندهی باطالیان (گردان)مستقل یزد مأمور یزد شد و چون وثوق الدوله به ریاست الوزرا رسید وی با سمت رئیس ژاندارمری اصفهان مأمور فیصله کار نایب حسین شد. و به‌مناسبت گرفتاری‌هایی که در همین ماموریت اصفهان یافت و بیم آن می‌رفت که مورد تعقیب دستگاه عدالت قرار گیرد در اول فروردین ۱۲۹۹ هش در ۳۴ سالگی دست به انتحار زد.(شرح حال رجال ایران - ج ۵)

۱. وکیل قسمت توپخانه ژاندارمری مرکزی دولتی مأمور در دلیجان به سال ۱۳۳۷ هق که مشغول جنگ با نایبیان بودند.

۳۰۴

وزارت داخله، از تهران به‌کاشان، تاریخ ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۷، نمره کتاب ثبت ۵۰۴۶، فوری، ارسال در ساعت ۲۰ جدی

آقای ماشاءالله خان

راجع به رجبعلی تلگرافات و مکاتبات متوالیه از شما می رسد و داوطلب قلع و قمع او هستید. دولت هم به شما اجازه داده و تأکیدکرده است به هر نحوی است او را تعاقب نمایید. ولی تا حال آن طوری که مقتضی کفایت شما و انتظار وزارت داخله بود، اقدام جدی نکرده اید. رجبعلی هم از نطنز معاودت نموده مجدداً به نراق رسیده با قوای ژاندارمری مشغول جنگ هستند. بنابراین به شما امر می شود که به وصول این تلگراف بدون تأمل و درنگ فوراً با یک عده سوار کافی حرکت داده به اتفاق رئیس ژاندارمری، با کمال قوت قلب و استظهار به مراحم دولت، این دزد متمرد را دستگیر نمایید. قوای ژاندارمری هم که دارای توپ و مهمات می باشد به شما کمک خواهند کرد. دیگر هیچ نوع عذری از شما پذیرفته نمی شود. وزارت‌داخله‌انتظار دارد به‌وصول این تلگراف فوراً سوارهای خودتان را برای کمک ژاندارمری حرکت داده و این خدمت را انجام بدهید تا دولت هم موقعی بدست آورده مراحم خود را نسبت به شما تکمیل نماید. حسن‌وثوق‌الدوله

[شماره میکروفیلم ۱۹۳-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۰۵

وزارت داخله، اداره مرکزی ژاندارمری دولتی، مورخ ۲۰ برج جدی ۱۲۹۷ [عینا همین عناوین به زبان فرانسه]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

با رعایت احترام سواد مخابره تلفونی که الساعه از باطالیون مستقل نمره ۴ قم واصل شده است، تلواً تقدیم و مستدعی است تلگرافی، به ماشاءالله خان و حاج سالار شجاع، امر فوری شود که بدون درنگ با سواران خود به‌کمک اردوی اعزامی

بر علیه رجبعلی حرکت نمایند.

فوری است امضاء افسر سوئدی (به خط لاتین)

اداره جنوب ۱۰ ربیع الثانی

[شماره میکروفیلم ۱۷۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۰۶

ایالت وبلدیه تهران سواد تلگراف حکومت قم، مورخه ۱۲ (ربیع الثانی)

توسط ایالت جلیله تهران مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

رجبعلی پس از مراجعت از نراق رفته نطنز راهم به حال نراق انداخته ازکار آنجا فارغ شده باز به نراق برگشته چنان که سابق عرض کرده بودم هر چه تأخیر در اقدامات جلوگیری آنها بشود روزبه روز بر عده شان خواهد افزود.آن دفعه با دویست سوار آمده بودند. این دفعه پانصد شش صد سوار دارند. گفتند اغلب سر دسته های ماشاءالله خان نیز همراه اینها هستند.آن دفعه تفنگ های مختلف بی دود و با دود داشته اند این دفعه تمام تفنگهای ایشان بی دود است [از] عدهٔ ژاندارم که در نراق بود چند نفر مقتول و باقی دستگیر شده، شش هفت نفرشان به قم برگشته که اسلحه شان را گرفته نفری یک تومان خرجی راه داده گفته است شما مردمان بی مصرفی هستید بروید. هفده نفر ژاندارم هم فراراً بی اسلحه به جاسب رفته اند. عده ای ژاندارمری (ژاندارم) که در دلیجان بودند به‌کمک عدهٔ نراق رفته، شلیک توپ هم کرده، توپ ترکیده ازکار افتاده چند نفر توپچی را هم صدمه زده و عقب نشسته اند. عجالتاً دیگر قوه ای در مقابل اشرار نیست که بتواند جلوگیری کند. در قم نیز قوه ای نیامده. لازم است زودتر قوه ای از مرکز برسانند مخصوصاً تفنگ و فشنگ و توپ شصت تیر لازم است که ذخیره هیچ نیست و محلات و قم در تهدید است. اهالی محلات مشغول فرارند. در قم هم قوهٔ دفاعیه و فشنگ و تفنگ هیچ نداریم. مدتی است بنده این پیش بینی ها راکرده و به عرض رسانده ام به وعده تصمیم دولت و قرب ظهور نتیجه گذشته است. این افتضاح راکجا می توان

برد که دولت از یک طرف تمام اسلحه را از دست مردم گرفته همه را دست خالی گذاشته و از طرف دیگر، در جوار مرکز، جان و مال و ناموس رعیت را نمی تواند از شرارت یک دسته غارتگر حفظ نماید. اطلاعاً عرض شد. ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۷
نمره ۸۰۱ مهر وزارت داخله

[شماره میکروفیلم ۱۹۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۰۷

وزارت داخله،از تهران به محلات،تاریخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷، نمره کتاب ثبت ۵۳۰۹-۱۷۱۳۲، ارسال در ساعت ۲۸ جدی ۹۷

حکومت محلات

راپورت شما به ضمیمهٔ کاغذ رجبعلی ملاحظه و از مندرجات آن اطلاع حاصل شد. برای سرکوبی اشرار و متمردین سوارهای سردار صولت از اردستان و سوارهای حاج سالار شجاع از ساوه حرکت کرده اند، یقین تا حال وارد شده اند. سردار صولت و حاج سالار شجاع مأمورند در هر نقطه ای تعاقب اشرار را دوام داده و این غائله را بالمره ختم نمایند. به آقای امیر مفخم هم امر شده است در حدود خود مراقبت کرده راه تجاوز اشرار را مسدود نماید. البته شما هم حتی القوه مساعی و مجاهدت لازمه در قلع و قمع اشرار بکار خواهید برد. در خاتمه راپورت خودتان اشاره به بعضی مطالب محرمانه کرده بودید مطلع شدم. البته مثل شما حاکمی که به اطراف کار خود توجه و دقت مخصوص دارد باید همیشه مطالب صحیحه را به دست آورده و وزارت خانهٔ متبوعهٔ خودتان از جریان حقیقت امر مستحضر بدارید. وزارت داخله منتظر است که نتیجهٔ اطلاعات و تحقیقات خودتان را زودتر اعلام نمایید که بر طبق آن اقداماتی که مقتضی است بعمل آید.

[شماره میکروفیلم ۱۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۰۸

دولت علیه، وزارت داخله، [از] تهران [به] نراق،تاریخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷
صادره رقعه، نمره کتاب ثبت ۵۱۸۰-۱۷۰۵۴، شعبه تحریرات جنوب ارسال در ساعت ۲۸ جدی ۹۷

اهالی نراق

شرارت اشرار و حوادثی که در نراق اتفاق افتاده فوق العاده اسباب تأسف شده و البته دولت که ذمه دار حفظ حدود و حقوق اهالی است کیفر اعمال اشرار را با شدید ترین وضعی خواهد داد. بطوری که البته مطلع شده اید سردار صولت با سوارهای خودش از یک طرف و حاج سالار شجاع نیز با استعداد خودش از طرف دیگر حرکت کرده اند و بطوری که مأموریت دارند در هر نقطه باشند اشرار [را] تعاقب خواهند کرد. البته شماها چندی تأمل کرده منتظر نتیجه اقدامات قوای دولتی بشوید. امضاء عدل [؟]

[شماره میکروفیلم ۱۷۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۰۹

دولت علیه ایران،وزارت داخله،از تهران به‌کاشان،تاریخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷
نمره کتاب ثبت ۵۵۱۸۳-۱۷۰۵۵، شعبه تحریرات جنوب،ارسال در ساعت ۲۸ جدی ۹۷[۱۲]

جناب مستطاب شریعتمدار ملاذالانام آقای آقا سید محمد رضا مجتهد کاشانی سلمه الله تعالی عرض می شود مراسلهٔ جناب عالی محتوی کاغذ اهالی نطنز راجع به شرارت رجبعلی در آن حدود واصل شد. در ابتدای غائله رجبعلی و تجاوزات مشارالیه، در حدود محلات، ماشاءالله خان داوطلب تعاقب و تنبیه شده دولت هم به مشارالیه امر داده بود که با سوار[ها]ی خود اشرار را طرد نماید. ولی ماشاءالله خان قادر نبود در مقابل اشرار مقاومت کرده و آنها را از این تطاول جلوگیری نماید این بود [که] اشرار بلامانع، پس از غارت نراق، به قمصر آمده و از آنجا به نطنز رفته

مرتکب آن فجایع شده اند. بدیهی است دولت از این فجایع صرف نظر نکرده و با شدیدترین وضعی جزای اعمال اشرار خواهد داد و برای انجام این امر قوایی که لازم بود اعزام شده و قریباً نتایج آن ظاهر خواهد شد.

[شماره میکروفیلم ۱۸۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۰

دولت علیه ایران،وزارت داخله، [از] تهران [به] محلات، تاریخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷

نمره کتاب ثبت ۵۱۶۱-۱۷۰۱۹،شعبه تحریرات جنوب، صادره رقعه، ارسال در ساعت ۲۸ جدی ۹۷

حکومت محلات

راپورت نمره ۲۹۴ راجع به رجبعلی ملاحظه شد. برای تعاقب و تنبیه رجبعلی حکم شد سردار صولت با استعداد خودش از اردستان حرکت نماید. حاج سالار شجاع هم با یک عده سوار از ساوه حرکت کرده و قریباً وارد خاک محلات شده و بطوری که مأموریت دارند، در هر نقطه باشد، رجبعلی را تعاقب خواهند کرد تا این غائله بالمره رفع شود، به جناب مستطاب اجل امجد اکرم آقای امیر مفخم دام اقباله نیز حکم شده در آن حدود راه فرار اشرار مسدود نمایند. البته شما هم حتی الامکان باید سعی و کوشش نمایید تا آن طوری که منظور است احقاق حق غارت زدگان و کیفر اعمال متمردین بعمل آید.

[شماره میکروفیلم ۱۶۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۱

ریاست وزراء تاریخ ۶ دلو ۱۳۳۷

جناب مستطاب اجل اکرم آقای اقتدار الدوله کفیل وزارت داخله،

جناب آقای انتظام‌الدوله مخابرات خصوصی که با ماشاءالله خان در موضوع

رجبعلی کرده اند به جناب عالی ارائه داده و عقاید خود را هم در این موضوع اظهار خواهند داشت.

اقداماتی هم که از جهات دیگر برای قلع و قمع رجبعلی شده است البته مطلع هستید [که] آقایان سردار ظفر و سردار جنگ هم تعهدات و اقداماتی کرده و قول گرفتار کردن رجبعلی را داده اند. با وجود اینها و با این که به وسیلهٔ اقدامات دیگر امیدواری کامل به قلع و قمع رجبعلی حاصل است باز من مایل تر هستم که ماشاءالله خان این خدمت را بکند تا دولت هم وعده هایی که به او داده است وفا بکند. به عقیده من ضرر ندارد کاغذی از وزارت داخله به امضای خود من یا آقای انتظام الدوله نوشته شود که بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی و به اولیای دولت اساساً مقرر فرموده هم لقب امیر محتشم به ماشاءالله خان داده شود. ولی این قضیه را موقوف به دستگیر شدن رجبعلی بدست ماشاءالله خان قرار داده‌اند. بنابراین، آقای انتظام الدوله از طرف دولت اختیار دارند که بعد از دستگیر شدن رجبعلی به دست سوارهای ماشاءالله خان و تسلیم به ژاندارمری، اعلان این مرحمت را نموده و مشارالیه را به این لقب بخوانند و فوراً تلگراف کنند دستخط و فرمان فرستاده شود و اگر این خدمت را نکنند و تمام مطالب به حرف بگذرد البته تصدیق می دهد که دولت فعلاً حق دارد این مساعدت را نکند.

اگر این ترتیب را مصلحت می دانید بفرمایند کاغذی نوشته بفرستید امضا نمایم که امشب عماد خلوت همراه خودش ببرد.

وثوق الدوله

[در پایین آمده است:] به طوری که امر فرمودند رقعه صادر نماید.

[شماره میکروفیلم ۲۲۹-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۲

دولت علیه ایران،وزارت داخله، [از] تهران [به] کاشان،تاریخ ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۷

نمره کتاب ثبت ۵۳۹۴-۱۷۶۸۴، ارسال در ساعت ۸ دلو ۹۷ [۱۲ ش]

جنابان مستطابان ملاذالأنام آقایان علمای اعلام کاشان سلمهم الله تعالی
مراسله جنابان عالی از بابت شرارت رجبعلی واصل شد. از پیش آمدهای آن صفحات اولیای امور نهایت تأسف دارند و برای تنبیه و تنکیل اشرار و جبران این قضایا از طرف دولت اقدامات لازمه بعمل آمده و با آن ترتیب اطمینان کامل به قلع و قمع اشرار حاصل است و عامهٔ اهالی آن صفحه باید بدانند که هیئت [دولت] از این وقایع صرف نظر نکرده و به هر نحوی باشد کیفر اعمال اشرار و متمردین را خواهد داد. وثوق الدوله

[حاشیه:] تهران - پامنار پاکت کرده خدمت جناب مستطاب شریعت مدار ملاذالانام آقای آقا سیدحسن مجتهد کاشانی سلمه الله تعالی بفرستید.

[شماره میکروفیلم ۲۳۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۳

دولت علیه ایران، وزارت داخله، تهران به‌کاشان به تاریخ ۸ ولو ۱۲۹۷، ۲۵ ربیع الثانی، صادره رقعه، نمره کتاب ثبت ۵۳۹۵، کارتن ۵، دوسیه ۷، شعبه تحریرات جنوب، ارسال در ساعت ۸ دلو ۹۷

[مینوت نامه وثوق الدوله وزیر داخله کابینه صمصام السلطنه]

جناب مستطاب اجل اکرم آقای انتظام الدوله حکمران کاشان و نطنز دام اقباله
راجع به رجبعلی به طوری که مطلع هستید، دولت وسایلی برای قلع و قمع مشارالیه واتباع او تدارک کرده و به آن ترتیب امیدواری کامل به‌گرفتاری رجبعلی حاصل است. ولی نظر به این که آقای ماشاءالله خان همیشه در طی مراسلات و تلگرافات خود داوطلب انجام این خدمت بوده و تقاضای اجازه می کرده که با قوهٔ شخصی خود رجبعلی راگرفتار نماید، این است [که] این جانب هم مایل هستم که این خدمت به دستیاری و حسن کفایت ماشاءالله خان انجام پذیر شود تا من هم مواعید خود را موافق انتظارات مشارالیه به موقع ایفا گذاشته و او را مشمول عواطف دولت نمایم. در این موقع که حکومت کاشان و نطنز بر حسب امر و ارادهٔ

ذات مقدس ملوکانه ارواحنا فداه به جناب عالی محول و مقرر است سریعاً به مقر حکمرانی خودتان حرکت نمائید. مخصوص این شرح را می نویسم، همان طوری که جناب عالی در ضمن مطالب حکومتی خودتان پیشنهاد و درخواست بذل مرحمت در حق ماشاءالله خان کرده بودید پذیرفته اساساً از طرف بندگان اعلی حضرت قوی شوکت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه و اولیای دولت علیه امر و مقرر شده است لقب امیر محتشم که از مواهب مخصوصهٔ دولت است به ماشاءالله خان داده شود. ولی صدور دستخط و فرمان مبارک موقوف به این است که ماشاءالله خان به طوری که داوطلب بوده و همیشه درخواست اجازه کرده است با قوهٔ شخصی خود رجبعلی را دستگیر و به قوای ژاندارمری دولتی تسلیم نماید و جناب عالی باید مشار الیه را کاملاً به مراحم دولت و مساعدتهای مخصوص این جانب امیدوار نموده و از هر حیث به او امیدواری و مخصوصاً دولت به جناب عالی اختیار می دهد پس از آن که ماشاء الله خان این خدمت را انجام داد،اعطای لقب مزبور را رسماً اعلان نموده مشارالیه را به همین لقب می خوانید وفوراً تلگراف بکنید تا فرمان مبارک [صادر گردد] چنانچه ماشاءالله خان این خدمت را انجام ندهد فقط به حرف بگذراند بروز این مرحمت فعلاً مورد تأمل خواهد بود.

[شماره میکروفیلم ۲۹۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۴

۱۷ شهر ربیع الثانیه ۳۷ و ۹ دلو ۹۷(۱۲)

مقام منیع بندگان حضرت اشرف رئیس الوزرا دامت شوکته

خاطر مبارک مسبوق است که این بنده در ابتدای دولت مشروطه از طرف دولت به حکومت نطنز مأمور شد و از مرکز حرکت کرده به حسب تقدیر چون نطنز وطن بنده بود پس از انفصال از مأموریت هم اقامت خود را نطنز قرار داد. خواطر (خاطر) اولیای امور مخصوص حضرت اشرف آقای قوام السلطنه مدظله العالی از خدمات چاکر به دولت مشروطه مسبوق و این که دو دفعه خانه و علاقه ام غارت شده کاملاً

می دانند به امید این که یک وقتی عمرباشد از طرف اولیای امور به رجوع خدمت و بذل مرحمتی جبران خسارت می شود امیدوار، تا این که بدبختانه رجبعلی دزد یاغی غفلتاً وارد نطنز، فوری سوار فرستاد چاکر را مغلولاً به منزل او برده پس از چهار شبانه روز حبس، هفتصد تومان نقد از چاکر گرفت و قریب هزارتومان متجاوز خرابی به خانه و زندگانی چاکر وارد شد. دیگر برای چاکر قوهٔ توقف در خانه نماند. لابد جلای وطن کرده به قریه باد آمده، لازم شد شرح حال خود را بعرض آستانه مبارک رسانیده استدعای عاجزانه نماید که با آن عوالم چاکری که در آستان مبارک داشته، بذل مرحمتی درباره ام از طرف بندگان حضرت اشرف دامت شوکته بشود که بقیه عمر بتواند مرفه الحال به دعای وجود مقدس مشغول و آسوده باشد. منتظر بذل مرحمت و عنایت و زیارت جواب می باشد.

[حاشیه ۱:] توسط پست از نطنز رسیده

[حاشیه ۲:] اداره جنوب ۲۷ ربیع الثانی

[شماره میکروفیلم ۱۷۲-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۵

دولت علیه ایران، وزارت داخله، تهران به کاشان ۱۲۹۷/۹دلو به تاریخ ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷، نمره کتاب ثبت ۵۴۱۷، صادره تلگراف، شعبه تحریرات جنوب، ارسال در ساعت ۹ دول ۹۷(۱۲)

آقای ماشاءالله خان

البته تفصیل محاصرهٔ رجبعلی را در قریهٔ ورزنه شنیده‌اید. قوای دولتی پنجاه شصت نفر از اتباع او را مقتول نموده هفتاد نفر را اسیر گرفته‌اند. خود رجبعلی مطابق خبر،با بیست الی سی نفر سوار، به طرف کاشان فرار کرده با این حالت گرفتار کردن رجبعلی هیچ نوع اهمیتی نخواهد داشت، نظر به این که شما همیشه داوطلب انجام این خدمت بوده اید،حال بهترین موقع است که بر طبق اظهارات خودتان نیز اثبات صمیمیت نموده مشارالیه را به هر نحوی دستگیر نمایید. اگر چنانچه غفلت بکنید،

قوایی که در تعاقب او هستند،در هر نقطه باشد،رجبعلی را دستگیر خواهند کرد وآن وقت یک چنین موقعی راکه برای تکمیل خدمت که برای شما مناسب است به رایگان از دست داده پشیمان خواهید شد. موقع اظهار خدمت و بروز لیاقت است. سعی کنید این قضیه به دست شما خاتمه حاصل نماید. وثوق الدوله

[شماره میکروفیلم ۲۰۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۶

وزارت داخله،تهران،تاریخ ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۷ صادره رقعه، نمره کتاب ثبت ۵۴۳۴-۱۷۸۳۱، شعبه تحریرات جنوب، ارسال در ساعت ۱۲ دلو ۹۷

وزارت جلیله مالیه

مراسله نمره ۳۵۳۱۴ راجع به شکایت اهالی نطنز از رجبعلی و تقاضای آنها در تعویض حکومت منصور لشکر زیب وصول داد. راجع به رجبعلی چنان که خاطر اولیای آن وزارت جلیله البته مستحضر است قوای دولتی در تعاقب او هستند و در یکی از جنگ ها عده زیادی از اتباع رجبعلی مقتول وگرفتار شده اند. خود مشارالیه با سی چهل نفر سوار فرار کرده است و قوای دولت درتعاقب او هستند. تفویض حکومت نطنز به منصور لشکر هم مقتضی نیست. زیرا مشارالیه برادر ماشاءالله خان است و این تلگراف را هم معلوم می شود کسان خود او مخابره کرده‌اند.

[شماره میکروفیلم ۱۸۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۷

دولت علیه ایران، وزارت داخله، تهران ـکاشان به تاریخ ۱۲۹۷/۱۲دلو ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۷، ارسال در ساعت، ۱۲ دلو ۹۷ صادره تلگراف

آقای دبیرالممالک تلگراف نمره ۱۴۵۲ ملاحظه شد. در جنگ ورزنه سوارهای رجبعلی عده (ای) مقتول و جمعی دستگیر شده اند. خود رجبعلی با سی چهل سوار فراراً به طرف کاشان رفته. قوای دولتی در هر نقطه باشند تعاقب او را دوام

خواهند داد. به ماشاءالله خان هم تلگراف شد. حالا دیگر رجبعلی اهمیتی ندارد که استعداد زیاد و توپخانه لازم داشته باشد. می تواند به سهولت او را دستگیر نماید.
وثوق الدوله
[شماره میکروفیلم ۲۰۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۸

وزارت داخله، ادارهٔ مرکزی تشکیلات ژاندارمری دولتی، سواد تلگراف یاور محمود خان از قم به تهران، مورخه ۱۲ دلو ۱۲۹۷

آقای لیوتنان کلنل فضل الله خان رئیس ژریمان نمرهٔ۴

سلطان علی اصغر خان راپورت می دهد پس از محاصره ورزنه جنگ شروع وساعت ۹آبادی متصرف شد. رجبعلی با هفتاد سوار به قصد فرار حرکت ولی به واسطه محاصره فقط با چهل نفر موفق به فرار، بقیه کشته شدند، خود رجبعلی هم تیر خورده است. کشته اشرار در داخل آبادی چهل و سه نفر، مقداری هم شبانه فرار کرده اند. دو نفر کاشی را سردار صولت در رباط ترک گرفته، یک نفر نراقی در دلیجان دستگیر شده، عدهٔ اسراء ورزنه پنجاه وشش نفر، شهید از اردوی ژاندارم از گروهان دوم دو نفر، از اسکادران یک نفر، از گروهان ولایت ثلاث دو نفر، از شاهسون سه نفر زخمی، از قرار تحقیقات صحیح، شب قبل سی نفر سوارهٔ رجبعلی وارد کاشان شده است. برادر محمد سروی [سوری] جزء بوده رجبعلی معلوم نیست. سلطان علی اصغر خان برای روز نهم دلوبرای تعقیب رجبعلی به طرف کمره حرکت می‌کند. در این جنگ فقط شاهسون ها با چریک محلی کمک به اردو کرده اند. سلطان علی اصغر خان هفت نفر از اسرا را، بعد از محاکمه حضور حکومت و اجزاء ادارات محکوم به اعدام کردند. اینها از رؤسا بودند و یک نفر برادر زاده رجبعلی می‌باشد. هنوز حکم بنده نرسیده بود که این اقدام شده. سلطان علی اصغر خان تقاضای درجاتی که برای ژاندارم ها نموده است می نماید. چه دستور می فرمایند. نمره ۵۸۶

محمود

سواد مطابق اصل است

[شماره میکروفیلم ۱۷۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۱۹

وزارت جنگ،سواد تلگراف واصله از کاشان،مورخ ۱۴ جوزا، نمره ۵۵
مقام منیع وزارت جلیله جنگ
تلگراف مبارک زیارت. از این بذل توجه تشکر می کنم. راپورت، دیشب دو خانه در پشت مشهد آتش زدند. اهالی در نهایت تزلزل، ابداً امنیت نیست. اتصالاً مشغول غارت و چپاول خانه ها هستند. اسدالله خان عرب صاحب منصب امنیه و چند نفر از تابین او را گرفته محبوس نموده. منتظر رسیدن استعداد است. تاکید فرمایند.

حکومت کاشان و حس؟

سواد مطابق اصل است [شماره میکروفیلم ۱۶۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۲۰

[همکاری حاکم کاشان با مردم علیه ماشاءالله خان و اتباعش]
راپورت محرمانه
سابقاً به طوری که مشاهده شد، هواخواهان ماشاءالله به مجلل الدوله[1] حاکم را به اشتباه انداخته بودند. که ماشاءالله طرفدار اهالی فقیر و طرفدار نظم است. حکومت هم گول خورده و چندی با آنها اظهار مساعدت نمود. بعد از آن که از کنه کارشان مطلع [شدیم] و مطلب را به حکومت حالی نمودیم و به سوء اعمالشان مسبوق شد که به این لباس تزویر اهالی را غارت و هستی هر کسی را می برند، از این ساعت سعی نموده و جداً از روی حقیقت در جلوگیری از این اوضاع ناگوار برآمده. حالیه نهایت سعی و کوشش را دارد که جلوگیری از آن هرج ومرج و غارت گری و بی ناموسی بکند و فی الحقیقه کاشان را از زیر پنجه ظالمانه و اقتدار این عده مردمان آدم خوار خلاص نماید. لذا نهایت اطمینان را به حکومت داریم و با اهالی از روی واقع همدردی می کند و البته به عرض رسیده است.

[شماره میکروفیلم ۱-۱۶۹-۳۲-۲۹۳]

---

۱. مجلل الدوله دولتشاهی حاکم کرمانشاه بود.

۳۲۱

راپورت

دو روز است ماشاءالله خان از آقایان مفت خوار دعوت نهار (ناهار) می‌کند و تلگرافی مبنی بر رضایت از ماشاءالله و شکایت از چراغعلی خان مهر می کنند و زمزمه می کند و به احرار صریحاً می گوید که ان شاءالله در قلعه کهرشاهی باید خدمت کنید. به واسطه آمدن چراغعلی خان به تهران، ماشاءالله خیلی ترس کرده است. سرکرده ها از قبیل خلیل طورزنی و کیامرث و بهادر نظام و مهدی خوانساری وآقا حسین گلپایگانی و حاجی اسفندیار و رشید السلطان سوری[1] جداً با هم هم شور و هم قسم شده اند و به ماشاءالله پیغام داده اند که باید به هر وسیله است رفع اتهام خودت را پیش دولت بنمایی والا ما دیگر نوکری نمی کنیم. مگر فراموش کرده ایم زمانی که در بیابانک چند روز گرسنه [ماندیم] و علف می‌خوردیم. از این قبیل حرفها زده شد و به همین ملاحظه، آقا محمد برادر زنش را با آقا علی حاجی ابوالقاسم تبریزی معلوم الحال با ده هزار تومان پول به تهران آمدند (فرستاد) که به مساعدت وزیر دربار موثق الدوله[2] مشغول کار شده و دولت را همراه نمایند. حاجی میرزا آقای تاجر را مدتی است با چند نفر دیگر از تجار می خواهد به تهران بفرستد. چون اینها فوق‌العاده اموال غارتی رجبعلی و خودش را خریده‌اند حاظر(حاضر) نشدند. حاجی میرزا آقا آمد به قم و از آنجا به ماشاءالله تلگراف کرد که با تلفون (تلفن) با آقای اقتدار الدوله خیلی صحبت کردیم. اطمینان همراهی

---

۱. محمد رشید السلطان سوری از متمردان و راهزنان مشهور گلپایگان که برای براندازی نایبیان و کشتن سران آنها با دولت همکاری کرد، اما با فاش کردن اسرار مذکور نزد نایبیان سخت مورد اعتماد نایب حسین قرار گرفت. در حالی که همچنان به امید دستیابی به خزانهٔ سیّار نایب حسین با دولت در ارتباط بود. لیکن به واسطهٔ همین رویهٔ دوگانه خود در خطر افتاد. رشید السلطان در جریان همین جنگ و گریزها توانست با همدستی دو تن از یاران خود نایب حسین را زخمی کند و بر خزانه سیار او نیز دست یابد و چون نایب حسین به اسارت نیروهای ژاندارمری در آمد ماجرای ربودن خزانه خود را به فرماندهٔ عملیات مذکور اطلاع داد که در نتیجه حکم جلب رشید السلطان در تمام حاشیه کویر صادر شد. درحالی که وی نتیجهٔ خیانت خود را خیلی سریع تر از اقدامات دولت دید و توسط همان دو نفر همراه خود که در اندیشه تصرف خزانه بودند به هنگام خواب به قتل رسید.

۲. شاهزاده مغرور میرزا موثق‌الدوله پسر تیمور میرزا پسر حسینعلی میرزا پسر فتحعلی شاه

دادند. آن عبائی که از حاجی میرزا آقا خواسته بودید به واسطه همین تلگراف که از قم نمود پولش راگرفت [؟]. وقتی چراغعلی خان وارد قم شد، چهار نفر [را] مأمور کرد که بیایند او را بکشند و اگر ممکن نشد در قم بمانند [یا] حضرت عبدالعظیم و تهران هر وقت ممکن شد او را بکشند و اگر خود شهر تهران نتوانستند، شب های زیارتی حضرت عبدالعظیم مقصود مشئوم او را اتمام دهند. فقط ترس ماشاءالله از چراغعلی خان است. شب و روز در صدد است که به یک وسیله ای او را بکشد.

[شماره میکروفیلم ۲ و ۱ - ۹۶ - ۳۳ - ۲۹۳]

۳۲۲

[نامه ماشاءالله خان به حکمران کاشان به تاریخ ۱۳۳۷ ق]

خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب اجل اکرم عالی آقای حکمران کاشان و مضافات دام اقباله العالی ---

مرقومه مبارک تحت نمره ۵۳۹ عز وصول بخشید و از مطالب مندرجه استحضار حاصل،راجع به اعلانی که شده و مرقوم داشته بودید در صورتی که حکومت کاملاً از وضعیات کنونی شهر مستحضر است،به هیچ وجه درکاشان مذاکرات بلشویکی نیست واگر هم اشخاص مفسد و معلوم الحال ذهن این جانب را مشوب نموده خوب بود به اطلاع حضرت عالی این اعلان شود لازم گردید، خواطر (خاطر) شریف را مستحضر دارد؛ چون بعضی ها گفتند در بعضی مجالس گفتگو می شود، بلشویکی ها در بعضی نقاط پیشرفت نموده اند و ملاحظه شد [که] این گونه مذاکرات را شاید سوء استفاده نموده تولید زحمتی برای حکومت فراهم نمایند. مخصوصاً برای این که عموماً مطلع شوند، فیمابین این جانب و حکومت مقام اتحاد است، برای جلوگیری مفسدین این اعلان گردید که اگر هم کسی اظهاراتی نموده باشد به‌کلی متروک و ابداً کلمه [ای] که مخّل نظم باشد ننمایند.

ماشاءالله

[شماره میکروفیلم ۲-۱۷-۱۷-۲۹۳]

۳۲۳

دولت علیه ایران،وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۱۹۶۴-۷۰۳۰ شعبه تحریرات جنوب، ضمیمه سواد راپورت نمره ۵۴۶،ارسال در ساعت ۵ اسد ۹۸ [۱۲]،به تاریخ ۲۹ شوال ۱۳۳۷ [ق] صادره رقمه (رقیمه)

وزارت جلیله امور خارجه ---

سواد راپورت حکومت کاشان که قسمت عمدهٔ آن راجع به سوء عملیات صادق خان آگنت قونسولگری انگلیس است لفاً برای اطلاع آن وزارت جلیله ارسال می شود که اقدامات مقتضیه را مقرر فرمایند. وثوق‌الدوله

[شماره میکروفیلم ۳-۱۷-۱۷-۲۹۳]

۳۲۴

وزارت داخله، حکومت کاشان و نطنز - نمره ۵۴۶ - تاریخ سلخ شهر رمضان ۱۳۳۷ - ضمیمه:یک طغرا اصل و دو طغرا سواد

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در طی عریضه تلگرافی عادی نمره ۵۴۱ شرح اعلان نامربوط ماشاءالله خان را به عرض رسانید. به این که کتباً به مشارالیه در این باب نوشته و توضیح خواستم، نیز معروض افتاد. اینک جوابی که داده برای استحضار خاطر مبارک عیناً تقدیم می شود. قبلاً لازم است خاطر مبارک را مستحضر دارد که چنانچه مذاکره بلشویزم در کاشان بود، بدیهی است اولین وظیفه فدوی جلوگیری و عرض راپورت آن به آن مقام منیع بود. ولی اهالی کاشان بلکه ایران از درک مفهوم این کلمه عاجز [هستند] تا چه رسد به این که ساکنین بدبخت کاشان که همیشه مقهور ارادهٔ ماشاءالله خان و اتباع او بوده و در تمام این صفحه غیر از منسوبین او احدی اسب و اسلحه ندارد که در مقام اجرای یک چنین منظور مهمی برآمده و ماشاءالله خان بخواهد باقوهٔ خود از این خیال جلوگیری نماید. آنچه از تحقیقات و تفتیشات در اطراف این مسئله به دست آمده همان است که تلگرافاً به عرض رسید. ماشاءالله خان از اقدامات

دولتی در قلع و قمع اشرار اصفهان فوق العاده مرعوب شده بود. خاصه که از طرف سفارت دولت فخمیه آن تلگراف به او رسیده و حس کرد که در مقابل اوامر دولت تمکین کند چاره ندارد. در نتیجه جلساتی که با صادق خان اگنت دولت فخمیه و دو سه نفر از خواص خود نموده این طور نتیجه گرفتند که باید به هر وسیله ایست تولید هرج و مرجی در کاشان کرد که دولت اصرار بـه حـرکت او نکـرده و چـند روزی به طفره و تسامح برگذار کند. به علاوه ماشاءالله خان معدودی از اشخاص حساس را در کاشان مخالف خود می داند و عقیدهٔ او این است که این اشخاص با معاونت رفقای خود مقیم تهران همیشه از سوء اعمال او به مقامات دولتی متظلم بـوده و چنانچه آنها را متفرق یا معدوم کند، سایر اهالی کاشان ساکت مانده و دولت هم از تعقیب او صرف نظر خواهد کرد. بالاخره، با صوابدید صادق خان، آن اعلان بی ربط را اشاعه داده و ضمناً خـود صـادق خـان و مـاشاءالـله خـان بـطور شـفاهی اشخاصی را که ذیلاً اسم برده می شوند، غالب آنها را حضرت مستطاب اجل آقای کفیل به خوبی می شناسند، بلشویک معرفی نموده و در غیاب، تهدید [در این باب] جناب آقای آقا سید محمد تقی پشت مشهدی،جناب آقای آقا حسن نراقی برادر آقای مدیر شهاب ثاقب، جناب آقا صادق نراقی اخوی زاده میرزا ابوالقاسم مجتهد ، جناب آقای آقا علیرضای فخر نراقی به تبعید و مجازات کرده است و پاره [ای] اشخاص دیگر که از اسامی آنها صرف نظر شد. خلاصه صادق خان نمایندهٔ دولت فخیمه که اخیراً از طرف شاهزاده وزیر مالیه رئیس تفتیش اداره تحدید تریاک کاشان با ماهی نود تومان حقوق شده به او قول می دهد که به محض انتشار این اعلان، مشارالیه هم به نوبهٔ خود مراتب را به ژنرال قـونسولگری اصـفهان راپـورت داده و ذهن مأمورین محترم دولت بریطانیا (بریتانیا) را مشوب و اجازهٔ تبعید و مجازات آنها را به دست ماشاءالله خان صادر خواهد کرد. چیزی که موجب تعجب فدوی است این است که به چه علت در این موقع صادق خان مأمور سیاسی دولت فخیمه شده و در عوض جلب قلوب عامه در زیر بیرق دولت بریطانیا این گونه کنکاش ها را منعقد و اشخاصی مثل ماشاءالله خان را ضد هرج و مرج می خواهد قلمداد کند. این است که معتقدم اولیای سفارت دولت فخیمه از وضعیات سوء مأمور خود بی

اطلاع و لذا به موقع می دانم که هر چه زودتر از طرف خود آن سفارت محترمه مفتش امین مخصوص به‌کاشان بیاید تا علناً با حضور مأمورین دولت و اهالی به مراتب رسیدگی نماید. در خاتمه با کمال اعتماد و صدق عرایض این گونه تفوهات و انتشارات را عاری از هر نوع حقیقت دانسته و مسئولیت وقوع این فکر شوم یعنی بلشویزم را برای همیشه در این شهر به عهده می گیرم و عرض می کنم که اشخاص سابق الذکر که طرف این تهمت واقع شده اند، از نمرهٔ اول محترمین و صلحای شهر و آرزومند اعادهٔ اقتدارات دولت بوده و فقط این اشخاص تکیه گاه مأمورین دولت و بر ضد غارت و چپاول اشرار هستند.

در خاتمه برای تکمیل اطلاع خاطر مبارک معروض می دارد که آقایان مفصله معروضه هرکدام از بیست الی سی هزار تومان علاقه جات ملکی در این شهر دارند و به همین یک دلیل به‌کلّی از این تهمت عاری و بری بوده و بلکه تصوّر این نسبت به اینها ذنب لا یغفری خواهد بود. امیدوار است عطف توجه مخصوص به جلوگیری از سوء رویه و رفتار آقای صادق خان نمایندهٔ محترم فرموده که اگر اندکی به تأخیر افتد، آتیهٔ سوئی برای مردم تهیه و حکومت و دولت را دچار زحمت خواهد نمود.

ابراهیم نوری[1]

[حاشیه ۱:] سواد راپورت امور خارجه

[حاشیه ۲:] اداره جنوب به عرض رسید ۹۸/۵/۳ [۱۲]

[شماره میکروفیلم ۶-۱۷-۱۷-۲۹۳]

۳۲۵

حکومت کاشان ونطنز، سواد مراسله حکومت جلیله - مورخه ۲۷ رمضان ۴ سرطان ۱۲۹۸، نمره ۵۳۹

آقای ماشاءالله خان رئیس امنیه زید اقباله

از قرار معلوم اعلانی به امضای جناب عالی، در بعدازظهر امروز، به توسط

۱. حاکم کاشان ونطنز در سال ۱۳۳۷ هـق.

مأمورين امنيه در بازار به قرار مضمون ذيل الصاق و منتشر شده است که به موجب راپورت های واصله بعضی اشخاص مفسد آشوب طلب شبها و روزها، حوزه ها در منازل خودشان تشکیل داده و عنوان بلشویکی و غیره می نمایند و در ضمن اهالی را تهدید نموده اند.

چون حکومت کاملاً از وضعیات کنونی شهر مستحضر است و به هیچ وجه در کاشان از این مذاکرات نبوده و نیست، اگر هم اشخاص مفسد معلوم الحال ذهن جناب عالی را مشوب نموده اند باید جناب عالی به حکومت وقت قبلاً مطلب را اطلاع دهید نه این که مستقیماً بدون اطلاع حکومت این مطلب غیرواقع را اعلان نمایید. برای استحضار حکومت و این که راپورت واقعه را از روی حقانیت باید بدهد، لازم است جواباً توضیح دهید که در دادن راپورت به مقام وزارت جلیلهٔ متبوعه مبادرت نماید و اگر خود جناب عالی در این باب چیزی به دست آورده[اید]، خوب بود حکومت را مسبوق نموده که اگر حقیقت می داشت وظیفه حکومت است که اقدام به جلوگیری نماید نه جناب عالی، در صورتی که به کلی این مسئله بی اصل است و منتظر جواب فوری است.

ابراهیم نوری حکومت کاشان و نطنز
مهر کابینه حکومتی کاشان

سواد مطابق اصل است

[شماره میکروفیلم ۱-۱۷-۱۷-۲۹۳]

۳۲۶

وزارت داخله، حکومت کاشان و نطنز، سواد اعلان - مورخه ۲۷ شهر رمضان ۱۳۳۷

اعلان

به موجب راپورت‌های واصله، بعضی اشخاص مفسد آشوب طلب شبها و روزها حوزه ها در منازل دارند تشکیل داده و عنوان بالشویکی و غیره می‌نمایند.

لهذا به موجب این اعلان خاطر نشان می نماید که چنانچه از این تاریخ به بعد در هر محلی جمع شده و این قبیل مذاکرات که باعث اختلال مملکت و جریان امور دولتی است می باشد، بنمایند نظر به آسایش عموم مرتکبین دستگیر و مجازات خواهند شد که عبرت دیگران باشد.

۲۷ شهریور، صیام ۱۳۳۷
ماشاءالله

[شماره میکروفیلم ۷-۱۷-۱۷-۲۹۳]

۳۲۷

وزارت داخله، سواد حکم صادره از وزارت داخله - مورخه ۲۲ اسد - نمره ۲۱۹۰، [۱۳۳۷ق]

حکومت جلیلهٔ کاشان و نطنز

رعایای سرشک از بی اعتدالی میرزا مهدی خان کدخدا شکایت دارند. قدغن نمائید نایب الحکومه آنجا به مواد تظلمات عارضین رسیدگی و در حدود اختیاراتی که برای نایب الحکومه مقرر است به عرایض آنها رسیدگی و حق گذاری نمایند.

وزارت داخله

سواد مطابق اصل است — مهر وزارت داخله شعبه تحریرات جنوب

[شماره سند ۲۹۸۰۰۰۱۸۶-۴۱۶-۲آ۲آتا]

۳۲۸

وزارت داخله،ادارهٔ کابینه مرموزات، سواد تلگراف رمز حکومت کاشان، مورخه دهم ذی قعده ۳۷ [۱۳]، نمره ۱۷۸

مقام منیع وزارت جلیله داخله

پس از این که ماشاءالله خان، در آخر برج حمل، خلیل خان طور زنی را به اتهام همدستی با حاج کاظم خان دستگیر و دارایی او را تصرف کرد و در تمام مدت در

حبس مشارالیه بود و همچنان محبوس همراه خود به فرح آباد برده بود، در سر راه سیم، خلیل خان با چند نفر به طرف کویر فرار کرده و شرحی به خط خود نوشته است و تقاضای تأمین نموده. برای متفرق نمودن افراد ماشاءالله خان لازم است که به خلیل خان هم تامین داده شود. منتظر تعیین تکلیف است. ۹ ذی قعده نمره ۶۸۹
ابراهیم نوری
[حاشیه ۱:] در صورتی که خلیل خان اسلحه دارد ضرر ندارد به او تأمین بدهید مشروط به این که اسلحه را از او بگیرند والا تأمین دادن فایده ندارد. متعرض او نشوند. ۲۳-۵-۹۸[۱۲]
[حاشیه ۲:] اداره جنوب ۲۵ اسد ۹۸ [۱۲]
[حاشیه ۳:] ۲۶ اسد، اقدام شد

[شماره میکروفیلم ۲۳۴-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۲۹

شرکت تلفن کل ممالک محروسه، ادارهٔ تلفن خط قم و ساوج وکاشان و توابع، از قم به تهران، نمره قبض ۴۷۴ تاریخ اصل ۲۴۷- عدد کلمات مساوی ۱۰۰ دقیقه، تاریخ اصل ۱۶ جدی - تاریخ وصول یک ساعت به غروب - اسم گیرنده: تقی - سنه ۱۳۳۷ [ق]

توسط آقای معاون الممالک مقام منیع جلیله داخله مد ظله

شرح لطمات وارد و مظالم جان گداز بر ستم زدگان اهالی نراق بدبخت مکرر عرض و از دولت تقاضای دستگیری اشرار و استرداد اموال منهوبه نموده ایم. تلگرافات جوابیه مقرر است که اقدامات لازمه شده و حکم سخت در تعقیب دستگیری اشرار صادر گردیده و یا سرکوبی اشرار توسط کدام قوای دولتی است. اگر ماشاءالله خان کاشی است حالش معلوم. سربسته عرض می نماید الجنس مع الجنس یمیلو(یمیل)و مقصودش سرکوبی دولت و سرد شدن ما بیچارگان است و چنانچه ژاندارمری است تازه خود را به نراق رسانیده و تعاقبی از اشرار نکرده است.

[مردم] ستم زدهٔ نراق جمعی فراری به اطراف و برخی در کوچه و بیابان ویلان، جماعتی که قوّه حرکت ندارند با حالت بی نوائی در نراق خوفناک، نباد(مبادا) این که مجدداً اشرار مراجعت نمایند. این بندگان در قم پناهنده و استدعای دادرسی می نمائیم. ای اولیای امور از مال گذشتیم، ارض (عرض) و ناموس از میان رفت. اطفال بی گناه بدون خوراک و ملبوس ویلان، به خدا اگر شکایت هائی که ما به اولیای دولت و امور کرده ایم به رجبعلی دزد شریر کرده بودیم بر ما ترحم کرده بود. شمایید پناهنده ناموس رعیت و دارندهٔ پاس ملت؛ ناموس رعیت ناموس شما است، توهین ملت توهین شما است. رعیت پروری چه شد؟ نوع پرستی کجا رفت؟ که شش ماه است ناله جان سوزانه ما بر شما مأثّر (مؤثر) نشده است. از استماع این [مصیبت] مذاهب مسلم دول اجانب در سوز و خروشند، نمی دانیم خواب شما را ربوده که ناله وآقوشای (واغوثای) ما را اعتناء نمی‌نمایید. به خدا ما مسلمانیم. رعیت دولت ایرانیم، و از هستی ساقط شده ایم. در دامن معشر(محشر) دامن گیر شما خواهیم بود. استرحاماً تقاضا می نمائیم که یا رفع اشرار از ما فرمائید یا اجازه فرمائید ما بی چاره گان (بیچارگان) مجبوراً به رجبعلی پناهنده شدیم، به حال ما مظلومان ترحم نماید و در آتیه مسئول و مقصر دولت نشویم. الامان الامان الامان رعایای غارت زده ویلان نراق.

[حاشیه:] اداره جنوب

[شماره میکروفیلم ۱۹۰-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۳۰

مقام منیع حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزرا دامت شوکته

صبر و تحمل تا چند، تظلم و دادخواهی تاکی، غرّهٔ ماه رمضان، یک صد و پنجاه سوار از طرف ماشاءالله دزد یاغی وارد به اردهال، به اسم آن که آقا حسن آدم من فرارکرده است فرارکردن آقا حسن، بر فرض صدق، چه مربوط به یک صد و پنجاه سوار، آمدن به اردهال و گرفتار نمودن، جمعی سادات و محترمین و اذیت نمودن

بعضی به نحوی که مشرف به موت هستند و غارت نمودن خانه ها و به چپاول بردن چهارصد گوسفند از صغار مرحوم میرزا نصرالله و غیره و چرانیدن محصول سبز که یک سال با این کمْ آبی رعیت در بدر با خون جگر آن را عمل آورده تمام از بین برده و رعیت به اطراف متفرق گشته،معلوم است مقصود این شخصی که خود را مطیع دولت قلمداد نموده است با این عملیات، سوای تفرقهٔ رعیت و خرابی آبادی ها چیزی نیست. سه ماه است جمعی در تهران متظلم که امنیت نداریم. قلیل محصولی هم که هست متمردین از بین می برند. به عرایض دعاگویان اهمیتی داده نشد. الیوم مجدداً استرحام می نماییم، عرض می نماییم گوسفندهای اردهال را بردند، محصول سبز آنچه بود چرانیدند، آبادی دیگر سکنه ندارد. سادات محترم با یک مشت عیال واطفال گرفتار اشرار، سوای حضرت اشرف دیگر مرجع تظلمی نداریم. شما را به آنچه‌در عالم مقدس می دانید به فریاد یک مشت سادات بیچارهٔ در بدر برسید. شاهد بر صدق عرایض، در این واقعهٔ جانگداز اردهال، میرزا فتحعلی[1] خان مفتش خسارات از طرف وزارت مالیه به اتفاق تحصیلدار امین مالیهٔ قم در اردهال بودند. تحقیق فرمایید چنانچه عرایض دعاگویان مقرون به صدق است و وقت آن رسیده است که یک مشت بیچاره مورد توجه و ترحم گشته از شرّ جمعی جانوران آدمخوار آسوده شوند، بذل مرحمتی در حق دعاگویان و شصت هزار نفوس آن سامان فرموده چنانچه وجدان مقدس و جمعیت معدلت آیت حضرت اشرف اجازت دهد دیگر به بدبختی‌های جمعی بیچاره خاتمه دهید و دعاگویان را از شر جنگهای کاشان محفوظ فرمایید. مستدعی آن که عجالتاً حکم اکیدی در استخلاص جمعی سادات که گرفتار نموده و ردگوسفندهای صغار میرزا نصرالله متولی و رد اشیاء منهوبه از چند خانه که به غارت رفته است و خواستن سوارهای خود را از اردهال بفرمایید. تا بعد امنیت و آنچه را عدل و انصاف اجازت می دهد رفتار فرمایید. مستدعی است جواب را در سرای مهدیه مرحمت فرمایید.

سادات اردهال

---

۱. مفتش وزارت مالیه مأمور در اردهال به سال ۱۳۳۸ هق.

[حاشیه ۱:] توسط پست از اردهال ارسال شده
اداره جنوب ۴-۴-۹۸
[حاشیه ۲:] در این باب اقدامات شده، ضبط شود.

[شماره میکروفیلم ۱۸۱-۳-۱۱-۲۹۳]

۳۳۱

وزارت داخله [از] تهران [به]کاشان، تاریخ ۲۹ رمضان ۱۳۳۷، نمره کتاب ثبت ۳ ۱۵۰-۵۲۰۰، ارسال در ساعت ۶ سرطان ۹۸ [۱۲]

آقای ماشاءالله خان

تلگراف نمره ۱۱۸ ملاحظه شد. اگر از اول بر حسب دستورات وزارت داخله در اعزام آقا حسن به تهران مراقبت می کردید این مشکلات پیش نمی آمد. حالا هم اظهارات شما و تظلماتی که از اهالی اردهال می رسد به‌کلی منافات دارد. وزارت داخله به وسایل دیگر حقیقت آنها را بدست خواهد آورد.

وثوق الدوله

[شماره میکروفیلم ۲۲۵-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۳۲

دولت علیه ایران،وزارت داخله،تهران،تاریخ ۲ شوال ۱۳۳۷ [ق]،صادره رقعه، نمره کتاب ثبت ۱۵۵۴، کارتن ۱، دوسیه ۴، شعبه تحریرات جنوب، ارسال در ساعت ۹ سرطان ۹۸[۱۲]

حکومت جلیله کاشان و نطنز

آقای اشرف السادات که از بی اعتدالی آقا حسن اردهالی در باب قطع اشجار به تهران آمده بود، اینک معاودت می نماید. بطوری که از سابقه این کار و اقداماتی که شده است اطلاع دارید معززالدوله ضامن آقا حسن باید از عهدهٔ غرامت اشجار مقطوعه برآید و عیناً از او بگیرد. عین این مراسله را هم به آقای ماشاءالله خان ارائه

بدهید که احقاق حق مشارالیه بیش از این تأخیر نشود ونظر به این که آسایش مشارالیه کاملاً مورد توجه و منظور نظر دولت است، به صدور این حکم باید در کلیه کارهای او حقاً تقویت و مساعدت نموده موجبات آسودگی و استرضای او را فراهم نمایید.

[حاشیه:] به اشرف السادات داده شود

به این جانب اشرف السادات رسید.

[شماره میکروفیلم ۳۰-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۳۳

مقام رفیع ریاست وزرا دامت شوکته

عرض داشت دعاگو آقاحسن مشهد اردهالی قم

مدتی است متمادی که درفشار و صدمات ماشاءالله خان پسر نایب حسین کاشی بوده و هستم و سه دفعه حکم غارت و چپاول خانه و اموال دعاگو را داد و هر چه داشتیم برده‌اند و در این دفعهٔ اخیر که تقریباً یک ماه است عده‌ای سوار به سر چاکر ریختند و سه نفر از اجزاء چاکر کشته شد. خودم هم تیر خوردم و الساعه در مریضخانه قم مشغول معالجه هستم. هر چه داشتم که بردند و الآن هم نه جرئت دارم بروم سرزندگانی و نه تاب توقف قم را دارم. برای عیال و اطفالم در خاک کاشان اسیر وپریشان هستند و مرحوم متولی باشی مشهد اردهال پدر عیال چاکر،در چندی قبل اول تمام دارایی او را غارت کردند بعد هم به دستورات خود ماشاءالله خان کشته شد و الساعه هم تمام عیالات او پریشان و بی روزگار هستند و هر چه به دولت و وزارت داخله تظلم کردیم پارتی های ماشاءالله خان نگذاردند کسی گوش به عرض مابندگان بدهد. مستدعی از مقام محترم آن که حکمی بفرمایید که موجب آسایش دعاگو بشود یا بروم سرزندگانی یا در قم یا تهران داخل در شغلی بشوم که آسایش چاکر فراهم شود. مجدداً در چند روز قبل، حبیب نام شهیدی اجزای ماشاءالله خان سید علی اکبرنام و پسرش عباس راکه از بستگان چاکر بودند

گرفته و تیر باران کرد. با این وضع مأیوسم از کارکنان دولت، احقاق حق نخواهند کرد مگر حضرت ریاست جلیله عطف توجهی فرموده محض خواطر (خاطر) جّدم رسول خدا حکمی بفرمایند که احقاق حقی بعمل آید.

عبد و بنده دعاگو آقا حسن مشهدی

[حاشیه:] مهر ورود به کابینهٔ ریاست وزراء ۱۴ اسد ۱۲۹۸

ادارهٔ جنوب ۱۷ اسد ۹۸ [۱۲]

[شماره میکروفیلم ۲۲۶-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۳۴

از اصفهان

مقام منیع وزارت جلیله مالیه مدظله

علاوه از سمت خانه زادی و جان نثاری به آستان مبارک، به اقتضای مراتب حق گذاری و عدالت و داد خواهی وجود مقدس مبارک، تظلم خود را تجدید می نماید. مطابق ثبت و صورت یازده هزار و چهارصد تومان ماشاءالله خان کاشی از خانوادهٔ چاکر در محلات به غارت برده که عریضه جات تظلم چاکر و چاکرزاده میرزا نعمت الله خان درکابینه وزارت جلیله داخله ضبط است. در این موقع که بحمد الله تعالی از توجهات عادلانه هیئت وزراء عظام ادام الله تعالی ظلهم اشرار و متمردین دولت قلع و قمع و ماشاءالله خان به کیفر اعمال خود رسیده و احقاق حق مظلومین می‌شود، از مراحم ملوکانه بندگان حضرت مستطاب اقدس اعظم والا روحنا فداه استدعای احقاق حق می نماید که امر مبارک به استرداد اموال و غرامت غارت خانواده چاکر صادر گردد و چاکر جان نثار حاج محاسب دیوان محلاتی است. ۲۶-۶-۹۸ [۱۲ ش]

[حاشیه ۱:] قربان حضور مبارکت گردم

عریضه فوق را حاج محاسب دیوان به عرض رسانیده و سابقه شکایات مشارالیه در وزارت جلیله مالیه و وزارت داخله کاملاً محفوظ هست. در این موقع

که متمردین به جزای خود رسیده‌اند، انتظار دارد که مراحم والاشامل حال او گردیده خسارت وارده بر مشارالیه تا اندازه ای که ممکن است جبران گردد و دیگر موکول به امر مبارک است. احمد

[حاشیه ۲:] به عرض برسد ۲۶ سنبله، مهر ورود به کابینه وزارت مالیه ۹۸/۶/۲۶ [۱۲ ش]

[شماره سند ۲۴۰۰۱۷۳۸۵-۱۱۴ ن ۵ الف‌الف۱]

۳۳۵

وزارت داخله، ادارهٔ جنوب

سادات اردهال به مقام منیع حضرت اشرف متظلم شده بودند که سوارهای ماشاءالله خان به عنوان دستگیری آقا حسن به اردهال رفته قریب چهارصد رأس بز و گوسفند و تعدادی اساس (اثاث) البیت دو خانوار را بردند. تلگرافات عدیده به ماشاءالله خان شده بود. اخیراً بر حسب امر حضرت اشرف به ماشاءالله تلگراف شد اگر اموال و مواشی را مسترد نکند و اسکات عارضین را به عمل نیاورد به طریق دیگر اقدام خواهد شد. جوابی که رسیده است لفاً تقدیم می شود.

[حاشیه:] ۱۸-۷-۹۸ ملاحظه شد

[شماره میکروفیلم ۳۴۷-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۳۶

استشهاد و استعلام می دارد - از اهالی نطنز و بلوکات و محال آنجا از سرشک و غیره هر کس مطلع و مستحضر است که میرزا مهدی خان سرشک برادر زن ماشاءالله خان، در میان روز روشن، حمام زنانه می رفته در سرشک، چه زن در آن حمام باشد و چه نباشد، اطلاعات خودتان را درصدر ورقه و هامش مرقوم دارید که محل حاجت است و عندالله و عند الرسول ضایع و بی اجر نخواهد شد و کتمان شهادت باعث غضب خدا و رسول خدا خواهد شد. والسلام علی من اتّبع الهدی

فی ۱۶ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۸

[حاشیه بالا:] بسم الله الرحمن الرحیم. این تقریرات حضرات مرقومات است. بیشتر آنها را داعی می شناسم. حرره الأحقر فی سادس عشر من ربیع الثانی ۱۳۳۸ [مهر] عبده الراجی ابوالحسن

[حاشیه سمت راست:] این جانب قاسمعلی ابن عباس قاسم حمامی سرشک، خود من حمامی بودم و بودم در هشت مرتبه که وارد شد در حمام در میان روز روشن و زن در حمام بود. این است شهادت من. [مهر] قاسم علی

این جانب حاجی قربانعلی هستم. خودم دیدم میرزا مهدی خان برادر زن ماشاءالله خان میان روز به حمام زنانه می رفت و به‌کرات دیدم. [مهر] قربانعلی

این جانب مشهدی یوسف علی در منزل میرزا مهدی خان بودم. رفته بودم دیدن [دیدم] او لباس میان بقچه می‌گذارد. من پرسیدم کجا مگر می‌خواهید تشریف ببرید؟ ما آمده‌ایم دیدن شما، جواب داد حمام می‌خواهم بروم. گفتم که آقا، زن در حمام است. ده تیر را بیرون آورد گفت در فلان زن می‌کنم این ده تیر را. این است شهادت من. [مهر] یوسفعلی

این جانب که محمد آقا هستم خودم به‌کرّات دیدم میرزا مهدی خان برادر زن ماشاالله خان به حمام زنانه می رود میان روز [مهر] محمد

محمد علی ابن نظر گفت: من دیدم رفتن میرزا مهدی خان را در حمام زنانه. رجبعلی ابن نظر گفت، من مکرر دیدم رفتن میرزا مهدی خان را در حمام زنانه [مهر] محمدعلی

محمدابن محمد علی باقرگفت مکرر دیدم رفتن او را به حمام زنانه [مهر] محمد

محمدابن محمد حاجی باقر گفت، مکرر دیدم رفتن او را به حمام زنانه [مهر] محمد

مشهدی غلامرضا ابن رضای باقر گفت شنیده ام که حمام زنانه مکرر رفته [مهر] غلامرضا

مشهدی حسین ولد مرحوم مشهدی کاظم می گوید، شنیدم مکرر حمام زنانه

رفته [مهر] محمد حسین

مشهدی باقر گفت مکرر شنیده ام که حمام زنانه رفته [مهر] محمد باقر

مشهدی عباس گفت شنیده ام که مکرر حمام زنانه رفته [مهر] عباس

جواد ابن بخشعلی می گوید من بودم که در میان روز ده تیر را روی دست گذارده و بیرون می کرد، می رفت حمام زنانه [مهر] محمد جواد

[شماره سند ۲۹۸۰۰۰۱۸۶-۱۶۴۱۶آ۲آت ۱]

۳۳۷

موقع محترم شعبه ثلاث ابتدائی حقوق دامت برکاته

چون در ذیل دوسیه عمل موکلّین این بنده، رعایای قریه سرشک نطنز، از مهدی خان اخ الزّوجه ماشاءالله خان کاشانی، به مدعابه یک هزار وهشتصد تومان به محکمهٔ محترمه، محاکمهٔ او را خاتمه داده، قرار شد که در ظرف یک هفته مشاوره نموده قرار مقتضی را صادر فرمایند. اینک اظهارات ذیل را به محکمهٔ محترمه تقدیم می دارم.

به موجب ورقهٔ استشهاد نامه معتبر که هوّیت مستشهدین را از معروفین اهل مّحل من جمله آقای صدرالعلمآء که از معاریف محل و متصّدی ریاست صلح آن محل است، به علاوهٔ تلگرافات عدیده که نمرات او در دوسیه ضبط است، مشارالیه مبلغ فوق را از موکلّین بنده به عنوان [جریمه] به عنف دریافت داشته و چون از طرف محکمه محترمه مقرّر شده بود که سواد تلگرافات تقدیمّیه را از طرف وزارت داخله تصدیق شده،اینک دو فقره تلگراف که صریحاً تصدیق می نماید که موکلّین بنده مدّت مدید است به واسطهٔ اقدامات حق شکنانهٔ مهدی خان به موکلّین بنده چه از جنبهٔ حقوقی که راجع به این محکمه محترمه گردیده اند و جنبهٔ جزایی او به موجب دستخط وزارت جلیلهٔ داخله رجوع به پارک به بدایت گردیده، لذا از هیئت حاکمهٔ محترمه تقاضا می نمایم به موجب مادّه (۱۴۴) در فراز ماده (۱) این گونه دعاوی که مورد منشأ اختلاف و نزاع باشد این موضوعات از دعوا راجع به قوانین

شرع اسلام است، ورقه ئی راکه مدعی علیه بر برائت ذمّه خود به محکمه تقدیم داشته؛ اوّلاً آن ورقه مجهول الهوّیه ابداً آن امهار و آن اشخاص در قریه سرشک نطنز وجود ندارند- ورقه استشهاد نامهٔ مدرکیه موکلّین بنده علاوه از این که هویّت آنها معلوم و مشخص است، خصوصاً تلگرافات عدیدهٔ رسمی که تقدیم شد به‌کلی احراز تظلم و حقّانیّت موکلّین بنده را می نماید.از برای سهولت و رفع مزاحمت از محکمه محترمه، به طوری که در محاکمهٔ ورقه استنطاقی عرض شد، تقاضا می نمایم که این امر را محکمه محترمه ارجاع به شرع فرمایند تا در محضر شرع تقریباً دویست نفر از اشخاص موثق که شهادت بر اقرار مهدی خان راکه مبلغ مدّعا به در عرض حال را مهدی خان از موکلین بنده به عنوان جرم وجریمه دریافت داشته است.تقاضای قرار مقتضی را از محکمه محترمه عاجلاً خواستارم.

به تاریخ پنجشنبه ۱۹ج ۲ (جمادی الثانی) ۳۸ ناظم الاسلام

[شماره سند ۲۹۸۰۰۰۱۸۶-۲۱۶۱۴آ۲آت۱]

۳۳۸

اداره نظمیه، سواد حکم صادره از محکمه فوق العاده نظامی مورخه ۲۸ برج اسد ۱۳۳۸، بتاریخ ۲۱ شهر شوال ۱۳۳۹

مقام منیع وزارت جلیله

راجع به چند نفر اتباع نایب حسین و ماشاءالله خان که حسب الامر مقرر شده بود که در محکمهٔ فوق العاده محاکمه و حکم مقتضی صادر شود، تاکنون پنج نفر از اتباع آنها: میرزاجانی،محمد آقا و سید حسین و سید جلال و سید محمد نام در تحت استنطاق آمده بعد از چند جلسه محاکمه و استماع اظهارات دفاعیهٔ وکیل مدافع آنها رأی محکمه از قرار ذیل صادر شده است

رأی محکمه:

اگر چه بطوری که مستنطق و مدعی العموم اظهار عقیده نموده اند، میرزا جانی ولدحسن و محمد آقا پسر مشارالیه و سید حسین ولد سید محمد و سید جلال و

سید محمد پسرهای او همگی از اتباع نائب حسین و ماشاءالله خان یاغی معروف بوده وبا اسلحه و تفنگ در معاونت مشارالیهما مصدر شرارت گشته و در یاغیگری و عصیان و تمرد نسبت به دولت و قتل و غارت و راهزنی و هتک نوامیس و نهب اموال همواره با آنها مساعدت داشته و از هیچ مظلمه کوتاهی نکرده‌اند. لیکن بر طبق اظهارات وکیل مدافع درجات تقصیر آنها مختلف و چون مدعی خصوصی در بین نیست و ثبوت قتل مخصوصی نیست. یک شخص معینی با این که جمعی از تجار کاشان بعضی استشهادات ارائه داده و در دوسیه ضبط است معذلک ثابت و محرز نمی شود. محکمه نمی تواند حکم مجازات قتل را دربارهٔ آنها صادر نماید. فقط محکمه بعد از مراجعه و ملاحظهٔ دوسیه های ادارهٔ نظمیه و ژاندارمری و استشهاد شهود، بر حسب درجات تقصیر آنها تا آن اندازه که ثابت و مدلل گردید، نظر به جنبهٔ سیاست عمومی،مشارالیهم را از قرار ذیل محکوم می‌نماید، مدعیان خصوصی به ادعای خود باقی و پس از حضور می توانند به مقامات صالحه رجوع و احقاق حق بخواهند: میرزاجانی محکوم به (۱۵) پانزده سال حبس با قید و محمد آقا پسر میرزاجانی و سید حسین و سید محمد و سید جلال هر یک محکوم به ده سال حبس مجرد در اداره نظمیه می باشند.

مورخ الدوله

محل مهر محاکمات عسکریه

[شماره میکروفیلم ۲۶۱-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۳۹

وزارت داخله، نمره ۳۴۶۴

به رقیمه مجلس محترم شورای ملی

راجع به اظهارات محمد حسن[1] پسر نایب حسین کاشی که از محبس نظمیه فرار کرده و فعلاً در حضرت عبدالعظیم متحصن است. هر طور می فرمایند جواب داده

۱. پسر نایب حسین که لقب منصور لشکر داشت.

شود. ۲ میزان ۱۳۰۰

[حاشیه:] این شخص جزو محکومین است. به دوسیه او رجوع فرمایید، از آن قرار جواب بدهید. چون استخلاص این شخص سلب امنیت می کند. از متولی آستانه حضرت عبدالعظیم تسلیم او خواسته شده است. ۵ میزان

[شماره میکروفیلم ۱۲۸-۴-۱۱-۲۹۳]

۳۴۰

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت عظمته العالی

عرض حال چاکران محمد آقا، حسن خان، امیر خان[1] ورثهٔ مرحوم نایب حسین کاشانی به آستان مبارک مبنی بر آن است که در زمان کابینهٔ آقای مستوفی الممالک راجع به توقیف املاک خود تظلم نموده و استدعا نمودیم که امر فرمایید املاک چاکران را مسترد دارند. آقای مستوفی الممالک در هیئت وزرا مذاکره فرمودند، قرار بود که املاک چاکران را مسترد دارند که کابینه استعفا داد و اکنون سابقه در وزارت مالیه موجود است. لابد حضرت اشرف از وضع عسرت و زندگانی چاکران مسبوق هستید و تمام قبالجات و اسناد چاکران موجود می باشد. در این صورت استدعای عاجزانه می نماییم امر فرمایید به قبالجات چاکران رسیدگی نموده و این جزئی ملک که محل معیشت یک دسته عائله است،مسترد دارند و در صورتی که به فوریت [امکان] استرداد املاک موجود نیست، استدعا می‌کنم عجالتاً امر فرمایید وزارت مالیه مبلغی از اجارهٔ املاک خود [را به] چاکران بدهند تا از طرف اولیای امور مرحمتی راجع به املاک بشود. حضرت اشرف را قسم می‌دهم، به حق حضرت صاحب الامر عجله (عجل) الله فرجه، که زودتر مرحمتی دربارهٔ چاکران بفرمایید.

---

۱. امیر آریان پور (امیر مهدی) پسر بزرگ ماشاءالله خان و نوهٔ نایب حسین کاشی که با دختر شیخ علی سردار عشایر از سران ایلی لرستان ازدواج کرد و در ۱۳۳۵ ق، همراه برادر دیگر خود در تهران و زیر نظر مقامات دولتی به تحصیل پرداخت و به زبان فرانسه مسلّط گردید. او همراه پدر خود و دیگر نایبیان که به دعوت وثوق الدوله در تهران حاضر شده بودند به سال ۱۳۳۷ هق دستگیر شد اما نجات یافت وبعدها سرپرست نایبیان گردید. (طغیان نایبیان)

هرگاه در این هفته مرحمتی نفرمایید، ناچاراً اناثاً و زکوراً (ذکوراً) به آستان مبارک پناهنده خواهیم شد.

چاکران ورثه مرحوم نایب حسین کاشی

[حاشیه ۱:] اداره کل خالصات ۲۶ سرطان، مهر [ورود] ۲۷ سرطان ۱۳۰۲ شماره ۱۶۳۰۰

[حاشیه ۲:] خالصه، جواب تهیه کنید. اول اسد

[شماره سند ۲۴۰۰۱۵۳۳۸–۱۰۳–۳گ۳الف‌الف ۱]

۳۴۱

وزارت مالیه، نظارت کل مالیات و خالصجات وارزاق عمومی، ادارهٔ کل خالصجات مملکتی، نمرهٔ عمومی ۴۳۲۲، نمرهٔ خصوصی ۶،۱۵ اسد ۱۳۰۲(شمسی)، نوع مسوده مکتوب،به تاریخ ۳ اسد تنگوزئیل ۱۳۰۲

آقایان محمدآقا، حسین آقا،امیر خان ورثه نایب حسین

در جواب عرض حالی که به مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته عرض کرده اید، اشعار می‌شود. چون املاک نایب حسین وپسرانش بر حسب تصمیم هیئت دولت درمقابل چندین کرور خسارتی که از طرف آنان به مالیه دولت ورعایای آن سامان متوجه شده به خالصگی ابدی ضبط است، لهذا استرداد آنها غیر ممکن است. بنابراین در این موضوع هر اظهاری بنمایید، پذیرفته نخواهد شد.

رئیس اداره کل خالصجات

موسی مرآت الممالک

[شماره سند ۲۴۰۰۱۵۵۳۰–۱۰۳–۳گ۳الف‌الف۱]

۳۴۲

به شرف عرض مقدس بندگان حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین مدظله تعالی می رساند.

این کمترین یدالله خان[۱] ولد مرحوم ماشاءالله خان ولد مرحوم نایب حسین خان کاشانی، در زمان حیات مرحوم پدرم، منافعی و ربطی بر ترتیبات وضع سلوک پدرم نداشتم. استدعا از مرحمت بندگان حضرت حجت الأسلام آن که صدق عرایض کمترین را صدر مرقوم و به خاتم شریف مرقوم فرمایند امرکم العالی مطاع

[حاشیه ۱:] مسائل مزبور [مورد] ملاطفت پدر خود نبود وباو همراهی نداشت وباو و مادر اوصبیه مرحوم آقاعلی اکبر اقل قوتی می داد. هذه فی شهر ربیع الاول ۱۳۴۲ محل مهر آقای آقا سید محمد رضا.

[حاشیه ۲:] سجل خط وخاتم جناب مستطاب شریعتمدار حجت الأسلام آقای سید محمد رضا کاشانی می‌باشد. در نهایت صحت واعتبار است وبر حسب اطلاعات داعی هم، مطالب از قرار مسطور است. حقیر محمد صادق فی شوال ۱۳۴۲

[حاشیه ۳:] خط ومهر حضرت مستطاب حجت السلام آقای آقا سید محمد رضای پشت مشهدی کاشانی است. محل مهر شریعتمدار حاجی سید ابوالقاسم کاشانی.

سواد مطابق اصل است **[شماره میکروفیلم ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۳]**

۳۴۳

مقام منیع و موقع رفیع ریاست وزراء و فرمانده کل قواء[۲] دامت شوکته

عرض این کمینه عیال ماشاءالله خان کاشانی متحسن (متحصن) به آستان مبارک شده‌ام. مدت چهار سال و نیم است که دولت ماشاءالله خان را اعدام کرده است .این کمینه اهل تهران هم هستم. به سر مبارک امیر مؤمنان از شدت عسرت و تنگ دستی التجاء به خاک پای مبارک آورده که امروز حضرت اشرف رئیس الوزراء مملکت و رئیس بر ملت هستید. خداوند را قسم می دهم به حق پنج تن آل عبا که

---

۱. یکی از پسران ماشاءالله خان کاشی بود

۲. یعنی رضا خان سردار سپه

روز به روز بر عمر وعزت حضرت اشرف بیفزاید و سایهٔ بلند پایه حضرت اشرف را از سر این ملت بیچاره کم و کوتاه نگرداند.این کمینه جوان نیستم که بتوانم شوهر کنم. پدر و برادر هم ندارم که نان آور این کمینه باشد و به‌کار خود حیران مانده ام که الجا (التجا) به خاک پای مبارک آورده ام. اگر از اموال ماشاءالله خان می دهید که خوب،اگر هم از خود حضرت اشرف هم همراهی می کنند که این کمینه دعاگوی وجود ذیجود بزرگ باشم.امر امر مبارک است.

کمینه عیال ماشاءالله خان خاورخانم[1]

دروازهٔ خانی آباد -کوچهٔ قهوه چی باشی - نمرهٔ ۳۸

[حاشیه ۱:] ادارهٔ کل عایدات ۲۴-۱۱ خالصجات کل صبح ۲۵ دلوآقای رفیعی ۱۱/۲۵

نمره ۲۸۹۹ ۲۴ دلو ۱۳۰۲ اداره کل خالصجات مملکتی

[حاشیه ۲:] ورود به‌کابینه ریاست وزراء به تاریخ ۲۳ دلو (۱۳۰۲ ش) نمرهٔ ۱۶۳۸۹ **[شماره سند ۲۴۰۰۱۵۳۳۸-۱۰۳ گ۳الف‌الف۱]**

۳۴۴

وزارت مالیه،نمرهٔ خصوصی ۲۸۹۹،تاریخ خروج ۱برج حوت تنگوزئیل ۱۳۰۲ (شمسی) ط.اسکندری

ادارهٔ جلیله نظمیه

در جزو صورتی که باز ماندگان نایب حسین وماشاءالله خان را معین و ارسال داشته‌اید، دو نفر زوجات ماشاءالله خان به اسم مهری خانم[2] و ربابه خانم[3] منظور است. این اوقات خاور خانم نامی به مقام منیع ریاست وزراء عظام متظلم و خود را به [عنوان] عیال ماشاءالله خان معرفی وتقاضای شهریه نموده است. بنابراین سواد عرض حال مشارالیها لفأ ارسال می شود که قدغن فرمایید تحقیقات لازمه نموده،

۱. یکی از زنان ماشاءالله خان کاشی از اهالی تهران بود.

۲. از زنان ماشاءالله خان کاشی.

۳. او نیز یکی دیگر از زنان ماشاءالله خان کاشی بود.

اسم و سن، وضعیت کنونی و طریقهٔ معاش و زندگانی او را با توضیح این که آیا اولادی از ماشاءالله خان دارد یا خیر اطلاع دهید.

علی اکبر
رئیس کل عایدات داخلی خالصجات مملکتی
j.A.n

[حاشیه:] ترجمه و به امضای آقای رئیس کل مالیه[1] برسد.

[شماره سند ۲۴۰۰۱۵۳۳۸-۱۰۳-۳گ۳الف‌الف۱]

۳۴۵

عرضه داشت اقل دعاگویان رعایای جندق و بیابانک

به آستان مبارک حضرت مستطاب اجل امجد اکرم آقای وزارت جلیله مالیه اروحناه فداه آن است که البته اطلاع دارند حضرات نایب حسین کاشی و انتظام‌الملک در عرض سه سال توقف و آمد و رفت [به] جندق و بیابانک با دعاگویان چه معاملاتی کرده مال و ناموس و جانی برای دعاگویان نگذاشتند و مالیات سه سال را هم از دعاگویان گرفتند و بعد از آن که انتظام الملک کشته شد و نایب حسین به کاشان رفت، اسیر ظلم و جور قدرت الله خان و پسرش که اهل محل هستند شدیم. به انواع و اقسام مال دعاگویان را چاپیده املاک و علاقه جات ما را به جبر و زور قباله گرفته، متصرف هستند و به نیابت جندق و بیابانک از طرف شاهزاده امیر اعظم[2] برقرار شده به اسامی و عناوین مختلف ماها را تمام و خراب کردند. بطوری که آرزوی انتظام الملک و نایب حسین می‌کنیم. هر قدر به شاهزاده امیر اعظم تظلم کردیم فایده نداد و بر تعدیات آنها افزود. به قسمی که هر یک از دعاگویان عرض و تظلمی کرده بودیم،درصدد قتل ما برآمدند و دوسه هزار نفر را هم به همین اسم با موزر کشتند. به همهٔ این دردهای بی درمان ساخته و در آن

---

۱. منظور آرتور میلسپو مستشار آمریکایی مالیه (دارایی) است.

۲. نصرة الله میرزا سیف الملک امیر اعظم پسر وجیه الله میرزا سپهسالار

ولایت به رعیتی و گیاه بیابان قناعت نموده ایم. مالیات سه ساله که انتظام الملک و نایب حسین از دعاگویان گرفته بودند،به حکم امیر اعظم، قدرت الله خان دو مقابل به جبر و زور از دعاگویان گرفت و خانه و ملک خود را در عوض قباله کرده به او داده ایم. این دو ساله را هم هر سال دو مقابل مالیات از دعاگویان گرفته‌اند. حالا ادارهٔ مالیه سمنان مالیات پنج ساله از دعاگویان مطالبه دارد. استدعا داریم تحقیق فرمایند اگر دعاگویان مالیات خودمان را به انتظام الملک و نایب حسین یک دفعه و به قدرت الله خان دو مقابل، ثانیاً پرداخته‌ایم و قبض از قدرت الله خان در دست نداریم از دعاگویان بگیرند و تنبیه و سیاست هم بشویم که دیگر مالیات دولت را نگاه نداریم. حضرت اجل را به آفتاب محشر قسم می‌دهیم به داد دل دعاگویان برسید و جان دعاگویان را یک مرتبه بگیرید که آسوده شویم.

[ذیل نامه بیش از هجده مهر از اشخاص مختلف]

[حاشیه:] ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۸ میزان ۱۳۴۳ شماره ۲۲۸۰۸

[شماره میکروفیلم ۴۱-۲۶-۶۵-۲۴۰]

۳۴۶

هو

مقام منیع محترم وزارت داخله دامت شوکته العالی

عریضه این چاکر دوعاگو (دعاگو) محمد ولوجردی من قراء نطنز

عرض داشت این چاکر دوعاگو(دعاگو) آن است علی اکبر نام ولوجردی که از الواط اشرار است، از عهد شرارت ماشاءالله خان، همه وقت مصدر شرارت ولوجرد بوده. ماشاءالله خان راکه برطرف فرمودند، مشارالیه قدری سکوت نموده در هذه السنه مجدد هرزگی و شرارت او عود نموده است. علاوه، پسر او علی هم همدست شده است. نمی‌گذارند رعایا آسوده یک لقمه نان جو تحصیل نموده صرف نمایند، نه اختیار مال دارند نه عیال. من جمله این اوقات دو سه نفر بستگان

این دوعاگو(دعاگو) را به اسم برداشتن خرمن مشلّق[1] نموده صدمه زیادی زده است. استدعای عاجزانه این دوعاگو(دعاگو) به حضور مبارک آن است که حکم به حکومت کاشان مرحمت فرمایند احقاق حق این دوعاگوی (دعاگوی) فقیر بیچاره را بنمایند که آسوده مشغول دوعاگوئی (دعاگوئی) بوده باشیم. حضرت مستطاب اشرف را به حق فرق شکافتهٔ مرتضی علی قسم می دهد که احقاق حق دوعاگو(دعاگو) را بفرمائید که به آسوده گی(آسودگی) بتوانیم نان جوی را تحصیل نموده صرف نمائیم. دیگر امر امر مبارک است.

[در حاشیه:] باید عارض هویت خود را معلوم نماید و ضامن بدهد تا حکم صادر شد (شود).

[سند شماره ۲۹۰۰۰۱۴۴۰-۸۵۹ و ۲ الف‌ب‌ا]

۳۴۷

وزارت مالیه ـ اداره خالصجات - به تاریخ ۲۳- برج ۹ سنه ۱۳۰۵ - نمره ۳۵۷۲۵

مقام منیع ریاست وزراء عظام

در جواب مرقومه محترمه نمره (۹۵۷۰) متضمن صورت اسامی و سن ۱۵ نفر اولاد نایب حسین - نایب علی - ماشاءالله خان «که مقرر فرموده‌اند پیشنهاد و استرداد قسمتی از املاک یا برقراری شهریه ای که گذران آنها را تأمین نماید تقدیم شود» محترماً به عرض می‌رساند که بر قراری شهریه به ملاحظهٔ این که مشارالیهم تماماً کبیر و بزرگ هستند مخالف تصویب نامه نمره(۷۵۵۱) خواهد بود. به علاوه منافع سالیانه املاک ضبطی از پدرانشان که از اول مهر ماه ۱۳۰۴ لغایت شهریور ۱۳۰۹ به شرح ذیل اجازه داده شده است:

سال اول ۲۷۳۴ تومان - سال دوم ۳۶۰۰ تومان - سال سوم ۳۹۰۰تومان - سال چهارم ۴۱۰۰تومان - سال پنجم ۴۴۰۰ تومان.

---

۱. یعنی شلاق (تازیانه) زده

به قدری نیست که کفاف شهریه مکفی آنها را بدهد. لهذا به عقیدهٔ وزارت مالیه، چنانچه هیئت محترم وزراء عظام تصویب فرمایند، کلیهٔ املاک نایب حسین و ماشاءالله خان و نایب علی به وراث شرعی آنها واگذار شود، بهتر از این است که دولت املاک را در ضبط نگهداشته و در مقابل شهریه که اقل میزان آن کمتر از ماهی دویست تومان نخواهد شد، به وراث مذکور تأدیه نماید. خاصه این موقع که تصمیم در فروش خالصجات است. نظر به مراتب معروضهٔ فوق، صورت تصویب نامهٔ واگذاری املاک مذکوره را لفاً تقدیم نمود که در صورت موافقت امر به مذاکره و تصویب فرمایند. العبد حسن اسفندیاری[1]

از منبع عایدات یک هزار و ششصد تومان تقریباً مالیات کسر می شود و مخارج قنات و تعمیرات و غیره هم که موضوع بشود، به مقدار معروضی، بیشتر از عایدات نمی‌ماند. العبد حسن اسفندیاری مهر وزارت مالیه (دارایی)

مهر دفتر ریاست وزراء به تاریخ ۵/۱۰/۱۲ - نمره ۱۰۸۳۱

[شماره میکروفیلم ۱-۵ ۱۱۶۰۰-۳-۱۱۴۴]

۳۴۸

وزارت جلیله مالیه

پیشنهاد نمره (۳۵۷۲۵) آن وزارت جلیله در جلسه دی ماه ۱۳۰۵ هیئت وزراء عظام قرائت و واگذاری املاک نایب حسین و ماشاءالله خان و نایب علی کاشانی را که از ابتدای شهریور ۱۳۰۴ لغایت اول مهر ۱۳۰۹ پنج ساله

به شرح ذیل اجاره داده شده است.

سال اول ۲۷۳۴ تومان - سال دوم ۳۶۰۰ تومان - سال سوم ۳۹۰۰ تومان - سال چهارم ۴۰۰۰ تومان - سال پنجم ۴۴۰۰ تومان، از تاریخ صدور این تصویب

---

۱. میرزا حسن خان محتشم السلطنه پسر میرزا محمد رئیس در ۱۲۸۳ ق متولد شد. پس از مرگ پدر به سمت او یعنی معاونت وزارت خارجه منصوب گردید و در طی حیات خود بارها وزیر دادگستری - خارجه - دارایی و فرهنگ شد. چند بار هم به نمایندگی و ریاست مجلس شورای ملی رسید. محتشم السلطنه به چند زبان خارجی مسلط بود وبه سال ۱۳۲۳ ش در ۸۱ سالگی درگذشت. (شرح حال رجال ایران - ج ۱)

نامه به وراث شرعی آنها تصویب فرمودند. تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۳-۱۱۴۴۰]

۳۴۹

ریاست وزرا، ۱۰۸۳، به تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۰۵

بعد از این که دولت املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشانی را در تحت توقیف درآورده وراث آنها که مدد معاشی نداشتند دچار استیصال و پریشانی گردیدند و از دولت دائماً تقاضای مدد معاش می کردند و املاک مزبور عایدی کافی نداشت که پس از وضع مخارج ملکی و تنقیهٔ قنوات و مالیات و مساعدت با ورثه که عدهٔ زیادی بودند چیزی عاید دولت شود و البته وراث را هم که غالباً زن و بچه و اشخاصی هستند که در شرارت آنها دخالت نداشتند، بدون معاش نمی شود ترک کرد، لهذا هیئت وزراء در جلسهٔ ۱۱ دی ماه بر حسب پیشنهاد نمره ۳۵۷۲ وزارت مالیه تصویب نمودند املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشانی،از تاریخ صدور این تصویب نامه به وراث شرعی آنها مسترد گردد.

حسن مستوفی رئیس الوزرا

احمد اتابکی[۱] (وزیر پست وتلگراف)

علیقلی انصاری[۲] (مشاور الممالک) (وزیرخارجه)

---

۱. مشیراعظم پسر میرزا علی اصغر خان امین السلطان بود که در ۱۳۳۴ هق و زیر فوائد عامه و در ۱۳۰۵ هش وزیر پست وتلگراف شد. وی در ۱۳۱۶ هش درگذشت.

۲. پسر میرزا حسن خان نایب الوزاره در ۱۲۴۸ ش متولد شد. وی از کارمندان وزارت خارجه بود و از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۲ هق نیابت وزارت مختار ایران در پطرز بورگ را داشت. در ۱۳۳۴ هق وزیر امور خارجه شد و همین سمت را در ۱۳۳۶ هق و ۱۳۳۷ هق نیز بر عهده داشت. وی در رأس هیأتی به نمایندگی دولت ایران در مذاکرات کنگرهٔ صلح ورسای در پاریس شرکت کرد ولی به دلیل توافق وثوق الدوله و دولت انگلیس (قرارداد ۱۹۱۹) با عدم اقبال کنگره مواجه شد و پس از احضار به تهران سفیر کبیر ایران در استانبول گردید. وی در کابینه های دیگری نیز به وزارت خارجه منصوب شد و در ۱۳۱۹ هش درگذشت.

محمدعلی فروغی[۱] (ذکاء الملک) (وزیر جنگ)
مهدیقلی هدایت[۲] (مخبرالسلطنه) (وزیر فوائد عامه و تجارت)
حسن اسفندیاری محتشم‌السلطنه وزیر مالیه

[سند شماره ۱-۱۱۶۵۰۵۵-۴-۱۱۴۴]

۳۵۰

سواد تصویب نامه

۱۳۰۵/۱۰/۱۹ اداره خالصجات نمرهٔ ۴۲۹۵، ادارهٔ مالیهٔ کاشان تصویب نامهٔ نمره ۱۰۸۳/۱ هیئت وزراء عظام ذیلاً درج می شود.

وزارت جلیلهٔ مالیه،بعد از این که دولت املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشانی را در تحت توقیف آورده وراث آنها که مدد معاش نداشتند دچار استیصال و پریشانی گردیدند و از دولت دائماً تقاضای مدد معاش می کردند و املاک مزبور عایدی کافی نداشت که پس از وضع مخارج ملکی و تنقیهٔ قنوات و مالیات و مساعدت با ورثه که عدهٔ زیادی بودند چیزی عاید دولت شود و البته وراث را هم که غالباً زن و بچه و اشخاصی هستند که در شرارت آنها دخالت نداشتند بدون معاش نمی شود ترک کرد،لهذا هیئت وزراء در جلسهٔ ۱۱ دی ماه ۱۳۰۵،بر حسب پیشنهاد نمره ۳۵۷۲۸ وزارت مالیه تصویب نمودند املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشانی، از تاریخ صدور این تصویب نامه به وراث شرعی آنها مسترد گردد و تصویب نامه درکابینهٔ ریاست وزراء عظام ضبط است که مدلول آن را به موقع اجرا گذاشته کلیهٔ املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان [را] که فعلاً به عنوان خالصه در تصرف دولت باقی است به وراث

---

۱. پسر محمد حسین ذکاء الملک، وی در کابینه های مختلف به وزارت و سفارت و ریاست وزراء گمارده شد و بالاخره در ۱۳۲۱ هش در حالی که وزیر دربار محمدرضا پهلوی بود درگذشت.

۲. معروف به خان خانان پسر علیقلی خان مخبر الدوله در ۱۲۸۰ هق متولد شد در حدود ۱۳۲۲ هق رئیس مدرسه نظامی تهران شد و پس از استقرار مشروطیت بارها به وزارت رسید و یکبار هم نخست‌وزیر شد. وی بالاخره پس از ۵۴ سال کار دولتی در ۱۳۳۴ هش درگذشت.

شرعی آنها واگذار نموده صورت مجلس تحویل را به مرکز ارسال دارند.
سواد برای اطلاع نمایندهٔ نایب علی ارسال می شود.

مهر وزارت مالیه امضاء

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۵/۴-۱۱۴۴]

۳۵۱

ریاست وزراء، نمرهٔ عمومی ۱۲۴۳۳ به تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۰۵ ش

وزارت جلیله مالیه

از قراری که اطلاع حاصل کرده ام در اجرای مدلول تصویب نامه راجع به استرداد املاک ماشاءالله خان و نایب حسین و نایب علی قائل به تأمل شده اید و حتی املاک مزبور مسترد شده و ثانیاً حکم توقیف آنها را صادر فرموده اید. ندانستم این اقدام به چه نظر بوده و در اجرای مصوبات دولت چرا مسامحه می شود. اگر توجه وزارت مالیه به مذاکراتی بوده است که اخیراً در مجلس مؤسسان به میان آمده بود باید متذکر می بود که این قضیه مربوط به سیاست و مناسبات دولت و مجلس است و مادام که از طرف دولت اشاره نشده هیچ یک از وزارت خانه ها مستقیماً نمی توانند جریانات خارجی را مؤثر در تصمیمات دولت تلقی کنند. علی‌ای‌حال لازم‌است‌مراتب‌راتوضیح داده‌ودراجرای‌مدلول تصویب‌نامه فوق‌الذکر اقدام فرمایند.

محل مهر ریاست وزرا حسن (مستوفی الممالک)

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۵۲

وزارت مالیه، ادارهٔ دیوان محاکمات مالیه، به تاریخ ۸ ماه ۱۱ سنهٔ ۱۳۰۸، نمره ۴۸۵۱۸

مقام منیع هیئت وزرای عظام

محترماً به استحضار خاطر مبارک می رساند که آقای حاجی محمد علی اصفهانی[1] به وسیله تقدیم عرض حال رسمی به محکمهٔ مالیه بر علیه دولت اقامهٔ دعوی نموده و از بابت غارت اموال ادعائیه خود به توسط ماشاءالله خان کاشانی بیست هزار تومان از دولت مطالبه می نماید:

نظر به این که به موجب محتویات دوسیهٔ اداری قضیه ۱۸۵ ورق و به موجب رسیدگی های سابقه و موافق مراسلات رسمیهٔ وزارت جلیلهٔ داخله نهب و غارت اموال تا درجه‌ای محقق و همین طور توجه اصل دعوای مزبور نیز بر دولت باز برحسب مراسلات رسمیه مسلم می باشد و از طرف دیگر چون طرف دعوی دولت تشخیص داده شده رجوع به حلف و تحلیف با وجود اظهار عجز مدعی از اثبات مقدار اموال منهوبه و ارائه ادله و اسناد دیگر غیر مقدور است و رد دعوی حاجی مزبور (با این که فعلاً به ملک و مال معین و مشخصی که در تصرف دولت می باشد اقامه نشده)،نظر به تحقیق آنچه که فوقاً معروض شد خلاف قانون عدل وانصاف مقتضی زمان شناخته خواهد شد و بالاخره اتخاذ هر تصمیم دیگری که منطبق با قانون و عدالت باشد،با وجود اشکالات معروضه از طرف محکمهٔ مالیه مستعسر و غیر عملی به نظر می رسد. علی هذا، وزارت مالیه، با تقدیم دوسیهٔ اداری قضیه پیشنهاد می‌نماید که پس از مراجعه به مستندات ابرازیهٔ متظلم و تحقیق مظلومیت و حقانیت مشارالیه مبلغی را که در حدود عدالت تشخیص دهند، از محل اعتبار دولت، تصویب فرمایند که وزارت مالیه به حاجی محمد علی مذکور بپردازند وکلیهٔ اسناد مشار الیه با یک سند ترک دعوی که حائز شرایط قانونی باشد از او اخذ نماید.

مهر وزارت مالیه حسن مشار

[حاشیه ۱:] مهر ورود به‌کابینهٔ ریاست وزرا، به تاریخ ۸/۱۱/۹ نمره ۹۰۵۷

[حاشیه ۲:] به عرض می رسد ۸/۱۱/۸

---

۱. حاجی (محمد علی فتحیهٔ اصفهانی) که پس از سقوط نایبیان از جمله مدعیان نایب حسین و ماشاءالله بود و با طرح دعاوی مختلف خواستار غرامت بود.

[حاشیه ۳:] جواب بنویسید که هیئت دولت نسبت به این پیشنهاد نمی تواند تصمیم قطعی اتخاذ نماید مگر این که وزارت مالیه،با در نظر گرفتن چگونگی این ادعا و سوابقی که از این کار در وزارت مالیه موجود است هر چه را [که] مقتضی و صلاح می داند قطعاً معین و پیشنهاد نماید تا تکلیف آن معین گردد. ۱۳۰۸/۱۱/۲۸
[شماره سند ۱۱۶۰۰۵-۱ / ۱۱۴۴-۲]

۳۵۳

ریاست وزراء، نمرهٔ عمومی ۳۰۱ -کارتن ۳۵- تاریخ تحریر ۱۹ فروردین ماه ۱۳۰۹ - تاریخ ثبت ۱۳۰۹/۱/۲۳

آقای حاجی محمد علی اصفهانی

راجع به‌کارخودتان و نظریات محاکمات مالیه شرحی نوشته بودید ملاحظه شد. تشکیل محاکمات مالیه برای این است که شخص شاکی به آن محکمه رجوع نماید و جواب خود را هم از آنجا بخواهد.اگر شکایت مبرهنی از محاکمات دارید با ادله اظهار کنید. رجوع شود.

نصرالله نخعی[۱] هدایت

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵/۲-۱۱۴۴]

۳۵۴

ریاست وزراء

نمرهٔ عمومی ۷۳۲-کارتن ۳۵- دوسیه ۲/۴- تاریخ تحریر ۳۰فروردین ماه ۱۳۰۹، تاریخ ثبت ۳۰۹/۲/۲ - مسئول پاکنویس بهنام.۱

وراث نایب حسین کاشانی

از مفاد عریضه [ای]که حضور اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه عرض و از عسرت معیشت شکایت کرده بودید مستحضر شدم. لازم است

۱. ظاهراً نخعی تهیه کننده مینوت بوده.

شما ها هم مثل همه مردم دنبال کار وکسبی بروید و رفع عسرت کنید.

سروش[۱] هدایت[۲]

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۵۵

ریاست وزراء، وزارت جلیلهٔ مالیه

حاجی محمد علی فتحیهٔ اصفهانی شرحی راجع به وضعیات خود به این جانب نوشته است که در تعقیب مراسلهٔ نمرهٔ ۹۳۲ برای رسیدگی و احقاق حق او ارسال می گردد. قدغن خواهید فرمود نتیجه را با اعادهٔ عرض حال اعاده نمایند.

[ذیل نامه:] اگر راجع به کار او با نایب حسین کاشی است پیشنهادی از وزیر مالیهٔ سابق رسیده است.

سوابق این امر یک قسمت آن در تاریخ ۳۰۸/۴/۵ ضمیمه شمارهٔ ۲۴۶۲ به آقای ناظم العلوم و قسمت اخیر آن که شامل پیشنهاد مالیه بود به انضمام نمره ۱۰۵۱۶/۱۳۰۸/۱۲/۲۲ تقدیم مقام ریاست محترم فعلی کابینه گردیده است.

ضبط شود ۹/۲/۱۴

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵/۲-۱۱۴۴]

۳۵۶

وزارت مالیه، به تاریخ ۱۳۰۹/۲/۱۸ - نمره ۵۴۳۹

کابینه محترم ریاست وزراء عظام

با اعادهٔ عین مشروحهٔ حاج محمد علی اصفهانی که ضمن مرقومه نمره ۹۳۲ مورخه ۳۰۹/۳/۱۱ [۱] به وزارت مالیه ایفاد داشته بودند، اینک لزوماً تصدیع می‌دهد که بر اثر وصول مرقومه محترمه نمره ۹۰۵۷ مورخه ۳۰۸/۱۲/۷ ریاست

۱. میرزا عیسی خان سروش از مأمورین وزارت داخله (کشور) بود که به استانداری استان تهران هم منصوب شد. وی مردی خوش ذوق، خوش خط، ادیب و حاضر جواب و هوشمند بود. مینوت نامه و خط و انشاء سروش است.

۲. مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) که در آن روزگار رئیس الوزرا بود.

وزراء عظام و بعد از مطالعات دقیقه که در محکمه مالیه نسبت به موضوع تظلم حاج مزبور به عمل آمد. بالاخره پیشنهادی تحت نمره ۵۴۰۹۳ مورخ ۳۰۸/۱۲/۱۸ ، از طرف وزارت مالیه به مقام ریاست وزراء تقدیم گردید. چون تاکنون هیچ گونه اطلاعی از قبول یا رد پیشنهاد مزبور به وزارت مالیه نرسیده و از طرفی هم محکمه با وجود مستندات ابرازیه و ملاحظهٔ وضعیت فعلی متظلم نمی تواند هیچ گونه تصمیمی اتخاذ نماید، مقتضی است پیشنهاد مزبور تحت مطالعهٔ دقیق درآمده و هر چه زودتر تصمیم هیئت محترم را به این وزارتخانه ابلاغ فرمایند تا از همان قرار معلوم و مجری گردد که بالنتیجه به تظلمات متوالیه حاج محمد علی که سال ها است موجب تصدیع و مزاحمت اولیاء امور واقع شده است خاتمه داده شود. مهر وزارت مالیه

[حاشیه ۱:] حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته پیشنهاد را در هیئت دولت قرائت فرمودند و ترتیبی در هیئت مقرر گردید که البته خودشان دستخط آن را صادر خواهند فرمود. ۹/۱۴/۱۹.

[حاشیه ۲:] پیشنهاد در حضور حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا است ۹/۲/۲۱ - به هیئت تقدیم می شود.

[حاشیه ۳:] پیشنهاد و ضمیمه است ۹/۲/۲۱

[حاشیه ۴:] مهرورودبه کابینه ریاست وزراء -به تاریخ ۹/۲/۲۱- نمره ۱۲۲۵

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۲/۱۱۴۴-۱]

۳۵۷

مقام منیع و موقع رفیع وزرای عظام دامت عظمته

باکمال عجز تمنا دارد تا آخرین سطر این عریضه را قرائت فرمایند

از قرار آنچه راکه تاکنون فدویان تظلم می کنیم اثاثاً (اساساً) مراسلات تظلمیهٔ خانده (خوانده) نمی‌شود. مدت ده سال است که همه روزه تظلم کرده و هیچ ترتیب اثری داده نشده. با این که تقاضای چاکران برخلاف مقررات قوانین جاریه و

قانون شرع نیست. اظهارات فدویان این است که جزیی املاک شخصی ما راکه ضمن املاک توقیفی نایب حسین و ماشاءالله خان توقیف نموده اند مسترد دارند که با جزئی عایدات آن امرار معاش نماییم. این املاک را با عایدات مشروع خود که در اثر زحمت تحصیل نموده‌ایم خریداری کرده ایم، نه املاک ارثی است که از نایب حسین پدر جان چاکر منتقل شده نه املاک ماشاءالله خان برادر چاکران است. نمی دانم به چه جهت وکدام تقصیر، محل اعاشهٔ پنجاه نفر زن و بچه را توقیف نمودند. پسر نایب حسین بودن گناهی نیست و ما با ماشاءالله خان برادر خود همدست نبوده‌ایم. در همان تاریخ هم ازکسب و رعیتی گذران می‌کردیم. نایب حسین و ماشاءالله خان به یاغی گری مبادرت نمودند و به کیفر اعمال خود رسیدند. چاکران چه گناهی کرده ایم که باید مستوجب عقوبت بوده باشیم. در اثر تظلم های متواتره، کابینهٔ آقای مستوفی الممالک در اثر پیشنهاد نمره ۳۵۷۲۵/۳۰۵/۱۰/۱۹ وزارت مالیه که قبلاً در اوضاع و چگونگی چاکران تحقیق شده و عدم تقصیر معین و نیز اثبات شد که این املاک شخصی و خریداری از عایدات خودمان است، تصویب نامه ای تحت نمره ۱۰۸۳۱ صادر فرموده‌اندکه ضمن تصویب نامه، عدم تقصیر این جانبان را ذکر نموده که املاک را از توقیف خارج نمایند. بدبختانه آن تصویب نامه لغو و املاک بلا استفاده برای دولت مانده و عائلهٔ چاکران هم گرسنه و برهنه با سخت ترین وضعی گذرانند و حضرت اشرف هم می فرمایند که بروید به مثل سایرین کسب کنید. تصور نمی فرمایند که کسب شخص بی مایه سرقت است والاکسب دیگری نمی‌توانیم بکنیم. لذا باز هم از فرط گرسنگی و بیچاره گی (بیچارگی) با کمال عجز تمنا می نماییم مقرر فرمایید کمیسیونی با حضور فدویان تشکیل شده و به عرایض رسیدگی [به] عمل آید. هرگاه ذی حق هستیم املاک شخصی ما راکه جزیی قیمت دارد و برای دولت هیچ استفاده ندارد مسترد دارند که عائلهٔ این جانبان هم به‌گرسنگی به سر نبرند یاکه جزیی مخارج مرحمت فرمایندکه با عائلهٔ خود از سر حد ایران خارج شده در ممالک خارجه داخل و تقاضای شغل نماییم.

سواد تصویب نامهٔ هیئت وزراء لفاً تقدیم می شود و نیز تقاضا دارد مقرر فرمایید

به وسیلهٔ کمیساریای ناحیهٔ ۶ ماشین تحقیقات بشود که به چه طریق با یک مشت بچه خورد(خرد) سال و کودک صغیر و زن سیه روزگذران می نماییم. دوسیهٔ استنطاقی که مبنی بر بی تقصیری فدویان است در وزارت جنگ موجود و نیز سئوالی از اهالی کاشان شده که اشخاص مبرز و علما و رعایا و عدهٔ کثیری نوشته اند که امیر خان و محمد آقا در زمان حیات سردار و نایب حسین مشغول به کسب بوده و مرتکب تقصیری نشده اند و عین این ورقه موجود و یکی هم در نظمیه ضبط (ضبط) است

امیر آریان پور محمد آقا آریان پور

مهر ورود به دفتر ریاست وزراء، تاریخ ۰۹/۴/۱۸، نمره ۲۵۸۲

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۵/۴-۱۱۴۴]

۳۵۸

ریاست وزراء، نمرهٔ عمومی ۳۱۴۳ -کارتن ۳۵ ۱/۴ تاریخ تحریر ۱۲ مرداد ماه ۱۳۰۹ - تاریخ ثبت ۱۳۰۹/۵/۱۳

وزارت جلیله مالیه

راجع به عمل حاجی محمدعلی اصفهانی سوابقی موجود است که خود آن وزارت جلیله مسبوق می باشند. اخیرا از مشارالیه عرض حال مجددی رسیده و از تأخیر جبران خسارات خود شکایت نموده است. به طوری که در نظر هست گویا قرار بود یک خانه ازخانهای (خانه های)نایب حسین یا ماشاءالله در کاشان به مشارالیه واگذار گردد. علی هذا خاطر آن وزارت جلیله را به این مسئله تذکر می دهیم که موضوع واگذاری خانه مزبور چه شد و اگر محظوری درکار نیست خوب است عملی گردد که موجبات اسکات مشارالیه فراهم شده باشد.

نصرالله نخعی

[شماره سند ۱-۶۰۰۵/۱۱/۲-۱۱۴۴]

۳۵۹

کابینهٔ ریاست وزراء، به تاریخ ۲۶ ماه شهریور سنه ۱۳۰۹

حاجی محمدعلی اصفهانی می‌نویسد دوازده سال است دولت اموال من را ضبط وحراج کرده است و وزارت داخله هم مکرر حقانیت من را تصدیق نموده‌اند. قبل از حرکت از تهران به اصفهان، از طرف حضرت اشرف به من و عده و اطمینان داده شده از بدبختی خلاصم فرمایند. حالا [به] میرزا فتح الله خان که وکیل من است امر فرمایند عقب کار من برود.

[حاشیه:] تا به حال سخن این است که اموال او را نایب حسین چاپیده است حالا می گوید دولت ضبط کرده است یعنی چه؟ ۹/۶/۲۹

[شماره سند ۱-۲/۱۱۶۵-۱۱۴۴]

۳۶۰

وزارت جلیله مالیه

نظر به این که ورثه نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشانی بالمره مستأصل و پریشان شده و اتصالاً برای معیشت خود به دولت مراجعه می کنند و تقاضای برقراری شهریه می نمایند و نظر به این که موقع ضبط اموال مشارالیهم مقرر بود معیشت ورثه از محل اموال منقولی که ضبط شده بود تأمین شود و محل مزبور دو سه سال قبل تمام شده و دیگر راهی برای مساعدت با آنها نیست و نظر به این که املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان که فعلاً در ضبط دولت است عایدی زیادی ندارد و پس از مخارج ملکی و تنقیه قنوات و غیره چیز مهمی باقی نمی ماند که برقراری شهریه درباره ورّاث ارزش آن را داشته باشد و بالاخره نظر به این که عدهٔ وراث این خیلی زیاد است و برقراری شهریه درباره هریک از آنها با ضیق مالیهٔ دولت اقتضاء ندارد و از طرفی هم بنا به سوابق امر، دولت اخلاقاً مکلف است نسبت به ورثه اشخاص فوق الذکر مساعدت نماید. هیئت وزراء در جلسه [قید شده] بر حسب پیشنهاد نمرهٔ وزارت مالیه تصویب نمودند املاک نایب حسین

و نایب علی و ماشاءاله خان کاشانی که از ابتدای شهریور ۱۳۰۴ لغایت اول مهر ۱۳۰۹ بشرح ذیل:
[سال اول ۲۷۷۴ تومان / سال دوم ۳۶۰۰ تومان / سال سوم ۳۹۰۰ تومان / سال چهارم ۴۱۰۰ تومان / سال پنجم ۴۴۰۰ تومان پنج ساله اجاره داده شده است. از تاریخ صدور این تصویب نامه به وراث شرعی آنها مسترد گردد. تصویب نامه در کابینهٔ ریاست وزراء ثبت است.]

[سند شماره ۱-۱۱۶۵۰۰۵/۴-۱۱۴۴۴]

۳۶۱

یا هو

نمرهٔ ۵

به خاک پای جواهر آسای بنده‌گان (بندگان) اعلی حضرت قدرقدرت شهنشاه ارواحنافداه [۱۳۱۱ش]

اعلی حضرتا

در تعقیب اوامر مرجوعه به مقام ریاست وزرای عظام بالاخره به اداره عایدات مراجعه شده و از این جانثار (جان نثار) مطالبهٔ مدارک و طریقه های محاکمات مختلف که از عهدهٔ فدو (فدوی) بی مقدار خوارج (خارج) است می‌نمایند و در صورتی که قادر به امرار معاش خود و عائلهٔ خود نیست. لذا باز با قلبی مملو از امید، از آن آستان اعظم پدر تا جدار مهربان عاجزانه استدعا می دارد که املاک شخصی فدو(فدوی) چنانچه بـه خـود جـانثار(جـان نـثار) مسترد دارنـد بـا جـمعی احـبّا به دعاگویی ذات شاهنشاه اعظم مشغول می باشیم. اعلی حضرت قدر قدرتا برای خاطر خدا و سلامتی وجود والاحضرت ولایت عهدتا از میان نـرفته‌ایـم، امـری فرماید که ادارهٔ عایدات رسیده گی (رسیدگی) به عرض فدوی فـرمایند. امـر امـر مطاع اعظم است

این عریضه از طرف امیر خان ولد نایب حسین کاشانی

[سند شماره ۳۱۰۰۰۷۰۷ / ۲۲۷ف۱۳آ‌دا]

۳۶۲

مقام مقدس هیئت معظم دولت (وزراء عظام) دامت عظمتهم‌العالیه
(تاریخ)۱۳۱۱/۱۲/۱۹-- محترماً به عرض مبارک می رسانم
بنده محمد آقا پسر نایب حسین کاشی که فعلاً هم مثل سابق بیچاره و بی گناه هستم، پریشان شده‌ام. خدامی داند به طوری روزگار بر بنده سخت شده که به خودکشی راضی شده‌ام، با این که اگر به سوابق بنده نظر فرمایند و دوسیه نایبی که البته مضبوط است، بنده از بدو شرارت کسانم از کاشان، به عتبات عالیات به قصد توطن مهاجرت نموده‌ام. خلاصه مفسدین بنده را نجف گرفتار کردند به خیال این که اگر بنده دستگیر شوم پدر و برادرم ترک عملیات خود خواهند نمود، غافل از این که آنها از بنده و بنده از آنها سیر بودم و در نتیجه مجبوراً بنده را به تهران آوردند. از آنجا که پس از طی مراحلی مجبور به آمدن کاشان شدم، این بود که با کمال درستی که از من به عمل آمد در اثر شرارت کسانم بنده را طرداً للباب به تهران بردند. پس از این که بی‌گناهیم آشکار شد آزادم کردند ولی آنچه داشتم تفریط شد. مختصرملکی را هم که به زحمت کسب پیدا کرده بودم، ادارهٔ مالیه کاشان به عنوان خالصه ضبط نمود اگر که چیزی نبود.

حالیه هم بدتر از اول است زیرا که موافقت نشده اینک که یک سال یا متجاوز است به واسطهٔ عیال بارگی و نداشتن کسب و افتادن از کار مستأصل وپریشان شده‌ام بالنتیجه از شدت فشار عیال واطفالم به عرض مقدس آقایان وزراء عظام برسانم واز مقام عدل گستر آن هیئت معظم دادخواهی نمایم تا نزد خدا و رسول مسئول عیال واطفال وتلف جان خود نباشم. اگر فکری به حال بنده نباشد و نشود، من و یک مشت عائلهٔ بنده تلف خواهند شد. اگر ممکن است برای رضای خدا، نه برای خوش بودن بنده، برای حفظ ناموس خدا (عیال) و اطفالم نه برای حفظ بنده، برای سلامتی ذات مقدس اعلی حضرت اقدس ملوکانه ارواحنافداه و هیئت دولت رحمی بر بنده بفرمایید یا مقرر فرمایید ماهیانه مرتباً چیزی به بنده مرحمت شود که بنده وعائله ام محفوظ بمانیم یا مقرر فرمایید جزئی املاک مخروبه‌که از بنده در

دست وضبط مالیه کاشان است ترحماً و قربتةً الی‌الله و طلباً لمرضات الله به بنده مسترد شود که بوسیله زراعت لقمه نان جویی تهیه وبا یک مشت زن وبچه بی گناه امرار معاش نمایم. در خاتمه تمنا می کنم از هیئت معظم دولت وذات مقدس اعلیحضرت ملوکانه روحی فداه قسم می دهم به آن وجودات مقدسه که اولاً فکری بفرمایید واملاک مخروبه شده را مسترد فرمایید وثانیاً برای این که جانم از غصه به لب رسیده از بیچارگی، زودتر جوابم مرقوم فرمایید که پیش از اجل حتمی نمیرم

بنده محمد آقا کاشانی

ساکن محله پشت مشهد حسینیه زیارت حبیب موسی

مهر ورود به کابینه ریاست وزراء تاریخ ۱۱/۱۲/۲۵ (۱۳) شمارهٔ۹۳۴۷

[حاشیهٔ سند]: کی و چرا املاک او را گرفته اند۱۱/۱۲/۲۸ (۱۳)

[شماره تنظیم سند۱-۱۱۶۰۰۵-۳-۱۱۴۴]

۳۶۳

کابینه ریاست وزراء، نمرهٔ ۹۳۴۷ -کارتن ۳۵ - تاریخ تحریر ۲۹ اسفند ۱۳۱۱ - تاریخ ثبت ۱۳۱۱/۱۲/۲۹، مسئول پاکنویس بهنام

آقا محمد آقا کاشانی

مشروحه شما راجع به وضعیت حال و ضبط املاک خودتان ملاحظه شد. املاک شما در چه موقع و برای چه علت ضبط شده است؟

نصرالله نخعی هدایت

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۳/۱۱۴۴۰]

۳۶۴

وزارت مالیه، اداره کل عایدات، نمره ۳۲۵۲ ۱۳۱۲/۲/۷

هیئت محترم مرکزی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران

در جواب مراسلهٔ نمرهٔ ۸۶۲ متضمن مشروحه عزیز الله[1] نام که خود را فرزند محمد آقا پسر نایب حسین کاشی معرفی نموده است، اشعار می دارد که دولت در نظر دارد از علاقه جات ضبطی ماشاءالله خان و نایب حسین در کاشان برای اعاشه ورثهٔ بی بضاعت آنها تخصیص و واگذار نماید و عجالتاً نسبت به تشخیص عدهٔ وراث و تعیین هویت و استحقاق ورثه که مستأصل و محتاج به اعانت دولت هستند از محل تحقیقاتی شده است.پس از حصول نتیجه اقدام مقتضی بعمل خواهد آمد.

وزارت مالیه

محل مهر وامضاء

سواد مطابق اصل است

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۶۵

کابینه ریاست وزراء ـ نمرهٔ عمومی ۱۷۴۹-کارتن ۳۵ - تاریخ تحریر ۱۳ خرداد ۱۳۱۲ - تاریخ ثبت ۱۳۱۲/۳/۱۴ ـ تاریخ پاکنویس ۱۲/۳/۱۲

صبیه نایب حسین کاشانی

عرض حال شما از مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته گذشت، می‌فرمایند، نایب حسین در بدو امر فراش حکومت بود. مدتی قوت پیداکرد، مردم و مسافرین را چاپید. فعلاًکسان او بیش از آن چه در زمان فراشی داشت دارند.

نصرالله نخعی هدایت

[حاشیه:]کابینه

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۶۶

مقام منیع و موقع رفیع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته

---

۱. عزیز الله پسر محمد سیف لشکر و نوهٔ نایب حسین کاشی که نام خانوادگی شجاعی بر خود نهاد.

با نهایت احترام خاطر مبارک را جسارت می ورزم این کمینه مهری خانم صبیه نایب حسین و عیال ماشاءالله خان ولد نایب حسین کاشانی آن چنان در روز سختی و پریشانی و مستأصل مانده که باقی نمانده اطفال این کنیز کمینه‌ها نابود و فناء شوند. چون بر حسب امر اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت شاهنشاهی اروحنافداه که املاک پدری کمینه را مسترد دارند تا آن موقع برسد،استعداد گذران برای این کمینه ها باقی نمانده استدعا می‌نمایم استراحاماً یک نظر توجهی و عنایتی در حق این کمینه بفرمائید، چون روزگارم بسیار به دشواری کشیده به مقام حضرت اشرف استدعای رعایت نموده ایم. امر امر مبارک است.

عریضهٔ صبیهٔ نایب حسین کاشانی و عیال ماشاءالله خان

[حاشیه:] نایب حسین فراش حکومت بود مدتی قوت پیداکرد. مردم و مسافرین را چاپید فعلاً هم کس و کار او بیش از آنچه در فراشی داشت دارند. ۱۳۱۲/۳/۱۱

[حاشیه:] مهر ورود به کابینه، تاریخ ۱۲/۳/۱۴ شماره ۱۷۴۹

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۶۷

۱۳۱۲/۸/۱۳

مقام منیع ریاست جلیله وزاء (وزراء) عظام دامت عظمته العالی

با نهایت احترام به عرض اقدس عالی می رسانم، بعد از توقیف املاک نایب حسین و پسرانش اداره مالیه کاشان جزئی ملک خرابه این چاکر [را]که در قریهٔ نیاسر کاشان واقع و جمع قیمت آن ۴۰۰ تومان است و به موجب قباله‌جاتی که در دست دارم خریداری نموده ام، به جرم قرابت و بستگی به اشخاص فوق، توقیف نموده اند. در صورتی که ابداً بنده دخالتی در قسمت شرارت آنها نداشتم و در آن وقت همیشه مشغول زراعت و کسب بودم و تاکنون چندین عریضه عرض نموده و تقاضای دادخواهی نموده‌ام، عطف توجهی نفرموده است. اینک نیازمند به آن مقام منیع شده و عاجزانه تقاضا دارم که مقرر بفرمائید که وزارت جلیلهٔ مالیه به عرض

این چاکر رسیدگی نماید. حضرت اشرف را قسم می‌دهم به خامس آل عبا که بیش از این [به] سرگردانی عیال واطفال این چاکر راضی نشوید.

حسین خان ابراهیم خانی ولد ماشاءالله مسگر [؟] کاشانی

(آدرس) خیابان باب همایون جنب منزل آقای مشیرنظام مغازهٔ سیگار فروشی.

[حاشیه ۱:] مهر ورود به‌کابینهٔ ریاست وزراء به تاریخ ۱۲/۸/۱۳ نمرهٔ ۵۵۵۵ به عرض برسد ۱۲/۸/۱۳

[حاشیه ۲:] از وزارت مالیه تفصیل قضیه واقدامی که مقتضی است استفسار شود. ۱۲/۸/۱۳

[۱۱۴۴-۱۱۶۰۰۵-۱]

۳۶۸

کابینهٔ ریاست وزراء ـ نمره عمومی ۵۵۵۵ - دوسیه ۴۳۵ ۱/۴ تاریخ تحریر ۱۲/۸/۱۵ - تاریخ ثبت ۱۳۱۲/۸/۱۶ مسئول پاک نویس بهنام

وزارت جلیله مالیه

حسین خان ابراهیم خان کاشانی شرحی نوشته که ادارهٔ مالیه کاشان نظر به بستگی که مشارالیه با نایب حسین و پسران او دارد یک قطعه ملک او را که در قریه نیاسر کاشان واقع است توقیف نموده‌اند. لازم است مقرر فرمائید تحقیقات نموده اقدامی که مقتضی است به عمل آورده و جوابی که باید به مشارالیه داده شود اعلام فرمایند. نصرالله نخعی هدایت

[شماره سند ۱۱۴۴/۱۱۶۰۰۵/۱]

۳۶۹

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

عرض حال این فدوی یدالله خان پسر ماشاءالله خان کاشانی دارای ورقهٔ هویت نمرهٔ ۱۵۶۱۰ به آستان مبارک مبنی برای این که پس از اعدام پدر چاکر و ضبط

سرمایهٔ او، نظر به طفل بودن جان نثار، دولت مقرر داشت تا ادارهٔ نظمیه ماهی سی تومان به چاکر بپردازد. ادارهٔ نظمیه تا چند سال حقوق را پرداخت، چون حقوق به چاکر پرداخت نشد، لذا در اداره ارزاق مستخدم تا دی ماه /۱۳۰۵که دولت املاک فدویان را مسترد داشت. چاکر برای تصرف ملک از شغل مستعفی فوراً املاک توقیف و فدوی به عسرت وپریشانی دچار، از آن تاریخ تاکنون به هر وسیله که بود امورات خود را اداره نموده و اینک با پنج سر عائله بدون ممر معاش مانده‌ام. چون عواطف اشرف شامل حال بیچاره گان (بیچارگان) می‌باشد لذا برای استحضار آن مقام منیع تذکراً عرضه می دارد که سابقه نداری و بیچارگی (بیچاره گی) فدوی در تشکیلات کل مملکتی و در تمام کاشان خصوص نظمیه و مالیه موجود و نیز [به] موجب دستخط مرحوم آقا آسید محمد رضای کاشانی که یکی از مجتهدین درجه اول کاشان بوده ـ که تصدیق مهر آن مرحوم را حضرت آقای شریعتمدار حاجی سید ابوالقاسم کاشانی وجناب ملا محمد صادق می نماید، از لحاظ مبارک می گذراند و حضرت اشرف را قسم می‌دهم به حق کلام الله که به عرض چاکر رسیدگی و احقاق حق فرمائید. در خاتمه اگر در این سر زمستانی عطف توجهی معطوف نشود چند سر عائله تلف خواهند شد. امر امر مبارک است.

فدوی یدالله پسر ماشاءالله خان کاشانی

[حاشیه ۱:] مهرورودبه کابینهٔ‌ریاست‌وزراء -به‌تاریخ ۱۲/۹/۲۷۰ نمرهٔ ۶۵۴۵

[حاشیه ۲:] شغل آزادی فکر نماید. ۱۲/۹/۲۷ **[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۳]**

۳۷۰

کابینهٔ ریاست وزراء ـ نمرهٔ خصوصی ۶۵۴۵ کارتن ۳۵/تاریخ تحریر۱۲/۹/۲۸-تاریخ ثبت ۱۳۱۲/۹/۳۰ مسئول پاک نویس: بهنام

آقای یدالله خان

شرحی که راجع به تقاضای شغل نوشته بودید از مقام منیع ریاست وزراء عظام گذشت.نظر به این که تصدی شما به مشاغل دولتی موانع قانونی دارد خوب است

برای خودتان در فکر شغل آزادی باشید.

نصرالله نخعی هدایت

[حاشیه:] کابینه

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۳]

۳۷۱

۱۳/۱/۸

مقام منیع وموقع رفیع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت عظمته است

باکمال عجز خاطر مبارک را مستحضر می دارد، سال گذشته بر حسب امر وزارت جلیلهٔ مالیه، ادارهٔ نظمیه به اوضاع فدوی امیر خان ولد مرحوم نایب حسین خان کاشانی رسیدگی نمود. راپورت بی چارگی فدوی و ۸ نفر عائلهٔ بی گناه مرا تقدیم وزارت مالیه داشته. وزارت مالیه در نظر گرفتند آسایش فدوی را فراهم نمایند. پیشنهاد هم تهیه شد. در این موقع کابینهٔ وزراء تغییر، کار فدوی عقب افتاد. از آن زمان تا به حال هر چه تظلم نمودم کسی به فریاد فدوی و ۸ نفر اطفال بی گناه من نرسید. دراثر عسرت و دوندگی زیاد عیال فدوی مدتی مریض شد. از بی چیزی مدت ده روز است که عیال من تلف شده است وجنازهٔ او را هم از طرف دولت دفن نمودند. ۸ نفر اطفال دو سال سه ساله تا علا (الی) ده ساله برای من گذارده، نه چیزی دارم که سرپرستی برای بچه ها بگذارم نه خود فدوی می توانم از آنها توجه نمایم. لهذا پناهنده به آستان مبارک شده عاجزانه تمنا دارم برای رضای خدا به فریاد فدوی برسید. (از) سه کار یکی را در حق فدوی مجرا (مجری) فرمایند یا این که جزئی املاک خریداری خود فدوی راکه مربوط به دیگری نیست برای دولت هم عایدی ندارد، به خودم مسترد شود یا این که یک سرمایه‌ای که بتوانم مشغول کسب شوم با این که شقلی (شغلی) که بتوانم عهده دار شوم. چنانچه که یکی از این کارها دربارهٔ فدوی مجرا(مجری) نشود، چارئی (چاره‌ای) ندارم جز این که اطفالم را بیاورم و در دولتسرای حضرت اشرف پناهنده شوم.حضرت اشرف را به سر اعلی

حضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه قسم می‌دهم مقرر فرمائید کمیساریای ناحیه ۶به اوضاع فدوی رسیدگی نمایند. بچه نوع (به چه نوع) با ۸ نفر طفل بی مادر زنده گی (زندگی) می نمایم. امرامر مبارک است.

امیرخان

مهر ورود به‌کابینهٔ ریاست وزراء ۲۳/۲/۸ نمره ۷۴۲، ضبط شود

[سند شمارهٔ ۱-۱۱۶۰۰۵ /۱-۱۱۴۴]

۳۷۲

پشت پاکت

پست شهری مهرانگیز نام صبیهٔ نایب حسین کاشی مجدداً متظلم است، که سه طفل صغیر بدون مخارج واز هستی ساقط و هیچ محلی برای امرار معاش ندارند. سابقاً در هر ماهی پانزده تومان مستمری از طرف دولت مرحمت می شد، اکنون مدتی است مستمری او را قطع کرده اند. لهذا مستدعی رسیدگی و عطف توجه مخصوص است.

کابینهٔ محترم ریاست وزراء ۱۳/۱/۲۰

[حاشیه:] ۱۳/۱/۲۰

[حاشیه پایین:] ۱۳/۱/۱۸

[مهر] ولایتی اداره پست تهران **[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵/۱-۱۱۴۴]**

۳۷۳

۲۹ فروردین ماه ۱۳۱۳

مقام منیع حضرت هیئت معظم وزراء عظام دامت شوکتها

با نهایت احترام به شرف عرض هیئت معظم وزرای عظام می رسانیم این بنده‌گان (بندگان) و غلامان و کنیزان امضاء کنندگان ورثهٔ محصورهٔ مرحوم نایب حسین کاشانی پس از تکرار از تصدیعات به خاک پای اوروحنافداه در سال گذشته

امر و فرمان جهان مطاع صادرگردید که وزارت جلیلهٔ مالیه به ورثه فقیر مرحوم نایب حسین (این غلامان و کنیزان) از املاک متصرفی چیزی مرحمت فرمایند که از پریشانی نجات یابیم و لقمهٔ نانی تهیه و در ظل شرافت و توجهات آن هیئت معظم زیست و زنده گانی (زندگانی) نمایم (نماییم) و مشغول انجام وظیفهٔ غلامی و کنیزی دوعـا(دعـا) گـویی بـه ذات مـقدس آن ذات مـلکوتی صـفات و وجـود مـقدس والاحضرت ولایت عـهد ارواحـنافداه بـوده بـاشیم. در اثـر ایـن فـرمان مسـطاب (مستطاب) کمسارایای (کمیساریا) تهران صورتی از اسامی عمومی ورثهٔ مرحـوم پدر این بنده گان (بندگان) و ورثهٔ مرحوم ماشاءالله خان و سایر ورثه برداشتند. فعلاً یک سال می‌گذرد که هیچ خبری نشده. به ذات مقدس الهی عز اسـمه و بـه ذات اقدس اعلی حضرت شهریاری قسم است که قریباً بنده گان (بندگان) و کـنیزان از دست می‌رویم، با این دنیای کساد با وضعیت نداری،به فنا و نـیستی سـوق داده می‌شویم. مقدرات ماها را قادر متعال عز اسمه در ید توانایی آن هیئت معظم داده و البته از نقطه نظر این بوده که عدالت مخصوص به ذات مقدس ملوکانه ارواحنافداه بوده. از خداوند متعال تمّنی می کنیم که سلطنت ابدی را در آن خانواده سلطنتی مقرر فرماید و ما بنده گان (بندگان) و کنیزان عاجز و فقیر نه کسی داریم نه زبانی که در مقام تصدیع آن خاک پای مبارک برآییم ولی به عدالت آن صاحب کرم و سخی مغروریم. برای رضای خدا و برای سلامتی ذات مقدس و خانواده مقدس سلطنتی مخصوصاً ذات اقدس والاحضرت ولایت عهد، پیش از آن که بنده گان(بندگان) از بین برویم،آخرین فرمان هیئت معظم وزرایی (وزرای) عظام را صادر فرمایید و از تنگناهای مذلت و فقر و فاقه و بیچاره گی (بـیچارگی)ایـن عـاجزان را مسـتخلص فرمایید. بیش از این نمی دانم چه عرض کنم به آن هیئت معظم وزرای عظام، منتظر اصدار فرمان جهان مطاع می باشیم.

امضاء این غلام، محمد آقا- امضاء این غلام حسن خان،امضاء این غلام امیر خان،امضاء این کنیز خانم تاج، امضاء این کنیز خانم کشور، امضای این کنیز خانم مهری،این غلامان و کنیزان فرزندان مرحوم نایب حسین خان کاشانی - دو نفر مان

در تهران بیچاره و سرگردان هستیم بقیه درکاشان با نهایت بیچارگی و کمال فلاکت دوچار می‌باشیم.

آدرس کاشان محلهٔ پشت مشهد درب زیارت منزل محمد آقا خان سیف الشکر(سیف لشکر)

[حاشیه:] ذیل سند: سابقه ضمیمه شود ۱۳/۲/۱

فرمودند ضبط شود ۲/۲/(۱۳۱۳)

مهر ورود به‌کابینهٔ ریاست وزرا به تاریخ ۱۳/۲/۲. نمرهٔ ۶۷۱

[سند شمارهٔ ۱-۱۱۶۰۰۵/۱-۱۱۴۴]

۳۷۴

۱۳/۲/۱

مقام منیع و موقع رفیع ریاست وزرای عظام دام (دامت) عظمة (عظمته)

با کمال عجز و استرحام و به نام توجه به یک مشت بشر تمنا دارم شخص شخیص حضرت اشرف قرائت فرمایند

چون بخوبی می‌دانم حضرت اشرف صدها مرتبه ریاست هیئت های متشکله برای کمک به سیل و قحطی و حریق زدگان دنیا را عهده دار شده و به نام توجه به بشریت کمک ها نموده اند، لذا برای یک بار دیگر خاطر محترم را به یک عائلهٔ فقر و استیصال زده متوجه می سازد.

بیش از صدها مرتبه عرض تظلم نموده و تقاضا نموده‌ام که اطفال صغیر فدوی (امیر خان آریان پور پسر نایب کاشانی) گناهی نکرده و هیچ عاطفه اجازه نمی دهد طفل دو ساله دو شب دو شب گرسنه به سر برد به جرم این که پدربزرگ او یاغی بوده! در اثرگرسنگی و فرط غصه، متعلقه فدوی بدرود حیات گفته و شش نفر طفل رضی (رضیع) وکودک راگذاشته و رفته است. نه قدرت دارم که سرپرستی تهیه کنم نه استطاعت دارم طایه(دایه) ای انتخاب کنم. ناچارم اطفال خود را به منزل حضرت اشرف آورده و بگذارم. حضرت اشرف هم این کودکان خورد (خرد) سال

بی گناه را یادارالایتام روانه می کنند یا فکر دیگر. خلاصه راه چاره را این طریق تشخیص داده ام که بعداً پیش وژدان(وجدان) خود خجل نبوده باشم.

در اثر شکایتهای متواترهٔ سال قبل، به وسیله کمیساریای ناحیهٔ ۶ تحقیق از وضع زنده‌گانی(زندگانی) و عائلهٔ وراث نایب حسین عمل آمد که عموماً پریشان و مستأصل و بیچاره می باشند دیگر اثری نه بخشید(نبخشید) و چون فدوی شغلی نمی توانم عهده دار بشوم، ناگزیر باز ملتجی می شوم یا مقرر فرمایید املاکی که مال شخصی فدوی است و ارتباطی با املاک نایب ندارد بدهند. یا شغلی که از عهدهٔ چاکر برآید محول نمایند که لقمه نانی تحصیل کنم یا اجازه بدهید در خارج از مرکز مشغول به زراعتی و فلاحت و رعیتی بشوم که بتوانم لقمه نانی تهیه کنم. خلاصه فدوی و عائلهٔ فدوی ایرانی و به حکم رعیتی ایرانیت باید از هوا و محیط این ملک استفاده ببرم و به تصدیق دوسیهٔ مطروحه در وزارت جنگ نه یاغی بوده نه تقصیری مرتکب شده‌ام. فقط گناه فدوی این است که پسر نایب حسین هستم!..

این بود عرض حال فدوی و ۶ نفر طفل صغیر، حال خود دانید. آخرین مرتبه عرض شد که اگر اطفالم در اثر گرسنگی قوای بدنی را از دست داده و یکی در پی دیگر(ی) بمیرد در آستان خدا مسئول نباشم. امر امر شما[است.]

وزرای عظام را به سراعلی حضرت قدر قدرت پهلوی اروحنافداه قسم می‌دهیم به فریاد فدوی برسید. امر فرمااید (فرمایید) به‌کمیساریای ناحیه ۶ به اوضاع فدوی رسیدگی نمایند. بچه نو(به چه نوع) زنده‌گی (زندگی) می‌نمایم با شش نفر طفل بی مادر. امر امر مبارک

[حاشیه:] از نظمیه استفسار شود که آیا اولاد نایب حسین ممنوع اند از این که در خارج از مرکز به‌کاری مشغول شوند یا اجازه دارند و نوشته شود که این سؤال را برای این می کنیم که اظهار پریشانی کرده و یکی از شقوقی که برای رفع پریشانی خود می کند این است که اجازه داشته باشد در خارج از مرکز به زراعت و فلاحت مشغول شود و چون شقوق دیگری که تقاضا دارد، از قبیل ارجاع شغل یا استرداد املاک،عملی نیست، این شق اگر مانعی ندارد ممکن است قبول شود. ۱۳/۲/۸

مهر ورود به کابینهٔ ریاست وزراء، به تاریخ ۱۳/۲/۱، نمره ۶۶۴

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵/۱-۱۱۴۴]

۳۷۵

وزارت مالیه، اداره کل عایدات - دایره خالصجات - به تاریخ ۱۳۱۳/۲/۹ نمره ۲۸۸۸۱

مقام محترم ریاست وزراء عظام

در جواب مرقومه نمره ۵۵۵۵ راجع به اظهارات و دعاوی حسین خان ابراهیم خانی کاشانی نسبت به یک قطعه ملک واقعه در نیاسر ضبطی از اشرار کاشان معروض می دارد که مشارالیه به چند قطعه از املاک خالصه نیاسر ادعا می‌نمود به خود او جواب داده شد چنانچه برای اثبات دعوی خویش مدارکی دارد ممکن است به دیوان محاکمات مالیه مراجعه نماید. وزارت مالیه داور[۱]

مهر ورود به کابینه وزراء به تاریخ ۱۳/۲/۱۱ - نمره ۸۳

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۴]

۳۷۶

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره تامینات، به تاریخ ۱۳۱۳/۲/۲۶، نمره ۳۳۳۶/۱۱۵۵

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکته

عطف به مرقومه محترمه نمرهٔ ۶۶۴ راجع به استدعای امیر خان پسر نایب حسین کاشی که در خارج از مرکز به زراعت مشغول گردد،معروض می دارد در

---

۱. علی اکبر داور فرزند کلب علی خان خازن خلوت از کارمندان وزارت دادگستری بود که پس از مدتی دادستان اولیه شد که برای ادامه تحصیل به سویس رفت و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و در ۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و روزنامه مردآزاد را تأسیس نمود. مدتی رئیس فرهنگ شد. همچنین چند دوره نماینده مجلس - وزیر فواید عامه. وزیر دادگستری و وزیر دارایی شد. وی به سال ۱۳۱۵ هـ‌ش خودکشی کرد. (مرسلوند، حسن - زندگی نامهٔ رجال و مشاهیر ایران - ج ۳)

سابقهٔ موجود در تشکیلات نظمیه امر مخصوصی که حاکی از عدم خروج پسران نایب حسین از مرکز باشد در دست نیست ولی دوسیه‌ای که در این موضوع تشکیل شده عیناً درکابینه ریاست محترم وزراء ضبط می‌باشد.

رئیس کل تشکیلات کل نظمیه مملکتی امیر لشکر آیرم[1]

[حاشیه:] دوسیه را ارائه فرمایید ۱۳/۲/۲۹

مهر ورود به‌کابینه ریاست وزرا به تاریخ ۱۳/۲/۳۰ نمره ۱۲۹۶

[شماره سند ۱۱۶۰۰۵/۱-۱۱۴۴]

۳۷۷

کابینه ریاست وزرا، نمره عمومی ۱۴۵۷، کارتن ۳۵ ۱/۴ تاریخ پاکنویس ۱۳/۳/۷ ، تاریخ ثبت ۱۳/۳/۸

آقای امیر خان آریان پور کاشانی

در جواب مشروحه شما راجع به تقاضای اجازهٔ اشتغال به زراعت و فلاحت در خارج از مرکز اشعار می‌شود که کسی مانع شما نیست که در خارج از مرکز به زراعت مشغول شوید.

عبدالحمید ملک الکلامی[2]

سواد مراسلهٔ فوق در جواب مراسلهٔ نمره ۳۹۰۳/۱۳۲۶ تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی ارسال می‌شود.

---

۱. محمد حسین آیرم پسر یکی از ایرانیان مهاجر قفقاز در سال ۱۲۶۱ شمسی متولد شد. پس از کودتای ۱۲۹۹ ش و مورد توجه قرارگرفتن توسط رضا خان سردار سپه به فرماندهی بر یگاد مستقل شمال ارتقاء یافت و بعد امیر لشکر آذربایجان شد. در ۱۳۰۶ ش رئیس بازرسی ارتش و در ۱۳۰۹ ش عازم اروپا شد. در بازگشت رئیس بازرسی پلیس گردید و بعد رئیس کل شهربانی شد. وی در ۱۳۱۴ ش ازکشور خارج شد و پیش از آن که رضا شاه به اعمال خیانتکارانه‌اش پی ببرد خود را از مهلکه رهانید. در آلمان وی مورد توجه دولت فاشیستی قرارگرفت و رسماً تحت حمایت پلیس (اس.اس) و (هیملر) درآمد. اما چندی بعد مورد سوء ظن مقامات آلمان واقع و بازداشت شد. پس از شکست آلمان در جنگ به یکی از روستاهای مرزی آن کشور رفت و در همان جا درگذشت. (زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران. ج ۱)

۲. رئیس دفتر نخست وزیری به سال ۱۳۱۳ ش و از خطاطان مشهور بود.

۳۷۸

مقام منیع و موقع رفیع هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم و جلالتهم

عاجزانه و ذلیلانه استرحام می‌کنیم و استدعا و تمنا داریم برای رضای خداوند قهار برای رضای رسول اکرم(ص) بنام عدالت یا ذره پروری و بالاخره از جهت استغاثهٔ بیچارهٔ بی خانمانی عطف توجه به عرایض این بیچارگان بفرمایید و قرار مقتضی درباره این عاجزان و مظلومان صادر فرمایید. این بیچارگان ورثه مرحوم نایب حسین کاشی که از شدت فقر و فاقه و پریشانی و در نتیجه گرسنگی از چند روز قبل به این طرف ۳ نفر ازکسان ما به شرح ذیل وفات نمودند:

عیال امیرخان عیال نایب حسین پدر ماها عیال نایب علی شجاع لشکر

به عرض می رسانیم اگر ماها یهودی یا طبیعی و یا دهری و بالنتیجه به هیچ دیانتی قائل نبودیم بلکه اهل این آب و خاک نبودیم بلکه اگر هم اهل حبشه و زنگبار و بالاتر اگر ما حیوان ناطق بودیم تا این درجه عذاب ما را بس بود. تصدیق بفرمایید که هرکس لقمه نانی در دست دارد، نمی‌تواند ببیند خود بخورد و حیوانی گرسنه باشد. ماها که غالباً زن هستیم و هرکدام مرد هم هستیم پیر و ضعیف و ذلیل می‌باشیم. بعلاوه صاحبان زن و بچه و اطفال پریشان هستیم، قابل طاغی گری و یاغی گری نبوده و نیستیم. آزار ماها به واسطه پدران ماها یا دیگران مطابق عدل نیست بعلاوه تصور می کنیم پدران ماها و خودمان هیچ از مال دنیا نداشته و نداریم و مسلمان هم نیستیم و اهل این وطن هم نمی‌باشیم آیا اگر ازگرسنگی اگر از بی منزلی اگر از دربدری اگر از بی چارگی بمیریم، نباید یک نفر در این مملکت به فریاد ماها برسد. اگر مکافات است برما زن و بچه چه تقصیری است. آیا هیچ کسی مثل ما بیچاره شده نه والله نه بالله نه به خدای عالم و آدم. آخرین وظیفه ما این است که استرحام کنیم و عرض کنیم ما چیزی نداریم بی منزلیم بی چاره‌ایم، راه معاش نداریم. یک منزلی برای ماها معین کنید. یک راهی برای زندگانی ماها معین بفرمایید. قوت لایموتی به ما بدهید. بر بی چارگی ما رحم کنید. بر عیال و اطفال بی چاره ما ترحم فرمایید. البته عدالت، مخصوص هیئت معظم دولتی است و قانون

عدل هم اقتضا نمی کند که یک نفر خود و خانواده‌اش سیر باشد منزل داشته باشند اولاد و اطفال آنها در کمال اطمینان و رفاه باشد، یک نفر هم نه منزل داشته باشد نه لباس نه خوراک نه استراحت داریم. آیا خدای متعال همین طور مکافات می‌فرماید، نه والله دور است از کرمش، ما هر دقیقه و هر ثانیه از خدای متعال درخواست مرگ خود را می‌کنیم. چرا که یک دفعه راحت شویم و بیش از این خونابه به جگر نخوریم .بخت بدبین کز اجل هم ناز می باید کشید. بیش از [این] جسارت نکنیم. خلاصه برای این که در سختی هستیم برای این که گرسنه و بی خانمان هستیم برای این که مرگ ما را یک‌یک می‌رباید و محتمل است در پیشگاه عدل الهی مقصر باشیم از این جهه(جهت) باز هم عجز و لابه وانابه می کنیم و آن هیئت مقدسه [را] به حقیقت حق به حقیقت عدالت به ووو قسم می‌دهیم که رحمی به ماها بنماید. منتظر جواب هستیم، ولی قبل از این که مرگ ما را برباید جواب مرحمت فرمایید.

ورثه

[شماره تنظیم سند $\frac{۱۱۶۵۰۰۵\text{-}۱}{۱۱۴۴\text{-}۴}$]

۳۷۹

کابینهٔ ریاست وزراء، تاریخ ثبت ۱۳۱۳/۳/۱، تشکیلات کل نظمیه مملکتی

درجواب مراسله نمرهٔ $\frac{۳۳۳۶}{۱۱۵۵}$ راجع به امیرخان پسر نایب حسین کاشی اشعار می شود که مراسله نمرهٔ ۸۵۳ مورخهٔ ۱۸ میزان ۱۳۳۹ هجری (قمری) نظمیه که در دوسیه موجود است، حاکی است از محکومیت محمد حسن خان و امیرخان به ده سال حبس، لهذا مقتضی است که جواباً معین نمایند که آیا علاوه بر محکومیت مزبور که از قرار مفاد مراسلهٔ مزبوره به موقع اجرا نیزگذارده شده است، اکنون علل و موجبات دیگری است که مانع پذیرفتن تقاضای مشارالیه راجع به اشتغال در خارج از مرکز به زراعت باشد تا تصمیم لازم گرفته شود.

عبدالحمید ملک الکلامی ۱۳/۲/۳۱

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵/۱-۱۱۴۴]

۳۸۰

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره تأمینات - به تاریخ ۱۳/۳/۳ - نمره ۳۹۰۳/۱۳۲۶

مقام منیع ریاست محترم هیئت وزراء عظام دامت شوکته عطف به مرقومه محترمه نمرهٔ(۱۲۹۶) ۱۳/۳/۱ راجع به امیر خان ولد نایب حسین کاشی بطوری که طی نمرهٔ ۱۱۵۵/ ۳۳۳۶ مورخه ۱۳/۲/۲۶ به عرض رسانیده، در سابقه موجود در تشکیلات نظمیه امر مخصوصی به نظر نمی رسد که ناشیٔ از عدم خروج پسران نایب حسین کاشی از مرکز باشد. در این صورت پذیرفتن استدعای مشارالیه منوط به اجازه و امر مبارک است. از طرف رئیس تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی نبیل
[حاشیه:] جواب به امیر خان نوشته شود که کسی مانع نیست از این که در خارج از مرکز به زراعت مشغول شود. به نظمیه سواد فرستاده شود.۱۳/۳/۶
[حاشیه:] سابقه ۱۳/۳/۵ - ضمیمه شد ۱۳/۳/۶

مهر ورود به کابینه ریاست وزراء به تاریخ ۱۳/۳/۶ - شماره ۱۴۵۷

[شماره سند ۱-۱۱۶۵۰۰۵/۱-۱۱۴۴]

۳۸۱

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت عظمته

با کمال توقیر و احترام خاطر مبارک را مستحضر می دارد. بسیار جای تعجب است که بندگان حضرت عالی استرداد و مطالبهٔ حقوق حقهٔ یک مشت زن و بچهٔ بی‌گناه وارث حسین کاشانی را به هوچی گری تلقی فرموده‌اید، در حالتی که در تمام ممالک متمدنه و غیر متمدنه معمول است که پس از قلع و قمع اشرار، اموال آنها را که البته مرتکب تقصیری نشده اند به بازماندگان آنها واگذار می نمایند و از طرفی حیثیات و اعتبارات و تصمیمات دولت را مقدس شمرده و لازم الاجرا می دانند. در سنهٔ ۱۳۰۵ تصویب نامه از مقام منیع هیئت وزراء عظام صادر و به موجب آن جزیی ملک خرابه به چاکران که دیناری برای دولت استفاده نداشت مسترد داشتند. ولی

پس از چندی،مجدداً به امر رئیس کل مالیه توقیف موقت شد. اینک به حضرت اشرف که یکی از رجال نامی و مقننین قانون هستید پناهنده [شده] و معروض می‌داریم که اگر تصویب هیئت محترم دولت بر خلاف مقررات [است] و اثر قانونی ندارد که سریعاً این جانبان را از عدم اعتبار امضاء و تصمیم هیئت معظم دولت مستحضر و چنانچه بر طبق مقررات و فقط برای دسایس و یک مشت عائلهٔ غارت زده و بی گناه بوده که تقاضای صدور اوامر عالیه را راجع به اجرای حکم داریم.

وراث نایب حسین، نایب علی، ماشاءالله خان کاشانی

آدرس کاشان پشت مشهد ۱۱ خرداد ماه ۱۳۱۳

[ذیل نامه:] به عرض برسد. ۱۳/۳/۱۷، [حاشیه] ضبط شود ۱۳/۳/۱۷

مهر ورود به کابینه ریاست وزراء تاریخ ۱۳/۳/۱۷ نمره ۱۷۳۵

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱/۱۱۴۴-۱۱۴۴]

۳۸۲

قابل توجه هیئت وزرای عظام

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

موقع رفیع کابینه مقدس اعلی حضرت همایونی دامت شوکته

مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت عظمته العالی

با کمال ادب و احترام به عرض مقدس امنای دولت و ملت و مقننین این مملکت و این حافظین حقوق می‌رسانیم و یقین داریم اگر عرایض ما بیچارگان اصغاء نمی شود. اگر به حال ما ضعفا نمی نگرند و بالجمله اگر و اگر... ولاکن این نکته تا در جه ای مسلم است [که] حیثیات و اعتبارات هر امضائی در ممالک متمدنه و بلکه غیر متمدنه باید محفوظ باشد؟؟؟ در این مملکت قوهٔ اجرایی وقت به تصویب نامه مقدسه هیئت جلیله وزرای عظام که طی نمره ۱۰۸۳۱ / ۱۱دی ماه ۱۳۰۵ صادر شده و سواد آن را از لحاظ مبارک می گذراند صادر شده نفرموده اند و یا غفلت و تغافل فرموده اند. آیا ممکن است که تصور شود تصویب نامه هیئت دولت

مقدس نیست؟ آیا معقول است که تصدیق شود امضای این هیئت محترم مقدس نباشد. نعوذ بالله، آیا می توان اظهار عقیده نمود که قوه مجریه در این مملکت وقعی به قوه قضایی نمی گذارد، خیر، بازهم خیر. آیا می‌توان اذعان نمود که اعلی حضرت همایونی پدر مهربان افراد این مملکت بتوانند از رأفت و عطوفت و مهربانی به افراد حتی افراد غیر مایل این آب و خاک دست بردارند نه به ذات مقدس ملوکانه. پس چه شده که ما یک مشت زن و مرد بیچاره از رحمت بی پایان اعلی حضرت ملوکانهٔ و از قوانین مملکتی بی بهره‌ایم. هیچ تصوری نمی شود جز آن که عرض کنم آن هم دلیل بیچارگی ما است. خلاصه اگر این تصویب نامه طی مراحل قانونی کرده و اگر مجعول است جواب صریح را متمنی هستیم و اگر از مقام مقدس بر حسب امر مقدس صادر شده و طی مراحل قانونی کرده هر قیمت است، گران بهاء است. لازم الاجرا است. تقاضای عطف توجه به معروضات خود داریم و متمنی است بذل عنایت فرموده قرار اجرای تصویب نامه سابق الذکر را داریم.

وراث نایب حسین،وراث نایب علی،وراث ماشاءالله خان کاشانی

آدرس کاشان پشت مشهد -

[مهر] ورود به کابینه ریاست وزراء،به تاریخ ۱۳/۳/۱۷، نمره ۱۷۳۹

[ذیل سند:] ضبط شود ۱۳/۳/۷ [سند شمارهٔ ۱-۱۶۰۰۵/۱-۱۱۴۴]

۳۸۳

کابینه ۱۴۸۸۹

مقام منیع بندگان حضرت اشرف آقای وزیر مالیه دامت شوکته

بعد از آن که دولت پدر این جانبان امیر خان و احمدخان[۱] پسران نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی را اعدام نمود تا مدتی از طرف ادارهٔ نظمیه شهریه به این جانبان می پرداختند تا سنه ۱۳۰۵ در زمان ریاست وزرائی مرحوم مستوفی الممالک تصویب نامه ۱۱۸۳ صادر و املاک این جانبان را مسترد نمودند، ولی پس

۱. یکی از پسران ماشاءالله خان کاشی بود.

از چندی مجدداً املاک این جانبان را توقیف نمودند. مجدداً دچار عسرت و پریشانی گردیدم تا در سال گذشته آقای تقی زاده[1] تصمیم گرفتند که یک قسمت از املاک این جانبان رامسترد دارند. در این ضمن کابینه مستعفی و مکرر به حضرت اشرف پناهنده شده و استدعای مساعدت نمودیم، ولی متأسفانه از طرف دولت هیچ نوع مساعدتی نسبت به چاکران به عمل نیامد. اخوان این جانبان که از ما بزرگتر بودند و دارای تحصیلات کافی بودند به وسایلی مشاغلی برای خود تهیه نموده، و امرار معاش می نمایند. فقط دو نفر در بین این فامیل نه سواد کافی داریم که داخل در خدمت دولت شویم نه سرمایه داریم که مشغول کسبی شویم. این بود که به حضرت اشرف پناهنده شده و استرحاماً استدعای عاجزانه داریم در مقابل کلیه دارایی شخصی و پدری این جانبان که توقیف است، سرمایهٔ کسبی به این جانبان مرحمت فرمایید که به آن مشغول کار می شویم. بدیهی است وجدان پاک حضرت اشرف راضی نخواهد شد که بیش از این از طرف اولیای امور نسبت به این جانبان عدم توجه بشود و در بیکاری و گرسنگی در این مملکت دچار بدنامی و عسرت شویم یقین است به نام نوع پروری از طرف بندگان حضرت اشرف بذل لطفی نسبت به این جانبان خواهد شد.

امیرخان پسر نایب حسین کاشانی، احمد خان پسر مرحوم ماشاءالله خان کاشانی

خیابان ناصریه عکاس خانهٔ عصر طلایی

[مهر] ورود به کابینه وزارت مالیه تاریخ ۱۴/۱/۱۹ نمره ۷۲۷۴۵

[شماره میکروفیلم ۱-۸۷-۹۵-۲۴۰]

---

۱. سید حسن تقی زاده پسر سید تقی در ۱۲۹۶ ق متولد شد. وی بارها به نمایندگی مجلس شورای ملی و وزارت انتخاب شد و در زمان جنگ جهانی اول که در آلمان به سر می برد روزنامه کاوه را منتشر نمود. تقی زاده جزو چند نماینده مجلس بود که با لایحه خلع سلطنت از قاجاریه و سلطنت پهلوی مخالفت کرد. در سال ۱۳۱۲ هـ ش قرارداد ۲۶ ماده ای نفت راکه برای ۶۰ سال دیگر امتیاز نفت ایران را به انگلیس واگذار می‌کرد، به مجلس برد و به تصویب رساند و بعد از آن وزیر مختار ایران در فرانسه شد و تا ۱۳۲۰ شمسی که رضا شاه از سلطنت خلع شد و به کشور بازگشت در دانشگاه کمبریج به تدریس مشغول بود. بعدها به سناتوری و ریاست مجلس سنا برگزیده شد. وی در ۱۳۴۹ ش درگذشت. (زندگی نامهٔ رجال و مشاهیر ایران ـ ج ۲)

۳۸۴

نمره عمومی ۱۰۱۴۵، تاریخ ثبت ۱۳۱۴/۱۲/۲
ریاست مجلس شورای ملی

در جواب رقیمه نمره ۲۸۴۲ راجع به به شکایت ورثه نایب حسین اشعار می‌شود که چندین سال است از این اشخاص تقاضاهای بی مورد که انجام آن میسر نیست رسیده و می رسد و بدیهی است که نایب حسین و کسان او که مرتکب انواع عملیات سوء بوده و به مجازات رسیده اند مورد تعجب خواهد بود که وراث او در مقام تقاضای مساعدت برآمده و بخواهند دستی نیز چیزی از دولت بگیرند و چنان که مکرر هم به آنها جواب داده شده باید درصدد کار آزادی باشند. مقرر خواهید فرمود جواب لازم به آنها بدهند. عبدالحمید ملک الکلامی

[شماره تنظیم سند ۱۱۶۰۰۵-۱ / ۱۱۴۱]

۳۸۵

مجلس شوررای ملی، مورخه ۱۴/۱۲/۱۷، شماره ۲۸۳۲
ریاست وزراء

به طوری که قبلاً تصدیع داده شده چندی است ورثهٔ نایب حسین کاشانی راجع به فقر و پریشانی خود به مجلس شورای ملی متوسل و به جوابهایی که حسب المعمول به آنها داده شده قناعت نکرده و پیوسته اظهارات خود را تکرار می نمایند که مستلزم جواب قاطعی است. بدیهی است نتیجهٔ تصمیمی را که در حدود امکان نسبت به اوضاع و احوال آنان اتخاذ فرموده اید اعلام خواهید داشت که بیش از این شکایت ننمایند. رئیس مجلس شورای ملی
حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه)

[ذیل نامه:] آیا در هیئت وزرا سابقه دارد؟

[مهر] ورود به کابینهٔ هیئت وزرا به تاریخ ۱۴/۱۲/۱۷ شماره ۱۰۱۴۵

[سند شمارهٔ ۱۱۶۰۰۵-۱ / ۱۱۴۱]

۳۸۶

ریاست وزراء

راپرت

ضبط املاک اشرار کاشان سوابق خیلی مفصلی در کابینه ریاست وزراء دارد. قسمتی از املاک مزبور که متعلق به دیگران و در جزو املاک مزبور ضبط شده بود به موجب تصویب نامه های صادره به صاحبانش مسترد و بقیه به عنوان خالصه‌گی ضبط دولت شده است و به وراث آنها در این مدت، همیشه جواب رد داده شده است که برای استحضار خاطر مبارک چند فقره آن ضمیمه گردید. ۱۴/۱۲/۱۸

[حاشیه:] باز هم جواب رد داده شود، خیلی غریب خواهد بود که با آن همه مظالم نایب حسین کاشی چیزی هم دستی از دولت بگیرد. ۱۴/۱۲/۱۹

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۸۷

مجلس شورای ملی، مورخه ۱۴/۱۲/۲۸، شماره ۳۱۲۹

ریاست وزراء

با تذکر از وصول رقیمه جوابیه شماره ۱۰۱۴۵ -۱۴/۱۲/۲۰، راجع به اظهار فقر و پریشانی ورثه نایب حسین کاشانی لزوماً اشعار می دارد که اعمال و رفتار نایب حسین و پسران او مورد تردید نیست چنان که به سزای خود رسیدند. لیکن این ها یک عده زن های پیر و طفل های صغیر هستند که همه رعیت شاهنشاه [بوده] و در گناه آنها شریک نبوده‌اند. اگر الحاح این عده زن و بچه از طرف مجلس به اطلاع آن مقام محترم می رسد به این لحاظ است.

رئیس مجلس شورای ملی

حسن اسفندیاری

[مهر] ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۱۴/۱۲/۲۸، نمره ۱۰۵۹۲

[حاشیه:] به عرض می رسد ۱۴/۱۲/۲۸ دوسیه ضمیمه شود ۱۵/۱/۹

قسمتی از دوسیه آخر ضمیمه است. **[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۳۸۸

ریاست وزرا، وزارت مالیه

ورثه نایب حسین کاشانی از فقرو پریشانی خود همیشه و مزاحم اولیاء امور می شوند. اخیراً هم شرحی به ریاست مجلس شورای ملی عرض و استدعای عطف توجهی نسبت به حال خود دارند. چون وزارت مالیه سابقاً در این باب تصمیمی اتخاذ نموده، متمنی است از جریان امور ریاست وزرا را مستحضر فرمایند. جواب قاطعی داده شود که تکرار مطلب نه نمایند (ننمایند)

[حاشیه:] نمره ۱۰۵۹۲-۱۵/۱/۶، تجدید شد

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۸۹

وزارت مالیه، اداره خالصه، بتاریخ ۱۳۱۵/۲/۵

ریاست وزراء

در جواب مرقومه نمره ۱۰۵۹۲(۶-۱-۱۵) راجع به شکایات ورثه و کسان حسین کاشانی که از تصمیم وزارت مالیه استعلام فرمودند زحمت افزاست به طوری که طی نمره ۳۰۵۵۵ (۱-۸-۱۳۱۴) نیز توضیح داده شد، در مقابل صدمات و تضررات وارده از مشارالیه و بستگان او به دولت و قلت مقدار جزئی ملک و خانه که قیمهٔ (قیمت) آنها نسبت به خسارات مذکور قابل مقایسه نیست باقی ماند که غالب آنها به فروش رسیده یا معاوضه گردیده و اگر به درخواست آنها که عدهٔ زیادی هستند ترتیب اثر داده می شد چند برابر آنچه هم ضبط شده کفایت نمی کرد. لذا وزارت مالیه تاکنون به شکایات متوالیه آنها نتوانسته است ترتیب اثر بدهد.

از طرف وزیر مالیه سروری

[حاشیه:] ضبط شود

مهر ورود به کابینه ریاست وزراء به تاریخ ۱۵/۲/۷ - نمره ۱۴۸۶

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۹۰

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

اضطراراً معروض می دارد بعد از این که دولت پدر این فدوی ماشاءالله خان کاشانی را اعدام و سرمایه او را ضبط نموده تا پنج سال اداره شهربانی مخارج چاکر را عهده دار بود. در دی ماه ۱۳۰۵ بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه، هیئت وزراء عظام املاک فدوی را تصویب و مسترد، مجدداً املاک توقیف و چاکر را به عسرت و پریشانی دچار و با این که در زمان حیات پدرم ربطی به وضع سلوک او نداشته‌ام در اثر پریشانی هنوز نتوانسته [ام] حقانیّت خود را به مقامات صالحه ثابت نمایم. اینک به نام عدل و انصاف پناهنده و جز الکاء (اتکاء) بر عواطف رحیما نه و نوع پرستی آن ذات مقدس ملجأ و پناهی نداشته و ندارم و نیز وجدان پاک حضرت اشرف را حَکَم قرار داده که در عصری که از پرتو علم هر فردی از افراد به وسایل علوم عالیه و معلومات فنی و سرمایه های مکفی امر معاش خود را اداره می‌نمایند، شخص بی سواد و بی سرمایه [ای] مثل چاکر با یک دسته عائله چطور می تواند امر معاش خود را اداره نماید. در این صورت از پیشگاه مقدس استدعای عاجزانه دارد، در صورت مقتضی امر و مقرر فرمائید تا جزئی ملکی به فدوی واگذار تا به وسیله زراعت لقمه نانی تحصیل نموده به دعاگوئی بقای عمر اشتغال ورزم.

فدوی یدالله آریان پور پسر ماشاءالله کاشی

[مهر] ورود به کابینهٔ ریاست وزراء - تاریخ ۱۵/۹/۱۰ - نمره ۱۱۲۰۹

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۹۱

مجلس شورای ملی، سواد عریضه به امضای ورثهٔ نایب حسین کاشانی ۱۵/۱۰/۲، پیوست شمارهٔ ۶۴۱۳ مورخهٔ ۱۳۱۵/۱۰/۷

جناب رئیس مجلس شورای ملی

کمینه ها شش نفر از ورثهٔ نایب حسین کاشانی به آستان مقدس ملتجی شده و

استرحاماً استدعا داریم محض رضای خدا و سلامت وجود اعلی حضرت قدر قدرت همایونی اروحنافداه عطف توجهی فرموده و ما را از گرسنگی و بیچارگی راحت فرمایید.

تمام املاک پدر و کسان کمینه ها توقیف است و ما با یک دسته اطفال یتیم سر گردان و در بدر هستیم. استدعا داریم امر فرمایید جزیی ملک برای گذران کمینه ها از املاک پدران ما واگذار شود یا یکی از خانه هایی که خراب افتاده و به هیچ وجه قابل استفادهٔ دولت نیست برای سکونت ما فلک زده‌ها که اقلاً لقمهٔ نان و محل سکونتی داشته باشیم. حضرت اشرف را قسم می دهیم به تاج اعلی حضرت اقدس پهلوی که بیش از این راضی به دربدری و بیچارگی ما شش نفر ورثهٔ نایب حسین کاشی نشده که بعضی در تهران و بعضی در کاشان اسیر ودربدر هستیم و امر فرمایید مالیهٔ کاشان وسایل آسایش ما را فراهم آورد. بسته به وجدان پاک حضرت اشرف است.

کمینه ها: محمد آقا، امیر خان، حسن، خانم تاج[1]-، خانم کشور[2]، مهری خانم و بی کاره هم هستیم.

اولادهای نایب حسین کاشی منزل حسین خان ولد علی اکبر به دست خانم کشور برسد، دختر نایب حسین.

توضیح آن که سال گذشته حضرات مجلس نوید به کمینه ها دادند. ولی چشم به راه امر وکلا بودیم خبری نشد و بعضی ازکمینه ها از بین رفتند و ما باقی ماندیم گرفتار وسرگردان.

با اصل مطابق است رییس دبیر خانه

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵/۴-۱۱۴۴]

---

۱. خانم تاج یا تاج دخت از دختران نایب حسین کاشی از بطن زن نشلجی خود که به نام همسر ناکام نخستین خود او را بدین نام خواند.(طغیان نایبیان)

۲. خانم کشور یا کشور دخت دومین دختر نایب حسین کاشی از بطن همان زن نشلجی. (طغیان نایبیان)

۳۹۲

مجلس شورای ملی، اداره دبیرخانه، مورخه ۱۹ دی ماه ۱۳۱۵، شماره ۶۵۰۳
ضمیمه رونویس نامه
ریاست وزراء
عطفاً به شماره ۳۱۲۹/۱۴/۱۲/۲۸ به طوری که مستحضر هستید ورثهٔ نایب حسین کاشی پیوسته در فقر و پریشانی شاکی و در تعقیب اظهارات سابقه، مجدداً استرحام و استدعا کرده اند از املاک ضبطی دولت خانه ای که می گویند خراب و حتی برای دولت قابل استفاده نیست جهت سکونت به آنها اعطا شود. اینک چون متظلمین جوابی را که مستلزم رعیت داری است منتظرند، لذا رونویس عریضه اخیرهٔ آنان که امروز یک عده رعیت ضعیف دولت شاهنشاهی و شاید قابل ترحم هم هستند برای جلب توجه لفاً ایفاد می شود.

رئیس مجلس شورای ملی

شبهه ندارد که اولیای دولت شاهنشاهی راضی نیستند که یک عده زن و بچه در این زمستان شدید، بی‌وسیله و زندگانی، دائماً در جلوی مجلس تشکی و استمداد نمایند. بدیهی است که نایب حسین و ماشاء الله به جرم خطاهای خود گرفتار شدند. ولی این بقایا که ظاهراً بی گناه و رعیت دولت می باشند نبایستی این طور بی‌سرانجام باشند. از مجلس در تعقیب اظهار آنها و پریشانی آنها، مکرر تذکر داده شده که هنوز به نتیجه نرسیده. این است که باز به واسطه تجدید آنها تذکر می‌شود توجهات دولت شاهنشاهی چه مقرر فرمایند. امضاء حسن اسفندیاری
مهر ورود به دفتر ریاست وزرا به تاریخ ۱۵/۱۰/۱۹ به شماره ۱۲۶۷۸[1]

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۵۰۰۵-۳-۱۱۴۴]

---

۱. مسلماً نامه تنظیمی در مجلس همان چند سطری بوده که به ایفاد می شود ختم می شده چنان که جای امضا مشخص شده، ولی شادروان محتشم السلطنه از روی مهربانی و توجه به وضع ناگوار بازماندگان نایب حسین، سطور بعدی را با خط خوش و شیرین خود افزوده و امضای خود را به سادگی تمام در زیر نامه گذاشته، روانش شاد باد.

۳۹۳

ریاست وزراء، نمره عمومی ۱۲۶۷۸ -کارتن ۲۵ ۵/۴ - تاریخ ثبت ۱۰/۲۲ ماه ۱۳۱۵

ریاست مجلس شورای ملی

در پاسخ نامه شماره ۱۹/۶۵۰۳ دی ماه ۱۳۱۵ راجع به شکایات ورثهٔ نایب حسین کاشانی استحضاراً اشعار می شود که بر طبق اطلاعی که از وزارت مالیه رسیده است در مقابل صدمات و ضررهای وارده به دولت از نایب و بستگانش مقدار کمی از ملک و خانه که ارزش آنها نسبت به خسارات مذکوره قابل قیاس نیست باقی مانده که غالب آنها به فروش رسیده یا معاوضه گردیده است و با این وضعیت به هیچ وجه نمی توان اقدامی در این باب نمود. لهذا مقرر فرمائید که راجع به شکایات آنها ترتیب اثر ندهند وبه نحوی هم به آنها خاطر نشان کنند که اظهار خود را موقوف نمایند. عبدالحمید ملک الکلامی ۱۵/۱۰/۲۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۳-۱۱۴۴۰]

۳۹۴

مقام منیع و موقع رفیع ریاست جلیله وزرا عظام دامت عظمته، مورخه ۱۵/۱۱/۵

باکمال ادب و احترام به عرض عالی می رساند

جان نثار عزیز الله ولد محمد آقا پسر نایب حسین کاشی که در تعقیب اعدام نایب حسین و توقیف علاقه‌جات مشارالیه که باعث خانمان سوزی و استیصال بازماندگان او گردید به مرض اکمه وکری مبتلا گردیده و چون استرداد املاک متصرفی پدرم از طرف مالیه وقت به مسامحه و تعویق افتاده بود، جان نثار بر اثر فقر و استیصال مدت ده سال به این طرف به وسیله دسترنج از شغل سیگار پیچی با سه نفر خواهر صغیر امرار معاش می نمودیم. لیکن در این اواخر بر اثر تشکیل موسسه دخانیات و تبدیل یافتن سیگار پیچی به ماشین های مخصوص، چون این بنده را بر

اثر ضعف قوای بدنی و علت کری گوش و عدم استطاعت شغل دیگر بدست نمی‌آمد با خواهرانم در تهران به بلاتکلیفی درماندیم و نظر به این که از طرف مقامات مقدسه بذل توجهی به عرضمان نمی شد، بعضی از خیر خواهان که بر پریشانی احوالم مسلط بودند مرا به حضور آقای دکتر حکیم الدوله و دکتر امیراعلم روسای جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران معرفی نمودند و به موجب تفحص از وضعیت احوالم از طرف وزارت جلیله مالیه تقاضای استمداد گردید و چون در آن موقع قرار بود که به ورثهٔ نایب حسین کاشی استعانتی بفرمایند لذا قرارداد مقدسه نمره ۳۲۵۲ که سواد آن را از لحاظ مبارک می گذراند به جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران ابلاغ گردید. پس در تعقیب این قرارداد مقدسه که او را متحتم و لازم الاجرا می دانستند تا مدتی این بنده را به عنوان طفره و نوید سرگردان و بلاتکلیف گذاشتند و با این که مجلس شورای ملی هم شرحی راجع به استعانت فدوی به وزارت جلیله مالیه مرحمت فرموده اند ولیکن از طرف آن وزارتخانه بذل توجهی به عمل نیامد تا عاقبت کار به جایی رسید که در نتیجه فقر و فلاکت مستأصل به کاشان آمده و به فعله گری درماندم. تا در این اواخر بر اثر بدبختی دچار تصادم آوارخوردگی شدیدی شده و اکنون مدت چندین ماه است که با دست و سینه شکسته به حالت اضطرار افتاده و از بی چیزی مشرف به مرگ هستم و چندان که به مقامات مقدسه گذشته از بذل استعانت جوابی هم به بنده نداده اند. این است که عاجزانه در مقام تصدیع برآمده و حضرت اشرف اعظم عالی را به وجدان انسانیت قسم می دهم که برای رضای خدای عالم و سلامتی وجود بندگان اعلیحضرت همایونی اروحنافداه استرحاماً به حالت استیصال این جوان مصیبت زده که بر اثر مرض کری و کوری و بی دستی به عاجزی و ناتوانی مبتلا می باشد و از هر طرف هم تمام املاک و دارایی پدرش در توقیف دولت است، بذل توجهی فرموده و مقرر فرمایند که وزارت جلیله مالیه به آن احکامات لازم الاجرا و حالت اضطرار این جوان مصیبت زده ترحمی فرموده و امر مقتضی و جواب عریضه او را مرحمت فرمایند. بسته به وجدان پاک حضرت اشرف اعظم عالی است.

کاشان - پشت مشهد منزل کشور صبیه نایب حسین،بنده عزیزالله
[مهر] ورود به دفتر ریاست وزراء تاریخ ۱۵/۱۱/۱۳[۱۳] شماره ۱۳۷۷۷
[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۹۵

ریاست وزراء، نمره عمومی ۱۳۷۷۷، تاریخ ۱۳۱۵/۱۱/۲۶
آقای عزیزالله پسر محمد
در پاسخ به عرض حال شما اشعار می شود که فعلاً انجام تقاضای شما غیر مقدور و ممکن است برای خودتان شغل آزادی تهیه نمایید.
رئیس دفتر ریاست وزراء
[حاشیه:] از طرف دفتر
کاشان، پشت مشهد،منزل کشور صبیه نایب حسین کاشانی
[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۹۶

ریاست وزراء، بتاریخ ۱۳۱۵/۱۱/۲۶
وزارت مالیه
عزیزالله نام ولد محمد آقا پسر نایب حسین کاشی عرض حالی به ریاست وزراء تقدیم داشته و اظهار می دارد بواسطه مرض کری و کوری و شکستگی دست دچار فقر و پریشانی شده و مقرر بوده است از طرف وزارت مالیه از املاک مضبوطه نایب حسین کاشی چیزی به او و سایر ورثه پرداخت شود. عین عرض حال لفا ارسال می شود. قدغن فرمائید در صورتی که اظهارات عارض مقرون به حقیقت است نظریه وزارت مالیه را اعلام دارند.
رئیس الوزراء
[حاشیه:] باید به مشارالیه جواب داده شود که شغل آزادی تهیه نمایید.
[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۹۷

مقام منیع و موقع رفیع ریاست جلیله وزرای عظام دامت عظمته، مورخه ۱۵/۱۲/۱[۱۳]

به عرض بندگان عالی می رساند، با ملاحظه مرقومه مقدسه ۱۳۷۷۷ که عطف به تظلم احوال این بنده عزیز الله پسر محمد آقا صادر شده است، خاطر بندگان حضرت اشرف عالی را مستحضر می دارد: چون بر اثر توقیف املاک و دارایی پدرم این بنده در حدود سن هشت سالگی مستأصل به تهران آمده و به مرض کری کوری بی درمان مبتلا گردیدم. لهذا در نتیجه فقر و استیصال به وسیله دسترنجم از شغل سیگار پیچی با سه نفر خواهر صغیر امرار معاش می‌نمودیم تا بالاخره بر اثر تشکیل موسسه دخانیات و تبدیل سیگار پیچی که مرا از وسیله کارگری ده ساله ام منصرف نموده. چون در آن موقع بر اثر علت کری گوش و کوری چشم و دیگر ضروریات لایتغیر هیچ گونه وسیله کار و روزی نداشتم این بود که با مراجعه به مقامات مقدسه و صدور چند احکامات از طرف وزارت جلیله مالیه مقرر گردید که اعاشه فدوی را از املاک توقیفی پدرم واگذار نماید(نمایند) و نظر به این که قرارداد مقدسه به مسامحه و تعویق افتاده بود، جان نثار به امید این که شاید در مولد خود، سبب کار و روزی گردم مستأصل به کاشان آمده و به فعله گری در ماندم تا در این اواخر در حین اشتغال به کار مزبور به طوری که در عریضهٔ سابق خاطر بندگان عالی را مستحضر فرموده، دچار تصادم آوارخوردگی شدیدی شده و استخوان های دست چپ و سینه ام را در هم شکسته. پس بر اثر این سانحه اضطراری به آستان مقدس عالی ملتجأ (ملتجی) شده و تقاضای استرحام نمودم. حضرت اشرف عالی جواباً مرقوم فرمودید که ممکن است برای خودتان شغل آزادی تهیه نمایید. این است که به شرح این عریضه در مقام تصدیع برآمده و عاجزانه استدعا می‌نماید در حالتی که هر دو گوشم کر است و یک چشمم کور است، پریشانی احوال و مرض کری و کوری و آوارخوردگی که مرا به عاجزی و بی دستی مبتلا ساخته، اگر تردیدی در اوضاع و احوال این بنده فلک زده داشته باشید ممکن است به توسط یک نفر مأمور وضعیت

پریشانی احوال و مرض کری و کوری و این آوارخوردگی که دست و سینه مرا شکسته و درگوشه به حالت اضطرار انداخته مشاهده و کسب اطلاع نمایند تا برای خوشنودی (خشنودی) و رضای خدای عالم و سلامتی وجود بندگان اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری اروحنافداه به حالت اضطرار این جوان مصیبت زده که با مرگ دست به‌گریبان می باشد و از طرفی املاک و دارایی پدرش هم در توقیف دولت است، بذل توجهی فرموده و در سر این خوان احسان و نوالهٔ بی دریغ پدر تاجدار و وطن مقدسمان او را به یک لقمه نانی از ما یملک پدرش دستگیری فرمایید. استدعا می نماید جواب عریضه را مرقوم و از بابت ترحم هرگونه رحمی که ممکن است به فدوی بفرمایید. بسته به امر مقدس عالی است

بنده عزیزالله پسر محمدآقا، کاشان پشت مشهد،منزل کشور صبیه نایب حسین

[مهر] ورود به دفتر ریاست وزرا، تاریخ ۱۵/۱۲/۹، شماره ۱۴۸۸۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۹۸

مجلس شورای ملی،رونویس عریضه به امضای ورثه نایب حسین کاشانی، ۱۶/۲/۲۳ پیوست شماره ۷۹۲۱ مورخه ۱۳۱۶/۲/۲۷

حضرت اشرف رئیس مجلس شورای ملی

کمینه ها ورثه نایب حسین کاشانی به آستان مقدس ملتجی شده و استرحاماً استدعا داریم محض رضای خدا و سلامت وجود اعلیحضرت قدرقدرت همایون شاهنشاهی اروحنافداه عطف توجهی فرموده ما را ازگرسنگی و بیچارگی راحت فرمایید. تمام املاک پدر وکسان کمینه ها توقیف است و با یک دسته اطفال یتیم سرگردان و دربدر هستیم. استدعا داریم امر فرمایید این باقی ملک را برای گذران کمینه ها از املاک پدران ما واگذار شود یا یکی از خانه‌هایی که فعلاً خراب افتاده و به هیچ وجه قابل استفاده دولت نیست برای سکونت ما واگذار شود اقلاً لقمه نانی و محل سکونتی که یک دسته مادر تهران اسیر و دربدر و یک دسته درکاشان اسیر و

دربدر هستیم. چندی پیش عریضه به آستان مقدس عرض نمودیم و جواب او در مورخه ۱۹ دی ماه ۱۳۱۵ شماره ۶۵۰۴ رسید و چشم به راه اقدامات بودیم تاکنون خبری نشد و خدا شاهد است که دیگر قوهٔ و توانایی عریضه نوشتن را نداریم. حضرت اشرف را قسم می‌دهیم به تاج اعلیحضرت اقدس پهلوی که بیش از این راضی به دربدری و بی‌چاره‌گی (بیچارگی) ما ورثه نایب حسین نشده، امر فرمایید مالیه کاشان وسایل آسایش ما را فراهم آورده و امروز در این دنیا و فردا در آخرت دامن شما را می گیریم. بسته به بزرگواری حضرت اشرف است

(کمینه‌ها ورثه‌نایب حسین‌کاشانی، محمدآقا، حسن، امیر، کشور، مهری، خانم‌تاج)

با اصل مطابق است. رئیس دبیرخانه

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۳۹۹

مجلس شورای ملی، اداره دبیرخانه، مورخه ۱۶/۳/۶، شماره ۷۹۲۱ ضمیمه رونوشت عریضه

ریاست وزرا

عطفاً به شماره ۱۵/۱۰/۱۹/۶۵۰۳ راجع به شکایات متوالی اولاد نایب حسین کاشانی از عسرت و پریشانی و تقاضای واگذاری یکی از خانها (خانه ها) برای سکونت آنها، اینک رونوشت عریضه اخیرهٔ آنان برای جلب توجه لفاً ایفاد می‌شود.

نایب رئیس مجلس شورای ملی

امضاء مرتضی قلی بیات

[حاشیه:] ضبط شود ۱۶/۳/۱۱[۱۳]

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۰

مجلس شورای ملی، رونویس عریضه به امضای صبایای مرحوم نایب حسین کاشانی، پیوست شماره ۱۵۲ مورخه ۱۳۱۶/۷/۳

جناب رئیس مجلس شورای ملی

این کمینه گان دو نفر صبیه های مرحوم نایب حسین کاشانی، با ۸ نفر اطفال بی گناه، با کمال عجز به عرض می‌رسانیم. البته آقایان نمایندگان به خوبی مستحضر هستند که ما بیچاره‌ها مدتی می باشد که در این شهر سرگردان و اسیر هستیم. در صورتی که در این مدت چند مرتبه از طرف دولت امر شده یک قسمت از املاک توقیفی خودمان را به قدر معاش به خودمان مسترد شود. هنوز کسی به فریاد ما بیچاره ها نرسیده، در صورتی که در این مدت یاغی های ایران را به قدر معاش دولت به آنها داده است.لهذا این کمینه گان پناهنده به آستان مبارک شده است. عاجزانه استدعا داریم برای رضای خدا دراین موقع که عموم ملت ایران از پرتو وجود اعلیحضرت همایونی درکمال سعادت زندگانی می نمایند راضی نشوید در این موقع که نزدیک به زمستان است اطفال بی گناه ما ازگرسنگی تلف شوند. حالیه که ملک به ماها نمی‌دهید، توجه و ترحم بفرمایید تا بین نمایندگان محترم یک پولی برای ما تهیه بفرمایید که اطفال خودمان را برداریم برویم کاشان به دعاگوئی شماها مشغول باشیم. خدا می داند خود و اطفال ما با مرگ در (دست) به‌گریبان هستیم. یقین است با وجدان پاکی که در وجود حضرت اشرف و نمایندگان محترم سراغ داریم راضی نخواهید شد در این موقع زمستان که در پیش است این کمینه گان با چند نفر اطفال بی گناه از عسرت تلف شوند. خدا می داند چنانچه توجهی نفرمائید اطفال ما از عسرت تلف می شوند.

(خانم تاج، مهری خانم، صبیه های مرحوم نایب حسین کاشانی)

با اصل مطابق است رئیس دبیرخانه امضاء

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۱

مجلس شورای ملی،دبیرخانه،مورخه ۱۶/۷/۱۷[۱۳ ش] شماره ۱۵۲، رونوشت عرضحال

ریاست وزراء

عطفاً به شماره ۷۹۲۱ [تاریخ] ۱۶/۴/۶ مربوط به شکایت متوالی ورثه نایب حسین کاشانی از عسرت و پریشانی خود و استدعای مساعدت در واگذاری قسمتی از املاک توقیفی به قدر معاش آنها،اخیراً نیز به موجب رونوشت لف، عریضه به مجلس شورای ملی فرستاده و به طوری که نوشته اند اگر از طرف دولت نسبت به مسئول آنان امری شده ولی تاکنون به موقع اجرا نرسیده. بدیهی است حالت بی سرانجامی به عده (ای) زن و بچه که رعیت دولت شاهنشاهی هستند جلب توجه نموده اقدامی راکه مستلزم قطع دنباله این شکایات است مقرر خواهند فرمود.

[حاشیه:] [مهر] ورود به کابینه ریاست وزراء، تاریخ ۱۶/۷/۱۷، شماره ۱۰۴۱۲

رئیس مجلس شورای ملی

امضا حسن اسفندیاری

[حاشیه:] سابقه ۱۶/۷/۱۷،پرونده ضمیمه شد ۱۶/۷/۱۷

آقای قلمزن ۱۶/۷/۲۰

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۲

کابینه ریاست وزراء

ورثه نایب حسین کاشی و ماشاءالله پسر او از زمانی که آن قطاع الطریق ها را دولت به مجازات رسانید الی حال پیوسته به مقامات عالیه متوسل شده و به عنوان این که چون دولت پس از قلع و قمع اشرار، املاک و اموالشان را ضبط و تصرف نموده و باز ماندگان آنها هزینه معیشت ندارند از املاک ضبطی آنها مقداری به وراث آنها واگذار فرمایند.

در صورتی که املاکی که متعلق به مردم [بوده] و نایب حسین و پسرش غصب کرده بودند به موجب تصویب نامهٔ هیئت دولت به صاحبان اصلی مسترد و بقیه نیز

در مقابل صدمات و ضررهای نایب حسین و همدستانش به دولت مقدار کمی از املاک و خانه که ارزش آنها نسبت به خسارات مذکوره قابل مقایسه نیست، باقی مانده بود غالب آنها هم یا به فروش رسیده و یا تعویض گردیده. تاکنون پاسخ هایی که از طرف ریاست وزرا به مقامات مرجوعه حتی مجلس شورای ملی داده شده به مفاد گزارش فوق الذکر بوده است و به خود آنها به کرات گفته شده که مثل سایر مردم پی کار آزاد بروند.

[حاشیه:] ضبط شود. اگر مجلس چیزی نوشته همین طور جواب بدهید. ۱۶/۷/۲۲[۱۳]

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۳

ریاست وزراء شماره عمومی ۱۰۴۱۲، تاریخ نوشتن ۱۶/۷/۲۶ تاریخ ثبت ۱۳۱۶/۷/۲۸

ریاست مجلس شورای ملی

در پاسخ نامه نمره ۱۵۲ [تاریخ] ۱۶/۷/۱۷ راجع به شکایت ورثهٔ نایب [حسین] کاشانی و استدعای واگذاری قسمتی از املاک توقیفی به قدر معاش آنها اشعار می شود ضمن شماره $\frac{۱۲۶۷۸}{۱۵/۱۰/۲۲}$ مراتب اطلاع داده شده است و باید به نحو مقتضی به آنها پاسخ داد که انجام استدعای آنها به هیچ وجه برای دولت مقدور نیست و بیش از این مطالب را تعقیب نکند (نکنند). رئیس الوزرا

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۴

مجلس شورای ملی، مورخه ۱۳۱۶/۸/۱۳ شماره ۴۵۴

ریاست وزرا

منظور از نامه شماره (۱۵۲) راجع به ورثه نایب حسین کاشانی که در طی نامهٔ

شماره (۱۴۱۲)) مورخ ۱۶/۷/۲۸ پاسخ آن رسیده نه این [بوده]که املاک توقیفی به آنها برگردد، بلکه مقصود استحضار خاطر محترم از اوضاع پریشان آنها و توجه مقدور و مقتضی بود که ازکوچه گردی و استغاثه دائمی آنها جلوگیری به عمل آید. بدیهی است ارادهٔ عالیهٔ دولت شاهنشاهی نسبت به رعایای خود مطاع است.

رئیس مجلس شورای ملی حسن اسفندیاری [محتشم السلطنه]

[مهر] ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۱۱۸۰۸ تاریخ ۱۶/۸/۱۶

[حاشیه:] عریضه عزیز[الله] پسر محمد عیناً با شرحی به شماره ۱۴۹۱۸ به وزارت مالیه مراسله شده است.

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۵

مقام منیع رفیع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

به عرض مقدس عالی می رساند:

البته بر خاطر خطیر حضرت اشرف اعظم پوشیده نیست که از اوان سلطه و جهانداری دودمان کیان تا این زمان که شکوه و اقتدار سلطنت ایران در خاندان با عظمت پهلوی می باشد، تمام زمامداران این کشور نسبت به عاجزان و مصیبت زدگان و یتیمان رئوف و مهربان بوده و جبر خاطر ضعفا و بی‌چاره‌گان (بی چارگان) می‌نموده‌اند. امروزه که تمام افراد این کشور با عظمت از مراحم پدر تاجدار خود فارغ و آسوده هستند از طریق انصاف و عدل الهی دور است که نسبت به یک جوان عاجز مصیبت زده که بر اثر بی توجهی و تصرف مایملک پدرش از طرف دولت به مرض کری وکوری و چلاق دستی مبتلا شده تظلماتی داده شود که از انصاف و مروت هر ملت و مذهبی دور نماید. حضرت اشرف را به خدا و ذات مقدس شاهنشاهی قسم می دهد که این جوان عاجز فلک زده که بر اثر توقیف دارایی پدرش از طرف دولت به مرض کری هر دوگوش وکوری یک چشم مبتلا شده با حال بلاتکلیفی مدت ده سال از سیگار پیچی امرار معاش می کرده است و

به موجب اقدامات موسسه دخانیات آن شغل از دستش گرفته شده است. و چون بر اثر کری و کوری و عاجزی شغلی دیگر به دستش نمی آمد و تمام املاک پدرش در توقیف دولت بود، وزارت مالیه در چهار سال پیش با قرارداد لازم الاجرا نمره $\frac{۳۲۵۲}{۱۲-۲-۷}$ مقرر داشت اعاشه او را از املاک پدرش بدهد تا بالاخره بر اثر مسامحه و استیصال به‌کاشان آمده و به آوارخوردگی مبتلا شده و دست چپ او چلاق می شود و اکنون قریب پنج سال است که در تعقیب قرارداد مقدسه با این حال عاجزی و فلک زدگی با عرایض و استغاثه از مقامات مقدسه تقاضای استرحام نموده و تاکنون کسی به فریاد او نرسیده است. خدا به عدل خود انصاف بدهد شما مقننین و حافظین این مملکت هستید. این جوان عاجز مصیبت زده خاضعانه در مقام استرحام برآمده و از حضرت اشرف استدعای عاجزانه می دارد که بذل توجهی به حالت اضطرار این جوان عاجز فلک زده که کر و کور و بی دست می باشد و تمام دارایی پدرش را دولت تصرف نموده،نمایید و به هر قانون و مذهبی که ممکن است مقرر دارید وزارت مالیه بعد از این همه مشقت و فلک زدگی به یک لقمه نانی و قوت لایموتی از املاک توقیفی پدرش دستگیری نماید. بسته به مراحم حضرت اشرف است و استدعای رسیدگی می دارد.

بندهٔ عاجز فلک زده عزیز الله پسر محمد ولد نایب حسین کاشی کاشان - پشت مشهد

[حاشیه:] مکرر است عریضه (ایی) که قبل از این داده بود با شرحی تحت شماره $\frac{۱۴۹۵۸}{۱۶/۱۱/۵}$ به وزارت مالیه مراسله شده است. اقدامی ندارد.

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۶

مقام منیع رفیع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

به عرض مقدس عالی می رساند و تقاضای استرحام می کند بنده عاجز فلک زده عزیز الله پسر محمد ولد نایب حسین که در تعقیب اعدام و توقیف دارائی پدرم

درکودکی بر اثر بی چیزی به‌مرض کری وکوری مبتلا شده ام و با آن حال بلاتکلیفی مدت ده سال از سیگار پیچی امرار زندگی می کرده ام تا بر اثر اقدام موسسهٔ دخانیات به ماشین، آن شغل از دستم گرفته شد و جانثار (جان نثار) کر و کور و مریض بودم و شغلی دیگر به دستم نمی آمد و تمام املاک پدرم، بلاتقصیر در توقیف دولت بود.

وزارت مالیه به‌موجب اثبات بی چیزی و عاجزیم، چهار سال پیش قرارداد [که] اعاشه مرا از املاک توقیفی پدرم بدهد و آن را در تحت نمره ۳۲۵۲/۱۲-۲-۷ صادر نمود و مجلس شورای ملی هم شرحی بشماره (۸۶۵) و استعانت معاش بنده به وزارت مالیه تأکید فرمود و بعد از آن مدتی با حال استیصال مراسرگردان و بلاتکلیف گذاشتند. تا بر اثر اضطرار و تنگدستی مستأصل به‌کاشان آمده و از کثرت عاجزی مرض کری و کوری بی درمان در حین اضطرار و فعله گری دچار به تصادم آوارخوردگی شده و دست چپ با کتفم مفلوج گردید. خدا شاهد است که قریب پنج سال است در تعقیب قرارداد مقدسه چندان که با این حال اضطرار از مقامات عالیه استغاثه و استرحام طلبیده‌ام، کسی به فریادم نرسیده است. حضرت اشرف اعظم را به وجدان انسانیت قسم می دهد انصاف بدهید که آیا سزاوار است در مملکتی قانونی که تمام اهالی فارغ و آسوده هستند، نسبت به یک جوان عاجز فلک زده که کر و کور و بی دست و مریض می‌باشد و تمام دارائی پدرش را دولت تصرف کرده است این گونه تظلماتی را پاداش بدهند. اگر [در] مملکت ما وجدانی و قانونی است، آخر انصاف و رحم درکجاست و در حالی که هر دو گوشم کر است و یک چشمم کور است و دستم مفلوج است و از بینائی ناتوان و مریضم و تمام دارائی پدرم را دولت تصرف کرده و هر چه به دولت استغاثه می‌کنم جواب به من نمی دهد. دیگر چه کنم و ازکدام صاحب رحمی انصاف بطلبم. حضرت اشرف اعظم را به خدا و شاه و مملکت قسم می دهم که بیش از این راضی به تعذیب این بنده عاجز فلک زده نشده و در حالی که کر وکور و مفلوج و مریض هستم و دارائی پدرم در تصرف دولت است، مقرر فرمائید بعد از این همه مشقت و فلک زدگی به لقمه

نان و قوت لایموتی از مال توقیفی پدرم دستگیری و از مرض مهلک و بی نوائی خلاصم کنند. بسته به وجدان پاک حضرت اشرف اعظم است. از آستان مبارک رسیدگی می خواهد.

مهر ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۱۶۴۳۰ تاریخ ۱۶/۱۲/۲ (۱۳)

[حاشیه:] با سابقه به عرض می رسد

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۷

سواد وزارت مالیه، به تاریخ ۱۳۱۶/۱۲/۴ شماره ۷۷-۵۴

آقای عزیزالله کاشانی

از مفاد عرض حالی که در تاریخ ۲۱ دی ۱۶ [۱۳] به مقام ریاست وزراء تقدیم و از ضیق معاش شکایت کرده بودید استحضار حاصل گردید. چون به طوری که اظهار داشته اید در شغل سیگار پیچی سابقه عمل دارید به ادارهٔ دخانیات دستور داده شد، در صورتی که از شما کاری ساخته باشد به شما شغلی رجوع نمایند.

از طرف وزیر مالیه

محل امضاء

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۸

مقام منیع و موقع رفیع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

به عرض آستان مقدس عالی می رساند بنده عاجز بیچاره عزیزالله پسر محمد به مقام مقدس عالی پناهنده شده و با عرض حالی که خاطر مبارک حضرت اشرف اعظم را مستحضر نموده است که این بنده فلک زده کر و کور و مفلوجم و تمام دارایی پدرم را دولت تصرف نموده و با سه نفر خواهر یتیم بیچاره دچار فقر و استیصال هستم و سابقاً در تهران سیگار پیچی می نمودم و بر اثر انحلال آن شغل

مضطر شدم و چون کروکور و مریض بودم و کاری دیگر از دستم ساخته نبود به موجب اثبات عاجزی و ناتوانیم حسب الامرنمره ۳۲۵۲/۱۲/۲/۷ وزارت مالیه طبق تقاضانامه نمره ۸۶۵ مجلس شورای ملی از طرف دولت قرار داده شد که اعاشهٔ این بنده را از ملک توقیفی پدرم بدهند تا بر اثر مسامحه و استیصال از بی چیزی و فلک زدگی دچار آوارخوردگی شدم و یک دستم مفلوج گردید. و با این حال اضطرار و عاجزی مدت ها از مقامات مقدسه استرحام طلبیدم. تا حسب امر حضرت اشرف و وزیر مالیه به مضمون سوادی که آن را از لحاظ انور عالی می گذرانند به ادارهٔ دخانیات دستور داده شد که کاری به این بنده رجوع کنند. نظر به این که کر و کور و مفلوجم و از کثرت عاجزی و بیماری کاری با دست مفلوج و گوش کر از دستم ساخته نیست اظهار داشتند که به مقامات مقدسه مراجعه نمایید. این است به شرح این عریضه و عرایضی که قریب پنج سال است با این حال اضطرار به مقامات مقدسه تقدیم شده است، عاجزانه در مقام استرحام برآمده و حضرت اشرف اعظم را به وجدان انسانیت قسم می دهد که برای رضای خدا بذل توجهی به حال اضطرار و ناتوانی این بنده عاجز فلک زده نموده و چون کر وکور و مفلوجم و کاری از دستم ساخته نیست و تمام ملک و دارایی پدرم در توقیف دولت است امر و مقرر فرمایید که بعد از این همه مشقت گرسنگی و استیصال به یک لقمه نانی که قوت لایموتی کنم دستگیری نمایند تا دعاگوی ذات مبارک حضرت اشرف اعظم باشم. تقاضای استرحام و رسیدگی می دارد.

کاشان - پشت مشهد، درب زیارت عزیزالله پسر محمد ولد نایب حسین ۱۶/۱۲/۲۸

[حاشیه:] سابقه ۱۷/۱/۶

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۰۹

شماره عمومی ۱۷۳۲۵ تاریخ نوشتن ۱۷/۱۲/۲۲ تاریخ ثبت ۱۷/۱۲/۲۵

آقای محمد کاشانی

در پاسخ درخواستی که به جناب آقای رئیس وزیران نوشته بودید، اشعار می شود وزارت دارایی اطلاع می دهد انجام تقاضای شما میسر نیست و لازم است از تکرار اینگونه اظهارات خودداری نمایید.

[حاشیه:] از دفتر قلمزن

رئیس دفتر نخست وزیر

[شماره سند ۱۱۶۰۰۵-۱ / ۱۱۴۱]

۴۱۰

به عرض می رساند

بارها در این موضوع با وزارت مالیهٔ مکاتباتی شده است که خلاصهٔ آن به عرض می‌رسد:

به طوری که وزارت مالیه اظهار نظر نموده با وراث نایب حسین کاشی که از اشرار کاشان بوده و خساراتی به دولت وارد نمودند نمی توان هیچگونه مساعدتی نمود. وکیلی / ۱۷/۱/۷

[حاشیه:] ضبط

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۱]

۴۱۱

مقام محترم ریاست وزراء العظام

محترماً به عرض اعلی می رساند

فدوی محمد آقا پسر نایب حسین کاشی در زمان حیات پدرم همیشه و همه وقت از او کناره‌گیری نموده و اغلب در زیارت سیدالشهدا مسکن داشتم. بعد از قلع و قمع پدرم، به واسطهٔ این که فدوی اولاد او بودم، دارایی مرا توقیف نموده در این مدت هر چه به مقامات مربوطه عریضه عرض کردم گوش به عرایض فدوی نداده

اینک عاجزانه عرض می کنم در تمام دارایی خودم که تقریباً ده هزار تومان می شد سه دانگ خانه به عیالم دادم که دویست تومان قیمت دارد به عنوان مهریه، بقیه دارایی هم دولت به دیگران واگذار نموده، فعلاً با یک مشت بچه خردسال دارای سه دانگ خانه هستیم. با این حال اخیراً اداره مالیه کاشان سه دانگ دیگر از خانه را اعلان فروش داده است. بدیهی است چنانچه سه دانگ خانه به فروش برسد باید زن و بچه های خودم را برداشته درکوچه یا مسجدها مسکن بگیرم. استرحاماً از آن مقام عالی تقاضا می شود که مقرر فرمایید اقلاً این سه دانگ خانه را که تقریباً درحدود دویست تومان قیمت دارد واگذار به فدوی نمایند تا [به] دعاگویی مقدس بندگان اعلی حضرت همایونی مشغول و آبروی چندین ساله از میان نرود.

فدوی محمد آقا

مهر ورود به دفتر نخست وزیر تاریخ ۱۷/۱/۱۵، شماره ۱۰۸۰۳

[حاشیه:] آقای قلمزن ۱۷/۸/۱۴

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۱۲

مقام منیع و موقع رفیع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

محترماً به عرض می رسد

البته به شرف عرض آستان مقدس حضرت اشرف اعظم رسیده است که این بنده عاجز فلک زده بر اثر توقیف مایملک پدرم در خورد سالگی (خردسالگی) از بی چیزی کر و کور شدم و مستأصل با سه نفر خواهر یتیم بیچاره بعد از سالها مشقت گرسنگی و استیصال، نظر به این که کر و کور و ناتوان بودم به موجب اثبات عاجزی و استیصال وزارت جلیلهٔ مالیه حسب تقاضای مجلس شورای ملی طبق قرارداد مقدسه نمره $\frac{۳۲۵۲}{۱۲/۲/۷}$ دستور داده شد که معاش این بنده را از ملک توقیفی پدرم بدهند. از مسامحه پنج سال و استیصال خود چه عرض نمایم، خدا شاهد است با این که کر و کور و بیمار بودم از کثرت بی چیزی و فلک زدگی دچار تصادم

آوارخوردگی شدم و یک دستم مفلوج گردید و با این حال اضطرار مدتها به مقامات مقدسه پناهنده شده و تا بحال بذل توجهی به حال اضطرار این بنده فلک زده نشده. حضرت اشرف اعظم را بـه استغاثه و استرحـام بـه ذات مـبارک اعـلی حـضرت همایونی قسم می دهد که برای حفظ اصول قانون وجدانی ترحمی به حال اضطرار و ناتوانی این بنده فلک زده نموده و در حالتی که کر و کور و مفلوج و مریضم و با فلج دست وکری گوش کاری از دستم ساخته نیست و از طرفی تمام املاک و دارایی پدرم بلواحق (به ناحق) و بلاتقصیر در تصرف دولت است و خود با سه نفر خواهر یتیم بیچاره از بی نوایی با مرگ دست به‌گریبانم. از راه وجدان انسانیت برای رضای خدا امر و مقرر فرمائید که وزارت جلیله مالیه بـعد از ایـن پـنج سـال مسـامحه و استیصال به مختصر معاشی که لقمه نان و سدّ رمق نمایم بذل توجهی به عمل آورد. از آستان مقدس تقاضای استرحام می دارد.

کاشان پشت مشهد، درب زیارت

عزیزالله پسر محمد ولد نایب حسین ۱۷/۱/۱۵ (۱۳)ش.

[شماره تنظیم سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۱۳

به آستان مبارک حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء دامت عظمته

به شرف عرض عالی می رساند جان نثار عزیزالله پسر محمد یکی از بندگان عاجز بیچاره هستم که بر اثر توقیف املاک و دارایی پدرم از بی چیزی کر و کـور شده‌ام و با سه خواهر یتیم بیچاره پس از سال ها مشقت واستیصال وزارت مالیه به موجب قرارداد نمره $\frac{۳۲۵۲}{(۱۳)۱۲/۲/۷}$ مقرر داشتند، چون کر و کور و مریض هستم اعاشهٔ این بنده را از ملک توقیفی پدرم بدهند. از شرح بینوایی و استیصال خود با سه نفر خواهر یتیم بیچاره در این مدت پنج سال مسامحه چه عرض نمایم. خدا شاهد است که از کثرت فلاکت دچار آوار خوردگی و فلج دست گردیدم واکنون وضعیت زندگی این بنده فلک زده بر اثر کری و کوری و بی دستی به حدی تأثر آور

شده که مزیدی بر آن متصور نیست. خداگواه است که از بی نوایی و ناتوانی با سه نفر خواهر یتیم با مرگ دست به‌گریبانم. چون ذات مبارک راضی به مرگ جوانی عاجز و بیچاره با سه نفر دوشیزه بی گناه نیست، حضرت اشرف اعظم را استرحاماً به وجدان انسانی قسم می دهد چون در این دوره با عظمت، که عموم اهالی مرفه هستند، سزاوار نیست بضاعت این یتیمان بیچاره را دولت متصرف و از گرسنگی جان بدهند، برای سلامتی وجود اعلی حضرت همایونی اروحنافداه بذل توجهی به حالت اضطرار و ناتوانی این بنده عاجز بیچاره نموده و چون کر و کور و مفلوج و مریضم، برای رضای خدا امر و مقرر فرمایید که وزارت مالیه، بعد از این همه مشقت گرسنگی و استیصال، به یک لقمه نان و محل سکونتی از ملک توقیفی پدرم دستگیری نماید تا با سه نفر خواهر یتیم بیچاره اعاشه و به دعاگویی ذات اشرف عالی اشتغال ورزد. استدعای رسیدگی می دارد.

کاشان - پشت مشهد - درب زیارت عزیزالله پسر محمد ۱۷/۴/۳۰

[حاشیه سند:] سابقه را مرحمت فرمایید ۱۷/۵/۱۱

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۱۴

دفتر ریاست وزرا، شمارهٔ عمومی ۵۸۲۹، جزوه دان ۳۵ $\frac{۱}{۴}$ تاریخ نوشتن ۱۷/۵/۱۷، تاریخ ثبت ۱۷/۵/۱۸

فرمانداری کاشان

وراث نایب حسین کاشانی علی التوالی عرایض به مقامات عالیه تقدیم و بدین جهت مزاحم می گردند و درخواست کار یا انتقال ملک دربارهٔ خود می‌نمایند. با سابقه سوئی که نایب حسین و اتباع او از خود به جاگذارده‌اند کراراً به آنها جواب داده شده که مانند سایر مردم پی کسب و کار آزاد رفته تحصیل هزینه زندگانی نمایند، به هیچ وجه گوش به نصایح نداده و پیروی نمی کنند. برای آن که جلوگیری از تکرار عرایض بیهوده بشود،به آنها خاطر نشان نمایید که از تکرار عرایض

خودداری (کنند) و اوقات اولیای امور را اشغال ننمایند.
قلمزن[۱]
رئیس الوزراء
[سند شماره ۱-۱۶۰۰۵ / ۱۱۴۱]

۴۱۵

دفتر ریاست وزراء، شماره عمومی ۱۰۸۰۳ - جزودان ۳۵- تاریخ نوشتن ۱۵ماه ۱۷/۸ - تاریخ پاکنویس ۸/۱۷ تاریخ ثبت ۱۷/۸/۱۸
وزارت دارایی

درخواست محمد پسر نایب حسین کاشانی راجع به این که ادارهٔ دارایی کاشان آگهی برای فروش سه دانگ خانه مشارالیه صادر نموده لفاً فرستاده می شود، قدغن فرمایید از پیشینهٔ امر، دفتر نخست وزیری را مستحضر سازند، [تا] تکلیف پاسخ او معلوم باشد. قلمزن ملک الکلامی معاون نخست وزیر

[حاشیه:] از کاشان

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۱۶

۱۷/۱۲/۱۶ مقام محترم ریاست الوزراء العظام

محترماً به عرض عالی می رساند

فدوی محمد پسر نایب حسین کاشی بعد از قلع و قمع پدرم تمام دارایی فدوی را دولت توقیف و به دیگران واگذار نمود و فعلاً از تمام دارایی خودم که تقریباً ده هزار تومان می شد با یک مشت بچه خردسال حالیه دارای سه دانگ خانه هستیم، چون از حضرت اشرف استدعا نمودم که این سه دانگ خانه را برای سکونت زن و بچه هایم به فدوی واگذار نمایند از طرف مقامات مربوطه گواهینامه خواسته شد. این بود که بنا به فرمایش جناب وزیر مالیه شرح دائر بر بی تقصیریم تقدیم و جمعی

۱. مینوت نامه را قلمزن نوشته و رئیس الوزرا امضا کرده.

از اهالی کاشان شهادت دادند که تقریباً سی و هفت سال است که شخصاً این خانه را خریداری کرده و در زمان حیات پدرم همیشه از او کناره گیری نموده و در زیارت سیدالشهدا مسکن داشتم. اینک چون مدتی است که به تعویق و مسامحه می گذرد، استرحاماً از مقام عالی تقاضا می دارد که مقرر فرمایید این سه دانگ خانه را برای سکونت عیال و اطفالم به فدوی واگذار نمایند تا از این پراکندگی آسوده شده و به دعاگویی مقدس بندگان اعلیحضرت همایونی مشغول و آبروی چندین ساله فدوی محفوظ بماند. زیاده امر مبارک است.

فدوی محمد پسر نایب حسین -کاشان پشت مشهد

[حاشیه:] به شماره ۱۷۳۲۵ اقدام شده - اقدامی ندارد ۱۷/۱۲/۲۷

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۱۷

دفتر نخست وزیری وزارت دارایی،دفتر وزیر ۱۳۱۷/۱۲/۲۰ شماره ۳۷۵۷۶

در جواب نامه شماره ۱۰۸۰۳-۱۸/ آبان /۱۷ که با ارسال درخواست محمد پسر حسین کاشی راجع به اقدام اداره دارایی کاشان به فروش سه دانگ خانه ضبطی از مشارالیه جریان امر را استفسار فرموده‌اند اعلام می دارد:

بطوری که سابقاً هم اطلاع داده شد، ضبط مختصر املاک و مستغلات اشرار کاشان به هیچ وجه طرف مقایسه با صدمات و خساراتی که از آنها وارد آمده نیست و غالب املاک نام برده هم بفروش رسیده یا معاوضه گردیده و چون بستگان و اولاد حسین کاشی که تقاضای واگذاری قسمتی از این املاک را دارند متعدد و پذیرفتن درخواست آنها میسر نیست لذا تاکنون به شکایتهای متوالی که کرده‌اند ترتیب اثر مساعدی داده نشده است. از طرف وزیر دارایی گلشائیان[1]

مهر ورود به دفتر ریاست وزراء شماره ۱۷۳۲۵ به تاریخ ۱۷/۱۲/۲۰(۱۳)

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

---

۱. عباسقلی گلشائیان که به لطف علی اکبر داور به وزارت دارایی منتقل شد و بعدها خود به وزارت مالیه رسید.

۴۱۸

مقام محترم ریاست وزراء عظام
محترماً به عرض عالی می رساند

فدوی محمد پسر نایب حسین کاشی به شهادت عموم اهالی کاشان، در زمان حیات پدرم همیشه از او کناره گیری نموده و اغلب در زیارت سیدالشهدا سکونت می گرفتم. بعد از اعدام پدرم، نظر به این که فدوی اولاد او بودم تمام دارایی فدوی را توقیف و به دیگران واگذار نمودند و اکنون متجاوز از بیست سال است که با یک مشت زن و بچه بی گناه دچار سرگردانی و عسرتم و همین قدر عاجزانه عرض می کنم که در تمام دارایی خودم که فعلاً دولت متصرف می باشد دارای سه دانگ خانه هستم که با زن و بچه هایم سکونت دارم واخیراً اداره دارایی کاشان این سه دانگ خانه را اعلان فروش داده، بدیهی است اگر خدای نکرده مراحم بندگان حضرت اشرف شامل حال این بنده با یک مشت زن و بچه بی پناه نشود و این سه دانگ خانه به فروش برسد باید زن و بچه‌هایم را برداشته وبا این حال فقر و فلاکت در کوچه وکاروانسراها سرگردان بمانم. استرحاماً از مقام عالی استدعای عاجزانه می دارد که بذل توجهی به حالت عسرت و پریشانی فدوی با یک مشت زن و بچه خردسال نموده مقرر فرمایید، اقلاً این سه دانگ خانه که بیش از دویست تومان قیمت ندارد و گواهینامه بی تقصیریم از طرف اهالی کاشان توزیع شده که قریب چهل سال فدوی این خانه را مالک و متصرف بوده ام، برای سکونت عیال و اطفالم به فدوی واگذار نمایند تا به دعاگویی ذات مبارک بندگان اعلیحضرت همایونی مشغول و بیش از این اسباب استیصال فدوی با زن و بچه‌هایم فراهم نشود.

فدوی محمد پسر نایب حسین کاشان پشت مشهد ۳-۱-۱۸

[حاشیه:] پیشینه ۱۸/۱/۲۰ سابقه پیوست شد

[سند شماره ۱-۱۱۶۵۰۵/۴-۱۱۴۴]

۴۱۹

شماره عمومی ۳-۹- جزوه دان ۳۵ - تاریخ نوشتن ۲۰ ماه ۱۸/۱ - تاریخ ثبت ۱۸/۱/۲۳

آقای محمد پسر نایب حسین

در پاسخ درخواست مورخه ۱۸/۱/۱۳ اشعار می شود که به نامه شماره ۱۷۳۲۵-۱۷/۱۲/۲۵ این اداره مراجعه و از تکرار مطلب خودداری نمایید.

قلمزن رئیس دفتر نخست وزیر

[حاشیه:] از دفتر **[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۴۲۰

دفتر نخست وزیر، اداره کل شهربانی، جزوه دان ۳۵ ۱/۴ تاریخ نوشتن ۱۸/۲/۱۸

درخواست احمد پسر ماشاءالله کاشانی و امیر پسر نایب حسین دایر به تقاضای رجوع شغل در آن اداره لفاً فرستاده می‌شود. قلمزن

نخست وزیر

[سند شماره ۱۱۶۰۰۵-۱ / ۱۱۴]

۴۲۱

حضرت اشرف آقای نخست وزیر

۱۸/۴/۱۶

محترماً معروض می‌دارد این کمینه فرخ السادات[۱] عیال امیر آریان پور دارای شناسنامه شماره ۱۱۶۵۷ صادره از کاشان که املاک این کمینه اشتباهاً با املاک ماشاءالله خان ضبط شده و به موجب مراسله وزارتی شماره ۲۴۹۰ در تحت مراسله شماره ۶۹۱ که به عنوان تشکیلات شهربانی اشعار داشته‌اند که لازم است از محل اغیار(اعتبار) پلیس مخفی ماهی پانزده تومان در حق عیال امیرآریان پور

۱. خانم فرخ السادت، یا فخرالسادات زن امیر آریان پور فرزند نایب حسین کاشی.

کارسازی دارند، حسب‌الامر مدت بیست سال وجه مزبور را پرداخته و فعلاً مدت دو سال است که ماهیانه این جانبه را قطع نموده‌اند و هرچه به ریاست محترم شهربانی عرض حال داده که مقرر فرمائید حقوق این جانبه را پرداخت نمایند، بدون نتیجه مانده است و این کمینه با چند سر اطفال صغیر در تهران سرگردان و بلاتکلیف مانده که مخارج رفتن ولایت هم ندارم.استدعای عاجزانه دارم که امر و مقرر فرمایید که ماهی پانزده تومان کمینه راکمافی‌السابق کارسازی دارند که با چند سر طفل‌صغیر به‌دعاگوئی مشغول‌بوده‌باشیم. امر امر مبارک است.

کمینه‌فرخ‌السادات

باغ فردوس ـ کوچه حاجی غلامعلی ـ منزل آقای سیدعلی قالی باف روبروی اصغربقال

به شهربانی کل فرستاده شود.

[حاشیه:] پیشینه ۴/۲۵-۱۸

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵ / ۱۱۴۱]

۴۲۲

جناب آقای نخست وزیر

محترماً معروض می دارد صرف نظر از آن که دولت کلیه هستی شخصی و موروثی این جانبان احمد آریان پور پسر ماشاءالله خان کاشانی و امیر پسر مرحوم نایب حسین را توقیف نموده و در حالی که این جانبان درکمال عسرت وپریشانی هستیم به دیگران واگذار و کوچکترین مساعدتی را نسبت به این جانبان نفرمودند در حالی که اولیای امور آسایش اهالی این مملکت را عموماً فراهم نموده و حتی از مساعدت با مهاجرین خارجی که بی بضاعت هستند مضایقه نمی شود، این جانبان به حضرت اشرف پناهنده شده واسترحاماً استدعا داریم مقرر فرمایید ادارهٔ شهرداری این جانبان را هم در ردیف سایر افراد آن مملکت محسوب نموده و شغلی مناسب و مطابق لیاقتمان لطف فرمایند که مشغول کار شده و لااقل بتوانیم

لقمه نانی تهیه و با عائله خود گذران کنیم. یقین است وجدان پاک حضرت اشرف راضی نخواهد شد که بیش از این، این جانبان در عسرت وپریشانی بوده و در حالی که هستیمان توقیف است از بذل مساعدت نسبت به این جانبان و ارجاع کار خودداری شود. چنانچه مقرر نفرمایند که شغلی به این جانبان رجوع نشود، خدا شاهد است ناچاریم عیال و اطفال خود را برداشته و منزل حضرت اشرف پناهنده خواهیم شد. انتظار بذل لطف عالی و دستور ارجاع شغل را به اداره شهرداری داریم.

امیر - احمد آریان پور کاشانی

خیابان ری کوچه صدرالاشراف منزل یدالله آریان پور

مهر ورود به دفتر ریاست وزراء، شمارهٔ ۴۴۵۷، تاریخ ۱۸/۴/۱۰

[حاشیه:] پیشینه، عیناً به اداره کل شهربانی

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۱]

۴۲۳

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۴۹۱۶- جزوه دان ۲۵- تاریخ نوشتن ۱۸/۴/۲۸- تاریخ ثبت ۱۸/۵/۴

اداره کل شهربانی

در خواست فرخ السادات عیال امیر امیریان‌پور(آریان پور) مبنی بر این که ماهی صدوپنجاه ریال به مشارالیها هزینه داده می شده و دو سال است موقوف نموده‌اند، لفاً برای آگاهی و صدور پاسخ مشارالیها فرستاده می شود.

قلمزن — نخست وزیر

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۲۴

وزارت کشور، اداره کل شهربانی،اداره آگاهی به تاریخ ۱۸/۷/۱۹(۱۳)، شماره ۴۲۱۶۴/۸۴۰۸

جناب آقای نخست وزیر
عطف به نامه شماره (۴۹۱۶) و (۷۵۲۲) با تقدیم دو برگ عریضه فرخ السادات- معروض می‌دارد طبق گزارش اداره آگاهی از طرف اداره شهربانی به مشارالیها حقوقی داده نمی‌شده‌است.
رئیس اداره کل شهربانی - سرپاس مختار
مهر ورود به دفتر ریاست وزراء شماره ۹۳۲۷، تاریخ ۱۸/۷/۲۲
[شماره تنظیم ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۲۵

دفتر نخست وزیر
شماره عمومی ۱۰۳۴۸ - جزوه‌دان ۳۵ - تاریخ نوشتن ۲۶ ماه ۱۸/۸ - تاریخ ثبت ۱۸/۸/۲۷
وراث حسین کاشی
در پاسخ درخواستی که به جانب آقای رئیس وزیران نوشته بودید اشعار می‌شود که به نامه شماره ۹۰۳-۱۸/۱/۲۳، این اداره مراجعه واز تکرار مطلب خودداری نمایید.
قلمزن
رئیس دفتر نخست وزیر
[حاشیه:] از دفتر **[شماره سند ۱-۵-۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۴۲۶

مقام محترم اداره بازرسی کل دام بقائه
محترمانه به عرض می رساند، کمینه همدم دارای شش نفر بچه صغیر و بی‌بضاعتم که بر اثر توقیف دارائی شوهرم دوچار(دچار) عسرت وپریشانی و از بی‌چیزی برای نان یومیه خود و بچه هایم با مرگ دست بگریبانیم و فعلاً ازتمام دارائی شوهرم که دولت متصرف می باشد دارای سه دانگ خانه هستم که با مشتی

اطفال بی بضاعتم سکونت دارم، چون ادارهٔ دارائی کاشان در نظر داشت این سه دانگ خانه مخروبه را هم بفروشد و در نتیجه مشتی زن و بچه بی پناه از سَرِ نو، دچار پراکندگی و دربدری شود، این بود که ملتجا(ملتجی) به آستان مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شده و از جهت واگذاری این جزئی خانه به وزارت دارائی امرمبارک صادرشد واکنون نظر به این که وضعیت زندگی این کمینه بامشتی اطفال بی‌بضاعت به حدی تاثرآور شده که مزیدی متصور نیست، استرحاماً استدعا دارم طبق مرقومه مبارکه عطف به شماره ۱۶۰۳۸-۱۸/۷/۲۳(۱۳)، که تا امروز به تعویق افتاده بذل توجهی به حالت عسرت و پریشانی عده ای زن و بچه بی پناه نموده و مقرر فرمائید این جزئی خانه را برای سکونت مشتی اطفال بی بضاعتم به‌کمینه واگذار نمایند تا به دعاگوئی ذات مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشغول شویم. زیاده امر مبارک است (۱۳)۱۸/۹/۳

کمینه همدم[1] عیال محمد ولد نایب حسین کاشان ـ پشت مشهد

[حاشیه ۱:] با سابقه به قسمت مربوطه بفرستید ۱۸/۹/۷

[حاشیه ۲:] قسمت حسابداری سابقه ضمیمه است ۱۸/۹/۸

مهر اداره بازرسی کل مالیه – نمره ۱۹۴۴۲ – تاریخ ۱۳۱۸/۹/۷

[حاشیه بالا:] پاکت تمبردار ضمیمه است ۱۸/۹/۷ – نمره ۷۳۷۴

[شماره سند ۲۴۰۰۱۰۲۸۰–۸۳۱ض ۲الف‌الف۱]

۴۲۷

وزارت دارائی، به تاریخ ۱۳۱۸/۱۱/۶ شماره ۲۰۴۵۳

اداره بازرسی کل دارایی

به طوری که طی شماره ۱۹۶۱۲-۲۳ دی ۳۱۸[۱] تقاضا فرموده اند نامه شماره ۳۷۵۷۶ اسفند ۱۷ عنوان دفتر نخست وزیری که رونوشت به اداره دارائی شهرستان کاشان ابلاغ گشته ذیلاً نقل می شود:

۱. همدم خانم زن محمد پسر نایب حسین کاشانی.

«... در جواب نامه شماره ۱۰۸۰۳-۱۸ آبان ۱۷ [۱۳] که با ارسال دادخواست محمد پسر حسین کاشی راجع به اقدام اداره دارائی کاشان به فروش سه دانگ خانه ضبطی از مشارالیه جریان امور را استفسار فرموده اند اعلام می‌دارد:

به طوری که سابقاً هم اطلاع داده شد. ضبط مختصر املاک و مستغلات اشرار کاشان بهیچ وجه طرف مقایسه با صدمات و خساراتی که از آنها وارد آمده نیست و غالب املاک نامبرده هم به فروش رسیده یا معاوضه گردیده و چون بستگان و اولاد حسین کاشی که تقاضای واگزاری (واگذاری) قسمتی از این املاک را دارند متعدد و پذیرفتن درخواست آنها میسر نیست لذا تاکنون به شکایت های متوالی که کرده اند ترتیب اثر مساعدی داده نشده است.»

رئیس اداره خالصجات و تعویض املاک

اداره بازرسی کل و مالیه - شماره ۲۴۶۳۸ - به تاریخ ۱۳۱۸/۱۱/۶

[حاشیه ۱:] ۲۰-۱۸/۱۱/۶[۱۳]

[حاشیه ۲:] قسمت حسابداری سابقه ضمیمه شد ۱۸/۱۱/۸

[حاشیه ۳:] به عرض برسد. به نظر بنده با صدور نامه شماره ۳۷۵۷۶ - ۲۰/ اسفند ۱۷[۱۳] عنوان دفتر نخست وزیری که مسلماً مفاد آن به متقاضی ابلاغ گردیده صدور جواب مجدد از اداره بازرسی کل ضرورتی نخواهد داشت. معذلک چنانچه دادن جواب را لازم تشخیص می فرمایید اقدام به صدور جواب بشود.
افضل پور ۱۳۱۸/۱۱/۳۰[۱]

[حاشیه ۴:] آقای افضل پور. ضرر ندارد مختصر جواب صادر شود که دعوی شما نسبت به املاک ضبطی اشرار نمی تواند مورد توجه واقع گردد. ۱۸/۱۲/۱[۱۳]

[شماره سند ۲۴۰۰۱۰۲۸۰- ۸۳۱ ض۲الف‌الف۱]

۴۲۸

وزارت مالیه

نمره خصوصی ۴۵۷۸ - اداره بازرسی کل دارایی، تاریخ تحریر ۱۳۱۹/۲/۲۴(۱)

- تاریخ ثبت ۱۹/۲/۲۸ (۱۳)- تاریخ خروج ۱۳۱۸/۹/۲۸-

بانو همدم عیال محمد فرزند حسین کاشی

در جواب نامه به تاریخ ۳۱۹/۲/۱۵ (۱) تقدیمی به وزارت دارایی اشعار می‌دارد؛ همان طورکه طی نامه شماره ۲۴۶۳۸/۲۱۸/۱۲/۸ به شما جواب داده شده، دعوی شما نسبت به سه دانگ خانه ای که جزو املاک اشرار از طرف دولت ضبط گردیده نمی‌تواند مورد توجه واقع شود. مقتضی است از تجدید مکاتبه در این باب، که در آتیه بلاجواب خواهد ماند، خودداری نمایید.

رئیس اداره بازرسی کل دارایی: محمود نریمان[1]

[حاشیه ۱:] افضل پور، ۲۱۹/۲/۲۴

[حاشیه ۲:] مقابله شد، ۶۳م/۱۹/۲/۲۵

[شماره سند ۲۴۰۰۱۰۲۸۰/ ۸۳۱ض۲الف‌الف۱]

۴۲۹

دفتر نخست وزیر

شماره عمومی ۱۱۶۸۹ - جزوه دان ۳۵ - تاریخ نوشتن ۹ ماه ۲۰/۹ - تاریخ پاکنویس ۹/۱۰ - تاریخ ثبت ۲۰/۹/۱۰

وزارت دارائی

پیرو نامه شماره ۳۵۴۳-۲۰/۹/۱ اینک عین درخواست بازماندگان نایب حسین و ماشاءالله و نایب علی کاشانی به ضمیمه فرستاده می شود. قدغن فرمائید پاسخی که مقتضی است به آنها داده و نتیجه را اعلام نمایند.

قلمزن　　　　امضا نخست وزیر ۹/۹

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

---

۱. رئیس اداره بازرسی کل وزارت دارایی در ۱۳۱۹ هـ‌ش. که بعدها به وزارت دارایی هم رسید.

۴۳۰

جناب آقای فروغی نخست وزیر ایران

خاطر عالی از هرکس بهتر به مطالبی که نسبت به این جانبان وراث نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشانی وارد آمده مستحضر و البته در این موقع که ریاست هیئت دولت با وزیر با وجدان با شرافتی مثل حضرت اشرف است شایسته است که نسبت به حال زار و رقت آور این جانبان مرحمتی فرموده و حالا دیگر پس از سالها سرگردانی و پریشانی به وضعیت اسف آور یک فامیل سیصد نفری خاتمه داده شود. استدعای عاجزانه داریم نسبت به حال این جانبان تفکری فرموده وامر مقرر فرمایید که تصویب نامه صادره به موقع اجرا گذاشته شود و جزئی املاک این جانبان را مسترد دارند.

وراث نایب حسین ونایب علی و ماشاءالله خان کاشانی

ازگناباد ۲۰/۹/۲۹

[مهر ورود به دفتر نخست وزیر] شماره ۱۴۲۹۱ تاریخ ۲۰/۱۰/۹

[شماره تنظیم سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۳۱

شماره عمومی ۱۴۳۸۷- جزوه دان ۳۵- تاریخ نوشتن ۲۰/۱۰/۲۴- تاریخ پاکنویس ۱۰/۲۴- تاریخ ثبت ۲۰/۱۰/۲۵ پاکنویس کننده ملک.

وزارت دارائی

پیرو نامه شماره ۲۰/۹/۱۰ راجع به درخواست بازماندگان نایب حسین و ماشاءالله و نایب علی کاشانی اینک عین نامه مهر انگیز دختر نایب حسین به ضمیمه فرستاده می شود که قدغن فرمایید پاسخ مقتضی به آنها بدهند.

نخست وزیر ۱۰/۲۶

[شماره تنظیم سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۳۲

۲۰/۱۱/۱

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنافداه

از آنجایی که نظر مبارک به عدالت گستری است و نسبت به امور گذشته وعدهٔ دادخواهی و احقاق حق فرموده اند،به اتکای وعده ملوکانه، یک فامیل سیصد نفری از بازماندگان مرحوم ماشاءالله خان و نایب حسین و نایب علی کاشانی به پیشگاه مبارک ملتجی و استدعای حق و رسیدگی داریم. پدران ما که سالیان دراز خدمت گذار دولت بودند، در مقابل تأمین قسم، به تهران آمدند. در نتیجه طمع ورزی کابینه وثوق الدوله به اموال آنها،آنها را مقصر قلمداد و عده ای را اعدام و اموال آنها را غارت نمودند، املاک موروثی ما را به توقیف دولت قلمداد نمودند و در نتیجه یک قبیله سیصد نفری امروز آواره و دربدر،در تهران و کاشان و مشهد سرگردان و پریشانند و املاک فدویان را که عموماً خدمت گذار دولت و با نهایت درستی خدمت گذاری می کنیم به یک عده مازندرانی که املاک آنها را در مازندران گرفته‌اند واگذارند و با این که بیچارگی فدویان به دولت سابق معلوم و تصویب نامه برای واگذاری املاک فدویان صادر شده وزارت مالیه تاکنون اجرا ننموده و به وعد و وعید گذرانیده، اینک از پیشگاه مبارک استدعای عاجزانه داریم مقرر فرمایند وزارت دارایی بیش از این به بیچارگی و عسرت یک فامیل راضی نشوند و املاک حقه فدویان را مسترد دارند تا بیش از این به خدمت گذاری و دعاگویی ذات اقدس همایونی مشغول باشیم.

از طرف کلیه وراث مرحوم ماشاءالله خان و نایب حسین و نایب علی کاشانی

امیر آریان پور

رونوشت برای استحضار هیئت وزیران تقدیم و استدعای دادخواهی و احقاق حق داریم.

رونوشت شرح بالا برای ادارهٔ املاک واگذاری وزارت دارایی تقدیم و استدعای

دادخواهی داریم.

از طرف کلیه وراث مرحوم ماشاءالله خان و نایب حسین ونایب علی کاشانی

امیرآریان پور

مهر ورود به دفتر ریاست وزراء، شماره ۱۶۴۱۵، به تاریخ ۲۰/۱۱/۱۱

[حاشیه:] عینا به وزارت دارایی فرستاده شود - اقدام شود

[سند شماره ۱-۱۶۰۰۵/۵-۱۱۴۴]

۴۳۳

دفتر نخست وزیر

شماره عمومی:۱۶۴۶، تاریخ پاکنویس۱۱/۱۳/، تاریخ:۲۰/۱۱/۱۴

وزارت دارایی

محمد پسر نایب حسین کاشانی معروف راجع به سه دانگ خانه خود که اداره دارایی کاشان آگهی فروش منتشر نموده نامه ای نوشته که عین آن به ضمیمه فرستاده می شود.قدغن فرمایید به وضعیت او رسیدگی و اقدام مقتضی نموده نتیجه را با پس فرستادن نامهٔ وی اطلاع فرمایند. نخست وزیر

۱۲/۱۳

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۵-۱۱۴۴]

۴۳۴

دفتر نخست وزیر

شماره عمومی ۱۸۰۷۱- جزوه دان ۲۵- تاریخ نوشتن ۲۰/۱۲/۵- تاریخ پاکنویس ۱۲/۵- تاریخ ثبت ۲۰/۱۲/۷[۱۳]

وزارت دارائی

پیرو نامه شماره ۱۴۳۸۷-۲۰/۱۰/۲۵ اینک عین دادخواست دیگر بازماندگان نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی به ضمیمه فرستاده می شود. قلمزن

نخست وزیر ۱۲/۵/

[حاشیه ۱:] عریضه دیگر عیناً به شماره ۷۷-۲۱/۱/۱۵ به وزارت دارائی فرستاده شده

[حاشیه ۲:] عریضه آقای امیر آریان پور عیناً به شماره ۴۶۷-۲۱/۲/۱ به وزارت [دارایی] فرستاده شد.

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۳۵

مجلس شورای ملی، اداره دفتر، مورخه ۲۱/۸/۲۰، شماره ۹۹۱

جناب آقای نخست وزیر

بطوری که خاطر محترم مستحضر است دولت وقت، بر حسب وظیفه، پس از دستگیری نایب حسین کاشانی املاک او را توقیف نموده اند. از آن وقت چند نفر زن و بچه از مشارالیه باقی مانده که هیچ گونه وسیله زندگانی ندارند. البته پدران آنها به جزای خود رسیده اند ولی این زن و بچه گناهی نداشته و انصافاً نباید به این علت به این شدت در فشار زندگی بگذرانند و از این جهت که رعیت دولت شاهنشاهی هستند بر عهده مکارم اخلاق هیئت محترم دولت است که توجهی نسبت به آنها مبذول فرمایند که در این سال که سختی و تنگی هم مزید بر علت شده است از دست نروند، منوط به نظر محترم دولت است.

حسن اسفندیاری محتشم السلطنه

[حاشیه:] آقای (؟) جریان امر را به مجلس شورای ملی بنویسید ۲۴/۸/(۲۱)

[حاشیه:] پیشینه را ضمیمه نمایید ۲۰/۸/(۲۱)

[مهر] ورود به دفتر ریاست وزراء، شماره ۲۲۵۱۰، تاریخ ۲۱/۸/۲۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۵۰۰۵-۳-۱۱۴۴]

۴۳۶

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۲۰۰۷۷- جزوه دان ۳۵- تاریخ نوشته ۱۹ ماه ۲۱/۸ - تاریخ پاکنویس ۸/۲۰/ تاریخ ثبت ۲۱/۸/۲۳، پیوست عین نامه - پاکنویس کننده: ملک

وزارت دارائی

عطف به نامه شماره ۳۷۵۷۶-۱۳۱۷/۱۲/۲۰ اینک عین دادخواست بانو مهرانگیز دختر نایب حسین کاشی به پیوست فرستاده می شود. قدغن فرمائید نسبت به درخواست نام برده رسیدگی و تصمیمی اتخاذ و اعلام دارند که پاسخ قاطعی داده شود. نخست وزیر ۸/۱۹

[حاشیه ۱:] دکتر امینی

[حاشیه ۲:] مهر انگیز دختر نایب حسین کاشانی نامه ای [نوشته]که با پنج طفل خود بی بضاعت باکمال بیچارگی روزگار می گذراند. تقاضا دارد راجع به تصمیمی که سال گذشته برای استرداد املاک پدری اوگرفته بودند ولی عملی نشده توجهی فرموده بلکه از املاک پدر خود بتواند زندگی را اداره نماید. ناظرزاده

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۴۱]

۴۳۷

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۲۲۵۱۰- پرونده ۱۷۵۱/۴۲۵- تاریخ نوشتن ۲۵ ماه ۲۱/۸ - تاریخ پاکنویس ۸/۲۶/ تاریخ ثبت ۲۱/۸/۲۷

ریاست مجلس شورای ملی

عطف به نامه شماره ۹۹۱-۲۱/۸/۲۰ به طوری که ضمن نامه شماره ۱۲۶۷۸-۳۱۵/۱۰/۲۲ به استحضار رسیده است، بر طبق گزارش وزارت دارایی، در مقابل صدمات و ضررهای وارده به دولت از نایب حسین و بستگانش مقدارکمی ملک و خانه که ارزش آنها نسبت به خسارت مذکوره قابل قیاس نیست باقی مانده، بعد که غالب آنها به فروش رسیده یا معاوضه گردیده است و با این وضعیت به هیچ وجه

نمی توان اقدامی در این باب نمود. با وجود این اخیراً بر اثر وصول دادخواست یکی از وراث به وزارت دارایی نوشته شده که اگر چنین است، تصمیمی درین باب اتخاذ نمایید اطلاع دهند. نخست وزیر ۸/۲۵/

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵/۳-۱۱۴۴۰]

۴۳۸

وزارت‌دارایی، بنگاه کل بهره‌برداری به‌تاریخ ۹/۱۲ماه ۱۳۲۱ - شماره ۳۲۳۳۴

جناب آقای نخست وزیر

در جواب مرقومه شماره ۲۰۰۷۷-۱۳۲۱/۸/۲۳- متضمن عین دادخواست بانو مهرانگیز فرزند نایب حسین کاشانی استحضار می دهد:

به بازماندگان نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی که دعاوی آنها نظیر و مشابه هم می باشد اعلام شده است؛ چون مرجع قانونی رسیدگی به اظهارات آنان دیوان دادرسی دارایی است، اظهارات خود را در دیوان نام برده مطرح نمایند. اکنون نیز به بانو مهر انگیز به همین نحو ابلاغ گردید که هر گونه اظهاری دارد در دیوان نام برده مطرح نماید. بجای وزیر دارائی (امان الله اردلان)

بایگانی - مهر ورود به‌کابینه ریاست وزراء - شماره ۲۵۴۶۰ - تاریخ ۲۱/۹/۱۴

[حاشیه:] به عرض برسد.

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۳۹

۲۱/۹/۱۲ مقام منیع جناب نخست وزیر دامت عظمته

عرض عاجزانه این کمینه مهر انگیز صبیهٔ مرحوم نایب حسین کاشانی

آن که در زمان ریاست الوزرائی مرحوم مستوفی الممالک، اجازهٔ استرداد املاک وراث آن مرحوم را دادند و مجدداً امر به توقیف موقت نمودند و تاکنون هم مقداری از املاک را به بعضی از حق برندگان مسترد داشته اند. این کمینه شرحی از

بیچارگی خود که با پنج طفل کوچک به روزگاری سیاه گرفتار می‌باشم به ریاست محترم دارالشورای ملی تقدیم نموده و از طرف آن ریاست معظم توصیه در خصوص همراهی به‌کمینه و استرداد املاک پدری این دعاگو به آن مقام عالی نگاشته شده، از طرف آن مقام عالی نیز مرجوع به ادارهٔ خالصجات شد. ادارهٔ خالصجات هم می فرمایند که باید بروی وکیل انتخاب کنی و به دادگستری شکایت کنی و عرض حال بدهی. این سنگ بزرگ را در جلوی پای این کمینه انداخته‌اند که هرگز از عهدهٔ این امر برنخواهم آمد. زیرا کسی که خود و فرزندانش برای یک لقمه نان یومیه معطل است و از عهدهٔ کوچکترین مخارج محاکمات بر نمی آید، چگونه می تواند وارد محاکمات دادگستری گردد. جناب آقای نخست وزیر که در حقیقت فعلاً پدر جمیع ملت ایران محسوب می شوید، آیا سزاوار است که این کمینه با این اضطرار از املاک موروثی پدری خود محروم بوده باشم و خود و فرزندانم از گرسنگی و برهنگی بی تاب و توان بوده باشیم. دولت وقت که امروزه همه نوعی با فقرا و ضعفا همراهی دارند، آیا چه می شود که بدون اشکال تراشی ترحماً حق خود کمینه را به‌کمینه واگذارد و از حق یک نفر زن ضعیفه مستمند چشم بپوشد و حق را به من له الحق برساند. صحیح است که برفرض پدر کمینه تقصیر هم داشت، در سن کهولت و شیخوخیت که ممکن بود نظر به‌کبر سن از کشتن او چشم بپوشند او را کشتند و به مجازاتش رساندند، آیا این کمینه مضطره با پنج طفل صغیر بی نوا چه تقصیری دارم که بایستی از حق خود محروم و مأیوس و از بی نوایی اشک چشم خوراک خود و فرزندانم بوده باشد. این دو روزه دنیا گذشتنی است. استدعا آن که برای مثوبات (ثواب ها)اخروی امر و مقرر فرمایید حق این مضطرهٔ بینوا را مسترد دارند که هم استرداد حق به من له الحق است و هم اجر جزیلی دارد که دستگیر دنیاو آخرت آن یگانه شخص معظم خواهد بود. چون مظلومه و مضطره و پریشان بودم پرگویی نموده‌ام. امید عفو و اغماض و بخشش است. کمینه [سطر آخر سند افتادگی دارد]

بخش ۸ کوچه گود زنبورک‌خانه معروف به...

[حاشیه ۱:] از وزارت دارایی نتیجه قطعی را بخواهید که بالاخره تکلیف این اشخاص تعیین شود. ۲۱/۹/۱۰
[مهر ناخوانا] شماره ۲۵۱۷۷- تاریخ ۲۱/۹/۱۲
[حاشیه ۲:] پرونده ضمیمه شد ۲۱/۹/۱۴

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۴۰

مجلس شورای ملی اداره دفتر، مورخه ۲۱/۹/۱۶ شماره ۱۰۳۶
جناب آقای نخست وزیر
مرقومه شماره ۲۲۵۱۰ راجع به توضیح ضررهایی که از طرف نایب حسین کاشانی و اتباعش به دولت وارد شده واصل، بنده از سابقه او و بستگانش کاملاً مستحضرم. مقصود این نیست که از املاک او چیزی به ورثه داده شود بلکه منظور این است به این زنها و اطفال که زیاد نیستند و هیچ گونه وسیله زندگی ندارند از هر محلی که ممکن و مقتضی است مساعدتی به آنها بشود که امرار حیات کنند. اینها هم رعیت دولتند.
[حاشیه ۱:] فوری سابقه ۲۱/۹/۱۶
[حاشیه ۲:] جوابی از وزارت دارایی رسیده بود و به شاکیان جواب بدهند به دادگاه دارائی رجوع نمایند. پرونده درگردش است.۹/۱۶/ پرونده ضمیمه شود ۹/۱۷/
[مهر] ورود به دفتر ریاست وزراء شماره ۲۵۹۸- تاریخ ۲۱/۹/۱۶

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵/-۱۱۴۴۰۳]

۴۴۱

دفتر نخست وزیر شماره عمومی ۲۵۹۸۰ - جزوه دان ۳۵- تاریخ نوشتن ۲۱/۹/۲۱ تاریخ پاکنویس ۹/۲۲- تاریخ ثبت ۲۱/۲/۲۹- پیوست یک برگ، پاکنویس کننده ملک

وزارت دارائی

با اطلاع از مفاد گزارش های شماره ۶۸۳/۱۵/۲/۵ و ۳۷۵۷۶/۱۷/۱۲/۲۰ وزارت دارائی راجع به عدم امکان اعادهٔ املاک و دارائی نایب حسین کاشانی به ورثه و بستگان او اینک رونوشت نامه اخیر ریاست مجلس شورای ملی به ضمیمه فرستاده می‌شود. چون تعداد این ورثه زیاد و همگی پریشان و فاقد وسایل معاش هستند لهذا اقتضا دارد از هر محلی و به هر شکلی ممکن باشد کمکی درباره آنها بشود، قدغن فرمایند راهی برای این کار در نظر گرفته و پیشنهاد عملی تهیه و بفرستید. ۹/۲۲/

رونوشت تهیه شود ۹/۲۲/، تهیه شد.

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۴۲

دفتر نخست وزیر، بتاریخ ثبت ۹/۲۷(۱۳۲۱)، وزارت دارایی

موضوع وراث نایب حسین و ماشاءالله کاشانی

عین نامه وراث ماشاءالله کاشانی دایر بر تقاضای رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی آنها به ضمیمه فرستاده می‌شود.

با توجه به نامه شماره ۳۲۳۳۴/۲۱/۹/۱۲ آن وزارتخانه، متمنی است معلوم فرمایند نسبت به وراث ماشاءالله کاشانی بخصوص تاکنون چه اقدامی به عمل آمده، نتیجه را ضمن اعادهٔ عین نامه گزارش دهند.

نخست وزیر

[حاشیه:] فریور ۲۱/۹/۲۳

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۴۳

وزارت دارایی، قسمت مالی به تاریخ ۱۳۲۱/۱۱/۶ - شماره ۲۰۱۵۰ رب - ضمیمه ۳۹۰۷۲

جناب آقای نخست وزیر

نظر به وصول مرقومه شماره (۲۵۹۸۰) به تاریخ ۲۹ آذر ماه ۱۳۲۱ متضمن رونوشت نامه شماره(۱۰۳۶) به تاریخ ۱۶ آذر ماه ۱۳۲۱ ریاست مجلس شورای ملی، طی نامه شماره ۴۴۷۱۸/۲۱/۱۱/۶ از ادارهٔ کل شهربانی تقاضا شد. [که] عدهٔ ورثه نایب حسین کاشی را که بی بضاعت و فاقد وسائل معاش هستند، با اعلام هزینه‌ئی(ای) که برای معیشت هریک از آنان لازم است، تعیین و اشعار دارند تا اقدام به عمل آید. از طرف وزیر دارائی محمدی

[حاشیه ۱:] با پیشینه به عرض برسد ۲۱/۷/۱۷ - مهر ورود به‌کابینه ریاست وزراء - نمره ۳۲۵۹۰ - تاریخ ۲۱/۱۱/۸

[حاشیه ۲:] دفتر جواب ورثه را بدهد. ۲۱/۱۱/۱۰

[سند شماره ۱-۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۴۴

دفتر نخست وزیر شماره عمومی ۳۲۵۹۰ - جزوه دان ۳۵- تاریخ نوشتن ۲۱/۱۱/۱۰ - تاریخ پاکنویس ۱۱/۱۱۱/ - تاریخ ثبت ۲۱/۱۱/۱۲ پاک نویس کننده: سرابی

ریاست مجلس شورای ملی

عطف به نامه شماره ۱۰۳۶/۲۱/۹/۱۶ راجع به ورثه نایب حسین کاشی اشعار می‌دارد: به وزارت دارائی نوشته شد از هر محل و به هر نحو ممکن باشد کمکی دربارهٔ آنها بنمایند. پاسخ می دهند از اداره کل شهربانی خواسته اند [که] تعداد ورثه را که بی بضاعت هستند، با تصریح مقدار هزینه که برای تامین اعاشه هر یک از آنها ضروری است تعیین و اطلاع دهند تا در این باب اقدامی که مقتضی است بنمایند. پس از حصول نتیجه مراتب اطلاع داده خواهد شد. نخعی ۲۱/۱۱/۱۰

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۴۵

ریاست محترم اداره آقای نخست وزیر دامت اقباله

این کمینه اکرم[۱] به سن چهارده سال و پرویز[۲] به سن هشت سال، پدر ماها تقریباً صد هزار تومان او توقیف دولت است و بیکار هم هست و نمی‌تواند نان به ما بدهد و ما بچه ها که نوه نایب حسین هستیم تقصیری نداریم. چطور ما در ولایت کاشان قند یک من صد تومان و نان یک من بیست تومان ما دو بچه چکار کنیم. تمام ورثه نایب حسین به‌کار درآمده‌اند فقط ما دو بچه در میان آنها نمی توانیم کار بکنیم و شما را به حق شرافت و وجدان خودتان قسم، شما را به حق طفل های گرسنه به داد ماها برسید که اقلاً ماهی صد تومان از عایدات ملک پدر ما به شهرداری کاشان رجوع کنید به ماها بدهید(بدهند). امر امر مبارک است.

آدرس خیابان صبا -کوچه چهل جریبی - برسد به دست خانم سبز پوشان

[حاشیه ۱:] برای رسیدگی و مساعدت نسبت به این اشخاص به وزارت کشور فرستاده شود ۲۲/۱/۳۱

[حاشیه ۲:] راجع به ادارهٔ امور شهرداری ها می باشد، به آن اداره ایفاد شود. ۲۲/۲/۱۱- نمره ۱۵۲۹/ن ۲۲/۲/۱۱

مهر ثبت کل وزارت کشور شماره ۷۸۵۵- تاریخ ۲۲/۲/۸

مهر (ناخوانا) شهرداری شماره ۳۹۴۵- تاریخ ۲۲/۲/۱۲

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۴۶

وزارت دارایی به تاریخ ۱۳۲۲/۲/۱۶ - شماره ۱۰۸۳ - ۸۷۷۱۵۵ - ضمیمه سه برگ

---

۱. از نواده های نایب حسین کاشی

۲. نوهٔ نایب حسین کاشی.

جناب آقای نخست وزیر
موضوع هزینه اعاشهٔ وراث نایب حسین کاشی
در جواب نامه شمارهٔ ۵۶۳ به تاریخ ۱۳۲۴/۱/۱۴.
رونوشت سه برگ سیاهه اسامی بازماندگان نایب حسین کاشی که اداره کل شهربانی طی نامه شماره ۱۹۲۴-۱۰۱۸۸ به تاریخ ۳۲۳/۱۱/۵ به این وزارتخانه ارسال داشته به پیوست ایفاد و اشعار می شود که نظر وزارت دارایی طی نامه شماره ۳۰۲۸۳-۲۳۴۴۷/۵۵ به تاریخ ۲۳/۱۲/۱۴ در این باب معروض گردید و هرگاه آن جناب پرداخت هزینه اعاشه هر یک از وراث نام برده را از اعتبار دولت لازم و ضروری می دانند ابلاغ فرمایند. معاون وزارت دارایی
[حاشیه:] آقای نصر ملاحظه، صورت لازم را تهیه و به نظر جناب آقای معاون برسانند. در صورتی که موافقت فرمودند طرح آن تهیه شود.
مهر [ناخوانا] شماره ۳۲۴۴- بتاریخ ۲۴/۱۲/۱۷

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۴۷

وزارت کشور، ادارهٔ امور شهرداری ها، تاریخ ۱۳۲۲/۲/۱۹- شماره ۳۹۴۵ ش / ۷۸۵۵، پیوست عین مرجوعه
جناب آقای نخست وزیر
با اعادهٔ عین مرجوعه شماره ۲۰۸۹ که برای رسیدگی به وزارت کشور ارجاع گردیده است، توضیحاً به عرض می رساند:این اشخاص از نواده های مرحوم نایب حسین کاشانی هستند وتقاضای آنها این است که از محل درآمد املاک جدشان ماهی یک هزار ریال به آنان کمک شود و چون املاک مزبور در تصرف وزارت دارایی است بایستی از طرف وزارت نامبرده اقدام شود.

از طرف وزیر کشور
[حاشیه:] مرجوعه است مهر (نامشخص) شماره ۴۱۳۲- تاریخ ۲۲/۲/۲۰

سابقه ۲۲/۲/۲۰، آقای صدیقی ۲۲/۲/۲۱، بایگانی ۲/۳۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۴۸

وزارت دارائی، قسمت مالی به تاریخ ۱۳۲۲/۳/۵ - شماره ۱۷۵۶ رب ۳۵۰۰

جناب آقای نخست وزیر

جواب مرقومه شماره ۱۰۸۱ به تاریخ ۲۴ فروردین ماه ۱۳۲۲ با آن که ادارهٔ کل شهربانی در نامه شماره ۲۲۰۸۸/۷۸۷ به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۱ عده ورثه بی‌بضاعت نایب حسین کاشی تشخیص داده و به عنوان بالا رفتن هزینه زندگانی از تعیین هزینه اعاشه آنان عذر خواسته بودند، مع هذا طی نامه شماره ۴۵۷۴ به تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۱۳۲۲ از ادارهٔ مذکور تقاضا شد هزینه اعاشه آنان تعیین وهزینه مذکور را ضمن سیاهه، تحت نظر آنهایی که بایستی هزینه اعاشه آنان هم پرداخت گردد منظور دارند تا پیشنهاد برقراری هزینه اعاشه آنان هم به آن مقام عالی تقدیم گردد. نظر به این که ادارهٔ مذکور تاکنون نسبت به این کار اقدامی به عمل نیاورده، رونوشت این گزارش به آن اداره ارسال و تقاضا شد در تعیین هزینهٔ اعاشه آنان تسریع نمایند. ضمناً مستدعی است امر و مقرر فرمایند اداره کل شهربانی در تعیین و اعلام هزینهٔ اعاشهٔ ورثهٔ نایب حسین کاشی زودتر اقدام نمایند که به مکاتبه راجع به این موضوع و شکایت آنان خاتمه داده شود.

از طرف وزیر دارایی رئیس کل دارایی میلسپو

[حاشیه:] سابقه ۲۲/۳/۷، مهر ورود به دفتر ریاست وزراء شماره ۵۵۸۶ - تاریخ ۲۲/۳/۷

آقای فخرایی ۲۲/۳/۹

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۱]

۴۴۹

دفتر نخست وزیر

شماره عمومی ۵۵۸۶ - جزوه دان ۳۵ - تاریخ نوشتن ۲۲/۳/۹ تاریخ پاکنویس ۳/۱۰ تاریخ ثبت ۲۲/۳/۱۲ پاکنویس کننده: ملک

اداره کل شهربانی

راجع به مساعدت با ورثهٔ نایب حسین کاشی گزارشی از وزارت دارایی به شماره $\frac{۱۷۵۶}{۳۵۰۰}$ رسیده و تقاضا نموده‌اند ادارهٔ کل شهربانی میزان هزینه اعاشه آنها را معین و اطلاع بدهند تا هزینه مزبور را ضمن سیاهه تحت نظر آنها منظور و از این حیث مساعدتی با ورثهٔ نایب حسین کاشی بشود. رونوشت نامه مستقیماً به اداره کل شهربانی فرستاده شده است. مقتضی است دستور دهید در این باب هر چه زودتر اقدام و میزان هزینه روزانه ورثه را تعیین نمایند و نتیجه را نیز اعلام دارند.

۲۲/۳/۹

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۵۰

وزارت دارایی، قسمت مالی، به تاریخ ۱۳۲۲/۳/۲۹، شماره ۶۹/۲۰ به ۱۱۳۴۰

جناب آقای نخست وزیر

در تعقیب نامه شماره ۱۷۵۶/۳۵۰۰ به تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ راجع به هزینه اعاشه ورثه بی بضاعت نایب حسین کاشی معروض می دارد؛ چون از ادارهٔ کل شهربانی تاکنون سیاهه اسامی و هزینهٔ ماهیانه ورثهٔ مرحوم نامبرده نرسیده و فعلا بانو مهری دختر نایب حسین و پنج نفر فرزندانش به نام حسین، رضا، فخری، قدسی، مهین، فوق‌العاده در عسرت و مذیقه (مضیقه) می باشند برای هزینه اعاشهٔ آنان ماهی نهصد ریال پیش بینی و مراتب به عرض می‌رساند تا در صورتی که آن مقام عالی، پرداخت هزینه ماهیانه آنان را از اعتبار ۱۳۲۲ دولت مقتضی بدانند، تصویب نامه آنان را مطابق طرح ضمیمه صادر و ابلاغ فرمایند.

وزیر دارایی (مرتضی قلی بیات) رئیس کل دارایی (آرتور میلسپو)
سابقه ۳/۳۰ [شماره سند ۱۱۴۱/۱۱۶۰۰۵-۱]

۴۵۱

نخست وزیر، تاریخ ۴/۶ ماه ۱۳۲۲، شماره ۷۴۳۰/۳۷۵

هیئت وزیران در جلسه ۴ تیر ماه ۱۳۲۲ بنا به پیشنهاد شماره ۶۹۲۰ / به به تاریخ ۱۳۲۲/۳/۲۹ وزارت دارائی تصویب نمودند؛ مبلغ ده هزار و هشتصد ریال بابت هزینهٔ اعاشهٔ یک سال ۱۳۲۲ بانو مهری صبیه مرحوم نایب حسین کاشی و پنج نفر فرزندانش حسین. رضا. فخری. قدسی. مهین از قرار ماهی نهصد ریال از اول فروردین ماه از اعتبار ۱۳۲۲ دولت به نامبردگان پرداخته شود.

وزیرمشاور* وزیر خواربار وزیر بهداری وزیر دارائی
[حسین سمیعی] تدین امان‌الله اردلان مرتضی قلی بیات
وزیردادگستری* وزیربازرگانی وپیشه وهنر
[علی‌اصغر حکمت] [محمود بدر]
وزیر جنگ* وزیرراه* وزیرامورخارجه
[سپهبداحمدامیراحمدی] [عبدالحسین‌هژیر] محمد ساعد
وزیرپست‌وتلگراف‌وتلفن وزیرفرهنگ وزیر کشاورزی
نصرالله انتظام علی اکبر سیاسی اعتبار

[* علامت نبودن امضای وزیر ذیربط است]

[شماره سند ۱۱۶۰۰۵-۱/۱۱۴۱]

۴۵۲

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۸۰۲۵،تاریخ ثبت ۲۲/۴/۲۳

وزارت دارایی

عطف به نامه شماره ۶۹۲۰ /ب ۱۱۳۴۰/۲۲/۳/۲۹ راجع به هزینهٔ اعاشهٔ ورثهٔ بی‌بضاعت

نایب حسین کاشی اشعار می‌شود. اینک نامه [ای] از طرف مرتضی ایران پور[1] فرزند مرحوم ماشاءالله خان کاشی رسیده که برای رسیدگی و اقدام مقتضی و گزارش نتیجه به ضمیمه فرستاده می شود.

نخست وزیر

[۱۳۲۲]/۴/۲۸

[شماره تنظیم سند ۱-۵-۱۱۶۰۰-۱۱۴۱]

۴۵۳

مجلس شورای ملی، دبیر خانه، مورخه ۱۳۲۲/۴/۲۶، شماره ۱۹۹۶۹

جناب آقای نخست وزیر

یکی از وراث نایب حسین کاشی [مرتضی ایران پور ژاندارم] با آگهی از مفاد پاسخ نامه شماره ۳۲۵۹۰/۲۱/۱۱/۱۲ و مکاتباتی که در جلب مساعدت به ورثه به وزارت دارایی شده مجدداً شرحی نوشته و به طوریکه می گوید، کماکان به حال پریشانی باقی و در مضیقه هستند. بدیهی است مقرر خواهید فرمود در تایید شماره بالا اقدام موثری دربارهٔ فقرای ورثه مزبور نموده و چگونگی را برای ایراد جواب مسکت اعلام دارند.

رئیس مجلس شورای ملی

حسن اسفندیاری

[مهر] ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۹۱۴۰ تاریخ ۲۲/۴/۲۷

[حاشیه:] آقای صدیقی ۲۲/۴/۲۸

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰-۱۱۴۱]

۴۵۴

عرض می شود

طرح تصویب نامه ورثه نایب حسین مدتی قبل تهیه و تقدیم هیئت محترم

---

۱. مرتضی ایران پور: (آریان پور) پسر ماشاءالله خان کاشی بود که در ژاندارمری کار می کرد.

وزیران شده است و تاکنون ابلاغ نگردیده.
[حاشیه:] اقدام شده است.

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۵۵

۲۲/۵/۱
نمره۳۰

یاهو

مقام محترم نخست وزیری دامت عظمته

باکمال احترام خاطر عالی را مستحضر می‌دارد، فدوی امیر آریان [پور] فرزند مرحوم نایب حسین کاشانی به تصور این که خاطرمبارک مستحضر است، پس از ۲۰ سال عسرت ویلان وبلاتکلیفی و توقیف املاک، در شش ماه قبل شرحی به مقام معظم آقای نخست وزیر، ریاست محترم مجلس شورای ملی معروض داشته و قرار شد از هر محلی که ممکن است، شهریه ای برای ورثه مرحوم نایب حسین تعیین شود و مراتب به وزارت دارایی ابلاغ و قضیه از طرف دولت به اداره کل شهربانی مرجوع و از ادارهٔ مزبور هم برای چهار نفر ورثه به شرح زیر:

محمد آقا. حسن خان. کشور. مهری ماهی نهصد ریال هر نفری و برای فدوی امیر آریان پور ماهی هزارودویست ریال تعیین گردید. اکنون مدتی از تصمیم دولت گذشته دیناری به فدویان داده نشده، فقط ماهی نهصد ریال برای مهری صبیه نایب حسین برقرار نموده اند. البته تصدیق می فرمایند به این گرانی تهران و نداشتن کوپن نان و قند [و] شکر با چند نفر اولاد حقیر بی مادر منتها درجه در عسرت می‌باشیم، چون امیدی غیر از آستان حضرت اشرف نداشتیم پناهنده به آستان مبارک شدیم. آجزانه(عاجزانه) استدعا دارم بزل(بذل) توجه فرموده راضی نشوید چند نفر اطفال بی‌گناه فدوی از عسرت تلف شود. امر و مقرر فرمایند بـه وزارت دارایـی و ادارهٔ محترم کل شهربانی سریعاً در صدد حل قضیه برآمده تا اطفال ما که اولاد این آب و خاک هستند تلف نشده آسایش فدویان را فراهم فرمایند. بدعاگویی زات(ذات) مقدس مشغول باشیم. امر امر مبارک است.

فدوی امیر آریان پور فرزند مرحوم نایب حسین کاشانی ۱۷/۱/۴

[حاشیه ۱:] سابقه چیست مطالعه و اقدام شود، نمره ۳-۲۲/۵/۱[۱۳]
[حاشیه ۲:] آقای عامری سابقه پیوست شود.
[حاشیه ۳:] در این باب اقدام شده است. بایگانی شود.

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱-۱۱۴۱]

۴۵۶

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۸۹۴۱- تاریخ ثبت ۲۲/۵/۱۳

وزارت دارایی

پیرو نامه ۸۰۲۵- ۲۲/۴/۲۲ راجع به کمک هزینه ورثه مرحوم نایب حسین کاشانی اینک دو نامه امیر آریان پور و ورثه دیگر نیز در موضوع درخواست مساعدت برای اقدام مقتضی و اعلام نتیجه به ضمیمه فرستاده شد.

ملک الکلامی

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱-۱۱۴۱]

۴۵۷

مورخه ۲۲/۵/۲۰

مقام منیع جناب نخست وزیر دامت عظمته العالی

محترماً به عرض عالی می رساند

چندی قبل در پاسخ عریضه فدوی حسن آریان پور فرزند مرحوم نایب حسین کاشانی که به مجلس شورای ملی عرض شده بود مرقوم فرموده بودند که از طرف مقام نخست وزیر به وزارت دارایی دستور داده شده است وسائل آسایش ورثهٔ مرحوم نایب حسین را فراهم نمایند. بنابراین فدوی نیز عریضه ای به وزارت دارایی عرض نموده ولی تا به حال قراری برای فدوی گذارده نشده است. از پیشگاه مبارک استدعای عاجزانه می شود بذل توجه فرموده در این موقع سخت زندگانی که فدوی بدون کمک نمی تواند ادامه حیات دهد، خصوصاً ما ورثه که از هستی ساقط

شده‌ایم نه سرمایه کسب نه سابقه ای که به خدمتی اشتغال ورزیم و نه املاکی که برداشت محصول نماییم. امر و مقرر فرمایید وزارت دارایی از املاک توقیف شده این جانب به هر قسم که ممکن است مبلغی ماهیانه به فدوی اعطا فرمایند تا در ظل توجهات دولت لقمه نانی خورده، خود و چند نفر عائله بی بضاعت را از این گرداب هلاکت نجات دهند. منوط به امرمبارک است.

حسن آریان پور فرزند مرحوم نایب حسین کاشانی

آدرس نطنز -آفوشته

[حاشیه:] آقای صدیقی ۲۲/۵/۳۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۱]

۴۵۸

وزارت دارایی، قسمت مالی

اداره کل شهربانی

با ارسال عین نامه به تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ ژاندارم شماره ۷۷۸ مرتضی ایران پور که طی نامه شماره ۵۳۴۷ به تاریخ ۱۳۲۲/۳/۹ نخست وزیری به این وزارت فرستاده شده و عین نامه مورخ ۱۴ اردیبهشت ماه احمد آریان پور ساکن مشهد و نامه مورخ ۱۱ خردادماه ۱۳۲۲ چند نفر دیگر از وراث نایب حسین کاشی مقیم تهران استحضار می‌دهد:

بنا به پیشنهاد شماره۷۰۴۷/ ۴۲۴۶ به تاریخ ۲۸ خرداد ماه ۱۳۲۲ و آن اداره برای پرداخت هزینه اعاشه سال ۱۳۲۲ سه نفر از وراث نامبرده بانو مهری و فرزندانش محمد آقا و بانو کشور به هیئت وزیران پیشنهاد لازم فرستاده شده است تا در صورت تصویب از اعتبار ۱۳۲۲ دولت پرداخته شود. بنابراین خواهشمند است نسبت به تقاضای نامبردگان هم رسیدگی و در صورتی که اشخاص مزبور وراث نایب حسین تشخیص واستحقاق دریافت هزینه‌اعاشه داشته‌باشند، مبلغی را که برای هزینه اعاشه آنها لازم می‌دانند پیشنهاد فرمایید تا مورد بررسی قرار

داده شود.

وزیر دارایی (مرتضی قلی بیات) رئیس کل دارایی (میلسپو)

رونوشت عطف به نامه شماره ۵۳۴۷ به تاریخ نهم تیرماه ۱۳۲۲ به دفتر جناب آقای نخست وزیر ارسال می‌شود.

ضمیمه ۸۰۵ ارج م

وزیر دارایی بیات از طرف رئیس کل دارایی

[حاشیه:] ۹۳۶۲/ ۲۲/۵/۱۹ مهر ورود به دفتر ریاست وزرا شماره ۱۰۷۰۴ تاریخ ۲۲/۵/۲۰

[حاشیه:] سابقه ۲۲/۵/۲۰، آقای صدیقی ۲۲/۵/۲۴

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۵۹

۲۲/۵/۲۰ مقام محترم نخست وزیری دامت عظمته

محترماً به عرض انور می رساند فدوی امیر آریان پور فرزند مرحوم نایب حسین کاشی خواطر (خاطر) مبارک مستحضر است؛ پس از ۲۰ سال سرگردانی و ضبط املاک، در ۶ ماه قبل، شرحی به مقام نخست وزیری معروض و امر شد از هر محلی که مقدور است حقوقی جهت ورثه نایب حسین تعیین شود و مراتب به وزارت دارایی ابلاغ و موضوع از طرف دولت به شهربانی کل ارجاع و از ادارهٔ مزبور برای ۴ نفر ورثهٔ نایب حسین (محمد- حسن- کشور- مهری) ماهی ۹۰ تومان و برای فدوی هم ۱۲۰ تومان مقرر شد و تا به حال دیناری دریافت نشده و ضمناً از دارائی کاشان توضیح خواسته شد و ظاهراً دارایی مزبور گزارشی داده که عیال این بنده(امیر آریان پور) دارای مکنت و ثروت و با من مشغول کیف است، در صورتی که فدوی مدت ۲۰ سال است که تهرانی هستم و بالغ بر ۱۰ سال است که با عیال خودم ترک مراوده و معاشرت دارم و دو اولاد هم از زن مزبور دارم که مادر آنها مخارج ۱۰ سال را مطالبه می کند، و به علاوه اداره کارآگاهی و آگاهی مرکز نیز از

عسرت و معیشت سختی که ۷ نفر اولاد، که ۵ نفر آنها بی مادر هستند، اطلاع دارند. البته تصدیق می فرمایید با این گرانی تهران و سختی معاش و نداشتن کوپن نان و قند و چایی و عائلهٔ زیاد منتها درجه در عسرت می باشند. لذا پناهنده به آستان مبارک شما استدعای عاجزانه دارم امر و مقرر فرمایند ادارهٔ کل شهربانی و وزارت دارایی سریعاً درصدد حل قضیه برآمده تا با ۷ نفر اولاد بدبخت بی سرپرست و بی مادر این کشور زنده مانده و امرار معاش نماییم و دراین سال پر خطر تلف نشویم و انتظار داریم که امریه مبارک شرف صدور یافته و آسایش فدویان فراهم گردد.
با تقدیم احترامات فائقه - فدوی امیر آریان پور فرزند نایب حسین کاشانی.
آدرس: باغ فردوس - سه راه نایب علی - منزل قاسم امنیه

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۶۰

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت شوکته

با کمال بیچارگی به عرض می رساند فدویان وراث بی بضاعت نایب حسین کاشانی اکنون مدت بیست و پنج [سال] است که در محاق عسرت و پریشانی مستأصل و انواع محن و مصائبی که ما فلک زده ها در این مدت متحمل شده ایم غیر قابل تصور است. خدا گواه است از آن روزی که دولت تمامی اموال ما را به ناحق تصرف کرده ما یک عده زن و مرد بیچاره تا چه اندازه سختی و عسرت کشیده و چقدر با خون دل عریضه به دولت نوشته ایم. با این حال گاهی اولیاء دولت به ما وعده و اطمینان مساعدت می دهند و گاهی به طفره و مسامحه می‌گذرانند که قریباً از نتیجه مستحضر خواهید شد. خدا شاهد است گذشته از این که تاکنون نتیجه ای حاصل نشده، عده ای از زن و بچه های بی گناهمان هم از زحمت گرسنگی تلف شده اند و ما یک عده زن و مرد بیچاره با عائله زیاد در این دورهٔ قحطی با مرگ دست به‌گریبان هستیم و با وجود این که چند ماه است از طرف حضرت اشرف و رئیس مجلس شورای ملی امر شده است که موجبات آسایش

ورثه را فراهم نمایند، ولی اولیاء مربوطه کما فی السابق تاکنون مساعدتی نسبت به ما فلک زده ها نکرده، این است که باکمال بیچارگی و بی صبری متوسل به آستان حضرت اشرف شده شما را به شرافت و ذات مبارک خودتان و به تمام مقدسات قسم می دهد که بیش از این راضی به گرسنگی و عسرت عده [ای] زن و مرد بیچاره نشده استرحاماً امر اکید و مقرر فرمائید مقامات مربوطه امریه مساعدت حضرت اشرف را به موقع اجرا گذاشته هر چه زودتر تکلیف اعاشهٔ فدویان را مرحمت نمایند تا جان مشتی عائله و اطفال بی گناه از بین نرفته مشغول دعاگوئی ذات مبارک باشیم.

فدویان ورثه نایب حسین: محمد آقا ـ کشور ـ حسن ـ امیر

کاشان پشت مشهد ۲۲/۵/۲۶

آقای صدیقی اقدام فرمایید ۲۲/۵/۳۱

بایگانی شود. در این باب اقدام لازم شده است

مهر ورود به کابینه ریاست وزراء شماره ۱۱۸۴۷ - تاریخ ۲۲/۶/۱

[شماره تنظیم سند ۱-۵۰۰۶۱۱-۱۱۴۱]

۴۶۱

اداره کل حسابداری ها و ممیزی - به تاریخ ۱۳۲۲/۶/۲ شماره ۱۸۳۴۰/۲۶۱۰/ح م

جناب آقای نخست وزیر

در تعقیب پیشنهاد شماره ۶۹۲۰/۱۰۵۷۸، به تاریخ بیست و یکم خرداد ماه، ۱۳۲۲ راجع به برقراری ماهی نهصد ریال (۹۰۰ ریال) دربارهٔ بانو مهری دختر نایب حسین کاشی و پنج نفر فرزندانش معروض می دارد:

به شرح نامه شماره ۷۰۴۷/۴۲۴۶ به تاریخ بیست و هشتم خرداد ماه ۱۳۲۲ اداره کل شهربانی پنج نفر از فرزندان نایب حسین کاشی عبارت از امیر کاشی. حسن منصور لشگر، محمد آقا، مهر انگیز و بانو کشور می باشند و اداره مزبور چنین می نویسد دو نفر از نامبردگان یکی امیر کاشی اعاشه او به وسیله عیالش که متموله

است اداره می شود و دیگری حسن منصور لشکر که بیست و پنج هزار ریال (۲۵۰۰۰ ریال) از دولت گرفته است فعلاً استحقاق دریافت کمک خرج را ندارند.

ضمناً برای هزینهٔ اعاشهٔ محمد آقا که دارای پنج نفر عائله می باشد ماهیانه نهصد ریال (۹۰۰) و برای بانو کشور دختر نامبرده ماهیانه ششصد ریال (۶۰۰) پیش بینی نموده مراتب را به عرض می رساند تا در صورتی که پرداخت هزینه اعاشه ماهیانه آنان را از اعتبار ۱۳۲۲ دولت مقتضی بدانند تصویب نامه آن را مطابق طرح ضمیمه صادر و ابلاغ فرمایند.

[حاشیه پایین] وزیر دارایی، مرتضی قلی بیات ـ رئیس کل دارایی، آرتور میلسپو
مهر ورود به دفتر ریاست وزراء - شماره ۱۱۷۷۶ - تاریخ ۲۲/۶/۳
آقای حجازی تصویب نامه صادر شود ۲۲/۶/۳

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۳/۱۱۴۴۰-۱۱۴۴۰]

۴۶۲

نخست وزیر، به تاریخ ۱۳۲۲/۶/۷، شماره ۱۱۷۷۶/۵۱۶

هیئت وزیران در جلسه ۵ شهریور ماه ۱۳۲۲، بنا به پیشنهاد شماره ۲۶۱۰/ج م/۱۸۳۴۰ به تاریخ ۱۳۲۲/۵/۲ وزارت دارائی تصویب نمودند مبلغ هیجده هزار ریال (۱۸۰۰۰ ریال) بابت هزینهٔ اعاشهٔ یک ساله ۱۳۲۲ محمد آقا و بانو کشور فرزندان نایب حسین کاشی به قرار زیر:

۱- هزینهٔ اعاشهٔ یک ساله ۱۳۲۲ محمد آقا به قرار ماهی نهصد ریال (۹۰۰ ریال) = ۱۰۸۰۰

۲- هزینهٔ اعاشهٔ یک ساله ۱۳۲۲ بانو کشور به قرار ماهی شش صد ریال (۶۰۰ ریال) = ۷۲۰۰

از اعتبار ۱۳۲۲ دولت پرداخت شود.

[سند شماره ۱-۱۱۶۵۰۰۵-۴-۱۱۴۴]

۴۶۳

مجلس شورای ملی، مورخه ۲۲/۶/۱۲، شماره ۲۰۹۲۵ پیوست ندارد
جناب آقای نخست وزیر

موضوع شکایت ورثه نایب حسین کاشی از پریشانی و استعانت از دولت سوابقی دارد که در دفتر نخست وزیری و وزارت دارایی موجود و پس از مکاتبات مکرر بالاخره آخرین پاسخ نامه ای که از آن مقام رسید و به ورثه اعلام گردید بر این مشعر بود که به وزارت دارایی دستور داده شده است بارعایت مراتب پریشانی ورثه ارفاق و مساعدتی درباره آنان بشود. به قرار شکایاتی که بعضی از ورثه اخیراً نموده‌اند به استناد دستور فوق به وزارت دارایی مراجعه کرده ولی تاکنون مساعدت و ارفاقی در حق آنها نشده است و بر مراتب پریشانی و بیچارگی افزوده. اینک با توجه به مراتب استحقاق و استیصال ضعفای ورثه و تکمیل و تأیید دستور قبل، برای تأمین جانی آنها از خطرات سختی معاش، هرگونه اقدامی که به عمل خواهد آمد مجلس را نیز آگاه خواهید فرمود.

رئیس مجلس شورای ملی حسن اسفندیاری

[حاشیه] تصویب نامه هم ضمیمه شود ۶-۱۲۵/۱۳/۶/۲۲
آقای دبیران ۲۲/۶/۲۲
تصویب نامه اخیر هم به شماره ۱۱۷۷۶-۲۲/۶/۷ ضمیمه شد.
اقدام (؟) ۲۲/۶/۲۲

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۶۴

اداره کل حسابداری ها و ممیزی، شماره $\frac{۱۶۵۱۴}{۴۸۶۴/۵}$
اداره کل شهربانی

در جواب نامه شماره (۱۱۲۴۴/۲۹۳۹۴) به تاریخ نهم مرداد ماه ۱۳۲۲، فقط باارسال رونوشت نامه امیر آریان پور پسر نایب حسین کاشی قناعت فرموده‌اند.

استحضار می دهد چون طی نامه شماره ۶۹۲۴/۹۳۶۳، به تاریخ ۲۲/۵/۱۰، تذکر داده شده است به تقاضای وراث نایب حسین کاشی رسیدگی فرموده و در صورتی که اشخاص دیگر ازوراث نایب حسین تشخیص و استحقاق دریافت هزینهٔ اعاشهٔ داشته باشند مبلغی را که برای هزینهٔ اعاشهٔ آنها لازم می دانند پیشنهاد فرمایند، بنابراین عین نامه مرتضی ایران پور ارسالی طی نامه شماره ۸۰۲۵ به تاریخ ۱۳۲۲/۴/۲۲ نخست وزیری و نامه به تاریخ ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۲ یدالله آریان پور نیز لفاً ارسال و خواهشمند است به تقاضای نامبردگان رسیدگی و نظر خود را نسبت به استحقاق آنها و امیر آریان پور اعلام فرمایید تا یک جا مورد رسیدگی قرار داده شود.

وزیر دارایی رئیس کل دارایی

رونوشت در جواب نامه شماره ۹۴۱۲۸۰۲۵ به تاریخ ۲۲ و ۱۳۲۲/۵/۱۳ به دفتر جناب آقای نخست وزیر ارسال می شود.

وزیر دارایی از طرف رئیس کل دارائی

مرتضی قلی بیات هنری شمبارجر

مهر ورود به دفتر ریاست وزرا، به شماره ۱۲۵۹۰، تاریخ ۲۲/۶/۱۴

۴۶۵

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۱۲۵۰۶ تاریخ ثبت ۲۲/۶/۲۶ [۱۳]

ریاست مجلس شورای ملی

عطف به نامهٔ شماره $\frac{۲۰۹۲۵}{۲۲/۶/۱۲}$ در موضوع شکایت ورثه نایب حسین کاشی اشعار می‌دارد؛ اخیراً به منظور مساعدت و ارفاق دربارهٔ فرزندان نایب حسین تصویب نامه‌ای به شماره $\frac{۱۱۷۷۶}{۲۲/۶/۷}$ راجع به هزینهٔ اعاشهٔ آنان صادر و به وزارت دارایی هم ابلاغ شده است. دستور فرمایید به وزارت خانه مزبور مراجعت نمایند.

ملک‌الکلامی نخست وزیر

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۴۶۶

به تاریخ ۱۳۲۲/۶/۳۱، شماره ۱۲۷۷

آقای حسن آریان‌پورکاشانی اداره بخشدار[ی] نطنز گواهی دارد که شما شخص نجیب و محترم متین هستید و وضعیات معاش و امرار زندگانی شما از هر حیث مختل و فاقد دارائی بوده و در خور مساعدت کامل دولت می‌باشد (باشید). امین صلح و بخشدار شهردار نطنز. احدی[1]

اصل رونوشت در ۲۲/۷/۲ تقدیم وزارت دارائی شده است.

[شماره سند ۱ ـ ۱۱۶۰۰۵ ـ ۱۱۴۱]

۴۶۷

مورد توجه هیئت محترم وزیران، نمره ۱ ـ ۷ مهر ماه ۱۳۲۲

هیئت محترم وزیران دامت برکاته

محترماً به عرض محترم وزیران می‌رساند که به قرار اطلاع مقرر فرموده‌اند که به ورثهٔ بی‌بضاعت مرحوم نایب حسین کاشانی ماهیانه مبلغی از در آمد کشوری پرداخت شود و تاکنون سه فقره حکم دربارهٔ سه نفر صادر، یکی مهری دختر نایب حسین ماهیانه ۹۰۰ ریال، یکی کشور دختر نایب حسین ماهی ۶۰۰ ریال، یکی محمد آقا پسر نایب حسین ماهی ۹۰۰ ریال. معلوم نیست این صورت را چه کسی تکمیل و تقدیم داشته که اشخاص بی بضاعت بدبخت را از قلم انداخته و از طرفی نیز املاک (ضبطی) متعلق به مرحوم نایب علی خان شجاع لشکر پسر نایب حسین بوده که یک مزرعهٔ آن مساوی با تمام املاک نایب حسین و سایر پسرانش می‌باشد و ورثهٔ آن مرحوم تمام بی‌بضاعت و بیچاره هستند. آیا سزاوار است املاک موروثه این جانبان وراث قانونی مرحوم نایب علی خان را دولت ضبط کند و بفروشد و معاوضه کند. آن وقت حقوق دربارهٔ دیگران تعیین نماید. در صورتی که قسمت اعظم املاک ضبطی متعلق به این جانبان وراث مرحوم نایب علی خان شجاع لشکر

---

۱. یا اوحدی امین صلح و بخشدار نطنز در سال ۱۳۲۲ هـ ش

پسر نایب حسین بوده نه متعلق به شخص نایب حسین. علی هـذا وراث قـانونی مرحوم نایب علی خان شجاع لشکر به شرح زیر است:

۱. اصغر شجاعی پسر
۲. جهانشاه فرزین پسر
۳. ملوک شجاعی دختر
۴. کوچک یغمائی دختر
۵. انیس آقا فرزین عیال
۶. عذرا یگانه عیال
۷. فرهنگ یگانه عیال
۸. مادر کوچک یغمائی عیال

که این هشت نفر هیچ یک دارای یک شاهی تمول نیستند. زن‌های آن مرحوم هم شوهر ندارند و با نهایت بدبختی زندگانی ننگین را به سر می‌بریم. حالا به ما مربوط نیست که به دیگران که ارثی نداشته و تمول هم دارند حقوق داده می‌شود، ولی این حقوق بالاخره از محل املاک مرحوم نایب علی خان تأمین شده، چـرا بـه وراث بدبخت خودشان داده نمی‌شود و به دیگران که خودشان متمول و پدرشان املاک نداشته حقوق پرداخت می‌شود. خدا شاهد است که این اعطای دولت برعکس عمل شده است نه روی مطالعه و طرز عجیبی، بنابه مراتب معروضه بالا استدعا دارد تا نیمه جانی در ما بدبخت‌ها باقی است میان جان ما برسید والا علاوه بر این که روز قیامت دامن گیر هستیم در محکمه عدل الهی هم محکوم خواهید بود که ارث شرعی و قانونی ما بدبخت‌های ایرانی که هر یک از بدبخت‌ترین افراد کشور هستیم، ضایع نموده‌اید و مقام عالی‌تر از هیئت مـحترم وزیـران فـقط بـه نـظر مـا خداست و بس. استدعای عطف توجه و جواب فوری داریم.

ورثه قانونی مرحوم نایب علی خان شجاع لشکر

اصغر شجاعی امضاء محل اثر انگشت فرزندان و عیال نایب علی خان

آدرس: کاشان کوی سرسنگ توسط اصغر شجاعی (پسر مرحوم علی خان شجاع لشکر)

[حاشیه]، عیناً برای رسیدگی و اقدام و اعلام نتیجه به وزارت دارائی فرستاده شود. ۲۲/۷/۲۴

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۳ـ۱۱۴۴]

۴۶۸

وزارت دارایی، قسمت مالی، اداره کل حسابداریها و ممیزی، به تاریخ ۱۱ مهر ماه ۱۳۲۲، شماره ۲۲۵۰۸/۶۴۳۳/۵۴ ضمیمه ندارد

جناب آقای نخست وزیر

موضوع ورثه نایب حسین کاشی

در تعقیب مرقومه شماره ۸۰۲۵ به تاریخ ۲۲ تیر ماه ۱۳۲۲ متضمن عرض حال مرتضی ایرانپور فرزند ماشاءالله کاشانی معروض می‌دارد:

به موجب نامه شماره ۲۵۹۸ و به تاریخ ۱۳۲۱/۹/۲۹ که مقرر فرموده‌اند از ورثه نایب حسین کاشی که پریشان و فاقد وسائل معاش هستند کمکی بشود، هزینهٔ اعاشهٔ سه نفر از فرزندان نایب حسین از اعتبار دولت تأدیه و بنا شد ادارهٔ کل شهربانی بازجوئی لازم را دربارهٔ بقیه ورثه به عمل آورند تا در صورتی که اشخاص بی‌بضاعتی به سن آنان باشد پیشنهاد لازم تقدیم گردد.

این که ادارهٔ کل شهربانی در نامه شماره ۱۶۲۸ـ۷۰۶ به تاریخ هفتم شهریور ماه ۱۳۲۲ اشعار داشته است چون در دستور صادره تصریح شده است نسبت به وراث نایب حسین تحقیقات شود در مورد ورث ماشاءالله و نایب علی پسران نایب حسین بازجوئی نشده و چناچه بایستی ورثه ماشاءالله و نایب علی جزء وراث نایب حسین محسوب و نسبت به استحقاق آنان بایستی بازجوئی گردد تصریح شود. بنابر این مستدعی است در صورتی که مقرر است به ورثه نامبردگان هم کمک و مساعدتی مبذول گردد اوامر لازم را به ادارهٔ کل شهربانی صادر فرمایند.

وزیر دارایی — مرتضی قلی بیات
رئیس کل دارائی — میلسپو

[مهر] ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۱۴۷۳۸، تاریخ ۲۲/۷/۱۲
[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ / ۱۱۴۱]

۴۶۹

جناب آقای نخست وزیر [تاریخ] ۲۲/۷/۱۲ [۱۳]
بعد از مدت‌ها سرگردانی و بیچاره‌گی (بیچارگی) اخیراً از طرف حضرت اشرف امریه صادر شده که به ورثه بی‌بضاعت مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی شهریه بدهند. کمینه توران آریان‌پور دختر مرحوم ماشاءالله خان کاشانی که زن بیوه و دارای سه طفل صغیر و در تمام ملک خدا دیناری مایملک ندارم، از بذل لطف و عنایت دولت محروم و در جوار حضرت ثائم (ثامن) الائمه با سختی معیشت دست به‌گریبان هستیم.

به حضرت اشرف پناهنده شده و استرحاماً استدعا دارم، دستور فرمایید شهربانی مشهد به وضعیت کمینه رسیدگی نموده و در صورتی که تصدیق نمود که دیناری مایملک ندارم و بعلاوه نان آور هم ندارم، امر و مقرر فرمایید برای کمینه هم شهریه بر قرار کنند که با سه طفل صغیر یتیم بتوانم زندگی کنم.

در پایان البته وجدان حضرت اشرف اقتضا نمی‌کند که پدر کمینه دارای ملک و املاک زیاد بوده و در اثر بی‌توجهی دولت، کمینه به این حالت [افتادگی سند] انتظار مراحم فوری را دارم.

کمینه صبیه مرحوم ماشاءالله خان کاشانی

آدرس: مشهد شرکت فلاحت توسط احمد آریان‌پور کاشانی.

[حاشیه ۱]: عیناً برای رسیدگی و اقدام و اعلام نتیجه به ادارهٔ کل شهربانی فرستاده شود. ۲۲/۷/۲۳

[حاشیه ۲] شماره ۱۶۲۴۷، تاریخ ۲۲/۷/۲۳

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵ - ۱۱۴۱]

۴۷۰

هیئت محترم وزیران دامت برکاته [تاریخ] ۲۲/۸/۱۸ [۱۳]

پیرو معروضه این چاکران، ورثه مرحوم نایب علی خان (شجاع لشکر پسر نایب حسین کاشانی) که مورخه هفتم مهر ۱۳۲۲ تقدیم گردیده و پس از چهل و کسری روز انتظاری و چشم به راهی بالاخره اقدامی‌که در این میان برای جلوگیری از مردن ما بدبخت‌ها بشود نشده. البته مقام وزیران محترم رفیع‌تر از آن است که همه کاری را زمین گذارده به عرض یک عده گدای بیچارهٔ گرسنه برسند. ولی آن دولت معظم مدت‌ها وقت گرانبها را صرف و میلیون‌ها در راه جلوگیری آفت و امراض مسّریه خرج می‌فرمایند که یک نفر از نفوس ایرانی از بین نرود. از طرفی ما بدبخت‌ها یک عده زن و مرد ایرانی هستیم و حقوق حقهٔ خود را پس از سال‌ها مطالبه داریم و قریب به موت هستیم. فریادمان به جایی نمی‌رسد. باز هم گواهی داریم که در این موقع گرفتاری دولت معظم عزیرمان زیاد است. ولی چه کنیم طفل‌هامان برهنه و گرسنه، خودمان گرسنه بیچاره، چه کنیم املاک ضبطی‌مان را به دیگری معاوضه و انتقال داده‌اند. درآمد ملک و آب حق ما ها شهریه آن را به دیگران که استحقاق ندارند یا دارند داده می‌شود. چارهٔ درد ما یا عطف توجه دولت است یا مرگ، این که هر ساعتی انتظاری را داریم. به خدا پول تمبر پستی را نداریم. خواستم تلگراف کنم مخارج تلگراف را نداشته‌ام. حالا از دو حال خارج نیست، اگر لطفی می‌فرمایید زودتر و اگر هم به عرایضمان رسیدگی نمی‌فرمایید اقلاً جوابی مرحمت فرمایید که مطمئن شویم فقط در انتظار مرگ باشیم و بس. انتظار عطف توجه مخصوص و جواب داریم.

ورثهٔ مرحوم نایب علی خان شجاع لشکر پسر نایب حسین اصغر شجاعی

[شمارهٔ سند ۱ ـ ۱۱۶۰۰۵ ـ ۱۱۴۱]

۴۷۱

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۱۴۷۳۸، تاریخ ثبت ۲۲/۹/۱۳ [۱۳]

وزارت دارایی

در جواب نامه شماره $\frac{۲۲۵۰۸}{۶۴۳۳/۵۵}$ راجع به ورثهٔ نایب حسین کاشی زحمت می‌دهد، به عقیدهٔ این جانب به آن اشخاص از ورثهٔ نایب حسین می‌توان کمک نمود که یا صغیر باشند یا زن و یا نان آوری نداشته باشند والا دلیلی به نظر نمی‌رسد به اشخاصی که می‌توانند کار کنند از صندوق دولت به آنها چیزی پرداخته شود و برای رسیدگی به این امر هم بهتر است، مأمور وزارت دارایی در محل تحقیقات کامل بنماید تا نسبت به اشخاصی که قابل رعایت و کمک باشند اقدام لازم به عمل آید.

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴]

۴۷۲

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت شوکته [تاریخ] ۲۲/۹/۱۴

با کمال احترام به عرض می‌رساند:

مقداری املاک و خانه از طرف آقای حسن آریان‌پور کاشانی فرزند مرحوم نایب حسین کاشانی صداق این جانبه بتول ریاحی[۱] شده که قباله ازدواج موجود حاکی است و از وقتی که املاک نایب حسین را دولت توقیف نموده است تاکنون چندین مرتبه به مقامات مربوط عریضه و استدعای رسیدگی نموده‌ام. چون دادرسی نبوده تمام به وعده امروز و فردا گذشت. از آن زمان تاکنون خود و عائله‌ام دربدر و بیچاره هستیم. امروز که دولت کاملاً به حال بیچاره گان (بیچارگان) رسیدگی می‌فرمایند، این است که عرایض خود را به مقام ریاست مجلس شورای ملی عرض و جواب مرقوم فرموده‌اند که به وزارت دارایی مراجعه نمایید. شرحی به وزارت دارایی هم چندین مرتبه عرض نموده‌ام. از بنگاه کل بهره برداری و خالصه جواب طی شماره $\frac{۱۹۵۶۰}{۲۲/۸/۲۵}$ داده‌اند که کلیهٔ املاک نسبت به مرحوم نایب حسین تمام خالصه و در دفتر مربوط ثبت و تماماً به مزایده به فروش رسیده است. بدیهی است دولت

۱. زن حسن آریان‌پور پسر نایب حسین کاشانی که ساکن نطنز بود.

املاک نایب حسین را فروخته باشد، مربوط به املاک حقه این جانبه نیست. استدعای عاجزانه دارم، امر و مقرر فرمایید عین املاک صداقیه این جانبه را مسترد و در صورتی که اعادهٔ عین مقدور نباشد قیمت عادلانهٔ آن را مسترد دارند که صرف اعاشهٔ خود نموده به دعاگویی ذات مقدس مشغول باشم. آیا سزاوار است در موقع سختی و گرانی طاقت فرسا خود و عائله‌ام از بین برویم امر امر مبارک است.

[حاشیه] بتول ریاحی، آدرس نطنز ـ نمره ۱۹۸۴۳ / ۲۲/۹/۲۳

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۴۷۳

مستدعی است شخصاً ملاحظه فرمایید

جناب آقای نخست وزیر

محترماً معروض می دارد - فدویان وراث مرحوم ماشاءالله خان کاشانی که مدت‌هاست در اثر بی‌توجهی دولت گذشته به حال فلاکت و بدبختی دچار و هرچه به مقامات مربوط شکایت نموده‌ایم توجهی نفرموده‌اند. نمی‌دانیم مرجع رسیدگی به شکایت این جانبان کجاست؟ و چرا دولت جناب عالی که دولت دموکراسی است احقاق حق ما را نمی‌کند. دولت گذشته نایب حسین و پسرانش رابه جرم طغیان و شرارت اعدام نمود، آیا تقصیر ما یک مشت عائلهٔ آنها چیست؟ اگر نایب حسین و ماشاءالله خان مقصر بودند املاک آنها چه تقصیری کرده‌اند. اگر دولت معتقد است که این املاک از راه عنف و اجبار تهیه شده، پس چرا در این مدت نسبت به مالکیت املاک آنها معارضه‌ای در بین نبوده و بعلاوه چرا هیئت وزراء [در جلسهٔ ۱۱ دی ماه ۱۳۰۵ تصویب نامه] شماره ۱۰۸۳۹ را صادر و املاک این جانبان را مسترد فرمودند. ولی متأسفانه روی غرض رانی و هوی و هوس بعضی از وزراء خائن که توقع دریافت رشوه داشتند، مجدداً املاک توقیف و پس از چندی املاک این جانبان را، در مقابل املاک ضبطی شاه سابق، به یک عده از مازندرانی‌ها واگذار کردند. آیا شایسته است املاکی را که صاحبان آنها زنده و در قید حیات هستند و

مدارک مالکیت در دست دارند، در حیات آنها دولت حاتم بخشی نموده و به دیگران ببخشند. آیا حضرت اشرف که یک نخست وزیر شرافتمند می‌باشید راضی هستید بیش از این یک فامیل سیصد نفری به حال استیصال و پریشانی به سر برده و از شدت استیصال به تمام ولایات پراکنده شده و برای امرار معاش خود به شغل‌های کوچک که کفاف زندگی آنها را با سختی مشکلات زندگی فعلی نمی‌دهد سرکنند. استدعای عاجزانه داریم حالا دیگر پس از مدتی سرگردانی شخصاً به‌کار این جانبان بذل توجهی فرموده یا شخصاً پروندهٔ این جانبان را ملاحظه و یا رسیدگی به‌کار ما را به یک شخص با وجدانی ارجاع فرمایید که رسیدگی فوری به عمل آید. مستدعی است امر و مقرر فرمایید اگر واقعاً عرایض این جانب به هیچ وجه قابل قبول دولت نمی‌باشد، مراتب را در پاسخ این جانبان اعلام فرمایند که بکلی قطع امید نموده و برای اعاشه خود تصمیم‌های دیگری اتخاذ نماییم.

احمد، مهدی، عباس، مرتضی، توران، امیر، وراث مرحوم ماشاءالله خان کاشانی، آدرس مشهد شرکت فلاحت. توسط احمد آریان‌پور، نمره ۲۱۱۱۷ / ۲۲/۱۰/۱۷

[حاشیه:] آقای تهرانچی به وزارت دارایی نوشته شود [که] رسیدگی نمایید. ۲۲/۱۰/۱۷ [شماره سند ۱۱۶۰۰۵-۱ / ۱۱۴۱]

۴۷۴

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت شوکته

با کمال بیچارگی به عرض می‌رساند عزیزالله پسر محمد ولد حسین کاشی جوانی علیل و عیالمند و بی‌بضاعتم که متجاوز از بیست سال است دولت تمام اموال و دارایی پدرم را تصرف کرده است و فدوی در هجران این حادثه از محنت بی‌چیزی به علت کری گوش و کوری یک چشم و فلج هر دو دست مبتلا شده‌ام و فعلاً در این دوره قحطی با یک طفل صغیر و عیال حامله بی‌بضاعت به واسطه امراض فوق و ناقص‌الاعضاء بودنم نه استطاعت کاری دارم و نه عائله‌ام قوت

لایموتی و تمام اموال پدرم به ناحق در تصرف دولت است و فدوی چندان که از مقامات عالیه تقاضای استرحام نموده‌ام، کراراً به بنده وعده مساعدت داده‌اند، ولی تا امروز خدا شاهد است که به جز طفره و مسامحه حاصلی جز خون دل نداشته و اخیراً هم که بعد از بیست سال محنت گرسنگی و در بدری، حضرت اشرف به منظور ارفاق و دستگیری از فقرای ورثه، تصویب نامه مقدسه ۱۱۷۷/ ۲۲/۶/۷ به وزارت دارایی صادر فرموده‌اید با این که چند نفر از ورثه موفق به دریافت هزینهٔ اعاشهٔ خود شده‌اند ولی نسبت به این بنده که خدا شاهد است از تمام افراد ورثه عاجزتر و بی نواترم، تاکنون بذل مساعدتی نشده و البته ذات مبارک تصدیق می‌فرماید که در این دورهٔ قحطی زندگی برای جوان عاجزی مثل بنده که نه گوش شنوا نه چشم بینا [نه] دستی که کار بکنم و نه کسی را که در کار متکفل نان زن و بچه‌ام باشد تا چه اندازه اسفناک است. بدیهی است چنان که تصویب نامه حضرت اشرف شامل حال بنده نشود و در این سرما و قحطی جان خود با زن حامله و طفل صغیرم از بین رفته و وبال آن دامنگیر اولیای امور می‌شود. چون ذات مبارک راضی به چنین ضایعه خاصه مرگ زن حامله و طفل معصومی‌نیست، حضرت اشرف را به این صفحهٔ کلام[۱] مجید قسم می‌دهد که حالا دیگر بیش از این راضی به محنت گرسنگی و اضطرارم نشده، استرحاماً به وزارت دارایی دستور فرمایید که طبق امر مبارک تصویب نامه مقدسه را دربارهٔ این بنده هم اجرا فرموده و تا جان مشتی زن و بچه‌ام از بین نرفته، هزینهٔ اعاشهٔ این جانب را مرحمت فرمایند تا دعاگوی ذات مبارک باشم.

بنده عزیزالله پسر محمد ولد حسین -کاشان ـ پشت مشهد ۲۲/۱۰/۱

مهر ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۲۰۶۳۳، تاریخ ۲۲/۱۰/۱ [۱۳]

[حاشیه ۱:] سابقه ۱۳۲۲/۱۰/۵

[حاشیه ۲]: آقای فریور ۲۲/۱۰/۱۲ [شماره تنظیم سند ۱ـ ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

---

۱. یک صفحه‌از کلام‌الله مجید ضمیمه شده بود. ضمناً نامه‌های تظلم بسیاری از ورثه بخصوص از این شخص موجود است که تعدادی از آنها نیز قبلاً آورده شد.

۴۷۵

مقام منیع جناب نخست وزیر

محترماً به عرض عالی می‌رساند این کمینه مهرانگیز صبیه مرحوم نایب حسین کاشانی نظر بر این که در تاریخ ۲۲/۴/۶ تصویب نامه به شماره ۷۴۳۰ تصویب شد که به وراث حقیقی مرحوم نایب حسین رسیدگی شود [تا] وجوهاتی مرحمت شود. یکی آن که دستوری از طرف آقای قوام‌السلطنه داده شد که به وراث حقیقی رسیدگی شود. این دستور کاملاً عملی نشده از آنجائی که مستحق و ذیحق همیشه محروم و مأیوس می‌باشد، از برای کسانی که نسبت آنها قدری دورتر و سمت اولوتی (اولویتی) ندارند، مستمری کامل‌تری معین و برقرار شد. بر عکس برای کمینه که دختر آن مرحوم می‌باشم و دارای شش سر عائلهٔ خرج خود می‌باشم و بدون بضاعت و پریشان هم هستم به طوری که از مستأصلی در یک اطاق تحتانی مرطوبی به عنوان اجاره نشسته‌ام واستطاعت کرایهٔ یک اطاق فوقانی ندارم که اطفال کوچکم را از این رطوبت نجات بدهم. برای این کمینه بیچاره روزی سی ریال مقرر فرموده و حال آن که وجه مزبور پول نان خالی شش نفر نمی‌شود و در هر قانونی گمان نمی‌کنم که سکنای لازم را جزء توقیف قرار بدهند و سکنای لازم معاف خواهد بود و ثانیاً آن وقت [که] سی ریال مقرر فرموده بودند مملکت ارزانی و فراوانی بود نه این که مثل وضعیت فعلی. استدعای عاجزانه آن است امر و مقرر شود سکنائی به این کمینه مرحمت شود و به قدر نان خورشت این اطفالان که فعلاً عائلهٔ این کمینه‌اند وجهی منظور شود که با اطفالان بی‌گناه خود در سر سفره دعاگوی آن وجود مقدس بوده باشیم. در ضمن از ما مهمانان بی‌پناه بهتر پذیرایی شده باشد و از طرف کارآگاهی ادارهٔ شهربانی آمدند و ارضاء پریشانی و بی‌بضاعتی کمینه را بازرسی نموده و دیده‌اند که چه اوضاع دلخراشی داریم. گذشته از وراث آن مرحوم بودن، ملت این آب و خاک و دعاگوی دولت ابد مدت قاهره می‌باشیم. امر امر مبارک است.

اثر انگشت بانو مهرانگیز

[حاشیه:] سابقه /۱۱/۶

[حاشیه:] مهر ورود به دفتر نخست وزیر شماره ۱۶۶۶۱ـ تاریخ ۲۲/۱۰/۳

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۴۷۶

وزارت پست و تلگراف و تلفن، ازکاشان به تهران، شماره تلگراف ۱۹۷، [تاریخ] [۱۳۲۲]/۱۰/۸

هیئت محترم دولت

پاسخ نامه‌های ورثه نایب علی پسر نایب حسین نرسید. بنده دو اولاد از نایب علی داشتم یکی مرده یکی خدمت ارتش می‌کند. قانوناً ارث طفلم که فوت شده به‌کمینه می‌رسد. شوهر [...] شغل بضاعت ندارد. [چرا] حق مرا به دیگران می‌دهد که ارث و ملک نداشته‌اند. کمینه باید با مادر پیر ازگرسنگی بمیرم. استدعای توجه فوری دارم. انیس فرزین

مهر ورود به دفتر ریاست وزراء، شماره ۲۱۰۹۱ تاریخ ۲۲/۱۰/۱۷

[حاشیه ۱:] مربوط به ورثهٔ نایب حسین کاشانی است. سابقه ضمیمه شود. ۱۰/۱۷.

آقای فریور جواب بدهید به وزارت دارایی مراجعه نمایید تا رسیدگی و اقدام نمایند. ۱۰/۲۵

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۴۷۷

دفتر نخست وزیر، تاریخ ثبت ۲۲/۱۰/۱۰ [۱۳]، شماره عمومی ۱۹۸۴۳

بانو بتول ریاحی

پاسخ نامه مورخ ۲۲/۹/۱۴، موضوع دعوی شما نسبت به قسمتی از اموال

---

۱. زن نایب علی شجاع لشکر پسر نایب حسین کاشی بود.

نایب حسین کاشانی اشعار می‌دارد. چنانچه جواب شماره ۱۹۵۶۰/۲۲/۸/۲۵ بنگاه کل بهره‌برداری شما را قانع نمی‌کند ممکن است از طریق محاکم صالحه برای احراز حقانیت خود اقدام نمایید.

رئیس دفتر نخست وزیر

[فریور]

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۴۷۸

دفتر نخست وزیر، تاریخ ۲۲/۱۰/۲۰،

وزارت دارایی

موضوع: دادخواست ورثه ماشاءالله خان کاشانی

ورثه ماشاءالله خان کاشانی شرحی راجع به استرداد املاک خود نوشته‌اند که به ضمیمه فرستاده می‌شود. دستور فرمایید به شکایت آنها رسیدگی نموده و نتیجه اقدام را نیز اطلاع دهید.

علی سهیلی

نخست وزیر

[حاشیه:] آقای تهرانچی جواب بدهید مستقیماً به وزارت دارایی مراجعه نمایند تا رسیدگی و اقدام مقتضی به عمل آورند. ۱۰/۲۰

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۱]

۴۷۹

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۲۱۱۱۷ تاریخ ثبت ۲۲/۱۰/۲۶ [۱۳]

آقایان احمد، مهدی و سایر ورثه مرحوم ماشاءالله خان کاشی

در پاسخ دادخواست مورخ ۲۲/۸/۳۰ دایر به استرداد املاک ماشاءالله خان اشعار می‌شود. مقتضی است در این باب مستقیماً به وزارت دارایی مراجعه نمایید تا رسیدگی و اقدام مقتضی به عمل آورند.

نخست وزیر

شماره تنظیم ۱ ـ ۱۱۶۰۰۵ ـ ۱۱۴۱

۴۸۰

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۲۱۰۹۱، تاریخ ثبت ۲۲/۱۰/۲۸ [۱۳]

بانو انیس فرزین

پاسخ تلگراف شماره ۱۶۷/۲۲/۱۰/۸ اشعار می‌دارد: به وزارت دارایی مراجعه نمایید تا رسیدگی و اقدام نمایند.

رئیس دفتر نخست وزیر

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۴۸۱

مقام منیع جناب نخست وزیر دامت عظمته، به تاریخ ۳ بهمن ماه ۲۲[۱۳]

خورشیدی

محترماً معروض می‌دارد

در چندی قبل، عریضه راجع به وضعیت بیچاره‌گی (بیچارگی) و عسرت خود به مقام مقدس عالی عرض، جوابی طی شماره ۲۰۵۰۱/۲۲/۱۰/۴ مقرر شده، شرح لازم به وزارت دارایی نوشته شده و به آن وزارت خانه مراجعه نمایند. محض استحضار خاطر مبارک به عرض می‌رساند از ده ماه قبل تاکنون قریب ۲۰ عریضه یا گواهی نامه از بخشدار محل و اشخاصی که از نداری فدوی اطلاع دارند، تقدیم وزارت دارایی نموده‌ام. متأسفانه جوابی مرحمت نشده. خدا می‌داند خود و عائله‌ام به چه نوع بدبختی و عسرت زندگانی می‌نمایم. از پیشگاه مبارک استدعای عاجزانه دارم بذل توجهی فرموده در این موقع سخت زندگانی که هر فردی بدون کمک نمی‌تواند ادامه حیات دهد، خصوصاً فدوی که تمام املاکم که ممّر و معاش خود و عائله‌ام بود، سابق جزو املاک پدرم نایب حسین توقیف نموده و از هستی ساقط شده‌ام. نه سرمایه کسب و نه قوه کاری و از چشم هم معوف و ازکار افتاده‌ام، مستدعی است امر و مقرر فرمایند به هر نحوی که ممکن است در امر معاش این جانب و عائله اقدام فرمایند.

حسن آریان‌پور کاشانی

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۴۸۲

طلب گواهی می‌نماید از آقایان معتمدین و مطلّعین نطنز بر این که این جانب حسن آریان‌پور کاشانی مقیم نطنز دارای شناسنامه شماره ۲۱۴۹۷ صادره از تهران بکلّی از هستی ساقط و محلی و دارایی که بتوانم معاش و چند نفر عائله‌ام را اداره کنم ندارم، اطلاعات خودتان را در این ورقه مرقوم فرمایید که مورد توجه حاجت است.

شخص سائل از محترمین [است] و بضاعت دارایی ندارد و آنچه را سؤال نموده‌اند بیان واقع است.

سر دفتر رسمی‌نطنز زین العابدین انصاری ۲۲/۷/۹

این جانب محمد حسن پیش نماز انصاری شناسنامه نمره ۲۵۷ از هستی و نیستی اطلاع دارم که سائل دارایی ندارد و آنچه را در فوق سؤال نموده است بیان واقع است و تصدیق می‌نمایم صحیح است.

محمد حسن پیش نماز تقی‌زاده - مهر محمد حسن محمد تقی...

این جانب جلال الدین حائری سر دفتر طرق رود نطنز اطلاع دارم که سائل نامبرده از کار افتاده و بی‌بضاعت است. جلال الدین حائری...

فاقد البضاعه بودن سائل اظهر من الشمس [است] و بطوری که سؤال شده بیان واقع و در نطنز و کاشان بر احدی پوشیده نیست که بواسطه نداشتن دارایی ایشان در زحمت می‌باشند. ۱۳۲۰/۷/۹

ادیب واقفی...

آقای سائل در نطنز و کاشان دارای چیزی نمی‌باشد و این قسمت بر احدی پوشیده نیست و رعایت حال ایشان لازم است. به تاریخ ۹ مهر ماه ۱۳۲۲ اعظم واقفی - امام جمعه

کلیهٔ مورد سائل بیان واقعی است. عبدالله صدری

امضای آقای امام جمعه اعظم واقفی مورد گواهی است.

بخشدار نطنز ۲۲/۷/۲۱

شماره ۲۲۰۶/۲۲/۱۱/۲۰ آقای حسن آریان‌پور کاشانی یا سند مشروحه مورخه ۲۲/۱۱/۱۸ به طوری که چندی قبل هم طی ۱۲۷۷/۲۲/۶/۳۱ نوشته و گواهی شد، شما شخص محترم و نجیب و اصیل بوده و فاقد امور زندگانی و معاش و پریشان می‌باشید واز هر حیث درخور مساعدت و توجه اولیای امور می‌باشید.

بخشدار نطنز اوحدی ـ مهر بخشدار

[شماره تنظیم سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۴۸۳

وزارت دارایی

قسمت مالی

شماره	نام و نشان	درجهٔ نسبت	محل اقامت	سن و زایچه	ملاحظات[1]
۱	بانو مهرانگیز	دختر نایب حسین	تهران	۴۵ ساله	دو سال گذشته‌ماهیانه ۹۰۰ ریال از اعتبار دولت‌حقوق گرفته است امسال هم به‌همان میزان پیشنهادشده
۲	بانو کشور	دختر نایب حسین	کاشان	۱۲۶۹	بدون شوهر
۳	آقای ایران‌پور	نوهٔ نایب حسین	تهران	۱۳۰۸	این چهار نفر فرزند امیر پسر نایب‌حسین می‌باشند که پدرشان بی‌بضاعت واز کار افتاده‌است
۴	پروین دخت	=	=	۱۳۲۲	
۵	اکرم	=	کاشان	۱۳۰۶	
۶	پرویز	=	=	۱۳۱۳	
۷	ربابه	عیال ماشاءالله	تهران	۶۰ ساله	بدون شوهر
۸	پری	نوهٔ ماشاءالله	=	۱۳ ساله	دخترخانه
۹	مهین	=	=	۸ ساله	=
۱۰	ناصر	=	=	۹ ساله	=
۱۱	خسرو				
۱۲	بانو انیس فرزین	عیال نایب حسین[2]	کاشان	۴۸ ساله	بدون شوهر
۱۳	درخشنده(رخشنده)	دختراکبرشاه‌نوهٔ‌نایب‌حسین	=	۱۲۶۹	
۱۴	فاطمهٔ شجاعی	دختر محمد		۱۳۰۷	
۱۵	عزیزالله شجاعی	پسر محمد نوهٔ‌نایب‌حسین		۱۳۱۱	
۱۶	عائله‌مرتضی‌ژاندارم	پسر ماشاءالله	کاشان		به‌غیر از حقوق دولتی عایدی دیگری ندارد عیال و دو طفل دارا است

رونوشت برابر اصل است

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۱]

۱. در سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۴ صورت بازماندگان با جزئی تغییر تکرار شده است.

۲. عیال نایب علی پسر نایب حسین رجوع به سند بعدی

۴۸۴

مقیمین کاشان

صورت بازماندگان نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله کاشانی که استحقاق دریافت کمک هزینه دارند.

شماره	نام و نشان	درجه نسبت	محل اقامت	شغل	شناسنامه	زایچه	مبلغ منظور شده در ماه
۱	بانو انیس فرزین	عیال نایب علی	کاشان	ندارد	ندارد	۴۸ ساله	۳۰۰ ریال
۲	بانو رخشنده	نوه نایب حسین	مشهد اردهال	قالی‌باف	—	نامعلوم	۳۰۰ ریال
۳	کشور انتخاب	دخترنایب‌حسین	کاشان	ندارد	۱۴۹	۱۲۶۹	۶۰۰ ریال
۴	فاطمه شجاعی	نوه نایب حسین	کاشان	قالی‌باف	۲۰۷	۱۳۰۷	۳۰۰ ریال
۵	پرویز آریان‌پور	=	=	محصل	۸۷	۱۳۱۳	۳۰۰ ریال
۶	عزیزالله شجاعی	=	=	ندارد	۲۸۲۶۴	۱۳۱۱	۳۰۰ ریال
۷	عائلهٔ مرتضی‌آریان‌پور	=	=	ژاندارم	—	—	۶۰۰ ریال

۲۲/۱۱/۵ مهر اداره کل شهربانی اداره کارآگاهی

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۳-۱۱۴۴۰]

۴۸۵

وزارت دارایی، قسمت مالی، به تاریخ ۱۳۲۲/۱۱/۲۶ شماره $\frac{۳۴۰۰۰}{۶۵۱۵/۴۴}$

جناب آقای نخست وزیر

موضوع وراث نایب حسین و ماشاءالله کاشانی

۲۰۰۲۵-۲۲/۹/۲۷ با اعادهٔ عین شکوائیه وراث مرحوم ماشاءالله کاشانی، وراث ماشاءالله کاشانی قبلا" در این خصوص شرحی هم به وزارت دارائی نوشته بودند. ولی چون املاک منتسب به مرحوم حسین و ماشاءالله کاشانی پس از قلع و قمع نامبردگان به تصرف دولت در آمده و بر طبق مدلول قانون دعاوی بین افراد و دولت، پس از انقضای مدت ده سال املاکی که بر اثر شرارت و یاغی‌گری اشخاص به ضبط دولت در می‌آید به خالصگی شناخته می‌شود و املاک این اشخاص هم

پس از آن که بر اثر منقضی شدن مدت قانونی به خالصگی شناخته شده اغلب با انتشار آگهی مزایده به معرض فروش درآمده و یا با دیگران تعویض گردیده و هیچگونه اقدامی نسبت به تقاضای آنان متصور نبود. مراتب به همین طریق به مشارالیهم ابلاغ گردید و ضمنا" به آنها تذکر داده شد که به اداره کل شهربانی هم مراجعه شده تا فهرستی از وراث مرحومین مذکور که قادر به امرار معاش نیستند تهیه و ارسال دارند تا درصورت تصمیم هیئت دولت به وسیله برقراری شهریه بتوان به آنها کمک نمود. اینک مجدداً از اداره کل شهربانی تقاضی (تقاضا) شده است در ارسال صورت مزبور تسریع نمایند.

وزیر دارائی — از طرف رئیس کل دارائی

امان الله اردلان[1] — و.ک لی کنت

[حاشیه:] آقای [متنزه؟] با مراجعه به سابقه شرحی به اداره کل شهربانی نوشته شود. فهرستی را که خواسته‌اند زودتر تهیه و ارسال دارند. ۲۲/۱۱/۲۷

دکتر [محمد] نخعی

[سند شماره ۱-۱۱۶۵۰۰۵-۴/۱۱۴۴-۱۱۴۴]

۴۸۶

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۲۲۹۷۲، تاریخ نوشتن ۲۲/۱۱/۳۰، تاریخ ثبت ۱۳۲۲/۱۲/۸

اداره کل شهربانی

از چندی پیش عده‌ای از بازماندگان مرحوم نایب حسین و ماشاءالله کاشانی اظهار می‌دارند، چون در سابق املاک آن دو مرحوم را دولت به خالصگی ضبط نموده آنها برای امر معیشت خود وامانده‌اند. در این خصوص به وزارت دارایی

۱. پسر ابوالحسن خان اردلان در ادوار مختلف به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. در ۱۳۰۱ ش، مدیر کل وزارت دارایی و بعد پیشکار مالیهٔ فارس شد. همچنین به دفعات به وزارت‌های مختلف منصوب شد. وی به سال ۱۳۶۶ ش درگذشت. (شرح حال رجال ایران- ج ۱)

نوشته شده به آن اشخاص از ورثهٔ مزبور می‌توان کمک نمود که یا صغیر باشد و یا زن باشد و نان آوری نداشته باشند والاّ دلیلی به نظر نمی‌رسد بـه اشـخاصی کـه می‌توانند کار کنند از صندوق دولت به آنها چیزی پرداخته شود. اینک به طوری که از وزارت نامبرده گزارش رسیده از آن اداره تقاضا نموده‌اند فهرستی از وراث مرحومین مذکور که قادر به امرار معاش نیستند تهیه و ارسال دارند. نظر به این که وراث مزبور پی در پی نامه نوشته و تقاضای کمک مالی دربارهٔ خود می‌نمایند. مقتضی است دستور فرمایید زودتر فهرستی که مورد تقاضای وزارت دارایی است آماده و به آن وزارت خانه بفرستید.

نخست وزیر [علی سهیلی]　　　نخعی [معاون نخست وزیر]

[شماره سند ۱۱۶۰۰۵-۱ / ۱۱۴۱]

۴۸۷

دفتر نخست وزیر، تاریخ نوشتن ۲۲/۱۲/۱۲

وزارت دارائی

محمد آقا و بانو مهری و کشور وراث مرحوم نایب حسین کاشانی نامه نوشته و تقاضا نموده‌اند خانه‌ای که جزو املاک نایب حسین ضبط دولت گردیده چون محل سکونت ندارند به آنها واگذار گردد. اینک با ارسال دادخواست نامبردگان دستور فرمایید به این موضوع رسیدگی و پاسخ آنها را صادر نموده رونوشت آن را بفرستید.

نخست وزیر

[حاشیه:] آقای معیری پاسخ بدهید مستقیما" به وزارت دارایی مراجعه نماید ۱۲/۱۳

۱۱۴۱-۱۱۶۰۰۵-۱

۴۸۸

مقیمین تهران

صورت بازماندگان ماشاءالله خان و نایب حسین در تهران

شماره	نام و نشان	درجه نسبت	محل اقامت	شغل	شناسنامه	زایچه	مبلغ منظور شده در ماه
۱	ربابه خانم	عیال ماشاءالله خان	تهران	ندارد		۶۰ سال	۹۰۰ ریال
۲	یدالله	پسر ماشاءالله	=				۳۰۰ ریال
۳	پری	دختر یدالله	=	ندارد		۱۴ سال	۴۵۰ ریال
۴	مهین	=	=	=.		۷ =	۴۵۰ ریال
۵	ناصر	پسر یدالله	=	=		۱۲ =	۴۵۰ ریال
۶	خسرو	=	=	=		۲ =	۴۵۰ ریال
۷	گیلان	عیال یدالله	=	=			۴۵۰ ریال
۸	مهرانگیز	دخترنایب حسین	=	=			۹۰۰ ریال
۹	حسین	نوه نایب حسین	=	=		۱۵ =	۳۰۰ ریال
۱۰	فخری	=	=	=		۱۲ =	۳۰۰ ریال
۱۱	قدسی	=	=	=		۱۰ =	۳۰۰ ریال
۱۲	رضا	=	=	=		۴ =	۳۰۰ ریال
۱۳	مهین	=	=	=		۹ =	۳۰۰ ریال

مهر اداره کل شهربانی

دایرهٔ کارآگاهی ۲۲/۱۲/۵

۱۳۱۷

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۳-۱۱۴۴]

۴۸۹

دفتر نخست وزیر، به تاریخ ۱۳۲۲/۲/۱۲ - شماره ۲۲۱۳۴ (نمونه ۷)

بازماندگان نایب حسین کاشی

به طوری که از وزارت دارائی اعلام می‌دارند نسبت به پنج نفر از بازماندگان که بی بضاعت تشخیص داده شده برطبق پیشنهاد اداره کل شهربانی هزینهٔ اعاشهٔ داده

شده و نسبت به دیگران اقدامی‌مقدور نیست و لازم است از تکرار مکاتبه در این خصوص خودداری شود. از طرف نخست وزیر

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۳-۱۱۴۴۰]

۴۹۰

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، رونوشت عریضه مجدد عزیزالله نوهٔ نایب حسین کاشانی

مقام محترم جناب آقای رئیس کل شهربانی دامت شوکته

با کمال عجز و بیچارگی به عرض می‌رساند

البته باستحضار خاطر مبارک رسیده است که این جانب عزیزالله نوهٔ حسین کاشی، بعد از بیست و هفت سال از توقیف دارائی پدرم، که تحمل انواع شداید طاقت فرسا باعث کری و کوری و فلج دستهایم شده، قریب سه سال است هیئت محترم دولت امر فرموده‌اند که فقرای ورثه نایب حسین که یکی این جانب هستم مساعده نمایند. با این که در این مدت بعدهٔ (به‌عده‌ای) از ورثه که به اندازه بنده دچار فقر و استیصال نبوده و حتی افراد دیگر،که نه ورثه اصلی شناخته نمی‌شوند و نه مثل بنده عاجز و بچه‌دار بوده‌اند، مقرری این مدت را پرداخته‌اند. ولی نسبت به این بنده که خدا شاهد است عجزه و فقیرترین افراد ورثه و دارای دو نفر طفل صغیره و عیالی بی بضاعتم و از دست و چشم و گوش عاجز می‌باشم تا امروز نیز از وعده انتظار پرداخت مقرری اقدامی به عمل نیامده و خدا شاهد است که من بعد از تحمل ۲۷ سال عسرت و دربدری که بکلی از درجه زندگانی ساقط شده‌ام در این سه سالی که دولت به من وعدهٔ پرداخت مقرری داده من چقدر با خون دل عریضه به دولت نوشته و چقدر متحمل خسارت شده‌ام. مخصوصا" از پنج ماه قبل که حضرت عالی بوسیله ادارهٔ شهربانی کاشان به من گفته‌اید که شهریه تو تصویب شده و دیگر احتیاج به تکرار عریضه نیست من با سکوت مطلق از یک طرف به امید این مقرری تاکاسه کوزهٔ عیالم را فروخته و نان جو بچه‌هایم را از مردم قرض گرفته‌ام و از

طرفی با نرسیدن این مقرری تمام قوای بدنی خود با زن و بچه‌های بیچاره‌ام از بین رفته و الحال نه کسی دیگر به اتکاء قول حضرت عالی به من قرض می‌دهد و نه غیر از تن برهنه و مریض مشتی زن و بچه‌هایم چیزی باقی مانده. نمی‌دانم این چه رسم بیدادگری است که در کشور ما در حق عجزه و بیچارگان روا می‌دارند. من اگر چیزی از مال دولت یا جیب حضرت عالی می‌خواستم آن وقت شما اختیار داشتید که مرا مجازات کنید، حتی بکشید در صورتی که من با این همه عجز و بیچارگی چیزی جز قوت لایموت زن و بچه‌های بیچاره‌ام از اموال توقیفی پدرم، املاکی که دولت به ضمیمه قتل پدر بزرگ و عموهایم غصب کرده است، نخواسته‌ام. به چه گناهی باید با مشتی زن و بچه بیچاره‌ام از زحمت گرسنگی بمیرم. جناب آقای رئیس به خدا قسم، من اگر مثل سایر مردم دست و بدن صحیح می‌داشتم از مال پدر خود هم صرف نظر کرده در پی کار می‌رفتم، در صورتی که من نه چشم و گوش صحیح دارم و نه دست و بدن سالم. بعد از ۲۷ سال عسرت و دربدری که از دست دولت خاکسترنشین شده‌ام، دیگر چه خاکی می‌توانم بر سر کنم. من که در انتظار این مقرری از مسامحه دولت با زن و بچه‌هایم مردم، این نوش داروئی که بعد از مرگ سهراب برسد به چه درد می‌خورد. جناب آقای رئیس شما را با کمال یک دنیا عجز و بیچارگی به تمام مقدسات قسم می‌دهد که اگر در کشور ما احترامی به قانون هست و شما خدا ترس و صاحب عاطفه و وجدانی هستند (هستید) تا جان این مشتی زن و بچه‌های بی گناهم از بین نرفته از وزارت دارائی درخواست فرمائید که بیش از این زجر و عقوبتم نکرده در پرداخت مقرری این جانب تسریع نمایند تا دعاگوی ذات مبارک باشیم.

محل امضاء عزیزالله نوه حسین کاشی

رونوشت برابر اصل است.

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۹۱

سواد - مجلس شورای ملی، ادارهٔ دارالانشاء - شماره ۴۴۳۱

عزیزالله پسر محمد آقا

به طوری که در مراسلهٔ جوابیه نمرهٔ (۱۶۳۰) تذکر داده شد، راجع به استعانت و مدد معاش شما از طرف دولت شرح لازم نمرهٔ (۸۶۵) به وزارت جلیله مالیه نوشته شده و اساسا" چون موضوع تقاضا مربوط به وزارت مالیه است جز مراجعه به آن وزارتخانه راه اقدامی‌ندارد. در این صورت می‌توانید در تعقیب نمرهٔ فوق‌الذکر از وزارت مالیهٔ نتیجه را استطلاع نمائید.

رئیس مجلس شورای ملی دادگر[1]

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۹۲

وزارت دارایی

صورت املاک مرحوم ماشاءالله خان و مرحوم نایب حسین و مرحوم شجاع لشکر و منصور لشکر و غیره

۱. شش دانگ مزرعه شوراب

۲. = = = فرح آباد

۳. = = = دوک

۴. تقریباً نصف عشق آباد

این املاک تعویضی در دست اشخاص و سند مالکیت هم شاید صادر شده باشد.

املاک بلامعارض که فعلا" در دست دولت [است] و به خالصگی عمل می‌شود:

---

۱. حسین دادگر عدل الملک در ۱۲۹۷ هش متولد شد ودر دورهٔ ۹ مجلس شورای ملی به نمایندگی از گرگان منتخب شد و به ریاست مجلس نیز رسید.

۱. شش دانگ مزرعه برزآباد
۲. سه دانگ = پرنیان
۳. = = = فتح آباد
۴. = = = ترشاب
۵. شش دانگ شجاع آباد
۶. = = سلخ نو
۷. ۵ باب آسیا در فین کاشان
۸. املاک درب [ناخوانا]
۹. املاک در آران و بید گل و کویر
۱۰. قنات سرداریه
۱۱. املاک در جوشقان
۱۲. مستغلات کاشان
۱۳. تقریبا" ده دستگاه عمارت کاشان
۱۴. سه دانگ مزرعه خاتون
۱۵. املاک و قنات نیاسر
۱۶. قنات و مزرعه اران دشت

[سند شماره ۱-۱۱۶۵۰۵-۱/۱۱۴۴]

۴۹۳

مقام منیع ریاست وزراء اعظام (عظام) دامت رفعته
محترما" به عرض می‌رساند
و استدعای عاجزانه دارد و تقاضای استرحام می‌کند و از مقامات عالیهٔ آن ریاست محترم تمنا دارد که به عرض حال این بنده رسیدگی بفرمایند. البته خاطر محترم آن ریاست معظم به خوبی آگاهی دارد که این بنده عزیزالله فرزند محمدآقا پسر نایب حسین کاشانی عرض حالی به آن ریاست محترم داده و تقاضای ترحم

نمودم که جانثار (جان نثار) در نتیجه مرض کری از هرگونه وسایلی محروم هستم و املاک پدر این بنده بدون تقصیر در توقیف دولت است. از طرف هیئت معظم دولت قرار شد که جانثاران (جان نثاران) بی بضاعت را از علاقه جات نایب حسین اعاشه مقرر کنند. ولی تاکنون از طرف دولت توجهی نشده. خدا گواه است که این بنده در نتیجهٔ مذلّت و عدم استطاعت نزدیک به هلاکت رسیده، پدرم نیز با یک دسته عائله صغیر دچار سرگردانی و درماندگی شده. این بنده که مدتی روزی یک قران اجرت داشته‌ام و به وسیله آن لقمه نانی تهیه می‌کردم اخیرا" که غدغن شد سیگار مخصوص ماشین باشد و کسی با دست سیگار پیچی نکند، این بنده بلاتکلیف یکباره از پای در آمده با حال کری گوش و فقدان وسیله دچار سرگردانی و عسرت شدیدی شده و غیر از چند نفر خواهر صغیر بی‌بضاعت پرستاری و مسکنی ندارم. از حال سقم مزاج و تنگدستی این بنده خداوند تعالی گواه است که بدون یک شاهی معاش در گوشهٔ اطاقی بی کار و علیل نشسته‌ام. امیدی جز به خداوند تعالی و آن ریاست محترم ندارم. استدعای عاجزانه دارم برای رضای خدا امر مبارک مقرر فرماید به وزارت جلیلهٔ مالیه در صورتی که املاک پدر بی تقصیر این بنده در توقیف است، چنان که باز هم لازم باشد، وضعیت زندگی این بنده را سراپا تفتیش بفرمایند تا حالت فلاکت جانثار (جان نثار) بر هیئت معظم دولتی (دولت) محقق گردد و به مسئول و تقاضای این بنده در امرار معاش توقف ندارند که از تنگدستی به انزجار آمده نزدیک به هلاک هستم. تا رأی مبارک چه اقتضا فرماید.

(بنده عزیزالله) پشت باغ فردوس، کوچه سید محمد بانکی، منزل حسین شیشه گر

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱/۱۱۴۴-۱۱۴۴]

۴۹۴

مقام منیع و موقع رفیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

با کمال احترام خاطر مبارک را به مراتب ذیل معطوف و متوجه می‌سازد:

حسب الامر بندگان اعلیحضرت همایونی ارواحنافداه در اثر شکایت‌های متواتره کمیساریای ناحیه ۶ به دستور مالیه تهران وضعیت زندگانی فدوی امیرخان ولد مرحوم نایب حسین کاشانی را رسیدگی نموده راپرت دادند که فدوی متکفل مخارج و اعاشهٔ هشت نفر طفل کوچکی می‌باشم و باکمال سختی و عسرت گذران می‌نمایم. متأسفانه نتیجه مطلوبه حاصل نشد و روز به روز به عسرت و سختی و گرسنگی فدوی و عائله‌ام افزون می‌شود. که در اثر گرسنگی و تحلیل قوای جسمانی عیالم فوت وهشت نفر طفل را بی‌سرپرست برای فدوی گذاشت و هر چه هم به مقامات عالیه عرض تظلم می‌کنم و فریاد می‌زنم که اطفال کوچک گناهی نکرده‌اند گرسنگی بکشند - آنچه البته به جایی نرسد فریاد است - متعجب می‌باشم که حضرت اشرف برای دستگیری به فقرا و مصیبت زدگان عالم کمیسون اعانه تشکیل می‌دهند[1] لیکن وقری (وقعی) به ناله‌های جانسوز یک عده طفل بی‌گناه و صغیر که همه شبه از فرط گرسنگی تا صبح به خواب نمی‌روند نمی‌گذارند!

چه بایدم کرد. ملجاء تظلم آستان مبارک است. به تحریک گرسنگی و ناله اطفال خود ناگزیر می‌شوم باز شکایت کنم و خود را امیدوار می‌کنم شکایت می‌کنم ثمری نمی‌بخشد! می‌خواهم به شغلی مشغول بشوم سرمایه ندارم. اشخاص کار رجوع نمی‌کنند. باز هم ناچارم برای آخرین مرتبه شکایت خود را به عرض برسانم هرگاه باز توجهی نمی‌شود به خدای متعال قسم اطفال خود را به خانهٔ حضرت اشرف ریخته و خودم متواری می‌شوم تا درکنج بیغولها (بیغوله‌ها) جان بسپارم = حضرت اشرف تقاضای فدوی مشروع [است] و برخلاف قانون نیست. تقاضای فدوی این است یا املاک خریداری فدوی را که ملک طلق است مسترد دارند یا شغلی که بتوانم با عایدات آن اعاشهٔ اطفال خود را تأمین نمایم یا مقرر فرمائید که یکی از مؤسسات عام المنفعه مخارج اطفالم را تأمین نمایند یا مقرر فرمائید محبوسم نمایند که لااقل گرسنگی و بی‌تابی اطفال خود را مشاهده نکرده آنها را نبینم =

---

۱. اشاره به کمیسیون اعانه ایران برای قحطی زدگان روسیه است که رضا خان سردار سپه ریاست آن را بر عهده گرفت.

خاتمةً عرض می‌شود فدوی مطابق دوسیه موجود در وزارت جنگ هیچ گونه تقصیری نداشته و مرتکب گناه نشده‌ام - آیا ممکن است جواب این عریضه را مرحمت فرمایند. تا چه کند همت والای تو. امر امر همایون

ناحیه ۶ آدرس مقابل باغ فردوس امیرخان آریان‌پور کاشانی

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱/۱۱۴۴-۱۱۴۴]

۴۹۵

هوالله

به خاک پای مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه باکمال ادب و احترام، عرض داشت این بنده عزیزالله پسر محمد ولد حسین کاشی به آستان مقدس. آن است که باگذشتن بیست و پنج سال از توقیف دارائی پدرم و تحمل انواع مصائب طاقت فرسایی که باعث کری و کوری و فلج دستهایم شده دو سال قبل هیئت محترم دولت تصویب فرمودند که فقرای ورثه نایب حسین را مساعده نمایند. با این که در این مدت به عده‌ای از ورثه مستمری و معاش پرداخته شده ولی نسبت به این بنده که عجزه و فقیرترین افراد ورثه و از دست و چشم و گوش عاجز هستم و دارای عیالی بی بضاعت و دو نفر طفل صغیره می‌باشم و از طرف ادارهٔ شهربانی هم سه دفعه کرارا" وضعیت زندگی تأثرآورم بازرسی و به بنده انتظار پرداخت مقرری داده‌اند، مع هذا تا امروز بذل توجهی به عمل نیامده و در این دو سال از غفلت و مسامحه اولیای امور از درجه زندگی ساقط و تمام قوای بدنی خود با زن و بچه‌های مریض و بیچاره‌ام در انتظار این مقرری از بین رفته و با وجود التماس و تضرعی که از مقامات عالیه نموده‌ام تاکنون به عرایضم ترتیب اثری نداده‌اند. در صورتی که دولت به چند نفر از عروس‌های نایب حسین که ورثه اصلی شناخته نمی‌شوند و نه مثل بنده عاجز و فقیر و بچه‌دار هستند مستمری سالیانه داده‌اند. معلوم نیست از چه نقطه نظر حتی قانونی و شرعی حقوق حقه عجزه و بیچارگان را دستگیری می‌کنند. بنده که با این همه عاجزی چیزی از مال دولت جز لقمه نانی از مال توقیفی پدر خود نخواسته‌ام. نمی‌دانم به چه گناهی تا این اندازه

زجر و عقوبتم می‌کنند. اکنون نظر به این که به طوری با مشتی زن و بچه مریض و بیچاره‌ام در چنگال گرسنگی و عریانی معذب شده‌ام که اگر مراحم اعلیحضرت شامل حال من نشود جان مشتی زن و بچه صغیرم از بین می‌رود. این است که با کمال یک دنیا عجز و بیچارگی ذات مبارک را به تمام مقدسات عالم قسم می‌دهد که اگر واقعاً" درکشور ما قانون اجازه نمی‌دهد که جوانی عاجز و بیچاره‌ای را بعد از بیست و پنج سال دادخواهی به قوت لایموتی از مال پدر خود دستگیری کنند، باشد به نفرین خدا جواب بنده را بدهند که تکلیف مرگ خود را بدانم و اگر هم انصاف و مرحمتی در حق بنده دارید، شما را به جان خانواده و فرزندان عزیزتان قسم می‌دهد تا با مشتی زن و بچه‌های بی‌گناهم از مشقت گرسنگی نمرده‌ام امر فرمائید وزارت دارائی طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران مستمری معاش این جانب را مرحمت فرمایند تا دعاگوی ذات مقدس اعلی حضرت همایونی باشیم.

عزیزالله پسر محمد ولد نایب حسین کاشی -

آدرس کاشان پشت مشهد ۲۳/۱۲/۱۹

[حاشیه ۱:] مهر دفتر ریاست وزراء شماره ۴۹۳ - تاریخ ۲۴/۱/۲۰

[حاشیه ۲:] مهر دفتر مخصوص شاهنشاهی - نمره ۴۳۷ - تاریخ ۲۴/۱/۲۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۹۶

هوالله

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت شوکته

فدویان محمد آقا و بانو کشور، فرزندان نایب حسین کاشی، به آستان مبارک متوسل شده و باکمال بیچارگی معروض می‌داریم که تقریباً" مدت دو سال قبل که بیست و پنج سال از تصرف دارائی این جانبان گذشته و فدویان با مشتی عائله و اطفال بی‌بضاعت با آخرین درجه استیصال مشرف به مرگ بودیم، هیئت محترم دولت طبق تصویب نامه ۱۳۲۲/۶/۶/۱۱۷۷۱ امر فرمودند که جزئی وجهی ماهیانه

به دعاگویان بدهند. حقوق یک ساله ۱۳۲۲ به این جانبان پرداخت شده ولی از بابت حقوق هذه السنه اکنون مدت ده ماه می‌گذرد که با وجود تقاضای التماس و تضرعی که از مقامات مربوطه نموده‌ایم تاکنون مقرری این جانبان وصول نشده و فدویان در این ده ماه تا رسیدن شهریه خود تمام بضاعت تاگلیم زیر پا را فروخته و مخارجات روزانهٔ خود را از مردم قرض گرفته‌ایم و اکنون نظر به این که وضعیت زندگی این جانبان در این زمستان بحدی تأثرآور شده که مزیدی متصور نیست و خدا شاهد است فدویان پیرمرد و پیرزنی علیل هشتاد ساله و هر یک دارای چندین سر عائله و اطفال صغیر هستیم به طوری که در این دورهٔ سرما و گرانی دچار اضطرار گرسنگی و عریانی شده‌ایم که اگر مراحم حضرت اشرف به داد ما نرسد همگی تلف می‌شویم. این است که با کمال یک دنیا عجز و بیچارگی حضرت اشرف را به تمام مقدسات قسم می‌دهم که تا جان مشتی عائله و اطفال بیچارهٔ فدویان از بین نرفته است استرحاما" امر و مقرر بفرمایید که مقرری اعاشه این جانبان را هر چه زودتر مرحمت نمایند تا دعاگوی ذات مبارک باشیم.

فدویان محمد آقا و بانو کشور فرزندان نایب حسین، کاشان، پشت مشهد [۱۳]۲۳/۲/۲۲

[حاشیه راست نامه:] اینها دائما" می‌نویسند باید بالاخره وزارت دارایی جواب بدهد. حداقل صورتی را که از ورثه خواسته شده بود بفرستند. به تازگی نیز تاکید شده است ۲۳/۱۱/۱۱، عجالتا" بایگانی شود. ۲۳/۱۱/۱۱

[حاشیه زیر صفحه] پیشینه دارد: ۲۳/۱۱/۸

[مهر] ورود به کابینهٔ وزراء ۱۸۶۹۳-۲۳/۱۱/۸ **[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۴۹۷

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، ادارهٔ کارآگاهی - دائره ۳ - شماره ۳۱۵، پیوست یک برگ - فوری است

جناب آقای نخست وزیر

عطف به مرقومه شماره ۲۲۹۷۲-۲۲/۱۲/۱۸ معروض می‌گردد طبق گزارش اداره کارآگاهی و شهربانی کاشان در اطراف وضعیت ورثه نایب حسین کاشانی و دو پسران او ماشاءالله و نایب علی بازجویی به عمل آمد. سیاههٔ اشخاصی که صغیر و با زن و بدون نان آور می‌باشند و یا درآمد سرپرست آنها تکافوی هزینه عائله را نمی‌نماید تهیه و به ضمیمه تقدیم گردید.

کفیل شهربانی کل کشور - پاسیار ۱ - سیف

[حاشیه:] آقای تهرانچی ۳/۲۹ - مهرناخوانا - شماره ۵۶۰۴ - به تاریخ ۲۳/۴/۳

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۴۹۸

۲۳/۲/۲۶ جناب آقای اشرفی معاون محترم نخست وزیر

محترما" به عرض عالی می‌رساند

این بنده امیر آریان‌پور فرزند مرحوم نایب حسین کاشی املاک موروثی داشتیم که در سابق از طرف دولت ضبط گردید و مقرری دربارهٔ ورثهٔ آن مرحوم پرداخت می‌شد. از آن جمله به بنده که فعلا" علیل و ناتوان و کاری را ندارم و با هفت سر عائله با نداشتن سرمایه و عایدی خارجی مدت یک سال است به جناب آقای نخست وزیر، وزارت دارائی و اداره کل شهربانی دادخواست تقدیم داشته تا به حال، حقوق فدوی را نپرداخته با وضعیت گرانی امروزه با یک عده عائله با پریشانی زندگی می‌نمایم و چندین مرتبه هم از طرف جناب نخست وزیر راجع به پرداخت مقرری فدوی به وزارت دارایی امریه صادر شده و در ضمن پاسخی در مهر ماه ۲۲ وزارت دارایی داده که دادخواست شما تحت رسیدگی است تا به حال نتیجه حاصل نشده. به مقدسات عالم قسم امیدم از همه جا قطع، به حضرت عالی متوسل می‌باشم که هر طوری که رأی مبارک اقتضا فرماید برای رفع پریشانی یک عده عائله امر صریحی صادر فرمایند که وزارت دارائی یا شهربانی کل که ۱۴ ماه

مقرری عقب افتاده بنده را بپردازند که با یک عده عائله به دعاگوئی وجود مبارک مشغول باشم.

امیر آریان‌پور فرزند مرحوم نایب حسین کاشانی

[مهر] ورود به دفتر نخست وزیر - شماره ۳۵۷۷ - تاریخ ۲۳/۲/۲۷

[حاشیه بالا:] سابقه ۲/۲۸/

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰-۱۱۴۱]

۴۹۹

۱۳۲۳/۲/۳۱ جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت بقائه

محترما" معروض می‌دارد عرض حال این فدوی یدالله آریان‌پور فرزند مرحوم ماشاءالله خان پسر نایب حسین کاشانی به پیشگاه مبارک مبنی بر این که بعد از آن که دولت پدر فدوی را اعدام و کلیهٔ سرمایه‌اش را ضبط نمود، نظر به این که این فدوی طفل و معصوم بود، از طرف دولت مقرر شد تا ادارهٔ کل شهربانی کفیل مخارج چاکر بشود. اداره شهربانی تا چند سال متکفل مخارج چاکر بود. در دی ماه ۱۳۰۵ هیئت وزیران املاک فدویان را تصویب و به موجب تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۱ هیئت وزیران املاک فدویان را مسترد و مجدداً این املاک توقیف و در تصرف دولت می‌باشد و چاکر نیز مثل هزاران بی گناه دیگر، در اثر عدم توجه اولیای امور سابق، به فقر و پریشانی مبتلا و به واسطه ترقی روز افزون خواربار عمومی، زندگانی برای چاکر غیر ممکن، لذا در تاریخ ۲۲/۳/۲۲ عریضه به مقام نخست وزیر عرض، امریه به شماره ۶۲۴۱ به وزارت دارائی رجوع و از طرف وزارت دارائی به اداره کل شهربانی ارجاع، اداره کل شهربانی بیچارگی فدوی را تصدیق و گزارش خود را در تاریخ ۲۲/۹/۲۶ به وزارت دارائی تقدیم داشته و وزارت دارائی به اداره کل بودجه رجوع. با این که از طرف اولیای امور در نظر گرفته شده است که نسبت به اشخاص بی‌بضاعت و بیچاره مساعدتی بشود بدبختانه از تاریخ ۲۲/۳/۲۲ الی اداره بودجه فدوی را سرگردان و بلاتکلیف گذارده. اینک

به نام عدل و انصاف پناهنده شده و وجدان پاک اشرف را حکم قرار می‌دهم که آیا درکدام یک از مذاهب و ملل دنیا طفل معصوم را از حق ارث محروم نموده است. اینک از آن وجود مقدس که اجراءکنندهٔ قانون اساسی هستند، استدعا می‌نمایم که در این بحران عالمگیر راضی نشوید یک شخصی را با هشت سر عائله با داشتن حق قانونی از عسرت و پریشانی معدوم شود. امید است در این موقع به عرایض فدوی رسیدگی و چنانچه مقتضی باشد جزئی ملکی یا کمک خرجی برای این فدوی تعیین تا از عسرت و پریشانی نجات یافته به دعاگویی بقاء عمر اشتغال ورزم. امر امر مبارک است.

فدوی یدالله آریان‌پور کاشانی

[حاشیه:] مهر ورود به دفتر ریاست وزراء - شماره ۳۸۲۷ - تاریخ ۲۳/۲/۳۰،

[حاشیه:] سابقه ۳/۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۰۰

[۱۳]۲۳/۳/۲ مقام محترم جناب آقای نخست وزیر

محترما" به عرض عالی می‌رساند

البته خاطر مبارک مستحضر است که پس از ۲۵ سال غربت و ویلانی و بلاتکلیفی وتوقیف املاک شخصی و موروثی، در ۱۴ ماه قبل، شرحی به مقام جناب آقای نخست وزیر و به مقام ریاست [مجلس] شورای ملی معروض داشت و امر شد از هر محلی که ممکن است شهریه ای برای ورثهٔ مرحوم نایب حسین تعیین شود. مراتب به وزارت دارایی ابلاغ و قضیه از طرف دولت به ادارهٔ کل شهربانی مرجوع و از ادارهٔ مزبور هم برای ۵ نفر فرزندان مرحوم نایب حسین شهریه‌ای به شرح زیر تعیین گردید:

محمدآقا ۹۰۰ ریال

حسن ۹۰۰ ریال

بانومهری ۹۰۰ ریال
بانوکشور ۶۰۰ ریال

و برای فدوی امیر آریان‌پور فرزند نایب حسین ماهی ۱۲۰۰ تعیین گردید. مدتی از تصمیم دولت گذشته دیناری به فدوی داده نشده فقط شهریه بانو مهری و بانو کشور و محمدآقا پرداخت شده. حالیه اداره کارآگاهی به شهربانی می‌فرماید از طرف حضرت اشرف آقای نخست وزیری امر شده برای ورثهٔ شغل (شاغل) ذکور نایب حسین شهریه تعیین نشود. نایب حسین فقط ۵ نفر اولاد دارد که ۳ نفر آنها ظرف مدت یک سال حقوق خود راگرفته ولی شهریه فدویان امیر آریان‌پور و حسن آریان‌پور تا به حال مرحمت نشده. البته تصدیق می‌فرمایند با این گرانی تهران و نداشتن کوپن قند و شکر، بدون هیچ کاری با چند نفر عائله بی گناه، منتها درجه در عسرت هستیم. خدا شاهد است عائلهٔ ما با مرگ دست به‌گریبان هستد. حضرت اشرف، به وجدان پاک خودتان قسم به فریاد ما بیچاره‌ها برسید. امر و مقرر فرمایید به دعاگویی ذات اقدس مشغول باشیم. بدیهی است وجدان پاک حضرت اشرف راضی نخواهد شد فدوییان (فدویان) که املاک شخصی و مورثی‌مان در تحت توقیف دولت است از عسرت تلف شوند [و] برای کسانی که هیچ حقی ندارند شهریه برقرار شود. امر امر مبارک است.

فدوی امیر آریان‌پور فرزند مرحوم نایب حسین کاشانی

[حاشیه:] اقدام شده بایگانی شود.۳/۴/

سال ۱۳۱۷، ۳۵ $\frac{۱}{۴}$

[مهر] ورود به دفتر ریاست وزرا شماره ۴۱۴۳ تاریخ ۲۳/۳/۳

[سند شماره $\frac{۱۱۶۰۰۵-۱}{۱۱۴۱}$]

۵۰۱

شماره عمومی ۳۸۲۷ - جزوه دان ۳۵ - تاریخ ثبت ۲۳/۳/۶ پیوست

اداره کل شهربانی

عین نامۀ یدالله آریان‌پور کاشانی و امیر آریان‌پور وراث نایب حسین کاشانی برای رسیدگی و اقدام و صدور پاسخ مقتضی به ضمیمه فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۰۲

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، رونوشت دادخواست مجدد مرتضی ژاندارم (آریان پور) مورخه ۲۳/۳/۲

ریاست محترم اداره کل شهربانی ایران دامت شوکته عالی

با نهایت احترام به عرض مبارک می‌رسانم در تعقیب دادخواهی ۲۲/۱۱/۱۴ و تعقیب ۲۳/۱/۲۷ تاکنون هنوز کسی به درد دل من بیچاره و سرگردان رسیدگی نکرده با این که حسب امریه شماره ۱۵۹۶۴/۲۱/۱۱/۲۶ از طرف ریاست مجلس شورای [ملی] و امریه شماره ۱۵۹۶۴/۲۲/۱۱/۱۲ از طرف مقام نخست وزیری و امریه شماره ۵۴۰۲/۱۲۷۸۰/۲۲/۸/۵ از اداره کل شهربانی مقرر فرموده‌اند. وسیله آسایش حقیر و شش سر عائله فراهم شود، بیچارگی فدوی از هر حیث معلوم شده ولی تاکنون دادرسی برای فدویان نیامده است. سزاوار است کسی که چندین میلیون املاک پدرش توقیف دولت است از نداری و بیچارگی دو نفر بچه صغیر هم از بین رفته، طبق گواهی نامه محلی که در مجلس شورای ملی و در اداره شهرداری موجود است.

نمی‌دانم چرا این روسای دوائر دولتی که در جای پیغمبر نشسته‌اند برای این که به درد دل مردم رسیدگی نمایند با داشتن سه برگ امریه سه برگ شماره‌های نامبرده بالا که در دست فدوی می‌باشد، هیچ گونه اقدام و رسیدگی نفرموده‌اند. اگر رسیدگی فدوی به کار حقیر نفرمائید باقی مانده عائله‌ام از بین می‌روند. شما را قسم می‌دهم به مقام مقدسات عالم و به آن خدائی که شما را بدین مقام رسانیده امر و

مقرر فرمایید پروندهٔ فدوی را از ادارهٔ کل شهربانی بخواهید تا عرایض و حقانیت فدوی معلوم گردد که آسوده خاطر دعاگوی آن مقامات عالیه باشم.
محل امضای ژاندارم یک مرتضی ایران‌پور.
رونوشت برابر اصل است.
[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۱]

۵۰۳

۲۳/۳/۲۶ مقام محترم نخست وزیری دامت عظمته

محترماً معروض می‌دارد پس از مدت‌ها بی‌چارگی و دوندگی و عسرت و پریشانی این جانبان ورثه مرحوم نایب حسین کاشی و با این که در سال گذشته تصویب نامه [ی] از طرف نخست وزیری طی نمره ۱۱۷۷۶-۲۲/۶/۷ به اداره کل دارایی و به شهربانی کل کشور مراجعه شد و اکنون بالغ بر یک سال است به سه نفر از ورثه مبالغی می‌دهند و فقط دو نفر از ورثه که این جانبان (امیر آریان‌پور و حسن آریان‌پور) فرزندان نایب حسین که بیچاره شده و املاک ما را توقیف نموده‌اند و بالنتیجه از هستی ساقط شده‌ایم دیناری مرحمت نشده در صورتی که شهربانی مرکز و شهربانی کاشان عدم بضاعت این جانبان را گواهی نموده‌اند. مجدداً در مقام استدعا بر آمده امر و مقرر فرمایند به حال و وضع پریشان این فدویان رسیده و قراری بدهند که با این گرانی با عائلهٔ خودمان امرار معاش نموده و به دعاگوئی آن حضرت اشرف مشغول گردیم. امر امر مبارک است.
امیر آریان‌پور - حسن آریان‌پور
[حاشیه:] سابقه ۳/۲۶/ **[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۵۰۴

وزارت پست و تلگراف و تلفن، [تلگراف] از کاشان به تهران، شماره تلگراف ۱/۸۷۸ تاریخ ۴/۲/ [۱۳۲۳]

ریاست نخست وزیری، کپیه ریاست مجلس شورای ملی، کپیه وزارت دارایی، کپیه وزارت کشور، کپیه شهربانی کل، عرض این که بنده مرتضی ایران‌پور فرزند مرحوم ماشاءالله کاشانی در تعقیب شکایت راجع به توقیف املاک و سختی معیشت از نخست وزیری طی شماره ۳۲۵۹۰-۱۲-۲۱/۱۱/۱۲ و مجلس شورای ملی شماره ۱۵۹۶۴-۲۱-۲۱/۱۱/۲۱ قرار آسایش سایر ورثه فراهم، در اثر نبودن فدوی در کاشان محروم، در اثر شکایات از شهربانی کل طی شماره‌های ۱۲۷۸۰، ۵۴۰۲، ۲۲/۸/۵ بررسی شده سرگردانی و بی‌چارگی معلوم، نتیجه حاصل نشده، جان دو نفر اطفالم تلف، برای سایرین در آخرین نفس به امر وجدان دستگیری لازم است.
میمه ژاندارم یک ایران‌پور

ورود به دفتر ریاست وزراء، شماره ۶۶۴۷، تاریخ ۲۳/۴/۳

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۰۵

نمرهٔ $\frac{۱۳۵۸}{۲۳/۴/۷}$ جناب آقای نخست وزیر

ژاندارم یکم ایران‌پور از کاشان تلگرافی به دفتر [مخصوص شاهنشاهی] مخابره نموده و اظهار می‌دارد دستوری که از طرف مقام نخست وزیری راجع به املاک و ترتیب زندگانی ورثهٔ ماشاءالله کاشی صادر گردیده دربارهٔ سایر ورثه اجرا شده ولی نامبرده را محروم گذاشته‌اند. عین تلگراف بر حسب فرمان مطاع مبارک ملوکانه برای رسیدگی و صدور پاسخ او به پیوست ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

حسین [شکوه الملک]

[حاشیه:] آقای قلمزن، با مراجعه به سابقه اقدام فرمایند. محمد ساعد[1]
۲۳/۴/۱۰

[حاشیه:] پیشینه: ۲۳/۴/۱۰ **[سند شماره ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۱. محمد ساعد مراغه‌ای بارها به وزارت خارجه رسید و مقام نخست وزیری هم یافت.

۵۰۶

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره کارآگاهی دائره ۳ تاریخ ۲۳/۴/۱۹
شماره ۱/۳۵۷۲/۴۳۵۹/۷۱۶ پیوست دو برگ

جناب آقای نخست وزیر

تعقیب معروضه شماره $\frac{۳۱۵/۲۹۷۵}{۲۳/۳/۲۴}$ رونوشت دادخواست مجدد مرتضی ژاندارم پسر نایب حسین کاشانی به ضمیمه تقدیم گردید. مستدعی است امر و مقرر فرمائید از تصمیم متخذه دربارهٔ عائله و صغیر ژاندارم نامبرده این اداره را مستحضر سازند که به دادخواست کننده پاسخ مقتضی داده شود.

کفیل شهربانی کل کشور- پاسیار (۱) سیف

[حاشیه ۱:] موافقت می‌شود به شهربانی کل هم جوابی بدهید. ۴/۲۰

[حاشیه ۲:] به عرض برسد. در این خصوص به وزارت بازرگانی تاکید شد، منتظر نتیجه هستم. ۲۳/۴/۲۰

نمره ۷۸۵-۲۳/۴/۲۱ - پیشینه ۲۳/۴/۲۱،

[حاشیه بالا:] آقای دبیران

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۰۷

دفتر نخست وزیر، شمارهٔ عمومی ۸۱۴۰، پرونده ۳۵، تاریخ ثبت ۲۳/۵/۱۱ - فوری است

وزارت دارایی

پیرو نامه شماره ۶۶۴۷- ۲۳/۴/۲۱ در موضوع مقرری وراث نایب حسین کاشانی اشعار می‌دارد:

ادارهٔ کل شهربانی ضمن نامه‌های شماره ۱/۳۵۷۲/۴۳۵۹/۷۱۶-۲۳/۴/۱۹ و شماره ۴۸۶۳/۳۴۸۹/۷۸۳-۲۳/۴/۲۶ رونوشتی از دادخواستهای مرتضی ژاندارم ارسال و تقاضا نموده‌اند که تصمیم متخذه برای صدور پاسخ این شخص اطلاع

داده شود. اینک با ارسال رونوشت نامه‌های شمارهٔ بالا و رونوشت نامه شماره ۱۳۵۸-۲۳/۴/۷ ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی مقتضی است دستور فرمائید با مراجعهٔ به سوابق امر، هر چه زودتر ترتیبی جهت تأمین آسایش وراث مزبور صادر و مراتب را اطلاع دهید.

نخست وزیر

رونوشت برای اطلاع ادارهٔ کل کشور شهربانی فرستاده می‌شود.

[حاشیه:] دبیران ۲۴/۵/۴

[حاشیه بالا:] آقای [؟] تهیه شد. ۵/۸

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۰۸

دفتر نخست وزیر - شماره عمومی ۹۷۳۵ - جزوه دان ۳۵ - پرونده ۱۷/۱/۴- تاریخ ثبت ۲۳/۵/۲۹

ادارهٔ کل شهربانی - پیرو نامهٔ شماره ۸۱۴۰-۲۳/۵/۱۱ در موضوع مقرری وراث نایب حسین کاشی اشعار می‌دارد:

محمد آقا و امیر و حسن از طرف وراث مزبور مجدداً شرحی نوشته‌اند که عینا" فرستاده می‌شود. دستور دهید به اظهارات آنها نیز رسیدگی نموده و با اعادهٔ عین عرض حال نظر اداره کل شهربانی را اطلاع دهند.

دبیران ۲۳/۵/۲۴ [۱] امضاء نخست وزیر

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۰۹

وزارت دارایی، اداره ۱۳۲۳/۶/۴- به تاریخ ۱۳۲۳/۶/۵- شماره ۱۴۳۶۹-۱۰۲۵۴/۵۵

---

۱. مینوت نامه به خط و انشای غلامرضا دبیران است.

جناب آقای نخست وزیر

موضوع: هزینهٔ اعاشهٔ ورثهٔ نایب حسین کاشی

به موجب نامه شماره ۲۵۹۸۰ به تاریخ ۱۳۲۱/۹/۲۹ نخست وزیری مقرر گردید به وراث نایب حسین کاشی که فاقد وسایل معاش هستند از هر محل و به هر شکل ممکن باشد کمکی دربارهٔ آنها بشود.

دراجرای این دستور، سیاهه وراث بی بضاعت نایب حسین کاشی از ادارهٔ کل شهربانی خواسته شد و پس از تعیین پنج نفر از فرزندان نایب حسین دربارهٔ سه نفر از آنها بانو کشور و بانو مهرانگیز و محمد، که بی بضاعت تشخیص و مستحق دریافت هزینهٔ اعاشهٔ می‌بودند، هزینهٔ اعاشهٔ برقرار و تصویب نامه آن به شماره ۷۴۳۰-۱۳۲۲/۴/۶ و ۱۱۷۷۶-۱۳۲۲/۶/۷، از اعتبار دولت صادر و پرداخت گردید. سپس عده از اولاد زاده‌های نایب حسین کاشی از ورثه ماشاءالله خان و نایب علی شجاع لشکر، متوالیا" در مقام شکایت برآمده و تقاضای هزینهٔ اعاشهٔ نمودند و مراتب طی نامه شماره ۲۲۵۰۸-۶۵۳۳/۵۵ به تاریخ ۲۲/۷/۲۱، معروض و در جواب به شماره ۱۴۷۳۸ به تاریخ ۱۳۲۲/۹/۱۳، ابلاغ فرمودند؛ به آن اشخاصی از ورثه نایب حسین می‌توان کمک نمود که یا صغیر باشند و یا زن [داشته] و [یا] نان‌آوری نداشته باشند والاّ دلیلی به نظر نمی‌رسد به اشخاصی که می‌توانند کار کنند از صندوق دولت چیزی پرداخته شود.

در تعقیب این ابلاغ عدهٔ زیادی به عنوان ورثه نایب حسین و نایب علی شجاع لشکر و ماشاءالله خان خود را بی‌بضاعت قلمداد و در مقام شکایت برآمده و نسبت به استرداد املاک و برقراری هزینهٔ اعاشهٔ تعقیب می‌نمایند و چنانچه بنا شود برای تمام اشخاص مزبور هزینهٔ اعاشهٔ برقرار شود با ضیق اعتبار دولت مقدور نیست.

به نظر وزارت دارائی علاوه بر سه نفر از وراث مزبور که قبلا" هزینهٔ اعاشهٔ دربارهٔ آنها برقرار شده، به دو نفر دیگر از آنها یکی ربابه عیال ماشاءالله خان که شصت ساله و دیگری بانو انیس فرزین عیال نایب حسین که ۴۸ ساله [است] و نان آوری ندارند، به میزانی که اداره کل شهربانی پیشنهاد نموده و برای بانو کشور دختر نایب حسین

هم از همین قرار هزینهٔ اعاشهٔ برقرار شده، می‌توان کمک نمود. بنابراین طرح تصویب نامه پرداخت هزینهٔ اعاشهٔ دو نفر نامبرده از اول سال ۱۳۲۳ به شرح زیر:

۱. بانو ربابه عیال ماشاءالله خان کاشی ماهیانه ۶۶۰ ریال
۲. بانو انیس فرزین عیال نایب حسین ۶۰۰ =
۱۲۶۰ ریال

تقدیم می‌شود که در صورت موافقت مقرر فرمایند تصویب نامه آن را از اعتبار ۱۳۲۳ دولت مطابق طرح مزبور صادر و ابلاغ فرمایند.

نسبت به سایر وراث مزبور رونوشت دو نسخه سیاههٔ از اداره کل شهربانی رسیده به ضمیمه تقدیم می‌دارد. که هر قسم مقتضی می‌دانید ابلاغ فرمایید تا ترتیب آن داده شود.

وزیر دارایی معاون رئیس کل دارائی

[حاشیه ۱:] آقای نصر متمنی است مطالعه و اقدام فرمائید. ۲۳/۶/۸

[حاشیه ۲:] آقای دکتر فاطمی - ۸/۶/[۱۳۲۳]

[شماره سند ۱۱۶۰۰۵-۱ / ۱۱۴۱]

۵۱۰

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

محترما" معروضیم چون طبق تصویب نامه شماره ۱۱۷۷۱-۷ شهریور ۱۳۲۲ مقرر است که مبلغی برای هزینه سالیانه این جانبان محمد و بانو کشور فرزندان نایب حسین کاشی به شرح زیر پرداخت شود:

هزینهٔ اعاشهٔ محمد به قرار ماهی نهصد ریال سالیانه ۱۰۸۰۰ ریال، [هزینهٔ اعاشه] بانو کشور ماهی ششصد ریال سالیانه ۷۲۰۰ ریال، هزینهٔ اعاشهٔ سه ساله ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ به این جانبان پرداخت و حال مدت سه ماه از سال ۱۳۲۵ می‌گذرد اقدامی برای هزینهٔ اعاشهٔ فدویان نشده و چون تنها اعاشه زندگی فدویان بسته به این مبلغ مختصر بود که دولت به عنوان اعاشه به این جانبان می‌پرداخت و حال

که قریب شصت سال از عمر ماها گذشته و هیچ کس را نداشته و نداریم و بدون این وجه مختصر ادامه زندگی فدویان ممکن نیست، مستدعی است مقرر فرمایید هر چه زودتر هزینه جان نثارها پرداخت شود. زیرا با داشتن یک عده عائله زیاد بیش از این تحمل استقراض و گرسنگی و عسرت نداریم. ۲۵/۳/۵

فدویان محمد و بانو کشور فرزندان نایب حسین -کاشان پشت مشهد

[حاشیه:] بایگانی شود ۲۵/۴/۴ [شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۱۱

وزارت کشور، اداره کل شهربانی، اداره کارآگاهی - دایره ۳ - به تاریخ ۲۳/۶/۸- شماره ۱۰۸۹/۵۲۹۵

جناب آقای نخست وزیر

معطوفا" به مرقومه شماره $\frac{۹۷۳۵}{۲۳/۵/۲۹}$ با اعاده و تقدیم عین عرض حال محمد آقا و امیر پسران مرحوم نایب حسین کاشانی که استعلام نظریه فرموده‌اند، محترما" به عرض می‌رساند پنج نفر از ورثه نایب حسین کاشی که مراجعه به وزارت دارائی نموده و بی‌بضاعت و فاقد وسائل معاش بودند (امیر کاشی- حسن منصور لشکر- محمد آقا- مهرانگیز- بانو کشور) معرفی گردیده و برای هر یک نسبت به تعداد عائله و وضعیت آنها مقرری ماهیانه تعیین و ضمن شماره $\frac{۱۲۷۳۹/۱۲۲}{۲۲/۹/۲۶}$ و $\frac{۷۰۶/۱۶۲۸}{۲۲/۶/۷}$ به وزارت دارائی معرفی و ارسال شد. پس از وصول مرقومه شماره $\frac{۲۲۹۷۲}{۲۲/۱۲/۱۸}$ که امر و مقرر گردید سیاهه اسامی اشخاصی که صغیر و با زن و بدون نان آور می‌باشند و یا درآمد سرپرست آنها تکافوی هزینه عائلهٔ آنها را نمی‌نماید تهیه و فرستاده شود، صورت مزبور طی شماره $\frac{۳۱۵/۲۹۷۵}{۲۳/۳/۲۴}$ تقدیم گردیده است. مستدعی است امر و مقرر فرمایید به شماره‌های بالا مراجعه گردد.

رئیس شهربانی کل کشور - سرپاس سیف

مهر ورود به کابینه ریاست وزراء- شماره ۱۰۷۱۶- به تاریخ ۲۳/۶/۱۱

[حاشیه بالا:] دفتر، در این باب اخیرا" نامه‌ای از وزارت دارایی نرسیده، به تمام سوابق مراجعه و اقدام نمایید. ۶/۱۱/

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۱۲

دفتر نخست وزیری، شماره عمومی ۱۰۷/۶، تاریخ ثبت ۲۳/۶/۲

وزارت دارایی

در پاسخ نامه نمره ۱۰۲۵۴/۵۵ / ۱۳۲۳/۶/۴ راجع به هزینهٔ اعاشهٔ ورثهٔ نایب حسین کاشی اشعار می‌دارد به طوری که سابقا" هم تحت نمره ۱۴۷۳۸ / ۲۲/۹/۱۳ ابلاغ شد به‌کسانی از ورثه نایب حسین می‌توان مساعدت نمود که یا صغیر باشند و یا زن [باشند] و نان آوری نداشته باشند. بنابراین با مراجعه به سیاهه ورثه که از طرف اداره کل شهربانی تهیه شده و یک نسخه آن هم به پیوست فرستاده می‌شود معلوم می‌گردد به غیر از پنج نفر ورثه که از طرف آن وزارت پیشنهاد برقراری کمک هزینه شده کسان دیگری هم هستند که صغیر بوده و نان‌آور ندارند. بدین جهت لازم است دستور فرمایند با نظر اداره کل شهربانی درخصوص برقراری شهریه کمک هزینه دربارهٔ ورثه نایب حسین کاشی اقدام لازم به عمل آورند و پس از حصول نتیجه یکجا پیشنهاد نمایند تا تصویب گردد.

نخست وزیر

رونوشت: در پاسخ شماره ۱۰۸۹/۵۹۲۵ مورخ ۲۳/۶/۸ برای آگهی اداره کل شهربانی فرستاده می‌شود. ۲۳/۶/۱۵

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵ / ۱۱۴۱]

۵۱۳

۲۳/۷/۲۲ جناب آقای ساعد نخست وزیر

محترما" معروض می‌دارد

گویا اولیای امور این جانبان وراث مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی را در ردیف افراد زندهٔ این جامعه محسوب نمی‌فرمایند والا چطور ممکن می‌شود

از طرف (در ظرف) بیست سال این همه عریضه که عرض شده مورد توجه اولیای امور واقع نشود. جناب آقای نخست وزیر شما شخصی با شرافت و با وجدانی هستید در مملکت هم معروف به صحت عمل و درستی می‌باشید. آیا شایسته است مقدار زیادی املاک این جانبان در توقیف دولت باشد و در مقابل یک فامیل سیصد نفری به حال فقر و فاقد زندگی کنند. آیا بیش از این انتظار دارید یک فامیل سیصد نفری زجه (ضجه) و نالهٔ اطفال و عیال خود را بشنود. اگر اولیای امور فکر عاجلی به حال ما نکنید خدا شاهد است قانونا" و اخلاقا" و وجدانا" مسئولیت خون ما ها را به‌گردن دارید. ما نمی‌دانیم حرف حساب دولت چیست. با این که در سال ۱۳۰۵ تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۱/ ۳۰۵/۱۰/۱۹ از هیئت وزراء صادر شده به موقع اجراء نمی‌گذارند. آخر این چه وضعی است؟ اگر به تصویب نامه هیئت دولت هم اعتراضی دارید صریحا" مرقوم فرمایید و اگر ما را از تبعیت ایران و غیر مسلمان خارج می‌دانید آن را هم مرقوم فرمائید. در هر حال انتظار داریم فورا" امر صریحی برای استرداد تمام یا قسمتی از املاک ما صادر فرمایید و جواب مقتضی هم بدهید.

از طرف ورثهٔ مرحوم ماشاءالله خان کاشانی، احمد آریان پور

مشهد - شرکت فلاحت

[حاشیه بالا:] باید منتظر پاسخ وزارت دارایی بود. ۲۳/۷/۳۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۱۴

یاهو

۲۳/۷/۲۷

ریاست محترم جناب آقای نخست وزیر دامت عظمته

با نهایت بیچارگی به عرض عالی می‌رساند

فدوی ژاندارم یکم مرتضی آریان پور فرزند مرحوم ماشاءالله خان سردار کاشانی بر این که شماها اولیاء امور و دادرس بیچارگان هستید چگونه یک نفر نیست که یک

جواب کافی به حقیر بدهد، در صورتی که چندین میلیون املاک پدری بنده توقیف دولت می‌باشد و چندین دادخواهی به اولیاء امور و به مقامات مربوطه دادم تا این که طبق امریه شماره ۲۱/۱۱/۱۲/۳۲۵۹۰ از آن مقام محترم و امریه شماره ۲۳/۴/۱۵/۴۷۶۷ از مجلس شورای ملی و امریه شماره ۲۲/۷/۷/۹۸۱۵/۲۰۴ از شهربانی کل امر مقرر شده که وسیله آسایش بنده را فراهم نمایند. بررسی شده و بیچارگی و سرگردانی و پریشان روزگاری فدوی معلوم شده ولی تاکنون وسیلهٔ آسایش بنده و عائله‌ام را میسر ننموده اند. نمی‌دانم شما که اولیاء امور و صاحب اختیار و دادرس بیچارگان هستید راضی می‌شوید که خود و شش نفر عائلهٔ بنده جانشان در معرض هلاکت و در حال سختی و بدبختی و مذلت واقع گردد و به طوری که دو نفر طفل و بچه‌های فدوی از بین رفته در اثر مضیقه و نداشتن بضاعت و مال و مکنت، مکرر عرض می‌شود. با این که سابقهٔ تنگدستی و بیچارگی بنده واضح و تمام پرونده‌های فدوی در مرکز است، لکن اقدام مقتضی به عمل نیامده، شما را سوگند یاد می‌کنم به حق مقدسات عالم از حضرت خاتم الی آدم و به شرافت زایدالوصف و بی نظیر خودتان مجدداً و تکراراً امر رسیدگی و آسایش بنده و عائله‌ام را مقرر فرمائید تا رفاه بنده [را] میسر نمایند که دیگر رمق و توانائی در تن رنجور خود و عیال و اطفالم نمانده است. محضا"للّه امر به تعقیب بفرمایید که با خاک یکسان شدم.

ژاندارم یکم ایران پور (آریان پور)

مرحمت فرمایند ۸/۱۵

[حاشیه راست] مهر ورود به دفتر ریاست وزراء- شماره ۱۴۶۴۳- به تاریخ ۲۳/۸/۱۱

[حاشیه چپ:] آقای فخرائی با رجوع به پیشینه ۲۳/۸/۱۳

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۱۵

وزارت دارایی، به تاریخ ۱۳۲۳/۹/۱۱- شماره ۲۰۳۸۳-۱۵۹۲۵/۵۵

جناب آقای نخست وزیر

جواب نامه شماره ۱۳۰۶۵ به تاریخ ۲۳/۷/۲۴

در اجرای مفاد نامه شماره ۱۰۷۱۶ به تاریخ ۱۳۲۳/۶/۲۱ طی نامه شماره ۱۳۰۴۸/۱۲۹۱۵ به تاریخ ۱۳۲۳/۷/۲۳ به اداره کل شهربانی نوشته شد. نسبت به سایر وراث نایب حسین کاشی تحقیقات لازم به عمل آورده و در صورتی که در بین آنها اشخاصی استحقاق دریافت هزینهٔ اعاشهٔ آنها لازم است یکجا تعیین نمایند که مورد بررسی واقع و در صورت وجود اعتبار، برای صدور تصویب نامه، هزینهٔ اعاشهٔ آنها از اعتبار دولت اقدام شود.

معاون رئیس کل دارایی

از طرف وزیر دارایی دکتر(؟)

حاشیه: مهر ورود به دفتر نخست وزیر شماره ۱۵۹۵۲۵- تاریخ ۱۳۲۳/۹/۱۱

[حاشیه ۱:] پیشینه: ۲۳/۹/۱۲

[حاشیه ۲:] ۲۳/۹/۱۲ آقای نصر

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۱۶

وزارت کشور، شهربانی کل کشور- اداره کارآگاهی- دائره ۳- تاریخ ۲۳/۹/۲۳- شماره ۹۷۰۷/۱۸۴۶

جناب آقای نخست وزیر

معطوفاً به مرقومه شماره ۱۵۹۵۲/۲۳/۹/۱۸ راجع به وراث نایب حسین کاشی معروض می‌گردد. چون از وزارت دارایی تقاضا شده بود مجدداً راجع به وضعیت ورثه از شهربانی‌های شهرستان‌های کاشان و مشهد بازجویی شود که آیا مشمول دستور جناب آقای نخست وزیر می‌باشند یا خیر، بدین لحاظ به شهربانی‌های مربوطه

وادارهٔ کارآگاهی دستور لازم صادر، پس از وصول جواب به وزارت دارایی پاسخ شایسته صادر خواهد شد -

رئیس شهربانی کل کشور - سرپاس سیف.

ورود به دفتر نخست وزیر - شماره ۱۶۶۸۲ - تاریخ ۱۳۲۳/۹/۲۵

[حاشیه بالا:] اداره حسابداری ۲۳/۹/۲۵ فعلاً بایگانی شود تا جواب وزارت دارایی برسد.۲۳/۹/۲۶

[شماره سند ۱-۵۰۰۵-۱۱۶-۱۱۴۱]

۵۱۷

تاریخ ۲۳/۱۰/۹ وزارت دارایی

محترماًبه عرض می‌رسانم

در تعقیب معروضه‌های پیش که مدتی است از وضعیت خودمان خاطر مبارک را مستحضر نموده وبرای رسیدگی به وضعیت این فدویان پرویز واکرم آریان‌پور نوه‌های نایب حسین کاشانی به شهربانی کل کشور ارجاع و از شهربانی کل به شهربانی کاشان کراراً مراجعه و چندین مرتبه رسیدگی شده، تاکنون بذل توجهه (توجه) و کمکی به اعاشهٔ ما دو نفر طفل صغیر بی‌بضاعت نشده. چون فوق‌العاده در این ایام زمستان در مضیقه هستیم ناچار هر دو نفر به تهران آمده که وزارت محترم را از حال خود آگاه نموده که برای خاطر خداوند متعال هر چه زودتر بذل توجهی فرمایند که در زمستان بدون فرجی در تهران سرگردان هستیم و جمله آخری که (آخر این که) شهربانی کاشان به وضعیت بازماندگان نایب حسین که استحقاق کمک دارند رسیدگی و (به) شهربانی کل کشور نتیجه را تقدیم نموده. شماره گزارش شهربانی کاشان را به پیوست تقدیم می‌داریم. منتظر الطاف و بذل توجه هستیم.

اکرم-پرویز

نشانی - شمس‌العماره - منزل دولتی

[حاشیه:] ادارهٔ بودجه ۱۰/۱۰

مهر ورود به دفتر اداره کل حسابداری و ممیزی - تاریخ ۲۳/۱۰/۱۰ - شماره ۲۰۵۷۸ مهر ثبت دفتر کل بودجه -شماره۲۰۶۱۲- تاریخ ۱ ماه ۱۰ سال ۱۳۲۳

مهر وزارت دارایی تاریخ به لاتین 23-x-10- مراسلات و بایگانی کل - مهر بازرسی شد ۲۶۶۲۲-۵۵.

[حاشیه ۱:] اعتبارات ۲۳/۱۰/۱۱

[حاشیه ۲:] آقای نصر، جناب آقای نخست‌وزیر مقرر فرمودند چنانچه نام این بانو و برادرش جزو صورت ارسالی شهربانی هست و واقعاً بی چیز تشخیص داده شده، شرح لازم به وزارت دارایی نوشته شود. ۲۳/۱۰/۱۱

[حاشیه بالا] (شماره) ۱۶۹۳۳/۵۵ **[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۵۱۸

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت عظمته [تاریخ] ۲۳/۱۰/۲۴

محترماً پیرو عریضهٔ چندی قبل حضور مقدس عالی معروض می‌دارد:

چنان که خاطر مبارک مستحضر است تا حال چندین عریضه راجع به وضعیت بیچارگی خود به مقام مقدس عرض ولی متاسفانه تاکنون به جوابی‌نایل نشدم. مجددا" به عرض می‌رسانم. در چندی قبل تصویب نامه‌ای صادرکه به اولاد بی‌بضاعت نایب حسین ارفاغ (ارفاق) و مساعدتی شود و دستور رسیدگی هم شده است. نداری و عسرت فدوی را تصدیق داده‌اند که تقدیم آن وزارتخانه محترم شده است. خدا می‌داند آنچه داشتم دولت سابق جزو املاک پدرم توقیف و بنده را با یک مشت عائله بی‌بهره نمودند. مکرر شرح حالات و گزارشات و عسرت خود را به عرض اولیای امور رسانیده و با این که تصویب نامه اجرا و در حق بعضی ورثه حقوقی منظور شده و قریب دو سال است حقوق گرفته‌اند، متأسفانه فدوی که فرزند بلافصل آن مرحوم هستم و رسیدگی هم شده است و مستحضرگردیده‌اند که از تمام ورثه بیچاره‌تر و بکلی از هستی ساقط، حتی محل سکنی برای بنده باقی نگذاردند. خود و عائله‌ام ویلان و سرگردان بدون سکنی و ممر معاش زنده به‌گور

می‌باشم. وجود مبارک را به تمام مقدسات عالم قسم می‌دهم فکر عاجلی دربارهٔ بنده بفرمایید که خود و عائله‌در این گرانی طاقت فرسا به‌لقمه نانی رسیده به دعاگویی ذات مقدس مشغول باشم. امر امر مبارک است و تصدیق از بخشداری نطنز و علمای آنجا را راجع به نداری فدوی به پیوست تقدیم شد.

فدوی حسن آریان‌پور فرزند نایب حسین

نشانی چهار سو بزرگ، دکان میرزا علی دوخته فروش

[مهر] ورود به دفتر نخست وزیر ۱۸۱۶۳ مورخ ۲۳/۱۰/۳۰

[حاشیه:] مراجعه به وزارت دارایی مکرر شده است. مراجعهٔ اخیر (چهار روز پیش بوده) عجالتا" بایگانی شود تا جواب وزارت دارایی برسد. ۲۳/۱۰/۳۰

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۱۹

دفتر نخست وزیر - تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۲۳

برای این که بتوان نسبت به‌کلیهٔ ورثه نایب حسین که بدون سرپرست بوده یکجا اقدام نمود، شرح موثری به وزارت دارایی و شهربانی کل کشور نوشته شده است که سیاهه از آنها تهیه نموده پیشنهاد نمایند. تاکنون سیاهه مزبور نرسیده و منتظر وصول آن می‌باشد.

[حاشیه ۱:] سیاهه مزبور رسیده و در پرونده موجود است علامت‌گذاری شده. امضاء ۲۳/۱۰/۱۱

[حاشیه ۲:] آن سیاهه که اشاره فرموده‌اند ناقص است و به همین جهت طی نامه نمره ۱۰۷۱۶-۲۳/۶/۲۱ به وزارت دارایی نوشته شده است که با تبادل نظر با شهربانی کل کشور معلوم نماید، از بازماندگان نایب حسین کسانی که فاقد وسایل معیشت هستند سیاهه ترتیب داده و پیشنهاد نماید تا یکجا اقدام گردد. نامهٔ نمره ۱۰۷۱۶ وزارت دارایی علامت گذاری شده در پرونده موجود است.

[حاشیه ۳:] خواهشمندم در تعقیب نامه نمره ۱۰۷۱۶-۲۳/۶/۲۶ مجدداً

شرحی به اداره کل شهربانی و وزارت دارایی بنویسید و مخصوصاً به عریضه این بانو و برادر صغیرش اشاره بفرمایید. ۲۳/۱۰/۱۲

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۰

دفتر نخست وزیر- شماره عمومی ۱۸۰۵۹- جزوه دان ۳۵- پرونده $۱۷\frac{۱}{۴}$-
تاریخ نوشتن ۲۸ دی - تاریخ ثبت ۲۳/۱۰/۲۸

اداره کل شهربانی

در تعقیب نامه‌های شماره ۱۰۷۱۶ و ۱۵۹۵۲ و ۱۷۵۷۱ اشعار می‌گردد: چون ورثه نایب حسین کاشی از حیث معاش فوق‌العاده در عسرت بوده و هر روزه به دفتر نخست‌وزیر مراجعه می‌کنند، مقرر فرمائید در تعیین و تعداد ورثهٔ نامبرده تسریع به‌عمل آورده و از نتیجه این اداره را آگاه نمائید.

رئیس دفتر نخست‌وزیر

[حاشیه:] خیلی فوری است.

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۱

وزارت دارایی، به تاریخ ۱۳۲۳/۱۲/۱۴ شماره $\frac{۳۰۲۸۳}{۲۳۴۴۷/۵۵}$
جناب آقای نخست‌وزیر، موضوع: دعاوی وراث نایب حسین کاشی
جواب نامه شماره ۱۹۱۸۴ به تاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۱۴

از چندی قبل وراث نایب حسین کاشی به استناد این که دولت املاک او را ضبط و جزء خالصه منظور داشته تقاضای استرداد و برقراری هزینهٔ اعاشهٔ نموده‌اند و بنابه دستور آن جناب برای پنج نفر از وراث نامبرده، محمد، بانو کشور، بانو مهرانگیز فرزندان نایب حسین و انیسه عیال نایب حسین و ربابه نوه نایب حسین که بی‌بضاعت تشخیص داده شده، طبق پیشنهاد اداره کل شهربانی هزینهٔ اعاشهٔ برقرار گردیده.

اینک عدهٔ زیادی به عنوان ورثهٔ نایب حسین کاشی و نایب علی شجاع لشکر و ماشاءالله خان خود را بی‌بضاعت قلمداد و در مقام شکایت بر آمده و نسبت به‌استرداد املاک نایب حسین و برقراری هزینهٔ اعاشهٔ و اولیای امور را به زحمت دارند و علاوه بر این که به تمام آنها هزینهٔ اعاشهٔ نمی‌توان پرداخت نمود، اصولاً این ادعا مقرون به صحت نیست. زیرا نایب حسین کاشی شخص متمرد و غارتگری بوده و املاک و اموال مردم را به یغماگری تصاحب نموده و پس از آن که این موضوع به ثبوت پیوسته و مشارالیه و اطرافیان او از طرف دولت به مجازات رسیده‌اند دیگر پرداخت هزینهٔ اعاشهٔ به وراث او مورد ندارد. زیرا باید در نظر داشت اگر نامبرده دارایی داشته از غارت اموال مردم به دست آورده و متعلق به او نبوده است. بنابراین وزارت دارایی از برقراری هزینهٔ اعاشهٔ دربارهٔ سایر وراث نایب حسین کاشی و ماشاءالله پسرش متاسفانه معذور است.

وزیر دارایی از طرف دکتر........

[حاشیه:] به عرض می‌رسد ۲۳/۱۲/۱۵ (۱۳)

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۲

نخست وزیر، به تاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۴- شماره ۹۹۹۰/۴۸۲

هیئت وزیران در جلسه سوم مهر ماه ۱۳۲۳ بنا به موافقت نامه شماره ۱۴۳۶۹/۱۰۲۵۴/۵۵ مورخ ۴ شهریور ماه ۱۳۲۳ وزارت دارائی تصویب نمودند مبلغ پانزده‌هزارویکصدوبیست ریال (۱۵۱۲۰ ریال) بابت هزینهٔ اعاشهٔ یک ساله ۱۳۲۳ بانو ربابه عیال ماشاءالله کاشی و بانو انیس فرزین عیال نایب حسین کاشی به قرار زیر:

۱- بانو ربابه عیال ماشاءالله خان کاشی به قرار ماهی ۶۶۰ ریال ۷۹۲۰ ریال

۲-بانو انیس فرزین عیال نایب حسین کاشی به قرار ماهی ۶۰۰ ریال ۷۲۰۰ ریال

۱۵۱۲۰ ریال

از محل اعتبار سال ۱۳۲۳ دولت پرداخت شود
وزیر مشاور = خلیل فهیمی / وزیر دادگستری = اللهیار صالح
وزیر راه محمود نریمان / وزیر پست و تلگراف و تلفن یوسف مشاور
وزیر دارایی علی‌اصغرزرّین‌کفش / وزیربازرگانی وپیشه‌وهنردکترمحمدنخعی
وزیر بهداری منوچهر اقبال (کفیل بهداری)

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۳

وزارت کشور، شهربانی کل کشور - اداره کار آگاهی -دائره ۳ - تاریخ ۲۳/۱۱/۵ شماره ۱۱۱۲۳/۲۲۲۷

موضوع: خیلی فوری است.

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومهٔ شماره $\frac{۱۰۷۱۶}{۲۳/۶/۲۱}$ و $\frac{۱۷۰۷۱}{۲۳/۱۰/۱۳}$ و $\frac{۱۸۰۵۹}{۲۳/۱۰/۲۸}$ صورت اسامی‌ورثهٔ نایب حسین کاشانی و نایب علی و ماشاءالله که در کاشان و مشهد و تهران اقامت دارند و استحقاق دریافت مقرری دارند طبق دستور تهیه و به پیوست تقدیم گردید. یک نسخه از صورت تقدیمی‌نیز ضمن شماره $\frac{۱۰۱۸۸/۱۹۲۴}{۲۳/۱۱/۵}$ به وزارت دارایی ارسال شده است. در خاتمه به عرض می‌رساند چون شهربانی مشهد حداقل میزان مقرری را تعیین ننموده بود مجدداً دستور داده شد. پس از وصول گزارش شهربانی در تعقیب ایفاد می‌گردد.

رئیس شهربانی کل کشور - سر پاس سیف.

[مهر] ورود به (کابینه ریاست وزراء - نمره ۱۹۱۸۴ - تاریخ ۲۳/۱۱/۷)

[حاشیه بالا:] آقای نصر ۲۳/۱۱/۸

[حاشیه پایین:] پرونده ضمیمه شود ۲۳/۱۱/۸

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۴

سیاهه عائله مرحوم نایب حسین کاشانی

مقیمین مشهد

شماره	نام و نشان	زایچه	شناسنامه	صادره	نسبت
۱	احمد آریان پور کاشانی		۱۵۱۴۸	تهران	فرزند ماشاءالله‌خان کاشانی
۲	پروین دخت		۸۱۴		عیال احمد آریان پور
۳	سیاوش آریان‌پور		۴/۵۳۳		اولاد
۴	مهرانگیز =		۹۶۷		اولاد
۵	بانو فاطمه شیبانی		۸۱۴		مادرزن
۶	گوهر عجمی		۲۱۷۳		مادر بزرگ
۷	سکینه عجمی		۲۷۱		خاله

عدهٔ عائله امیر آریان پور، فرزند مرحوم نایب حسین

شماره	نام و نشان	زایچه	شناسنامه	صادره	نسبت
۱	امیر آریان پور		۲۲۹۸		فرزند مرحوم نایب حسین
۲	نصرت‌الله = =				پسر امیر آریان پور
۳	حسن = =				= =
۴	جلال = =				= =
۵	اصغر = =				= =
۶	آفاق = =				= =
۷	پری دخت = =				فرزند =
۸	پرویز = =				= =

شماره	نام و نشان	زایچه	شناسنامه	صادره	نسبت
۱	توران خانم آریان پور	۱۲۸۸	۱۵۱۴۹	تهران	نوهٔمرحوم‌نایب‌حسین‌کاشانی
۲	پرویز نیلوفری	۱۳۱۸	۴۷۵	=	نوه مرحوم ماشاءالله خان
۳	قدسی‌خانم =	۱۳۱۵	۲۳۹۳۶	اصفهان	= =
۴	خسرو =	۱۳۱۵	۲۳۹۳۵	=	= =
۵	ملوک‌خانم شاهرودی	۱۳۹۷	۴۷۸۴۷	تهران	= نایب‌حسین‌خان، بی‌شوهر، نان‌آور ندارد.

مهر اداره کل شهربانی دایره کارآگاهی (۱۳۱۷) - امضاء ۲۳/۱۱/۵

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۳-۱۱۴۴]

۵۲۵

هوالله

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت شوکته

باکمال بیچارگی معروض می‌دارد

با این که کراراً به استحضار خاطر مبارک حضرت اشرف رسیده است که این جانب عزیزالله پسر محمد جوانی کر وکور و مفلوج و مریض و عدیم‌البضاعت هستم که یک نفر عیال و دو نفر طفل صغیره دارم و اکنون قریب بیست و شش سال است دولت تمامی اموال پدرم را به ناحق تصرف نموده ودر طول این مدت بعد از تحمل هزارگونه شکنجه و مسامحه غیر قانونی که منجر به کری گوش وکوری چشم و فلج دستهایم شده، تقریباً دو سال قبل هیئت محترم دولت امر فرمودند که به هر طریقی که ممکن است مقرری اعاشهٔ این جانب را بپردازند.با این که در این مدت سه دفعه از طرف ادارهٔ شهربانی و چند دفعه از طرف ادارهٔ دارائی کاشان وضعیت زندگی تأثر آور این جانب بازرسی وبا اخذ گواهینامه پزشك و اهالی مبنی بر عاجزی و بی چیزیم تحقیقات شده و به بنده وعدهٔ مقرری داده‌اند،بااین حال مدت دو سال است که در انتظار این مقرری از درجه هستی ساقط و تمام اثاثیهٔ مختصرم که عبارت ازگلیم زیر پا وکاسه وکوزه بوده فروخته و صرف عائله کرده‌ام و اینك با زن و بچه‌های مریض وبیچاره‌ام از محنت گرسنگی با مرگ دست به‌گریبان و با وجود استدعا و التماس و تضرعی که از مقام حضرت اشرف و سایر وزراء نموده‌ام تاکنون بذل توجهی به عمل نیامده و معلوم نیست که اولیای امور چرا تا این اندازه نسبت به مردم مستمند بی علاقه هستند که حق حیاتی برای بیچارگان قائل نمی‌شوند. در صورتی که حضرت اشرف می‌دانید که غصب مال یتیمان وپایمال کردن حقوق حقه بیچارگان ازگناهان کبیره محسوب می‌شود و علاوه خداوند در قران مجید فرموده به‌کاری که عمل نمی‌کنید قول ندهید. نقض قول و قانون نه تنها مسلمانی بلکه در نزد پست‌ترین ملل و اقوام دنیا مبتذل شناخته می‌شود. نمی‌دانم درکشور ما

این چه رسمی است که جوانی عاجز و بیچاره مثل بنده راکه تمام بضاعت پدرم را دولت به ناحق غصب نموده،بعد از بیست و شش سال عسرت و دربدری با دادن هزارگونه وعده و قول مساعد باز هم به مسامحه و نقض قول معذب نگاه می‌دارند. اگر در واقع دولت از روز اول اموال پدرم را از بین برده بود، باید صراحتاً بگوید که ما تکلیف کار خود را بدانیم ولا (والا) در غیر این صورت این همه وعده دادن و مسامحه نمودن چه علت دارد؟ حضرت اشرف، خدا می‌داند در این مدتی که دولت اموال پدرم را به ناحق غصب کرده،من چقدر با خون دل عریضه به دولت نوشته و چقدر متحمل خسارت جانی و مالی شده‌ام. حضرت اشرف شما را با کمال یک دنیا عجز و بیچارگی به تمام مقدسات عالم قسم می‌دهد (می‌دهم) که حالا دیگر دست از این همه مسامحه و اذیت و آزار بنده برداشته و تا با مشتی زن و بچه‌های بیچارهٔ مریض و عریانم از گرسنگی نمرده‌ام امر و مقرر فرمائید که مقرری اعاشهٔ این جانب را حسب‌الامر حضرت اشرف مرحمت فرمایند تا دعاگوی ذات مبارک باشم.

عزیزالله ولد محمد ولد حسین‌کاشی -کاشان - پشت مشهد - ۲۳/۱۱/۱۵

[حاشیه] پیشینه را ضمیمه فرمایند ۱۱/۳۰

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۶

وزارت کشور، اداره کل شهربانی، رونوشت گزارش شهربانی مشهد، تاریخ ۲۳/۱۱/۲۱ - شماره ۱۴۹۸۹/۵۹۰۹

شهربانی کل کشور

عطف به مرقومهٔ شماره (۱۰۸۱۳/۲۱۲۶-۲۳/۱۰/۲۵) موضوع تعیین سیاههٔ هزینه ورثهٔ مرحوم نایب حسین کاشانی و نایب علی و ماشاءالله خان که در مشهد ساکن و مشمول دستور جناب آقای نخست‌وزیری می‌باشد به شرحی است که طبق سیاهه پیوست معروض گردیده و نیز احمد و امیر نامان آریان‌پور که از وارث مرحوم

نایب حسین می‌باشند گرچه مشمول مفاد مرقومه نیستند ولی دارای عـائله و در مضیقه می‌باشند.

رئیس شهربانی - پاسیار (۱) تورج امین[1]

رونوشت برابر اصل است. سربهر نوری‌شاد.

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۷

۲۳/۱۲/۷

مقام منیع حضرت اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته

محترماً به عرض می‌رساند:

این کمینه مهرانگیز صبیه مرحوم نایب حسین کـاشانی آن کـه در کـابینه آقـای قوام‌السلطنه دستور داده شد که به وراث حقیقی مرحوم نـایب حسـین رسـیدگی شود. وراث حقیقی نایب حسین فقط سه پسر و دو دختر می‌باشد. از جمله ایـن کمینه می‌باشم که با پنج طفل صغیر به سختی و پریشانی در یک اطاق اجاره[ای] مـرطوب زنـدگی مـی‌نمایم. مـوقعی کـه از طـرف اداره شـهربانی بـرای رسـیدگی به وضعیت زندگانی به منزل کمینه آمدند دیدند که با چه وضع دلخراشی بـه سـر می‌برم. استطاعت اجارهٔ یک اطاق فوقانی بی‌رطوبت را ندارم. روزی سی ریال فقط کفاف نان خالی ما را اگر بدهد. دولت اگر بخواهد به حال ضعفا عموماً رسیدگی نماید ضعفا و مستحقین در این کشور بسیارند.ولی وارث حقیقی و درجه اول آن مرحوم همین سه پسر و دو دخترند که عرض شد که اگر در واقع از ماترک آن مرحوم به این پنج نفر وارث حقیقی دستگیری شود. این کمینه نبایستی به ایـن مـذلت و بیچارگی و فلاکت بی‌مکان و بی‌معاش و بی‌زندگانی به‌سر برم. استدعاء عاجزانه آن که ملکی به این کمینه وذی‌حق واگذار شود که همه زندگانی کمینه را کفاف داده دعاگو بوده‌باشم.
کمینه مهرانگیز

[حاشیه ۱:] وزارت دارایی، متمنی است ملاحظه فرموده یک ترتیبی برای این

---

۱. پاسیار یکم = سرهنگ شهربانی

ورثه در نظر گرفته شود که از این تقاضاهای همه ماهه دولتی آسوده شود.
مرتضی [قلی] بیات

[حاشیه ۲:] ۲۳/۱۲/۲۸

[حاشیه ۳:] پروندهٔ ورثه نایب حسین ضمیمه شود ۲۴/۱/۶، [حاشیه ۴:] (نمره) ۵۶۳ - ۲۴/۱/۱۴

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۸

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره کارآگاهی - دائره ۳ - تاریخ ۲۳/۱۲/۹ - شماره ۳۹۷/۲۴۱/۳

جناب آقای نخست وزیر

تعقیب معروضه شماره $\frac{۱۱۱۲۳/۲۲۲۷}{۱۳۲۳/۱۱/۵}$ چون میزان مقرری ورثه نایب حسین کاشانی را شهربانی مشهد تعیین نکرده بود مجدداً دستور لازم به شهربانی مربوطه صادر اینک برای تکمیل پرونده، رونوشت گزارش شماره $\frac{۱۴۹۸۹/۵۹۰۹}{۲۳/۱۱/۲۱}$ شهربانی مشهد و سیاهه چهار نفر از ورثه نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله با تعیین حداقل میزان مقرری جهت استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد.
رئیس شهربانی کل کشور - سرپاس سیف

[حاشیه:] پیشینه ۲۳/۱۲/۱۰

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۲۹

مقام منیع محترم آقای نخست‌وزیر عرض می‌شود

این بنده اکرم و پرویز نواده‌های نایب حسین کاشانی مدت دو ماه ما در تهران بودیم و دو سال هست که عریضه به خاک پای شما می‌دهیم و هیچ جوابی نشده. شما را به حق این قرآن شما را به جان مبارک خودتان قسم است که در این عید جدید یک عیدی برای ما دو نفر بچه مرحمت کنید تا دعاگوئی (دعاگوی) شما

باشیم. امرامر مبارک است.

آریان‌پور

آدرس خیابان صبا کوچه چهل جریبی منزل خانم سبزپوشان

ورود به‌کابینه نخست‌وزیر - شماره ۲۱۴۵۵ - به تاریخ ۲۳/۱۲/۱۰

[حاشیه:] ۱۲/۱۰/ - [پنج سوره از کلاه (کلام) الله مجید پیوست نامه است.] **[شماره سند ۱۱۴۱/۱۱۶۰۰۵/۱]**

۵۳۰

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از کاشان به ط (تهران) شماره قبض ۲۱۳۸۸- شماره تلگراف ۵۵۰- تاریخ اصل ۲۰- تاریخ وصول روز ۲۱-۱۲-۲۳ نمونه ۳۶۵

جناب آقای نخست وزیر

حسب الامر به‌کاشان آمدم. الساعة دو ماه می‌گذرد که حقوق حقه پرویز آریان‌پور نرسیده، مستدعی است امر فرمایند حقوق بچه ده ساله برسد که بی‌نهایت در مضیقه هستیم. پرویز

[حاشیه ۱:] مراجعه فرمائید آیا این تلگراف مربوط به پرونده ورثه کاشی است یا چیز دیگر است. ۲۳/۱۲/

[حاشیه ۲:] اقدامی‌ندارد.

[حاشیه ۳:] به عرض می‌رسد ۲۳/۱۲/۲۳

[مهر:] ورود به دفتر ریاست وزرا شماره ۲۲۴۳۱ - به تاریخ ۲۳/۱۲/۲۱

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۱

۲۳/۱۲/۲۷

جناب آقای نخست‌وزیر

بعد از مکاتبات و تلگرافات پی در پی نمی‌دانیم آیا باز هم مواعید دولت به پایان

نرسیده و هنوز هم یک مشت فامیل بدبخت باید در آتش انتظار و استقبال بسوزند؟ جناب آقای نخست‌وزیر، پشتیبان حکومت دمکراسی، آیا معنی حقیقی دموکراسی در تمام دنیا و مخصوصاً مملکت ایران این است که تمام هستی یک فامیل را دولت ضبط و وراث و بازماندگان آنها با فقر و پریشانی دست به‌گریبان باشند.

جناب آقای نخست‌وزیر وراث مرحوم نایب حسین کاشانی مدت بیست سال تحت فشار و شکنجه و استیصال و بدبختی به سر برده و کوچکترین انحرافی از جادهٔ راستی و حقیقت ننموده و همه اوقات مستدعیات خود را با عجز و الحاح معروض و تقاضای دادخواهی نموده و اولیای دولت کوچکترین ترحمی ننموده‌اند. آیا باز هم باید این رویه ادامه یابد و انتظار دارید یک فامیلی که دیگر به هلاکت خود راضی است بیش از این در مقام عریضه‌نگاری برآید. بعد از مدتها سرگردانی اخیراً شهریه دربارهٔ دو سه نفر خاله زن‌ها برقرار و آنها هم چیزی دریافت نداشته‌اند. استدعا داریم مقرر فرمائید تمام یا قسمتی از املاک ما را مسترد و به این وضع خاتمه دهید.

احمد آریان‌پور پسر مرحوم ماشاءالله کاشانی - توران‌آریان‌پور دختر مرحوم ماشاءالله کاشانی - ملوک صبیه مرحوم نایب علی شجاع لشکر

آدرس: مشهد، شرکت فلاحت توسط احمد آریان‌پور. [مهر ورود به‌کابینه وزرا] - [شماره] ۴۹۱- [به تاریخ] ۲۴/۱/۱۲

[حاشیه:] در این خصوص شرحی مناسب به وزارت دارایی نوشته شده است و اقدام موضوع لااقل یک هفته وقت می‌خواهد. پس از یک هفته نتیجه خواسته خواهد شد. ۲۴/۱/۲۰

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۲

دفتر نخست وزیر، شماره عمومی ۵۶۳ - تاریخ ثبت ۲۴/۱/۱۴

وزارت دارایی

در پاسخ نامه نمره ۳۰۲۸۳-۲۳۴۴۷/۵۵ راجع به مقرری ورثهٔ نایب حسین کاشی اشعار می‌دارد:

همان طورکه سابقاً اعلام گردید دولت در نظر دارد به‌کسانی از ورثه که حقیقتا" درعسرت بوده و فاقد وسایل معیشت باشند کمک نماید. بنابراین دستور فرمایند با نظر ادارهٔ کل شهربانی سیاهه‌ای از آنها تهیه نموده و ارسال دارند که از اول ۱۳۲۴ از محل اعتبارات دولت بتوان به آنها ماهانه تأدیه نمود و از تقاضاهای همه روزهٔ آنها دولت آسوده شود.

از طرف نخست‌وزیر

پاکنویس شود (؟) محمود پرونده (؟) ۱۴/۱/۱۲

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۳

۲۴/۱/۲۰ جناب آقای نخست‌وزیر شخصاً ملاحظه فرمایند

زگوش پنبه برون آر و داد خلق بده که گر تو می‌ندهی داد روز دادی هست

جای بسی تاسف است که اولیای امور تا این حد نسبت به دادخواهی و احقاق حق مظلومین تعلل و تسامح می‌فرمایند. سالیان دراز است که مایملک و هستی مرحوم نایب حسین و پسرانش از طرف دولت‌های خائن و بی وجدان وقت ضبط و با شکایات و تظلمهای پی‌درپی ورثهٔ آنها که همیشه به مواعید توخالی و عاری از حقیقت گذشته نیز حاصل نشده معلوم می‌شود اولیای امورکه به عرایض ما توجهی نفرموده‌اند، ما را از تبعیت دولت ایران خارج می‌دانند. اگر این اشتباه بزرگ حاصل شده [باید] عرض نمائیم که ما تبعه ایران و دارای شناسنامه دولت ایران و رعیت ایران هستیم.

اگر هم اولیای امور، ما راکه در آن اوقات غالباً به سن از ۸ سالگی الی ۱۵ سالگی بوده مسبب و مقصرین یاغی‌گری حضرات می‌دانند و عرف و وجدان اولیای امور فعلی تنبیه و تعقیب ما را در نظر دارند، مستدعی هستیم امر و مقرر فرمائید ما بازماندگان آنها را هم تعقیب و مجازات کنند.

اگر اولیای امور وجود ما را در این کشور زائد می‌دانند مستدعی هستیم امر و مقرر فرمائید لااقل تذکره[ای] به این جانبان داده شود که به ممالک خارجه رفته و در آنجاها دست تکدی دراز نموده و تقاضای کمک و مساعدت از ملل اجنبی نموده و ضمناً خود را معرفی نمائیم که ما کسانی بوده‌ایم که دارای مایملک و هستی زیاد بوده و در اثر بی‌توجهی دولت متبوعه خودمان به این حال زار افتاده و شما به ما کمکی نمائید. اگر هم به هیچ وجه اولیای امور به ناله مظلومین گوش نمی‌دهند و حاضر نیستند حتی ده دقیقه وقت خود را به قرائت این نامه مصروف و تصمیمی برای یک مشت فامیل سیصد نفری غارت شده اتخاذ نمایند، آن را هم حرفی نداریم. ولی اولیای امور بدانند که وراث نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی نهایت نجابت و بردباری را برای احقاق حق خود نموده و دولت توجهی ننمود.

مشهد احمدآریان‌پور پسر مرحوم ماشاءالله کاشانی

[حاشیه:] ورود به دفتر ریاست وزرا- شماره ۱۹۳۳- به تاریخ ۲۴/۱/۲۸

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۴

۲۴/۱/۲۳ مقام‌محترم نخست وزیر دام بقاء [ئه]

محترماً به عرض می‌رساند:

عرض این بنده اصغر شجاعی فرزند مرحوم نایب علی (شجاع لشکر) پسر نایب حسین کاشی تقریباً به مدت بیست و پنج سال است که دولت املاک ماها را ضبط نموده، تاکنون هر چه شکایت به آن مقام محترم و سایر وزارتخانه‌ها کرده‌ام کسی گوش به حرف این جانب نداده و به شکایت ما ترتیب اثری داده نشده. استدعای

عاجزانه از آن مقام محترم دارم که دوکلام گوش به عرایضات حقه این جانب بدهید که عندالله پیش خداوند اجر شما ضایع نخواهد بود. آن مقامات محترم نباید همه کاری را برای اسم بکنند بلکه باید قدری خدا را هم ما بین به‌بینند (ببینند) که حق یک مشت ما بدبختهای فلک‌زده بیچاره از بین برود. در این موقع گرانی، من با سه چهار نفر عائله‌ام ازگرسنگی از بین برویم. چنانچه جان ما از بین برود، خون ما یک مشت فقیر بی چیز به‌گردن شماها خواهد بود. در آن دنیا دامن‌گیر شما خواهیم بود. یک سؤال از آن مقام محترم دارم. چنانچه عرایظم (عرایضم) حق و متین و پا بـر جاست که به عرایض حقه‌ام رسیدگی بفرمائید، اگر هم برخلاف عرض کردم امر بفرمائید مرا اعدام کنند تا از مذلّت و بدبختی و عسرت نجات پیدا کنم. اولاً سئوال این فدوی این است پدرکه فوت نمود وارث حقیقی اوکیست. لابد اگر اولاد داشته باشد وارث پدر اولاد است. ما هنوز چه در قانون مدنیت و چه در سایر قانون‌ها ندیده‌ایم که پدر بمیرد و وارث او دولت باشد. فقط نظیر این کار یک دفعه شـده است. پدران ما را دولت از بین بردکه املاک آنها را ضبط نماید. بنده حالا فهمیدم که اولاد ارشد پدر ما دولت بود. دولت هم با ما برادر است. چنانچه بر فرض هم دولت برادر ما باشد، نایب علی (شجاع‌لشکر) سه قسمت شود یک قسمت دولت و دو قسمت هم ما دو برادرها. علت این که تمامی را دولت ضبط نموده چیست؟ لابد خواهید فرمود پدران شما یاغی بوده‌اند و این املاک را به زور از مردم گرفته‌اند، در صورتی که تمام املاک دارای قبالهٔ صحیح و معتبر بوده همه را دولت ضبط نموده. دولت در هجده سال قبل از این، به وسیله وزارت دادگستری، به تمام ولایات اعلان کردکه هرکس ادعایی به املاک ورثه نایب حسین کاشی دارد بدهد. اغلب از مردم ادعاهایی کردند ولی محکوم شدند. پس لابد این املاک مال خودشان و از پـول خودشان خریداری شده. استدعای عاجزانه از آن مقام محترم دارم که به عرایضات بالا رسیدگی فرموده ما ها را از مذلت و عسرت نجات داده که سال‌های متمادی دعاگوی وجود مقدستان باشم. منتظر جواب و عطف توجه بی زوال آن مقام محترم هستم.

آه دل مظلوم به سوهان ماند   گر خود نبرد برنده را تیز کند

از کاشان اصغر شجاعی

[حاشیه ۱:] اخیراً به وزارت دارایی نوشته شده بود که سیاههٔ اسامی وراث نایب حسین را تهیه [کنند] و بفرستند. باید منتظر جواب بود. ۲/۶/(۲۴)

[حاشیه ۲:] مهر ورود به کابینه نخست وزیر- شماره ۲۴۵۱ به تاریخ ۲۴/۲/۶

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۵

۲۴/۱/۲۷   مقام محترم جناب آقای نخست‌وزیری

محترماً به عرض عالی می‌رسانم:

به‌صورتی که خاطر مبارک مستحضر است، پس از بیست و پنج سال غربت و پریشانی و بلا تکلیفی و توقیف املاک شخصی و موروثی، در دو سال قبل شرحی به مقام جناب نخست‌وزیر و به ریاست مجلس شورای ملی معروض و امریه [ای] به شماره ۲۲/۶۲۷/۱۱۷۷ صادر که از هر محلی که ممکن است شهریه [ای] به ورثه مرحوم نایب حسین کاشانی داده شود. مراتب به وزارت دارایی ابلاغ و قضیه از طرف دولت به ادارهٔ کل شهربانی مرجوع و از اداره مزبور هم برای ۵ نفر ورثه مرحوم نایب حسین به شرح زیر شهریه تعیین گردید:

امیرآریان‌پور *	حسن‌آریان‌پور *	محمدآقاشجاعی *	بانومهری *	بانوکشور
۱۲۰۰ ریال	۹۰۰ ریال	۹۰۰ ریال	۹۰۰ ریال	۶۰۰ ریال

اکنون مدت دو سال از تصمیم دولت گذشته دیناری به این جانبان و امیرحسن فرزندان مرحوم نایب حسین داده نشده فقت (فقط) شهریه محمد آقا - بانو مهری و بانو کشور پرداخته شده. در این مدت آنچه عریضه می‌دهم همه را به اداره کل بوجه (بودجه) مراج (مراجعه) می‌فرمایند. اداره بودجه هم جواب صحیح به ما نمی‌دهند. خدا می‌داند اطفال ما با مرگ دست به‌گریبان هستند. حضرت اشرف را

به وجدان پاك خودتان و به خدای نادیده به فریاد ما برسید. نگذارید در این موقع گرانی، اطفال ما که اولاد این آب خاک هستند از عسرت تلف شوند. آبجزانه (عاجزانه) استدعا داریم امری بفرمایند به صورتی که امر دولت شده و اداره کل شهربانی برای این جانبان شهریه تعیین نموده و به ۳ نفر ورثه هم داده شده به این جانبان هم پرداخت شود به دعاگویی مشغول باشیم. بدیهی است وجدان پاک حضرت اشرف راضی نخواهد شد بیش از این اطفال ما در عسرت و پریشانی باشند. امر امر مبارک است.

فدویان امیر آریان‌پور و حسن آریان‌پور فرزندان مرحوم نایب حسین کاشانی.

[حاشیه:] در این باب اقدام لازم شده بایستی منتظر پاسخ وزارت دارایی بود فعلاً بایگانی فرمایند. ۱/۲۷/

ورود به کابینه ریاست وزراء - شماره ۱۹۴۱ - به تاریخ ۲۴/۱/۲۸

[حاشیه:] تمبر وزارت دارایی - قیمت یک ریال

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۶

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، رونوشت دادخواست عزیزالله نوهٔ حسین کاشی - مورخه ۲۴/۱/۲۷

مقام ریاست محترم ادارهٔ کل شهربانی دامت بقائه

محترما" عرض داشت این جانب عزیزالله نوهٔ حسین کاشی به آستان مبارک آن است که بعد از گذشتن بیست و پنج سال از توقیف دارائی پدرم و تحمل انواع شداید طاقت فرسائی که باعث کری گوش و کوری چشم و فلج دستهایم شده دو سال قبل هیئت محترم دولت امر فرمودند که فقرای ورثهٔ نایب حسین و این جانب را مساعدت نمایند. با این که در این دو سال به عده‌ای از ورثه که به اندازهٔ بنده از لحاظ فقر و بی‌چیزی و هم از لحاظ عاجزی و ناتوانی مستأصل نبوده‌اند و حتی به چند نفر از عروس‌های نایب حسین که ورثهٔ اصلی شناخته نمی‌شوند مقرری

معاش پرداخته‌اند. با این کیفیت معلوم نیست از چه نقطه نظر شرعی و قانونی حقوق بیچارگان را پایمال می‌کنید. در صورتی که طبق نظریهٔ هیئت محترم دولت امر شده است که اول افراد فقیر عاجز را دستگیری کنند. بنده که به شهادت خدا و همه مردم از تمام ورثه عجزه و فقیرتر و دارای یک نفر عیال بی‌بضاعت و دو نفر طفل صغیر هستم، نمی‌دانم به چه گناهی باید با عائله و اطفالم از گرسنگی بمیرم، در صورتی که در این دو سال چندین نوبت مکرر از طرف ادارهٔ شهربانی کاشان وضعیت زندگی تأثرآور بنده را مشاهده و مراتب فقر و عاجزیم را به عرض رسانیده و از طرفی هم جناب آقای نخست وزیر در موضوع دستگیری فقرای ورثه به ادارهٔ شما اختیار تام داده است. با این حال آیا سزاوار است که شما ادارهٔ کارآگاهی داشته باشید و از همه جا باخبر باشید، اول به عروس‌های نایب حسین که ورثه شناخته نمی‌شوند و نه مثل بنده فقیر و بچه دار و عاجز[ند] مستمری بدهید که صرف حوائج غیرضروری کنند و بنده که وارث اصلی و تمام اموال شخصی پدرم در تصرف دولت است و خود کر و کور و مفلوج و ناقص الاعضا و مشتی زن و بچه بیچاره‌ام از محنت گرسنگی و عریانی مشرف به مرگند تا این حد مرگ، زجر و عقوبت کنید. جناب آقای رئیس، خدا شاهد است که علاوه بر بیست و پنج سال عسرت و دربدری، در این دو سالی که به بنده وعدهٔ مقرری داده‌اند، بنده چقدر متحمل خسارت شده و چقدر با خون دل عریضه به دولت نوشته‌ام. اکنون نظر به این که در این دو سال تمام قوای بدنی خود با زن و بچه‌های بیچاره‌ام از بین رفته و در این دورهٔ قحطی با مشتی زن و بچه‌های بیچاره‌ام به طوری در چنگال عقوبت گرسنگی و بیماری و عریانی گرفتار شده‌ام که نزدیک به مرگ هستم. شما را با کمال یک دنیا عجز و بیچارگی به تمام مقدسات عالم قسم می‌دهد که بیش از این راضی به اذیت و عقوبت بنده نشده و تا با مشتی زن و بچه‌های بیچاره‌ام از گرسنگی نمرده‌ام، امر و مقرر فرمایید طبق امریه جناب آقای نخست وزیر، مقرری معاش این جانب را چنانکه به دیگران پرداخته‌اند هر چه زودتر مرحمت فرمایید تا دعاگوی

ذات مبارک باشیم.

عزیزالله پسر محمد نوه حسین کاشی

کاشان - پشت مشهد

[حاشیه:] رونوشت برابر اصل است

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۷

نمره ۵۲۴۰۵-۲۴/۲/۸

عیناً" به فرمانداری کاشان ارجاع می‌شود که قدغن نمایند قبل از رسیدگی و اقدام در رفع شکایت نتیجه را با اعادهٔ مرجوعه اعلام دارند. وزارت کشور

[حاشیه ۱:] ذ-ل-۲۴/۲/۵، مهر ورود به ریاست وزرا شماره ۴۹۶ - تاریخ ۲۴/۲/۱۵

[حاشیه ۲:] دفتر - اقدام مقتضی به عمل آید. ۲۴/۲/۱۵

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۸

مقام محترم آقای نخست وزیر دامت اقباله

این بنده پرویز آریان‌پور نوه نایب حسین در زمستان دو مرتبه آمدم تهران، شما امر فرمودید برو تحصیل کن، برای تو مواجب درست می‌شود. در این گرانی به من که طفلی ده ساله هستم مواجب نمی‌دهید، اما به بانو کشور و ربابه خانم که همه پسر بزرگ که رئیس هستند، دارند می‌دهید. شما تصور بفرمایید که من چه کنم، اگر که ضرر به دولت می‌خورد، شما ماهی ده تومان از همه مواجب آن بزرگترها کم بکنید که لااقل ماهی صد تومان به من بدهید. خدا می‌داند که دیگر توانایی ندارم بیایم تهران. شما به خدای یکتا، شما به جان شریف خودتان قسم است که مواجب مرا بدهید تا دعاگوی شما باشم.

آدرس خیابان صبا کوچه چهل جریب مقابل منزل مرکزی برسد به دست پرویز آریان‌پور

[حاشیه:] مهر ورود به دفتر ریاست وزرا - شماره ۲۶۶۱ - به تاریخ ۲۴/۲/۹

[حاشیه پایین:] باید منتظر سیاهه اسامی وراث مزبور [بود] که از دارایی خواسته شده بود. فعلاً بایگانی فرمایید. ۲۴/۲/۹

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۳۹

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره کارآگاهی - دائره ۳- تاریخ ۲۴/۲/۹- شماره ۱۰۹۲/۲۷۴ - پیوست دو برگ - فوری

جناب آقای نخست وزیر

تعقیب معروضه شماره ۱۱۱۲۳/۲۲۲۷ / ۱۳۲۳/۱۱/۵ و ۱۲۳۹۷/۲۴۷۳ / ۱۳۲۳/۱۲/۹ عزیزالله نوهٔ نایب حسین کاشی از کاشان شرحی راجع به وضعیت خود معروض داشته که رونوشت آن جهت استحضار تقدیم می‌گردد. مستدعی است امر و مقرر فرمایید در صدور پاسخ نامه‌های بالا تسریع گردد.

رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ ضرابی

[حاشیه:] پیشینه ۲۴/۲/۱۲

مهر ورود به دفتر نخست وزیر شماره ۳۰۰۶ - تاریخ ۲۴/۲/۱۳

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۴۰

۲۴/۲/۱۰ جناب آقای نخست وزیر

تمنی داریم پس از مدتی سرگردانی و پریشانی به دویست نفر وراث مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی امر بر رسیدگی و احقاق حق فرمایید. مرحوم ماشاءالله خان کاشانی سالیان دراز خدمت گذار دولت بوده و خدمات او در امنیت

کاشان، اصفهان، یزد، واضح و محتاج به توضیح نیست و در مقابل از دولت ماهی ۶۰۰۰۰ ریال در آن وقت حقوق می‌گرفته که سوابق آن در وزارت دارایی موجود است.

در زمان کابینه آقای وثوق‌الدوله، عده‌ای برای جلب منافع خود، دولت را وادار به احضار آن مرحوم به تهران نمودند و برخلاف مردانگی و شرافت، با دادن تأمین جان و مال و قرآن قسم خوردن، پس از یک ماه ورود او به تهران، مشارالیه را دستگیر و به طمع جواهرات و اموالی که همراه داشت او را اعدام نمودند. مأمورین دولت هستی فامیل‌ها را در کاشان و تهران غارت نمودند و چون ماها طفل بودیم برای نگاهداری و خرج تحصیل ماهی ۱۵۰۰ ریال از محل اداره کل شهربانی و وزارت دارایی به عنوان حقوق می‌پرداختند. تا زمان کابینهٔ مرحوم مستوفی الممالک شهریهٔ این فامیل قطع شد. به هیئت دولت از نداشتن راه معاش و توقیف املاک خود شکایت‌ها نمودیم. بالاخره در دی ماه ۱۳۰۵ [به] موجب تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۱ که رونوشت آن به پیوست تقدیم گردید، هیئت وزراء تصویب نمودند املاک این جانبان که در توقیف دولت بود مسترد گردد. وزارت مالیه هم تصویب نامه را اجرا و مالیهٔ کاشان املاک این جانبان را تحویل دادند.

پس از چند روز، بنا به تلگراف دکتر میلسپو، مجددا" مالیهٔ کاشان املاک این جانبان را توقیف نمود. پس از مدتی شکایت، ریاست وزرا حکمی به شماره ۱۲۴۳۳/ ۱۳۰۵/۱۲/۱۱ مبنی بر اجرای تصویب نامه صادر گردید (کرد) که رونوشت آن هم به پیوست تقدیم گردید. برای اجرای حکم دولت، اغلب توقعاتی داشتند که متأسفانه با پریشانی و بی چیزی این فامیل انجام توقعات آنها مقدور نبود. به این واسطه تصویب نامه و حکم هیئت دولت اجرا نشد و پس از چند ماه، وراث را تهدید به حبس و تبعید و غیره نمودند که اقدامی‌برای استرداد املاک خود ننماییم و املاک این جانبان را به ورثهٔ مرحوم خلعتبری و دیگران که املاک آنها را در مازندران ضبط کرده بودند واگذار نمودند.

در زمان وزارت دارایی آقای تقی زاده، مجددا" به ایشان شکایت نمودیم. ایشان

که مرد قانونی و پاکدامنی است دستور رسیدگی و احقاق فرمودند. پس از ایشان وزارت دارایی در نظر گرفت که از خالصجات اطراف تهران محلی به این‌جانبان واگذار نمایند.

پس از تحقیق ورثه معلوم شد محل در نظرگرفته شده عایدی کافی ندارد و از لحاظ ارزش هم با املاک موروثی این جانبان به هیچ وجه قابل مقایسه نیست و از طرفی واگذاری [آن] محل را منوط به دادن ورقه ثبتی مبنی بر صلح کلیهٔ دعاوی ورثه به دولت، نموده بودند. بنابراین صلاح ورثه معاوضه با چنین محلی نبود و وراث حاضر به این محل نشدند و به این ترتیب در زمان دیکتاتوری حق یک فامیل دویست نفری تضییع شده بدون این که [دیناری] عاید دولت شود. بعداً" که مملکت به صورت دموکراسی در آمد، به مجلس شورای ملی و هیئت دولت تظلم و تقاضای استرداد املاک حقه خود را نمودیم. چون استرداد املاک مستلزم تشریفاتی بود و قطعاً" مدتی طول کشید و از طرف دیگر دولت به بیچارگی اغلب افراد این فامیل اطلاع داشت، دستور دادند به وراث بی‌بضاعت عجالتاً" شهریه بدهند تا تصمیم قطعی اتخاذ نمایند و اینک قریب دو سال است به عده‌ای از افراد پریشان این فامیل از طرف دولت کمک می‌شود. متاسفانه کابینهٔ آقای سهیلی رفت و کار این جانبان هم معطل مانده. تصدیق خواهید فرمود بیش از این سزاوار نیست یک فامیل بیچاره باشند و حق آنها به دست دولت ضایع شده باشد. استدعای عاجزانه داریم هر چه زودتر نسبت به استرداد املاک این جانبان یا معاوضهٔ آن دستور اقدام فرمایند که بیش از این سرگردان نباشیم. بسته به همت عالی است. از طرف کلیه وراث نایب حسین و مرحوم ماشاءالله خان

مهدی آریان‌پور

مهر ورود به دفتر نخست وزیر شماره ۲۸۸۳، تاریخ [۱۳]۲۴/۲/۱۵

[حاشیه:] پیشینه ۲۴/۲/۱۵ - آقای نصر

[شماره سند $\frac{۱۱۶۰۰۵-۱}{۱/۴۱}$]

۵۴۱

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت عظمته - [تاریخ] ۲۴/۲/۲۶
محترماً" به عرض می‌رساند:

مدت بیست و پنج سال است که اموال و املاک فدوی را جزو املاک پدرم نایب حسین کاشانی دولت سابق، توقیف و بنده را با یک عده عائله که این جزء املاک وسیلهٔ معاش آنها بوده است بدبخت و بی‌چاره نموده، در این مدت باکمال عسرت و زحمت زندگانی نموده که واقعاً" زنده به‌گور می‌باشم. مکرر شرح بدبختی و نداری خود را به عرض اولیای امور رسانیده در چندی قبل تصویب نامه [ای] طبق شماره $\frac{۱۱۷۷۶}{۲۲/۶/۷}$ صادر که به اولاد نایب حسین مساعدت و ارفاقی بشود و با این که تصویب نامه اجراء و در حق بعضی از ورثه حقوقی منظور شده، متأسفانه فدوی که فرزند بلافصل نایب حسین می‌باشم و رسیدگی هم شده و مستحضر گردیده‌اند که از تمام ورثه بی‌چاره‌تر و به‌کلّی از هستی ساقط شده‌ام و حتی یک مسکنی که هر بشری دارا هست، برای بنده نگذاشته‌اند، خود و عائله‌ام بدون ممّر معاش و مسکنی دربدر و سرگردان می‌باشم. حضرت اشرف را به شرافت و وجدان خودتان قسم می‌دهم بذل و توجهی فرموده امر فرمایید این جزئی املاک فدوی را مسترد دارند یا به هر نحوی که صلاح و ممکن است قراری جهت فدوی داده شود که خود و عائله‌ام لقمه نانی خورده به دعاگویی ذات مقدس اشتغال داشته باشم. امر امر مبارک است. نشانی چهارسو بزرگ، دکان میرزا علی دوخته فروش

حسن آریان‌پور فرزند نایب حسین

[حاشیه:] ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۴۰۹۰۳ تاریخ ۲۴/۳/۸

مربوط به حسابداری است. نامبرده یکی از ورثه‌های نایب حسین کاشی است و در شکایت خود، از تصویب نامه شماره ۱۱۷۷۶ ذکر کرده، سابقهٔ امر را مرحمت فرمایید تا اقدام شود. ۲۴/۳/۸

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۴۲

وزارت دارایی، ضمیمه ۳۹۶۹/۵۵، [به تاریخ ۱۳۲۴/۳/۲۴]
جناب آقای نخست وزیر
موضوع: هزینهٔ اعاشهٔ چهار ماهه آخر سال ۱۳۲۳ دو نفر از ورثه نایب حسین کاشی، در سال ۱۳۲۳ برطبق تصویب نامه شماره ۱۷۱۵۶ به تاریخ دهم دی ماه ۱۳۲۳ مقرر گردید که مبلغ دوازده هزار ریال (۱۲۰۰۰ ریال) بابت اعاشه هشت ماهه اول سال ۱۳۲۳ محمد آقا و بانو کشور فرزندان نایب حسین کاشی از اعتبار ۱۳۲۳ دولت پرداخته شود که حواله مبلغ نامبرده هم صادر و ابلاغ شده است و چون برای هزینهٔ اعاشهٔ چهار ماهه آخر سال ۱۳۲۳ آنها تصویب نامه صادر نشده پرداختی به عمل نیامده است.

نظر به این که ورثه مزبور مطالبه هزینهٔ اعاشهٔ چهار ماهه آخر سال ۱۳۲۳ خود را می‌نمایند، لذا طرح تصویب نامه پرداخت مبلغ شش هزار ریال (۶۰۰۰ ریال) هزینهٔ اعاشهٔ چهار ماهه آخر سال ۱۳۲۳، دو نفر از ورثه نامبرده از اعتبار ۱۳۲۴ دولت به ضمیمه تقدیم می‌شود که در صورت موافقت مقرر فرمایند تصویب نامه آن را طبق طرح ضمیمه صادر و ابلاغ فرمایند. وزیر دارایی

رونوشت در جواب نامه شماره ۵۸۰/۸۹۹۱ به تاریخ ۲۹فروردین‌ماه۱۳۲۴ به حسابداری دفتر نخست‌وزیری ارسال می‌شود. از طرف وزیردارایی

[شماره سند ۵-۱۱۶۰۰-۱۱۴۱]

۵۴۳

هیئت وزیران در جلسه ششم تیر ماه ۱۳۲۴، بنابه موافقت نامه شماره ۳۹۶۹/۵۵۵۸۰ ۸۹۹۱ به تاریخ ۱۳۲۴/۳/۲۴ وزارت دارائی و در تعقیب تصویب نامه شماره ۱۷۱۵۶ به تاریخ دهم دی ماه ۱۳۲۳ تصویب نمودند که مبلغ شش هزار ریال (۶۰۰۰ ریال) بابت هزینهٔ اعاشهٔ چهار ماهه، از اول آذر الی آخر اسفند ۱۳۲۳، محمد آقا و بانو کشور فرزندان نایب حسین کاشی به شرح زیر:

۱- هزینهٔ اعاشهٔ چهار ماهه آخر سال ۱۳۲۳ محمد آقا به قرار ماهی ۹۰۰ ریال ۳۶۰۰ ریال

۲- هزینهٔ اعاشهٔ چهار ماهه آخر سال ۱۳۲۳ بانو کشور به قرار ماهی ۶۰۰ ریال ۲۴۰۰ ریال [جمعاً مبلغ =] ۶۰۰۰ ریال

از اعتبار ۱۳۲۴ دولت پرداخته شود.

انوشیروان سپهبد وزیر خارجه

نادر آراسته وزیر راه

غلامحسین رهنما وزیر فرهنگ

ابراهیم زند وزیر جنگ

سعید ملک وزیر بهداری

دکتر نخعی وزیر کشاورزی

محمود بدر وزیر دارایی

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۴۴

سیاهه وراث مرحوم نایب حسین کاشانی که مشمول مرقومه جناب آقای نخست وزیر است:

شماره	نام و نشان	زایچه	شناسنامه	صادره	نسبت به نایب حسین	مبلغ تقاضا شده
۱	توران خانم آریان‌پور	۱۲۸۸	۱۵۱۴۹	تهران	نوه مرحوم نایب حسین	۶۰۰ ریال
۲	پرویز نیلوفری	۱۳۱۲	۴۷۵	تهران	نوه مرحوم نایب حسین	۳۰۰ ریال
۳	قدسی خانم	۱۳۱۵	۲۳۹۳۶	اصفهان	نوه مرحوم نایب حسین	۳۰۰ ریال
۴	خسرو	۱۳۱۵	۲۳۹۳۵	اصفهان	نوه مرحوم نایب حسین	۳۰۰ ریال
۵	ملوک خانم شاهرودی	۱۲۹۷	۴۷۸۴۷	تهران	نوه مرحوم نایب حسین	۶۰۰ ریال

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۴۵

جناب آقای نخست وزیر ۱۳/۴/۲۴[۱۳]

به طوری که خاطر عالی استحضار دارد بعد از این که دولت املاک مرحوم نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشانی را توقیف نمود، تا مدتی به وراث نامبردگان شهریه می‌پرداخت تا در سال ۱۳۰۵ از زمان ریاست وزرایی مرحوم مستوفی‌الممالک تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۹ صادر و مقرر فرمودند املاک این‌جانبان را مسترد دارند.

ولی پس از چندی مجدداً املاک این‌جانبان توقیف و مجدداً به حال فلاکت و بدبختی افتادیم. از آن روز به رؤسای وقت دولت تظلم نموده و در اثر بی‌توجهی دولت‌های وقت نتیجه حاصل نشد. تا در زمان کابینه آقایان سهیلی و قوام و ساعد مقرر شد که شهریه به وراث مرحوم نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان پرداخت شود. ادارهٔ شهربانی هم به وضعیت کلیه فامیل رسیدگی نمود. ولی در اثر سوءنظر بعضی از مامورین دارایی، به این‌جانبان که وراث حقیقی اشخاص فوق می‌باشیم شهریه پرداخت نشد. فقط به دو سه نفر از زن‌های نایبی که ارتباطی با ما ندارند، مختصر شهریه می‌پردازند. عجالتا" این‌جانبان به حضرت اشرف پناهنده شده و استدعا داریم حالا دیگر بعد از سال‌ها سرگردانی و پریشانی به وضعیت این‌جانبان خاتمه دهید و تصمیمی دربارهٔ این‌جانبان اتخاذ فرمایید که بی جهت همه روزه مزاحم اولیای امور نشده و راه معیشتی برایمان تأمین شود و به یکی از پیشنهاد [های] فوق (ذیل) عمل فرمایند:

۱. تمام یا قسمتی از املاک کاشان یا در محل دیگری که مناسب باشد بدهند.

۲. شهریه معین و مناسبی‌که امور این‌جانبان را تأمین کند به‌کلیه فامیل بدهند.

۳. در صورت عدم امکان این دو موضوع، سرمایهٔ کافی که بتوانیم با آن مشغول کاری شویم بپردازند.

۴. در صورتی که انجام هیچ یک از پیشنهادات فوق میسر نیست مستدعی هستم جواب قطعی صادر و امر به ابلاغ فرمایند.

وراث اصلی و حقیقی به شرح زیرند:
وراث نایب حسین: محمد، امیر، حسن، کشور، مهری
وراث ماشاءالله خان: مهدی، عباس، احمد، یدالله، مرتضی، توران
وراث نایب علی: اصغر، جهانشاه، ملوک و یک نفر دختر دیگر.
از طرف وراث مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان و نایب علی،
امیر آریان‌پور

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۴۶

هوالله

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت شوکته

با کمال عجز و بیچارگی به عرض می‌رساند

فدوی عزیزالله پسر محمد، جوانی صاحب عائله و بی‌بضاعت که در واقعهٔ اعدام نایب حسین، دولت تمامی‌اموال پدرم را ضبط نموده و بنده در نتیجه عسرت و استیصال به کری گوش و کوری یک چشم، فلج هر دو دست مبتلا شده‌ام و بعد از بیست و پنج سال عسرت و دادخواهی دو سال قبل هیئت محترم دولت امر فرمودند که فقرای ورثه نایب حسین را مساعده نمایند. با این که در این مدت به عده[ای] از ورثه که به اندازهٔ بنده عجزه و فقیر نبوده و حتی به عروس‌های نایب حسین که ورثه اصلی شناخته نمی‌شوند و نه مثل بنده عجزه و بچه‌دار بوده‌اند، مقرر دو ساله پرداخته‌اند. ولی نسبت به این بنده که فقیرترین افراد ورثه و دارای عیال و دو طفل صغیره هستم و ادارهٔ کل شهربانی هم کرارا" وضعیت زندگی تاثر آورم را به عرض دولت رسانیده‌اند، بدبختانه تا امروز به غیر از تعذیب و طفره اقدامی به عمل نیامده در صورتی که طبق نظریه هیئت محترم دولت امر شده است که اول افراد فقیر و عاجز را دستگیری کنند. انصافا" معلوم نیست که از چه نقطه نظر حتی شرعی و قانونی اول به کسانی که عجزه و فقیرو ورثه اصلی نیستند مقرری دو

ساله پرداخته، ولی نسبت به این بنده بیچاره که با مشتی زن و بچه برهنه و مریض، مشرف به مرگ هستم توجهی نمی‌فرمایند. حضرت اشرف، خدا می‌داند در این بیست و هفت سالی که دولت اموال پدر مرا به ناحق تصرف کرده من چقدر با خون دل عریضه به دولت نوشته و چقدر متحمل خسارت شده‌ام. مخصوصا" در این دو سال اخیر که دولت به من وعده پرداخت مقرری داده به این انتظار تمام قوای بدنی خود با زن و بچه‌های بیچاره‌ام از بین رفته و با وجود التماس و تضرع به مقامات عالیه تاکنون ترتیب اثری هم نداده‌اند. از شش ماه قبل هم که رئیس کل شهربانی به من نوشته که مقرری تو تصویب شده، من تا کاسه کوزه عیالم را به این امید فروخته و نان جو بچه‌هایم را از مردم قرض گرفته‌ام. اکنون نه کسی دیگر به من قرض می‌دهد و نه به غیر از تن برهنه و شکم گرسنه مشتی زن و بچه‌هایم چیزی برایم مانده و چنانچه حضرت اشرف به داد من نرسید وبال مرگ مشتی زن و بچه بیچاره‌ام روز جزا دامنگیرتان می‌شود. این است که با کمال یک دنیا عجز و بیچارگی، حضرت اشرف را به تمام مقدسات قسم می‌دهم که استرحاما" به وزارت دارایی دستور فرمایید که تا جان مشتی زن و بچه گرسنه و مریضم در انتظار این مقرری از بین نرفته در پرداخت وظیفه این جانب هر چه زودتر اقدام فرمایند. تا دعاگوی ذات مبارک باشم.

عزیزالله پسر محمد نوه حسین کاشی پشت مشهد ۲۴/۴/۳۱

مهر ورود به دفتر نخست وزیر شماره ۷۸۶۵ تاریخ ۲۴/۵/۲۱

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۴۷

وزارت دارایی به تاریخ ۱۳۲۴/۶/۴ شماره ۱۳۹۰۲/۶۵۲، ضمیمه ۸۴۵۳/۵۵

جناب آقای نخست وزیر

موضوع: هزینهٔ اعاشهٔ دو نفر از ورثه نایب حسین

در سال ۱۳۲۳ برطبق تصویب نامه شماره ۹۹۹۰ به تاریخ چهارم مهرماه ۱۳۲۴

ماهی یک هزار و دویست و شصت ریال (۱۲۶۰ ریال) بابت هزینهٔ اعاشهٔ دو نفر از ورثه نایب حسین کاشی بشرح زیر:

۱- بانو ربابه عیال ماشاءالله خان ۶۶۰ ریال

۲- بانو انیس آغافرزین عیال نایب حسین ۶۶۰ ریال

۲۶۰ ریال

از اعتبار ۱۳۲۳ دولت تصویب و تأدیه گردید و چون در هذه السنه هم ورثه نامبرده متواليا مطالبه هزینهٔ اعاشهٔ خود را می‌نمایند، لذا طرح تصویب نامه ضمیمه از اعتبار ۱۳۲۴ دولت تهیه و تقدیم می‌شود که در صورت موافقت دستور فرمایید تصویب نامه آن را مطابق طرح ضمیمه صادر و ابلاغ فرمایند.

محمود بدر وزیر دارایی

[حاشیه:] آقای نصر ۲۴/۶/۷

[شماره تنظیم سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۴۸

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره کارآگاهی، تاریخ ۲۴/۶/۲۴ [۱۳] شماره ۶۳۲۱/۱۰۷۶، پیوست سه برگ

جناب آقای نخست وزیر

تعقیب معروضه شماره ۱۱۲۳/۲۲۷ / ۲۳/۱۱/۵ و ۱۲۴۹۷/۲۴۷۳ / ۱۳۲۳/۱۲/۹ و ۱۰۹۲/۲۷۴ / ۲۴/۲/۹ رونوشت عریضه مجدد عزیزالله نوه نایب حسین کاشانی مقیم کاشان برای استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد.

مستدعی است امر و مقرر فرمایید در صدور پاسخ معروضات بالا تسریع شود.

رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ ضرابی

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۴۹

جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته

محترما" معروض می‌دارد

بعد از آن که دولت شوهر این کمینه، ماشاءالله خان کاشانی را اعدام و کلیهٔ سرمایهٔ آنها را ضبط نمود، کلیهٔ اطفال و عیالات او به عسرت و پریشانی دچار و دائما" از دولت تقاضای مدد معاش می‌شد. در تاریخ ۲۲/۶/۷ از طرف جناب آقای نخست وزیر تصویب نامه به شماره ۱۱۷۷۶ صادر و مقرر شد تا اداره کل شهربانی ماهی شصت و شش تومان به این کمینه بدهد. به موجب این امریه از اول سال ۱۳۲۴ حقوق کمینه داده نشده است. اینک استرحام می‌نمایم که امر و مقرر فرمایند تا این حقوق کمینه را بپردازند تا در این موقع پیری و ناتوانی به عسرت و پریشانی دچار نشوم. امر امر مبارک است.

کمینه ربابه عیال مرحوم ماشاءالله خان

مهر ورود به دفتر ریاست وزراء، شماره ۱۱۰۹۷ تاریخ ۲۴/۷/۷

[حاشیه:] اداره حسابداری ۱۳۲۴/۷/۸

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۵۰

نخست وزیر

گزارش

پس از آن که نایب حسین کاشانی و پسرانش از طرف دولت قلع و قمع شدند املاک آنها به تصرف دولت در آمد در نتیجه عدهٔ زیادی به عنوان ورثه متوالیاً در مقام شکایت برآمده و تقاضای استرداد املاکشان را نموده‌اند.

در سال ۱۳۰۵، بنا بر تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۱ مقرر گردید املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشی به وراث شرعی آنها مسترد گردد و معلوم نیست وزارت دارائی در اجرای مدلول تصویب نامه چرا اقدام نکرده است.

مجدداً" از مقام نخست وزیری تحت شماره ۱۲۴۳۳ به وزارت دارائی نوشته شده که در اجرای تصویب نامه تسریع نمایند. وزارت دارائی تاکنون اقدام مفید و موثری به عمل نیاورده که به این موضوع خاتمه داده شود و همه روزه تلگرافات و مراسلات متعددی از ورثه به دفتر مخصوص شاهنشاهی و مقام نخست وزیری و مجلس شورای ملی فرستاده و تقاضای احقاق حق خود را نموده اند که تماما" به وزارت دارائی جهت اقدام ارجاع شده است.

وزارت دارائی ضمن نامه شماره [در سند خالی است] پاسخ می‌دهد که بر طبق مدلول قانون دعاوی بین افراد و دولت، پس از مدت ده سال، املاکی که بر اثر شرارت و یاغی گری اشخاص به ضبط دولت در می‌آید به خالصگی شناخته شده و املاک این اشخاص هم پس از آن که بر اثر منقضی شدن مدت قانونی در نتیجه انتشار آگهی مزایده به معرض فروش در آمده و یا با دیگران تعویض گردیده و هیچگونه اقدامی‌نسبت به تقاضای ورثه مقدور نیست.

وراث نامبرده اظهار می‌دارند ۱۶ پارچه املاک آنها فعلاً بلا معارض و در دست دولت است و مصرا" تقاضای استرداد آنها را دارند.

بعداً به وزارت دارائی دستور داده می‌شود تا به عده‌ای از ورثه نایب حسین کاشی که پریشان و فاقد وسائل معاش هستند، به عنوان هزینهٔ اعاشهٔ از محل اعتبار دولت ماهیانه، کمکی بشود. دربارهٔ ۵ نفر از ورثه نایب حسین کاشی به شرح زیر مقرری برقرار و پرداخت گردیده:

در سال ۱۳۲۲ به استناد تصویب نامه شماره ۷۴۳۰ بابت هزینهٔ اعاشهٔ یک سالهٔ بانو مهری صبیه نایب حسین کاشی و پنج نفر فرزندانش ۱۰۸۰۰ ریال به قرار ماهی ۹۰۰ ریال.

و به استناد تصویب نامه شماره ۱۱۷۷۶-۲۲/۶/۷ ماهی ۹۰۰ ریال به محمد آقا و ماهی ۶۰۰ ریال به بانو کشور فرزندان نایب حسین.

و در سال ۱۳۲۳ هم به استناد تصویب نامه شماره ۹۹۹۰ ماهی ۶۶۰ ریال دربارهٔ بانو ربابه عیال ماشاءالله خان و ماهی ۶۰۰ ریال به بانو انیس نوه نایب حسین.

در نتیجه برقراری این کمک، عده زیادی خود را به عنوان ورثهٔ نایب حسین معرفی نموده و تقاضای کمک هزینه نموده‌اند. از طریق وزارت دارائی به ادارهٔ کل شهربانی نوشته شده که در محل تحقیقات کافی نموده، آن عده از ورثه را که استحقاق کمک دارد تعیین نماید. اخیرا" وزارت دارائی ضمن شماره ۱۰۸۳-۲۴/۳/۱۶ اسامی ۲۰ نفر از ورثه نایب حسین و ماشاءالله خان و نایب علی را که بوسیله شهربانی رسیده است فرستاده تا در صورتی که هیئت وزیران هزینهٔ اعاشهٔ هر یک را ضروری بدانند دستور اقدام صادر فرمایند.

[حاشیه:] از وزارت دارائی [تعقیب] شود

[سند شمارهٔ ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۵۱

دفتر نخست وزیر، تاریخ [۱۳۲۴/۷/۳۰]

گزارش

زنی که در راهرو تقاضا داشت نسبت به شکایت او رسیدگی گردد معلوم شد عروس نایب حسین کاشی است و دارای یک پسر و یک دختر می‌باشد به اسم پرویز و اکرم و تقاضا دارد نسبت به آنها شهریه از طرف دولت داده شود. ولی تا به امروز نسبت به‌این اشخاص اقدام نشده و اسم آنها هم در پروندهٔ مربوط نیست.
۲۴/۷/۳

[حاشیه بالا:] بانو ربابه عیال ماشاءالله خان کاشی است و ماهیانه نهصد ریال مقرری برای نگهداری و مراقبت اطفال خرد او است.

[حاشیه:] آقای نصر نسبت به این خانم و پسرش قبلا" اقدام شده، خواهشمندم با توجه به سابقه، اقدامی‌که لازم است معمول فرمایید و شرح لازم به وزارت دارایی و اداره کل شهربانی مرقوم دارید. ۲۴/۷/۳۰

[شماره سند ۱-۵-۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۵۲

جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته

محترما" معروض می‌دارد:

بعد از این که دولت شوهر این کمینه، ماشاءالله خان کاشانی را اعدام و سرمایهٔ او را ضبط نمود، اطفال و عائله او به عسرت و پریشانی دچار تا سال ۱۳۲۳ از طرف دولت مقرر شد تا ماهی شصت و شش تومان ادارهٔ کل شهربانی به این کمینه بدهد. ادارهٔ شهربانی در سال ۱۳۲۳ این حقوق را پرداخت و از اول سال ۱۳۲۴ تا کنون نپرداخته‌اند و وزارت دارایی پیشنهادی طی شماره ۱۳۱۰۲/۶۵۲-۸۴۵۳/۵۵ / ۲۴/۶/۴ تقدیم جناب آقای نخست وزیر نمود. بدبختانه هنوز توجهی مبذول نفرموده‌اند. اینک استرحام می‌شود که راضی نشوید یک زن بی‌شوهر و بی‌خانمان از عسرت و پریشانی تلف شود. مستدعی است امر و مقرر فرمایند تا حقوق کمینه را مسترد فرمایند تا به دعاگویی اشتغال ورزم. امر امر مبارک است. کمینه ربابه آریان‌پور

مهر ورود به دفتر ریاست وزراء شماره ۱۴۱۸۵ تاریخ ۲۴/۸/۲۰

[حاشیه:] آقای نصر، خواهشمندم به سابقه مراجعه و اقدامی‌که لازم است معمول دارند. ۱۲۴/۸/۱۹ **[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۵۵۳

نخست وزیر به تاریخ ۱۳۲۴/۸/۲۸ شماره ۱۰۶۶۲/۸۰۵

وزارت دارایی

هیئت وزیران در جلسهٔ ۲۶ آبان ماه ۱۳۲۴، بنا به پیشنهاد شماره ۸۴۵۳/۵۵/۱۳۹۰۲/۶۵۲ به تاریخ ۳ شهریور ماه ۱۳۲۴ وزارت دارائی، تصویب نموده‌اند که از اول فروردین ماه ۱۳۲۴ ماهی یک هزار و دویست و شصت ریال (۱۲۶۰ ریال) بابت هزینهٔ اعاشهٔ دو نفر از ورثه نایب حسین کاشی به شرح زیر:

۱- بانو ربابه عیال ماشاءالله خان ۶۶۰ ریال

۲- بانو انیس آغا فرزین عیال نایب حسین ۶۰۰ ریال

از اعتبارات ۱۳۲۴ دولت پرداخت شود.
تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است.

نخست وزیر
[ابراهیم حکیمی]

[امضاء وزرا به شرح ذیل:]

۱- وزیر پست و تلگراف	محمود نریمان
۲- وزیر کشور	خلیل فهیمی
۳- وزیر مشاور	حسنعلی کمال هدایت
۴- وزیر بهداری	دکتر سعید مالک
۵- وزیر دارایی	عبدالحسین هژیر
۶- وزیر راه	سرلشکر محمد حسین فیروز
۷- وزیر دادگستری	امان الله اردلان
۸- وزیر مشاور	اللهیار صالح

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵ / ۱۱۴۱]

۵۵۴

نخست وزیری، نامه شماره ۱۶۷۷۶ تاریخ ۲۴/۹/۸

وزارت دارایی - در سال ۱۳۰۵ بنابر تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۱ مقرر گردید [که] املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله خان کاشی که به تصرف دولت درآمده، به وراث شرعی آنها مسترد گردد و بعداً"، به واسطهٔ عدم اجرای تصویب نامه، ورثه در مقام شکایت برآمده و مجدداً ضمن شماره ۱۲۴۳۶ به آن وزارت خانه دستور داده شده که در اجرای مدلول تصویب نامهٔ صادره تسریع نمایند. ولی به استناد قانون دعاوی بین افراد و دولت که پس از مدت ده سال املاکی که در اثر شرارت به ضبط دولت در می‌آید به خالصگی شناخته شده و به واسطه منقضی شدن مدت قانونی به معرض فروش درآمده و یا با املاک دیگر تعویض گردیده، از

طرف آن وزارت هیچ گونه اقدامی‌نسبت به تقاضای ورثه به عمل نیامده، اینک از قراری که ورثه اظهار می‌دارند ۱۶ پارچه املاک آنها فعلا" بلا معارض و در دست دولت است و برای این که عده‌ای از ورثه پریشان و فاقد وسایل معاش هستند، ماهیانه تقریبا" مبلغی به عنوان هزینهٔ اعاشهٔ از محل اعتبارات دولت به آنها کمک می‌شود. بقیه ورثه نیز در مقام شکایت برآمده و تقاضای مقرری می‌نمایند. مقتضی است دستور فرمایید با توجه به اظهارات آنها، به استناد تصویب نامه صادره در سال ۱۳۰۵ موضوع را رسیدگی و نسبت به تقاضای آنها اقدام لازم به عمل آید. نخست وزیر حکیمی

[شماره تنظیم سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۵۵

هوالله

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت عظمته

باکمال توقیر و احترام به عرض می‌رساند

سه سال قبل برابر تصویب نامه هیئت محترم دولت مقرر شد که فقرای ورثه نایب حسین کاشی که یکی این جانب عزیزالله نوهٔ حسین نامبرده هستم مساعده نمایند. از تاریخ صدور امریه، به عده‌ای از ورثه و حتی به چند نفر از عروسهای نایب حسین که ورثه اصلی شناخته نمی‌شوند و نه مثل بنده عاجز و بچه دار بوده‌اند مقرری این سه سال را پرداخته‌اند. ولی در حق بنده که به‌گواهی اداره شهربانی و دلایل موجود عجزه و فقیرترین افراد ورثه و از دست و چشم و گوش عاجز و دارای دو نفر طفل صغیر و یک نفر عیال بی‌بضاعتم تا امروز غیر از طفره و مسامحه اقدامی‌به عمل نیامده و خدا شاهد است که بعد از بیست و هفت سال از توقیف دارایی پدرم که از ظلم دولت از درجهٔ زندگی ساقط و از بی‌نوایی کر وکور و مفلوج شده‌ام، در این سه سالی که دولت به من وعدهٔ پرداخت مقرری داده چقدر متحمل شکنجه و عقوبت شده‌ام. مخصوصا" از هشت ماه قبل که رئیس کل

شهربانی به من نوشته مقرری تو تصویب شده تاکاسه وکوزهٔ عیالم را فروخته و نان جو بچه‌هایم را از مردم گدایی کرده‌ام و اکنون با عده‌ای زن و بچهٔ گرسنه و عریانم از ظلم دولت خاکسترنشین و با آخرین درجهٔ مشرف به مرگ هستم و با وجود تقدیم عرایض عدیده تاکنون بذل توجهی مبذول نشده و معلوم نیست که دولت از چه نقطه نظر شرعی و قانونی حقوق حقه عجزه و بیچارگان را پایمال و اول به‌کسانی که ورثهٔ اصلی نبوده‌اند، حقوق سه سال را به تمام وکمال پرداخته‌اند ولی نوه‌های یتیم نایب حسین که ورثهٔ اصلی هستند باید این طور از مشقت گرسنگی بمیرند. حضرت اشرف شما را، باکمال یک دنیا عجز و بیچارگی، به تمام مقدسات قسم می‌دهم تا جان مشتی زن و بچه‌های گرسنه و عریانم در این ایام سختی تلف نشده استرحاما" امر و مقرر فرمایید در پرداخت مقرری این جانب تسریع فرمایند تا با زن و بچه‌های بی‌پناهم از خطر مرگ حتمی نجات یافته مشغول دعاگویی ذات مبارک باشیم.

عزیزالله نوه حسین کاشی

کاشان پشت مشهد ۲۴/۱۱/۶

مهر ورود به دفتر ریاست وزرا، نمره ۲۰۱۸۵ شماره ۲۴/۱۱/۱۵،مهر بایگانی دفتر نخست وزیر ۷

[حاشیه بالا:] آقای فخرایی ۲۴/۱۱/۱۶

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۲]

۵۵۶

۲۴/۱۱/۱۸ [؟]

مقام محترم جناب آقای نخست وزیر دامت عظمته

با نهایت احترام به عرض می‌رساند البته خاطر مبارک مستحضر است که تمام املاک نایب حسین کاشانی پدرم را دولت توقیف و جزئی املاک فدوی که ممر معاش یک مشت عائله بدبخت و بی‌چاره بوده جزو املاک او توقیف حتی مهریهٔ عیال فدوی را توقیف نموده‌اند. از آن زمان تاکنون در نهایت عسرت و پریشانی

زندگانی می‌نماییم. راجع به وضعیت و بیچارگی خود مکرر به عرض اولیای امور رسانیده هر یک به ترتیبی امیدبخش جواب داده‌اند. در کابینهٔ حضرت اشرف، عریضه به مقام مقدس عرض و تصویب نامه‌ای به شماره ۱۱۷۷۶/۲۲/۶/۷ صادرکه به اولاد بی‌بضاعت نایب حسین حقوقی داده شود و به وزارت دارایی هم ابلاغ شد و رسیدگی هم شده است که بنده بکلی از هستی ساقط و به واسطه کثرت سن و نابینایی چشم در نهایت عسرت می‌باشم، در صورتی که تصویب نامه مزبور دربارهٔ عده‌ای از فرزندان نایب حسین اجرا و مدتی است ماهیانهٔ خود را دریافت می‌دارند، نسبت به فدوی که اولاد بلافصل آن مرحوم می‌باشم، با وجود شکایات متعدد، توجهی نفرموده‌اند. از مقام مقدس استدعای عاجزانه دارم دستور فرمایند هر چه زودتر، وزارت دارایی قراری جهت فدوی بدهد که با عائلهٔ خود بتوانم امرار معاش نمایم. در خاتمه امیدوار به مراحم ذات مقدس می‌باشیم.

حسن آریان‌پور کاشانی فرزند نایب حسین

آدرس چهار سو بزرگ، دکان میرزاعلی دوخته فروش

[حاشیه:] اخیرا" مجددا" به وزارت دارایی نوشته شد که اقدام نمایند. ۲۴/۱۱/۲۷

ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۲۰۵۹۳،تاریخ ۲۴/۱۱/۲۰

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۵۷

جناب آقای پیرنیا رئیس بازرسی ویژه مقام نخست وزیری ملاحظه فرمایند

با کمال تضرع به عرض عالی می‌رساند

کمینه توران دختر ماشاءالله خان کاشانی که دارای سه طفل یتیم و بدون هیچ ممّر معاشی هستم و اینک مدتی است شوهرم فوت و تکفل این سه طفل به عهدهٔ کمینه است با کمال عسرت و پریشانی گذران می‌نمایم. در صورتی که بنا به امر جناب اشرف آقای نخست وزیر به اغلب وراث بی‌بضاعت مرحوم ماشاءالله خان شهریه می‌دهند. کمینه چون تاکنون دارای شوهر و سرپرستی بودم، تقاضایی

ننموده‌ام ولی اینک که بی‌شوهر[م] و عهده دار[ی] مخارج سه طفل خردسال را دارم ناچارم به جناب عالی که دارای نیات حسنه و از بزرگترین فامیل ایران هستید ملتجی و استدعا دارم محض رضای خداوند و سلامتی وجود محترم خودتان عرض حال کمینه که جوفا تقدیم گردیده به نظر جناب آقای نخست وزیر برسانید و مساعدتی بفرمائید که شهریه[ای]، هم به‌کمینه بدهند که در این موقع لقمه نانی داشته و به دعا گویی وجود عالی مشغول باشم. خدا شاهد است از فقر و فاقه به تنگ آمده و دیگر قادر به ادامه زندگی نیستم. استدعا دارم امر فرمائید بیایند و زندگانی کمینه را از نزدیک مشاهده نمایند که با چه عسرتی بسر می‌برم. آیا در این صورت سزاوار است مبلغ کلی املاک سهمیه کمینه توقیف دولت باشد و کمینه با سه طفل یتیم مشرف به مرگ باشم؟ آیا وجدان اولیای دولت چنین امری را قبول می‌نماید؟ چون زن بی‌چاره هستم و کسی تا بحال توجهی به عرایضم ننموده، ناچار مزاحم وجود محترم شده و احقاق حق خود را به وجدان پاک جناب عالی می‌گذارم.

کمینه توران دختر مرحوم ماشاءالله خان کاشانی

ساکن باغ فردوس، بازارچه بابا نوروز علی خانه دکتر افشار

بایگانی دفتر نخست وزیر، شماره ۲۱

[شماره سند ۱ ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۵۵۸

[۱۳]۲۵/۲/۷

حضور محترم آقای دکتر فاطمی رئیس محترم دفتر نخست وزیری دامت بقائه

احتراماً به عرض آن بزرگوار می‌رساند با نظر توجه عمیقانه از لحاظ کیمیا اثر آن محبوب معّظم مراتب زیر می‌گذرد. این فدوی پرویز آریان‌پور فرزند امیر آریان‌پور تقریباً به سن ۱۲ سال می‌باشم و مدّت سه سال است که مرتباً نامه‌ای جهت گرفتن حقوق حقهٔ خود به دفتر نخست وزیری نوشته‌ام تاکنون موفق نشده‌ام و بی‌خرجی

مانده‌ام نه این که پدرم داد که به من بدهد، نه می‌دهد (نمی‌دهد) و دولت هم به اشخاصی که نباید حقوق بدهد می‌دهد، ولی مثلاً ربابه خانم که پسرش توی کارخانه سیمان می‌باشد و حقوق مکفی می‌گیرد و بانو کشور که پسرش رئیس کارگزینی شهرداری کاشان، از این قبیل اشخاص زیاد می‌باشند. ولی این فدوی که نه می‌توانم کسبی بکنم که امرار معاش خود را فراهم نمایم و نه پدرم دارد که خرجم را بکشد و خودم هم دائماً مریض می‌باشم، لذا از آن مقام محترم تقاضامندم که اقدامی راجع به حقوق بنده نمائید که بتوانم با این وضع گرانی روز افزون امرار معاش نمایم و به دعاگویی ذات مقدس آن بزرگوار مشغول بوده باشیم.

پرویز آریان‌پور

[حاشیه:] بایگانی

ورود به دفتر ریاست پست وزرا، شماره ۹۰۹۹- به تاریخ ۲۵/۲/۲۶

[شماره سند ۱ - ۱۱۶۰۰۵ - ۱۱۴۱]

۵۵۹

جناب آقای نخست وزیر

به طوری که خاطر عالی استحضار دارد بعد از این که دولت، مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی را اعدام و کلیهٔ مایملک آنها را ضبط نمود، شهریه به وراث آنها پرداخت می‌شد تا در سال ۱۳۰۵ که هیئت وزیران تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۱ که رونوشت آن پیوست تقدیم است صادر و مقرر فرمودند املاک مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان و نایب علی به وراث آنها مسترد گردد. ولی در اثر غرض‌رانی بعضی اشخاص مغرض، تصویب نامه موقوف الاجراء ماند. مجدداً حکم شماره ۱۲۴۳۳ که رونوشت آن پیوست تقدیم است صادر [گردید]. ولی وزارت دارایی، در اجرای مدلول تصویب نامه تعلل می‌کند و مانع اجرا می‌شوند و قسمتی از املاک این جانبان، در قبال املاک ضبطی اعلی حضرت شاه سابق، بعد از مازندرانی‌ها ـ که ملک آن‌ها ضبط شده بود ـ تعویض نمودند. از آن وقت به بعد مرتباً

این جانبان در مقام شکایت و دادخواهی بوده و با کمال عسرت به زندگی مشغول و مترصد بودیم که اولیای امور، بعد از سالها سرگردانی، به حال این جانبان توجهی نموده و قرار آسایش مارا بدهند. ولی متأسفانه همیشه به وعده و وعید گذشت تا در کابینهٔ گذشته حضرت اشرف امر و مقرر فرموده به وراث شهریه از طرف دولت پرداخت گردد. اتفاقاً در این اوقات حضرت اشرف از کار کناره گیری فرمودند و با این که شهربانی به وضعیت این جانبان رسیدگی نموده و استحقاقمان را به دریافت شهریه گزارش نمود (پرونده و دفتر نخست وزیری موجود است)، آقای ساعد دستور دادند که فقط به ده نفر از وراث شهریه بدهند. روی این اصل وزارت دارایی فقط به پنج نفر از وراث شهریه دادند. به حال بقیه توجهی نشد. مجدداً در زمان کابینه آقای حکیمی شکایت [کردیم] و دستور فرمودند املاک ما را مسترد دارند. ولی ادارهٔ بهره برداری اشکال تراشی نموده و به استناد قانون مصوب آبان ماه ۱۳۰۱ استراد املاک را خالی از اشکال نمی‌داند.

با عرض مراتب فوق وجداناً قضاوت کرده تکلیف یک مشت عائله که مدتی است با کمال عسرت زندگی نموده و به امید احقاق حق از طرف دولت روزگار گذرانیده‌ایم چیست؟ خدا شاهد است بیش از این قادر به شکایت و عریضه نگاری نیستیم. انتظار داریم حضرت اشرف شخص بی‌نظر و درستی را تعیین فرمایند پروندهٔ این جانبان را مطالعه و با حضور نمایندهٔ وراث به یکی از سه پیشنهاد این جانبان قرار آسایش ما را بدهند:

۱. استرداد کلی و یا لااقل قسمتی از املاک درکاشان یا هر نقطهٔ دیگر که دولت مقتضی بداند.

۲. پرداخت شهریه به‌کلیهٔ وراث که با آن بتوانیم معاش نماییم.

۳. پرداخت سرمایه که با آن بتوانیم به‌کسب و کاری مشغول شویم.

در پایان به حضرت اشرف که شخص با شرف و وطن دوست می‌باشید پناهنده شده و استدعا داریم امر و مقرر فرمایید و بیش از این ما را به جریان بطئ ادارات محول ننموده و راضی نشوند فامیل بزرگی از بین رفته و بیش از این، اوقات اولیای

امور را تضییع نماید. تمنا داریم شخصاً تصویب عاجلی دربارهٔ آن اتخاذ فرمایند.

برای مزید استحضار معروض می‌دارد که کلیهٔ وراث شرعی و قانونی مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان و نایب علی به شرح زیر می‌باشند:

وراث نایب حسین: محمد، امیر، حسن، کشور، مهری

وراث ماشاءالله خان: مهدی، احمد، عباس، مرتضی، یدالله، توران

وراث نایب علی: اصغر، جهانشاه، ملوک

از طرف کلیه وراث نایب حسین علی و ماشاءالله خان

امیر آریان‌پور، احمد آریان‌پور

[حاشیه ۱:] پروندهٔ نایب حسین ضمیمه شود ۲۵/۲/۱۸

[حاشیه ۲:]اظهار فرمودند پس از این که از اقدام برگشت ضمیمهٔ دوسیه شود.

۱۳۲۵/۲/۱۸ **[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]**

۵۶۰

[تاریخ ۱۳۲۵/۳/۱۲]

جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت شوکته

اضطراراً معروض می‌دارد که بعد از آن‌که دولت نایب حسین کاشانی را اعدام و کلیه سرمایه آنها را ضبط نمودند، این کمینه‌ها را در اثر بی‌سرپرستی به فقر و فاقه مبتلا تا دوسال پیش به پیشگاه دولت پناهنده شده، استدعای رسیدگی و احقاق حق نمودیم. از طرف دولت مقرر شد تا ادارهٔ کل شهربانی به وضعیت این کمینه‌ها رسیدگی نمایند. از طرف ادارهٔ شهربانی پس از تحقیقات لازمه ماها را محق دانسته و ماهی یک جزئی حقوقی تعیین و پیشنهاد نموده، لذا از طرف آقای نخست وزیر عصر مقرر شد تا ماهی جزئی حقوقی دربارهٔ کمینه‌ها منظور و پرداخته شود. اکنون دو سال است که حقوق کمینه‌ها را داده‌اند. ولی امسال هنوز تکلیفی تعیین نشده است. اینک به پیشگاه مقدس پناهنده شده، استدعای عاجزانه داریم که امر و مقرر فرمایند تا این جزئی حقوق را به این کمینه‌ها که بدون سرپرست و پیر و ناتوان شده‌ایم مرحمت نمایند تا به دعاگویی بقای عمر وعزت اشتغال ورزیم. امر امر

مبارک است.

کمینه مهر انگیز صبیه مرحوم نایب حسین، کمینه ربابه آریان‌پور وراث مرحوم نایب حسین

[حاشیه:]، آقای فخرایی ۵/۴/۳ [۱۳۲] اداره حسابداری از جریان کار استحضار دارند ۲۵/۴/۴

[مهر ورود به دفتر ریاست وزرا] شماره ۱۲۱۵۱، تاریخ ۲۵/۳/۱۳ [۱۳]

[شماره تنظیم سند ۱ ـ ۱۱۶۰۰۵ ـ ۱۱۴۱]

۵۶۱

[روی پاکت]عریضهٔ کمینه ربابه آریان‌پور ورثهٔ نایب حسین

جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت بقائه

اضطراراً معروض می‌دارد:

پس از سالها بیچارگی و بدبختی دولت مقرر داشت تا ماهی شصت و شش تومان حقوق به این جانبه داده شود. اکنون چهار ماه است که از سال می‌گذرد و هنوز تکلیف حقوق کمینه معلوم نیست. استدعا می‌نمایم که مقرر فرمائید زودتر حقوق کمینه را زودتر مرحمت نمایند تا به دعاگوئی اشتغال ورزم.

کمینه آریان پور– ورثه نایب حسین

بایگانی ۲۵/۴/۱۵

ورود به کابینهٔ ریاست وزرا– شماره ۱۸۴۵ ـ به تاریخ ۲۵/۴/۱۵

[حاشیه:]تمبر وزارت دارایی به مبلغ یک ریال

[شماره سند ۱ ـ ۱۱۶۰۰۵ ـ ۱۱۴۱]

۵۶۲

مقام منیع جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه نخست وزیر [تاریخ] ۲۵/۴/۶

عاجزانه معروض می‌دارد با این که کراراً به استحضار مبارک رسانده که این

جانب عزیزالله نوهٔ حسین کاشی تمام دارایی پدرم را دولت به ناحق تصرف کرده و این جانب در مجموعهٔ بیست و هشت سال دادخواهی، بر اثر اقدامات زجر آور دولت بکلی از درجه زندگی ساقط و به مرض کری و کوری و فلج هر دو دست مبتلا شده‌ام و از مدت چهار سال به این طرف با این که از طرف هیئت محترم دولت کراراً امر شده است که اعاشهٔ این جانب را بپردازند وبه عده‌ای ورثه نایب حسین هم مقرری این چهار سال را پرداخته‌اند، ولی دربارهٔ این جانب که فقیر و عاجزتر از همه افراد ورثه و از تمام قوا علیل و دارای عده‌ای عائله و سه نفر طفل صغیرم، هر روزی به یک عنوانی به انتظار پرداخت مقرری در شکنجه مسامحه وگرسنگی معذب و با وجود تقدیم عرایض عدیده واستغاثه و التماس، ترتیب اثری به حال جان‌سوز عده[ای] زن و بچه‌های برهنه و مریضم که از شدت گرسنگی رمقی در تنشان نمانده، داده نشده و معلوم نیست که اولیای امور از چه نقطه نظر این همه عجزه و بی‌چاره گان (بیچارگان) را اذیت و آزار می‌رساند. در صورتی که عجزه و ضعفا مورد حمایت تمام ملل دنیا هستند. با این حال آیا درکشور ما سزاوار است که در حق یک نفر فلک زده مثل بنده که دولت، پدر وکسانم را مقتول نموده و تمام دارایی پدرم را به ناحق غصب کرده و از بی‌توجهی به این سیاه روزی و عاجزیم نشانده باز هم عائله و بچه‌های بی‌گناهم را از زحمت گرسنگی بکشند. اگر اولیای امور تصور می‌فرمایند که مسامحه آلت قتاله نیست به وجدان انسانیت اگر دقت فرمایید معلوم می‌شود این مسامحه از آلت قتاله هم کشنده‌تر است. زیرا هر قدر آلت قتاله کشنده‌تر باشد زودتر به حیات عده[ای] تیره بخت خاتمه می‌دهد. ولی این نوع مسامحه نه منتهی به نتیجه می‌شود و نه مرگ را آسان می‌کند. حضرت اشرف اگر این نوع ضایعات را حکومت‌های بی‌انصاف سابق که به غضب خدا گرفتار شوند روا داشته‌اند، چون در دورهٔ زمامداری حضرت اشرف که سایهٔ رحمت خدا مایهٔ امیدواری قاطبهٔ ملت هستید سزاوار نیست که جمعی از اطفال صغیرم از محنت گرسنگی و عریانی تلف شوند. حضرت اشرف را باکمال یک دنیا عجز و بی‌چارگی به قرآن مجید و به تمام مقدسات قسم می‌دهم که استرحاماً امریه وزارت دارایی

ابلاغ و دستور فرمایید تا مشتی زن و بچه‌های برهنه و مریضم از گرسنگی نمرده‌اند، هزینهٔ اعاشهٔ این جانب را طبق وعده و انتظارهای چهار ساله بلکه بیست و هشت ساله بپردازند تا دعاگوی ذات مبارک باشم.

عزیز الله نوه نایب حسین

کاشان - پشت مشهد

[حاشیه:] بایگانی ۲۵/۴/۱۷ [شماره تنظیم سند ۱ -۱۱۶۰۰۵ -۱۱۴۱]

۵۶۳

۲۵/۵/۱۴

جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته

اضطراراً معروض می‌دارد:

در تعقیب مستدعیات مورخه ۲۵/۳/۱۲ / ۱۲۱۵۱ و ۲۵/۴/۱۵ / ۱۸۴۵۱ مجدداً عرضه می‌دارد که پس از آن که دولت، شوهر این کمینه را اعدام و سرمایه آنها را ضبط نمود و تمام حقوق حقه این کمینه که عبارت از مهریه و غیره بود از بین رفته و بکلی بیچاره و بدبخت شدیم و چون کلیه دارایی شوهر این کمینه را دولت تصرف نموده بود لذا به دولت متظلم و تصویب نامه دربارهٔ این کمینه صادر شد تا ماهی شصت و شش تومان به این کمینه بدهند. تاکنون سه عرضیه تقدیم نموده‌ام هنوز تکلیف معلوم نشده است، اینک پناهنده شده استدعا می‌نمایم که امر و مقرر فرمایید تا این حقوق این جانبه را زودتر مرحمت نمایند. زیرا زندگانی برای کمینه با نداشتن عایداتی و نبودن سرپرستی دشوار و اگر مرحمتی نشود از عسرت و پریشانی تلف خواهیم شد. امر امر مبارک است. کمینه ربابه آریان‌پور عیال مرحوم ماشاءالله کاشانی

ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۳۸۲۲/۲، تاریخ ۲۵/۵/۲۳

[حاشیه:] قبلاً به مشارالیها پاسخ داده شد. پرداخت مستمری او موکول به تصویب بودجه است. بایگانی شود / ۲۵/۵/۲۴

[شماره سند ۱۱۴۱ / ۱۱۶۰۰۵-۱]

۵۶۴

۲۵/۴/۲۷

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

باکمال توقیر و احترام به عرض می‌رسانیم

چون بر طبق امریهٔ هیئت محترم دولت، به موجب تصویب نامه شماره ۱۱۷۷۱ - ۳۲۲/۶/۷ [۱]، از سال ۱۳۲۲ مقرر فرموده‌اند که هزینهٔ اعاشهٔ این جانبان محمد آقا و بانو کشور فرزندان نایب حسین کاشی را بپردازند، هزینهٔ اعاشهٔ سه ساله ۲۲ -۲۳ -۲۴ به دعاگویان پرداخته شده ولی در هذه السنه که وضعیت زندگی فدویان فوق العاده تأثر آور می‌باشد، قریب چهار ماه است که اقدامی برای پرداخت مقرری فدویان نشده، از این جهت فوق العاده در مضیقه و فشار اعاشهٔ روزانه قرارگرفته و با گذشتن شصت هفتاد سال از عمر فدویان با یک عده زن و بچه برهنه و مریض که هیچ کس را نداشته و نداریم و تنها امرار زندگیمان منوط و مربوط به همین مبلغ مختصر می‌باشد که دولت به عنوان کمک اعاشه به دعاگویان می‌پرداختند و بدون این مقرری ادامه زندگیمان ممکن نیست، لهذا از مقام حضرت اشرف استدعا داریم امر و مقرر فرمائید که در پرداخت هزینهٔ اعاشهٔ هذه السنه فدویان اقدام فرمایند تا دعاگوی ذات مبارک باشیم

محمد آقا و بانو کشور فرزندان نایب حسین کاشی

کاشان - پشت مشهد

[حاشیه:] اقدام شد. بایگانی شود.

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۶۵

بوسیله جناب آقای پیرنیا بازرس ویژه مقام نخست وزیری

به عرض مقام جناب اشرف آقای نخست وزیر محبوب ایران برسد

به طوری که خواطر (خاطر) مبارک مستحضر است املاک مرحوم ماشاءالله خان

کاشانی در توقیف دولت است و با اینکه تصویبنامهٔ هیأت وزیران برای استرداد املاک مذکور در دست است معهذا (مع هذا) تاکنون اجرا نشده و یک فامیل زیادی دچار عسرت و پریشانی می‌باشند من جمله کمینه توران دختر مرحوم ماشاءالله خان کاشانی که با سه طفل یتیم و حالتی علیل با کمال سختی و عسرت زندگانی می‌کنم اینک ملتجی به وجدان پاک حضرت اشرف شده و استدعای عاجزانه دارم فکر عاجلی به حال کمینه بفرمایید که مشرف به هلاک هستم و لااقل مقرر فرمایند مثل اغلب فامیل که بنا به امر عالی فعلاً شهریه می‌گیرند شهریه[ایی] هم به‌کمینه بدهند تا تصمیم قطعی نسبت به املاک مرحوم ماشاءالله خان گرفته شود برای اینکه وضعیت بدبختی و بیچارگی کمینه به عرض مبارک برسد، استدعا دارم مقرر فرمایند بیایند و زندگانی کمینه را با سه طفل یتیم مشاهده نمایند چنانچه قابل ترحم بود لااقل شهریه به‌کمینه داده شود، بسته به وجدان پاک و امر عالی است.

آدرس: باغ فردوس، بازارچه بابانوروزعلی، کوچه دکتر افشار، توران دختر ماشاءالله‌خان کاشانی ۲۵/۵/۱۷، توران

حواشی: آخرین پروندهٔ وراث نایب حسین ضمیمه شد و در وارده می‌باشد. ۲۵/۶/۲۰

مهر ورود به دفتر ریاست وزرا ـ شماره ۲۴۴۳۵۰ به تاریخ ۲۵/۵/۳۱

[حاشیه ۱:] جناب آقای دکتر فاطمی به عرض برساند. پیرنیا ۲۵/۵/۳۰

[حاشیه ۲:] مهر ورود به دفتر ریاست وزراء شماره ۲۴۴۳۵۰ به تاریخ ۲۵/۵/۳۱

[حاشیه ۳:] آخرین پرونده وراث نایب حسین ضمیمه شد و در وارده می‌باشد. ۲۵/۶/۲۰

[حاشیه ۴:] آقای فخرایی با ملاحظه سابقه چنانچه مانعی نداشته باشد به وزارت دارایی بنویسید ۲۵/۶/۲۷

[حاشیه ۵:] اداره بایگانی ـ سابقه ۲۵/۶/۲۸

[حاشیه ۶:] تعداد شهریه بگیرها طبق نامه شماره ۳۹۸۹۳ وزارت دارایی معین است. اسم بانو توران جزء صورت نیست. بنابراین در این مورد اقدامی میسر نخواهد بود. بایگانی شود ۲۵/۶/۳۱ **[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]**

۵۶۶

هو

مقام منیع جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته

به عرض برسد

[۱۳]۲۵/۵/۲۰

با کمال عجز و بیچارگی معروض می‌دارد

البته به استحضار خاطر مبارک رسیده که این جانب عزیزالله نوهٔ حسین کاشی، بعد از بیست و هشت سال از توقیف دارایی پدرم، بر اثر اقدامات مسامحه و زجرآور دولت از درجهٔ زندگی ساقط و مبتلا به‌کری و کوری و فلج دست شده‌ام و قریب چهار سال است که هیئت محترم دولت کراراً امر فرموده‌اند که اعاشهٔ این‌جانب را به ضمیمه فقرای ورثهٔ نایب حسین بپردازند. با این که به عده‌ای ورثه، اعاشهٔ این چهار سال تماماً پرداخته شده ولی دربارهٔ این جانب که عجزه و فقیرترین افراد ورثه و از تمام قوا عاجز و دارای عده[ای] عائله و سه نفر طفل صغیرم، هرروزی به یک عنوان به انتظار پرداخت مقرری در شکنجهٔ مسامحه و گرسنگی معذب و با وجود تقدیم عرایض عدیده و هزار نوع استغاثه و التماس تاکنون ترتیب اثری به حال جان سوز عده‌ای زن و بچه‌های برهنه و مریضم که از شدت گرسنگی رمقی در بدنشان نمانده داده نشده و معلوم نیست که اولیای امور از چه نظر این همه عجزه و بیچارگان را اذیت و آزار می‌رسانند و در صورتی که عجزه و ضعفا مورد حمایت همهٔ مردم دنیا هستند با این حال آیا هیچ صاحب وجدانی انصاف می‌دهد که در حق یک نفر عاجز فلک زده مثل بنده که دولت به دست خود پدر و کسانم را کشته و تمامی‌اموال پدرم را به ناحق غصب کرده و از بی‌چیزی و مسامحه به این همه عاجزی و سیاه روزیم نشانده باز هم عده‌ای زن و بچه‌های بی‌گناهم را از زحمت گرسنگی بکشند. آخر حضرت اشرف بنده که بعد از بیست و هشت سال دادخواهی از مسامحه و ظلم دولت بکلی کر و کور و مفلوج و خاکسترنشین شده‌ام دیگر عمر نوح و صبر ایوب که ندارم.

چنانچه از طرف حضرت اشرف اقدامی در پرداخت مقرری این جانب نشود، وبال جان عده‌ای زن وبچه‌های برهنه و مریضم که از شدت گرسنگی نزدیک به مرگ هستند روز جزا دامن گیرتان می‌شود. اینک جناب اشرف را با کمال یک دنیا عجز و بی‌چارگی به این قطعه قرآن مجید قسم می‌دهد که بیش از این راضی به اذیت و آزار بنده که منجر به مرگ عده‌ای زن و بچه بی‌گناه می‌شود نشده استرحاماً به وزارت دارایی امر و دستور فرمایند تا زن و بچه‌های بی‌پناهم از گرسنگی نمرده‌اند مقرری این جانب را هر چه زودتر مرحمت فرمایند تا دعاگوی ذات مبارک باشم. تقاضای رسیدگی دارم.

عزیزالله نوهٔ حسین کاشی

کاشان پشت مشهد ۲۵/۵/۲۶

.هر ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۵۶۹۸/۲ مورخ ۲۵/۶/۱۷

[حاشیه:] جناب آقای نصر در این باب دستوری صادر فرمایند. زیرا بنده اطلاعی ندارم. ۲۵/۶/۲۱

[شماره سند ۱ - ۱۱۴۲/۱۱۶۰۰۵]

۵۶۷

نخست وزیر، به تاریخ ۱۳۲۵/۶/۱۳، شمارهٔ ۲۱۱۸۶/۷۳۱

هیئت وزیران در جلسهٔ ۱۱شهریور ماه ۱۳۲۵ پیرو تصویب نامه شماره ۱۶۱۷۴-۴-۸ و شماره ۱۰۶۶۲-۸۰۵ تصویب نمودند که مبلغ ۳۳۱۲۰ ریال بابت هزینهٔ اعاشهٔ دوازده ماههٔ سال ۱۳۲۵ بازماندگان نایب حسین کاشی به شرح زیر:

۱. هزینهٔ اعاشهٔ دوازده ماههٔ سال ۱۳۲۵ محمد آقا به قرار ماهی ۹۰۰ ریال / ۱۰۸۰۰ ریال

۲. هزینهٔ اعاشهٔ دوازده ماهه سال ۱۳۲۵ بانو کشور ۶۰۰ / ۷۲۰۰ ریال

۳. هزینهٔ اعاشهٔ دوازده ماهه سال ۱۳۲۵ بانو ربابه عیال ماشاءالله خان به قرار ماهی ۶۶۰ ریال / ۷۹۲۰

۴. هزینهٔ اعاشهٔ دوازده ماهه سال ۱۳۲۵ بانو انیس آغا فرزین عیال نایب حسین ماهی ۶۰۰ ریال / ۷۲۰۰ [جمعاً] ۳۳۱۲۰ ریال

از محل اعتبارات ۱۳۲۵ دولت تأدیه شود.

[امضاء] عبدالحسین هژیر [وزیر دارایی]

[امضاء] اللهیار صالح [وزیر دادگستری]

[امضاء] ایرج اسکندری [وزیر بازرگانی و پیشه و هنر]

[امضاء] دکتر فریدون کشاورز [وزیر فرهنگ]

[امضاء] انوشیروان سپهبدی [وزیر مشاور]

[امضاء] دکتر مرتضی یزدی [وزیر بهداری]

[امضاء] دکتر شمس الدین امیر علائی [وزیر کشاورزی]

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵-۱/۴۲-۲]

۵۶۸

وزارت دارایی، شماره ۲۶۲۵۲

جناب اشرف آقای نخست وزیر

در سنوات گذشته چهار نفر از وراث نایب حسین کاشی ماهی ۲۷۶۰ ریال به عنوان هزینهٔ اعاشهٔ از اعتبار دولت استفاده می‌نمودند و در سال گذشته هم بر طبق تصویب نامهٔ شماره ۱۶۱۷۴ به تاریخ ۱۳۲۴/۸/۲۸ وشمارهٔ ۱۰۶۶۲ به تاریخ ۱۳۲۴/۸/۲۸ مبلغ مزبور به شرح زیر:

۱. بابت هزینهٔ اعاشهٔ محمد آقا فرزند نایب حسین کاشی ۹۰۰ ریال

۲. بابت هزینهٔ اعاشهٔ بانو کشور فرزند نایب حسین کاشی ۶۰۰ ریال

۳. بابت هزینهٔ اعاشهٔ بانو ربابه عیال ماشاءالله خان ۶۶۰ ریال

۴. بابت هزینهٔ اعاشهٔ بانو انیس آغا عیال نایب حسین ۶۰۰ ریال

۲۷۶۰

از اعتبار ۱۳۲۵ دولت به آنان پرداخت شده است و چون در امسال هنوز تصویب نامه برای آنها صادر نشده و پرداختی هم به عمل نیامده است، ورثهٔ مزبور

مطالبهٔ هزینهٔ اعاشهٔ خود را می‌نمایند. بنابراین مراتب به عرض می‌رسد که در صورتی که با پرداخت هزینهٔ اعاشهٔ نامبردگان از اعتبار ۱۳۲۵ دولت موافقت می‌فرمایند قدغن فرمایند طرح تصویب نامه آن را صادر و ابلاغ فرمایند.

از طرف وزیر دارایی دکتر حسین [پیرنیا]

[حاشیه ۱:] آقای فریور تمام تصویب نامه‌ها ضمیمه است. پور والی ۲۵/۶/۱۸، آقای فریور ۲۵/۶/۲۰

[حاشیه ۲:] ادارهٔ بایگانی گویا تصویب نامه گذشته باشد. معلوم فرمایند. ۲۵/۶/۱۶

[سند شماره ۱۱۶۰۰۵۰۱ ـ ۱۱۴۳]

۵۶۹

جناب آقای نخست وزیر

با این که همت حضرت اشرف از ابتدای زمامداری مصروف به تهیه آسایش و تأمین زندگی عموم افراد این کشور می‌باشد و با عزم راسخ حضرت اشرف غالب مشکلات حل و حتی برای رفاهیت زارعین تقسیم خالصجات را مورد نظر قرار فرموده‌اید، جای بسی تاسف است که به حال کلیه افراد توجهی فرموده و فقط نسبت به احقاق حق این جانبان وراث مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی بذل توجهی نشده و با این که عرایض متوالی تقدیم و استدعای توجه نموده‌ایم بدبختانه یا عرایض این جانبان از لحاظ حضرت اشرف نگذشته و یا این که اظهار لطفی نفرموده‌اید. به طوری که خاطر عالی استحضار دارد با این که تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۹ را هیئت وزیران در سال ۱۳۰۵ صادر و مقرر فرمودند املاک ما را مسترد دارند. ولی در اثر غرض‌رانی بعضی از وزرا، اجرای تصویب نامه موقوف ماند تا در کابینه گذشته حضرت اشرف که دستور فرمودید به‌کلیه ورثه شهریه بپردازند. ولی متاسفانه پس از کناره‌گیری حضرت اشرف از کار، فقط به پنج نفر از وراث شهریه پرداختند و بقیه به حال عسرت و پریشانی باقی و آنچه به مقامات مربوطه شکایت نمودیم توجهی نمی‌شود و آنچه عریضه عرض می‌کنیم مجدداً

به ادارات عریض و طویل بهره‌برداری و دارایی احاله و بدون نتیجه جزء پرونده قطور کار ما که اکنون قریب ۵ من وزن دارد می‌شود. نمی‌دانیم اولیای امور ما را از تبعیت دولت ایران خارج می‌دانند که توجهی به مطالب حقه ما نمی‌شود یا آیا انصاف و وجدان اقتضا می‌کند نخست وزیر محبوب و مقتدری که به حال زارعین توجه نموده و برای تأمین زندگی آنها خالصجات را بین آنها تقسیم می‌کند نسبت به صاحبان اصلی املاک تا این درجه بی‌عدالتی رفتار گردد. با عرض مراتب فوق استدعای عاجزانه داریم بیش از این به بدبختی وپریشان روزگاری، فامیل بزرگی راضی نشده و دستور عاجلی صادر و مقرر فرمایید به یکی از پیشنهادات زیر این جانبان توجه فرمایند:

۱. استرداد تمام یا لااقل قسمتی از املاک چه در کاشان و چه در نقطه دیگر.

۲. پرداخت شهریه به کلیهٔ وراث که بتوانیم با آن اعاشه نماییم.

۳. پرداخت سرمایه که بتوانیم با آن اشتغال به کسبی نماییم.

۴. ارجاع شغلی فراخور حال این جانبان که انجامش از عهده این جانبان برآید، ضمناً برای مزید استحضار معروض می‌دارد که صورت کلیه وراث [ناخوانا]

وراث مرحوم نایب حسین: محمد، امیر، حسن، بانو کشور، بانو مهری

وراث مرحوم ماشاءالله خان: مهدی، احمد، عباس، مرتضی، یدالله، بانو توران، بانو ربابه

وراث مرحوم نایب علی: جهانشاه، بانو ملوک، اصغر

از این عده عجالتاً محمد آقا، بانو کشور، بانو ربابه، بانو مهری شهریه می‌گیرند.

در انتظار اقدام فوری جناب آقای نخست وزیر هستیم. از طرف وراث مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان

امیر آریان‌پور، احمد آریان‌پور ۲۵/۶/۲۵

[حاشیه:] پیشینه را پیوست فرمایید. ۲۵/۶/۲۵

[حاشیه:] بایگانی دفتر نخست وزیر، شماره ۲۰

[شماره سند ۱ ـ ۱۱۶۰۰۵ ـ ۱۱۴۲]

۵۷۰

وزارت دارایی، به تاریخ ۱۳۲۵/۶/۲۷ شماره ۳۹۸۹۳
جناب اشرف آقای نخست وزیر

در سال ۱۳۲۱ طبق دستور شماره ۱۰۸۱ ـ ۲۱/۱/۲۴ و شماره ۲۵۹۸ ـ ۲۱/۹/۲۹ نخست وزیری مقرر گردید که به هر یک از وراث نایب حسین کاشی که فاقد وسایل معاش هستند از هر محل و به هر شکلی که ممکن است کمکی دربارهٔ آنها بشود.

در اجرای دستور فوق و طبق تشخیص ادارهٔ کل شهربانی وزارت دارایی موافقت نمود به پنج نفر از وراث بی‌بضاعت نامبرده ماهی ۳۶۶۰ ریال بشرح زیر:

۱ ـ محمدآقا فرزند نایب حسین کاشی	۹۰۰ریال
۲ ـ مهرانگیز صبیه نایب حسین کاشی	۹۰۰ ریال
۳ ـ کشور صبیه نایب حسین کاشی	۶۰۰ ریال
۴ ـ انیس آغاعیال نایب حسین کاشی	۶۰۰ریال
۵ ـ ربابه عیال ماشاءالله خان	۶۶۰ ریال
جمع	۳۶۶۰ریال

بنام هزینهٔ اعاشهٔ از اعتبار دولت پرداخت شود.

مقرری نامبرده از سال ۱۳۲۲ تا این تاریخ بر طبق تصویب نامهای صادره از اعتبار دولت پرداخت می‌شود. روی این مساعدت سایر وراث نایب حسین خود را بی‌بضاعت معرفی نموده و در مقام شکایت به مقامات عالیه برآمده و با این که مکرر در مکرر جواب منفی به آنها داده شده است معذلک دست از تعقیب برنداشته و در هر ماه چندین نامه به مقامات مربوطه ارسال و باعث زحمت را فراهم نموده‌اند. بنابراین مراتب [را] به عرض می‌رساند که هر طور دستور می‌فرمایند اقدام شود.

از طرف وزیر دارایی امضا

مهر ورود به دفتر نخست وزیر شماره ۲۳۴۷۰ تاریخ ۲۵/۶/۲۸

[حواشی:] اسامی ورثه که شهریه می‌گیرند معین است و غیر از اشخاص فوق

به دیگری وجهی به عنوان شهریه پرداخت نمی‌شود. ۲۵/۶/۳۱، بایگانی شود ۲۵/۶/۳۱، آقا فخرایی ۲۵/۶/۳۱

[شماره سند ۱- ۱۱۶۰۰۵/۳ـ ۱۱۴۴۰]

۵۷۱

اداره بایگانی

یک عده معدود از ورثه نایب حسین کاشانی که صورت آنها در پروندهٔ امر موجود است، مشمول دریافت مستمری شده و مرتباً دریافت می‌دارند. سایرین چون جزو صورت نیستند، وزارت دارایی موافقت با تأمین تقاضای آنها ننموده است. ریاست دفتر کل نخست وزیری

سابقهٔ ۲۵/۷/۶

آقای فخرایی خواهشمندم به اظهارات این خانم رسیدگی و اگر اقدامی‌باید بشود بنمایند.

بایگانی شود ۲۵/۷/۶

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۵۷۲

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت عظمته

محترماً معروضیم:

چون برابر تصویب نامه نمرهٔ $\frac{۱۱۷۷۱}{۲۲/۶/۷}$ هیئت محترم دولت مقرر فرموده‌اند هزینهٔ اعاشهٔ این جانبان محمد آقا و بانو کشور فرزندان نایب حسین کاشی را بپردازند، هزینهٔ اعاشهٔ سه ساله ۲۴/۲۳/۲۲ به دعاگویان پرداخته شده. ولی در هذه السنه که وضعیت زندگی فدویان فوق العاده تأثر آور شده قریب هفت ماه است که اقدامی‌در پرداخت مقرری فدویان نشده و از این جهت فوق‌العاده در مضیقه و فشار اعاشهٔ روزانه قرارگرفته و اینک در برابر یک عدهٔ زیاد طلب کار و گذشتن شصت هفتاد سال از عمر فدویان با مشتی زن و بچهٔ برهنه و مریض از درجهٔ زندگی

ساقط و چنانچه از طرف حضرت اشرف اقدامی در پرداخت مقرری فدویان نشود، از دست می‌رویم. این است که از مقام حضرت اشرف استدعای عاجزانه داریم مقرر فرمایید تا فدویان در این موقع سختی تلف نشده‌ایم هزینهٔ اعاشهٔ این جانبان را هر چه زودتر مرحمت فرمایند تا دعاگوی ذات مبارک باشیم. ۲۵/۷/۱۷

فدویان محمدآقا و بانوکشور فرزندان نایب حسین کاشی

کاشان، پشت مشهد

[حاشیه:] جناب آقای نصر ملاحظه و هر جوابی لازم باشد دستور فرمایند صادر شود. ۲۵/۷/۲۳

مهر ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۸۲۲۸/۲، تاریخ ۲۵/۷/۲۴

[شماره سند ۱- ۵-۱۱۶۰۰ ـ ۱۱۴۴۲]

۵۷۳

دفتر نخست وزیر

به عرض می‌رساند

در سال ۱۳۲۱ طبق دستور شماره ۱۰۸۱ نخست وزیری مقرر گردید به هر یک از وراث نایب حسین کاشی که فاقد وسائل معاش هستند از هر محلی که ممکن باشد کمکی دربارهٔ آنها بشود. برای اجرای آن به ادارهٔ کل شهربانی دستور داده شد که در محل سکونت ورثه نایب حسین تحقیقاتی کرده و اسامی آنهائی که فاقد وسائل معاش هستند صورت بدهد. شهربانی کل کشور ۵ نفر از ورثه نامبرده را به شرح زیر بی‌بضاعت تشخیص و استحقاق آنها را گواهی نموده است:

۱. محمد آقا فرزند نایب حسین

۲. بانو مهرانگیز دختر =

۳. بانو کشور =

۴. بانو انیس عیال =

۵. بانو ربابه عیال ماشااله کاشی

و بموجب تصویب نامه‌های صادره مقرر گردید ماهیانه مبلغی به عنوان هزینهٔ

اعاشه دربارهٔ آنها منظور شود و تا این تاریخ به وسیله ادارهٔ کل شهربانی در وجه آنها پرداخت گردیده است.

روی این مساعدت، سایر ورثه نایب حسین خود را بی‌بضاعت معرفی نموده و در مقام شکایت به مقامات عالیه برآمده‌اند. مکرر به وزارت دارائی راجع به تعیین تکلیف آنها نوشته شده است و آن وزارت هم به استناد این که استحقاق آنها مورد تایید اداره کل شهربانی نشده است به مکاتبات آنها ترتیب اثر نداده و آنها هم دست از تعقیب موضوع بر نمی‌دارند. ۲۵/۷/۲۱

[حاشیه ۱:] آقای نصر بدون موافقت وزارت دارایی اقدامی میسر نیست. مقتضی است ورثهٔ نامبرده خودشان به وزارت مزبور مراجعه و چنانچه تصدیقی هم لازم باشد حاکی از عدم بضاعت آنها، باید خودشان در مقام تهیه برآیند. ۲۵/۷/۲۱

[حاشیه ۲:] فعلاً اقدامی‌ندارد تا ورثه مراجعه نمایند. ۲۵/۷/۲۲

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۷۴

مقام منیع حضرت اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته [تاریخ ۱۳۲۵/۸/۲]

معروضات عاجزانه عزیزالله نوه حسین کاشی مکرر به عرض حضرت اشرف رسیده که تمامی‌اموال پدرم را دولت به ناحق تصرف و این جانب از بی‌چیزی کر و کور و مفلوج شده‌ام و با عده‌ای زن و بچه صغیر از درجه زندگی ساقط و بعد از سال‌ها عسرت و دادخواهی چهار سال قبل از طرف دولت دستور اکید داده شد که این جانب را به ضمیمه فقرای ورثهٔ نایب حسین دستگیری کنند. از تاریخ اجرای امریه که مستقیماً چهار سال است به عده‌ای از ورثه مقرری پرداخته شده ولی بر خلاف نظریهٔ قانونی هیئت محترم دولت که امر شده است اول اشخاص فقیر و عاجز ورثه را دستگیری کنند، این جانب که عجزه و فقیرترین افراد ورثه و از دست و چشم و گوش عاجز و دارای عده‌ای اطفال صغیرم هر روزی به یک عنوانی در شکنجهٔ گرسنگی و مسامحه اولیای امور معذب و با وجود هزارگونه استغاثه و

التماس تا امروز ترتیب اثری به حالت جان سوز عده‌ای زن و بچه‌های صغیرم که مشقت گرسنگی و عریانی رمقی در تنشان نگذاشته داده نشده و معلوم نیست که اولیای امور از چه نقطه نظر این همه عجزه و ضعفا را اذیت و آزار می‌کنند. مگر در کشور ما وجدان و قانون نیست؟ اگر اولیای امور از غضب خدا ترسی ندارند، آیا هیچ به خاطرشان نمی‌رسد که نفرین عجزه و بیچارگان ممکن است چه عواقب وخیمی‌برای کشور تولید کند؟ بنده چقدر با خون دل به آستان حضرت اشرف عریضه داده و تقاضای دادخواهی نموده‌ام که اگر با این همه فقر و عاجزی چیزی از مال دولت خواسته باشم شما اختیار دارید که مرا مجازات کنید حتی بکشید در صورتی که جز لقمه نانی برای قوت لایموت مشتی بچه بی‌گناه از اموال پدرم، آن هم اموالی که دولت به ضمیمه قتل پدرم، غصب کرده است نخواسته‌ام. به چه گناهی باید عده‌ای اطفال مظلومم از مسامحه دولت بمیرند. حضرت اشرف شما را باکمال یک دنیا عجز و بیچارگی به این قطعه قرآن مجید قسم می‌دهد که بیش از این راضی به مسامحه و اذیت بنده که باعث اتلاف جان عده‌ای اطفال بی‌گناهم می‌شود، نشده استرحاما" امر و مقرر فرمایید همان طور که به عده‌ای ورثه مقرری پرداخته‌اند مقرری این جانب را هم طبق وعده و انتظارهای چهار ساله بپردازند تا دعاگوی ذات مبارک باشم.

عزیزالله نوه نایب حسین کاشی، کاشان پشت مشهد ۲۵/۸/۲

مهر ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۹۸۵۶/۲، تاریخ ۱۳۲۵/۸/۲۶

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۷۵

وزارت دارایی، تاریخ ۱۳۲۶/۳/۸ شماره ۱/۱۳۶۲۴

جناب اشرف آقای نخست وزیر

در جواب مرقومه شماره (۵۵۸۰) به تاریخ ۱۳۲۶/۳/۱۶ موضوع هزینهٔ اعاشهٔ ورثه مرحوم نایب حسین کاشی و سوابق هزینهٔ اعاشهٔ مزبور به استحضار میرساند.

پس از قلع و قمع نایب حسین کاشی و پسرهای او کلیه املاک متصرفی آنها را دولت ضبط می‌نماید و اغلب آنها نیز طبق مقررات قانون فروش، به اشخاص فروخته شده است. بعداً بازماندگان آنها برای امرار معاش خود درصدد شکایت برآمده و در نتیجه تصویب نامه شماره (۱۰۸۳۱) به تاریخ ۱۲-۱۰-۱۳۰۵ صادر گردید که املاک نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله به وراث رسمی آنها مسترد شود ولی چون طبق قانون املاک اشخاصی که بر اثر شرارت و یاغی‌گری به تصرف دولت درآمده و ده سال به طور خالصه عمل شده باشد، قابل استرداد نبوده و جزء خالصه دولت شناخته می‌شود و از طرفی مجلس شورای ملی هم با اجرای تصویب نامه نامبرده موافقت ننموده، لذا تصویب نامه مزبور عملی نگردید.

بعداً وراث نامبرده در مقام شکایت به مقامات عالیه برآمده و در نتیجه طبق دستور شماره (۱۰۸۱) به تاریخ ۱/۲۴-۱۳۲۱ و شماره (۲۵۹۸) به تاریخ ۱۳۲۱/۹/۲۹ نخست وزیری مقرر گردید به هر یک از وراث نایب حسین کاشی که فاقد وسایل زندگانی و معاش هستند از هر محلی و به هر شکلی که ممکن است کمک گردد.

در اجرای دستور مزبور، برطبق تشخیص ادارهٔ دارائی کاشان و تصدیق ادارهٔ کل شهربانی، موافقت گردید به هر یک از عائله وراث نایب حسین که در عسرت و مضیقه هستند هزینهٔ اعاشهٔ از اعتبار دولت پرداخته شود که بالنتیجه بر طبق پیشنهاد این وزارت از سال ۱۳۲۲ الی ۱۳۲۵ ماهی مبلغ سه هزار و ششصد و شصت ریال (۳۶۶۰ ریال) به پنج نفر از اولاد ورثه مزبور بشرح زیر:

به تاریخ ۱۳۲۶/۳/۸ - شماره ۱/۱۳۶۲۴

۱) - محمد آقا فرزند نایب حسین کاشی	۹۰۰/۰۰ ریال
۲) - مهرانگیز فرزند نایب حسین کاشی	۹۰۰/۰۰ ریال
۳) -کشور فرزند نایب حسین کاشی	۶۰۰/۰۰ ریال
۴) انیس آقا عیال نایب حسین کاشی	۶۰۰/۰۰ ریال
۵) - ربابه عیال ماشاء الله = =	۶۶۰/۰۰ ریال
جمع	۳۶۶۰/۰۰ ریال

بر طبق تصویب نامه‌های صادره از اعتبار دولت پرداخته شده.

در اثر این مساعدت سایر وراث نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله (از قبیل عیال و اولاد و نوه و نتیجه) در مقام شکایت برآمده و اغلب آنها به نام عدم بضاعت و بعضی از آنها به عنوان تصرف املاک خودشان مطالبه شهریه می‌نمایند.

با عرض به این که مراتب طی شماره ۳۹۸۹۳ به تاریخ ۱۳۲۵/۶/۲۷ به عرض آن مقام رسیده و تا کنون دستوری صادر نفرمودند، اینک مجدداً سوابق امر را به عرض می‌رساند تا درصورت تصویب دستور فرمایند نسبت به صدور تصویب نامه پنج نفر اشخاص نامبرده بالا، باستثناء مهرانگیز صبیه نایب حسین که ضمن سیاهه تحت نظری ها، تصویب نامه مقرری نامبرده صادر شده است، برای سال جاری نیز مطابق سال گذشته، تصویب نامه آن را صادر و ابلاغ فرمایند. ضمنا" نسبت به بقیه وراث آن مرحوم که مرتبا" در مقام شکایت برآمده‌اند تصمیم عالی را ابلاغ فرمایند تا بهمان ترتیب عمل و اقدام شود.

از طرف وزیر دارایی حسین خواجه نوری

[حاشیه ۱:] به عرض جناب آقای رئیس کل دفتر نخست وزیر می‌رساند. ۲۶/۴/۱۱

[حاشیه ۲:] آقای نصر؛ در کار هیئت وزیران گذارده شود، قرائت و تصمیم لازم اتخاذ فرمایند.

[حاشیه ۳:] در هیئت مطرح و قرار شد پاسخ داده شود که وجهی پرداخت نشود. ۲۴/۶/۲۴

[حاشیه ۴:] مهر بایگانی دفتر نخست وزیر شماره ۶۲

[حاشیه ۵:] مهر ورود به دفتر نخست وزیر شماره ۷۱۰۰ تاریخ ۱۳۲۶/۴/۱۰

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵/۳-۱۱۴۴۰]

۵۷۶

مقام محترم حضرت اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته

با نهایت احترام معروض می‌دارم جزئی املاک فدوی که وسیلهٔ امرار معاش

خود و یک مشت عائله بدبخت بود دولت جزو املاک پدرم ضبط حتی خانه و مهریه عیال فدوی را توقیف نمودند. از آن زمان تاکنون در نهایت عسرت و بیچارگی به سر می‌برم. آنچه را به مقامات مربوطه عریضه نموده‌ام تمام را به وعدهٔ امروز - فردا گذرانیده‌اند. در کابینه گذشته حضرت اشرف شرح عسرت بیچارگی خود را تقدیم نموده تصویب نامه شماره ۱۱۷۷۶/۲۲/۶/۷ صادر که به اولاد بی‌بضاعت نایب حسین حقوقی داده شود. حتی به وزارت دارایی ابلاغ گردید و رسیدگی شده که فدوی بکلی از هستی ساقط به واسطهٔ کثرت سن و نابینایی چشم در نهایت بیچارگی گذران می‌نمایم. با این که تصویب نامه دربارهٔ عده‌ای از فرزندان آن مرحوم اجرا [و] مدتی شهریه خود را دریافت می‌نمایند، نسبت به این جانب حسن آریان‌پور که فرزند آن مرحوم می‌باشم و تمام دارایی [ام] توقیف دولت شده توجه مرحمتی نشده، استدعای عاجزانه دارم امر و مقرر فرمایند که آسایش امورات این دعاگویان را فراهم نموده که آسوده خاطر به دعاگویی مشغول باشم. امر امر مبارک است.

حسن آریان‌پور کاشانی پسر نایب حسین کاشانی

پرونده ضمیمه فرمایند ۲۶/۳/۲۳

مهر ورود به دفتر نخست وزیر تاریخ ۱۳۲۶/۳/۲۵ شماره ۶۳۰۹/۴

بایگانی دفتر نخست وزیر شماره ۵۶

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۷۷

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از تهران به تهران (ط)، شماره قبض ۱۴۴۸۹۹ شماره تلگراف ۱۴۵، تاریخ ۱۰/۴/[۱۳۲۶]

جناب اشرف آقای نخست وزیر، رونوشت جناب آقای هژیر وزیر دارایی، رونوشت جناب آقای دکتر اقبال، رونوشت جناب آقای موسوی زاده اکنون که حسب الامر جناب اشرف وزارت دارایی پرونده این جانبان را ملاحظه، گزارش

وضعیت کار این جانبان را به شماره ۱۳۶۲۴-۸ تیر تقدیم نموده‌اند. استدعا داریم وجدانا" تصمیمی اتخاذ فرمایید که آسایش ما هم تأمین و چنانچه عجالتا" استرداد املاک مقدور نیست، اجازه فرمایید وزارت دارایی کمک هزینه [ای]که با آن بتوانیم با عائلهٔ خود با مشکلات زندگی فعلی گذران کنیم به ما چهار نفر هم که بقیه وراث بی بضاعت نایب حسین و ماشاءالله خان می‌باشیم به طوری که به ۵ نفر دیگر وراث می‌دهند، بپردازند که به دعاگویی اشتغال ورزیم. ضمنا" چون ملجاء و پناهی نداریم چنانچه تصمیم عاجلی اتخاذ نفرمایند ناچاریم با کلیهٔ عائله خود به دولت سرای جناب اشرف تحصن اختیار کنیم.

حسن و امیر فرزندان نایب حسین - احمد و توران فرزندان ماشاءالله خان کاشانی

مهر ورود به دفتر ریاست وزراء شماره ۷۶۸۱ تاریخ ۱۳۲۶/۴/۱۱

پیشینه ۴/۱۳ - پرونده مربوطه چند روز پیش خدمت آقای نصر ارسال شد. ۲۶/۴/۱۴

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۷۸

جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته

اضطرارا" معروض می‌دارد:

پس از سال‌ها تظلم به پیشگاه دولت و مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۳[ش] از طرف مجلس شورای ملی مقرر شد تا دولت نسبت به زن‌های بی‌شوهر و مردهایی که از کار افتاده‌اند مختصر مساعدتی بشود. لذا از طرف جناب اشرف آقای نخست وزیر مقرر شد تا ماهی دویست و هفتاد و شش تومان (۲۷۶ تومان) به چهار نفر وراث مرحوم نایب حسین کاشانی بدهند. از سال ۱۳۲۳ تاکنون این حقوق را می‌دادند، ولی از اوائل سال ۱۳۲۶ هنوز حقوق این چهار نفر را نداده‌اند. اینک پناهنده شده استدعای عاجزانه داریم که مقرر فرمایید در این موقع ناتوانی و علیلی این جزئی حقوق را بدهند تا از عسرت و پریشانی تلف نشویم. در خاتمه

وجدان پاک را حکم قرار می‌دهیم آیا سزاوار است که پدران ما آنچه را در مدت یک عمر زحمت و کوشش به دست آورده آنها را دولت یک دفعه تصرف نماید، آن وقت عائلهٔ او از پریشانی و عسرت تلف شوند. امید است که به نام عدل و انصاف دربارهٔ این جانبان رفتار فرمایید. امر امر مبارک است.

وراث نایب حسین، فدوی محمد، کشور، ربابه، انیس آغا

[حاشیه ۱:] ورود به دفتر نخست‌وزیر، شماره ۱۱۲۸۹/۲، تاریخ ۱۳۲۶/۶/۲۶- سابقه ۶/۲۶

[حاشیه ۲:] جناب آقای نصر مدیر کل ۲۶/۷/۷ -

[حاشیه ۳:] ورود به دفتر رسمی و مخصوص نخست وزیر، شماره ۴۹۲۶، تاریخ ۲۶/۷/۸

[حاشیه ۴:] جواب داده شده وزارت دارایی طرح تصویب‌نامه برای کمک به شما تهیه و تقدیم هیئت محترم دولت نموده و مورد تصویب واقع نشده و اقدام دیگری میسر نگشت. امضاء ۲۶/۷/۸

همان طور که دستور داده شده است اقدام فرمایید.

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۷۹

دفتر نخست وزیر، شمارهٔ عمومی ۱۱۲۸/۲، تاریخ ثبت ۲۶/۷/۱۳ بانو کشور و سایرین

در پاسخ نامه مورخ ۲۶/۷/۸ اشعار می‌دارد، چون پرداخت ماهیانه و مقرری دربارهٔ شما مورد تصویب هیئت محترم وزیران واقع نگردیده است لذا انجام درخواست شما مقدور نخواهد بود.

رئیس کل دفتر نخست وزیر

بایگانی دفتر نخست وزیر، شماره ۷۵

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۸۰

وزارت دادگستری، دفتر کل وزارتی، تاریخ ۱۳۲۶/۸/۲۰ [ش]، شماره ۳۰۹۹
ریاست هیئت وزیران

با اعادهٔ عریضه بانو انیس آغافرزین عیال مرحوم نایب علی شجاع لشکر (پسر نایب حسین) که به شماره ۱۴۷۳۴/۲ ثبت و به وزارت دادگستری ارجاع گردیده است به استحضار خاطر عالی می‌رساند، مشارالیها تقاضا نموده است یا مختصر حقوقی که برای او پیشنهاد شده تصویب گردد و یا آن‌که از املاک شوهرش که به نام اموال نایب حسین ضبط گردیده مقداری به او واگذار شود که امرار معاش نماید و این موضوع ارتباطی با وزارت دادگستری ندارد.

وزیر دادگستری

[حاشیه ۱:] آقای هدایت، داوری

[حاشیه ۲:] مهر ورود به دفتر نخست وزیر، تاریخ ۲۶/۸/۲۳، شماره ۱۵۹۶۰/۲
در[...] شماره ۱۴۷۳۴۲ به وزارت دارایی ارجاع گردید.
بایگانی شود

[شماره سند ۱ -۱۱۶۰۰۵- ۱۱۴۲]

۵۸۱

جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمته [تاریخ] ۲۶/۱۰/۲۷ [۱۳]
اضطراراً به عرض می‌رساند

در تعقیب مستدعیات سابقه مجدداً به عرض می‌رساند که چون دولت، نایب حسین کاشانی را اعدام و کلیهٔ سرمایه او را ضبط نمود عائلهٔ او به عسرت و پشیمانی دچار گشته و دائماً از دولت تقاضای مدد معاش می‌نمودند. در سال ۱۳۲۳ [ش] طبق امریهٔ مجلس شورای ملی مقرر شد تا ماهی شصت و شش تومان ادارهٔ کل شهربانی به این کمینه بدهد. اداره کل شهربانی تا آخر سال ۱۳۲۵ [ش] حقوق کمینه را می‌پرداخت و از اول سال ۱۳۲۶ حقوق کمینه را توقیف نموده‌اند.

اینک پناهنده به آن وجود مقدس شده استدعای عاجزانه داریم که امر و مقرر فرمایید تا این جزئی حقوق کمینه را در این موقع پیری و ناتوانی مرحمت نمائید تا به دعاگویی وجود مبارک اشتغال ورزیم. امر امر مبارک است.

کمینه ربابهٔ آریان‌پور وارث نایب حسین کاشانی

[حاشیه ۱:] دفتر عرایض ۲۶/۱۰/۲۸ [۱۳]

[حاشیه ۲:] آقای امیر پناهی دیروز کتباً به این بانو نوشته که هیئت وزراء با پرداخت مقرری وراث نایب حسین کاشی موافقت نکرده‌اند. چنانچه باز هم مراجعه نمایند همین جواب را ابلاغ فرمایید. داوری ۱۰/۲۸

ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۱۵۹۷۵/۲، تاریخ ۱۳۲۶/۱۰/۲۹

بایگانی شود **[شماره سند ۱ -۵-۱۱۶۰۰ -۱۱۴۱]**

۵۸۲

جناب آقای حکیمی نخست وزیر ایران

به طوری که خاطر عالی استحضار دارد بعد از این که دولت، مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی را اعدام نمود کلیهٔ اموال و املاک آنها راتحت توقیف درآورد، برای این که وراث آنها به سختی نباشند تا مدتی شهریه از طرف دولت به وراث پرداخت می‌شد تا در سال ۱۳۰۵ هیئت وزیران تصویب نامه شماره ۱۰۸۳۱ را صادر و مقرر فرمودند که املاک این جانبان مسترد شود. ولی در اثر غرض رانی بعضی از وزراء، مفاد تصویب نامه به موقع اجرا گذارده نشد و این جانبان به حال عسرت باقی ماندیم. در این مدت به تمام دولت‌های وقت مراجعه و عموما" در صدد رفع تعدی و احقاق حق ما بودند ولی در اثر بطئ جریان امور دستگاه‌های دولتی قبل از حصول نتیجه هر یک ازکار برکنار شدند تا در زمان کابینه گذشته به حضرت اشرف پناهنده شد و به موجب امریه شماره ۸۶۷۷۶-۲۴/۹/۸ که رونوشت آن پیوست تقدیم است، دستور رسیدگی و احقاق حق ما را فرمود. متأسفانه به زودی حضرت اشرف ازکارکناره گیری فرمودید وکار ما به حال سابق

باقی و نتیجه که متضمن آسایش ما یک فامیل بزرگی باشد به عمل نیامد. اینک با عرض مراتب بالا به وجدان پاک حضرت اشرف پناهنده شده و استدعا داریم امر و مقرر فرمائید فوراً شخص با وجدان و بی‌غرضی پرونده ما را مطالعه و تصمیمی اتخاذ فرمایید که آسایش ما تأمین شود.

از طرف وراث نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی. احمد آریان‌پور کاشانی - امیر آریان‌پور

ورود به دفتر نخست وزیر شماره ۱۶۱۰۲۱/۲ تاریخ ۲۶/۱۱/۱

[حاشیه ۱:] بایگانی پرونده امر را پیوست فرمایید. ۲۶/۱۱/۱

[حاشیه ۲:] آقای بهار ۲۶/۱۱/۱،

جناب آقای بهار چند روز قبل به بانو آریان‌پور جواب داده شد که اعتبار دولت تمام شده و تقاضای ایشان فعلا" انجام شدنی نیست. از طرف ۱۱/۴

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۸۳

به عرض جناب آقای معاون می‌رساند

بانو ربابه آریان‌پور یکی از بازماندگان نایب حسین کاشانی اظهار می‌دارد: قطع وظیفهٔ اعطایی از طرف هیئت محترم به وراث برای این بوده است که آنها مستطیع [اند] و احتیاجی به کمک دولت نداشته ولی این جانبه نه کسی را دارد که استمداد کند و نه کسی به او کمک می‌کند. اگر از اول هذه السنه توانسته امرار معاش نماید به مناسبت مقرری دولتی بوده که تاکنون توانسته زندگانی خود را به استقراض بگذراند و شفاهاً عرض می‌کند که از هستی بکلی ساقط و چنانچه به او کمک نشود قصد تحصن را دارد. بعلاوه معروض می‌دارد مقرری نامبرده مبلغ ناچیزی است. اگر هیئت محترم دولت موافقت می‌فرمایند طرح تصویب نامه آن تهیه گردد و تقدیم شود.

۲۶/۱۱/۲ [۱۳ ش]

[حاشیه ۱:] تا موقع تصویب طرح تصویب نامه این پرونده بایگانی شود. ۲۶/۱۱/۱۷

[حاشیه ۲:] بنده موافقم امضاء ناخوانا

بایگانی دفتر نخست وزیر شماره ۸۲

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۸۴

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف، از تهران، تاریخ وصول ۱۱/۱۱/[۱۳۲۶]، تعداد کلمه ۹۴

جناب آقای حکیمی نخست وزیر ایران اکنون که برنامهٔ دولت آن جناب، تهیهٔ کاری برای بی‌کاران و مردم این کشور است، اول دولت آقای حکیمی توجهی نسبت به عرایض یک فامیل چهار هزار نفری که کلیهٔ مایملک آن‌ها از طرف دولت توقیف است نموده و بیش از این راضی نشوند به استیصال و پریشانی باقی باشند که اسباب زحمت گردد. انتظار رسیدگی فوری و بذل لطف را داریم. از طرف چهار هزار نفر وراث و بستگان نایب حسین و ماشاءالله خان کاشانی.

احمد آریان‌پور کاشانی، امیر حسین، عباس، مهدی یدالله، سیاوش، حسین آریان‌پور.

خیابان فردوسی شماره ۴۵ توسط تجارت خانه عباس آریان‌پور کاشانی

[حاشیه در بالای نامه:] چون آقای نصر از جریان امر استحضار کافی دارند خدمت ایشان ارسال می‌گردد. ۲۶/۱۱/۱۳

[حاشیه پایین:] به عرض می‌رساند نویسندهٔ تلگراف یکی از ورثه نایب حسین کاشانی است. ۲۶/۱۱/۱۳

مهر ورود به دفتر نخست وزیری، شماره ۲۱۲۲۹، تاریخ ۱۳۲۶/۱۱/۱۲

[سند شماره ۱-۱۱۶۰۰۵/۱۱۴۱]

۵۸۵

جناب آقای حکیمی نخست وزیر محبوب

اکنون که حسب الامر حضرت اشرف از دفتر نخست وزیری گزارشی راجع به استیصال و پریشانی این جانبان تقدیم شده است، استدعا داریم زودتر توجهی به حال یک مشت بی‌چاره فلک زده که کلیه مایملکمان از طرف دولت‌های بی‌عدالت سابق توقیف و سال‌هاست با عسرت و پریشانی دست به‌گریبان هستیم فرموده و مقرر فرمایید زودتر فکری به حال ما نمایند و آسایشی برای ما تهیه فرمایند. بدیهی است وجدان پاک حضرت اشرف راضی نخواهد شد که ما بیشتر از این در عسرت باقی باشیم. تقاضای بذل لطف فوری را داریم.

احمد - توران - ربابه - یدالله وراث مرحوم ماشاءالله خان کاشانی

امیر، حسن، بانو مهراکبر (مهرانگیز)، بانو کشور، وراث مرحوم نایب حسین

مهر ورود به دفتر نخست‌وزیر، شماره ۱۷۲۵۷/۲، تاریخ ۱۳۲۶/۱۱/۲۹ [ش]

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۱]

۵۸۶

هوالله

[۱۳]۲۷/۱/۵ مقام منیع جناب اشرف اعظم آقای نخست وزیر دامت عظمته

با کمال عجز و بی‌چارگی معروض می‌دارد:

عزیزالله نوهٔ حسین کاشانی بر اثر ضبط اموال و دارایی پدرم از بی‌چیزی کر و کور و مفلوج شده‌ام و فعلاً" در ولایت کاشان با عده‌ای عائله و اطفال صغیرم به واسطه کری و کوری و فلج دست، با مرگ دست به‌گریبان و با نداشتن تکفل و دیناری از مال دنیا وضعیت زندگی عدهٔ اطفال مظلومم به حدی تاثرآور شده که مزیدی متصور نیست و خدا شاهد است که در این دورهٔ گرانی و سختی از مشقت گرسنگی و برهنگی و بیماری چه به روزگار خود و عدهٔ عائله و بچه‌های بی گناهم می‌گذرد. در صورتی که املاک پدر این جانب که از طرف دولت به ناحق غصب شده اقلاً"

سالیانه چندین هزار تومان عایدی دارد. بااین حال نه دولت به جان بنده و مشتی اطفال مظلومم ابقا می‌کند و نه وزارت دارایی از راه مسامحه راضـی مـی‌شود کـه بچه‌های گرسنه و عریانم را به لقمه نانی از پدرم که به ناحق غصب کرده دستگیری کند. خدا می‌داند که در مدت متجاوز از بیست سال که دولت تمام اموال منقول و غیرمنقول پدرم را به ناحق غارت کرده، بنده چقدر با خون دل عریضه به مقامات عالیه داده و چقدر متحمل خسارت جانی و مالی شده‌ام و دولت چقدر به بـنده وعده استرداد و استعانت و پرداخت مقرری داده است که یکی را با وجود ابرام قول به منصه عمل نیاورده است. مخصوصا" از چـهار سـال قـبل کـه بـه مـوجب تصویب نامه هیئت محترم دولت، رئیس کل شهربانی به این جانب نوشته که مقرری تو تصویب شده منتظر رسید باش، بنده به این امید تا کاسه و کوزه‌هایم را فروخته و نان جو بچه‌هایم را از مردم تکدی نموده‌ام. اکنون نظر به این که وضعیت زندگی این بنده بر اثر کری و کوری و فلج و ناتوانی به حدی تـاثرآور شـده کـه بـا عـده‌ای از بچه‌های مظلومم که از شدت گرسنگی و بیماری رمقی در تنشان نمانده مشـرف به مرگ هستم. استرحاما" از مقام حضرت اشرف استدعای عاجزانه مـی‌دارد کـه بیش از این راضی به زجر و عقوبت بنده که باعث اتلاف جان عده‌ای زن و بـچه مظلوم است نشود. استرحاما" امر و مقرر فرمایید هزینهٔ اعاشهٔ این جانب را از اموال توقیفی پدرم بپردازند تا به دعاگویی ذات مبارک اشتغال نمایم.

عزیزالله نوهٔ نایب حسین

کاشان - پشت مشهد

[حاشیه:] بایگانی دفتر نخست وزیر شماره ۸۷ - سابقه ۱/۱۸

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۸۷

مقام منیع حضرت اشرف جناب نخست وزیر دامت عـظمته العـالی [تـاریخ] [۱۳]۲۷/۲/۱۵

محترما" به عرض بندگان عالی می‌رساند:

این کمینه بانو مهری صبیهٔ مرحوم نایب حسین کاشانی، به موجب تصویب نامهٔ رونوشت شماره ۷۴۳۰ مورخ ۲۲/۴/۶ که اصل آن به شماره ۱۲۴۶۶ وزارتی ثبت شده است.

وزارت دارایی، هیئت وزیران در جلسهٔ ۴ تیر ماه ۱۳۲۲ بنا به پیشنهاد شماره ۶۹۲۰/ پ ۱۱۳۴۰ به تاریخ ۲۲/۳/۲۹ وزارت دارایی تصویب نمودند که مبلغ ده هزار و هشتصد ریال بابت هزینهٔ اعاشهٔ یک ساله ۱۳۲۲ / این کمینه و چهار نفر فرزندانم رضا و فخری و قدسی و مهین از قرار ماهی نهصد ریال از اول فروردین ماه از اعتبار سنواتی دولت بپردازند. تصویب نامه در دفتر جناب نخست وزیر است، از طرف جناب نخست وزیر ناصر اعتمادی [؟]

بنا به دستور تصویب نامه فوق همه ساله تصویب و پرداخته می‌شد و کمک و مساعدتی به نان خالی این پنج سر عائله بوده ولی امسال که سنه ۱۳۲۷ [ش] می‌باشد هنوز تصویب و پرداخته نشده و بدین لحاظ امور معاشی این دعاگویان به‌کلی مختل و پریشان و درهم شده است. استدعای عاجزانهٔ این کمینه و فرزندان، از آن مقام منیع چنان است که امریه صادر شود که این کمک نان خالی را به این پنج سر عائله پریشان بپردازند. البته باعث مزید دعاگویی خواهد بود. امر امر عالی است.

کمینه بانو مهری صبیهٔ مرحوم نایب حسین کاشی

[حاشیه:] به عرض می‌رسد ۲۷/۲/۱۸ - اداره حسابداری ۲۷/۲/۱۸ - ورود به دفتر نخست وزیری، شماره ۲۲۱۹ بایگانی ۲۷/۲/۲۱، تاریخ ۱۳۲۷/۲/۱۶

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۸۸

وزارت دادگستری، ادارهٔ کل دفتر وزارتی، تاریخ [۱۳۲۹ ش]

وزارت دارایی

بانو مهرانگیز دختر مرحوم نایب حسین کاشانی به شرح عریضه تقدیمی به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی متظلم است [که] املاک موروث او که چند سال قبل ضبط شده بود، دوباره به آنها مسترد گردیده ولی در اثر سعایت مغرضین مجدداً از طرف دولت ضبط شده و تقاضای استرداد آن را دارد. عین عریضهٔ نامبرده از لحاظ ارتباط موضوع با آن وزارت برای اقدام شایسته به پیوست ارسال می‌شود.

نمره ۸۱۳۴/۲۹/۳/۲ وزیر دادگستری

رونوشت بازگشت به مرجوعهٔ شماره ۸۶۳/۵-۲۹/۲/۷ برای استحضار نخست وزیر ارسال می‌شود.

از طرف وزیر دادگستری، محمد علی بوذری[1]

[حاشیه:] [مهر ناخوانا] شماره ۱۱۴۵/۵ تاریخ ۲۹/۳/۲

بایگانی شود ۲۹/۳/۳

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۵۸۹

وزارت دادگستری، اداره دفترکل وزارتی، به تاریخ [۱۳۲۹ ش]

وزارت دارایی

تعقیب نامه شماره ۸۱۳۴-۲۹/۳/۲۰ چون بانو مهرانگیز دختر مرحوم نایب حسین کاشانی از عدم استرداد املاک مورد ادعا به شرح عریضه تقدیمی‌به جناب آقای نخست وزیر تجدید تظلم نموده، خواهشمند است دستور فرمایید از چگونگی قضیه و نتیجه اقدام وزارت دادگستری را آگاه سازند.

م وزیر دادگستری

رونوشت: تعقیب نامه شماره ۸۱۳۴-۲۹/۳/۲۰ با اعادهٔ عریضهٔ اخیر بانوی نامبرده که بدون ثبت در دفترکل نخست وزیری به وزارت دادگستری رسیده است

---

۱. وزیر دادگستری به سال ۱۳۲۹ هش

برای استحضار ریاست کل دفتر نخست وزیری ارسال می‌شود. وزیر دادگستری

[حاشیه:] ۲۹/۵/۲۴ / ۲۳۵۰۲/۲ بایگانی

[شماره سند ۱-۵۰۰۶ ۱۱-۱۱۴۲]

۵۹۰

وزارت دارایی

آقای حسن آریان‌پور فرزند نایب حسین کاشی

در جواب نامه شما به عنوان نخست وزیری راجع به استرداد املاک مضبوطه اشعار می‌شود به طوری که کرارا" به شما جواب داده شده املاک مزبور سالیان متمادی است به تصرف دولت درآمده و استرداد آن غیر مقدور بوده و نیز در مورد ادعای فعلی شما موضوع استرداد خانه منصور لشکر، که آن هم جزء املاک مضبوطه بوده، طبق قوانین جاریه اقدامی میسر نیست. مقتضی است بیش از این موضوع را تجدید ننموده و از تضییع وقت و شکایت خودداری نمایید.

۱۱۲۳۴/۴۴ / ۲۹/۵/۲۹ کفیل ادارهٔ کل خالصه

رونوشت به ضمیمه عین درخواست جهت استحضار به ادارهٔ کل دفتر نخست وزیری ایفاد و اشعار می‌شود که پس از قلع و قمع نایب حسین کاشی املاک نامبرده به ضبط دولت درآمده و بعداً ورثه او در مقام شکایت و تقاضای استرداد املاک مزبور برآمدند و تصویب نامه‌ای هم در سال ۱۳۰۵ به تصویب هیئت دولت رسید که املاک آنها مسترد شود. لیکن این تصویب نامه مورد اعتراض مجلس شورای ملی واقع و اجرا نگردید و بعد از تصویب قانون رسیدگی و دعاوی بین افراد و دولت، مصوب آبان ۱۳۰۹، موضوع مشمول ماده ۲ قانون مزبور گردیده و بنا به جهات مذکور استرداد املاک نایب حسین کاشی ممکن نیست.

کفیل اداره خالصه

[حاشیه:] بایگانی دفتر نخست وزیر، شماره ۹۷

[شماره سند: ۱-۵۰۰۶ ۱۱-۱۱۴۲]

۵۹۱

وزارت دارایی، تاریخ ۱۳۲۹/۶/۳، شماره ۳۱۱۰۸

جناب آقای نخست وزیر

با اعادهٔ نامه مورخه ۱۳۲۹/۵/۱۸ راجع به شکایت عزیزالله نوهٔ نایب حسین کاشی معروض می‌دارد:

پس از قلع و قمع نایب حسین کاشی و نوه‌های او، وراث نامبردگان در مقام شکایت بر آمده و با اظهار فقر و پریشانی تقاضای کمک و مساعدت نموده بودند که در نتیجه در سال ۳۲۱ [۱] بنابه دستور شمارهٔ ۱۰۸۱ -۲۱/۱/۲۴ و شماره ۲۵۹۸ - ۲۱/۹/۲۹ نخست وزیری مقرر گردید به هر یک از وراث نایب حسین کاشی که فاقد وسایل زندگانی و معاش هستند به هر نحوی که ممکن است کمک و مساعدتی بشود.

در اجرای منظور فوق و تشخیص ادارهٔ دارایی کاشان و تصدیق ادارهٔ کل شهربانی به پنج نفر از وراث نامبردگان که در عسرت و مضیقه بودند، ماهیانه مبلغ مناسبی که با اوضاع و احوال عائلهٔ آنها وفق می‌داد، از اعتبار دولت به نام کمک هزینهٔ اعاشهٔ و مساعدت با آنها پرداخت شد. از جمله ماهی نهصد ریال دربارهٔ محمد آقا پدر شخص شاکی است تا آخر سال ۱۳۲۵ از اعتبار دولت پرداخت گردیده. ولی چون در اثر این مساعدت، سایر وراث نایب حسین و نایب علی و ماشاءالله (از قبیل عیال و فرزند و نوه و نتیجه) در مقام شکایت بر آمده و اغلب آنها به نام عدم بضاعت و بعضی آنها به عنوان این که املاکشان در تصرف دولت درآمده و در نتیجه عاجز و ناتوان شده‌اند، درخواست شهریه و هزینهٔ اعاشهٔ می‌نمودند، لذا جریان امر طی شماره ۱۳۶۲۴ - ۲۶/۴/۷ به هیئت وزیران گزارش شد و پس از طرح موضوع در جلسه ۲۴ تیر ماه ۱۳۲۶ در هیئت وزیران مقرر گردید که دیگر وجهی به وراث مزبور داده نشود و به این ترتیب اقدام موضوع خاتمه پذیرفت.

ضمناً به طوری که خود عزیزالله شاکی اظهار می‌دارد، پدر او که ماهی نهصد ریال هزینهٔ اعاشهٔ می‌گرفته فوت نموده است. با عرض این که چنانچه دربارهٔ یک

نفر از وراث نامبردگان کمک و مساعدتی بشود، مسلماً سایر وراث [که] متجاوز از بیست نفر هستند در مقام شکایت بر آمده و مطالبهٔ کمک و هزینهٔ اعاشهٔ خواهند نمود. گذشته از مراتب بالا، مستحضر هستند اعتبار دولت بکلی تمام شده و اساساً برای پرداخت وجه به هر عنوان و مبلغی باشد محلی نیست.

از طرف وزیر دارایی

[حاشیه:]آقای زین‌الدین جواب داده شود، بیش از آنچه تا به حال داده شد کمکی میّسر نیست. ۲۹/۶/۷

ورود به دفتر نخست وزیر ساعت ۸:۰۰ ½ [تاریخ] ۱۳۲۹/۶/۶ به شماره ۲۸۸۶۶/۲

بایگانی دفتر نخست وزیر شماره ۱۰۰

[سند شماره ۱ -۱۱۶۵۰۵/ ۴ -۱۱۴۴]

۵۹۲

جناب آقای رزم آراء نخست وزیر محبوب و معظم ایران [تاریخ] ۲۹/۶/۶ [۱۳]

در این موقع که توجهات آن جناب درکلیه امورکشور تحولاتی ایجاد و تا حدی دولت آن جناب در تهیه رفاه و آسایش ملت کوشش فرموده‌اند، این جانبان وراث محروم نایب حسین کاشانی که سال‌ها در اثر جور و تعدیات دولت‌های گذشته از نعمت‌های زندگی دور و محروم هستیم به آستان مبارک ملتجی و استدعا داریم سه دقیقه وقت خود را صرف عرایض حقه این جانبان توجه و چنانچه اظهاراتمان صحیح است بذل لطف و در غیر این صورت مقرر فرمایید صریحاً جواب رد بدهند.

اینک شرح حال:

بعد از این که دولت، مرحوم نایب حسین و ماشاءالله خان را اعدام نمود چون وراث آنها غالباً طفل و یا اشخاص بی‌گناه بودند مقرر شد که برای معیشت وراث آنها از طرف دولت کمک هزینه پرداخت شود، این پول تا مدتها پرداخت می‌شد تا

در سال ۱۳۰۵ [ش] هیأت وزیران تصویب‌نامه شمارهٔ ۱۱۸۰۵ را صادر و به موجب آن تصویب‌نامه مقرر داشتند که املاک این جانبان مسترد شود، دستور اجرای حکم هم از طرف وزارت مالیه صادر و سپس در اثر بعضی اشکال‌تراشی‌های مغرضین دکتر میلسپو رئیس دارایی وقت که از جریان بی‌اطلاع بود تلگرافاً دستور عدم اجرای امریه صادره را دادند. مجدداً این جانبان در مقام شکایت برآمد و به طوری که استحضار دارند طبق معمول همیشه‌گی (همیشگی) این کشور (برخلاف زمامداری آن جناب) کسی به حرف اشخاص توجهی نمی‌کرد. ناچاراً این جانبان به حالت فرار و فلاکت بار باقی و پس از مدتی در اثر تحریکات فیروز میرزا، وزیر وقت مالیه، املاک این جانبان در قبال املاک ضبطی اعلیحضرت شاه سابق به عده‌ای از مازنررانیها (مازندرانی‌ها) واگذار و کوچک‌ترین توجهی به این که صاحبان املاک زنده و همه نوع مدارک مالکیت در دست دارند و خودشان برای اعاشه در زحمت هستند، ننمودند و از طرفی چون املاک این جانبان در قبال املاک ضبطی تعویض شده بود دستور عدم تعقیب هم به ما دادند. ناچاراً سکوت اختیار و با سختی دست به‌گریبان ماندیم تا بعد از وقایع شهریور در مقام شکایت برآمدیم. طبق دستور جناب آقای ساعد نخست وزیر وقت مقرر شد برای اعاشه ورثه کمک هزینه پرداخت شود تا مدتی کمک هزینه مزبور پرداخت می‌شد تا در کابینه آقای قوام‌السلطنه که این جانبان از کمی کمک هزینه شکایت و به دستور مرحوم هژیر وزیر وقت دارایی کمک هزینه هم قطع و این جانبان به سختی دچار و ناچار در کابینهٔ جناب آقای حکیمی متوسل و ایشان دستور فرمودند که املاک این جانبان که باقی و مورد معاوضه و مبایعه قرار نگرفته مسترد دارند. اکنون نیز به آن جناب متوسل و استدعا داریم امر و مقرر فرمایید لااقل ۱۶ پارچه املاک این جانبان که در کاشان باقی است و دارائی محل در نظر دارد با قیمت نازلی و به اقساط بفروشد لااقل برای اعاشهٔ این جانبان مسترد دارند، انتظار داریم بر خلاف دولت‌های گذشته نسبت به عرایض حقه این جانبان توجه و عاجلاً آسایش این جانبان را تأمین فرمایید.

وراث مرحوم نایب حسین کاشی ـ امیر، حسن، کشور، مهری
وراث مرحوم ماشاءالله خان ـ مهدی، احمد، عباس، مرتضی، توران، یدالله
وراث مرحوم نایب علی ـ سرگرد جهان شاه، اصغر، ملوک
ورود به دفتر نخست وزیر، تاریخ ۲۹/۶/۸ [۱۳ ش]، شماره ۱۹۸۸۵/۲
آدرس ـ خیابان ژاله کوچه ۱۴ مرداد توسط احمد آریان‌پور

[شماره سند ۱ ـ۱۱۶۰۰۵ ـ۱۱۴۲]

۵۹۳

مقام منیع جناب آقای نخست وزیر دامت عظمته
به عرض عالی می‌رساند:

بعد از اعدام نایب حسین کاشانی، دولت تمام اموال و دارایی پدر این جانب عزیزالله نوه حسین نامبرده را ضبط نموده در صورتی که پدر این جانب به شهادت عموم اهالی کاشان در زمان حیات خود به هیچ وجه در کار پدر و برادر دخالت نداشته و قضیه هم روشن است که بر خلاف اصل پانزدهم و شانزدهم قانون اساسی که تصریح نموده، هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد و ضبط املاک و اموال مردم بـه عـنوان مـجازات و سیاست مـمنوع است، مـع الوصـف وثوق‌الدوله در زمان کابینهٔ خود بعد از غارت دارایی منقول پدرم، این املاک را قهراً" بدون مجوز شرعی و قانونی روی نظریات و مقاصد شخصی ضبط دولت نموده و در نتیجه بی‌چیزی، این جانب به‌کری گوش و کوری چشم و فلج دست، مـبتلا شده‌ام و بعد از سال‌ها عسرت و دادخواهی در زمان کابینهٔ آقای سهیلی، مقرری برای عائله پدرم از طرف دولت تعیین ولی بعد از چهار سال به دستور قوام‌السلطنه این مختصر بخور و نمیر که دولت در مقابل ضبط دارایی پدرم می‌پرداخت قـطع نمودند و در نتیجه بی‌چیزی، پدر این جانب فوت و بنده با چندین سر خواهر و مادر و اطفال صغیر مراتب افلاس و بی‌چارگی خود را به عرض دولت‌های قـبلی رسانیده ولی تا امروز به غیر از مسامحه و دربدری رسیدگی به دادخواهی این جانب

نشده. اینک از مقام عالی استدعای عاجزانه می‌دارد که توجهی به حالت اضطرار و عاجزی این جانب و چندین سر اطفال صغیر که تمام دارایی‌مان به طریق غصب و اجحاف در تصرف دولت می‌باشد نموده، استرحاما" امر و مقرر فرمایید وزارت دارایی نان بخور و نمیری که جان عده‌ای اطفال مظلوم را از خطر نیستی محفوظ دارد در قبال تصرف دارایی پدرم به این جانب بپردازد تا به دعاگویی ذات قرین الشرف مشغول باشم. تا امر مبارک چه اقتضا فرماید.

عزیزالله نوه حسین کاشانی

کاشان، پشت مشهد ۲۹/۵/۱۸ [۱۳ ش]

[مهر] ورود به دفتر وزارت دارایی، شماره ۳۱۱۰۸، تاریخ ۱۳۲۹/۵/۲۵
اداره کل بودجه ۲۹/۵/۳۰ [مهر] ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۱۶۹۳۷/۲،
ثبت دفتر بودجه، شماره ۱۳۶۲۰، تاریخ ۲۹/۵/۳۱ تاریخ ۱۳۲۹/۵/۲۸

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۵۹۴

وزارت دارایی

وراث مرحوم نایب حسین کاشی و ماشاءالله خان ونایب علی:

در پاسخ عریضهٔ بی تاریخ که راجع به استرداد املاک مورد ادعای خودتان به عنوان جناب آقای نخست وزیر تقدیم داشته‌اید اشعار می‌شود:

به طوری که مکرر به شما جواب داده شده است. بر طبق ماده ۲ قانون دعاوی افراد و دولت، استرداد املاک مورد ادعای شما ممکن نیست. بنابراین تکرار تقاضای شما جز تضییع وقت نتیجه دیگری ندارد.

کفیل اداره کل خالصه

۱۴۰۹۲/۴۶
۲۹/۶/۱۹

رونوشت با اعادهٔ مرجوعه شماره ۲۰۷۴۹/۲-۲۹/۶/۱۲ به ادارهٔ کل دفتر نخست وزیر ارسال و استحضار می‌دهد که پس از سرکوبی نایب حسین کاشی و

اعوان او، املاک منتسب به آنها به عنوان تمرد و طغیان به ضبط دولت درآمده و پس از شکایت ورثه رسیدگی‌هایی که به عمل آمد، تصویب نامه در سال ۱۳۰۵ از هیئت وزیران که املاک آنها مسترد شود. لیکن این تصویب نامه مورد اعتراض مجلس شورای ملی واقع گردید و بعد از تصویب قانون دعاوی بین افراد و دولت مصوب آبان ۱۳۰۹[۱] طبق ماده ۲ قانون مزبور املاک مزبور خالصه شناخته شده و قابل استرداد نیست.

کفیل اداره کل خالصه

[حاشیه ۱:] مهر بایگانی دفتر نخست وزیر شماره ۱۰۵
[حاشیه ۲:] ۳۴۹۶۶/۲ ساعت ۱۴ عصر ۲۹/۶/۱۹

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۵۹۵

وزارت دادگستری، رونوشت نامه وزارت دارایی، مورخه ۱۳۲۹/۶/۲۵، شماره ۳۴۴۲۱ -

وزارت دادگستری در پاسخ به نامه شماره ۲۷۰۸۳-۵/۶/۲۹[۱۳] راجع به شکایت بانو مهرانگیز دختر مرحوم نایب حسین کاشی، در موضوع استرداد املاک نامبرده اشعار می‌دارد؛ به طوری که استحضار دارند نایب حسین کاشی یکی از متمردین و یاغیان به دولت بوده که پس از سرکوبی نامبرده و اعدام او، املاک نامبرده [به] ضبط دولت درآمده و خالصهٔ دولت گردیده است. بعداً ورثهٔ او در مقام شکایت و استرداد املاک مضبوطه برآمده و تصویب نامه‌ای هم در سال ۱۳۰۵ به تصویب هیئت دولت رسید، که املاک مزبور مسترد شود ولیکن این تصویب نامه مورد اعتراض مجلس شورای ملی واقع و اجرا نگردید و بعد از تصویب قانون رسیدگی دعاوی بین افراد و دولت، مصوب آبان ماه ۳۰۹[۱] موضوع مشمول ماده ۲ قانون مزبور گردیده و بنا به جهات مذکوره استرداد املاک نایب حسین کاشی میسر نیست. ضمنا" به استحضار می‌رساند که برطبق تصویب نامهٔ هیئت وزیران

ماهیانه مبلغ نهصد ریال شهریه از اعتبار دولت به بانوی مزبور پرداخته می‌شود و نامبرده اظهار می‌دارد از لحاظ این که بچه‌دار و پریشان است و استرداد املاک او ممکن نیست به شهریه فعلی او مبلغی اضافه شود. نظر به این که شهریهٔ فعلی از اعتبار دولت (که در اختیار جناب آقای نخست وزیر است) پرداخت می‌شود، در صورتی که ارفاقی در حقوق نامبرده می‌شود با تصویب جناب آقای نخست وزیر از همان محل باید به عمل آید.
از طرف وزیر دارایی

رونوشت برابر اصل است.
[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۵۹۶

وزارت دادگستری، ادارهٔ کل دفتروزارتی، تاریخ ۱۳۲۹/۷/۳، شماره ۳۳۰۷۱
ریاست کل دفتر نخست وزیری

در تعقیب نامه‌های شماره ۸۱۳۴-۲۹/۳/۲۰ و ۲۲۴۰۲-۲۹/۶/۲۲ راجع به شکایت بانو مهرانگیز دختر مرحوم نایب حسین کاشانی اشعار می‌دارد، به طوری که از وزارت دارایی اطلاع می‌دهند استرداد املاک ورثهٔ نایب حسین میسر نیست و کمک به شاکیه هم از اعتبار دولت موکول به موافقت جناب آقای نخست وزیر است. اینک رونوشت نامه شماره ۳۴۴۲۱-۲۹/۶/۲۵ وزارت دارایی برای مزید اطلاع به پیوست ارسال می‌شود. م از طرف وزیر دادگستری

[حاشیه:] آقای امیرشاهی قسمتی از این نامه که مربوط به عدم استرداد املاک ورثه نایب حسین کاشی می‌باشد به شاکیه ابلاغ کنید. ۲۹/۷/۱۰

[حاشیه پایین:] نشانی ندارد. در مراجعه ابلاغ خواهد شد.

مهر ورود به دفتر نخست وزیر: شماره؟ ساعت ۱۲ تاریخ ۲۹/۷/۴

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۵۹۷

وزارت دارایی، به تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۲۴ [ش]، شماره ۳۸۲۵۸/۱۹، ضمیمه دو برگ

ادارهٔ کل دفتر نخست وزیر

با اعادهٔ شکوائیه وارده به شماره ۱۹۸۸۵/۲ مورخ ۲۹/۶/۸ آن اداره موضوع شکایت وراث مرحوم نایب حسین کاشی راجع به تقاضای استرداد ۱۶ پارچه املاک واقع در کاشان به طوری که ادارهٔ کل خالصه اطلاع می‌دهد وراث نامبرده شکوائیه دیگری راجع به موضوع مورد بحث تقدیم داشته که طی شماره ۲۰۷۴۹/۲-۲۹/۶/۱۲ به ادارهٔ کل خالصه ارجاع و ادارهٔ مزبور طی شماره ۱۴۰۹۲/۴۴ (که رونوشت ضمن اعاده عین شکوائیه به آن اداره ارسال گردیده) به وراث مزبور پاسخ داده‌اند که طبق ماده ۲ قانون دعاوی افراد و دولت استرداد املاک مورد ادعای آنها غیر مقدور است.

رئیس کل بازرسی - صالح

[حاشیه:] بنابراین بایگانی شود ۲۹/۲/۲۷

ورود به دفتر نخست وزیر، ۱۲/۲۴/[۱۳۲۹]، شماره ۹۴۵۲۰۱۲

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۵۹۸

به پیشگاه محترم اعلی حضرت همایونی شاهنشاه محبوب و پدر تاجدار ما ایرانیان دامت شوکتها

محترما" با کمال ادب به عرض ملوکانه می‌رسانیم این جانبان پرویز آریان‌پور و اکرم آریان‌پور ساکن کاشان که فعلا" مدت چند سال است به واسطه عسرت و بدبختی بی خانمان و سرگردان به طور متواری به سر می‌بریم و تمام املاک و اموال پدران و اقوام ما را به عنوان ماشاءالله، اداره دارایی کاشان ضبط نموده و جزء املاک خالصه کرده است، اکنون از پدر تاجدار استدعای عاجزانه داریم که به تقاضای ما رسیدگی فرموده امر و مقرر فرمایید که یا املاک پدران ما را که برای دولت سالیانه هیچ استفاده‌ای ندارد مرحمت فرمایند و یا این که مقداری از املاک و خانه‌هایی که از پدر، جدّ و عموهای ما هست از قبیل خانه نایب حسین پلاک نمره ۷۱۱۳ واقع در

پشت مشهد کاشان و مزرعه شجاع آباد نیاسر که متعلق به عموی این جانبان است و مدت زمانی است لم یزرع و قابل استفاده نمی‌باشد و همچنین شش قفیز زمین مزروعی و مجاری شش سرجه آب چشمهٔ جوشقان استرک جزء خالصه دولت است. اکنون از آن پیشگاه ملوکانه استدعای عاجزانه داریم امر و مقرر فرمایند این املاک را به ما دو نفر عطا فرموده و هرگاه چنانچه طبق مقررات اداری نباشد دستور فرمایند به مدت معتنابهی به این جانبان بفروشند و وجه آن را مطابق مقررات سالیانه دریافت دارند، برای عمران آبادی و کشاورزی، تا با چهار نفر اطفال خردسال و مادر پیر از عهده معاش خود برآمده و به دعاگویی ذات اقدس شاهانه و پدر تاجدار مشغول باشیم و هرگاه بخواهید اوضاع زندگانی ما را بازرسی فرمایند، به ادارهٔ شهربانی کاشان مراجعه نمایند و در تهران هم به‌کلانتری‌های اول خیابان خراسان یا بخش ۱۶ کوچه تنکابنی جنب دکان حسین آقا افشار منزل آقای حسین خسروی کاشانی. امر امر مبارک است

[حاشیه ۱:] شماره ۵۵۹۹/۵ مورخه ۱۳۳۳/۵/۲۱ عینا" به بنگاه خالصجات مراجعه می‌شود.

[حاشیه ۲:] مهر ورود به اداره دفتر بنگاه خالصجات شماره ۱۳۲۶۴، تاریخ ۳۳/۵/۲۵

پرونده در جریان و روی همین نامه اقدام به عمل آمده است. نمره ۳۳/۵/۳۰-۲/۱۶۸۹ **[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵/۳ـ۱۱۴۴۰]**

۵۹۹

وزارت کشاورزی، بنگاه خالصجات، اداره مستغلات، شماره ۱۳۰۳۴/۱۶۶۴/۹
تاریخ ۱۳۳۳/۶/۱

ادارهٔ مستغلات - شماره ۱۳۰۳۴/۱۶۶۴/۹ - تاریخ ۱۳۳۳/۶/۱ پیوست دارد

ادارهٔ کل بازرسی نخست وزیر

با اعادهٔ مرجوعه شماره ۴۷۷۶/ب-۳۳/۵/۱۶ در موضوع تقاضای وراث

بستگان مرحوم نایب حسین کاشی به طوری که ضمن نامه شماره ۹/۱۱۶۶/۶۸۴۰-۳۳/۴/۳۱ به استحضار رسیده، استرداد اموال مزبور به وراث قانونا" میسر نبوده و از نظر این که بیش از ده سال از تاریخ ضبط و تصرف اموال مرحوم نایب حسین می‌گذرد، در این مورد محتاج به تصویب قانون خاصی از مجلسین سنا و شورای ملی است که قبل از تصویب قانون مزبور اقدامی‌مقدور نخواهد بود.

از طرف مدیر عامل بنگاه خالصجات

[حاشیه ۱:] مهر بایگانی دفتر نخست وزیر - سابقه ضمیمه شود ۳۳/۶/۴

[حاشیه ۲:] مهر اندکس شد - حاشیه سمت چپ بالا: با سابقه به عرض برسد ۳۳/۶/۷

[حاشیه ۳:] به طوری که آقای دکتر داوری فرمودند، این موضوع سابقه (پرونده) دارد. پروندهٔ مربوطه را پیوست ارسال دارید ۳۳/۶/۷

[حاشیه ۴:] بایگانی سابقه ضمیمه شود ۶/۸

[حاشیه ۵:] آقای فرزین ۶/۹

دفتر، خلاصه جامعی از پرونده تهیه شود. ۳۳/۶/۹

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۶۰۰

نخست وزیر به تاریخ ۱۳۳۳/۶/۱۳ - شماره ۵۶۹۷ /ب

به عرض جناب آقای نخست وزیر برسد:

پس از قلع و قمع نایب حسین کاشی و پسران او کلیه املاک و دارائی متصرفی آنان را دولت متصرف و اغلب آن را به فروش می‌رساند. بازماندگان که دچار مضیقه اعاشه می‌گردند در مقام تقاضای استرداد املاک مضبوطه بر می‌آیند. گر چه پیش نویس تصویب‌نامه شماره ۱۰۸۳۱ هم برای استرداد املاک تهیه می‌شود ولی براثر مواجهه به برخی اشکالات و از طرفی ابراز مخالفت از طرف مجلس شورای ملی

وقت، استرداد املاک متوقف می‌گردد که بعداً در اثر دادخواست‌های متوالی وراث، تصویب نامه صادر و به موجب آن به پنج تن از عائله نایب حسین وکسان او همه ماهه مبلغ ۳۶۶۰ ریال از سال ۲۲ تا پایان سال ۲۵ از محل اعتبار دولت پرداخت می‌گردد.

نظر به این که سایر وراث نیز مطالبه شهریه می‌کنند، نامه‌ای به شماره ۷۱۰۰-۱۳۲۶/۳/۲۸ [ ] از طرف نخست وزیر وقت، صادر می‌شود که دیگر به وراث وجهی داده نشود و به این ترتیب پرداخت مقرری مسکوت می‌ماند. از آن تاریخ تاکنون بازماندگان متوالیاً به تقدیم دادخواست مبادرت و مصرا" تقاضای برقراری شهریه و یا استرداد املاک را می‌نمایند که به همه این دادخواست‌ها پاسخ منفی داده شده، لیکن باز هم دست از تظلم بر نداشته و هر چندگاهی یک بار مستدعیات خود را تجدید می‌نمایند. مراتب بدین وسیله معروض می‌گردد تا هر طور امر می‌فرمایند به همان قرار امتثال گردد.

سرپرست بازرسی کل نخست وزیر- عبدالله معقول ۳۳/۶/۱۳

[حاشیه:] من چه می‌توانم. خودتان رسیدگی کنید و هر قسم صلاح است اقدام کنید.

مهر ورود به دفتر نخست وزیر - تاریخ ۳۳/۶/۱۳ - شماره ۱۱۶۱۹

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۶۰۱

۱۲/۳۳/۷[۱۳] پیشگاه مبارک جناب اشرف حضرت آقای زاهدی نخست وزیر محبوب ایران

محترما" با کمال ادب به عرض مبارک می‌رسانم این جانبان پرویز آریان‌پور و خواهرم اکرم مدت چند سال است به واسطهٔ عسرت و بدبختی بی‌خانمان و سرگردان به طور متواری بسر می‌بریم و تمام اموال پدران ما را، به عنوان ماشاءالله خان سردار کاشی، اداره دارایی کاشان ضبط و توقیف دولت نمود، اکنون از آن پدر

بزرگوار استدعای عاجزانه داریم بذل توجه فرموده به تقاضای ما رسیدگی امـر و مقرر فرمایند این املاک راکه عبارت است از خانه نایب حسین کاشی واقع در پشت مشهد کاشان پلاک شماره ۷۱۱۳ که خانه پدربزرگ این جانبان و مزرعه شجاع آباد نیاسرکه متعلق به عموی این جانبان است و ۶ قفیز زمین مزروعی جوشقان استرک و ۶ سرجه آب که جزء خالصه دولت است و هیچکدام برای دولت استفاده ندارد، لذا از آن پیشگاه محترم استدعای عاجزانه داریم این املاک را جهت عمران و آبادی و کشاورزی به ما دو نفر عطا و مطابق مقررات به مدت معتنابهی به ما بفروشند و وجهش را دریافت نمایند تا با چهار نفر اطفال خردسال و مادر پیر به دعاگوئی ذات اقدس شاهانه مشغول باشیم و هرگاه بخواهند اوضاع زندگی رقت‌بار ما را بازرسی فرمایند به ادارهٔ شهربانی کاشان یا تهران به‌کلانتری ۶ مراجعه فرمایند تا صدق عرایضمان به شما ثابت گردد.

پرویز آریان‌پور. اکرم

آدرس اول خیابان خراسان جنب حمام شاه خراسان - مقابل کوچه تنکابنی منزل خسروی

[حاشیه ۱:] این موضوع سابقه دارد پیوست فرمایید ۱۳/۷/[۱۳۳۳]

[حاشیه ۲:] بایگانی شود.

[حاشیه ۳:] مهر بازرسی مخصوص نخست وزیر شماره ۷۹۷۱/ب تاریخ [۱۳]۳۳/۷/۱۳

[حاشیه ۴:] جناب آقای حمیدی به عرض برسد. احتراما" گزارش به مقام نخست وزیری تقدیم، مقرر فرمودند (من چه می‌توانم در این خصوص خودتان رسیدگی و هر طور مصلحت و میسر باشد اقدام کنند،) که عینا" به عرض ریاست کل رسیده و مقام معاونت ملاحظه، دستور بایگانی آن را صادر فرموده‌اند. با این ترتیب هر طور دستور بفرمایید اقدام شود. ۱۵/۳/[۱۳۳۳]

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۶۰۲

نخست وزیر- شماره عمومی۳۰۸۳/۵ - تاریخ پیش نویس ۳۳/۳/۱۵[۱۳]

وزارت دارایی

پیرو عریضه شماره ۱۴۵۷/۵ مورخه ۳۳/۳/۶[۱۳] موضوع شکایت بانو رقیه سید حسینی خواهشمند است دستور فرمایید از نتیجهٔ اقدامی‌که نسبت به شکایت نامبرده به عمل آمده ضمن همین مرقومهٔ ارسالی این بازرسی را مستحضر سازید تا پاسخ شاکیه که مجدداً شرحی در تاریخ ۳۳/۳/۸[۱۳] به این بازرسی تسلیم نموده هم [داده شود.] ۳۳/۳/۱۱[۱۳]

کفیل بازرسی کل نخست وزیر

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۶۰۳

وزارت دارایی، تاریخ ۱۳۳۳/۳/۳۱ شماره ۷۱۸۱

اداره کل بازرسی مخصوص نخست وزیری

پاسخ نامه شماره ۳۰۸۳/۵-۳۳/۳/۱۵[۱۳]، چون موضوع دادخواست بانو رقیه سید حسینی مربوط به بنگاه خالصجات بود، عین مرجوعه به بنگاه نامبرده ارجاع گردید که رسیدگی و نتیجهٔ اقدام را مستقیما" به آن بازرسی کل اطلاع دهند. اینک هم مجدداً تاکید شد که در ارسال جواب تسریع نمایند.

از طرف وزیر دارایی امضاء

مهر ورود به دفتر مخصوص نخست وزیر شماره ۳۹۱۷/۵ - تاریخ ۳۳/۴/۲[۱۳]

[حاشیه ۱:] سابقه ضمیمه شود ۳/۵/[۱۳۳۳]

[حاشیه ۲:] پس از یک ماه اعلام شود. ۳۳/۴/۷[۱۳]

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۶۰۴

وزارت کشاورزی، بنگاه خالصجات، تاریخ ۱۳۳۳/۶/۱۴ شماره ۱۱۵۳۳/۵
اداره کل بازرسی مخصوص نخست وزیری

پیرو نامه شماره ۷۱۸۱-۲۱/۳/۳۳[۱۳] وزارت دارایی موضوع دو فقره شکوائیه بانو رقیه سید حسینی و معصومه جهانگیری دختران مرحوم کرم خان دهکردی که از طریق وزارت دارایی به منظور صدور پاسخ به این بنگاه ارسال گردیده به استحضار می‌رساند:

مرحوم کرم خان دهکردی از افراد نایب حسین کاشی بود که هنگام قلع و قمع اشرار کشته شد و املاک نامبرده طبق قانون به ضبط دولت درآمده است و در سال ۱۳۲۱ اداره دارائی شهرستان کاشان درخواست ثبت املاک مزبور را نموده که در فرجه قانونی به تقاضای ثبت دولت اعتراض به عمل نیامده و شماره پلاک ۶۲۰ برای املاک مورد بحث از طرف اداره ثبت محل تعیین شده است. بانوان نامبرده، پس از قطعیت درخواست ثبت دولت، دادخواستی به خواسته اعتراض به ثبت مورد بحث به دادگاه شهرستان تهران تسلیم نموده‌اند که پرونده امر فعلا" بکلاسه ۱۰۲۰/۳۱ در شعبه ۱۷ دادگاه شهرستان تهران مطرح و مورد رسیدگی می‌باشد که بایستی در انتظار اعلام رای اتخاذ تصمیم از طرف دادگاه فوق الاشعار بود.

از طرف مدیر عامل بنگاه خالصجات حسن رهبر

[حاشیه ۱:] مهر ورود به دفتر بررسی مخصوص نخست وزیر - شماره ۶۳۳۸/ب - تاریخ ۶/۶/۳۳[۱۳] اندکس شد.

[حاشیه ۲:] سابقه ضمیمه شود ۲۰/۶/[۱۳۳۳] - حاشیه پایین: سابقه ضمیمه پرونده شد ۲۰/۶/[۱۳۳۳]

[حاشیه ۳:] آقای خاقانی ۲۱/۶/[۱۳۳۳]

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۱]

۶۰۵

جناب آقای نخست وزیر محبوب کشور شاهنشاهی ایران

باکمال احترام به عرض عالی می‌رساند این کمینه بانو رقیه سید حسینی صبیهٔ مرحوم کرم خان دهکردی که از طرف دولت وقت مأمور دفع غائله کاشان بوده و با نایب حسین کاشی و چراغعلی خان جنگ نمود و در همان جنگ کشته شد. در آن موقع این جانبه صغیر بوده‌ام و یک قطعه باغچه به مساحت ۱۲ جریب به انضمام عمارت و ساختمان سنگ ۴۹ و دو جریب زمین در صفی آباد کاشان پلاک ۶۲۱ به قدر الحثه (الحصه) از آب قنات به ارث به این جانبه رسیده و چون سرپرستی نداشتم، مادرم مرا به فریدن اصفهان نزد بستگان خود برد. مدتی در آنجا ساکن بودیم. وقتی که به‌کاشان مراجعت نمودیم مشاهده شد که عده‌ای قصاب زمین موروثی کمینه را تصرف نموده و مشغول کشتار هستند. از آنها شکایت نمودیم معلوم شد که دارایی به آنها واگذار نموده است و چون از دارایی شکایت نمودیم، معلوم شد که دارایی کاشان خودسرانه این اجازه را بـه قـصابها داده است. فـعلاً" پرونده در اداره خالصجات به شماره ۲۴/۴۷۴۱-۳۵/۶ موجود است و دارایی هم اعتراف به مالکیت این جانبه نـموده، بـا ایـن کـیفیت مـلک ایـن جـانبه را مسترد نمی‌دارند و می‌گویند بایستی ادارهٔ خالصه بـه مـا دسـتور دهـد. بـه ادارهٔ خـالصه مراجعه نمودم، اظهار می‌نماید که بایستی از مقام نخست وزیری دستور استرداد ملک را صادر و به اداره خالصه‌جات بفرستند تا ما اقدام به تحویل نماییم. لذا چون این جانبه کسی را ندارم و مقدور هم [نیست] برای این جانبه که وکیل مدافعی تعیین نمایم که احقاق حق بنماید، لذا از مقام محترم نخست وزیر محترم تقاضای عاجزانه دارم که نظر لطف و مرحمت فرموده و دستور فرمایید که دقیقا" رسیدگی و احقاق حق بنمایند تا این جانبه با چند سر عائله به دعاگویی آن وجود مبارک مشغول باشیم با تقدیم احترامات فائقه. [اثر] انگشت رقیه سید حسینی

[حاشیه ۱:] کلیهٔ پرونده ضمیمهٔ نامه شماره ۴۲۵۳۳/۴ مورخ ۳۶/۳/۲[۱۳] برای اقدام به ادارهٔ عرایض ارسال می‌گردد. ۳۶/۳/۱۵[۱۳]

[حاشیه ۲:] اداره محترم عرایض سابقه ندارد ۱۳۳۶]/۳/۱۳] پرونده ورثه نایب حسین کاشی سابقه دارد ۱۳۳۶]/۳/۱۴]

[حاشیه ۳:] صفحه ۲ آقای کیوان، ظاهراً نظیر تقاضای قبلی نیست. ممکن است جریان امر از ادارهٔ کل خالصجات استعلام شود. ۱۳]۳۶/۳/۷]

[حاشیه ۴:] سابقه را پس از اعاده ارسال فرمایند. ۱۳۳۶]/۳/۱۵]

[مهر ناخوانا نخست وزیری] شماره ۵۸۹۵/۴ مورخه ۱۳]۳۶/۳/۱۳]

[شماره سند ۱-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

۶۰۶

نخست وزیر

به عرض برسد

در مورد شکایت بانو رقیه سید حسین (حسینی) فرزند مرحوم کرم خان دهکردی با مطالعه پرونده مربوطه در بنگاه خالصجات اینک خلاصه جریان را به عرض می‌رساند:

مرحوم کرم خان دهکردی از اتباع ماشاءالله خان کاشی بوده که قبل از قلع و قمع اخیر الذکر مقتول گردیده است و یک باب عمارت و باغ آن را ابتدا ماشاءالله کاشی و بعد از اعدام او دولت ضبط می‌نماید. در سال ۱۳۲۱ ادارهٔ دارایی کاشان محل مزبور را به نام دولت ثبت می‌دهد و پس از صدور سند مالکیت و انجام تشریفات قانونی،در سال ۱۳۳۲ مبلغ ۲۴۲۰۰ ریال به فروش می‌رساند. ضمناً" توضیح می‌دهد که شاکیه و خواهر دیگرش بانو معصومه جهانگیری در سال ۱۳۳۱ دادخواستی به خواسته خلع ید از زمین مذکور به دیوان دادرسی دارائی تسلیم می‌نمایند که در اثر انحلال دیوان مزبور، پرونده به دادگاه شهرستان تهران ارسال و در شعبه ۱۷ منجر به صدور حکم محکومیت خواهانها می‌گردد و این حکم مورد تائید دادگاه استان تهران واقع شده و دادخواست فرجامی آن هم رد می‌گردد. بنابراین ورثه کرم‌خان قانونا" نمی‌توانند ادعائی نسبت به ملک مذکور داشته باشند،

ولی چون مالکیت پدرشان نسبت به زمین مزبور مورد تصدیق عده[ای] از اهالی محل و همچنین دارایی کاشان می‌باشد و ارتباطی به اموال ماشاءالله کاشی ندارد، در صورتی که تصویب می‌فرمایند دستور داده شود ثمن معامله به ورثه مرحوم کرم خان و بانوان رقیه و معصومه مسترد شود.

بازرس نخست وزیر حسینقلی کیان

[حاشیه ۱:] آقای احمدی ۳۶/۴/۳ -

[حاشیه ۲:] آقای کیان، شرح مقتضی به وزارت دارایی مرقوم دارید.

احمدی

[۱۳]۳۶/۴/۴

[شماره سند ۱ـ۱۱۶۰۰۵ـ۱۱۴۲]

۶۰۷

وزارت کشاورزی، بنگاه خالصجات، تاریخ ۱۳۳۶/۷/۸، شماره ف ۱۰۳۵۴/۳۲۱۴

مقام جناب آقای نخست وزیر

عطف به مرقومه شماره ۳۱۸۳ مورخ ۳۶/۶/۱۵ به استحضار عالی می‌رساند:

در موضوع شکوائیه بانو رقیهٔ سیدحسینی فرزند مرحوم کریم (کرم) خان دهکردی رسیدگی‌های لازم به عمل آمد. به طوری که سوابق امر و گزارش ادارهٔ دارایی کاشان حاکی است در پشت باغ ماشاءالله خان باغ و قطعه زمینی وجود داشته که مشهور به باغ و بایرهٔ کرم خان بوده، باغ و بایرهٔ مزبور بعد از قلع و قمع ماشاءالله خان و اتباعش، جزء املاک و مستغلات مرحوم ماشاءالله خان ضبط و در سال ۳۲۱[۱] به ثبت رسیده. اراضی بایرهٔ مزبور در سال ۳۱[۱۳] به مبلغ ۲۴,۲۰۰ ریال به فروش رسیده و فعلاً" چهار سال است در تصرف خریدار می‌باشد. به قرار اطلاع مرحوم کرم خان یکی از اتباع مرحوم ماشاءالله خان بوده که چند سال قبل از قلع و قمع ماشاءالله کشته شده و باغ و بایرهٔ کرم خان را ماشاءالله خان متصرف و

بعدا" از طرف دولت ضبط و باگذشت مدت ده سال فرجهٔ مقررهٔ قانونی به ملکیت قطعی دولت درآمده و به شرح بالا تقاضای ثبت [داده] و فروخته شده است. بانو رقیه حسینی به ادعای این که فرزند کرم خان است، تقاضا دارد باغ و بایرهٔ مزبور به نامبرده مسترد شود که چون باگذشت مدت ده سال از تاریخ ضبط، ملک قطعی دولت بوده فروخته شده و اقدام دیگری در این باره میسر به نظر نمی‌رسد.

مدیر عامل بنگاه خالصجات

مهر ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۹۰۴۵/ب، تاریخ ۱۷/۷/[۱۳۳]۶

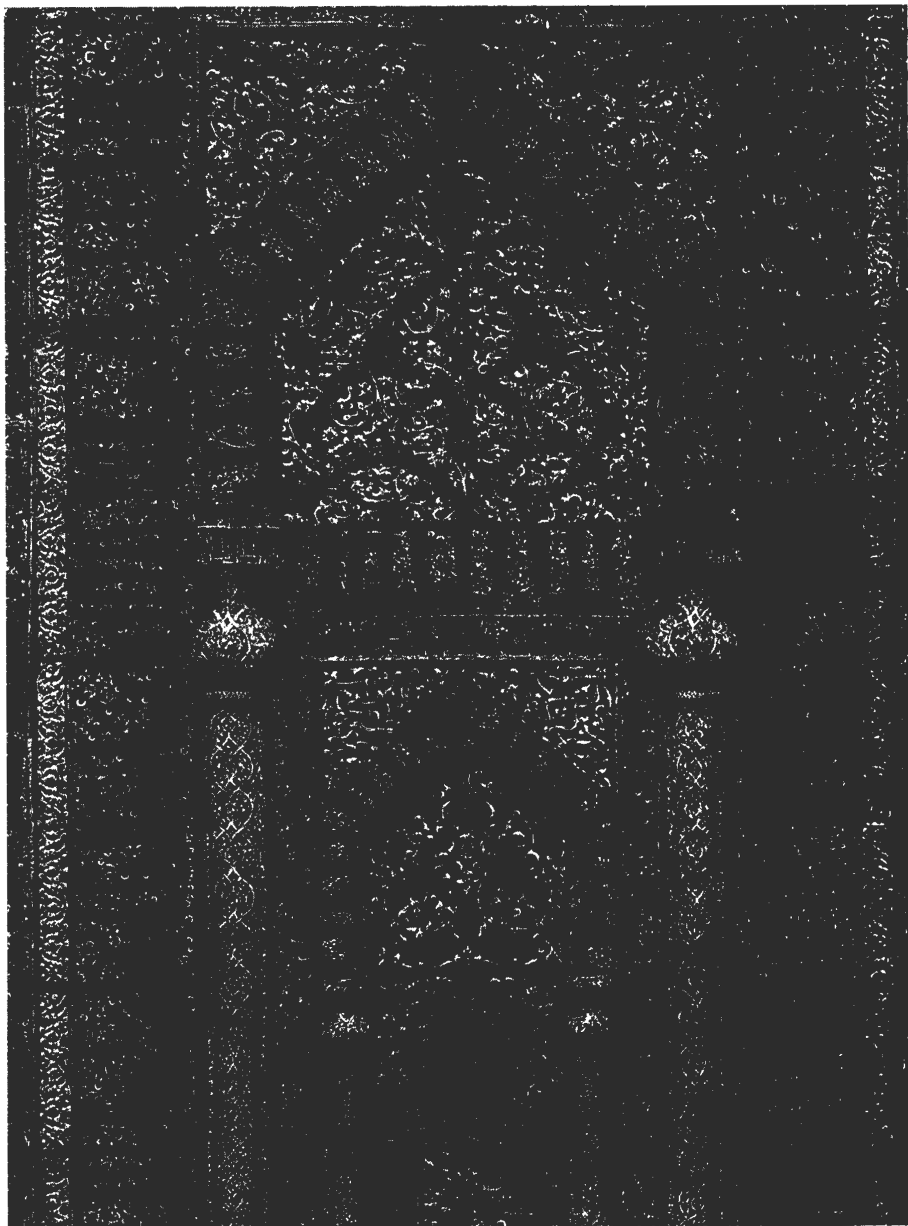
[حاشیه:] سابقه ضمیمه شد ۱۰/۷/[۱۳۳۶] باکپیه

[شماره سند ۱-۵-۱۱۶۰۰۵-۱۱۴۲]

گزیده تصاویر و اسناد*

* کلیه عکس‌ها جز دو عکس اولی از مجموعه عکس‌های اهدایی آریان‌پور استفاده شده است.

متاسفانه شناسایی تک‌تک افراد مقدور نبود بدین وسیله از علاقمندان به‌تاریخ منطقه درخواست می‌نماییم با شناسایی عکس‌ها تا جایی که مقدور است و اعلام به سازمان اسناد ملی ایران ما را در چاپ بعدی یاری نمایند.



کارت پستالی از محراب مسجد به تاریخ ۶۲۳ هـ . ق . گفته می‌شود «در غائله نایب حسین و ناامنی و هرج و مرج ناشی از آن به وسیله‌ای سرقت شده و اکنون در موزه برلن نگهداری می‌شود». ر.ک. فصلنامه هنر، شماره ۱۵، بهار ۱۳۶۷. مقاله آقای مهدی صدری



سیدجلال‌الدین حسینی کاشانی معروف به مؤیدالاسلام و حبل‌المتین کلکته



نایب حسین کاشانی، ماشاءا... خان، علی شجاع لشکر، حسن‌خان، علی‌محمدخان،سید آقابزرگ، جعفرخان و ...







نایب حسین کاشی و ماشاءا... و افرادش



ماشاءا... خان کاشی



فرد نشسته: ماشاءالله... خان
دو نفر میرپنج اسیر - مهدی امین لشکر، علی مزوشی، یحیی غفاری، حسن منصور لشکر و ...



ماشاءا... خان کاشی



ردیف نشسته:

ماشاءا... خان وسط، سیدابراهیم فلاح سمت راست، ارباب محمدرضا سمت چپ



ماشاءا... خان کاشی



از راست به چپ، ردیف اول: دکتر نوابی، مهدی غفاری، ضرغام نظام غفاری، سیدمحمدتقی پشت مشهدی، محتشم‌السلطان غفاری، علی شجاع لشکر، ماشاءا... خان، معززالدوله صالح، محمد سیف لشکر، حسن منصور لشکر، رحیم غفاری و ...



ماشاءا... خان و افرادش





مورخه ۹ شهر جمادی الاول ۱۳۳۰

ضمیمه

وزارت داخله

اداره کابینه دائره ریاست استخراج تلگراف رئیس حکومت کاشان

نمره ۱۳۸

[حسب تحقیق]

مقام منیع وزارت جلیله داخله حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء نایب حسین [illegible] [بکرّات]

اگر هم ایران باد داده شود بهتر است از شرف [illegible] برای اصلاح هر نوع [illegible]

تجمع کردم این روزها شدت کرده تمام املاک مردم را که گرفته [illegible]

رعایا را می‌برند مالیات دو سال هم حکومت کاشان را گرفته دولت [illegible] او در

دهات اطراف کاشان غارت در شهر هم نوعی حکم می‌کند خیال او حکومت

و حکمرانی مالیات است [illegible] را برای [illegible] طهران فرستاده اهالی را تهدید [illegible] می‌خواهد

عرصه تنگ شوند [illegible] خارج او وارد [illegible] حاکم دیگری راه نمی‌دهد اهالی [illegible]

خواهش حکومت او را [illegible] تلگراف [illegible] هم از اهالی گرفته [illegible] طاقت شده

با او این کار [illegible] کشیده تکلیف چیست [illegible]

بروند خیال [illegible] پانصد و پنجاه سوار [illegible] کاشان محفوظ والا [illegible] گذشته

حقوق سوار نرسیده با این [illegible] در شهر توقف می‌کنم تکلیف [illegible] .

[illegible]

وزارت داخله

مورخه ۲۳ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۰

ضمیمه

اداره کابینه دائره ریاست

نمرهٔ ۵۸۲۳ / ۲۲۳

استخراج تلگراف رئیس حکومت کاشان

مقام منیع ریاست وزراء و وزارت داخله مکرر عرض کردم حقوق نوابهای دولت را که شش ماه است ابداً [illegible] نفرستاده‌اند و همین [illegible] صادر می‌شود [illegible] مکرر عرض کردم کار ناب حسین را تمام کنید ابداً جواب نرسیده فعلاً تا چهار روز است از آنجا کاشان نمی‌کنید بنده هم استعدادی ندارم سهام‌الملک چراغعلی‌خان بختیاری با سوار از ترس رفتند معلوم نیست لابد اصفهان یا قم کاشان در خطر است یک طرف به استعدادی یک طرف اگر استعداد تا چهار روز نرسید از شهر خارج می‌شوم رئیس بانک هم با سوار از کاشان رفتند ده هزار تومان با رواج رسوم ایالت مقروض شده‌ام هرچه عرض کردم نظر به این جواب نفرمودند بخزانه داری اظهار شده است حالا که کو[رتان] دولت مرا نمی‌خواهد جواب هم بفرمایید روز ۲۴ اگر سوار حرکت ننمودند خارج می‌شوم [illegible]

جواب

[illegible]

وزارت داخله

مورخه ۱۱ شهر صفر المظفر ۱۳۳۰

ضمیمه

اداره ریاست دائره حضور حضرت متصرف محترم کاشان مقام منیع وزارت جلیله داخله

نمره ۲۹۹

حضرت محترم در خصوص دیگر نایب حسین را بکاشان خواسته اید و فرموده اید
بواسطه دیگر دست از شرارت ها بردارد و در صدد هم نیست دختر دیگر
از برای بنده تعهد گرفتم یکی از پسر او با پنجاه نفر سوار بکاشان آمده
هفته شده حال وارد شد تا در رکاب خود شغل خدمت بمن بگذارد عرض کردم
در همه موارد خاطر مبارک را مستحضر داشتم در ترتیب دفع آن عده بوده‌ام تعجب کنید
همیشه هم عرض میشود که خاطر مبارک مستحضر باشد لابد هستم اگر تا حال
با دو ده نفر نایب ناچار هستم بواسطه مخارج زیاد دست از کار بکشم
الامر امر مبارک

دولت علیه ایران

وزارت داخله

طهران ... بتاریخ ۳ ربیع ثانی ۱۳۳۰

اسم نویسنده ... صادره تحریرات

نمره کتاب ثبت	۲۹۳۷
کارتن	دوسیه
ذکر نمره های قبل	
شعبه تحریرات	ضمیمه

ارسال در ساعت

[illegible]

۶۷۳ اداره تلگرافی دولت علیهٔ ایران ۲ ۳ کارگزاری

از [illegible] به طهران

صفحه

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
۱۴ [illegible]	۱۵۶	روز	ساعت	دقیقه	

مقام منیع وزارت جلیله داخله لطفاً [illegible] قرزش [illegible] ل ارس ق و ب

کس ط [illegible] از حکام و نائب‌الحکومه‌ها [illegible] محترم [illegible] ل رن ق ب و

ورود [illegible] د ذ ط [illegible] که علاقه‌مندی برای خود تصور نکرده است [illegible]

خ ش ع حرکت [illegible] لطف [illegible] در [illegible] شاهنشاهی [illegible] خارج [illegible]

[illegible] [illegible] اگر علاقه‌ای فوری در این خصوص نشود دولت ایران [illegible]

زحمت [illegible] خود [illegible] لازم [illegible] قرار [illegible]

[illegible] را واداشته [illegible] کار [illegible] دولت را لازم دانسته [illegible] تصور [illegible]

نظریات عالیه اولیای دولت است سلخ شوال ۷۵۷ [illegible]

تاریخ ۲ ۳ شهر [illegible] ساعت [illegible] دقیقه [illegible] سنه ۱۳۳۰

[illegible]

Fol. 17

Trésorerie Générale

~~Lettre~~ Télégramme | du 6 [illegible] 1331 №

reçu de Machalla Khan

le 20 [illegible] 1913 enregistré sub. № 2549

transmis à [illegible]

Traduction:

[illegible] Trésorier Général,

Je vous prie de [illegible] mes appointements [illegible] agence de Kachan.

[illegible] Machalla

[illegible]

Réponse:

Téhéran, le 19

Télégramme

[illegible] Machallah Khan

Kachan.

Suite votre télégramme j'ai mandaté 2442 tomans sur Kachan et 1000 tomans sur Yezd pour solde mois [illegible] de vos cavaliers stop le mandatement (partiel) sur Yezd était nécessaire parce que vos hommes avaient reçu [illegible] pour éviter toute difficulté à l'avenir vous devez [illegible] préciser définitivement montants [illegible] à effectuer à Kachan et à Yezd, autrement Trésorerie sera

فهرست اعلام

الف

ب

ش

ص

ض

ک

گ

ن

و

هـ

ی

Kashan ´S Nayebian on the basis of Records

By : Dr. A.H. Navaii & M. Baqaii Shirehjini

publication Of Iran National Archives Organization

" Records Research Center "

2001